

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۸)

وصیت نامه کامل شهدا

استان سمنان



دو قمر چهارم

حا-خد

حاج اسماعیل زاوه- خدیان

تصحیح و تنظیم

دکتر منوچهر اکبری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

تیرماه ۱۳۹۱

سرشناسه: اکبری، منوچهر، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور: وصیت‌نامه کامل شهید: استان سمنان / تصحیح و تنظیم منوچهر اکبری؛
مشخصات نشر: تهران: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران، ۱۳۹۱ -

مشخصات ظاهری: ۱۳ ج: مصور، نقشه.

فروست: آثار و اسناد شهدا و ایثارگران: ۳.

شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۴: ۸-۴۵۶-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

مندرجات: ج. ۴: ح - خ (حاج‌اسماعیل‌زاده - خدایان)

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- سمنان (استان) -- شهیدان -- وصیت‌نامه

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- شهیدان- وصیت‌نامه

شناسه افزوده: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران. مرکز اسناد و آثار فرهنگی شهدا و ایثارگران

شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ عو۶۸۲۴الف/۱۶۲۵ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۱۸۱۰۳



واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۸)

وصیت‌نامه کامل شهدای استان سمنان ♦ دفتر چهارم حا- خد (حاج‌اسماعیل‌زاده- خدایان)

تصحیح و تنظیم: دکتر منوچهر اکبری (استاد دانشگاه تهران)

نوبت چاپ: چاپ اول تیرماه ۱۳۹۱ ♦ تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

هماهنگی فنی: نسترن حاجی‌زاده سابق

گویاسازی: بهمن اکبری

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: فرشته اسدی جوزانی ♦ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند

امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: آستان قدس رضوی

به سفارش: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال ♦ شابک: ۸-۴۵۶-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعراى بهار شمالی- شماره ۵ معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد

شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۸۲۴۷۴۹

توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ♦ مرکز بخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱ قم ۷۸۳۰۳۴۰-۰۲۵۱ و فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر

فروشگاه‌های معتبر

www.navidshahed.com

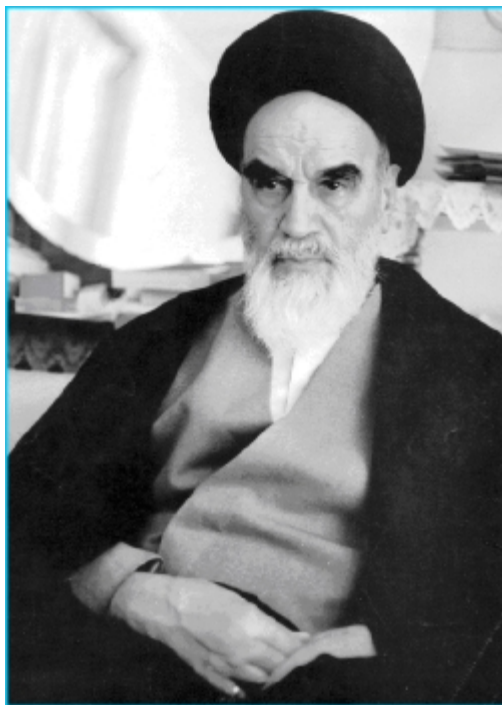
فہرست

139	حجی، محمد مہدی	11	سخن ناشر
150	حسام جبلی، رضا	15	حاج اسماعیل زادہ، علیرضا
155	حسنان، حسن	20	حاجی آقایی، داوود
164	حسنان، سعید	26	حاج حسنی، رجبعلی
170	حسن بیگی، محسن	36	حاج حسنی، عبدالعلی
175	حسن بیگی، محمد تقی	39	حاج حسنی، قربانعلی
180	حسن نو، محمد باقر	46	حاج حسنی، محمد تقی
202	حسنی، حسینعلی	52	حاج عیدی، رحمت اللہ
207	حسنی، عباس	55	حاج قاسمی، حسین
213	حسین پور، علی	60	حاج قاسمی، محمد
216	حسین پور، علی اکبر	70	حاج قاسمی، محمود
219	حسین پور، قنبر	76	حاج محمدی، محمد تقی
224	حسین پور، محمد ابراہیم	83	حاج مہدی، عابدین
240	حسینی، ابراہیم	92	حاجی علیان، حسین
246	حسینی، سید تقی	97	حاجی قربانی، محمد علی
251	حسینی، سید حسین	100	حاجی کمالی، ماشا اللہ
260	حسینی، سید علی	103	حامدی، علی
265	حسینی، سید علی	111	حامدی، عین اللہ
282	حسینی، سید مجتبی	116	حجاری، حسن

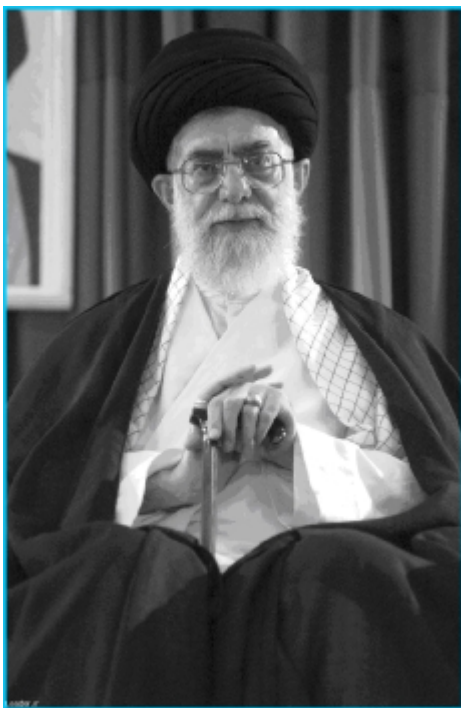
458	حلوانی، عباسعلی	303	حسینی، سیدمحسن
465	حلوانی، علیرضا	307	حسینی، سیدمحمد
468	حلوانی، محمد مهدی	317	حسینی، محمدرضا
477	حلوانی، علی محمد	327	حسینی، سید موسی
481	حمیدی، عبدالرضا	332	حسینی، سید نورالله
488	حیدرزاده، محمد اسماعیل	337	حسینی پور، محمد امین
496	حیدرهای، سید محسن	348	حسینی فرد، سید محمد
500	حیدری، علی	353	حسینی میقان، سید حسین
508	حیدری، علی اصغر	365	حسینی میقان، سید رضا
513	حیدری، علی اکبر	376	حسینی میقان، سید علی
521	حیدری، علی محمد	385	حسینی میقان، سید محمد
530	حیدری، محمد	393	حسینیان، سید ابوالقاسم
541	حیدری، محمد تقی	400	حسینیان، سید اسدالله
546	حیدری، محمدرضا	405	حسینیان، سید علی
550	حیدری، یحیی	410	حسینیان، سید غلامرضا
553	حیدری پور، علی	419	حسینیان، سید کریم
567	خاتمی، سید علی	435	حسینیان، سید محمدرضا
577	خادمی، محمد	447	حقیقت، مجیدرضا
588	خادمیان، حسن	452	حلاجان، محمدرضا

731 خدا بنده لو، محمدرضا
736 خدادادیان، محمدجعفر
742 خدامی، علیرضا
749 خدامی، محمود
757 خداوردی، محمدعلی
765 خداوردی، نوروزعلی
775 خدایان، حسنعلی
783 تعلیقات

592 خادمیان، حسن
595 خادمیان، حسن
602 خادمیان، غلامعلی
612 خادمیان، محمد مهدی
618 خارکش، رمضانعلی
627 خالصی، احمدرضا
647 خالصی، غلامرضا
654 خالصی، محمدحسن
660 خالصی، محمدرضا
669 خالصی دوست، ابوالقاسم
678 خالقی، محمدعلی
685 خالقیان، احمد
689 خان بیکیان، حسن
692 خانعلی، حسن
697 خانلرخانی، حجت الله
705 خان محمدی، غلامرضا
712 خان محمدی، محمدرضا
718 ختیال، محمدعلی
721 خدا بنده لو، محمدرضا



«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»
امام خمینی (ره) - صحیفه نور - جلد 15 ص 32



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری - نماز جمعه تهران - آذرماه 1381

سخن ناشر

اطلاع‌رسانی و انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران با هدف روشن‌نمایی تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ادامه فرآیندی است که بنیاد شهید و امور ایثارگران در ساختار اسنادی، مطالعاتی و انتشاراتی خود در نظر گرفته است.

آغاز فعالیت انتشاراتی در بنیاد مقارن با تأسیس این نهاد مهم و انقلابی در سال 1359 بوده و تاکنون صدها عنوان کتاب در زمینه‌های ادبی، پژوهشی، اسنادی و تاریخی برجامعه عرضه شده است؛ ولی آنچه را می‌توان بر مبنای مطالعه اهداف سازمانی در دوره‌های مختلف شکل‌گیری و توسعه بنیاد حائز اهمیت دانست، تأسیس انتشارات شاهد با هدف تدوین و انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران بوده است؛ گو اینکه به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی، قلت و پراکندگی منابع و عدم تنظیم و آماده‌سازی اسناد، تمرکز فعالیت‌های نشر شاهد بر روی انتشار اسناد شهدا و ایثارگران به شیوه علمی و تخصصی تاکنون کم‌رنگ بوده است و لذا وجه ادبی و غیراسنادی در نشر شاهد گاه بر وجوه مطالعاتی و اسنادی آن غالب شده است.

از چندی پیش انتشارات شاهد، براساس اهداف دیرینه و در پی ایجاد شرایط مناسب‌تر که آثار و اسناد ایثارگران فراهم‌آوری و تنظیم گردید، انتشار اسناد دست اول آن بزرگواران را اولویت مهم خود قلمداد کرده است. به باور اندیشمندان و صاحب‌نظران تاریخی، فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و

پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام (؛) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکار می‌سازد.

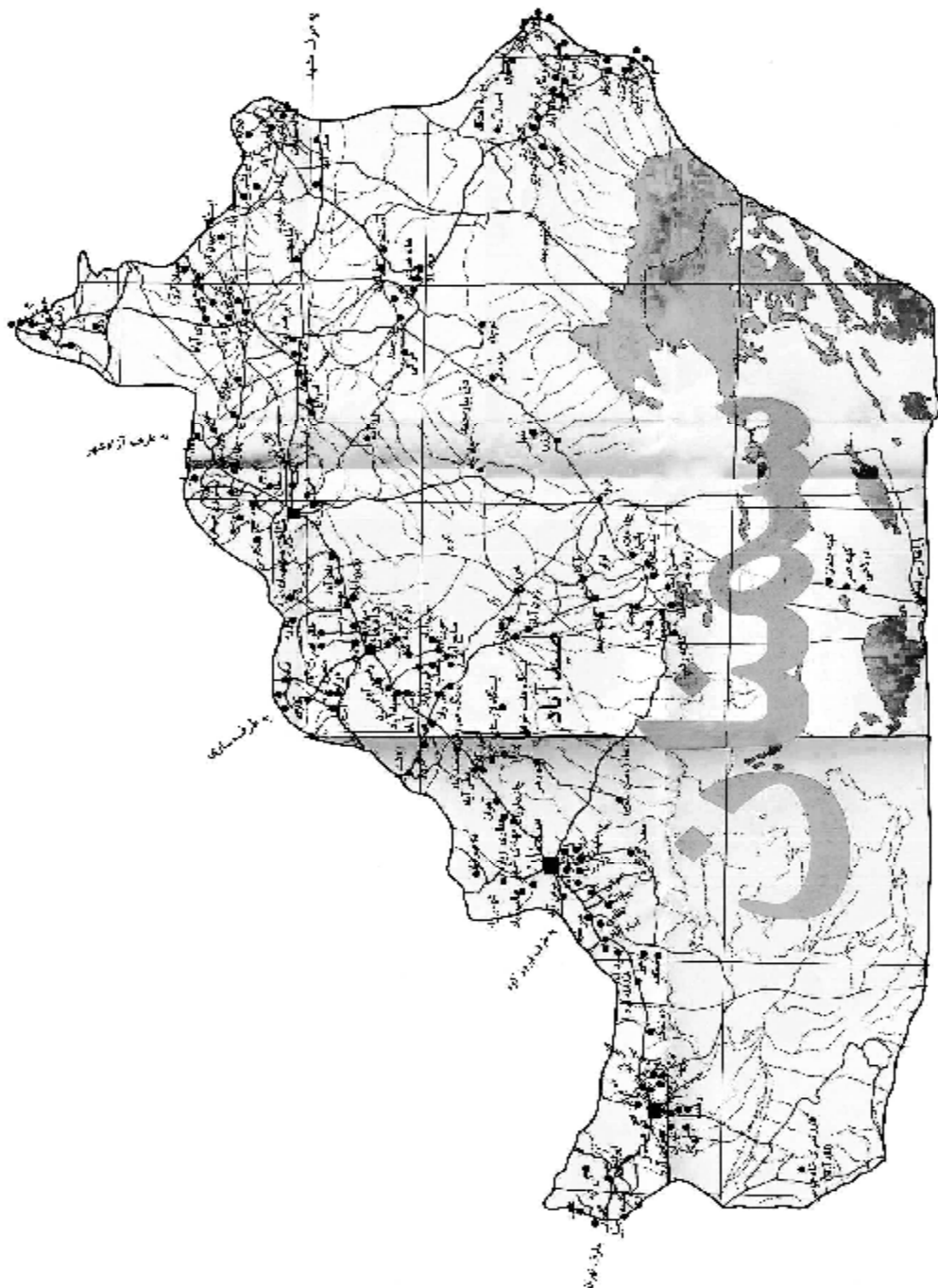
در هفت جلد قبل، نظرات بسیار سودمند و قابل اعتناء به دفتر انتشارات شاهد رسید و مورد بررسی قرار گرفته و پس از تایید کمیته مستندات در این کتاب لحاظ گردید. این کتاب حاوی 101 وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان سمنان (دفتر چهارم) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسانه در واحد انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استادگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات و تاریخ دفاع مقدس به‌عنوان چهره نام آشنا در عرصه‌های دانشگاهی و پژوهشی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را به عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحب‌نظران گرانقدر آقایان: دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی و... صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

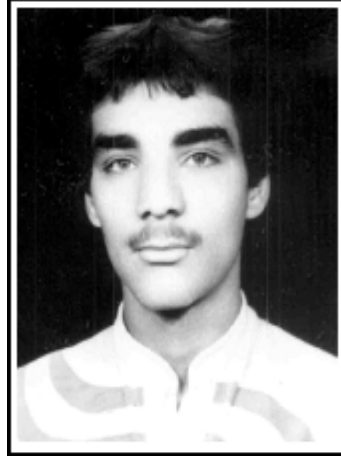
در پایان دست صاحب‌نظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

نشر شاهد

اردیبهشت 1391



نام: علیرضا
نام خانوادگی: حاج اسماعیل زاده
نام پدر: حسن
نام مادر: معصومه
تاریخ تولد: دهم بهمن 1344
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و چهارم اردیبهشت 1365
محل شهادت: حاج عمران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت های کلیدی

ا شهادت این واژه وصفناکردنی، این رمز پیروزی و این برگزیده ترین و پرافتخارترین راه
سربازی را [با] دلی مملو از عشق به اسلام و وطن انتخاب می کنم.
ا خدایا شاهد باش که از تمام مظاهر مادی و از تمامی عشق های دنیوی دل بریدم تا به تو
بپیوندم.
ا بارالها من خواهان شهادتم، اما نه به آن معنی که از دنیا و زندگی خسته شده ام بلکه می خواهم با
رنج کشیدن در راه تو و ریختن خونم به خاطر تو ذره ای از گناهانم پاک گردد.
ا امام را دعا کنید و نمازهای جماعت را هرچه باشکوه تر برگزار کنید و در راه اسلام از هیچ
کاری دریغ نکنید.

علیرضا حاج اسماعیل زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام او که دل‌ها پروانهٔ اوست.

ما در ره عشق نقض پیمان نکنیم	گر جان طلبد دریغ از جان نکنیم
دینا اگر از یزیدیان لبریز شود	ما پشت به سالار شهیدان نکنیم
اگر گردهم شهید راه میهن	بماند تا قیامت شهرت من
چه حفظ ملک دین از واجبات است	نباید پس دمی غافل نشستن

با سلام [و] درود بر مهدی موعود، منجی عالم و هدایت‌کنندهٔ بشر، و نایب برحقش رهبر مستضعفین جهان، رهرو انبیا، بت‌شکن زمان، خمینی. و با سلام و درود بر تمامی رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل؛ به امید پیروزی هر چه سریع‌تر آنها. و با سپاس و ستایش خداوندی که انسان را آفرید و به فضیلت نطق و بیان و مزیت عقل و کمال از دیگر مخلوقات متمیز گردانید و «برای هدایت و ارشاد انسان رسولانی با کتاب فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و ضلالت¹ نفس برهاند»² و صحن گیتی را به سوی علم و معرفت و کمالات انسانی هدایت سازند و به این بندهٔ حقیر و ناتوان توانایی داده تا چند کلمه‌ای به عنوان وصیت برای دوستان و هم‌زمانم و پدر و مادر و خواهر و برادران بنویسم.

شهادت. شهادت این واژهٔ وصف‌ناکردنی، این رمز پیروزی و این برگزیده‌ترین و پرافتخارترین راه سربازی را [با] دلی مملو از عشق به اسلام و وطن انتخاب می‌کنم. می‌روم به جبههٔ حق تا فریاد حق‌طلبانهٔ این ملت مظلوم را با رگبار گلوله بر گوش این کافران

1- در اصل وصیت «ظلالت».

2- می‌تواند اشاره‌ای باشد به آیه 151 سوره بقره «كما ارسلنا فیکم رسولا یتلوا علیکم آیاتنا و یریکم و یتعلمهم الکتاب و الحکمة و...» و البته مفهوم کلی عبارت شهید با آیه‌های دیگر نیز سنخیت دارد.

بعثی، این منافقین¹، این خون خواران و جنایتکاران و آن اربابان به اصطلاح ابرقدرتش [ان] برسانم، می روم تا خط سرخ شهادت را رنگین تر کنم، می روم تا سر ببازم.

«یا ولیّ المؤمنین یا غایت آمال العارفين یا غیاث المستغیثین یا حبیب قلوب الصّادقین و یا اله العالمین»² «ای صاحب اختیار مؤمنان، ای نهایت آرزوی عارفان، ای فریادرس فریادخواهان، ای محبوب دل های راستگویان و ای خدای جهانیان»، گواه باش که در این دنیا به ظاهر در تنهایی زیستم ولی تو را بهترین دوست ها، عشق ها و آمال ها یافتم. پس مرا به سوی خودت فراخوان. خدایا شاهد باش که از تمام مظاهر مادی و از تمامی عشق های دنیوی دل بریدم تا به تو بپیوندم. خدایا شاهد باش به عشق تو در راه تو حرکت کردم و اینک فقط رسیدن به تو را انتظار دارم. بارالها من خواهان شهادتم، اما نه به آن معنی که از دنیا و زندگی خسته شده ام بلکه می خواهم با رنج کشیدن در راه تو و ریختن خونم به خاطر تو ذره ای از گناهانم پاک گردد.

بارالها درخت نوپای انقلاب تشنه خون است. می خواهم شهید شوم تا اگر در زنده بودنم موجب رشد دیگران نشده ام، خونم بتواند در آبیاری این نهال سهمی داشته باشد، می خواهم شهید شوم تا خونم بر حسین (7) گواهی دهد که رهرو راهش بوده ام. ای بهترین عشق ها و امیدها، من آخرین پروازم را به سوی تو آغاز می کنم و از دیار عاشقان می آیم تا شاید مرا بپذیری. چه سخت است آن دم که بین عاشق و معشوق فاصله می افتد و چه سخت است آن موقعی که یک رهرو به مقصدش نمی رسد. خدایا این سختی ها را از دوش من بردار و شهادت را نصیبم کن.

پدر و مادر عزیزم خواهان و برادران مهربانم، از شما می خواهم که هرچه³ استوارتر و مقاوم تر شوید. به جای ختم برایم جشن عروسی به پا کنید، بخندید و شادی کنید تا دشمن گریه کند. امام را دعا کنید و نمازهای جماعت را هرچه باشکوه تر برگزار کنید و در راه اسلام از هیچ کاری دریغ نکنید.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- فرازی از دعای کمیل.

3- در اصل وصیت «هرچه بیشتر».

و اما دوستان و هم‌زمانم هرچند که دوست و هم‌رزم خوبی برای شما نبودم، ولی از شما عاجزانه تقاضا می‌کنم که ملت رنج‌دیده و محروم ایران را هرگز فراموش نکنید. چرا که ما امروز به این ملت محروم مدیون هستیم و باید بجنگیم و بمیریم. و این‌گونه مردن برای ما افتخار است.

علیرضا حاج اسماعیل‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم
 ((وصیت نامه سرمازش بسید علمیرضا حاج اسماعیل زاده))



((اینها ما را هدایت می کند))

ما در ره عشق تقی میمانم نگنجم
 دنیا اگر ازین دهر نماند میسر شود

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

گر گزیده شهیدم راه میببینم
 چه حلقه ملک دین از او جفا تا ست

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

سلام در دهر سپیدی بود منجی عالم بودنا بت کلمه بشرونا شب بر حشر رهبر مستفیدم جفا بر هر و انبیا امت شکن زمان خمینی
 و با سلام و در دهر تنهایی روز ملکات سلام در جبهه های حق علیه باطله ما میمیریم روزی که سر بر آفتاب و با سپاس و ستایش خداوند
 که انسانی را آفرید و به فضیلت خلق و به ما روزی بت عقل و کمال زد دیگر مخلوقات سمع کردادند و بدو اهدایت و ارشاد نماند رسولانسی
 با کتا بهر ستادتا خلق را از ظلمت جهل و ظلامت نفس برهانند و سخن گمراهی بسوی نامومره تا تو کمال انسانی همدایت
 سازد و به این بند محاورون توان خوانا شدی ما دهن چند کلمه ای به عنوان وصیت برای دوستان و همسرمان و پسران و خواهران و برادران
 می نویسم *

شهادت ایشاد است این روز و صلواتی بر من و بر پدر و زوی و این برگزیده ترین و پرافتخارترین سر بر آفتاب و زلی مخلوقات عشق با سلام
 و طوبی انتخاب می کنم بی وجه و بی جهت حق تا فریاد حق طلبانها این ملت مظلوم را با رکبا و التوله بر آفتاب و انبیا و انبیا این معنا فایده
 این خونخواران و جفا بینکاران و آزارها با بیصلاحی بر قدرتش برسانم میرو تا خط سرخ شهادت را رنگین تر کنم میرو تا سر
 ما را ز ما و اولی المومنین ما شهادت آمل العالمین ما شهادت المستغنیین ما حریب القلوب الما اذین انبیا العالمین

ای صاحب اختیار سو منان ای شهادت آرزوی ما رفان ای فریاد بر سر فریادخواهان ما ای بی حجاب ای اسلگوبای نوای خدا ای جفا بینان
 گواهی ما شکر در این دنیا مظاهر در تقیای تو ایست بولی تو را بهترین دوستها بشکست و آما انبیا ای اتم پس مرا بسوی خودت فراخوان
 خدایا شا هدایا شکر که زما مظهر همدای و از نما می عشق ای دنیوی دل برید تا به تو برودم خدا ایا شا هدایا شکر که تو در راه انتقام
 هر کس که بدو ای که گفت رسیدن به تو را انتظار دارم ما را انبیا من خواهان شهادت ما مانع آن نه ما ای کما ز دنیا و زندگی خسته شده ام
 بلکه می خواهم با رنج کشیدن در راه تو و رنج خونم بخاطر تو در راه ای زکاتها انبیا که کرد

بار انبیا هر خستگویی ای انقلاب شعله خون است می خواهم شهید شویم تا اگر در زنده بودیم و جبره دنیاگران شده ام خونم تو را بدر
 انبیا را این حال بسجی ما شهادت شد می خواهم شهید شویم تا خونم بر حسین اعگواهی ده دیگر هر راهش بود ما این بهترین عشقها و
 امیدها من آخرین بر و از بر بسوی تو آغاز می کنم و از دهر ما شفا نمی آید تا شایدم راه پذیریم چه شاد است آن دم که همین عاشق و معشوق
 ما ملکی افتد چه سخته است آن دلی که یکدیگر هر چه مقصدش نمی رسد خدایا این سخنها و از او شن من برنا روشها دتر انهم مکن
 بخرو ما در بریزم و خواهان برادران منبر با نماز شما می خواهم که هر چه بیشتر استوار تر و مقاوم تر شود چه جای خستیم بر این چرخ سوس
 ما که کتب بدین خدایا که کلمات گمنام می کند ما امر اتم که دهنما زها ای جماعت را هر چه شادتر بهتر بر گزار کنیم و در راه اسلام از هین
 کاری دریغ نکنیم و اما دوستان و همسران من هر چند که دوست و همسر و خویشی را ای شهادت بودیم از شما عاجز اعتقاد ما می کنیم که ملت
 رنج دیده و محروم این راه را هرگز فراموش نکنید چرا که ما امروز به این ملت محروم و سیدین شهیدیم و ای بد جنگجوییم بر این گونه مرد
 برای ما افتخار است

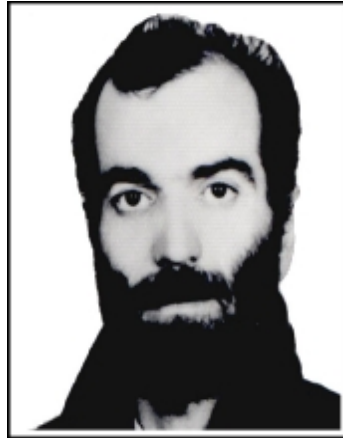
«وَمِنْ ذَکَکُمْ نَبِیٌّ مِمَّنْ لَمَّ بِاللَّهِ لَمًّا حَقِيقًا وَلَمْ یَلْمِ الْبَشَرَ مِنْ شَیْءٍ»



سمنان

سمنان

نام: داوود
نام خانوادگی: حاجی آقایی
نام پدر: نقی
نام مادر: گلچین
تاریخ تولد: شانزدهم اسفند 1331
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سی ام خرداد 1367
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: مصدومیت شیمیایی و اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ هدف من از رفتن به جبهه برای ادای تکلیف الهی و شرعی خودم بود.
- ۱ نه تنها وظیفه من و دیگر رزمندگان است بلکه وظیفه تمامی انسان‌هایی که خود را مسلمان می‌دانند و پیرو پیامبر اکرم (6) هستند، است که در این وضعیت حساس به مقابله با کفر جهانی و ایادی آنها برخیزند.
- ۱ اگر آن روز امام حسین (7) قیام نمی‌کرد شاید امروز از اسلام خبری نبود و ما در کفر و ستم و طغیان نیستی و نابودی قرار می‌گرفتیم.
- ۱ ما پیرو راستین امام حسین (7) هستیم و باید تا آخرین قطره و تا آخرین نفر بر علیه تمامی کفّاری که بر علیه دین و آیین برخاسته‌اند، مبارزه کنیم.
- ۱ هدفی را که من در پیش گرفته بودم هدف حسین بن علی و فرزندان او بود؛ مگر خون من از خون آنها رنگین‌تر بود؟

داوود حاجی آقایی

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه¹

«أنا لله و أنا اليه راجعون»²

امروز ایران کربلاست. امروز عاشورا است. حسینان آماده باشید. (امام خمینی)³

«بسم رب الشهداء»

با سلام [و] درود خدمت آقا امام زمان و نایب برحقش خمینی بت شکن و با سلام [و] درود خدمت قائم مقام رهبری آیت [الله] منتظری⁴ و با سلام بر تمامی یاران باوفای امام عزیز و به خصوص رزمندگان اسلام، این یاران صدیق [...] امام امت.

از آنجا که ما پیرو اسلام راستین و پیروان حضرت محمد (6) هستیم، وظیفه شرعی هر انسان مسلمان است که چند صباحی را که در این دنیا زندگی می کند، برای خود توشه حق و حقیقت را برگرفته، آماده رفتن از دنیا [ی] فانی شود؛ ولی برای اینکه تکلیف خود [را] در این دنیا روشن کرده باشد، باید چند کلامی را به عنوان وصیت و سفارش به روی کاغذ بیاورد. من هم بر حسب وظیفه شرعی خود الان که در این کربلای خونین حسینی هستیم چند سطری به عنوان وصیت می نویسم.⁶

اولاً هدف من از رفتن به جبهه برای ادای تکلیف الهی و شرعی خودم بود، ثانیاً ما مسلمان هستیم و الان در موقعیتی قرار داریم که استکبار جهانی با تمامی قوای خود برای از بین بردن اسلام راستین محمدی⁷ به مقابله با ما برخاسته است. پس نه تنها وظیفه من و

1- در اصل وصیت «ه» آخر ندارد.

2- بقره/ 156.

3- صحیفه امام، ج 21، ص 11.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- خوانا نیست.

6- در اصل وصیت «می نویسیم».

7- تعبیر اسلام راستین محمدی تعبیر امام خمینی «اسلام ناب محمدی» را تداعی می کند.

دیگر رزمندگان است بلکه وظیفه تمامی انسانهایی که خود را مسلمان می‌دانند و پیرو پیامبر اکرم (6) هستند، است که در این وضعیت حساس به مقابله با کفر جهانی و ایادی آنها برخیزند. اصولاً انسان از همان آغاز زندگی به فکر این است که با مشکلاتی که بر سر راه زندگی به وجود می‌آید، مقابله کند و از آنجایی که ما پیرو چهارده¹ معصوم (7) هستیم و از آنجایی که قیام ما همان قیام حسینی است، پس باید پیرو خط سیدالشهدا و حسین بن علی (7) باشیم. و حسین بن علی (7) در روز عاشورا با تمامی یاران خود شجاعانه جنگید، تا اینکه خون پاک او بر دشت کربلا [ی]ریخته و اسلام تا به امروز زنده ماند. اگر آن روز امام حسین (7) قیام نمی‌کرد، شاید امروز از اسلام خبری نبود و ما در کفر و ستم و طغیان نیستی و نابودی قرار می‌گرفتیم. آری، ما پیرو راستین امام حسین (7) هستیم و باید تا آخرین قطره و تا آخرین نفر بر علیه تمامی کفّاری که بر علیه دین و آیین برخاسته‌اند مبارزه کنیم. حال چند کلامی با خانوادهٔ عزیز و گرامی خود دارم.

امام عزیز را دعا کنید.

سلام بر پدر و خانوادهٔ عزیزم.

پدر بزرگووارم، نمی‌دانم چگونه و به چه زبان از شما سخن بگویم. زبانم قاصر از هر نوع سخن است. پدر جان، همه می‌دانند که بعد از خداوند، امید هر فرزند به پدر و مادر خود می‌باشد. پدری که سال‌های عمر خود را با کوشش برای به ثمر رساندن فرزندان خود قرار می‌دهد و رنج‌ها و سختی‌ها تحمل می‌کند و مانند شمع می‌سوزد. ولی پدر جان، بدان هدفی را که من در پیش گرفته بودم هدف حسین بن علی (7) و فرزندان او بود مگر خون من از خون آنها رنگین‌تر بود؟ و فقط بدان؛ این چند صباحی که من در خدمت شما بودم و شما را متحمل رنج‌ها و سختی‌ها قرار داده بودم را ببخشید. و از شما حالیت می‌خواهم و از شما طلب بخشش می‌کنم و امیدوارم در آن دنیا در برابر خداوند بزرگ و پیامبر اکرم (6) و امامان معصوم مرا شفاعت بکنید.

در ضمن، برادران و خواهرانم، از شما هم خیلی معذرت می‌خواهم که نتوانستم در این دنیا برای شما فرد مفیدی باشم و از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید. و از تمامی کسانی

که من با آنها وابستگی داشته و یا آشنا بوده به خصوص خویشان عزیز و دوستان گرامی که عمری را با آنها با بدی یا خوبی زندگی کرده، حلالیت می‌طلبم. و از کلیه همکاران عزیزم می‌خواهم که مرا ببخشید. خداحافظ.

الاحقر¹، داوود حاجی آقایی

یا حسین شهید، امام را دعا کنید.



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

انا لله و انا اليه راجعون

بسم الله الرحمن الرحيم

اسم و اینان خودکامست. امروز عاشقوا است حسینان تک، با صیغه و نام حسین

بِسْمِ رَبِّ الْمَرْبِ

با سلام در در خواست آقا امام زمان و نائب و حقیق حسینی بت شوق و باسلام در در خواست تمام بوم
 دهری آیت ستغیرو باسلام بر تمامی یاران یارانی امام عزیز و پیغمبر و رسالتا اسلام این یاران صدیق
 و ... امام است ... باسلام بر امتیاز پیرو اسلام با امتیاز پیروان مسنونت محمد (ص) و حسنین و زینب و علی و اهل بیت
 (ع) است ... خودتو ... حقیقت را بر تو گفته کردی رفتن از
 دنیا فانی شود و جایز این تکلیف خود در این دنیا در دنیا بوده باشم یا آنچه که در دنیا و دنیا و سفراتی به دور
 شامه بیاید ... من هم بر حسب شری خود افتاد در این ایام حسینی حسینی ... چون سعوی به عموان و وصیت و انیسیم
 اولیا هدف من از من بجهت برای امای تکلیف الهی در شری خورم بر شما تا سلسله حسینی و افاضه عروقتی
 تو را زین ... استحقاق و جهای با های توانی برای ازین برد اسلام و استیقا حمدی به سنده یا او خاسته است
 پس نه تنها در دنیا و دنیا و دنیا و دنیا است ... دیکر دلیله قلی اسامی که خود اسامی را در اسامی یا مبر او بود
 خشنود است ... در این وصیت حساس نه سنده یا نویسه ای را در این ایام خیر نه سنده است ... انما الله اعلم
 این است که با شکیلی که بر سر راه زهدی جوید و او آید سنده کند و از آنجا که ما بعد چه در مصرم (ع) حسینی از آن
 نام ما حسینی است ... با این بر سر عهد بعد المس ... حسینی علی با عیتم و حسینه بزرگ روزگار با همی
 یاری بود حسینی تا حسینه تا اینک خود با کس ادبیت شجاعی و غیره و اسلام تا با هر روز ذره نماند او آفرین
 امام حسین (ع) پیام من بود شاید بر از اسلام منری بنو دو سار کنند و هم و دلینا کتیبی و نامور در خدای تو تم
 اگر با سیر دانستی امام حسین (ع) حسینی و یا اینا آخرین قتلود تا آخرین شو بر عیلتی شامی آید بید و میاد این
 بر خاسته است بارز و حکیم . حال چه که می آید از آنجا که عزیز دهری خود دارم

و امام عزیز را دعا کنم



مراکز استانها را در استان سمنان
 به این قرار دادیم: **پیر بزرگرام** برای امام حسین (ع) و مسجد کوفه
 زینب (س) حاضر در فرسنگ سخن است. به رحمتی راهی راه که در دلش خفته امید فرزندی بود و در راه
 خردی آمد. بی روی که سالهای پر غم را با **پیر بزرگرام** گذراند. بی روی که در خند خود قرار داد
 در یک لحظه سینه اش گشاده شد و سینه اش گشاده شد. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم
 بود که صدای حسین (ع) می شنید. و در زینب (س) بود که در آن روز در میان مردم می شنید. **پیر بزرگرام**
 بیان این همه صدمه که در آن روز در میان مردم می شنید. و در زینب (س) بود که در آن روز در میان مردم می شنید.
 در آن روز در میان مردم می شنید. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 خاندان نبوت و پیامبر است. و اما ما معصوم را شهادت کنیم. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 خواریم که شاهم خیره شدت می فرماید. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 شایسته خاتم که را **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 حلال



مراکز استانها را در استان سمنان
 به این قرار دادیم: **پیر بزرگرام** برای امام حسین (ع) و مسجد کوفه
 زینب (س) حاضر در فرسنگ سخن است. به رحمتی راهی راه که در دلش خفته امید فرزندی بود و در راه
 خردی آمد. بی روی که سالهای پر غم را با **پیر بزرگرام** گذراند. بی روی که در خند خود قرار داد
 در یک لحظه سینه اش گشاده شد و سینه اش گشاده شد. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم
 بود که صدای حسین (ع) می شنید. و در زینب (س) بود که در آن روز در میان مردم می شنید. **پیر بزرگرام**
 بیان این همه صدمه که در آن روز در میان مردم می شنید. و در زینب (س) بود که در آن روز در میان مردم می شنید.
 در آن روز در میان مردم می شنید. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 خاندان نبوت و پیامبر است. و اما ما معصوم را شهادت کنیم. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 خواریم که شاهم خیره شدت می فرماید. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 شایسته خاتم که را **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید. **پیر بزرگرام** در آن روز در میان مردم می شنید.
 حلال

الاحقر داود حاجی آقایی
 ۶۷/۲/۷

یا حسین سید
 ز امانت او عالمید

نام: رجبعلی
نام خانوادگی: حاج حسنی
نام پدر: محمد
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: پانزدهم فروردین 1337
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دهم اردیبهشت 1361
محل شهادت: رود کارون
نحوه شهادت: اصابت ترکش گلوله توپ
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ وظیفه خودم را نسبت به اسلام چنین دیدم که برای حفظ مکتب اسلام و اعتلای کلمه حق تا آخرین قطره خون در مقابل کفار بعثی ایستادگی کرده و خواهم کرد.
- ۱ من از ملت غیور و از خود گذشته ایران می خواهم که در داخل با صبر انقلابی خود مشقت محکمی به دهان منافقین و امپریالیسم بزنند.
- ۱ شهادت انسان را به درجه اعلاى ملکوتى مى رساند.
- ۱ قدر این امام را بدانید و همیشه او را سر نمازهای خود دعا کنید که هر روز که امام را داشته باشید، بهتر از یک قرن زندگی ننگین است.
- ۱ خیلی عاشق شهادت هستم و چون شهید شدم بر جنازه ام راضی نیستم گریه کنید، چون برای خدا جهاد می کنم.

رجبعلی حاج‌حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم

«بسم الله القاصم¹ الجبارين» «به‌نام خداوند در هم کوبنده ستمکاران»

سلام بر امام زمان منجی انسان‌ها، سلام بر امام کبيرمان، سلام بر ملت غيور و شهيدپرور ايران، سلام بر مردم غيور و از خود گذشته شهرمان بسطام، سلام بر تمام مردم مستضعف جهان. سلام بر آنها که با ايتار خون خود به ياری اسلام شتافتند و ليک گفتند و شربت شهادت نوشيدند و مرگ سرخ را بر زندگی ننگين ترجيح دادند؛ و به گفته حضرت علی (7)، هنگامی که لشکريان علی (7) در کنار فرات [ايستاده‌اند] و کفار که برای ريختن خون لشکريان حضرت علی (7) آمده‌اند و فقط کارشان همين است و مستقيم ايستاده‌اند² حضرت به لشکريان خود خطبه می‌کند و می‌گويد که: ای لشکريان من، شما دو راه را انتخاب کنید يا تن به ذلت [و] خواری دهيد و يا شمشير خود را از خون اين پليدان سيرآب سازيد، که اينان مانند گرگی هستند که احتياج به غذا دارند.

ملت غيور ايران، من رجبعلی حاج‌حسنی فرزند محمد بنا به وظیفه شرعی و اعتقادی خود در اين شرايط حساس و سرنوشت‌ساز کشورمان، که هر روز از بهترين فرزندان کشورمان قربانی اسلام می‌شوند به دست عمال شوم امپرياليسم بين‌المللی با نوکری صدام، وظيفه خودم را نسبت به اسلام چنين ديدم که برای حفظ مکتب اسلام و اعتلای کلمه حق تا آخرين قطره خون در مقابل کفار بعثی ايستادگی کرده و خواهم کرد. چون، ما برحق هستيم. پيروزی بر کلمه حق می‌باشد. وظيفه شرعی خودم را انجام می‌دهم و من از ملت غيور و از خود گذشته ايران می‌خواهم که در داخل با صبر انقلابی خود مشت محکمی به دهان منافقين³ و امپرياليسم بزنند؛ که، شما حامی اسلام و مسلمين هستيد و بايد دفاع کنید. سلام بر پدر عزيزم. قسمتی از بيانات اين حقير به شما و خانواده عزيزم:

1- در اصل وصيت «القاسم».

2- در اصل وصيت «ايستادند».

3- ر.ک. تعليقات.

من از شما پدر عزیزم بسیار تشکر می‌کنم که چنین فرزندی را به جامعه تحویل دادی و [می‌خواهم] شما از شهید شدن من پیراهنی را به تن بکنی که ضد انقلاب را به تزلزل بیندازی. و سلام بر مادر عزیزم، که زینب‌وار¹ باید صبر انقلابی به خرج دهد؛ و [باید] به‌جای عزاداری دلی شاد و دلی پرخنده داشته باشی و به ضد انقلاب بفهمانی که ما مرد جنگیم و از جنگ نخواهیم هراسید و در مقابل باطل² خواهیم ایستاد و حماسه خواهیم آفرید.³

مادر، من از شما می‌خواهم در موقع دفن من کاملاً بدن معطرم⁴ را زیارت کنید تا آن نفرت و نفرین دل‌خراش که در دل شماست، تسکین یابد که به‌جای گریه و زاری در تشییع⁵ من خندان باشید؛ که اگر گریه و زاری کنید فردای قیامت در سر پل صراط در نزد امام حسین (7) دادخواهی می‌کنم. سلام برادران عزیزم؛ من از شما می‌خواهم که به‌جای شیون و زاری راه اسلام را کاملاً دنبال کنید که اسلام پیروز است. و سلام بر خواهران عزیزم. خواهران من، استقامت و صبر و شکیبایی به خرج دهید که صبر و استقامت شما ضمانت پیروزی کلمه حق می‌باشد.

«والسلام علی عباد الله الصالحین»⁶

فرزند کوچک شما رجبعلی حاج حسنی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نجه و منهم من یتظرو و ما بدلوا تبدیلاً»⁷ «و از مؤمنان رادمردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً

1- در اصل وصیت «همچون زینب‌وار».

2- درج «حق» در دست‌خط شهید سهوی است و بایستی به «باطل» تبدیل شود.

3- در اصل وصیت «و در مقابل حق خواهیم ایستادند و حماسه آفرینند».

4- در اصل وصیت «عطرم».

5- در اصل وصیت «تشیع».

6- در اصل وصیت «عباد الله الصالحین».

7- در اصل وصیت «تبدیلاً».

8- احزاب/ 23.

وفا کردند پس برخی آنها بر عهدشان ایستادگی کردند تا شهید گشتند و برخی به انتظار مقاومت کردند»

سلام به رهبر کبیر انقلاب و سلام بر امت شهیدپرور و سلام به خانواده همیشه مبارزم. [...] راهی است که باید پیمود و سفری است که باید رفت؛ چه بهتر که در حال خدمت به اسلام و قرآن و ملت اسلامی شربت شهادت نوشیدن و با سرافرازی به لقاءالله رسیدن. و این همان است که اولیاء الله آرزوی آن را می‌کردند و از خدای بزرگ در مناجات خود طلب می‌کردند.

«[گوا]² را باد شربت شهادت بر شهیدان انقلاب اسلامی و خصوص شهدای اخیر ما»³ (امام خمینی). تا به حال من خواب بودم و این وقت آغاز جهاد و شهادت است و این احساس را در خود می‌بینم که تازه متولد شدم و زندگی خود را آغاز کردم. شهادت انسان را به درجه اعلای ملکوتی [می]⁴ رساند و شهادت در راه خدا چه قدر زیباست؛ مانند گل محمدی می‌ماند و تمام شهیدان آن را می‌بویند. خدایا شهادتم را در راه اسلام و قرآن بپذیر. پیامم برای مردم شهیدپرور این است که: همان‌گونه که علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام و تمام امامان و یاران امامان و سربازان اسلام که از همین طبقه مستضعف بودند و در راه اسلام و قرآن با کافرین که می‌خواستند ضربه⁵ به اسلام بزنند و اسلام را نابود کنند⁶ جنگیدند و در این راه شهید شدند تا اسلام پایدار ماند، شما⁷ ای مردم غیور و شهیدپرور نگذارید که کافران و مشرکان و منافقان⁸ به اسلام لطمه وارد کنند. و حالا مسئولیتی بسیار سنگین به دوش یک به یک ما هست که خون شهیدان [...] خروشید و

1- در اصل وصیت واژه‌ای افتاده است.

2- در اصل وصیت قسمتی از واژه افتاده است.

3- صحیفه امام، جلد 15، در تجلیل از مقام شهیدان علی قدوسی و وحید دستجردی بیان شده است.

4- در اصل وصیت قسمتی از واژه افتاده است.

5- در اصل وصیت «ظربه».

6- در اصل وصیت «... بزند و اسلام را نابود کند».

7- در اصل وصیت «و شما».

8- ر.ک. تعلیقات.

9- حدود یک سطر از اصل وصیت افتاده است.

خصم جنایتگر و بدبخت را از صحنه روزگار براندازید. و دیگر اینکه قدر این امام را بدانید و همیشه او را در سر نمازهای خود دعا کنید که هر روز که امام را داشته باشید بهتر [از یک]¹ از یک قرن زندگی ننگین است.

خدمت خانواده گرامی و همیشه مبارزم سلام. پدر و مادر [مهر]² بانم و برادران و خواهران گرامی، امیدوارم که برادر و فرزند کوچک خود را ببخشید. و آرزویم از خدا همین بود که چنین پدر و مادری داشتم که فرزندان خود را برای جهاد اسلام و قرآن بفرستند. پدر و مادر مهربانم، می‌روم تا در عملیات³ دشمن شکن، که پیروزی بیشتری برای اسلام و قرآن است و درسی برای منافقان⁴ و کافرین شرق و غرب است و با فرماندهی امام زمان (عج) [اس]⁵ ت، شرکت کنم. و خیلی عاشق شهادت هستم و چون شهید شدم بر جنازه‌ام راضی نیستم گریه کنید، چون برای خدا جهاد می‌کنم. و به جای گریه. امام را دعا کنید، که نمی‌دانید چه نعمتی در دست ماست، و دیگر رزمندگان را دعا کنید. و از برادرهای خود می‌خواهم همانطور که راه خود را ادامه می‌دهند کوشش بیشتر کنند و از خواهرانم می‌خواهم زینب‌وار⁶ در مقابل [...] ⁷های منافقان ایستاده و از خداوند بزرگ یاری بجویند و به آنها بفهمانند «لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احياءٌ ولكن لا تشعرون»⁸ «نگوید آنهایی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه آنها زندگانند ولیکن شما نمی‌دانید».

سلام گرمی برای برادرم حسین:

[...] ⁹جان، من به هدف خودم رسیدم و از شما می‌خواهم که در شرکت، که یک نوع

1- در اصل وصیت افتاده است.

2- در اصل وصیت قسمتی از واژه افتاده است.

3- احتمالاً واژه «عملیات» است.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت قسمتی از واژه افتاده است.

6- در اصل وصیت «همچون زینب‌وار».

7- در اصل وصیت قسمتی از واژه افتاده است.

8- بقره/ 154. در اصل وصیت «امواتاً»، «یشعرون».

9- در اصل وصیت واژه‌ای افتاده است.

جهاد است و به فرمان امام امت لیبیک گفتی، نسبت به جهاد کوشا باشی و در جای من یک فرد مسلمان [...] ¹کنید.

خداحافظ. امیدوارم که فرزند کوچک خود را ببخشید که هر چه داشتم از شیر مادرم و

پدرم .

رجبعلی حاج‌حسنی 60/1/25

بسم الله القاسم الجبارین
 میا آرزو فرزند درحم کویبوه مستکاران
 مرکز اسناد ایثارگران
 و سید پرویز ایران سلام بر مردم میور راز خود گذشته شریان بطام سلام بر تمام مردم
 مستضعف جهان سلام بر آنما که با ایثار خون خود به یاری اسلام شناختند و کبید گفتند و
 شربت شهادت نوشیدند درگ سرف را بر زوئی ننگین ترجمه دادند و گفته حضرت علی
 هنگامیکه لشکریان علی در کنار فرات و کفار که برای ریختن خون لشکریان حضرت علی آمده اند
 و فقط کارشان همین است و مستقیم ایشان حضرت به لشکریان خود خطبه می گفتند می گویند
 که ای لشکریان من شما دوره را انتخاب کنید یا تن به فزت خواری دهید و یا شمشیر خود
 را از خون این پلیران سیراب سازید که ایان ما شوگرگ هستند که احتیاج به غذا دارند
 ملت میور ایران من بر جسی حاج من فرزند محمود بناب و وطنه شری و اعتماد خود در این شریا
 خاص و سرنوشت ساز کشورمان که هر روز از بهترین فرزندان کشوران قربانی اسلام می شوند
 به دست تمال شوم ایبر یا لیسیم بین اللیل با تو لولک صدام و وطنه خودم را نسبت به اسلام چنین
 دیوم که برای حفاظت اسلام و اعتدای کله حق تا آخرین قطره خون در مقابل کفار
 بعضی ایستادگی کرده و خونم کرد چون ما بر حق هستیم میوز که بر کله حق ایستاد و وطنه
 شری خودم را انجام داد و من از ملت میور و از خود گذشته ایران میوانم که در داخل ماصبر
 انقلاب خود مست محکم به دهان منافقین و ایبر یا لیسیم بر تنم که شها حامن اسلام و مسلمین
 خستید و با وجود فاع کیر سلام بر میور عزیزم قسمی از بیانات این حقیر به شها و خانواده
 عزیزم من از شها پر عزیزم بسیار شکر می کنم که چنین فرمودی را به بنامه قبول داد و شها از
 شهید شدن من بی راضی را به تن بکنی که ضد انقلاب را به تزلزل و سوزن و سلام بر مادر عزیزم
 که همچون زینب دارا بر صبر و انقلابی به فرزند دهم و بی جله

۱۳۸۱
 آرزو فرزند درحم کویبوه مستکاران





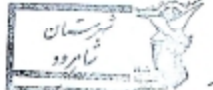
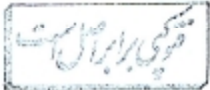
مرکز اسناد و انتشارات

دل شاد و دل پر خنده داشته باشی و به ضرر انقلابت بجهانی که ما مرد چنگیم
 در سوختنیم هر اسیر و در تعادل حق فاجیم ایستاد و حاشه آفرینش ما در صوم از سبای تویم
 که در دل شهادت نسیم یا بر که بجای مگر به وزارت در تشیع من خزان با سیر که
 اگر گریه و زاری کنی فردای قیامت در سر بن صراط در نزد امام حسین داد خواهی می کنم
 سلام بر ادران همه عزیزم من از شما می خواهم که بجای سین و وزارت راه اسلام را کاملاً
 دنبال کنید که اسلام بی روز است و سلام بر خواجه ان عزیزم خواجه ان من استقامت
 و صبر و شکیبایی به فرزند حیدر که صبر و استقامت به راه صفت بی روزی کلام

حق می باشد و السلام علی سید المرسلین
 فرزند تو بگویم شهادت علی ما می بین



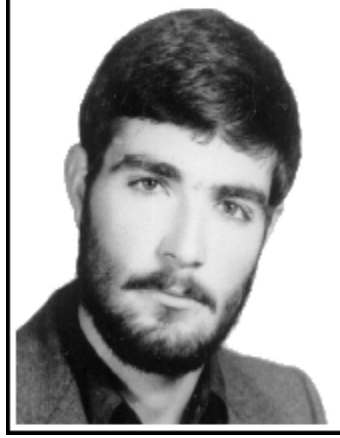
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوبُ اِلَیْكَ بِکُلِّ عَظْمٍ وَّ مِنْ عَظْمٍ مِنْ یَشْتَظِرُ وَا
 الْاُثْمِرِیْلًا : دوازدهم آن راه مردان هستند که به عهد و پیمان که با خدا بستند کاملاً وفاء کردند پس برخی
 آنها بر مردشان اینسانه گوی کردند تا شهر گشتند و برخی به انتظار مقاومت کردند :
 لام به رجبر کبر انقلاب و سلام بر ائمت شعیب بود و سلام به خانواده همیشه مبارکم :
 می است که بایر بود و سفری است که بایر است چه بهتر که در حال خدمت به اسلام و مملکت
 سلامی شریعت شهادت نوشیدن و با سرافرازی به لقاء الله رسیدن و این همان است که
 لیا الله آرزوی تمامی کردنی و از خدای بزرگ در مناجات خود تهنیت می کردند :
 ارباب شریعت شهادت بر شهیدان انقلاب اسلامی و خصوصاً شهدای اخیراً (امام خمینی
 به حال من خواب بودم و این وقت آغاز جهاد و شهادت است و این احساس را در خود
 بینم که تازه متولد شدم و زندگی خود را آغاز کردم شهادت انسان را بر چه ابعادی ملائق
 سازد و شهادت در راه خدا اجتناب ناپذیر است مانند گل مجیدی ماند و تمام شهیدان آن را می بیند :
 یا شهادت را در اسلام و قرآن پذیرد :
 یا هم برای مردم شعیب برور است که جان نوره که حق علیه سلام و امام حسین علیه سلام و تمام امامان
 یا زن ایمان و سرایان اسلام که از جنین طهیه مستضعف بودند و در راه اسلام و قرآن
 جانین که می خواستند ظری به هم اسلام بزنند و اسلام را نابود کنند تا جیکند و در این راه
 پید شدند تا اسلام با پاورمانند و شهادی مردم شعیب و شعیب پروردگانه ای که کافران و مشرکان
 ستانندگان به اسلام لطمه وارد کنند و حال مسولین بسیار سنگین بود شریک به بیت ما است
 و خود شهادت ...



نیز شیرد خصم بنا پیکره بد بخت را از صحنه روزگار براندازید و دیگر ایند قبر این آستانه کلا
 با نیر و همیشه اراد در مراسم حاجی خود دعا کنید که هر روز نه اما - و داشته باشید بهر حال -
 . قرن زرتشتی تأمین است. خوست خانوادگی گزنی همیشه مبارزه سلام بدو مندا
 نام برادران و خواهران گرامی: میدارم که برادر و فرزندان کوچک خود را بختی به نیت
 خا همین بود که چنین پدر و مادری داشته که فرزندان خود برای چند اسلام و قرآن نیت
 رومار مهر باطنی روح تادریکانت دشمن شدت که پیروزی بیشتری برای اسلام و قرآن
 برای مسلمانان و کافرین شرق و غرب است و بازمانده ای امام زمان
 ت شرف کتم، و غیر عاشق نهادت هستم و چون شهید شدم بر بنیاد امام زین
 شمره نیت چون برای خواهرها کند و بوی گریه اما راهی نیت که فریاد این
 نعت در دست - بود نیز روزی که از راهی نیت که فریاد این
 زده خود را از دست و دست کوشش بیشتر نیت و از خواهرانی و امام چون ریش بار در مقابل
 : حای مسلمانان ایستاده و از خواننده بزرگ یاری پیوسته در آنجا بقا نیت

لَا تَعْرِفُوا الْيَوْمَ بِمُتَّقِلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَانًا إِلَّا أَحْيَاءٌ مَاتُوا وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ
 . نیت آرای که در راه خواننده شده ان مرده انرا مالد آنرا از نیت که فریاد این
 نام گری برای برادر حسین
 نیت که در شرف کتم نیت که فریاد این
 نیت که فریاد این
 نیت که فریاد این

رجبعلی حاج حسینی



نام: عبدالعلی
نام خانوادگی: حاج حسنی
نام پدر: عبدالحسین
نام مادر: طیبه
تاریخ تولد: یکم فروردین 1339
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: -
تاریخ شهادت: هشتم آبان 1361
محل شهادت: بوکان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ۱ من خودم با میل و رغبت تقاضای جبهه را کردم.
- ۱ اگر این توفیق حاصل شد، که آرزوی همیشگی من بود، که شهید شدم از شما ملت همیشه در صحنه می خواهم که امام امت را تنها نگذارید و همیشه در نمازهایتان امام را دعا کنید.
- ۱ شما ملت حزب الله، مقلد روح الله، لشکر جندالله هی چ گاه از روحانیت متعهد و مبارز فاصله نگیرید.
- ۱ با منافقین از خدا بی خبر و مزدوران آمریکایی در حال مبارزه باشید تا ریشه آنها از این مملکت کنده شود.

عبدالعلی حاج‌حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامهٔ اینجانب عبدالعلی حاج‌حسنی، که در مورخه 61/4/15 برابر با 13 ماه مبارک رمضان می‌باشد

«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياءٌ عند ربّهم یرزقون»¹ «گمان مبرید کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند (و کشته می‌شوند) مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و در نزد خدایشان روزی می‌خورند»

وصیتم را با نام خدا آغاز می‌کنم و با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و سلام بر تمام شهدا و صبر و ایمان و استقامت بر شما ملت رزمنده پیرو راه امام امت و ادامه‌دهندگان راه شهیدان، که با خونشان نهال انقلاب را آبیاری کردند. من که خودم با میل و رغبت تقاضای جبهه را کردم. اگر این توفیق حاصل شد، که آرزوی همیشگی من بود، که شهید شدم از شما ملت همیشه در صحنه می‌خواهم که امام امت را تنها نگذارید و همیشه در نمازهایتان امام را دعا کنید. و باز هم تأکید می‌کنم که امام را تنها نگذارید.

و از پدر و مادر عزیزم می‌خواهم که مرا ببخشند چون نتوانستم قدردانی از زحمات آنها که دربارهٔ من کشیده‌اند کنم و می‌خواهم که اگر جنازه‌ام را آوردند برایم شادی کنند و در قبرستان در سر مزارم شیرینی تقسیم نمایند؛ و خوشحال باشند که این هدیه ناقابل را تسلیم آفریدگارمان کرده‌اند. و اگر کسی از من بدی دیده است به بزرگی خودش حلالم نماید.

و شما ملت حزب‌الله، مقلد روح‌الله لشکر جندالله، هیچ‌گاه از روحانیت متعهد و مبارز فاصله نگیرید و با منافقین² از خدا بی‌خبر و مزدوران آمریکایی در حال مبارزه باشید تا ریشهٔ آنها از این مملکت کنده شود. و در پایان، طول عمر امام عزیز را از خداوند خواهانم و امیدوارم که این انقلاب به انقلاب حضرت مهدی، عجل‌الله فرجه الشریف متصل گردد.

«والسلام»

خدایا خدایا/ تا انقلاب مهدی تو را به جان مهدی خمینی را نگه‌دار.

عبدالعلی حاج‌حسنی

1361/4/15

1- آل‌عمران / 169.

2- رک. تعلیقات.

من وصیتنامه شهید سراسبان عبدالحی حاجی حسینی

شیراز، محرم الحرام ۱۳۶۱

وصیتنامه اینجانب عبدالحی حاجی حسینی که در مورخه ۱۵/۹/۶۱ برابر با ۱۲ اسفند
سارالرضای منی باشد

وَلَا تَكْفُرْ بِالَّذِينَ تَبَوَّءُوا إِلَهُاتِي قَبْلَ اسْمِي إِنَّهُمْ كَانُوا مِنِّي لَكَاكِبًا
کمان سرگرد کسانی که در راه خدا جهاد میکنند (و گفته میشوند) مرده اند بلکه
انها زنده اند و در نزد خدا پیمان روزی می بخورند.

وصیتم را با نام خدا آغاز میکنم و یاد خود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و سلام بر تمام شیعیان
و سنیان و یاران و استقامت بر شما ملت زنده و پروراه امام امت و ادای دهنده گان راه شهیدان

که با خونشان نیال انقلاب را بباری کردند من که خود با میل و رغبت تقاضای جبهه
را کردم اگر این توفیق حاصل شد که آرزوی همپندگی من بود که شهادت می دهم از شما

ملت همیشه در صحنه میخواهم که امام امت را تنها نگذارید و همیشه در نمازها و ایات با امام
دعا کنید و بارجم تاکید میکنم که امام امت را تنها نگذارید و از یاد و روزگار فراموشی نخواهم که سرا

بخشند چون نتوانستم قدرت این از شما تا آنجا که درباره من گفته اند من میخواهم
که اگر جنازه ام را آوردند برایم نادی کنند در قبرستان درسرمزای شهر من نسیم
نماند خوشحال باشم که این هدیه شما قابل تسلیم آنرا بدو گاریان کرده اند و اگر کسی

این بدی دیده است به بزرگی خود شرح حلال نماید و شما ملت حزب الله مقلد روح الله
شکر خدای تعالی بجا آید و بعد از آن همه و باریزه همه نگردد و با منافقین از خدا بیخبر
و مزدوران آمریکایی در حال مبارزه باشید تاریخه آنها از این ملت کنگنه شود و در نهایت

طول عمر امام منیر را زنده آورند خواهانم و امیدوارم که این انقلاب به انقلاب حضرت
مهدی عجل الله فرجه الشکر پیغمبر گردد. والسلام

خدا یا خدا یا تا انقلاب مهدی تو را بجان مهدی خمینی را نگذار

مهدی الحی حاج حسینی

۱۳۶۱/۹/۱۵



نام: قربانعلی
نام خانوادگی: حاج حسینی
نام پدر: محمد
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: شانزدهم آذر 1326
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم آبان 1361
محل شهادت: میمه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ا با عشق الله و با پیام امام به جبهه آمدم و اگر لیاقت شهید شدن یافته‌ام برای عشق به الله و یاری حسین زمان، خمینی، عزیز بوده.
- ا ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد.
- ا مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین (7) در راه حسین (7) و با هدف شهید شد.
- ا همسرم با قرآن آشنا شو و جز به خدا فکر نکن... فرزندانم را با قرآن آشنا کن و راه پدرشان را همیشه به یاد آنها بیاور.
- ا اگر من شهید شدم مرا ببخشید، چون من برای رضا خدا و برای جنگ با دشمنان خدا به جبهه رفتم.
- ا پروردگارا، اول ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را هم به تسلیم رضای خود بدار.
- ا پروردگارا راه پرستش و طاعت را به ما بنما و بر ما وظیفه بندگان را سهل و آسان گیر.
- ا کسانی که نمی‌توانند جبهه بیابند، باید پشت جبهه را تقویت کنند و جبهه خود را در برابر منافقان و مخالفان ولایت فقیه مستحکم کنند.
- ا خط امام خمینی، خطی است که هرگز جدا از خدا و اسلام نیست.

قربانعلی حاج‌حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

کسی که برای خدا کار می‌کند نمی‌ترسد، جوانان ما شهادت را طالبند. درود خدا بر شما شهیدان باد. شما بهترین جوانان این ملتید که شهادت را پذیرا شدید.¹ (امام خمینی)

با نام خدا و کلام امام وصیت‌نامه می‌نویسم، زیرا با عشق الله و با پیام امام به جبهه آمدم و اگر لیاقت شهید شدن یافته‌ام برای عشق به الله و یاری حسین زمان، خمینی، عزیز بوده. و پیامی و وصیتی به مردم حزب‌الله برای رضای الله و یاری روح‌الله دارم.

ای جوانان، نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (7) در میدان نبرد شهید شد، ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین (7) در راه حسین (7) و با هدف شهید شد. ای مادران، مبادا از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید، که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب (3) را بدهید که تحمل 72 شهید را نمود. همه مثل خاندان وهب² جوانانان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید³، زیرا مادر وهب فرمود سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیریم. و اما پیامی برای برادران و کسانی که نمی‌توانند جبهه بیایند و باید پشت جبهه را تقویت کنند و جبهه خود را در برابر منافقان⁴ و مخالفان ولایت فقیه مستحکم کنند.

برادران، همان‌طوری که در جبهه مبارزه و جنگ هست، برای نابودی کفار شما هم باید در پشت جبهه با منافقان بدتر از کفار بجنگید؛ و من هم تا روزی که برادرم رجب و محمود در جبهه بودند (محمود کریمی) و می‌جنگیدند با کفار، من هم در پشت جبهه با منافقین می‌جنگیدم. ولی وقتی که شهید شدند آمدم و نگذاشتم اسلحه آنها به زمین بیفتد. و شما بدانید که مسئولیت بسی بزرگ است. امروز، خطی مقابل خط امام هست که از خط منافقان

1- صحیفه امام، ج 7، ص 183.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «بگیرید».

4- ر.ک. تعلیقات.

خطرناک‌تر است و خط اسلام آنها خطی است که از خط اسلام فقهاتی¹ که همان خط امام است جدا می‌باشد. کسانی هستند که می‌خواهند زیر چتر دعا و قرآن و رساله (رساله‌های آن‌چنانی) معنویت دعا را از بین ببرند، و آنها بدانند که حزب‌الله نمی‌گذارند روزی مثل منافقان² اعلام جنگ مسلحانه کنند. برادران، اگر در این قسمت از وصیت‌نامه خواستید تکبیر بفرستید باید به آن عمل کنید و گرنه تکبیر نگویید. و اما وصیتی بر خانواده‌ام دارم.

همسر خوبم، اکنون که این وصیت‌نامه را برایت می‌نویسم در یکی از پایگاه‌های³ اهواز با برادران دیگرم نشسته‌ام⁴ و منتظر حمله می‌باشیم و شاید خدای بزرگ بر من حقیر نیز رحم کند و آرزویم برآورده شود و شهادت را در آغوش بگیرم. همسر، تو خوب می‌دانی که من هدفی جز اسلام ندارم، تو خوب می‌دانی که من فقط طالب رضای پروردگارم می‌باشم. همسر، اگرچه در زندگی برای تو همسری آن‌گونه که تو قابل بودی نبودم، اگرچه آنچه لازمه همسرداری بود به‌جا نیاوردم، ولی مطمئن باش که در آن دنیا در بهشت همسری خوب برایت باشم. و از خدا برایت سعادت آرزو می‌کنم. با قرآن آشنا شو و جز به خدا فکر نکن؛ خط امام خمینی خطی است که هرگز جدا از خدا و اسلام نیست. فرزندانم را با قرآن آشنا کن و راه پدرشان را همیشه به یاد آنها بیاور.

و اما تو ای پدر و مادرم. خداوند به شما صبر عطا کند تا بتوانید در برابر مشکلات و سختی‌ها صابر باشید. وصیتی که برای شما دارم این است که اگر من شهید شدم مرا ببخشید، چون من برای رضا خدا و برای جنگ با دشمنان خدا به جبهه رفتم. و حاضر نیستم در مراسم خرج زیاد کنید؛ فقط چند روحانی انقلابی و خط امامی دعوت کنید، و نگذارید منافقان و انجمن حجتی‌ها⁵ در مراسم تشییع⁶ جنازه و عزایم شرکت کنند. در آخر از همه برادران و دوستان که از این حقیر خطایی دیده‌اند می‌خواهم که مرا ببخشند.

«والسلام علی عباد الله الصالحین»

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «پایگاه‌ها».

4- در اصل وصیت «نشستم».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «تشییع».

پروردگارا، اول ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را هم به تسلیم رضای خود
بدار و راه پرستش و طاعت را به ما بنما و بر ما وظیفهٔ بندگی را سهل و آسان گیر که تنها
تویی بخشنده و مهربان.

پنجشنبه 61/6/18

برادر حقیر شما قربانعلی حاج حسنی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کسی که برای خدا کار می کند نمی ترسد، جوانان ما شهادت را طالبند.
درد خدا بر شما شهیدان باد. شما بهترین جوانان این ملتید که شهادت
را پذیرا شدید. «اسام خمینی»

یا نام خدا و کلام امام وصی است که من نویسم زیرا یا عشق الله و یا پیام
امام به چهره آمدیم و اگر لیاقت شهید شدن یافتیم برای عشق
به الله و یاری حسین زمان خمینی عزیز بوده و بیای و وصیتی به مردم
حزب الله برای رضای الله و یاری روح الله دارم.

ای جوانان نکند در رختخواب دلت بمیرد که حسین در میدان
نبرد شهید شد ای جوانان سپادا در غفلت بمیرد که علی در محراب
عبادت شهید شد و سپادا در حال بی کفایتی بمیرد که علی البر
حسین در راه حسین و با هدف شهید شد ای ساداران: مبادا از
دشمن شرفندانان به چهره جده گیری کنید که فردا در صف خدا نوح
توانید جواب زینب را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمودیم مثل

خاندان و هب جوانان نشان را به چهره های نبرد بفرستید و حتی جسد
اود هم تحویل بگیرید زیرا مادر و هب فرمود سری را که در راه خدا
داده ام پس نمی گیرم و اما بیای برای احمق که برادران و کسانی که
نمی توانند چهره بیایند و باید پشت چهره را تقویت کنند و چهره خود
را در برابر منافقان و مخالفان ولایت فقیه مستحکم کنند.

۲۴۶ رسی

قوی برابر است

برادران همانطوریکه در جبهه مبارزه و جنگ هست برای نابودی کفار شما هم باید در دست جبهه یا منافقان بدتر از کفار بخت کنید و من هم تاروژی که برادر من رجب و محمود در جبهه بودند (سجود کبری) و می جنگیدند با کفار من هم در دست جبهه یا منافقین می جنگیدم ولی رویی که شهید شده، آدمم و نگذاشتم اسلامی آنها به زمین بیفتد و شما بدانید که مسئولیت بسی بزرگ است امروز خطی مقابل خط امام هست که از خط منافقان خطرناکتر است و خط اسلام آنها خطی است که از خط اسلام فتنه‌ها خطرناکتر است جدایم با شهید کسانی هستند که می خواهند زیر جسدی و در آن دو رساله (رساله های آلمانی) مسئولیت دعا را از این ببرند مرو آنها بدانند که ضرب الله نمی گذارد روزی مثل منافقان اعلام جنگ مسلمانان کنند برادران اگر در این قسمت از وصیت نامه خواندید تکبیر بفرستید باید به آن عمل کنید و گرنه تکبیر نگوئید و اما وصیتی برضا منواده ام دارم.

همسر خوبم المنون که این وصیت نامه را برایت می نویسم در یکی از یا بله های اهواز با برادران دیگر منقسم و منظر جمله می بایتم و شاید برای بزرگ بر من حقیر نیز رحم کند و آرزویم برآورده شود و در شهادت رادر آغوش بگیرم همسر من کو خوب میدانی که من هدیه جز اسلام ندارم کو خوب میدانی که من فقط طالب رضای پروردگارم می باشم همسر من اگر چه در زندگی برای تو همسری آنگونه که تو قابل بودی نبودم اگر چه آنچه لازم است همسر داری بودی چنانچه پروردگار می

مطمئن باش که در آن دنیا در بهشت همسری خوب برایت باشم و از جنه ا
برایت سعادت آرزوی کنم باقر آن آشنایم و چیزی به خدا فکر کن
خط امام خمینی خطی است که هرگز جدا از خدا و اسلام نیست
فرزندانم را باقر آن آشنایم و راه پدرتان را همیشه بیاد آنها یادور
و اما تو ای پدر و مادرم:

خداوند به شما صبر عطا کند تا بتوانید در برابر مشکلات و سختی‌ها
سایر باشید و صبری که برای شما دارم این است که اگر من شهید شوم
مرا ببخشید چون من برای رضای خدا و برای جنگ با دشمنان
خدا به جبهه رفتم و حاضر نیستم در مراسم خیر زیاد کنید
فقرا چند روحانی انقلابی و خط امامی دعوت کنید و بگذارید
سناختان و انجمن جمعی‌ها در مراسم تسبیح جنازه و مراسم شرکت کنند
در آرزوی برادران و دوستان که از این حقیر خطایی دیده‌اند
می‌خواهم که مرا ببخشند

وَالسَّلَامُ عَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِیْنَ

پروردگارا اول سارا مسلم قریان خود گردان و فرزندان سارا هم به
تسلیم رضای خود بدار و راه پرستش و طاعت را به ما بیست
و بر ما وظیفه بندگی را مهمل در آسان گیر که گناهان من بخشنده و مهربان

بیستمین به ۱۸/۶/۶۱ برادر حقیر شما قربانعلی حاج حسینی



قربانعلی حاج حسینی



نام: محمد تقی
نام خانوادگی: حاج حسنی
نام پدر: محمد باقر
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: یکم فروردین 1344
محل تولد: شهرستان گرگان
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم آبان 1361
محل شهادت: عین خوش
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای شهرستان شاهرود



عبارت های کلیدی

- ا به خدا قسم، من راهی را که انتخاب کرده ام به جز راه الله نیست و از روی حرص به بهشت و یا ترس از دوزخ نیست، که فقط به خاطر خدا و اسلام عزیز است.
- ا امام را تنها نگذارید.
- ا همچون کوه استوار و محکم و پایدار باشید.
- ا سرانجام حق بر باطل پیروز است.
- ا صاحب ما مهدی موعود خواهد آمد و انتقام خون شهیدان را خواهد گرفت.
- ا ای برادران و خواهران عزیز، ما در زمانی به سر می بریم که از هر سو کفار و منافقین برای نابودی اسلام عزیز، دست به دست هم داده و از هرگونه جنایتی دریغ ندارند.

محمدتقی حاج حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا¹ وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»² «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص³ رستگارند».

با درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، که آن پیر جماران است؛ هرگز [او را] تنها نگذارید. برادران حزب الهی⁴، چرا شما وارد [نبرد]⁵ های حق علیه با [طل]⁶ نمی شوید که این مزدوران بعثی⁷ عراق را از توی خاک پاک اسلامی بیرون کنید و، همه شیعیان، با این پیر جماران در صحنه بالامقام کربلا نماز را برپا کنید؟ و بارخدایا، «من به جبهه نبرد حق علیه باطل آمده‌ام تا جان خود را بفروشم. بارخدایا، امیدوارم که خریدار جان من تو باشی نه کسی دیگر»⁸.

خدایا، حالا که در این راه گام برداشته‌ام و بار سفر بسته‌ام و به سوی تو آمده‌ام تو را به حق محمد (6) و آتش قسمت می‌دهم که مرا دیگر زنده به خانه و کاشانه‌ام برنگردان و دلم می‌خواهد که در آخرین لحظه‌های زندگی‌ام بدنم و جسمم آغشته به خون در راه تو باشد و در راه تو باشم نه در [راه] چیز دیگر.

به خدا قسم، من راهی را که انتخاب کرده‌ام به جز راه الله نیست و از روی حرص به بهشت و یا ترس از دوزخ نیست، که فقط به خاطر خدا و اسلام عزیز است و برای اینکه شاید توانسته باشم رضای حق تعالی را به جا آورم.

1- در اصل وصیت «حاجرو».

2- توبه/20.

3- در اصل وصیت «بلخصوص».

4- در اصل وصیت «حزب الهی».

5- در اصل وصیت افتاده است.

6- در اصل وصیت بخشی از واژه افتاده است.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ترجمه‌ای آزاد از آیه 111 سوره توبه است.

و اما ای برادران و خواهران عزیز، ما در زمانی به سر می‌بریم که از هر سو کفار و منافقین¹ برای نابودی اسلام عزیز، دست به دست هم داده و از هرگونه جنایتی دریغ ندارند. و این وظیفه سنگین بر دوش ماست، اما اگر خدای ناکرده کمی غفلت کنیم به این اسلام عزیز ضربه خواهند زد. پس باید تمام ماها دست برادری و برابری به همدیگر بدهیم² و با پیروی³ خط ولایت فقیه و حمایت از این دولت انقلابی، اسلام عزیز را یاری کنیم.

بارخدایا، سوگند یاد می‌کنم که همیشه و تا آخرین نفس در راه مقدس تو و برای یاری دین تو مستحکم و جان بر کف در راهت فداکاری کنم. بارالهی، یاریم ده که بتوانم این امر مهم را آن‌چنان که شایسته مقام باری تعالی است به‌جا آورم و بارخدایا، تو شاهد باش که من در این راه کورکورانه قدم برنداشته‌ام و از روزی که تو را به یگانگی شناختم در قلبم جرقه‌ای از ایمان پدیدار شد و از همه چیز دست برداشتم و به تو پیوستم. و ای برادران و خواهران عزیز از شماها می‌خواهم که راه⁴ مرا که همان راه اسلام است ادامه دهید و امام را تنها نگذارید و همچون کوه استوار و محکم و پایدار باشید. سرانجام حق بر باطل پیروز است و صاحب ما مهدی موعود خواهد آمد و انتقام خون شهیدان را خواهد گرفت.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «به دهیم».

3- در اصل وصیت «پیروزی».

4- در اصل وصیت «را».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ أَنْ يَقُولُوا ذُرِّيَّتِي خَيْرٌ مِمَّا يَدْعُونَا فَعَمُوا نَفْسًا لَئِيمَةً

آنچه که ایمان آوردند و از وطن هجرت کردند و در راه خدا با مال و جان شهادت دادند و گفتند ما را نترساند خدا ما را بخواند و آنان را بطعن و ستم

بنا کردند و سلام بر مبرک کبریا انقلاب اسلام ایران که آن میر جباران است

هرگز نتواند از بد سلازان ضرب الهی پیرانشان وارد الرحمن علیه ما

نه شود که این سرافرازان نفس مراق را از تور خاک نفس پاک بر سر

روان کند و همه شیعیان با این میر جباران در محنت با ایام

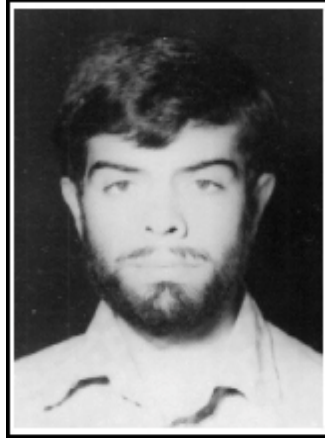
کریبل تاز را پیر پاک کند و بار خدا یامن به جیبه نبرد حق علیه باطل

آید هم تا جان خود را بفروشیم بار خدا امید داریم که خرید جان من تو باشی
تو کسم دینیر

ندایا حال آنکه در این راه گام برداشته‌ام و باز سفر بیستام و سی و نهم آمده‌ام
 ترا بحق محمد (ص) و آتش قسبت من ده‌م که مراد بگرزنده نه خانه و کاشانه‌ام
 برنگردان و دل‌م من خواهد نه در آفرین لفظه ما زنده‌ایم بدین وجهیم
 آتشسته بنویس در راه تو باشد و در راه تو باشم نه در چیز دیگر؟
 بخدا قسم من را حق را که انتخاب کرده‌ام یجز راه الله نیست و از
 روز حرم به بیستت و یاتر من از دروغ نیست که فقط به خاطر خدا
 و اسلام می‌ریزم است و بر این آینه نباید توانستم با هم زمانه حق مالی
 را با بی‌آفریم و اما هر برادران و خواهران عزیز ما در زمانه بی‌هم
 نه از هر سو کفار و منافقین برابرنا بودند اما هم عزیز دست به دست
 هم داده و از هر گونه جانینی دریغ ندارند و این وظیفه کشین پرورش ما است
 ما اگر خطا را نکرده کسی نمکست کنیم به این اسلام عزیز صبر خواهد نبرد

پس باید تمام ما کا دست برادر ~~مقدس~~ و زایر به هدیه بدهیم و با پرورد
غفور و لایب بقیه و حمایت از این دولت انقلابی اسلام عزیز را بار برکت کنیم بار خدا را بگردانند
دهی کنیم که هیچ وقت از زین نفس در راه مقدس تو و برادر با بر دین تو مستحکم و چنان برکت
بدریافتند ^۱ خدا را برکت کنیم باز الهی باریم که که بتوانیم این امر مهم را انجام دهیم که دست همه تمام بار
عالی است بما اگر دم و بار خدا را تو دست خدا باس که امن در این راه کور کورانه قدم بردار
تسهام و از روزگار که تو را بگفتی بگفتی ختم در تعلیم حربه اصل از این که به برادر شود و از همه چیز
دستیم در به تو پیوستم و این برادران و خدا داد این همه از انچه های خواهم که را ما که همان
اسلام است ادا ما دهیم و امام را و تنها نگذاریم و همین که استوار و محکم و با برادر بگردانند
که انعام حق بی باطل پیروز است و عاصب با مودت موعود خواهد آمد و انشقام خون
شیدان را خواهد گریست

نام: رحمت‌الله
نام خانوادگی: حاج‌عیدی
نام پدر: سلطانعلی
نام مادر: طویا
تاریخ تولد: پنجم اردیبهشت 1344
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و چهارم مرداد 1364
محل شهادت: قلموت
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

ا اگر شهید شدم روی خود را شاد کنید تا دشمنان به ناراحتی به سر ببرند.
ا نگذارید که از شهید شدن بنده و امثال بنده، دشمنان و منافق‌ها سوءاستفاده کنند. فقط از شما می‌خواهم که برایم قرآن بخوانید.
ا پدرجان دوست دارم سر جنازه‌ام سخنرانی کنی و به منافقین بفهمانی که ما از شهید شدن فرزندانمان نگرانی نداریم، خوشحال هستیم که فرزندانمان در این راه شهید شد و به لقاءالله پیوست.

رحمت الله حاج عیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان. چند نکته‌ای از وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم. وصیت می‌کنم که: من اگر شهید شدم و این شهادت پرافتخار نصیب¹ بنده شد، از پدر و مادر می‌خواهم که فاطمه را خوب نگهداری کنید. و از همه شما می‌خواهم که برایم گریه نکنید، روی خود را شاد کنید تا دشمنان به ناراحتی به سر ببرند. نگذارید دشمنان شاد باشند و نگذارید از شهید شد[ن] بنده و امثال بنده دشمنان و منافق‌ها² سوء استفاده کنند. فقط از شما می‌خواهم که برایم قرآن بخوانید.

و پدر جان، دوست دارم سر جنازه‌ام سخنرانی کن[ی] و به منافقین بفهمان[ی] که ما از شهید شد[ن] فرزندانمان هیچ نگرانی نداریم؛ خوشحال هستیم که فرزندانمان در این راه شهید شد³ و به لقاءالله پیوسته.

و امید من از شما این است فاطمه را بگویید که روحیه⁴ خود را شاد کند و از برای بنده ناراحت نباشد. اگر از من بدی دیدید مرا عفو⁵ کنید؛ به خصوص ای پدر گرامی و ای مادر مهربانم، که شب [و] روز نخفته‌ای و مرا به سختی بزرگ کرده‌اید. از شما می‌خواهم دعای خیر درباره من بکنید. اگر از من ناراحتی دیدید مرا در درگاه خدا اذیت نکنید و من را عفو⁶ کنید. پدر جان، مرگ پیش پا است انتظار از خدا باید داشت.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، مرگ بر منافقین و صدام

با تقدیم احترام

رحمت الله حاج عیدی

1- در اصل وصیت «نسب».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «شدن».

4- در اصل وصیت «روئیه».

5- در اصل وصیت «عف».

6- در اصل وصیت «عف».

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ

خداوند خدایا
تا انقلاب مهدی
یعنی از آنکه ما را



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بسم خداوند بخشنده مهربان چند نکته ای... از و... هست. نام خود را شروع
 میکنم و... میکنم که من اگر شهید شوم و این سبب است... بر اعتبار نسبت
 ندهد شد از بیرون ما در می خواهم که فاطمه را خردست نگهدارید... و...
 میخواهم که برایم گریه نکنید و... کنید تا دشمنان بر ما احترام بسزیم
 نگذارید دشمنان شما و... و... از شهید شدید بر ما مال بدهد دشمنان و منافق
 سوره استفاده کنید فقط... خواهم که برایم قرآن بخوانید و...
 دوست دارم سر جازه ام... کن و... یعنی که ما از...
 شه فرزندانای هیچ نفرانی... خود را... هستم که... در این راه
 شهید شدم و... و... این است فاطمه را بگوئید
 که... و... و... و...
 بید مرا عفت کنید... وای مادر مهر بانم که شب روز...
 ای و... بزرگ... و... دعای خیر در باره من بکنید
 اگر از من... در... خدا اذیت نکنید و من را عفت کنید
 در جهان مرگ پیش... است... از خدا بایده داشت
 و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مرگ پیر آمریکا مرگ پسر روک
 مرگ بر سن فقی و صدام
 محمد صالح عیدی

نام: حسین
نام خانوادگی: حاج قاسمی
نام پدر: اسماعیل
نام مادر: شرف
تاریخ تولد: پنجم دی 1346
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یکم تیر 1367
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ من هم به نوبه خود از آقا و سرورم حسین (7) درس مبارزه و جهاد و شهادت را یاد گرفتم.
- ۱ امام عزیزمان را تنها نگذارید. او را در همه حال یاری نمایید.
- ۱ هدف از نهضت و قیام این است از دستورات و قوانین اسلام و قرآن پیروی نماییم.
- ۱ هدف از این حرکت عظیم و اسلامی آن است که دستورات و قوانین اسلام را در سراسر گیتی گسترش [دهیم].
- ۱ رفتن من از بین شما آن‌هم در راه رضای خدا مصیبتی نیست. زیرا مصیبت و عزا آن روزی بود که خدای ناکرده فرزندان در راهی دور از راه مستقیم و اسلام و رضای پروردگار، حرکت می‌کرد.

حسین حاج قاسمی

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نحبهُ و منهم من یتظر و ما بدلوا تبدیلاً»¹.

«برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمان که با خدا بستند کاملاً وفا کردند. پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه خدا شهید شدند و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

با درود و سلام بر پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر امام زمان (عج) و نایب برحقش، این پیر جماران که چون کوهی استوار در مقابل ظلم و جور و ستم ایستاده است. با درود و سلام بر شهیدان اسلام از صدر تا به حال و خانواده‌های محترمشان به همراه مجروحین و معلولین و اسیران و مفقودین. و بارخدایا تو می‌دانی که هدف از نهضت و قیام این نیست که ملک و قدرتی به دست آوریم و یا از زندگی دنیا و امور مادی چیزی تهیه کنیم، بلکه قصد ما از این حرکت عظیم و اسلامی این است که از دستورات و قوانین اسلام و قرآن پیروی و آنها را در سراسر گیتی گسترش دهیم². انشاءالله.

و حال، من هم به نوبه خود از آقا و سرورم حسین (7) درس مبارزه و جهاد و شهادت را یاد گرفتم؛ که زندگی مادی نکبت‌بار است. و بمانم و منتظر باشم که مرگ مرا فراگیرد؟ بلکه، با آغوش در راه رضای خدا روانه پیکار و جهاد با دشمنان اسلام می‌شوم و شهادت فی سبیل الله را استقبال می‌کنم.

و حال، درود و رحمت خداوند به شما پدر و مادرم که امانتی را که از طرف خداوند در دست شما بود خوب و سالم به جان‌آفرین تسلیم نمودید.

پس، مادرم و خواهر و برادرم، رفتن من از بین شما آن هم در راه رضای خدا مصیبتی نیست. زیرا مصیبت و عزا آن روزی بود که خدای ناکرده فرزندان در راهی دور از راه

1- احزاب/ 23.

2- در اصل وصیت «نماییم».

مستقیم و اسلام و رضای پروردگار حرکت می‌کرد. پس، خوشحال باشید که من به آنچه که می‌خواستم و هدفم بود رسیدم و پس اگر سعادت مرا می‌خواستید به آن دست یافتم و حال شادمان باشید.

و پدر و مادرم و برادران و خواهران گرامیم، از شما می‌خواهم بعد از مرگ من چنان گریه نکنید که این منافقین و کوردلان و بی‌طرفان را خوشحال سازید. و همچون کوه مقاومت و استواری نمایید تا این منافقین¹ و دشمنان اسلام بدانند که من چشم‌پسته این راه را انتخاب نکرده بودم. و در آخر، برادران و آشنایان و دوستانم امام عزیزمان را تنها نگذارید و او را در همه حال یاری نمایید تا در پیشگاه خداوند و رسول خدا و ائمه اطهار و شهیدان روسفید باشید.

مناجاتم: خدایا، پروردگارا، بارالها، مرا لیاقتی ده تا [در] درگاه پر عظمت² قربانی شوم. و به حق قدرتت، که در همه جا استقرار نموده‌ای و همه را در برابر آن محکوم ساخته‌ای، تقصیرها و گناهایی را که از من سر زده ببخش و مرا به درگاہت قبول کن.

در خاتمه، دعای³ فرج آقا امام زمان (عج) یادتان نرود. به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی، کلیه شما و بالخصوص⁴ امام عزیزمان و قائم مقام [رهبری] آیت‌الله منتظری⁵ را به خدای بزرگ می‌سپارم.

در معبد عشق جان فدا باید کرد	یعنی به حسین (7) اقتدا باید کرد
بی‌سر به لقای یار باید رفت	دینی است که این‌گونه ادا باید کرد

حقیر کوچک حسین حاجی قاسمی

67/2/11

محل دفن شاهرود در مزار شهیدان

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «عزمت».

3- در اصل وصیت «از دعای».

4- در اصل وصیت «بلخصوص».

5- ر.ک. تعلیقات.



ما ینبغی لامر مسلم ان یتت لیه الا و وصیته تحت راسه
 من الارائیت که هر مسلمان شی رعی بر کند ستر اینکه وصیت او را
 از زیر سرش باند. امام صادق (ع)
 مرکز اسناد ایثارگران

من الله رب العالمین و انما اعزوا الله فلیضیع من نعمه انما یضیع من خلقه و ما یولی الامر
 بقرآن آنکه هر مسلمانی که مرگش برسد و وصی نداشته باشد و وصی او را تعیین نکرده باشد
 تا وصیت کرده و چیزی نماند از وصیت او
 با حمد و شکر پروردگار عزیز و بزرگوار عزیز است از آن که او را بخت برسد که در آن عالم چه ببرد
 با حمد و شکر پروردگار عزیز و بزرگوار عزیز است از آن که او را بخت برسد که در آن عالم چه ببرد
 و تمام این نیست که بگویم و قدر و جود است
 و با آنکه زوی دنیا و مسرتان مجسده غیر نسیم و یک نفسه با آنکه زوی حقیم و با آنکه است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است
 کجا سرش می خایم اسباب الله
 حال تمام من زودتر از آنکه مرگم حین آنکه در آن جانده و جواد و سخاوت را از رسم و زوی با وصیت را است و عالم و شکر عالم و در آن سر و است و در آن سر و است
 در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است
 و حال و در دوستی عالم و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است
 به صدق و راه و با تمام و رفتی همان زین شما و تمام جواد و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است
 بیخ و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است
 پس در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است
 و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است و در آن سر و است
 تعاون ز می سپاه پهلوان انقلاب لعل نوحه عثمان



این مانتین در شمال اسلام جنته و من چشم بستن این راه را تمام کرده ایم ، مددکاران و دانشمندان و دانشمندان
مرکز مشاوران شرعی
قریبان و دینداران و اولاد در جم حال یاری نامیده اند در پیوند خداوند توان خوار و از اظهار و تشکر او سست با شکر

خدا را پروردگار ، بار ایا ، سرایان ، ما حردا و پر نعمت قرانی شکر بحق تقدیرت و در جم بالاستقرار کرده و در حیطه

برابر آن عباد ما خسته تقصیر و کفایت را ازین سرزده بخش در برابر حق است و در صحن جان فدا کرده
فیه جین از تشکر اید کرد

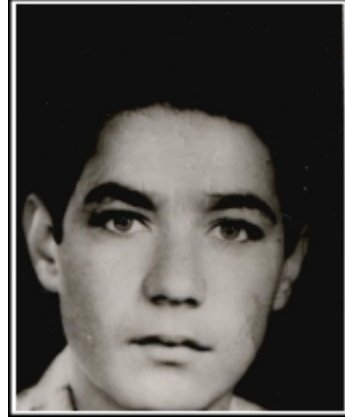
بسرور بقای بار اهدفت
دین است از تقوی ارا اید کرد

روزگاره از دست زحاکان زان یح یا یقال در در بر اید میرود یح یا یقال در در بر اید میرود
بر فرجهان مدد شما و جنته ایم از زمان و نامتیم آینه استغفری را در فدای بزرگ بسیم

حیدر محمد جلیلیان نامی

۱۶/۱۱/۶۷

محل دفتر مشاوران
دره خوار خوار



نام: محمد
نام خانوادگی: حاج قاسمی
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: جلیله
تاریخ تولد: یکم فروردین 1345
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اسفند 1363
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ۱ تا آخرین قطره خونم در راه اسلام و قرآن فداکاری می کنم.
- ۱ امیدوارم بتوانم برای خدا و اسلام و قرآن جان بی ارزشم را به خدای خود تسلیم کنم.
- ۱ به فکر کربلای حسین (7) باش، که برای بر پا ماندن اسلام چگونه جان خود و فرزندان عزیزشان را دو دستی تقدیم حق تعالی نمودند.
- ۱ نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (7) در میدان نبرد شهید شد.
- ۱ مبادا در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد.
- ۱ مبادا از رفتن فرزندانمان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی توانید جواب آن را بدهید.
- ۱ نیایش به درگاه خدا و دعا را از یاد نبرید که این بهترین درمانها برای تسکین درد است.
- ۱ آن قدر به جبهه می روم و می جنگم تا شهید شوم.

محمد حاج قاسمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با سلام و درود به پیشگاه مقدس امام زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی؛ این مرد بزرگ که با قیام خود قیود کفر [و] استکبار شرق و غرب را در هم شکست. و سلام و درود بر شهیدان به خون خفته اسلام که با نثار خون خود درخت اسلام عزیز را بارور نمودند.

و سلام بر خانواده شهدا و اسرا و مفقودین انقلاب و جنگ تحمیلی. من از همگی عزیزان عذر می‌خواهم که چند نکته‌ای را به‌عنوان تذکر بیان می‌کنم، ولی آنچه که روی کاغذ می‌آید تنها از ثمرات اسلام و انقلاب اسلامی است.

همان‌طور که همه شما خواهران و برادران می‌دانید مدتی قریب 4 سال است که ابرجنایتکاران شرقی و غربی نوکر جیره‌خوارشان صدام را تشویق کردند تا به سرزمین اسلامی مان حمله کند، ولی با همت رزمندگان دلیر اسلام و به یاری خداوند متعال و کمک امام زمان (عج) تمامی نقشه‌های شوم آنها نقش بر آب شده رزمندگان ما با حملات پی در پی خود جنگ را به پیروزی نهایی نزدیک کرده‌اند. ولی این را باید بدانید که این پیروزی‌های بزرگ به همین سادگی به دستمان نرسیده بلکه خون‌های زیادی در این راه مقدس ریخته شده است. ما باید تداوم‌بخش راه این شهیدان باشیم. من به سهم خودم توفیق نصیب شد و به جبهه آمدم؛ و تا آخرین قطره خونم در راه اسلام و قرآن فداکاری می‌کنم. امیدوارم که مورد رضای خداوند منان واقع گردد.

پدر و مادرم این وصیت‌نامه را قبل از اینکه این سعادت شهادت نصیب شود نوشته‌ام و امیدوارم بتوانم برای خدا و اسلام و قرآن جان بی‌ارزشم را به خدای خود تسلیم کنم. امیدوارم که برای شما یک فرزند نیکو و صالح بوده باشم. از شما می‌خواهم پس از شهادتم هیچ‌گونه بی‌تابی نکنید و خوشحال باشید زیرا من پیروز شده و به آرزوی خود رسیده‌ام. و این بر عهده برادران و دوستان من است که بعد از من با پایداری مرز و بوم کشور اسلامی

را از دست دشمنان پلید و کافر، همچون بعثیون عراق¹ و حزب دموکرات² و حزب توده³ و بقیه احزاب، پاک گردانند. مادر جان، هر موقعی که به یاد من افتادی و خواستی گریه کنی و یا اینکه بر سر جنازه من بیایی آن لحظه به فکر کربلای حسین (7) باش، که در آن زمان با کافران و ستمگران برای بر پا ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان از زیر سلطه یزید جنایتکار و جانی چگونه جان خود و فرزندان عزیزشان را دو دستی تقدیم حق تعالی نمودند. مادر، مگر علی اکبر⁴ (7) و حضرت قاسم⁵ (7) و سرباز شش‌ماه‌اش⁶ در عاشورا در کربلای امام حسین (7) شهید نشدند و مگر حضرت عباس⁷ (7) دو دستش را از بدن جدا نکرده‌اند؟ من از آن بزرگواران که بهتر نیستم! و من آن قدر در جبهه می‌مانم و می‌جنگم تا شهید شوم. ای جوانان عزیز، نکنند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (7) در میدان نبرد شهید شد، مبادا در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد، مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین (7) در راه حسین (7) و با هدف شهید شد. و ای امت شهیدپرور و شریف، مبادا از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب آن را بدهید. مثل خاندان وهب⁸ جوانانان را به جبهه نبرد بفرستید و حتی انتظار نداشته باشید که جسد آنها را تحویل بگیرید زیرا مادر وهب گفت: من سری را که در راه خدا دادم پس نمی‌گیرم. برادران، نیایش به درگاه خدا و دعا را از یاد نبرید که این بهترین درمان‌ها برای تسکین درد است.

خدا نگاه‌دار همه شما باشد.

وصیت‌نامه برادر محمد حاج قاسمی

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات. ذیل «علی اصغر (7)».

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ر.ک. تعلیقات.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

حضور محترم پدر زحمت‌کشم: امیدوارم که حالت خیلی خوب باشد و هیچ نوع کسالتی را در خود نداشته باشی. اینجانب، فرزند شما محمد، اگر شهید شدم برایم گریه نکنید. و با برادرانم و خواهرم خوب باشید و راه ما را ادامه بدهید. سلام به مادر عزیز و بزرگوار و خوبم؛ که امیدوارم حال همگی شما خوب باشد. مادر جان، اگر شهید شدم اگر برایم گریه کنید مرا ناراحت می‌کنید. همیشه خوشحال باشید که منافقین سوء استفاده نکنند و همیشه با پدر و برادرانم و خواهرم خوب باشید. به خواهرم: خواهر جان، اگر شهید شدم شما برایم گریه نکنید و بگویید یک برادر داشتم در راه خدا دادم. ای برادر عزیزم برادر جان، اگر شهید شدم تو درست را ادامه بده و هر موقعی که درست تمام شد راه من را ادامه بده. عزیزم، با علیرضا خوب باش و هر موقعی که او را می‌خواستی بزنی به یاد این حقیر محمد حاج قاسمی بیفت.

اینجا تقریباً 4500 ریال پول دارم که به تعاونی دادم و آن را بدهکارهایم را بدهید. [بدهی] من به این حدود است: 30 تومان به حاج یعقوب بدهید، 35 تومان به همکار داش احمد، برادر اسماعیلی. دیگر عرضی ندارم و همگی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. و اگر شهید شدم هر چه لباس دارم به جبهه کمک کنید.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

با سلام به پیشگاه مقدس حق تعالا، مهدی موعود¹ و نایب برحقش امام امت و با سلام به تمامی شهدای از صدر اسلام تاکنون.

1- در اصل وصیت «موود».

آن قدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم و بعد از شهید شدنم امیدوارم که پدر و مادرم برایم گریه نکنند و همیشه خوشحال باشند. و مادرم از زینب¹ (3) بیاموزد، که تحمل 72 شهید را نمود. و امام² حسین (7) در میدان نبرد شهید شد و فرزندش علی اکبر (7) در راه حسین (7) و با هدف شهید شد. و همین‌طور مادر وهب³ گفت: و من سری را که در راه خدا⁴ دادم نخواهم پس گرفت. و مادر جان، تو هم بگو: من هم بچه‌ام را دادم حتی جسد او را هم پس نخواهم گرفت. و با سلام به برادر عزیزم، برادر جان، این حرف بی‌قابل من را گوش کن؛ درست را ادامه بده و هر موقعی که درست تمام شد به جبهه بیا، و با برادرم علی‌رضا خوب⁵ باش. همین‌طور، پدرم و مادرم باید با برادرانم خوب باشند و اگر این‌طور نباشد من از هیچ کدام شما راضی نیستم.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

این حقیر محمد حاج قاسمی

63/12/13

برادر جان، بدهکاری‌هایی که دارم تقریباً 30 تومان به حاج یعقوب هست که باید بدهید و دیگر 35 تومان به همکار داش احمد پول قاب عکس به برادر اسماعیلی. دیگر عرضی ندارم و همگی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

مرغ باغ ملک‌وتم⁶ نیم از عالم خاک

[به هوای] سر کویش پر [و] بالی بزمن⁷

ای خوش آن روزی که پرواز کنم [در] بر

که چرا غافل از احوال دل خویشتم⁸

روزها فکر من این است و همه شب سخنم

محمد حاج قاسمی

1- در اصل وصیت «فاطمه زهرا (3)»

2- در اصل وصیت «اما».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «خود».

5- در اصل وصیت «خون».

6- در اصل وصیت «معلکوتم».

7- در اصل وصیت «ای خوش آن روزی که پرواز کنم بر دوست سر کوهش پر بالی بزمن».

8- شعر از دیوان شمس. در اصل وصیت

«روزها فکرم در این هست شبها در سخنم که چرا غافل از حوال خویش‌تم».



الحمد للہ اسلام و درود بپیغمبر مقدس اسلام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی این مرد بزرگ است که باقیام خود فیروز
 گندماستگبار شرق و غرب را در هم شکست و سلام و درود بر شهیدان آن بفرموده خفته اسلام که با نشان خود
 خود بر خشت اسلام عزیز را با در و دیوار در سلام بر خازانه شهدا و اسرار و مفتوح این انقلاب و جنگ فطری می
 از هیچ غرضی از آن سخن نمی خورم که چقدر نکته ای و با بعضی آن تذکر بیان می کنم و می آید آن چه که در روز کاغذ می آید گفتنی
 از نظر است اسلام و انقلاب اسلامی است همانطور که هر شما خدایان را بر ایران می بینید هر چند در وقت
 است که از جنگ با قرآن شرقی و غربی نو که جیره خوارشان صدام را نشکرند که نه تا ب سزای اسلام بیان جمله گفته می آید
 ز زمینگان و سایر اسلام و سایر خدایان و زمینگان و کتک اسلام زمان (عج) تا با نقشه های ستم آنها نقش بر آب
 شده و زمینگان با جملات ستمی روی خود جنگ را با پیروزی نهایی از دست کرده اند و می آید بر این که این
 بر زمینهای خنجر است به همین سادگی بدستان فرموده بلکه خونیهای زیادی در این راه بنده من ریخته شده است
 من دیگر تعدادی بقیه راه این شهیدان با شش من به سهم خودم در پیوسته تقسیم شده و به چشمه آسمان و آسمان
 نظر خود نیز در راه اسلام و قرآن خدا کار می کنم امیدوارم که مورد رضای خداوند همان واقع گردد
 بروم و در مصیبت این زمینها را قبل از اینکه این سعادت متعاقبات خفیه من شود نوشته ام مرا امیدوارم فرام
 ای خدای اسلام و کافران جان من از زمین را به خدای خود تسلیم کنم و امیدوارم که برای شما یک فرزند نیلگو
 صالح بدهد باشد از شما خرام بر ما زمین هیوگونی نامی نکشید و عرض حال باشد زیرا من پیروز شده و اول آرزو
 زار رسیدم را این بر همه برادران و دوستان من است که بعد از من با پایداری سرزیرم کشور اسلام

را از دست دشمنان یلید و کافر هجرت بعشیران امران و حزب (مؤکرات و حزب) نور و نور بقدره از
 پاکت گردانند هر جا در صورتی که به یاد من است ای و جزو استغنی گردید یعنی در این ایام که هر سر
 من میاید آن ایام که هر یک از حسین (ع) با آن که در آن زمان با آن فرمان و دستگیران بر ای
 به پیمان من اسلوا فراتر از ای تمام مسلمانان از رویر سلطه برید چنانیکه در و صای چگونگی جان خرد
 خیزد در آن بحر بیستای و در و دست تقدیم جزو تقالی نیز در و در هر عملی اکبر و حضرت خاتم
 و سر با ز شش ماهه است در ساری و در هر که برای ایام حسین (ع) است و بر دست و در هر حضرت مجید (ع)
 در و استحق و از برین جوانگرده اند من از این نیز گردان که گویند بیستم و من آن قدر در حسین (ع)
 ای حکم تا مشهور شود ای حرمان خود نیز مانند در و حضرت اب زکریا که حسین (ع) در و بر این
 مشهور شد بسیار از دست دشمنان که در هر اب است مشهور شد بسیار از در حال این تقاضای
 میورید که ای ای حسین در صراحت حسین و با هدف مشهور شد ای است مشهور بود و مشهور شد بسیار
 رفتن نور و نور استان به حسین جلوه گویان که در و در و حضرت خدایم که در ای جواب آن را برید
 اشق خاندان و در صبر جوانان آن را به حسین نبود نیز مشهور شد ای تقاضای در است مشهور که جسده
 تقوی بود بگرید زیرا ما در هر وقت من سوری را در و در راه خدا دامین ایام گیم

بهر اولان میاید یعنی به درگاه خدایم و در ایام این ایام که این ایام است ای ایام است ای
 خدا نگه داره نگارنه وصیت نامه میراد در حال



آن سفر کرده که مدقافله دل همه اوست
 هر که هست خدا با سلامت دارش

هدیه: تبلیغات جنبه و جنگ سپاه ولایت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت معتمد پسر زین العابدین علیه السلام که احداث خندق خراب با نیت مصیبت نمودن کاتبی را در فودند اعدا نمود با نیت
 نیکو ایستادند و شما همه اگر شکر کنید مردم بر این گزیده نیکبند و با برادران و خواهران خراب با نیت و راه را از او راه ببرید
 سلام - ما روزی نیندازیم که اگر خردم در عهد و عهد ما در عهد ما نیندازیم با نیت و روحان اگر شکر کنید مردم اگر بر این گزیده
 تا از حق کتبه معینه فرقی نماند با نیت و استغفار سواستغفار نماند و هر چه باید بود برادران و خواهران خراب با نیت
 بفرموده خواهران اگر شکر کنید مردم بر این گزیده نیکبند و با برادران و خواهران در راه خراب دارم
 بهر آنکه نیندازیم بر این گزیده نیکبند و با برادران و خواهران در راه خراب دارم
 بخواند که هر چه خراب با نیت و هر چه نیکبند و با برادران و خواهران در راه خراب دارم
 نخواهد بود با نیت و هر چه نیکبند و با برادران و خواهران در راه خراب دارم
 من به این حدود است. بسم قرآن به جامع بیست و یکم به نیت و هر چه نیکبند و با برادران و خواهران در راه خراب دارم

مکتوبی که در این روزگار در این روزگار
 در آن شکر شما همه این را در این روزگار

Tuesday	سه شنبه	۱۸
9	۲۰	رجب
April	فروردین	۱۴۰۵

۸ بسم الله الرحمن الرحيم وصیت نامه

۹ بسم الله به یگانگه خداوند حق تعالی امر می نمود و نایب برحقش امام امت

۱۰ و باستان به تمام خدای از سر راه اسلام تا کنون

۱۱ آنقدر به جبهه می لایم و می جنگم تا شهید شوم

۱۲ و بعد از شهید شدن امیدوارم که پدر و مادرم برایم گریه نکنند و همیشه خوشحال

۱۳ باشند و مادرم از ناگفته های من ایضا بفرماید که شوق ۱۲ شهیدانم در امام حسین است

۱۴ امیدوارم نیز شهید شوم و فرزندانم علم اکبر در امام حسین و با عرض شهید شوم

۱۵ و همیشه مادر و وصی بگفت و من پس را که در راه خود و امام نیز ام

۱۶ پس گریه و مادر جان تو هم بگو من هم پیوسته ام را امام حتی جسد او

۱۷ را هم پس نفوسم گرفت و باستان به پدر و مادر عزیزم برادر جان این را

۱۸ حرف بی کاین من را اگر من کن درست را او امیدوارم و هر موقعی که درست

۱۹ تمام شهید بشوم یا با پدر امام علی رضا خون باش همیشه بر سر امام امام

۲۰ مادام که از امام خوب یاد کند و اثر اینطور نباشد من از شهید که ام شی را می گویم

Note: یادگذاشته روزانه

خدا خدایا انقلاب منم را بگیر

Wednesday	چهارشنبه	۱۹
10	۲۱	رجب
April	فروردین	۱۴۰۵

۸ برادر جان بده کار بویای که دارم تقیر یا بر تو جان به حاج بیو و بر هست

۹ که باید بر مید و دیگر نه تو جان به همکار دلش احمد پول قباب نگره

۱۰ بیدر لدر اسماعیل و دیگر بیدر غرض ندارم و دیگر سزار بوری بزرگ مراد سلام

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶ ای خوش آن لفری که پرواز نم از لدر

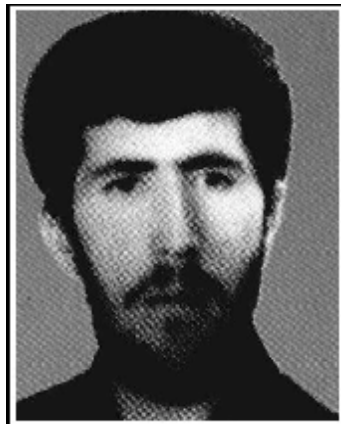
۱۷

۱۸ هر که مشاییر بای بزرگ

۱۹ رفتم قدم در این هست بیجا در سینه

۲۰

Note: یادداشت روزانه: که چه اغافل از حوال خویش کنه



نام: محمود
نام خانوادگی: حاج قاسمی
نام پدر: محمد
نام مادر: عذرا
تاریخ تولد: یکم دی 1343
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دانشجوی سال اول کارشناسی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یکم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ا خداوندا ما در فراق یارانی گریان و نالانیم که هر کدام اسطوره‌ای از ایمان و اسوه‌ای از اخلاص و شیرمردی در صحنه‌های نبرد بودند.
- ا با خدا پیمان ببندید تا رفع کل فتنه از زمین از پای ننشسته و امام را تنها نگذارید.
- ا بدانید که مال دنیا در دنیا مانده و آنچه برای آخرت می‌ماند همان مالی است که در راه خدا و برای خدا داده می‌شود.
- ا همیشه یار مستضعفان و دشمن ستمکاران باشید.
- ا نگذارید که باز بیگانه‌صفتان در امور مذهبی و سیاسی ما دخالت کنند.
- ا به عقیده من تنها جایی که امروز در آن مسائل مذهبی و سیاسی سالم گفته می‌شود همین حزب جمهوری اسلامی است.
- ا دل بر این دو روز دنیا نبندید که دنیا محل گذر است و آنچه می‌ماند اعمال خیر ماست.
- ا اولین مسئله حمایت از ولایت فقیه و رهبری پیامبرگونه امام امت است و نکنند و نیاید روزی که این مرد الهی تنها بماند.

محمود حاج قاسمی

بسم الله الرحمن الرحيم

«کتب علیکم القتال و هو کرهٌ لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیرٌ لکم و عسی ان تحبّوا شیئاً و هو شرٌّ لکم و الله یعلم و انتم لا تعلمون»¹.

خداوندا، بارالها، ما جوانان مسلمان در راه عشق و ورزی در راه اسلام از تمامی امیال و آرزوهای دنیا چشم پوشیده [ایم]. و خودت توفیق درک خودت و راحت را به ما عنایت فرما تا با قلبی مطمئن و ایمانی قوی و گام‌هایی ثابت در راحت به پیش بتازیم و با دست‌های کوچک خود و گام‌های کوتاه خود کار بسیار عظیم و راه بسیار طولانی را [که] در پیش داریم ببیماییم. خدایا، بارالها، ما را از هر چه رجس و پلیدی پاک گردانیده و توجه ما را به خودت معطوف گردان که فقط نظر رحمت تو بس که ما توفیق شرکت در صف رزمندگان راحت و سربازان امام زمانت را پیدا کرده‌ایم؛ و گرنه ما همان افراد عادی و بندگان سیه‌رویت هستیم و جز به لطف و مرحمت تو به چیزی دل خوش نکرده‌ایم. تو را سپاس می‌گویم و از تو تقاضا دارم که مرا ببخشی و گناهان مرا نادیده بگیری. هر چند که گناهان ما زیاد است ولی لطف و مرحمت تو فوق این مسائل است. خداوندا به احترام این لحظات که رزمندگان راحت برای شرکت در عملیات آماده می‌شوند قسمت می‌دهم که: آنها را به پیروزی برسان. خداوندا اینان به چه چیزی فکر می‌کنند و به کدامین معشوق عشق می‌ورزند؟ خداوندا این وصل را هجران مکن / سرخوشان عشق را نالان مکن.² خداوندا ما در فراق یارانی گریان و نالانیم که هر کدام اسطوره‌ای³ از ایمان و اسوه‌ای از اخلاص و شیرمردی در صحنه‌های نبرد بودند. خدایا ما آنها را به تو سپارده و از تو برایشان طلب عفو می‌نماییم. خدایا ما به جز اشک سلاح و مهماتی نداریم؛ و ما را با جمعیت اندک و ایمان ضعیفمان بر خصم⁴ کین توز پیروزمان گردان.

1- بقره/ 216.

2- شعر از دیوان شمس.

3- در اصل وصیت «استوره‌ای».

4- در اصل وصیت «خسم».

در پایان چند نکته‌ای برای امت شهیدپرور، که همیشه و همه‌جا در صحنه‌های انقلاب و جنگ تحمیلی با تمامی وجود در خدمت اسلام هستند، خدمتتان به یادگار می‌گذارم با اینکه من کوچکتر از آن هستم که برای این امت شهید[پرور] پیامی داشته باشم. اولین مسئله حمایت از ولایت فقیه و رهبری پیامبرگونه امام امت است. و نکند و نیاید روزی که این مرد الهی تنها بماند، که آن روز روز تنهایی اسلام و مسلمین است و «یادآور روزهای تلخ خانه‌نشینی حضرت امیر مؤمنان است»¹. و خدا نیامرزد کسی را که نسبت به این رهبر عظیم‌الشأن بی‌تفاوت و یا خدای نکرده دشمنی داشته باشد.

و از شما می‌خواهم نسبت به جنگ بی‌تفاوت نباشید و هیچ‌گاه صحنه‌های نبرد را خالی نگذارید و [...] مانند شهدا] با خدا پیمان ببندید «تا رفع کل فتنه از زمین از پای ننشسته»² و امام را تنها نگذارید. و برنامه‌های زندگی و درسی و کاری خود را با جنگ هماهنگ کنید و³ عذرهای بدتر از گناه برای نرفتن به جبهه نیاورید. و خدا را در نظر بگیرید و دل بر این دوروزه دنیا نبندید که دنیا محل گذر است و آنچه باقی است و می‌ماند اعمال خیر ماست. و نگذارید که فقط فشار آن روی عده‌ای خاص بیاید؛ همه باید و لازم است که در این امر مهم شرکت کنند تا انشاءالله جنگ به پیروزی نهایی رسیده و کربلای حسینی و قدس⁴ عزیز را به دامن اسلام و تشیع برگردانیم. همچنین در مسائل پشت جبهه، که مربوط به جبهه است، شرکت فعال نموده و کمک‌های مالی خود را به جبهه زیادتر و بیشتر ادامه دهید و نگذارید فرزندانان در جبهه‌ها از این نظر کمبودی داشته باشند. و بدانید که مال دنیا در دنیا مانده و آنچه برای آخرت می‌ماند همان مالی است که در راه خدا و برای خدا داده می‌شود. و از این دنیای پست روی بگردانید و دل به آخرت بسپارید. تقوای الهی را پیشه خود سازید که زیربنای تمام مسائل عبادی ما همان تقوای الهی است.

و از امت شهیدپرور می‌خواهم که امام امت و رزمندگان و یاران باوفای امام امت را

1- تلمیح دارد به جفایی که در حق علی (7) از سوی مردم مدینه رفت و در حالی که امام به حق بود چندین سال حضرتشان را خانه‌نشین کردند.

2- اشاره دارد به آیه 193 سوره بقره «وقاتلوهم حتی لا تكون فتنه و...».

3- در اصل وصیت «و از آوردن».

4- ر.ک. تعلیقات.

همیشه دعا کنید و همیشه یار مستضعفان و دشمن ستمکاران باشید؛ خواه آنها منافقین از خدا بی خبر باشند یا خواه قاچاقچیان و سوداگران مرگ و یا الوات‌های بی‌سروپا. و از کنار این‌گونه مسائل به سادگی نگذیرید. و در مسائل سیاسی اگر قدرت هضم¹ آنها را ندارید بیخود وارد نشوید، که اگر بدون آگاهی کامل باشد، وارد گناهمانی چون غیبت و تهمت می‌شوید؛ و بگذارید مسئولین مربوط به آنها سر و سامان دهند. و از شما می‌خواهم که به این حزب مظلومان و حزب شهیدان توجه بیشتری کنید و نگذارید که باز بیگانه‌صفتان در امور مذهبی و سیاسی ما دخالت کنند و جوّ جامعه اسلامی ما را مسموم کنند. و به عقیده من تنها جایی که امروز در آن مسائل مذهبی و سیاسی سالم گفته می‌شود همین حزب جمهوری اسلامی² است؛ و من افتخار می‌کنم که در رابطه با این تشکیلات الهی بوده‌ام.

از امت شهیدپرور می‌خواهم که اگر کار بدی و ناشایسته‌ای از ما سر زد و یا در امور کاری خلافی از ما سر زده است به بزرگواری خودشان این حقیر را ببخشند؛ و از شما طلب عفو و التماس دعا دارم.

و از خانواده عزیزم و بالأخص مادر عزیزم می‌خواهم که مرا ببخشند که نتوانستم فرزند خوبی برای او باشم. باشد که انشاءالله اجر بزرگ کردن من را خدا در روز قیامت به او عنایت بفرماید.

65/10/19

فرمانداری خرمشهر هم‌زمان با عملیات کربلای³

محمود حاج قاسمی

[امضا]

در ضمن⁴ 45 روز روزه قضا دارم و مبلغ 19 هزار تومان به آقای طاهری امام جمعه بابت سهمین⁵ بدهکار هستم. و یک سال نماز قضا هم برایم بخوانید.


1- در اصل وصیت «از قدرت حصم».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «ظمن».

5- دو سهم مربوط به خمس (یعنی سهم امام معصوم (7) و سهم اصحاب خمس).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 لَكُمْ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرِهٌ لَكُمْ وَلَسْتُمْ أَهْلَ الْغِلْظِ عَلَيْهِ وَلَسْتُمْ أَبْصَارًا
 وَمَا شَاءَ اللَّهُ يَحْدِثْ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

خداوند ما را با عالمایان مسلمان در راه عشق و رزی در راه اسلام از تمامی امیال و آرزوهای دنیا چشم پوشیده رحمت تو خالق و مدد خودت بدست راجعاً عنایت فرما تا با قلبی مطمئن و ایمانی قوی و کاسه‌ای ثابت در راهت پیشش بناریم و بادستهای کوچک خود در کاسه‌های کوتاه خود کار بسیار عظیم و راه بسیار طولانی را در پیش داریم بیسائیم خدایا، بارالها ما را از هر چه چسب و پلید و کد گریز بدار و زوجه ما را بخودت معطوف گردان که فقط نظر رحمت تو است که ما را توفیق شکریت در صفت روزگاری را هست و سربازان امام زمانت را پیدا کرده ایم و کز نامه‌های افراد عادی و مددگان سیه برده‌های مستقیم و جز به لطف و مرحمت تو پیچیدگی دل خوش نگردد اینقدر را بسیار می‌گویم و از تو تقاضا دارم که سر این بنده و رگماهان سراندا دیده نگذری هر چند که نگاهان ما زیاد است ولی لطف و رحمت تو فوق این مسائل است خداوند ما را با این نعمت که در روزگاران راهت برای شکر و در عملیات آماده می‌شود شکر می‌دهیم که آنها را به پیروی رساند خداوند اینان به چه چیزی مقرر کند و به کرامین معشوق عشق می‌ورزید خدایا این وصل را همراهِ سگ سحرش و حسن و احسان و اعلان سکوت خداوند ما در فراق با رای گریان و بالابیم همه همگام استوارای از ایمان و استواری از اخلاص و شریعتی در صحنه‌های نبرد و نه خدایا ما را از عمارت منور و مبارک و از نورانیان طلب عفو می‌یائیم خدایا ما سیرتک سلاج و سخنانی ما را در راهت و ما را با جمعیت اندک و ایمان جمعیمان بر خشم کین توزیر بر زبان گردان

در ایامی چند نکته ای برای امت شیعه پروردگار همیشه و همه در صحنه‌های انقلاب جنگ تبلیغی ایمانی و محدود رحمت اسد امام هستند خرمندان مبارک کار می‌توانم با امید من کوچکتر از آن هستم که در این است شیعه‌های ما شسته با من اولین مسند جایت از ولایت فقیه و رهبری بیگمگونی امام امت است و مکتوب و نیاید روزی که این سرد الهی تقوا باشد که آن روز روز نهانی اسلام در مسلمین است و باید آرد روزهای تلخ فتنه شنی حضرت امیر مومنان است و خدایا منم رو کسی را که نسبت با من و در عظیم القاتل با تفاوت و با خدا آن کرده دشمنی داشته باشد.



خواهم نسبت سختی تفاوت نباشد و هیچگاه همه‌های نبرد داخلی در این
 بعد از این که بی‌نیاز از هیچ کس نباشد و از بی‌نیستی و امام را تنها نگذارند
 و در روزی و در روزی خود را با خود هماهنگ کنند و از آوردن غنای بی‌نیاز
 بجز به بی‌نیاز و خوار و در نظر بگیرند دل سزای در روزی و بی‌نیاز و در نظر
 که راست و آنچه باقی است و در اعمال حرام است و خدا را در نظر افشار آن روزی
 همه‌ای خاص بی‌نیاز باید و لازم است که در این امر مستقیم حرکت کنند تا انشاء الله حقیقت
 به پروردگاری رسیده و کربلائی حقیقی و قدس عزیر را به این اسلام و شیخ سرزده‌ایم .
 همین رسالت نیست چه که مربوط به جبهه است شرکت فعال نموده و کربلائی مالی خود را به جبهه
 ریاست و بیشتر ادامه دهنده و نگذارید بر زمین انسان در جبهه ها از این نظر کسی در این
 مایه بود باید که مال دیندار در دنیا نه و آنچه حرام است می‌ماند همان مالی است که در راه خدا
 و کس خدا داده هر شیور و در جبهه از این دنیا نیست و در نظر دیندار به آخرت بسیار بود
 تقوای الهی را پیشه خود سازید که در میان تمام مسائل معاصر ما همان تقوای الهی است
 و از دست شیعه پروردگار ما تمام است و در کربلا و با زبان انبیا است راهش در این
 و حقیقت و استغفار و در مشورت که از آن باشد خواه آن‌ها سنانین از خواجگان خراسان باشد خواه تاجایان
 رسد اگر آن حرکت و با الواتقایی بن بر زبان را از این گوید معانی بسیار است که در روز و سنانی
 سیاسی از قدرت جمع آفراننده می‌خورد و در سنی که آن به درون آگاهی کامل باشد و در
 کما های چون عیبت و تحسین می‌شود و کله از مسئولین مربوط به آن‌ها سرو سامان دهند
 و از نمای خواهم که این حرب سطلو مان و حزب شیعه ان نرحم بشری کند و نگذارید که سایر شیخار صفایان
 در این راه معنی و سیاسی ما و خالت کنند و حق با خدا است اسلامی ما را مستقیم کند و بیشتر من
 تنها جای که امروز در آن سنانی مذهبی و سیاسی ما هم گفته می‌شود همین حزب مسجد را سنانی است
 و من انصاری که در در رابطه با این مشکلات الهی بوده ام از امت شیعه پروردگار خواهم
 که اگر کار دیگر ما شایسته اس از ما سرزد و یا در امور کار می‌خاندن از ما سرزد است به هر کس که
 خودشان این چیزی را پیشه و از شما طلب عضو و التماس دعا داریم و از شما نوا و عزیمت و نالایع
 ما در عزیمت می‌خواهم که هر پیشه که نتوانستم هزینه خوبی بجا آورده باشم باشد که انشاء الله هرگز
 کردن من را خدا در روز قیامت با و عنایت فرماید

۶۵ ۱۰/۱۹
 فرزند این شیعه هم زبان ما محلی کربلا ۵
 محمد دینعلی قاسمی
 سمنان ۴۵ روز و تقوایم و سنانی اعراب سنانی - آن‌ها کربلا هم
 ثابت سنانی - کربلا هم کربلا سنانی نماز قیامت برای ما

نام: محمد تقی
نام خانوادگی: حاج محمدی
نام پدر: محمد
نام مادر: نرجس
تاریخ تولد: بیستم شهریور 1342
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: شانزدهم اسفند 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا همیشه یار و یاور امام باشید.
- ا از رهنمودهای امام پشتیبانی و پیروی کنید.
- ا همچنین یاران امام امت را تنها نگذارید و از آنها پشتیبانی کنید.
- ا حفظ حجاب شمشیری است بر قلب دشمنان اسلام.
- ا حسین وار زندگی کنید.

محمدتقی حاج محمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ»

دروود و سلام بر امام امت و امت شهیدپرور و شهدا [ی] اسلام از صدر تا کنون.
دروود و سلام بر سپاهیان سلحشور و مقاوم و به خدمت گزاران¹ به اسلام و مردم قهرمان
و قهرمان پرور ایران.

امروز دوشنبه مورخه 65/10/1 ساعت 4 بعد از ظهر در کربلای ایران (خوزستان)
وصیت نامه خود را این چنین شروع می کنم. اول، وصیت به ملت قهرمان و همیشه در صحنه
و امت شهیدپرور. ملت همیشه در صحنه، گوش به فرمان امام باشید و امام امت را هیچ گاه
تنها نگذارید. همیشه یار و یاور امام باشید و از رهنمودهای امام پشتیبانی و پیروی کنید و
همچنین یاران امام امت را تنها نگذارید و از آنها پشتیبانی کنید.

و همچنین از پدر و مادرم تشکر می کنم که چنین فرزندی را تحویل جامعه داده اند و از
آنها می خواهم که مرا حلال کنند. و همچنین از برادران خودم می خواهم که اولاً پشتیبان
امام امت باشند² و اگر من شهید شدم راه مرا ادامه دهند و هیچ وقت از شهادت من سوء
استفاده نکنند و حسین وار زندگی کنند. و همچنین از خواهران خودم می خواهم در موقع
شهادتم گریه و زاری نکنند و زینب وار زندگی کنند و همچنین حجاب خود را حفظ کنند؛
چون حفظ حجاب شمشیری است بر قلب دشمنان اسلام. و همچنین از همسر خودم
می خواهم که اگر من شهید شدم از شهادت من ناراحت نباشد چون خدا یک جان داده و
هر وقت که بخواهد آن جان را می گیرد و من هم دلم می خواهد که همسرم در مرگ من
غمگین نباشد؛ چون اگر غمگین باشی دشمنان ما سوء استفاده می کنند. و همچنین همسر
عزیزم، حجاب خود را حفظ کن تا تودهنی باشد بر علیه دشمنان اسلام و ایران. و همچنین
از پدر و مادر همسرم می خواهم که مرا حلال کنند چون داماد خوبی برایشان نبود؛ و دلم

1- در اصل وصیت «خدمت گزاران».

2- در اصل وصیت «باشید».

می‌خواهد که [با] گفتارهای نیک خود مرا در آن دنیا شاد فرمایید. و همچنین از کلیه دوستان و آشنایان و فامیل‌های وابسته می‌خواهم که مرا قرین امتنان قرار دهند و [اگر] بد و خوبی از من دیده‌اند مرا حلال کنند. مقداری دربارهٔ وضعیت زندگی خود می‌نویسم:

من حدود 5000 هزار ریال معادل 500 تومان سهم امام به آیت‌الله طاهری بدهکار هستم و حدود 5000 هزار ریال معادل 500 تومان سهم سادات بدهکار هستم (همچنین تا اول شهریور سال 65 حساب سال شده است). همچنین حدود 25000 ریال معادل 2500 تومان به بهداری سپاه شاهرود بدهکار هستم که از حقوق ماهانه‌ام پرداخت نمایید. و همچنین تمام وسایل زندگی‌ام [را] به همسرم بدهید بدون اینکه وسیله‌ای از آن بگیرید. و همسرم در امر زندگی آزاد است هرگونه که می‌خواهد زندگی کند؛ با پدر و مادرش یا با پدر و مادرم یا اینکه در منزل خودم. و کلیه حقوقم [را] به همسرم را بدهید و هیچ‌کس حق گرفتن حقوقم را ندارد. تمام خرج کفن و دفن مرا تا آنجایی که بنیاد شهید داد، داد و اگر کم بود از جایی بگیرید و بعداً از حقوقم بدهید یا اینکه از پدرم بگیرید. مرا در وطنم ده‌ملاء دفن کنید. دیگر عرضی ندارم. از کلیه برادرانی که پیام مرا می‌شنوند التماس دعا دارم.

تا موقعی که زنده هستم راضی نیستم که کسی این وصیت‌نامه را بخواند.

«والسلام. پایان وصیت‌نامه»

65/10/1 ساعت 4

محمدتقی حاج محمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 درود سلام بر امام است و امت شریف بود و شهدا سلام از سر
 ناکند ف.
 درود در سلام بر بندگان مسکون و معاصی و خستندگی بی اسامی در سر و غیره
 غیر از پروردگار امر در کوفته از باره سلامت بی بد از نظر در کربلا ایران (خزانه)
 و صفت نامه خود را بچشمین شرح ما کنیم. اول و صفت به صفت چه در سر و
 است شریف پروردگار سلامت همیشه در همه کوشش بیفروانی امام باشد و امام است از همه
 نشوایند که همیشه یار و یاور امام باشد و از او شنیده که امام بیست و نه و بیست و نه
 و هفتادین یارانی امام است را آنها ندارند و از آنها بیست و نه که در هفتادین
 نیز بیرون و مادی که فکر ما کنیم که چنین فرزندان را که قبول جاسد داده اند و از آنها
 نحو العزم که مراحلا کند در هفتادین از برادران خود معجزانیم که اول بیست و نه
 امام است با شریف و اثر من شکر کردیم که همراه ما ادا شده اند و بیست و نه از شادان

من سوء استفاده نکنم و همیشه در هر روزی که ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ از خوابم بیدار شوم
 بخوابم در سوختم ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ در هر روزی که ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ از خوابم بیدار شوم
 خود را حفظ کنم چون حفظ حجاب ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ است بر عصب و کمان اسلام
 و همیشه از هر چیزی که ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ از هر ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ از هر ^{بخواهم} ~~بخواهم~~
 ملاحظه ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ چون خدا یک جان داده و هر وقت که ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ از هر ^{بخواهم} ~~بخواهم~~
 و سه هم دلم ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ که هر ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ در هر ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ چون ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ با هر ^{بخواهم} ~~بخواهم~~
 سوء استفاده نکنم و همیشه ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ حجاب خود را حفظ کنم تا ^{بخواهم} ~~بخواهم~~
 بر عصب و کمان اسلام و ایران و همیشه ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ از هر ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ که ^{بخواهم} ~~بخواهم~~
 خدا را ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ چون ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ برای ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ و ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ که ^{بخواهم} ~~بخواهم~~
 سر از آن دنیا ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ و ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ از ^{بخواهم} ~~بخواهم~~ و ^{بخواهم} ~~بخواهم~~

و اینست خواهی که مرا قوی و استوار قرار دهند و بد و خوبی از من دور دارند
عقل گشته و تعداد در باره وضعیت همه از این خود معذوریم»

من حدود ۵۰۰۰ هزار ریال معادل ۵ تومان سهم امام به آیت الله طاهر بدینکار و سهم

و حدود ۵۰۰۰ هزار ریال معادل ۵ تومان سهم معادلات بدینکار هستیم همچنین حدود
(همین تا اول شهریور سال ۶۵ و حسب سلاسه است)
۲۵۰۰۰ ریال معادل ۲۵ تومان به بهار کربلا ششصد و بدینکار هستیم که از حقوق


ما ما را هم پرداخت نمایند و همچنین تمام وسائل زندگی ما به سهم معذورین

آمده و سینه اگر از آن بگیریم و سهم داریم زاری اگر اد است هرگونه که در محله

زندگی کند باید رو مادرش یا یا پدر و مادر یا الله در عمل حقوق و در حق حقوق به سهم

بدهید و هیچ حق گرفتن حقوق را ندارد همه تمام هزینه لغو و دفتر مرا تا

انباری که بنام من داد بگیرم داد و اند که بدو طرز جای بگیرم و بدین

از حق فرقی نبرهیم یا ایمنه از پریم بکنیم سر در وطنم  در ابد دفتر
کنیم و سینه عرض از ارج از کلمه برادران که بیام سر استونند انکاس دعا و ارج
نامه عقیده زنده هستیم و اهلنا نسیم که کسیر و اهلنا با اولاد وصیت نامه
ابو وصیت نامه ایثارانده
از ارج 90 سامتیک

نام: عابدین
نام خانوادگی: حاج مهدی
نام پدر: صفر
نام مادر: زبیده
تاریخ تولد: هجدهم خرداد 1334
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دهم اردیبهشت 1361
محل شهادت: جاده خرمشهر - اهواز
نحوه شهادت: اصابت گلوله و ترکش خمپاره
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا همیشه کسی که برای خدا کار می‌کند باید خوشحال باشد.
- ا با ریخته شدن خون هر شهید بار بازماندگان سنگین تر می‌شود.
- ا از همه شما تقاضا دارم طوری عمل کنید که الگوی جامعه اسلام باشید.
- ا بچه‌هایم را طوری بار بیاورید که امام زمان (عج) خوشش بیاید.
- ا طوری زندگی کنید که منافقین نتوانند به شما طعنه بزنند.
- ا شهادت یک معامله با خداست و خدا می‌فرماید فروشنده شهید است و خریدار خدا.
- ا جنگ فقط یک روز و دو روز نیست، جنگ کفر و اسلام همیشه بوده و هست.

عابدین حاج مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

«بسم الله القاصم الجبارين»

به فرموده امام، آنها که رفتند کار حسینی کردند و راه حسین (7) را رفتند و آنها که ماندند باید زینب‌وار¹ راه انقلاب که همان² راه اسلام و قرآن است ادامه بدهند.³

خدمت پدر ارجمند خودم سلام. باری پدر جان، اینجانب غلام شما تا تاریخ 8/9 حالم خوبست و اگر که خداوند بزرگ درجه رفیع شهادت را، که نصیب همه کس نمی‌شود، نصیب کرد از همه شما تقاضا⁴ دارم طوری عمل کنید که الگوی جامعه اسلام باشید و چنان در عروسی من عزاداری⁵ کنید که زینب کبرا (3) از شما راضی باشد.

پدر جان، از صد هزار شهید ممکن است که [یکی] نصیب ما شود و شما باید در روز شهادت فقط شکر کنی که این نعمت الهی⁶ نصیب پسرت شده. و حق گریه کردن ندارید چون روز شهادت 72 تن در صحرای کربلا هیچ کس نبود که برای آنها گریه کند. و طوری در ده زندگی کنید که منافقین⁷ نتوانند به شما طعنه بزنند⁸. و همیشه کسی که برای خدا کار می‌کند باید خوشحال باشد. به قول علی (7) مولای ما اگر همه چیز را از دست دادید باز خوشحال باشید. برادرانم را بگو که به لطف خدا راه خدایی که همان راه انقلاب است ادامه بدهند. به خانواده⁹ ام بگو روز شهادت من بهترین عبادت را بکنید و بچه‌هایم را طوری بار

1- در اصل وصیت «زینب‌بار».

2- در اصل وصیت «همون».

3- این جمله از دکتر علی شریعتی است که شهید آن را به حضرت امام نسبت داده‌اند.

4- در اصل وصیت «تقاضا».

5- در اصل وصیت «عزاداری».

6- در اصل وصیت «لاهی».

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «که الگوی منافقین باشد که مبدا به شما طعنه بزنند».

9- در اصل وصیت «خوانواده».

بیاورد¹ که امام زمان (عج) خوشش بیاید.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»²

عابدین حاج مهدی

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

سفارشم به برادران و هم‌سنگرانم این است که ادامه‌دهنده راه شهدای انقلاب باشند. چون در روایتی از امام ششم شیعیان آمده که در زمانی که انقلابی به وجود می‌آید در غیبت³ حضرت مهدی (عج)؛ ای کاش در آن روز می‌بودم و جانم را فدای انقلاب می‌کردم. پس ای هم‌سنگران عزیز، از این برادر حقیر قبول بکنید که با ریخته شدن خون هر شهید بار بازماندگان سنگین‌تر می‌شود. آنها که می‌روند کاری حسینی می‌کنند و آنها که ماندند باید کار زینب (3) را انجام بدهند. و این است که تمام شهدا وقتی از تمام خوشی‌های زندگی دست شسته و راه حق را پیشه خود کرده، انتظارشان⁴ این است که تا ظهور حضرت مهدی (عج) این راه سرخ شهادت ادامه یابد. زینب (3) بعد از شهادت حسین (7) بزرگترین کارش این بود که خون حسین (7) را زنده نگه بدارد. پس شما ای برادران، نگه‌دارنده خون پاک یاران حسین (7) باشید، چون اینها که می‌روند به لیبک حسین جواب داده‌اند. شهادت یک معامله با خداست و خدا می‌فرماید فروشنده شهید است و خریدار خدا⁵؛ پس برای ما کافی است و تمام جواب‌ها را می‌دهد. برادران عزیزم، شما چه بکشید و چه کشته شوید پیروز هستید، که فرموده خدای بزرگ⁶ [است].

1- در اصل وصیت «بیاورد».

2- در اصل وصیت «و سلام علیکم و رحمة الله و برکاتو».

3- در اصل وصیت «قیبت».

4- در اصل وصیت «انتظارش».

5- اشاره به توبه/ 111.

6- این عبارت برگرفته از این سخن حضرت امام خمینی است: «چه کشته شویم و چه بکشیم حق با ماست، ما اگر کشته هم بشویم در راه حق کشته شویم و پیروزی است و اگر بکشیم هم در راه حق است و پیروزی است». (صحیفه امام، ج 4، ص 492).

یک سفارش به خانواده¹ خودم و پدر و مادرم و برادرانم: از شما عاجزانه می‌خواهم که برای من گریه نکنید چون شهید گریه ندارد؛ شهید با اولین قطره خون خودش تمام گناهایش پاک می‌شود. زیرا اگر شما گریه کنید دشمن خوشحال می‌شود. و حسین (7) با دادن 72 قربانی در راه خدا باز خدا را شکر می‌کند. پس همه راه حسین (7) را ادامه بدهید و توصیه به برادرانم که: راه شهدا را ادامه بدهید. جنگ فقط یک روز و دو روز نیست؛ جنگ کفر و اسلام همیشه بوده و هست. و همیشه ادامه دهنده راه شهدا هستید.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب که ما را از تمام سیاهی‌ها به روشنایی‌ها راهنمایی کرد.

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا يَا رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا»

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»².

«گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

سفارشم به برادران و هم‌سنگران این است که هرگز سنگر اسلام را، که همان خط امام است، هیچ‌وقت خالی نگذارند و همیشه تمام کارهایشان برای خدا و جنبه ارشادی داشته باشد، نه جنبه جبهه‌گیری. به منافقین بگویید که سنگر اسلام هیچ موقع خالی نخواهد ماند حتی اگر به یک نفر حزب‌اللهی بماند، و حزب خدا همیشه به یاری خدا پیروز است و پیروان امام، که همان حزب‌الله هستند، چه بمیرند و چه بمیرانند پیروز هستند.

از پدر و مادر و خانواده خودم و برادرانم درخواست عاجزانه دارم که برای من گریه نکنند؛ برای اینکه منافقین، پوزه آنها به خاک مالیده شود. و همان‌طور راه حق [را] که همان خط امام است تا آخرین قطره خون ادامه دهند زیرا اسلام با خون شهدایی همچون حسین (7) و یارانش و صدهزار شهید در کربلای ایران به دست ما رسیده و باید از آن به

1- در اصل وصیت «خانواده».

2- آل‌عمران/ 169.

هر قیمت که شده نگه‌داری کرد. از برادران بسیج درخواست دارم که بسیج ده را به هر قیمت که شده، توسعه بدهند و تا می‌توانند خودسازی کنند. زیرا یکی از گفته‌های امام همین است که «خود را بسازید».¹

چون شهادت بود ارثیه گلگون‌کفنان در نگه‌داری ارثیه بکوشیم همه

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند روبه‌صفتان زشت‌خو را نکشند

گر عاشق صادقی ز مردن مه‌راس مردار شود هر آن که او را نکشند²

درخواست دارم که در سر مزارم و مجلس ترحیم خوانده شود.

عابدین حاج مهدی

1- امام در موارد متعددی به «خودسازی» تأکید کرده است. از آن جمله به موردی اشاره می‌شود که با عبارت شهید سنخیت دارد: «... از من گذشت لکن شما توجه کنید که خود را بسازید». (صحیفه امام، ج 20، ص 454).

2- این رباعی را بر سنگ مزار میرزاده عشقی نوشته‌اند. برخی آن را به میرزاده عشقی منسوب می‌دانند، اما در دیوان چاپی میرزاده عشقی وجود ندارد. از جمله اشعاری است که به‌خصوص در دوران مبارزات ملت ایران با طاغوت در ذهن و خاطر بسیاری از انقلابیون مسلمان بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بدینگونه امامان را که در راه خدا در صحنه کربلا در راه حسین رانند و آنها که مانند
 ابراهیم زینب بار راه انتقال کعبه در راه اسلام و حجرات است ادامه
 میدهند خدمت پدرار محمد خودم سلام باری پردهای این جانب بخاطر شما
 تا تاریخ ۹/۸/۸۰ حاکم قضایای دادگاه خود را در جبهه شهادت را که
 نصیب همه کسی نمی شود تقسیم کرد از همه شایسته نظامی طور هم که لایحه
 جامعه اسلام باسیر و خندان در عروسی من عذر داری لایحه زینب نیز از شما
 راضی باشد پردهای از حدیث را زینب میگویم است که نصیب ما شود و شما باید
 در روز شهادت فقط بگویند که این نعمت الهی نصیب پسر ما شده و حق کسی
 کردن ندارد چون روز شهادت پهلا من در جبهه کربلا میبینم بنجده برای آنها



قتل و کشتن بر اثر عمل است

کرمه کنید طوری در ده زنجری کند که اللّٰهُ صَافِعٌ بِأَسَدٍ سَابِحًا
شما طعمه بزنند و همیشه کسی که برای خدا کار می کند باید خوشحال باشد
بقول علی مولای ما آبی همه چیز از دست دادید با خود شما را باشد
برادرانم را بگوید به لطف خدا راه خدائی که همان راه انقلاب است ادامه بدهند
به خدا نماندیم بگو روز شهادت سزا بهترین عبادت را کنید و بچه هایم را طوری بار
بیا برد که امام زمان خوشش بیاید و سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

عابدین حاج مهدی

نام خود

ی سریر خاتم صبر کفار شیخ به برادران رهسنگی لقم این است که ادامه دهند راه شهیدای
انقلاب باشند چون در لایحه ای از امام هشتم شریعین آمده که در زمانی که انقلابی وجود می آید
در قیام حضرت مهدی ریح یکبارگی در آن روز وجود می یابیم و با هم می لایحه ای کنیم
انقلاب می کنیم

پی ای ای هم سلطان عزیز از این برادر حقیر قبول بگیرد که با رنجیده شدن خون هر شهید یا راز
مانند کان سنگی تری شود اینها که می روند کاری حسنی می کنند از آنجا که ما نیز باید کار زینب را
انجام بدهند و این است که تمام شهید واقعی از تمام خوشی های زندگی دست شسته راه حق
را بسته فرود کرده انتظارش این است که تا ظهور حضرت مهدی ریح این راه فرخ نهاده است ادامه
داری زینب بعد از شهادت همین بزرگتی بی کارش این وجود که خون همین را زنده نگه دارد
پس شما ای برادران نگه دارنده خون پاک یاران حسین باشید چون آنها که می روزی بیک حسین جوار
داده اند شهادت یک معامله باخر است و خدای فرماید فرشته شهید است و فریاد غمناک پس برای ما
کافی است و تمام جواب های دهر برادران عزیزم شما چه بکنید چه گفته شوید بی فایده است که فرود
خوبی بزرگ کوشش به خزانوان خود می پیر و مادرم و برادرانم از شما ما خزانهای خواهیم که برای من کوا
دیند چون شهید که بود شهید با اولین قطره خون خوش تمام گناهانش پاک می شود زیرا این شما گناهی که
دشمن خوشحال می شود و همین ریح با دادن پهلای قربان در راه خوار با خوارا سنگی کند پس هر راه
پس ادامه بدهید و قومی به برادرانم نه راه شهید را ادامه بدهید و خط یک روز در روز زینب صلوات
اسلام همیشه بوده و هست و همیشه ادامه دهند راه شهید هستید

عبدین حاج مهدی بادردر زواران بهر کس که بخواهد از تمام سالها

بسم الله الرحمن الرحيم : اللّٰهُمَّ زَيِّنَا لِرَبِّنَا حَقْلًا مِّنَّا رَاهِنًا فِي كَوْنِ

وَلَا تُفَسِّخْهُنَّ مِنَ الَّذِينَ قَبَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ آمَنَّا بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

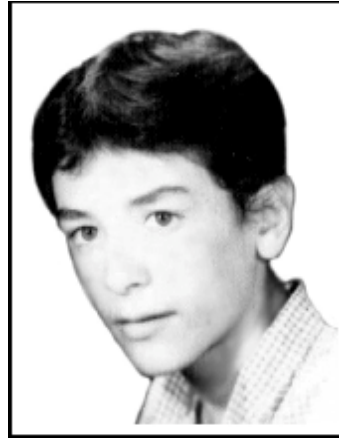
مکان عمود کسای که در راه خدا شسته شده اند مورد انذار بلکه زنده اند و نزدیک پروردگارشان در راه خود
 دستار شوم به برادران و همه سنگواران این است که هرگز سنگر اسلام را که همان خط
 امام است هیچ وقت خالی نگذارند و همیشه همام کاها نشان برای خدا و جنبه انسانی
 داشته باشند که جنبه جسمیه بگیرد به معنای حق بگویند که سنگر اسلام هیچ موقع خالی نخواهد
 ماند حتی اگر بیک نفس حزب اللهی بویاند و حزب خدا همیشه بی یاری خدا پیروز است و پیروزان
 امام که همانا که همان حزب الله هستند بی یاری که می یارند پیروز هستند همان در پیروزانند
 در سزای خود و برادرانم درخواست عاجزانه دارم که برای من کوفیه نهند برای اینکه منافقین بوز
 آنها با کف مالیده شود و همانا ذکر راه حق که همان صفای امام است تا آخرین و تنزه کردن
 امامان هستند زیرا اسلام با خون شهیدان حسین و یارانش و صوفیها و سید در کربلا
 ایوان به دست ما رسیده و باید از آن به هر قیمت که شده نگهداری کرد از برادران بسیج
 درخواست دارم که بسیج ده را با هر قیمت که شده توسعه بدهند و تاسی برانند خود ساری کنند
 ریویزی از کفته های امام همی است که خود بسیار بد.

چون ستمداری بود از دنیا که کلوز کفنان	در نگهداری آرند که در ستم همه
در مسلح شستی جز دلوردا نکستند	رویکه صفنان رستت خوربا نکستند
تو عاشقی صابر حقان مودن مهراس	مردار سوزد هو آن که دورا نکستند

در خواست دارم که در سر مراسم و مجلس ترجمه خوانده شود

وقت تعارف امور اجتماعی (واحد موریا پاران)
 پایگاه شاه پروو
 ۱۳۸۴

نام: حسین
نام خانوادگی: حاجی علیان
نام پدر: علی
نام مادر: مهتاب
تاریخ تولد: یکم دی 1349
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: دانش آموز سوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سی و یکم اردیبهشت 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا به جبهه آمدم و نمی‌خواستم مانند مردم کوفه امام خود را تنها بگذارم.
- ا کسانی که توانایی رزمی دارند به جبهه‌ها بیایند.
- ا پیام من به مادران این است که حجاب خود را حفظ کنند.
- ا مادران مبادا به هر حال از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب (3) را بدهید.
- ا مثل خاندان وهب جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید.
- ا استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان و تسکین دردهاست.
- ا همیشه به یاد حق باشید و در راه او قدم بردارید.
- ا شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست.
- ا سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سنگر را ترک نخواهم کرد.
- ا پیام من به دانش‌آموزان این است که درس خود را بخوانند و سنگر مدرسه را محکم نگه‌دارند تا نباشد روزی که منافقین همه‌کاره شوند و ما خدمتگزار آنها و بدین‌وسیله اسلام را از بین ببرند.

حسین حاجی‌علیان

بسم الله الرحمن الرحيم

حسین حاج‌علیان سن 17 دارای شماره شناسنامه 268، من به فرمان امام خود لبیک گفتم و به جبهه آمدم و نمی‌خواستم مانند مردم کوفه امام خود را تنها بگذارم و چون¹ خود را در برابر اسلام مسئول دانستم به جبهه آمدم.

پیام² من به تمام ملت ایران مخصوصاً امت شهیدپرور مهدیشهر این است که فرمان امام را اطاعت فرمایند و کسانی که توانایی رزمی [را] دارند به جبهه‌ها بیایند و پیام³ من به مادران این است که حجاب خود را حفظ کنند. پیام⁴ من به دانش‌آموزان این است که درس خود را بخوانند و سنگر مدرسه را محکم نگه‌دارند تا نباشد روزی که منافقین⁵ همه‌کاره شوند و ما خدمتگزار آنها و بدین⁶ وسیله اسلام را از بین ببرند. وصیت‌نامه⁷:

با سلام و درود بیکران به یگانه منجی جهان بشریت حضرت مهدی (عج) و نایب برحقش امام خمینی و با سلام و درود بیکران به رزمندگان اسلام. آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم. ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین (7) در راه حسین (7) و با هدف شهید⁸ شد. ای مادران مبادا به هر حال از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب (3) را بدهید که تحمل 72 شهید را نمود. مثل خاندان وهب⁹ جوانانان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل

1- در اصل وصیت «حون».

2- در اصل وصیت واژه پیام محو شده بنابر اصل استحان و قراین بعدی عبارات کلمه «پیام» مفهوم است.

3- در اصل وصیت «پیام».

4- در اصل وصیت «پیام».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «ببین».

7- در اصل وصیت «وصیت‌نامه».

8- در اصل وصیت «شهد».

9- ر.ک. تعلیقات.

نگیرید. زیرا مادر و هب فرمود سری را که در راه خدا داده‌ایم پس نمی‌گیریم. برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان و [...] ¹ تسکین دردهاست و همیشه به یاد حق باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیاندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست. حضورتان را در جبهه‌های حق بر علیه باطل ثابت نگه‌دارید. در امام بیشتر مطمئن ² شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید. اگر فیض شهادت نصیب گشت آنانکه پیرو خط [...] ³ امام خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند بر من نگریند و بر جنازه من حاضر نشوند اما باشد که دماء شهدا آنان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید ⁴ تا آخرین قطره خونم سنگر را ترک نخواهم کرد با خداوند پیمان می‌بندم.

حسین حاج علیان

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «متمن».

3- خوانا نیست.

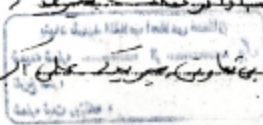
4- در اصل وصیت «بگوئید».

بسمه تعالی
وستی نامه زندگان

این وقی نامه انسان کاپیترانه و انتان آیدار میگفت: در خنرا

برای برزنده و تودیه به شود نکات در نظر را در روشن اوصیت نامه خود روایت داشته
1- منتهات کام... حسین حاجی علیان سن 17 داران شیرشاسا ماه 13
2- هذ قرا از آمدن به جیب... من بر مکان اما و خلاقیت گنم و به جیب آدم در خواست
3- ما شت مردم روز نام خود را نشانی در خون عملدار در برابر اسلام مشعل دانست و به آنگام

پس من به تمام استایران حضوراً است...
و باطلت فراموشی که انانی زور و پهلای مار و نه همه...
این است که به ای خود را حفظ است...
است که در این خود را نشانی...
تاریخ و غیره...
بلای و در بر ای...
بر من و ای...
و نه...
و این...
در و ای...
و این...
و این...
و این...



توجه بر این...
و این...
و این...

انور و فرزندان آن بی بی بدر ایمن که در نماز و سزایا من توانی به امانت
 زین را بس که من کلا شکر را خود به مثل خندان نور و ~~خداوند~~ ^{خداوند}
 بی بدلی برودن تیریدی چه در تمام نخل نامی زین را که در نماز و سزایا
 در راه خدا راه من نه ایم بر امان استغفار و دعا را از یونیه که بر تیر
 بر سلطان نکین بود و من و میباید و از آنجا که در راه ~~خداوند~~ ^{خداوند} او بعد برود
 و مرا زین سال من تا آخرت زین را از روز تیرت بعد آن کند
 که از جنین که فرزند بیخست سالان و روزی که در وضو نماز است صورتان
 بر روی ما حق برید باطل نامت که یاری در امام بین رحمتی تو بر من
 که نیست اما با یاری خود را نام او با زین صلوات و امان خیر او ای جان
 خداوند که از من است نصیب است که آنکه بر وفا زین را از جنین تیرت
 و بر ما است اما از آنکه از من تیرت و بر جانزه من حاضر تیرت و آنکه که در راه
 آن را از تیرت از دور رحمتی زین که من که در راه بر من فرزند
 بر این و بر زین که از من تیرت و بر جانزه من که در راه بر من فرزند

تذکره
 در صورتیکه به غیر شهادت نائل شد به محل که در خود داشته شود
 واحد مسجد تعاون تهر مستقل ۲۱ آبا. رضی (ع)

نام: محمدعلی
نام خانوادگی: حاجی قربانی
نام پدر: عبدالله
نام مادر: صفرا
تاریخ تولد: دوازدهم مهر 1339
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: دوم فروردین 1361
محل شهادت: کرخه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ برای اعتلای اسلام و پاسداری از جمهوری اسلامی می‌جنگم.
- ۱ امیدوارم که با شهادت من اسلام عزیز به رهبری امام در سراسر دنیا برقرار شود.
- ۱ خدایا کشته شدنم را که در راه تو است از من قبول کن و از گناهان بی‌شمارم درگذر.

محمدعلی حاجی قربانی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب محمدعلی حاجی قربانی فرزند عبدالله متولد 12 مهرماه 1339 به شماره شناسنامه 772 که برای انجام خدمت مقدس سربازی برای مقابله با¹ کفار بعثی به جبهه اعزام شده‌ام، اگر در اثر آتش صدامیان شهید شدم به پدرم وصیت می‌کنم بعد از من شما و مادرم گریه نکنید چون گریه سودی ندارد. نزد خویش فکر کنید همان‌طور که سه فرزند شما در کودکی از دست دادید من را هم از همان اوایل کودکی از دست داده بودید. شما را سوگند به آن کسی که دوست دارید گریه نکنید. اگر جنازه من به دست شما رسید مرا هم در کنار شهیدان همیشه جاوید دفن کنید.

تو ای مادر عزیز، ای مادر مهربان ای عزیز دوران، امیدوارم که آن شیری را که به من داده‌ای حلالم کنید. و تو ای پدر زحمت‌کشم و پدر رنج دوران دیده‌ام، از تو می‌خواهم آن زحماتی را که برای من کشیده‌ای و من نتوانستم آن همه محبت‌ها و زحمات‌ها و مشقت‌های شما را جبران کنم امیدوارم مرا ببخشید. و شما ای برادرم. شما به پدرم در کشاورزی کمک کنید و او را تنها نگذارید و در تعلیم و تربیت برادر و خواهرتان به پدر و مادر کمک کنید. در خاتمه وصیت خودم صبر عاجل و سلامتی کامل برای شما والدین عزیزم و کلیه وابستگان از خدای متعال آرزو می‌کنم. ای خانواده عزیز و ای امت شهیدپرور، آگاه باشید که من زنده‌ام و آخرین پیام من برای شما این است که من سرباز محمدعلی حاجی قربانی برای اعتلای اسلام و پاسداری از جمهوری اسلامی می‌جنگم و امیدوارم که با شهادت من اسلام عزیز به² رهبری امام در سراسر دنیا برقرار شود. خدایا کشته شدنم را که در راه تو است از من قبول کن و از گناهان بی‌شمارم درگذر. باشد که مورد لطف و رحمت تو قرار بگیرم.³

«والسلام علیکم و رحمة الله»

60/10/14 محمدعلی حاجی قربانی

1- در اصل وصیت «به».

2- در اصل وصیت «با».

3- در آخر وصیت‌نامه آمده است: «توضیح این که قسمت‌های آخر وصیت‌نامه شهید از آخرین نامه وی که بعد از شهادتش یکی از هم‌زمانش برای خانواده شهید آورده است گرفته شده است».

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه لایحه جانب محمدعلی حاجی قربانی

اینها جانب محمدعلی حاجی قربانی مرقد عبدالقادر سمرقندی ۱۳ شهریور ۱۳۴۹ شماره شناسنامه ۷۷۲ که برای انجام خدمت مقدس مبارک ساریه ساریه ساریه به کتار رعی به حیضه اعزام شده ام آنرا تر آنست خدا بیادش شهید شدم به پدرم وصیتی کنم بعد از من شما و مردم کتار به کتار چون کتار مردان فداور نزد خدایتی بکنر کنید همانقدر که همه فرزندان شما در کردگی لذت دست دادید من را هم لذتها را اول کسی لذت داده بباری شما را سخت به آن کسی که دست دارد به کتار بکنر کنید. آخر بنده من بدست شما رسیدم و کتار ساریه ساریه ساریه جاویده فخر کنید

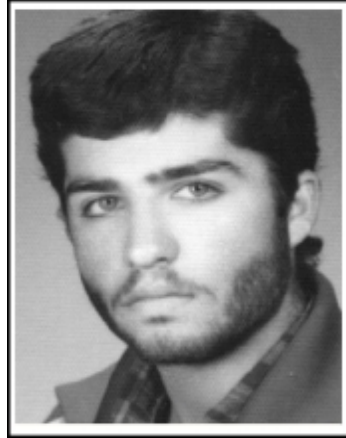
قرای مادر عزیز - ای مادر معربان ای عزیز دوران رسیدارم که آن شیرینی را که به من داده ای جدا کنم و برای پدر زحمتکم و پدر رنج دوران دیده ام از خدای عزوجل آن نعمتها را که برای من کشیده ای و من خدایتانم آن هم محبتها و رحمتها را مشفقان شما را میران کنم رسیدارم بر اینصورت زمانی بدارم : شما به پدرم در کتار روزی بکنر کنید و اولتها بکنر آری در خدایت و تربیت ببار و فدا خدایت به پدرم در کتار بکنر کنید . در خانه وصیت خدمت صبرم ببار و صلوات کامل برای شما والدین عزیزم و کتار راستگیان از خدای تعالی آرزوی کنم ، **خاتمه** عزیزان اینست

آگاه باشید که من زنده ام و آخرت پیام من بباری ای است که من ببار محمدعلی حاجی قربانی ببار امتلای اسلام و پاسداری از عقیدت اسلامی بکنم و امید دارم که با شهادت من اسلام عزیز برهبری امام در سراسر دنیا برقرار شود . خدا یا کشته شدم که در راه خواست خود چون اجل گن

و آرزوهای با شمارم بکنر . باشد که مورد لطف و رحمت تو قرار بگیرم . والسلام علیکم ورحمتك
۶۰۱۰۱۶
محمدعلی حاجی قربانی

تصویر کتار منتهای آنروز تمام شده از آنروز تا روزی که در کتار شادانم . کتار عزرا صلوات ببار خدای عزوجل
آمرده است کتار شادانم .

نام: ماشاءالله
نام خانوادگی: حاجی کمالی
نام پدر: رحمت‌الله
نام مادر: سیده زهرا
تاریخ تولد: دهم مرداد 1345
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: دانش‌آموز چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و چهارم اسفند 1366
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا اگر دین شما از بین برود آبرو و حیثیت شما از بین رفته است.
- ا آخرین صحبت‌م به مردم شهیدپرور است که از آنها می‌خواهم که امام را یاری کنند و او را تنها نگذارند.
- ا جبهه‌ها را پر نمایند تا اسلام در جهان زنده بماند.
- ا راه من راه حق است، پس در راه حق و خدا مردن ناراحتی ندارد.

ماشالله حاجی کمالی

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله و انا اليه راجعون»¹.

«به‌درستی که از سوی خدا آمده‌ایم و به سوی او خواهیم رفت».

اوّل چیزی که مهم است، مادرم؛ که از او می‌خواهم که اگر بدی و ناراحتی از من دیده است مرا به بزرگی خودش عفو کند و مرا ببخشد. از تو مادرم می‌خواهم که طلب آمرزش برای من بکنی و مرا دعا کنی. مادر جان، مرا ببخشید که نتوانستم زحمات شما را جبران کنم. به بزرگی خودت مرا ببخش. از دیگر اعضای خانواده‌ام می‌خواهم که اگر ناراحتی از من دیده‌اید مرا عفو کنند. مادر جان، من چیزی ندارم به آن صورت که ببخشم ولی به‌عنوان اینکه چیزی از زبانم و از گفتمام ناگفته نماند می‌خواهم بگویم که چرخ مرا به اکبر بدهید و اثاث² زندگیم را به برادرم اکبر بدهید. مادر جان و ای خانواده‌ام، از شما می‌خواهم که برای من خیلی ناراحتی نکنید و از خدا بخواهید که مرا ببخشد.

آخرین صحبت‌م به مردم شهیدپرور است که از آنها می‌خواهم که امام را یاری کنند و او را تنها نگذارند و جبهه را پر نمایند تا اسلام در جهان زنده بماند انشاءالله. اگر دین شما از بین برود آبرو و حیثیت³ شما از بین رفته است. از دوستان و همسایگان می‌خواهم که اگر از [من] ناراحتی دیده‌اند مرا به بزرگی خودشان عفو کنند. دیگر عرضی ندارم. خداحافظ. مادر جان برای من گریه و زاری نکن که دشمن [خوشحال می‌شود]. راه من راه حق است، پس در راه حق و خدا [مردن ناراحتی] ندارد.

از خون جوانان وطن لاله دمیده⁴.

ماشالله حاجی کمالی

1- بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «اساس».

3- در اصل وصیت «حیثیت».

4- این مصرع از شعر معروف عارف قزوینی است و شهید عزیز در پایان وصیت‌نامه‌اش سه گل لاله رسم کرده و در کنارش این مصرع را نوشته است.

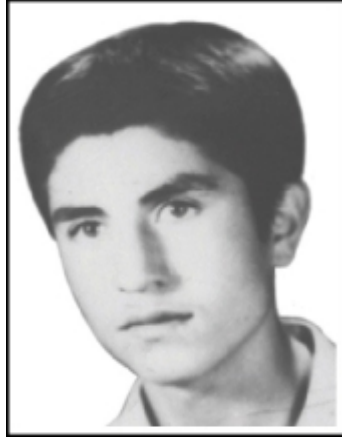
به نام خداوند بزرگ
 انشاء الله و انشاء الله راجعون : بدینکه از سوی خدا آنگاه و به سوی او فراموش
 اولی چیزی مهم است . مادام که از اوستی می خورم که اگر بوی دنیا را حتی از من دیدم . مرا به بزرگی
 خدای منکنده ، مرا ببخشید از تو مادام می خورم که لذت کمترین برای من بکنی و مرا دعا کنی .
 مادر جان مرا ببخشید که نتوانستم ^{چون} حق خیر او را تمام ^{چون} بزرگی خردت مرا ببخشید : از تو
 انصاف می خواهم که اگر ناراحتی از من دیده ای مرا عفو کنده . مادر جان من چیزی ندانم
 آنکه صورتی که ببینم ولی همچنان آید چیزی از زبانم و از لسانم نماند . فانی می خواهم بگویم که هیچ
 مرا به آب بگردانید و اسباب زندگی را به برادر آب بگردانید . مادر جان خدای خدایانم از شما
 می خواهم که برای من خالی ناراحتی نماند و از خدا بخواهید مرا ببخشید . آخر من صحبت پرستم
 همیشه پروراست که از آنکس می خواهم که نام را یاد کند و او را نترسد و در جیب او می ماند
 تا سلام در جهان زنده بماند انشاء الله . اگر من شما از زمین سرد آید و حسرت شما از
 بین آید است . از دست او و مناسبت می خواهم که از ناراحتی دیده اند مرا به بزرگی
 خدای منکنده . در هر عرضی ندارم . خدا حافظ

مادر جان برای من دعا کن که در جیب
 تو باشم و صحبت پرور باشم



از خود جدا کردن
 لاله رسیده

نام: علی
نام خانوادگی: حامدی
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: یازدهم مرداد 1348
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم آبان 1366
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ از جوانان می خواهیم که تنور جنگ را گرم نگه دارند تا وقتی که ظلم برکنده شود و فساد از بین برود.
- ۱ انسان چیزی جز عمل نمی تواند از این دنیا همراه خود ببرد.
- ۱ همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید.

علی حامدی

بسم الله الرحمن الرحيم

«أنا لله و أنا اليه راجعون»¹.

«آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه زنده‌اند و در نزد خدای خویش روزی می‌خورند»².

شهیدان زنده‌اند الله اکبر به خون آغشته‌اند الله اکبر

با سلام و درود به تمامی شهیدان صدر اسلام و با درود و سلام بر امت حزب‌الله مهدیشهر و با درود و سلام به پیر و این شیر جماران امام خمینی وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم. اول [از] هر چیز از همه همشهریانم عاجزانه می‌خواهم که اگر از من بدی دیده‌اند مرا ببخشند و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند و از جوانان می‌خواهم که تنور جنگ را گرم نگه دارند تا وقتی که ظلم برکنده شود و فساد از بین برود. آری، جوانی بود و غرور که مرا در آتش دوزخ انداخت، مرا به گناهان بسیاری آلوده کرد. انسان روزی به دنیا می‌آید و روزی هم از دنیا می‌رود، اما چه بهتر که به فکر سفر آخرت باشد. روزی می‌شود که مال دنیا دیگر اثری در زندگی ندارد. وقتی هر انسانی از این دنیا می‌رود به جز یک تکه کفن چیزی از مادیات از این دنیا نمی‌تواند ببرد، اما تمام چیزهایی که می‌تواند ببرد عمل اوست و چیزی جز عمل نمی‌تواند از این دنیا همراه خود ببرد.

و اما، مادرم واقعاً برای من رنج بسیار کشیده است و بسیار از ایشان تشکر می‌کنم. و از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا ببخشند و برای من دعا کنند و برای من نماز و روزه بدهند، چون در این زندگی نتوانستم روزه بگیرم و حتی نماز را بخوانم، می‌روم تا شاید بتوانم این گناهان را که بر دوش من سنگینی می‌کند پاک کنم و از خدایم طلب آمرزش کنم و از خدایم بخوام که مرا ببخشد.

1- بقره/ 156.

2- ترجمه آیه 169 سوره آل عمران.

پدر عزیزم شما هم می‌خواستید که نماز بخوانم، روزه بگیرم اما در این دنیا نتوانستم آن‌طور که دلتان می‌خواست باشم. پس در مرگ من گریه نکن. با این پولی که در بانک می‌باشد تا می‌توانی نماز و روزه بده. تمام مالم را به شما واگذار می‌کنم، هر راهی که خودتان می‌دانید از آن استفاده کنید. اگر نعش من به‌دست شما رسید مرا در کنار دیگر شهیدان این شهر دفن نمایید. مادرم مریض است؛ زیاد ایشان را سرزنش مکن و او را دلداری بده. مادرم برای من زحمت‌های بسیار کشیده است و انشاءالله از من راضی می‌شود و برای من دعا می‌کند و طلب آمرزش. و اگر نعشم به‌دست شما نرسید هرگز ناراحت نباشید. همیشه پشتیبان رهبر و انقلاب باشید.

و از تمام فامیل‌هایم می‌خواهم اگر بدی از من دیده یا کار ناشایستی از من سر زده مرا ببخشند و برایم دعا کنند و از من راضی شوند، چون در طول زندگی نتوانستم خدمتی برای ایشان بکنم. و مادر بزرگم برای من عزیز است؛ از ایشان بخواهید و «بگویید که من زنده‌ام هرچند که مرده‌ام»¹. دیگر عرضی ندارم به‌جز: سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

و اما توصیه‌ای که یادم رفت؛ از برادرانم تقاضا دارم که به پدر و مادر احترام بگذارند که این واجب است. اگر می‌خواهند در زندگی همیشه شاد و آزاد باشند حرف‌های پدر و مادر را گوش کرده و مادرم را که سختی بسیار کشیده است ناراحت نکنند، به‌طوری که وجود مرا هم حسّ کند. و از برادرانم و یکدانه خواهرم می‌خواهم که درشان را بخوانند، تا جایی که می‌توانند علم بیاموزند تا به جامعه خدمت کنند. والسلام.

پدر و مادر عزیزم شما واقعاً برای من دل سوزانیدید. و توای مادر عزیزم که در زندگی رنج‌های فراوان کشیده‌ای، و اکنون، از آن روزی که یادم می‌آید همیشه کسالت دارید و مرا و جبب به و جبب به این اندازه و به این سن رسانده‌اید، از شما تشکر می‌کنم. و این را که از فرمایشات حضرت علی علیه‌السلام می‌باشد سرمشق خود قرار بده که می‌فرماید «آنچه که بر قضا و قدر فائق آید صبر است». پس صبر و شکیبایی داشته باش و در مرگم هرگز گریه و زاری نکنید چون من به راه خدا رفتم و باز هم از حضرت علی علیه‌السلام آموختم که

1- اشاره‌ای دارد به قسمتی از آیه 154 سوره بقره و نیز بخشی از سوره آل‌عمران آیه 169.

می‌فرماید: «آنچه که زیادش هم کم است ایمان و جوانمردی است». دیگر چیزی به عqlم نمی‌رسد که برای شما بنویسم هر چه هست [پدرم و] و تمام کارها را به پدرم وامی‌گذارم و بیشتر از این نمی‌دانم که برای شما بنویسم.

جوانی حاصل عمرم به نادانی گذشت آنچه ماندش در پشیمانی گذشت

66/8/17

علی حامدی

این م در حدیثی که در مورد سید
بلکه در مورد زین العابدین است که فرموده است

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه علی حامدی
سیدان زین العابدین علیه السلام به خرد آفتاب الله العزیز

بایست که در روزی که تمام سیدان صدر اسلام و با برود سلام بر آیت خرد الله هدایت و با برود سلام بر پیروان
شیر عیار امام زین العابدین و وصیت نامه خود را که ما می بینیم اول هر چیز از همه هستی را که عاقل است بخواند که اگر این
کتابی در روزی که در این دنیا هست و همه سیدان و اولاد فقید با آمدن در دنیا بخواند که آن روز چند را در آن روز
تا وقتیکه ظلم بر کلمه شود و فانی پس برود اگر کسی خواند و بخورد و به یاد آتش در روز آخرت با آن روز می شود
اگر در آن روزی که دنیا می آید و روزی هم در دنیا می رود اما چه بهتر که قبل از آن که آن روزی می شود
که مال دنیا در آن روزی که در دنیا می آید و آن روزی که در دنیا می رود چه بهتر که قبل از آن که آن روزی می شود
همی تو را بر سید امامان چه خواهد که می تواند بر عمل او است و چیزی که عمل نمی تواند در این دنیا هر چه خود بسوزد

و اما ما هم واقعا برای این بجز بیکار نشدن به امت و بیارزائی کمتر بکنیم و نیز در روز ما هم می خواهیم

که هر ایجت خود برای من دعا کنند و برای من نماز و روزه بدهند چون در این دنیا نتوانستم روزه بگیرم و حتی

نماز بجا آوردم و نمازات سیرت خوانم این دعا را هم برداشتم من بکنم و بکنید تا منم و نیز خدا هم طلب

اکثرش کنم و نیز خدا هم بخوانم که هر ایجت ببرد عزیزم تا هم بخواهید سیدم نماز بجا آورده بکنم اما در

این دنیا نتوانستم آن طور که دلتم بخواهست با هم بس در مرگ من نیز بکن با این بودم در باند

میباشد تا می توانم نماز و روزه بدهم تمام با هم را به شما و انوار بکنم هر راهی که خود می خواهید از آن استفاده

کنید اگر نفس من بدست شما رسید مراد کنار بگذرید این شهر دقن نما بکنید ما هم در نفس است

زیادتی را از سرش بکن و او را دلاری بده ما هم برای من رعیتای بیکار نشدن به امت و ان شاء الله

نفس را ضعیف می شود برای من دعا بکنید و طلب اکثرش و اگر نفس بدست شما رسید هر نماز

نما بکنید همیشه یقیناً رهبر و انقلاب با تید.

و در تمام عالم میخوانم که هر یک از من دیده یا کارهای من سر زده مرا بیفتند و بر این دعا کنند
 و من را ضعیف کند چون در طول زندگیم نتوانستم خدمتی برای این ملت کنم و مادر بزرگم برای من عزت و استقامت از آستان
 بخوانند و بگویند که من زنده ام هر چند که هر دو کلمه را در بعضی روزها بخوانم و بگویم که ای مادر بزرگم خداوند متعال خواندند

حافظ Ali Hamed

۱۳۸۸

و اما توصیه ای که باید رفت از برادرانم تقاضا دارم که به بی پروایی در احترام نگذارند که این واجب است اگر
 میخوانند بزرگتر هستند تا او را یاد کنند حرفهای بی پروا را گوش کرده و با هم راه رفتن بسیار کشیده است
 ناراحت نکنند نظر کنم و خود مرا هم حس کنند و از برادرانم و بندانم نخواهم میخوانم که دست راست را بجوانند
 تا حاجت که می توانند علم بیاموزند تا به حاجتم خدمت کنند. والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم صل على محمد و آله
 و سلم

شهادت

بیدرمانترینم تا واقعا برای من دستور اندیز و نوای مادر عزیزم که در زندگانی و بخیای فرلوا (تبدای
والغیر) لزان روزی که یاد می آید همیشه کسالت دایره و بر او و جیب و جیب به این اندازه و به این سن
در آنده نیز زینت است که می بینم و این را که از فرمایشات حضرت علی علیه السلام می باشد در مستحق خود
قرارداد می نمودم که آنچه که بر قضا و قدر خالق آید صبر است پس صبر و تقیای دانسته
باش و در بر من هرگز نریز و زلزلی کشید چه من به راه خدا رفتم و با زحمات حضرت علی علیه السلام
اگر چشم نه بینم تا این که آنچه که بر یادش هم کم است ایما و جواز نزدی است دایره چیزی به عقلم نمی برد
که برای است بنویسم هر چه هست چه در تمام کارها را به پیغمبر و ای که نام و بیشتر از این نمی دانم

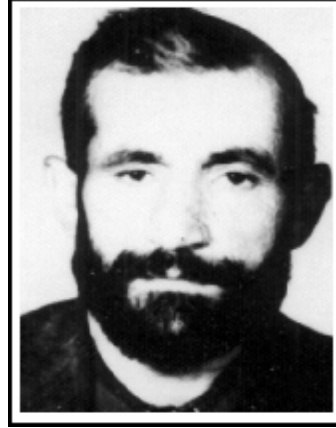
کبری است بنویسم

جوا حاصل علم به نارا در نیت
آنچه ماندش در دنیا در نیت

77/8/17

علی حادری





نام: عین الله
نام خانوادگی: حامدی
نام پدر: علی اصغر
نام مادر: فاطمه زهرا
تاریخ تولد: دوم بهمن 1319
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم تیر 1360
محل شهادت: صالح مشطط
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ۱ طبق فرموده پیغمبر اکرم (6) بر هر مسلمانی واجب است وصیت داشته باشد.
- ۱ قباله عیالم را از وجه نقدی که در دفترچه خودش می باشد، بپردازند و آنچه در حال حیات خودم برای ایشان گرفتم متعلق به خودش می باشد.
- ۱ خانه و حیاط با زمین غرب محله سهمیه خودم مال پسرها به شرط اینکه روزهای جمعه دعای ندبه را فراموش ننمایند و اگر کسی برای دعای ندبه نیامد، به وسیله نوار هم که شد بخوانند.

عین‌الله حامدی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب عین‌الله حامدی فرزند علی اصغر حامدی در حال صحت و سلامت این چند کلمه من باب وصیت نوشتم. طبق فرمود [ه] پیغمبر اکرم (6) بر هر مسلمانی واجب است وصیت داشته باشد.

آنچه از اثاثیه¹ [و] خانه‌ها دارم مربوط به فرزندان و مادرشان؛ طبق فرمود [ه] پیغمبر دختر به حق خودش و پسر هم به حق خودش. و زمین‌هایی که دارم سهمی [ه] من، زمین خریداری حاجی عبدالله²، وقف³ فاطمه زهرا علیهاسلام (در ماه فاطمیّه [...] روضه خوانده شود) و بقیه بین فرزندان تقسیم و قبالة عیالم را از وجه نقدی که در دفترچه خودش می‌باشد پردازند و آنچه در حال حیات⁴ خودم برای ایشان گرفتم متعلق به خودش می‌باشد. و خانه [و] حیاط با زمین غرب محله سهمی [ه] خودم مال پسرها به شرط اینکه روزهای جمعه دعای ندبه را فراموش نمایند. و اگر کسی برای دعای ندبه نیامدن [د] به وسیله نوار هم که شد بخوانن [د] و این روزهای جمعه وقفی⁵ ندارد. و حیاط [و] خانه و زمین غرب محله چون قابل تقسیم نمی‌باشد و هر کدام 250 الی 300 متر بیشتر نیست و زمین از کوهستان رودبار بین فرزندان طبق دستور قرآن و پیغمبر (6) باید تقسیم شود. و چنانچه وصی برادرم حمید حامدی می‌باشد که باید با نظریه حتمی برادرهای عیالم میکائیل و جبرئیل انجام دهد. و خرج دفن و کفن باید از مال خودم بردارند و خرج عزاداری را اگر مؤمنین صلاح دانستند به جنگ‌زدگان اختصاص دهند و مثل شهرستان یک جای [و] قلیان بدهند. و زمین‌ها تا زمانی که بچه‌ها بزرگ نشده‌اند دخترها حق تقسیم

1- در اصل وصیت «ساسیه».

2- در اصل وصیت «عبدلا».

3- در اصل وصیت «وخم».

4- در اصل وصیت «حیاط».

5- در اصل وصیت «وخمی».

ندارند جز اثاث¹ خانه با صلاح خودشان و چنانچه از برادرها راضی بودند می‌توانند رعایت حال آنها را بکنند.

این چند کلمه من‌باب یادداشت قلمی گردیده است به تاریخ 60/2/15 و چنانچه وصیت‌نامه² دیگر درآمد از این تاریخ جلوتر اعتبار ندارد چون بند [ه] سالی یک مرتبه وصیت می‌نمایم به علت تحولاتی که در زندگانی پیش می‌آید.

و در ضمن هر چه مدارکی به نام آقای شیخ قربانعلی حامدی پدر بزرگم داریم عمه‌ام فاطمه صغرا حامدی پیگیر می‌باشد و چنانچه اگر بولی و یا چیز دیگر در قبال ارثی [ه] از پدرم علی‌اصغر حامدی گرفته ما نمی‌دانیم. جواب‌گو خودش باشد روز قیامت، ولی به عهد [ه] حمید می‌باشد که رضایت او را جلب نماید.

«السلام علیکم و رحمة² الله و برکاته³»

عین‌الله حامدی

60/2/15

1- در اصل وصیت «اساس».

2- در اصل وصیت «برحمه».

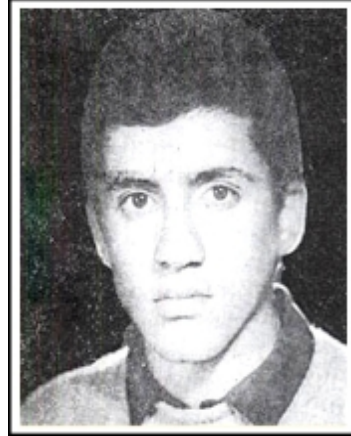
3- در اصل وصیت «برکاة».

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب دین الله حامداً فرزند مع (مفرح حلاوی) در حالی عیوش و کرامت این
 چه که منیاب و عیشت که گفتم طبق فرموده بیفراس (صلی) بر من سلف
 واجب است و همیشه داشته باشم آنچه از اسامیه خانم حاکم بر بوط به فرزند این و مادر
 طاهره فرزند میسر دقت به حق خود می و سهیم به حق خود می و نه میباشد و تمام سهم من
 زمین خریدار کتبی عبدالرحمن طاهره ^{در سال ۱۳۰۰} هزاراً علیه سلام در ^{تقسیم} تقسیم
 و قیام علیه سلام در ^{تقسیم} تقسیم که در دفترچه خود می باشد و بپردازند و آنچه در حال
 حیات خودم برای این ^{تقسیم} تقسیم متعلق به خود می باشد و خانم سبطه بازمینی
 سهمی خودم مالی بیرون سبطه است که روزی در ^{تقسیم} تقسیم دعا که فرجه را در اموشی
 ننمایند و اگر کسی برای ^{تقسیم} تقسیم نماید آن بگوید زاری می کند که بخوانی
 روایت روزگار ^{تقسیم} تقسیم و خیرات خداوند در زمین عرب صد چون
 تمام تقسیم نمی باشد و هر کدام ۵۰۰ ری هم بیشتر نیست و زمین آن که گریست
 رو در بار زمین فرزند این طبق دستور فرمان ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم کرد
 و چنانچه ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم
 و آنچه در حرم دینی و لغی و بیرون مالی خودم بردارند و خرج مراد را در آن
 مومنین صلاح دانستند به ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم
 یک جای ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم
 دفتر با حق تقسیم ندارند ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم
 چنانچه ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم
 کلاه منیاب در آنست ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم
 نامه دیگر در آنست ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم ^{تقسیم} تقسیم

و وصیت می نماید علت تحریر آن مذکور زبانی پیشی می آید در ضمنی بر چه مدار می
بدنام و مقال کتب فروع جامع حاوی آیه بر بزم داریم عمره اسم ظاهر علم را حمل می
بگیری با کرد و چنانچه اگر بودی و با چیزی دیگر در قبالی درش از بزم مع (المنصفه)
گرفته ما نمی دانیم جواب گو خود کسی با از روز قیامت و پس بر عهد کردی که با
که در نهایت او را حلیب نماید اسلام علیکم بر چه الله و بر کاف عینی الله

عین الله حامدی
۱۵ آذر ۱۳۸۴



نام: حسن
نام خانوادگی: حجاری
نام پدر: امرالله
نام مادر: طاهره
تاریخ تولد: دهم فروردین 1349
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم اردیبهشت 1367
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ا حسین که سرور آزادمردان است و در راه جهاد باکی نداشت و تمام هستی خود را فدای اسلام کرد.
- ا چه قدر خداوند خوشحال می شود وقتی که ببیند بنده اش با اشتیاق به سویش می آید.
- ا در مقابل مشکلات و مصائب صبر کنید و بدانید که خداوند به افرادی که در راهش صبر پیشه کنند اجر عظیمی عنایت می فرماید.
- ا ای جوانان نکند که گول منافقین را بخورید و امام را تنها بگذارید.
- ا نکند به رهنمودهای امامان گوش ندهید.
- ا با ضد انقلاب و دشمنان اسلام خصوصاً منافقین که خطرشان بیش از همه است مبارزه کنید.
- ا برادران مبادا دشمنان بین شما تفرقه انداخته و از روحانیت متعهد جدا کنند.
- ا در نمازهای جمعه و جماعت و دعای کمیل و توسل شرکت کنید.
- ا سعی کنید همیشه خود را در صحنه انقلاب حاضر کنید.
- ا همچون امام حسین (7) به تنهایی حاضریم برای اسلام بجنگیم و بمیریم اما سازش نپذیریم.
- ا بدانید که صبر و استقامت شما در مقابل سختی ها برای رضای خدا بی اجر و پاداش نمی ماند.
- ا همیشه در صحنه انقلاب حاضر باشید و با ضد انقلاب ها مبارزه کنید.

حسن حجاری

بسم الله الرحمن الرحيم

«ربنا اننا سمعنا مناديا ينادى للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و كفر عنا سيئاتنا و توفنا مع الابرار»¹.

«پروردگارا ما چون صدای منادی که خلق را به ایمان می خواند شنیدیم اجابت کردیم و ایمان آوردیم، پروردگارا از گناهان ما درگذر و زشتی کردار ما ببوشان و هنگام جان سپردن ما را با نیکان محشور دار».

«شهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و اشهد ان علياً ولي الله» «استغفر الله ربي و اتوب اليه».

خداوندا، کریم، رحیم، رحمانا، حبیب ما ببخش، عفو بفرما، از گذشته خود پشیمانم، پشیمانم از کردار بد و زشت پشیمانم، از بی اعتنایی به پدر و مادرم پشیمانم که نتوانستم فرد خوبی برای جامعه ام باشم. برای اصلاح خود و گذشته ام و جبران کوتاهی هایم چاره ای نداشتم جز اینکه برای جلب رضای حق روائه جبهه شدم و خودم را بسازم و دعوت حق را لبیک گویم. آری پدر و مادر عزیزم، هیچ ناراحت نباشید، زیرا ناراحتی شما موجب خوشحالی منافقین² می شود، بر خود افتخار کنید تا اینکه ضدانقلاب بفهمد ما راه حسین (7) را ادامه می دهیم و از کشته شدن در این راه باکی نداریم، آری حسین که سرور آزادمردان است و در راه جهاد باکی نداشت و تمام هستی خود را فدای اسلام کرد.

حسین (7) که پدری همچون علی ابن ابیطالب (7) داشت که مظلومانه در محراب عبادت به شهادت رسید و مادری چون فاطمه مظلوم (3) که توسط غاصبان و ستمکاران زمان پهلوی شکست و در نهایت به شهادت رسید و خواهری چون زینب (3) که هیچ زنی به مقدار او رنج نکشید و داغ ندید، آری ما که در آن زمان نبودیم تا حسین (7) را یاری کنیم و او را از غریبی نجات دهیم، اما الان که هستیم باید برویم و او را از چنگال

1- آل عمران / 193.

2- رک. تعلیقات.

خونخواران زمین آزاد سازیم و حسین زمان را یاری نماییم، آری پدر و مادر عزیزم، باید راه رفتنی را رفت و نباید کار امروز را به فردا انداخت، چه قدر خداوند خوشحال می‌شود وقتی که ببیند بنده‌اش با اشتیاق به‌سویش می‌آید. حال پدر و مادر عزیزم اگر در طول زندگی با هم، فرزند خوبی برای شما نبودم مرا ببخشید و حلالم کنید و از شما می‌خواهم که در تشییع جنازه‌ام گریه نکنید و سیاه نپوشید مخصوصاً شما برادران و خواهران عزیزم، از شما می‌خواهم که لباسی نو با رنگی روشن بپوشید، چرا که، وقتی کسی به آرزویش می‌رسد نباید دیگران ناراحت باشند، در ضمن مادر عزیزم از شما می‌خواهم که از رفتن به جبهه دیگر برادرانم جلوگیری نکنید و اگر خدای ناکرده یک وقت دچار غفلت شدند ایشان را یادآوری کنید و دیگر اینکه سعی کنید برخوردتان با ضدانقلاب‌ها جدی باشد، حتی اگر از نزدیکترین وابستگان باشند و در مقابل مشکلات و مصائب صبر کنید و بدانید که خداوند به افرادی که در راهش صبر پیشه کنند اجر عظیمی عنایت می‌فرماید همان‌طور که در کتاب کریمش عنوان می‌فرماید «ان الله مع الصابرين» و اما سخنی چند با مردم: اول خطابم به آنان است که نسبت به مسئله جنگ بی‌تفاوتند، افرادی که نماز و روزه خود را انجام می‌دهند و خمس و زکات را هم می‌دهند و به حج می‌روند، اما به مسئله ششم از فروع دین، جهاد، که می‌رسند همه خاموش می‌شوند و به بهانه‌های مختلف از آن طفره می‌روند، چنین افرادی خیلی هم در مسائل دنیوی کوشا هستند و خیلی هم دل به دنیای فانی خوش کرده‌اند و به خیال‌واهی خویش فکر می‌کنند این دنیا، دنیای ابدی است، اما لحظه‌ای هم به مسئله فنا‌ی نیاکان و گذشتگان خویش فکر نکرده‌اند، چنین افرادی را که در شهر خودمان و شاید در بستگان خودمان هم به چشم بخورند، خداوند به حال خودشان واگذاشته است تا هرچه می‌خواهند بکنند. آن‌گاه خداوند چنان سیلی محکمی به آنها بزند که خود بفهمند برای چه آمده‌اند و سرنوشتشان چه خواهد بود. همان‌طور که در قرآن می‌فرماید «و البته آنان که به راه کفر رفتند گمان نکنند مهلتی که به آنها می‌دهیم به حال آنان بهتر خواهد بود بلکه مهلتشان می‌دهیم برای امتحان تا بر سرکشی و طغیان خود بیفزایند و آنان را عذابی رسد که سخت‌خوار و ذلیل شوند»¹ (آل‌عمران/ 178) و در جای

1- آیه‌ای که شهید ترجمه آن را آورده است: «ولا تحسبن الذين كفروا انما نملى لهم خير لانفسهم انما نملى لهم ليزداد

دیگر می‌فرماید «پیش از شما مللی بودند و رفتند، در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید آنان که وعده‌های خدا را تکذیب کردند چگونه هلاک شدند»¹ (آل عمران / 137) و همچنین مولای متقیان علی (7) می‌فرماید «هرکس به جنگ نرود و آرزوی آن را هم در دل نداشته باشد خداوند لباس خواری و ذلت بر او می‌پوشاند»². دوم ای جوانان نکند که گول منافقین³ را بخورید و امام را تنها بگذارید، نکند به رهنمودهای امامان گوش ندهید. شماها باید همچون علی اکبر⁴ دلاورانه و شجاعانه در هر کجا که هستید و در حال انجام هر کاری که هستید از امام و رهبر و پیرو مرشد خویش حمایت کرده و با ضدانقلاب و دشمنان اسلام خصوصاً منافقین که خطرشان بیش از همه است مبارزه کنید و مبادا نسبت به این قشر بی تفاوت باشید که خون شهدا را پایمال نموده‌اید. ای برادران مبادا دشمنان بین شما تفرقه انداخته و از روحانیت متعهد جدا کنند که اگر چنین شود روز بدبختی مسلمین و جشن ابرقدرت‌ها است.

مبادا خویشتن را واگذاریم	امام خویش را تنها گذاریم ⁵
ز خون هر شهیدی لاله رسته	مبادا روی لاله پا گذاریم

سوم: ای خواهران حزب‌اللهی و مذهبی، می‌دانید که پیروی کردن از خط امام فقط یاری به اسلام و قرآن است باید همیشه در صحنه باشید و فرصت به ضدانقلاب و بی‌حجاب‌ها و منافقین از خدا بی‌خبر ندهید و سعی کنید همیشه خواهران دیگر را با اعمال و روی خوش به راه راست دعوت و هدایت کنید و زینب‌وار تبلیغ و ارشاد نمایید.⁶

وا اثما و لهم عذاب مهین».

1- آیه‌ای که شهید ترجمه آن را آورده است: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین».

2- ترجمه حدیثی است که از علی (7) در خطبه 27 «معروف به جهاد» نقل کرده است. «فوالله ما غزی قوم فی عقر دارهم الا ذلوا» (نهج البلاغه، ص 26، ترجمه سیدجعفر شهیدی).

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- شعر از قیصر امین‌پور.

6- در اصل وصیت «نمائید».

چهارم: مادران در تربیت صحیح¹ و اسلامی فرزندان خود کوشا بوده تا بتوانید افراد مفید و متعهدی به جامعه تحویل دهید و مبادا از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید که فردای قیامت نمی‌توانید جواب زینب کبری (3) را بدهید که رنج شهادت 72 تن مظلوم کربلا و اسارت را تحمل نموده و انشاءالله گام در جای پای آن بانوی بزرگ اسلام نهید تا خداوند اجر شهادت را به شما عنایت بفرماید. پنجم: پدران شهیدپرور همیشه سعی کنید راه و یاد فرزندانان را بزرگ داشته و آن را دنبال کنید و همیشه در صحنه انقلاب حاضر شوید و در نمازهای جمعه و جماعت و دعای کمیل و توسل شرکت کنید که همین عبادت‌ها ما را تا به اینجا رسانده است و هشیارانه توطئه دشمنان اسلام را در هم شکنند و نگذارید هر حرفی را که دلشان می‌خواهد بزنند که در نهایت ضربه آن متوجه اسلام و کرامت مسلمین و قداست خون شهیدانمان خواهد بود. در آخر از تمامی وابستگان مخصوصاً همسایگان طلب بخشش می‌کنم و از آنها می‌خواهم که مرا حلال کنند و از خداوند برایم طلب مغفرت نمایند. از همگی التماس دعا دارم.

روزی که تو آمدی به دنیا عربان جمعی به تو خندان و تو بودی گریان
آن‌گونه عمل نما که وقت مردن جمعی به تو گیرند و تو باشی خندان

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

«والسلام ملتمس دعا»

حسن حجاری

66/5/9

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»².

«و گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگار

1- در اصل وصیت «صبح».

2- آل عمران/ 169.

روزی می‌خورند».

خدایا مرا ببخش و عفو بفرما و مرا مورد رحمت خویش قرار بده، الهی به بازماندگان شهدا صبر واجر عظیمی عنایت بفرما. خدایا عاقبت همهٔ مسلمین را ختم به خیر بفرما. پروردگارا مرا با شهدای کربلای حسینیت محشور بگردان. رحیما پدر و مادر مرا بیامرز و تا نیامرزیدی از این دنیا مبر. رحمانا رهبر کبیر انقلاب را تا ظهور دولت یار امام زمان (عج) برای امت اسلامی نگه دار. خدایا روحانیت در خط امام و مسئولین دلسوز جمهوری اسلامی خصوصاً امید امام آیت‌الله منتظری¹ برای امت اسلام حفظ بفرما. خدایا حاجات کلیه مسلمین مخصوصاً مسلمانان ایرانی را روا کن. آمین یا رب العالمین

پدر و مادر گرامیم از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و حلالم کنید و از من راضی باشید در صورتی که می‌دانم حق خودم [را] نسبت به شما ادا نکردم اما اگر شما مرا نبخشید خدا هم حتماً مرا نمی‌بخشد پس مرا ببخشید و حلالم کنید و از خداوند برای این بنده گناهکار طلب مغفرت و آمرزش کنید می‌بخشید چند مطلبی را درد دل داشتم که لازم دانستم آن را برای شما مطرح کنم.

1- اول آنکه بعد از شهادت من خیلی باید مواظب خود باشید که خداوند از راه‌های مختلفی شما را امتحان و در آن امتحانات صبر پیشه کنید و خود را در آن امتحان قبول کنید و اگر قبول شوید خداوند شما را [امتحان] مشکلتری می‌گیرد تا ببیند بنده‌اش تا چه قدر بر او اعتقاد دارد و شما باید با صبر و استقامت آن امتحانات را پشت‌سر بگذارید مثلاً امکان دارد یک‌سری افراد به شما زخم زبان‌هایی بزنند ولی برخورد صحیح نمایید و اگر امکان داشت آنها را به خط انقلاب بکشانید نه اینکه آنها را از خود با برخورد ناپسند دور کنید و سعی کنید همیشه خود را در صحنهٔ انقلاب حاضر کنید و در راه پاسداری [از انقلاب] و نمازهای جمعه همچنان که قبلاً شرکت داشتید می‌خواهم که شهادت من شما را محکمتر کند و اهمیت بدهید و شرکت کنید و به دشمن بفهمانید که شهادت فرزندان عقیده ما را نسبت به اسلام محکمتر کرده است و حاضریم تا آخرین قطرهٔ خونمان برای

اسلام و انقلاب در [...] ¹ می‌دانیم فرزندان راه خوبی را برای خود انتخاب کرد و ما هم می‌خواهیم راه او را ادامه دهیم [حتی اگر] موانع زیادی بر سر راهمان باشد و چون خودمان را پیرو امام حسین (7) می‌دانیم می‌خواهیم که مانند امام حسین (7) عمل کنیم و فقط شعار ندهیم و بلکه عمل هم کنیم و نمی‌خواهیم مثل بعضی‌ها فقط برای [امام] حسین (7) به سینه بزنیم و گریه کنیم و هدف او را دنبال کنیم و همچون امام حسین (7) به تنهایی حاضریم برای اسلام بجنگیم و بمیریم اما سازش نپذیریم.

2- مسئله دوم این است که خود را در مقابل خون شهدا و انقلاب مسئول بدانید و بی‌تفاوت نسبت به مسائل نباشید که روز قیامت جوابگو خواهید بود. مادر و پدر بزرگوارم در وصیت‌نامه گفته بودم قیامت در حضور سالار شهیدان اباعبدالله حسین (7) و حضرت زینب (8) و مادرشان زهرا (3) خواهید بود البته اگر خداوند شهادت ما را قبول کند و اگر می‌خواهید واقعاً روز قیامت سربلند [باشید] و حضرت زهرا (3) به شما لبخند بزند بایستی که خیلی مواظب اعمال و رفتار خودتان [باشید و در] برابر سختی‌ها و مشکلات صبر پیشه کنید و خدای ناکرده نکند که در برابر یک مسئله بسیار کوچک از خود ناراحتی نشان دهید و از انقلاب دلزده شوید چون ضدانقلاب می‌کوشد که در هر جا و در هر حال ملت ما را نسبت به انقلاب ناامید کند و تنها فقط می‌توانید با ایستادگی در مقابل آنها و با توکل به خداوند بلندمرتبه آنها را سرکوب کنید و بدانید که صبر و استقامت شما در مقابل سختی‌ها برای رضای خدا بی‌اجر و پاداش نمی‌ماند زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا لله لعلکم تفلحون» (آل عمران/ 199-200) «ای اهل دین در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و استقامت [و ایجاد رابطه] سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید که فیروز و رستگار گردید».

3- مسئله سوم [که] با برادران خودم دارم و آن این است که تا جایی که می‌توانید به رهنمودهای امامان گوش فرا دهید و همیشه سعی کنید صحبت‌های او را گوش دهید و بدان جامه عمل ببوشانید ² و همیشه در صحنه انقلاب حاضر باشید و با ضدانقلاب‌ها مبارزه

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «نمائید».

کنید و نگذارید که به [...] ¹ خودمان هم به چشم بخورند را خداوند به حال خودشان باقی گذاشته است تا آنها هر کاری را که می‌خواهند انجام دهند و بعد خداوند چنان سیلی محکمی به آنها بزند که خود بفهمند برای چه به دنیا آمده‌اند همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید «و البته آنان که به راه کفر رفتند گمان کنند مهلتی که به آنها می‌دهیم به حال آنها بهتر خواهد بود بلکه مهلت می‌دهیم برای امتحان تا بر سرکشی و طغیان خود بیفزایید و آنان را عذابی رسد که به آن سخت خوار و ذلیل شوند» (آل‌عمران / 177-178) و یا می‌فرماید «پیش از شما مللی بودند و رفتند در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید آنان که وعده‌های خدا را تکذیب کردند چگونه هلاک شدند» (آل‌عمران / 134-137).

و از شما می‌خواهم که با برادرمان حبیب که آمادگی رشدی را دارد بیشتر کار کنید و مسئله دیگر این است که همچنان که در گذشته در رابطه با انقلاب فعالیت داشتید فعالیتتان را بیشتر کنید مخصوصاً شما برادر بزرگوارم محمدحسن، و هرگز سست و ناامید نشوید از حرف‌های ضدانقلابیون.

مسئله چهارم را با خواهرم دارم، سخنم را با یکی از سخنان امام بزرگوار، بت‌شکن زمان که از شماها می‌خواهم قدر [...] ² دانید، آغاز می‌کنم. دکتر شریعتی فرمودند: «آنها که رفتند کاری حسینی کردند و آنهایی که ماندند باید کاری زینبی کنند» ³. آری خواهران عزیزم مخصوصاً شما خواهر بزرگترم، شما باید همچون زینب (3) عمل کنید. زینبی که از دنیا رفتن جد بزرگوارش را دید، زینبی که شهادت مادرش زهرا (3) را دید، زینبی که برادرش امام حسن (7) را دید در حالی که پاره‌های جگرش از دهانش بیرون می‌ریخت، که سر شکافته شده و شهادت پدرش علی (7) را دید، زینبی که سر بریده برادرش را در گودال قتلگاه دید، زینبی که در روز عاشورا فرزندان و وابستگان نزدیکش را به شهادت رسانیدند، آری زینب (3) با همه داغی که دید، اما باز هم صبور بود و سخنی جز سخن حق نگفت و شما زنان باید زینب (3) و مادرش زهرا (3) را الگوی خویش قرار دهید

1- از سیاق عبارت چنین برمی‌آید که اوراقی از وصیت افتاده باشد.

2- واژه‌هایی در اصل وصیت افتاده است.

3- در اصل وصیت به جای دکتر شریعتی عبارت را به امام نسبت می‌دهد.

و شما نباید ناراحت باشید، بلکه خوشحال هم باشید و افتخار کنید که برادرتان راهی جبهه راه حق خواهد رفت.

اگر مراسمی برای من گرفتید، نکند که شما لباس سیاه بر تن کنید و منافقین شادی نمایند و اگر قرار باشد در مرگ عادی هم سیاه بپوشید در شهادت هم سیاه، فرقی پس با هم ندارند. بلکه باید لباس نو یا رنگی روشن بپوشید. چرا که برادرتان به آرزویش رسیده است و حتی اگر بستگان لباس سیاه داشتند و خیلی گریه و زاری کردند از تو می‌خواهم که آنها را به صبر بطلبی و بسیار با روحیه خندان و خوشحال با آنها صحبت کنی و اگر به شما گفتند آخرین غمتان باشد فوراً به آنها بگویند ما غمی نداریم بلکه خوشحال هستیم، از اینکه برادرتان شهید شده است. البته خوب ممکن است خاطراتی از من با شما باشد و به یاد آورید که ممکن است شما ناراحت شوید، حداقل اگر خواستید گریه کنید در پنهان از چشم دشمن و من دلم می‌خواهد همچنان باشید که آنها نسبت به صبر و استقامت شما حسرت بخورند و با خود بگویند عجب استقامتی.

راستی اگر یادت باشد آن روزی که برای خداحافظی آمده بودم شما یک حرفی به من زدید که چه چیزی به شما [...] ¹ و به وابستگانمان بگویند که این قدر دل به دنیا نبندید زیرا آخر و عاقبت، همانا یک مقدار پارچه ² است، پس برای یک مقدار پارچه و یک گور این قدر تلاش و شاید هم هراس این است. بلکه برای توشه آخرت که تقوی است باید حرص ³ خورد که هیچ چیز نداریم [به] مسائل زیر توجه فرمایید:

مبلغ 6000 ریال [به] محمدرضا مغانی پرداخته شده است.

مبلغ 500 ریال حق مظالم بدهید.

که دنیا سر به سر اندوه و درده

به دنیا دل نبندد آن که مُرده

که دنیا با رفیقانت چه کرده

به قبرستان گذر کن تا ببینی

1- خوانا نیست.

2- غرض کفن است.»

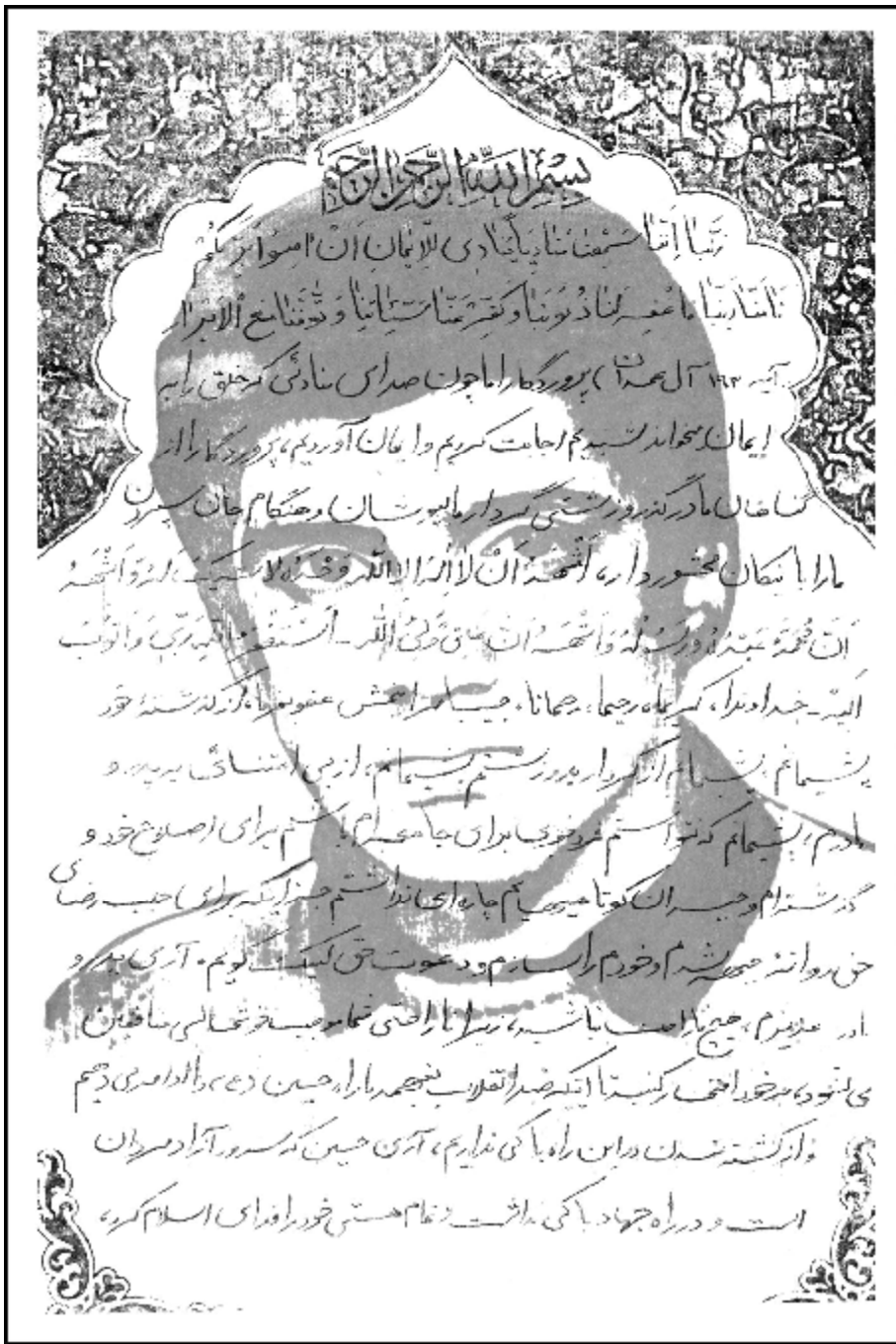
3- در اصل وصیت «هرس».

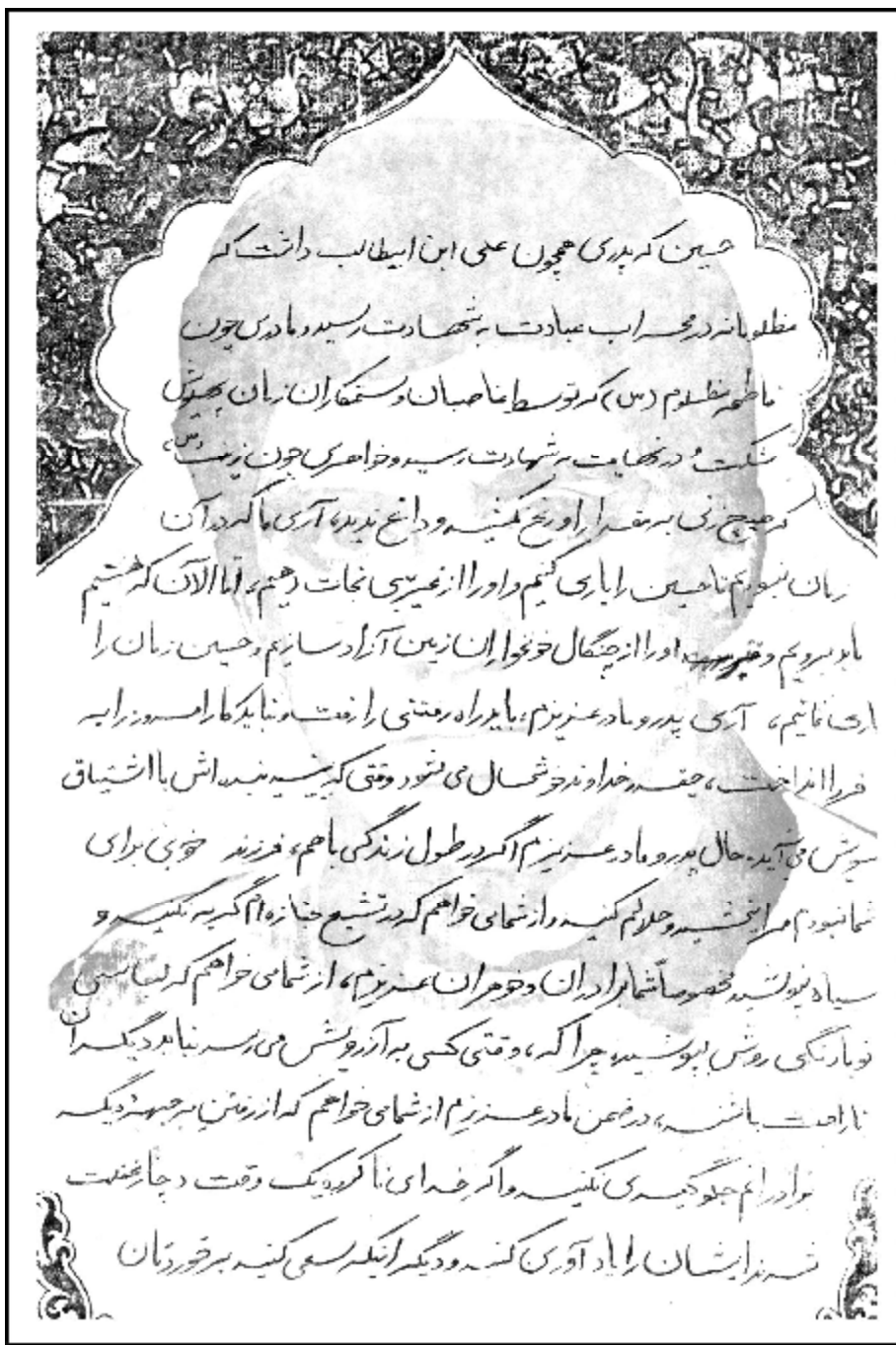
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار
در ضمن بعضی اوقات مقداری پول از جیب شماها برمی‌داشتم (پدر و مادر و داداش)
از شما می‌خواهم راضی باشید.

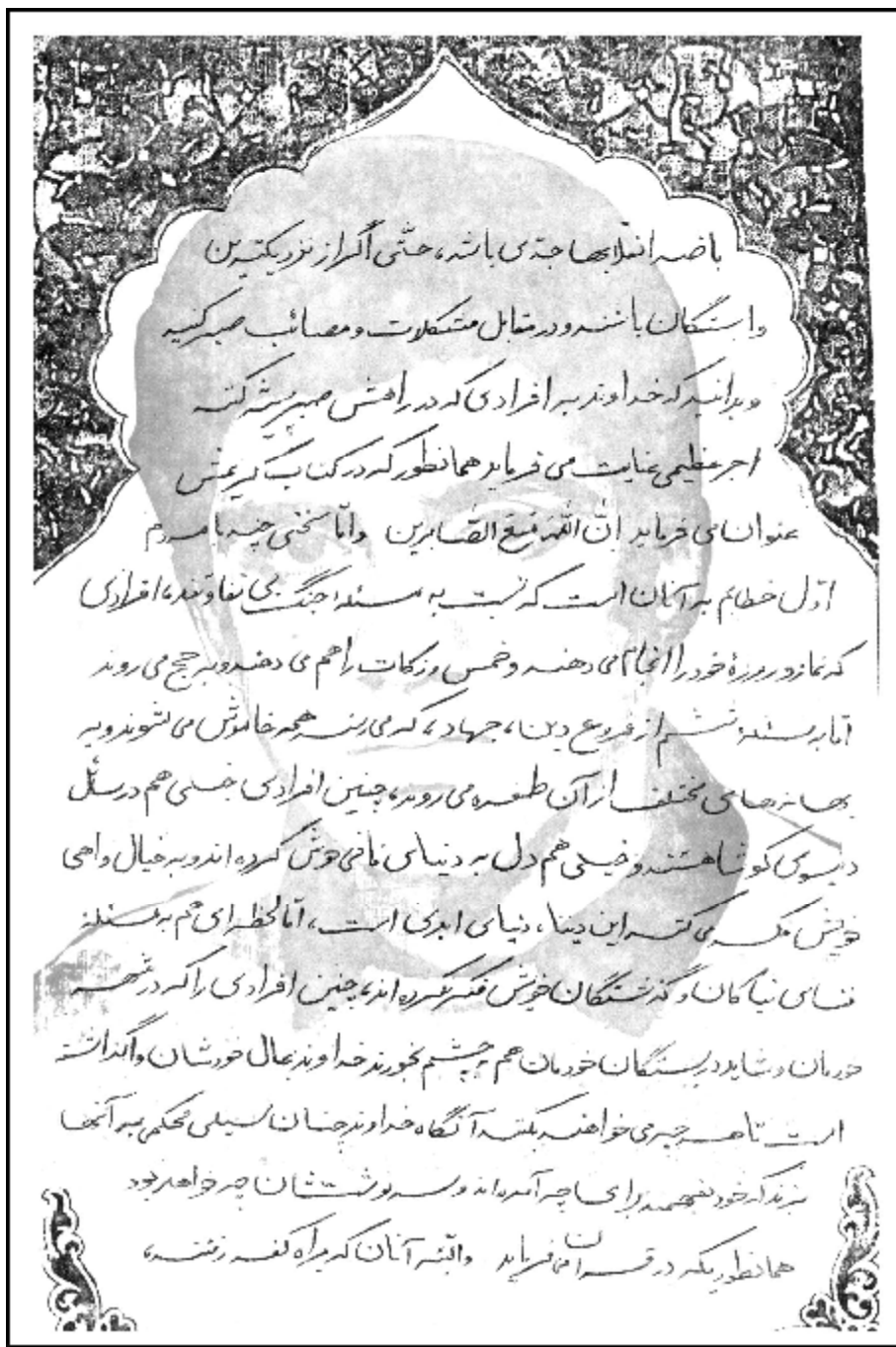
ملتمس دعا العبد العاصی حسن حجاری

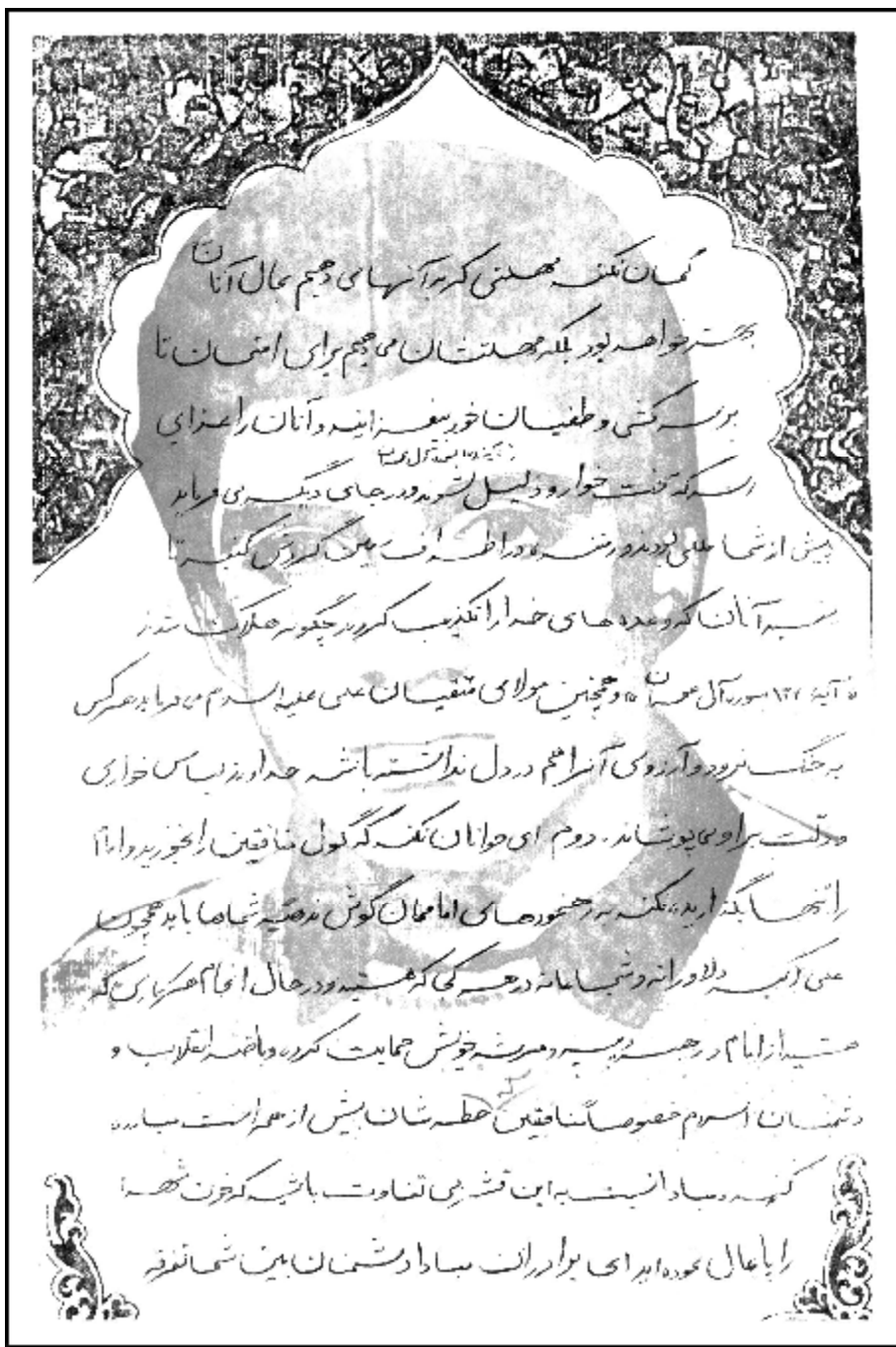
67/2/15

داخل خاک عراق

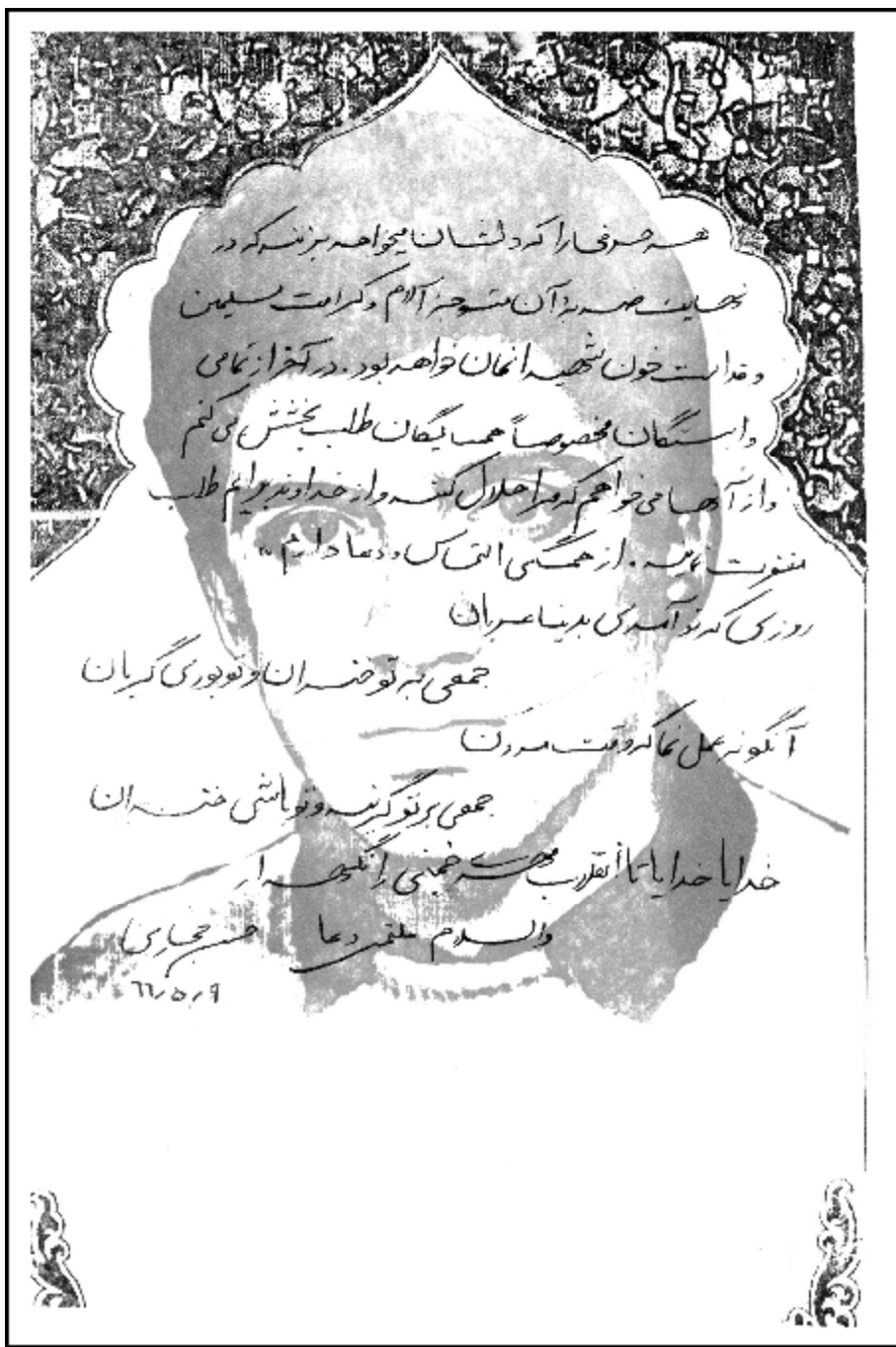








انداخته از روحانیت متوجه خدا گشته که اگر
 چنین شود روزی بختی مسکین و محسن ابرقده تعالیست
 سدا خویشان را واگذاریم اما حریش را نجات
 زجون بفرستیم که لاله سته سدا روی لایبگذاریم
 مردم: ای فخران حزب الهی و مدعی، می‌دانید که بی‌سوی کرد
 از خط امام انضباطی به اسلام و قرآن است این جهت در محراب
 و خرمت بر ضد انقلاب و بی‌جایها و منافقان از خدا ای جبهه نوپس و
 سعی کنیم همیشه در آن در مسیر ابا اصفال در روی خوش بر راه راست عدت
 و هدایت کنیم و ریشه و ارتداد نمائیم چهارم: مادران در تربیت
 صبح و استقامی فرزندان خود کوشا بوده بتوانند از در غیبه و تبعیض که به جامعه
 تحویل می‌دهد و سدا از زینت فرزندان آن به جبهه جلگه که گنجه فرای تمامت
 نه تو ای جواب زینت که (من) را به جبهه که بیخ شجاعت است. ۷۲ تن مظلوم که در
 و اسارت را تحمل نموده و از شدت و آنگه که در جای پای آن با نوری سنگت آرام
 ناخدا و در جبهه شجاعت را به شما عنایت بفرمایم. پدران شهید پرور
 همیشه سعی کنید راه را با فرزندان آن را نزدیک داشته و آنرا دنبال کنید و
 همیشه در صحنه انقلاب حاضر شوید و در نمازهای جمعه و اجتماع و دعای
 کین و توسل شرکت کنید که همین عبادت‌ها ما را تائید و یاری رسیده
 است و حسیا لانه و طمعه دشمنان اسلام را در هم شکند و گنند



را به ای سهار عشق لم

۱- اول آنکه بگذار سانس جلی با به و املب خود باشی زده اند از راهم از مختلف سها ما را است
 دستان اتمات (ایها میری که لبه خود را در آن آسمان مبول کنی و اگر قبول شود بخداوند سهار
 مشکلی می گنید تا ببیند ثبده اس تا حضور در او اعتماد دارد و شما با به با همبر و استقامت
 آن اتمات ساریت سر بگذارید شد امدای در رویی انفراد به سها خم زبانهای نمیند
 به خود در معنایه و آنرا اسحق راست آنها را به خط انقباض کنی نند تا بیکه آنها را از
 به خود را بپند دور کنی و سحر کنی مدینه خود را در غنمه انقباض حاضر کنی و در این
 و نمازهای بعد مسپال که قبلاً سحر کنی را کشیدم خواهی که سحر کنی که سحر کنی که سحر کنی
 به سحر کنی که سحر کنی و به دشمن در پهنه که کوارت فرزند این محقه ما را نسبت به
 سحر کنی که است و حاضر هم تا آنکه این قطره خود را نماند برای اسد هم و انقباض در

من دانم فرزندان را دشو با این بر سر خود انتم است که دو عالم من خواهم راه او را ادامه دهم
 و او نیز باید بر سر ابدان باشد هر کس خود را با این دنیا نمی بیند من خواهم که با
 حسین (ع) بمانم و منتظر شمارم و بگذرم و بگذرم و بگذرم و بگذرم و بگذرم
 حسین بیست و نهم زکمه است و هدف او را می بینم و همی چون ابا حسین (ع) و بنده
 حاضریم برای اندک کنیم و بپریم اما ما از کجا نمانیم
 ۲. منده که این است که خود را در حال خون کشی و اعدای رسول ندانید و با تفاوت نسبت
 صالح باشد که در حیات شما که خواهم بود ما در و پیر نیز خواهیم در و وصیت نامه گفته بودیم
 قیامت در حضور سالار شهیدان امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) و سایر اهل زهرا (س)
 خواهیم بود البته خداوند سزاوار است ما را ببیند که و اگر خواهد و اعجاز او قیامت سر بلند
 و حضرت زهرا (س) به کمال بنفرت بر نه با ستمی که حلی سوا الملب احوال و در غایت خود مان

در این مکتبها و مکتبهاست همه به لب و زبانه ای نامه که گفته در هر ایام صلوات بر ائمه
 ز خود بار افروختن و حال دلبر و از آن لب با لاله کوه چون خداوند کتاب می گوید که در هر جا در هر حال
 است ما را نسبت به این دنیا ما را امید که به ما عفو کند آن نامه با این دنیا در هر حال آنها را با تو دل
 بخواند که به نیت که از این کوه لب و بداند که سر و است است که در هر حال سخنهای این زمانی خدا
 با هر چه با ریشی زبانه در هر جا خواند در هر ایام هر ساید یا ایها الذین آمنوا اقموا الصلوة و اطعموا
 ای اهل دنیا در هر جا در هر ایام هر ساید
 اِطْعُوا وَاَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ آیه ۹۰-۹۱
 کوشش را به عبودیت استقامت سفارش کند و به با و سر لب کار در هر ایام هر ساید
 باشد که غیر هر روز استگار گردید
 صلوات بر ابا هر از این خود نام و آن این است که حاجتی که می خواند به هر چه
 ایمان که می فراد هر چه همیشه سعی کند همتها را اورا که لب و زبان باشد
 در هر ایام و دلش در همه اندر این است که با سیر زنده انقا را مبارزه کند و نکلا از هر کس

خود را در این راهم به چشم خیر و نیکو دیده را خداوند محال فرودمان بمانی گذارسته است تا آنرا با ما در میان
 اندامی خودمانند انجام دهند و بعد خداوند جان من حکم کند که با ما را با خود ببردند به امری که در میان
 نهاده اند همانگونه که خداوند در قرآن می فرماید ان الله اشان له نورا لفرع منتهی گمان
 کندند چنانچه در کتابهای دینیم بحال آید با هم خیر خواهد بود بلکه به همت می دهیم برای آنکه
 ابر سر کشی و طغیان خود در غیر این راه آید از اعوانی که در میان سخت خوار و ذلیل شوند
 با ما می فرمایند (بسی) از شما کسی بود در وقت در اطراف زمین کرد پس گشت تا بسوی آستانه
 رعدی های خود را از غیب که در نه چگونگی هدایت شوند آید ۱۳۶-۱۳۷ آستانه
 در شامی خواهیم که با برادران حسیب که دادی که کار او را بیشتر ما کرد و صند دیگر این است که
 به پیمان خود در گذرند در راه با اعدای مخالف داشته صفا ایشان را بیشتر گشتند
 با برادران (محمد حسن) و هم از دست و ناله زو به از فرزندان ما انقلبند

پروردگار استقامت نماز که اینقدر دل بدو با این همه زور میرا آفرود غایت کتابت
 این مقدار بار چه است این برابر یک مقدار بار بود و میگردانند و تلاش در شایسته
 اینست بلکه بر این توره آفریدند که قدر است اما به این خرد و در چیز خوارم
 تا ازل زنده تو خیر باد

بگذرد و در این همه در غایتی پر راحه شده است
 بگذرد و در این حق مظلوم بود

به دنیا دل خسته آن دست
 به شترستان گذر کن تا ببینم
 که دنیا سر به سر افروز در دروا
 که دنیا بار فقیانست چنگور

خدا یا خدا ایام انقلاب مبارک را ختمی از انبیا دار

محمد باقر
 محمد باقر
 سردار خوار و خوار

مجلس روحا العبد المذنب

در این مجلسی از فداست ستودنی و دل از خیر
 که ما را این را است (به دست خود) و این
 که ما را این را است (به دست خود) و این



نام: محمد مهدی
نام خانوادگی: حجی
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: طیبه
تاریخ تولد: نهم آذر 1346
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم اردیبهشت 1367
محل شهادت: ماوت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ا هرگاه از امتی جمعی برای خدا قیام کنند و در آن راه کشته شوند کشته‌شدگان آن قیام همیشه در دل و اذهان آن امت جای دارند.
- ا آنچه که مهمتر و مقدم‌تر بر خاطره شهیدان است راه و روش و خط آنها، که همانا خط اصیل امام است، می‌باشد.
- ا خون عزیزان شهیدمان بوده که امروز به حریم ما حریت داده است.
- ا این امت شهیدپرور ماست که باید از این حریت حریم اسلام دفاع کند.
- ا ای بیداردلان، آگاه باشید که درنگ امروز فردای اسارت را به دنبال دارد.
- ا خط جبهه خط امام است خط شهیدان خط امام است.

محمد مهدی حجی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدّلوا تبدیلاً»².

«برخی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه خدا شهید شدند و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کردند و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

با عرض ادب به محضر ملکوتی امام زمان (عج) و با درود بر نایب برحقش امام عاشقان، عارف زنده‌دل و شمع سوخته مکتب اسلام، امام امت، خمینی بیدار.

و با سلام بر حسینیان زمان و عاشقان جان بر کف امام، رزمندگان ایثارگر جبهه‌های حق علیه باطل و با عرض ارادت بر تمامی مجروحین، معلولین، جانبازان، اسرا، مفقودین و شهدای گرانقدرمان و خانواده‌های معظمشان. عزیزان شهیدمان، آنها که به عهد خود پایدار بودند، صادقانه در راه هدف جان را به جانان تسلیم نمودند و اینان ادای تکلیف کردند.

و اما اگر خدا بخواهد، ما از آن گروهیم که به پاس خون آن عزیزان و به فرمان امامان و عنایت خاص خداوند از گروه حسینیان قرار گرفته و برای مقابله با یزیدیان به حجله‌گاه ایثار و جهاد و شهادت آمده‌ایم و در گروه منتظران شهادت قرار گرفته‌ایم. باشد که توانسته باشیم ندای حسین زمانمان در طول مراحل زمان را لیک گفته باشیم. انشاءالله.

و اما در این واپسین لحظات و آخرین ساعاتی که قبل از عملیات³ باقی مانده است بنابر حسب ادای تکلیف بر آن شدم تا چند سطری را با قلمی هر چند شکسته و بیانی نارسا برای امت بیدار دل نوشته و با شما عزیزان درد دلی داشته باشم.

تاریخ گواه این مطلب هست که، همیشه و در همه حال، هرگاه از امتی جمعی برای خدا قیام کنند و در آن راه کشته شوند کشته‌شدگان آن قیام همیشه در دل و اذهان آن امت

1- از این عبارت «متن وصیت‌نامه برادر محمد مهدی حجی» چنین برمی‌آید که وصیت‌نامه شهید بازنویسی شده است.

2- احزاب/ 23.

3- با توجه به تاریخ تحریر وصیت‌نامه و اشاره شهید به آخرین ساعات قبل از عملیات، باید قبل از عملیات بیت‌المقدس 6 این وصیت را نوشته باشد.

جای دارند و خاطره آنها برای امتشان همیشه زنده است. ناگفته پیداست که این مطلب برای ملت ما نیز صادق است و خاطره شهیدانمان شیرین‌ترین و به یادگار ماندنی‌ترین خاطره‌هاست. ولی آنچه که مهم‌تر و مقدم‌تر بر خاطره شهیدان است راه و روش و خط آنها، که همانا خط اصیل امام است، می‌باشد؛ و این همان نکته‌ای است که باید در دل و ذهن ما همیشه مطرح باشد. و مطلب در اینجاست که:

ای عزیزان، در این برهه از زمان و در این موقعیت حساس که اسلام و مسلمین در خطر است و هر جمع از خدا بی‌خبری برای اسلام به اصطلاح خودشان خط گرو می‌کشند و ندای تعیین سرنوشت برای مسلمین را با وقاحت هرچه تمام‌تر سر می‌دهند باید توجه بیشتری داشته باشیم به فرامین تعیین‌کننده حقیقی سرنوشت اسلام، که همانا امام و ولایت فقیه است، و ببینیم آن برای ما چه تکلیفی مشخص می‌کند و همان را انجام دهیم؛ دقت داشته باشیم به نحوه برخورد شهیدان با فرامین امام و سرعت عمل این عزیزان در اجرای دستورات امام.

امت اسلام، آگاه باشید که اگر به فرمان امام با دید تبدلی نگاه کنیم و اجرای فرمان را لازم و واجب برشمیریم و هیچ مطلب دیگری را برای اجرای آن مقدم ندانیم پیروزیم. و بدانید که فرمان امام نیاز به تجزیه و تحلیل ندارد و نیاز به سنجش ندارد و بلا شک و تردید لازم و واجب‌الاجرا است. نباشد که بیابند عده‌ای به اسم‌ها و عنوان‌های مختلف مسائلی را عنوان کنند و بخواهند دستورات امام را تحت الشعاع قرار دهند و با توجیهاات خود مسائل دیگر را مقدم بر امر امام جلوه دهند. امروز و همه روزها باید حرف و خط امام حاکم باشد بر جامعه و هر حرف و یا خطی غیر از خط امام باطل و خارج از مدار توحید است.

اگر امام می‌فرماید «جنگ در رأس امور است»¹، باید برای کسانی که ادعا می‌کنند در خط امام هستند جنگ در رأس اموراتشان باشد و غیر در کنار و یا اگر به جنگ لطمه می‌زند برای بعد از جنگ باشد.

امروز بدانید ادعای در خط امام داشتن ولی پشت میز نشستن و این ریاست‌ها را حق خود دانستن و جبهه و جنگ را خارج از محدوده وظایف خود دیدن گزافی بیش نیست. خط جبهه خط امام است خط شهیدان خط امام است.

خط امام خط رسول‌الله و خط سرخ و خونین حسین (7) است. در خط امام آن کسانی هستند که اسلام را می‌خواهند و آن هم نه هر چیزی را به اسم اسلام؛ بلکه اگر صلاح و برادری اسلام را می‌خواهند جنگ و دشمن‌گشی اسلام را نیز بخواهند. اسلام را بخواهند و اسلام را با تمام ابعاد اسلامیش بخواهند. اسلام را با خون بخواهند و بدانند اسلام با خون رشد کرده است و خون عزیزان شهیدمان بوده که امروز به حریم ما حریت داده است و این امت شهیدپرور ماست که باید از این حریت حریم اسلام دفاع کند و به فرموده امام دفاع از اسلام بر همه مسلمین واجب است.¹ و همین امام عزیز بود که در پیام اخیر خود (67/1/10) فرمود:

حسینیان آماده باشید، امروز عاشورا و ایران کربلاست. جوان‌ها آماده باشید و کمربندهای خود را محکم ببندید برای دفاع از اسلام.² حال، آنان که اطاعت امر امام کردند و ندای مظلومیت اسلام را لبیک گفتند در خط حسین‌اند و از خط حسینیان و یزیدیان، راه حسین (7) را، انتخاب کردند. مواظب باشیم که اگر هم در خط حسین (7) نباشیم نام ما را به علت عدم توجه به دستورات امام و عمل به آن در طومار یزیدیان می‌نویسند.

ای بیداردلان، آگاه باشید که درنگ امروز فردای اسارت را به دنبال دارد. عاشقان حسین (7)، درنگ دیگر جایز نیست. بیایید تا کمرهای محکم بسته‌شده خود را برای دفاع از حریت حریم اسلام با خون سرخ خود رنگین کنیم تا نباشد در فردای اسارت طناب سیاه اسارت را بر گردن ما بیندازند.

با شعار و عمل به شعار:

ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند مگر امت بمیرد امام تنها بماند

1- تبیان، شماره 24 (جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، ص 70).

2- تاریخی که شهید نوشته (67/1/10) امام پیامی صادر نکرده و پیامی که شهید بدان اشاره کرده در تاریخ «1367/1/11» بوده که امام به مناسبت سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی صادر کرده‌اند. شهید قسمتهایی از پیام امام را در حافظه داشته و قلمی کرده است. بخشی از پیام امام که عبارت‌های شهید می‌شود به قرار زیر است: «... امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید... کمربندهاتان را محکم کنید، ای آزادگان و احرار بپا خیزید... امروز روز حضور در حمله جهاد و شهادت و میدان نبرد است» (صحیفه امام، ج 21، ص 11-12).

برویم و همه ما در راهش فدا شویم و نگذاریم مظلومیت حسین (7) و اسارت زینب (3) بعد از شهادت یاران حسین (7) دوباره تکرار شود. آنها که امام را رها کنند همان‌اند که حسین (7) را رها کردند و اسارت زینب (3) و عترت پاک پیامبر (6) را به دنیای فانی فروختند و ترجیح دادند.

مبادا خویشتن را واگذاریم
امام خویش را تنها گذاریم¹
ز خون هر شهیدی لاله روید²
مبادا روی لاله پا گذاریم

شهیدانی که از میان ما رخت بر بستند، رفتند تا امام بماند. ما نیز می‌رویم بلکه به عنایت خدا در راه آنها قرار بگیریم.

قلم را حرکت و فرصت را درنگ دیگر جایز نیست. در این آخر از تمامی کسانی که با آنها برخورد داشتیم و یکدیگر را می‌شناختیم عاجزانه تقاضای دعای خیر و طلب عفو و بخشش دارم. من شخصاً از همه دوستان و آشنایان رضایت داشته و اگر موردی هم احیاناً بوده می‌بخشم؛ بلکه خدا عنایتی کرده و این عبد روسیاه و گنهکار را ببخشد. و اما آن کسانی که در خط امام نباشند و با اعمال و کردارشان خون به ناحق ریخته شده آن عزیزان را پایمال کنند نه تنها شهدا بلکه خداوند نیز از آنها رضایت نخواهد داشت و مطمئن باشند در قیامت باید جوابگوی خدا و تمامی آن عزیزان و بازماندگان آنها باشند.³

67/2/24

مصادف با 27 رمضان 1408 (ه. ق)

محمدمهدی حجی

1- شعر از قیصر امین‌پور است.

2- در اصل وصیت «روئید».

3- دو بند زیر در هنگام پاک‌نویس به وصیت‌نامه اضافه شده است:

روح و روانت شاد ای شهید بزرگوار، ای مبارز خستگی‌ناپذیر، ای مجاهد فی سبیل‌الله، که لحظه‌ای امام را تنها نگذاشتی و در همه حال مقلد پیر خمینی بودی و رهرو راه شهیدان و در پایان اجر و مزد جهادت را از حضرت حق گرفتی. امید که ما هم لیاقت رهروی راحت را داشته باشیم ای شاهد همیشه جاودان. در پایان، کتابخانه اسلامی نهضت شهادت این اسوه مقاومت و ایثار، یار فداکار امام و انقلاب، را به منجی عالم بشریت و نایب برحقش و امام امت اسلام به‌خصوص خانواده معظم و بزرگوارش تبریک و تسلیت می‌گوید.

«بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى»

متن وصیت‌نامه بزرگ‌مخدا، مهدی حجتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
مَنْ تَقَى نَحْبِي سَلِمَ مِنْ أَسْوَاقِ النَّاسِ وَمَنْ تَوَلَّاهُ تَوَلَّى

برخی از مؤمنان بزرگ، برای این هستند که به عهد و پیمانی
که با خدا بستند، کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد
استناد نمی‌کنند تا در راه خدا شهید شدند
برخی به

انتظار فیض شهادت

مقاومت کردند

و هیچ عهد خود را تغییر ندادند

باز من ارباب به محضر ملکوتی اما آنرا، عجز و یاد روی برآید -
سوخش اما عاشقان عارف زینده دل و شمع سوخته
مکتب اسلام امام امت حقیقی می‌دارد .

۲

و با سلام بر حسینیان روان و عاشقان جان بر کف اما، رزمندگان ایثارگر
 جبهه های حق علیه باطل و با عرض ارادت بر تمامی مجروحین، معلولین، جانبازان
 اسراء، مفقودین و شهیدای گرانقدران و خانواده های معظمشان
 بجزایان شصیدمان آنها که به عهد خود پایدار بودند صادقانه در راه هدف غبطه
 رایه جانان تسلیم نمودند و ایمان ازای تکلیف کردند.

و اما اگر خدا بخواهد ما از آن گرویم که به پاس خون آن
 عزیزان و به عنوان امامان و عنایت خاص خداوند از گرویم
 حسینیان قرار گرفته و برای مقابله با یزیدیان به جبهه
 گاه ایثار و جهاد و شهادت آمده ایم و در گروه منتظران
 شهادت قرار گرفته ایم با امید که توانسته باشیم
 ندای حسین زمانمان در طول مراحل روان را بسیک
 گفته باشیم . «اشهدا...»

و اما در این و پسین لحظات آفرین ساهامیکه قبل از عملیات باقی مانده
 است بنا بر حسب الزامی تکلیف بر آن شده تا چند سطر را با قلم هر چند
 شکسته و بیانی نارسا برای امت بیدار دل نوشته و با شعاعی نزاران روی
 داشت باشیم .

تاریخ گواه این مطلب هست که همیشه و در همه حال هر گاه از راهی
 جمعی برای خدا میام کنند و در آن راه کشته شوند کشته شدگان

آن قلم همیشه در دل و دهن آن امت جای دارد و خاطر آنها برای امتشان
 همیشه زنده است ما گفته پیدا است که این مطلب برای ملت ما نیز صادی -

است و خاطر شهیدان شیرین ترین و بیادگاروندنی ترین خاطرهاست
 و این آنچه که مهمتر و مقدم تر بر خاطر شهیدان است، نور و روش و حفظ آنها
 که همانا حفظ اصل است اما است می باشد. و این همان نکته ای است که
 این در دنیا و دین ما همیشه مطرح باشد و مطلب در اینجا است که:

ای عزیزان در این برهه از زمان و در این نوعیت بحران که
 اسلام و مسلمین در خطر است و هر جمع از جدا میجری برای
 اسلام به اصطلاح خودشان حفظ گرو می کنند و بسدای
 نفس سر بر می تازند برای مسلمین را با ولادت هر چه تمام تر می بینند
 این برهه بدشگونی را شسته باشیم به فراموشی نکنند و حقیقی سر بر نشسته اسلام
 که همانا آنگاه و در وقت غیبه است و ببینیم آن برای ما چه نگرانی مشخص میکند
 و همان را انجام می دهیم و وقت را شسته باشیم به رخ بر رخ و شهیدان با فراموشی
 آنگاه و سر وقت این عزیزان را برای دستور است اما.

امت اسلام آنگاه باشد:

که اگر به فرمان اما بادی تعبیر نگاه کنیم و اجرای فرمان

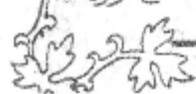
را لازم و واجب بر شمریم و هیچ مطلب دیگری را برای

آن مقدم ندانیم

پس بر روی ایم و بدانید

که فرمان اما نیاز به تجزیه و تحلیل ندارد و نیاز به سنجش ندارد و بلاشک
 و تردید لازم و واجب الاجراست. نباشد که بیاید عده ای به اسمها و عنانها

مختلف مسأله را غرض کنند و بخواهند دستورات اما را تحت الشعاع قرار دهند



۴

و با توجهات خود مسائل دیگر را مقدم بر امر آماجوره دهند امروز و همه روزها باید
حرف و خط آماجور باشد بر جاه و هر حرف و یا خطی غیر از خط آماجور باطل و خارج
از مدار توحید است.

اگر آماجور میفرماید جنگ در رأس امور است باید برای کسانی که
ایمان میکنند در خط آماجور هستند جنگ در رأس امور ایشان باشد
و غیر در کنار و یا اگر به جنگ لطمه میزند برای بعد از جنگ باشد

امروز پیدا کنید

انعامی در خط آماجور داشتن و لما پشت میزنند سن و این ریاستها را
حق خورد داشتن و همه جنگ را خارج از مدار و خط آماجور
دیدن گمراهی بیش نیست

خط آماجور است

خط جبهه

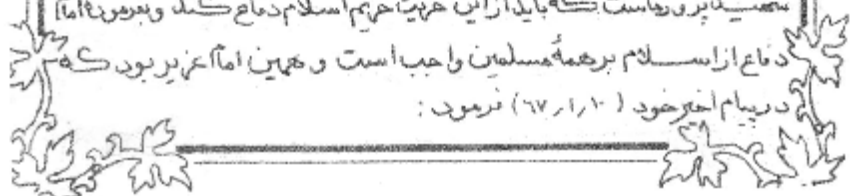
خط آماجور است

خط شهیدان

خط آماجور خط رسول... و خط صرخ و خونین حسین است

در خط آماجور کسانی هستند که اسلام را میخواهند و آن هم به هر چیزی را
به اسم اسلام بلکه اتصالات و برادری اسلام را میخواهند جنگ و دشمن کشی
اسلام را نیز میخواهند اسلام را میخواهند و اسلام را با تمام ابعاد اسلامیش میخواهند
اسلام را با خون میخواهند بدانند اسلام با خون رویش کرده است و خون
عزیزان شهیدان بوده که امروز به هر چه ما حریت داده است و این است
تحمیل پرور است که باید از این حریت حریم اسلام دفاع کند و بیرون آماجور

دفاع از اسلام بر همه مسلمان واجب است و همین آماجور بر بود که
در پیام آخر خود (۱۰/۱۶۷) فرمود:



حسینیان آماده باشید امروز عاشورا و ایران کربلاست جوانها
آماده باشید و کمر بند های خود را محکم ببندید
برای دفاع از اسلام

جان آنگاه اطاعت امر ما را کردند و ندای مظلومیت اسلام را بلند گفتند
در خط حسین اند و از خط حسینیان و یزیدیان راه حسین، راه انتخاب کردند
مواظب باشیم که اگر هم در خط حسین، باشیم نام ما را بعلت عدم توجه
به دستورات امام و عمل به آن در خط یزیدیان نمی‌نویسند.

ای می‌دارد آن :

آنگاه باشید که رنگ امروز هر راهی اسارت را بدنیال داری

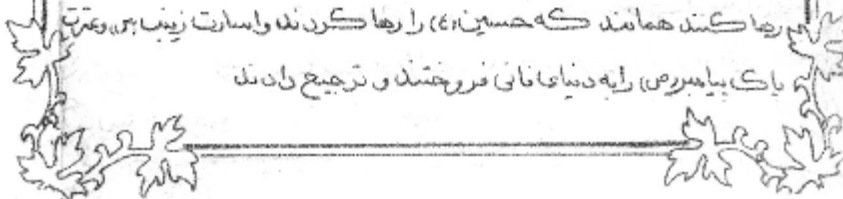
عاشقان حسینیه

در رنگ دیگرها نیست بیایند تا کمرهای محکم بسته شده خود را
برای دفاع از هیت مردم اسلام با صورت سرخ خرد رنگین کنیم تا نباشند
در روزی اسارت طناب سیاه اسارت را برگردن ما بیندازند.

باشعار و عمل به شعار :

ما عمل کرده نیستیم اما آنها بمانند مگر امت بعیرد اما آنها بمانند
برویم و همه ما در راهش فدا شویم و نگذاریم مظلومیت حسین، و اسارت
زیبای، بعد از شهادت یاران حسین، دوباره تکرار شود، آنها که اما را

رها کنند همانند که حسین، را رها کردند و اسارت زیبای، و غریب
یاک بیامروص، راه دنیاغمانی فرورختند و ترجیح دادند



1

مبارا خویشین را وا گزاریم اما خویش را تنها گزاریم

رضون عربی صید می لاله روید مبارای روی لاله با گزاریم

شخصیدا سیکه از میان مارض بر بستند ، رفیندا تا اما بماند

ما نیز می رویم بلکه به صایت خدا در راه آنها قرار گیریم 2

تلم را حرکت و فرصت را در رنگ دیگرها نیز نیست در این آخر از تعالی آسای
که با آنها برخورد داشته و یکدیگر را می شناسیم ما جز آنه تقاضای
دعای غیر و طلب مغرب خستش داریم من شخصاً از صمه و دستار آشنایان
رضایت داشته و اگر سر می هم احیاناً بوده میخستیم بلکه خدا این
سکرده و این سید روسیا و گنهکار را ببخشد و اما آن کسانی
که در خط اما با شستند و با اعمال و کردارشان صرفاً ساجد و رخصتند
آن عزیزان را با ایمان بکنند نه نمائند بلکه خداوند نیز از آنها
رضایت نخواهد داشت و مطمئن باشند در ریاضت باید صبر بکنی خدا اوستی
آن عزیزان و بازوندگان آنها باشند.

۶۷،۲،۲۴

مصارفیا ۲۷ رمضان ۱۴۰۸ هـ

روح و روان شاد اما شهید بزرگوار ای مبارز سستی ناپذیر ای محمدهدی سبیل است
لعله ای اما از قوتها ننگ داشتی و در هر حال مقلد پیغمبر عظیم البروی و رهروی را شخصیدان و در
بایان آخری مزی جهادت را از حضرت حق گرفته ای امید که ما هم بیاقت رهروی اوست را
داشت باشیم ای شهید همیشه جاودان

درباره کتابخانه اسلامی نهضت شهادت این اسوه مقاومت و ایثار یادگار ایما و انقلاب بره
منجی عالم بشریت و ائمه برحقش اوست اسلام دفعه پنجم خانوار
معلم و بزرگوارش تبریک و تسلیت میگوید

نام: رضا
نام خانوادگی: حسام جبلی
نام پدر: فضلعلی
نام مادر: نرجس
تاریخ تولد: پنجم فروردین 1329
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیستم اردیبهشت 1362
محل شهادت: بانه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ اینجانب برحسب وظیفه شرعی لازم می دانم که در جبهه ها شرکت کنم و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام خمینی لبیک گویم.
- ۱ از برادرانم می خواهم که هیچ گاه از امام جدا نشوند و پیروی از ولایت فقیه بنمایند.
- ۱ از کلیه مسئولین دولت جمهوری اسلامی درخواست می نمایم که جهت پاسداری از خون شهدا با قاطعیت تمام به حق مستضعفین رسیدگی نمایند.
- ۱ ای برادرم، کفنم را بیاور تا بپوشم که خون من از خون امام حسین (7) و علی اصغر (7) به خون خفته، رنگین تر نیست.
- ۱ اگر پیکرم را زنده زنده پاره کنند، اگر پاره ها [ی] تنم را به آتش بسوزانند، اگر خاکسترم را به دریا بریزند از دل امواج خروشان دریا صدایم را خواهید شنید که فریاد می زنم: اسلام پیروز است/ کفر و نفاق نابود است.

رضا حسام جبلی

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و با درود به رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل و با درود به شهدای راه حق از هاییل¹ تا کربلای حسینی و از کربلای حسینی تا کربلاهای ایران و با درود به تمامی کسانی که در راه به ثمر رساندن انقلاب اسلامی بذل مال و جان می‌کنند. اینجانب رضا حسام جبلی فرزند فرضعلی وصیت‌نامه خود را به شرح زیر اعلام می‌نمایم.

اولاً: اینجانب برحسب وظیفه شرعی لازم می‌دانم که در جبهه‌ها شرکت کنم و به ندای «هل من ناصر ینصرنی»² امام خمینی لبیک گویم. و از برادرانم می‌خواهم که هیچ‌گاه از امام جدا نشوند و پیروی از ولایت فقیه بنمایند.

ثانیاً: از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا ببخشند اگر نتوانستم دین خود را نسبت به آنان ادا نمایم. از همسرم می‌خواهم که فرزندانم را طوری تربیت کند که در راه اسلام و قرآن گام بردارند. و همچنین از خانواده‌ام می‌خواهم که هیچ‌گاه رسالت زینب‌گونه خود را فراموش نکنند و کاری نکنند که دشمن خوشحال گردد.

ثالثاً: از کلیه مسئولین دولت جمهوری اسلامی درخواست می‌نمایم که جهت پاسداری از خون شهدا با قاطعیت تمام به حق مستضعفین رسیدگی نمایند.

رابعاً: از نماینده تمام الاختیار امام و امام جمعه گرگان، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین نورمفیدی³، درخواست می‌نمایم که هر چه سریع‌تر به وضع تفرقه‌انگیزان و دورویان در منطقه، به خصوص در روستای شادکوه سفلی، رسیدگی نماید و عده‌ای⁴ که از زمان طاغوت تا به حال بر گرده مردم سوارند را به مجازات خود برسانند و در این راه برادران بسیج و انجمن اسلامی شادکوه سفلی را یاری دهد.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «عده‌ای را».

خامساً¹: از کلیه برادران درخواست می‌نمایم که در نمازهای جمعه و جماعت به دعای کمیل و توسل و تشییع جنازه‌ها شرکت نمایند و امام را دعا کنند.
سادساً²: اینجانب اگر توفیق شهادت یافتم و جنازه‌ام را آوردند در امام‌شهر، مزار شهدا، دفن نمایید.
خدایا خدایا/ تا انقلاب مهدی/ خمینی را نگه‌دار. جنگ جنگ تا پیروزی.

رضا حسام جبلی
مورخه 61/12/7

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

ای برادرم، کفنم را بی‌اور تا بپوشم که خون من از خون امام حسین (7) و علی اصغر (7)³ به خون خفته رنگین‌تر نیست. به جهان‌خواران شرق و غرب⁴ بگویند اگر خانه و کاشانه‌ام را به آتش بکشند، اگر گلوله‌هایتان قلبم را سوراخ کند آرزوی شنیدن یک کلمه سخت و زبونی و آرزوی فروختن دینم را به گور خواهید برد. به آنها بگویند که اگر پیکرم را زنده زنده پاره کنند، اگر پاره‌ها [ی] تنم را به آتش بسوزانند، اگر خاک‌سترم را به دریا بریزند از دل امواج خروشان دریا صدایم را خواهید شنید که فریاد می‌زنم: اسلام پیروز است/ کفر و نفاق نابود است.

شهید رضا حسام جبلی

1- در اصل وصیت «خامثاً».

2- در اصل وصیت «سادثاً».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «غرق».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بادرود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلام اسلام یعنی دیاد رود به زینت گان جبهه با حق علیه باطل و
بادرود به شمه از راه حق اینجیل تا فریب طایفه حسینی و از کربلا حسینی تا کربلاهای ایران و با درود به تمام کسانی
که در راه بهتر رساندن انقلاب اسلام بزل مال و جان میگذشتند اینجانب رضا حسام جبلی فرزند فرزند خردی
و صحبت نامه خود را به شرح زیر اعلام می نمایم

اولاً: اینجانب بر حسب وظیفه شری لازم می دانم که در جبهه ها شرکت کنم خوبه نذارم اول من ناصر
بصرتی اسلام شین لبیک گویم و از برادرانم می خواهم که همیشه نگاه از امام جدا نشوند و پیروزان
دولت فقه بنایند با

ثانیاً: از پدر و مادرم می خواهم که مرا بیشتر از سرگشته ام درین خود را نسبت به ناله ادا انجام از همسر
میخواهم که فرزند نام را بطور شریعت کند که در راه اسلام و قرآن کام بردارند و همچنین از خانواده ام
می خواهم که همیشه رعایت زینت گویند خود را خراموش نکنند و کار نکنند که دشمن خوشحال گردد
ثالثاً: از طبقه مسئولین دولت جمهوری اسلامی درخواست می نمایم که جهت پاسداری از خون شهدا
تا طبیعت نام به حق مستحق رسیدگی نمایند؛ رابعاً: از نماینده نام لا اختیار امام و امام مهدی که گان
حضرت حجت الاسلام و المسلمین نوشید در خواست می نمایم که هر چه سر بفرستد و وضع نفرته استیزان
و دور دیان در منطقه بمضوع در دولت رسیده که رسیده نماید و عهده کار را که از زمان الحاق وقت
تا حال برگرده مردم سوارند راه مبارزات خود برسانند و در این راه برادران بی بیع و این اسلام
ش دگر سفیر را بار بر آمد؛ خامساً: از طبقه پسران در خواست می نمایم که در نمازهای جمعه و اجتماعات
به دعا رکعت و قنوت و بی بیع بنده شرکت نمایند و امام را دعا کنند

سادساً: اینجانب از روحانیین شهادت می خواهم و جفازه ام لا آوردند در اساس شهر سمنان مستودان نمایم
خدا یا خدا یا تا انقواب همه شرفی را ننگهدار حجت جنت تا هم درین

رضا حسام جبلی
سرخ ۱۳۷۷ راد

وصیت نامه رضا حسام حبیبی

اگر درم کفتم را بیایم و تا بیرونم که خون من از خون امام حسین (ع) و علی اصغر

بجز آن خفته ز نیکی تر نیست به بهان خود را آن تشریف و غرق بگوئید الرخانه و نشان امام را با

آتش بکشند اگر کله کله ها پتان تلبم را سر راغ کنم از زور شنیدن یک کله

سخت و زبون و آرزوی فروختی دینم را بگویم خواهید برد یا نه بگوئید که اگر بیدار

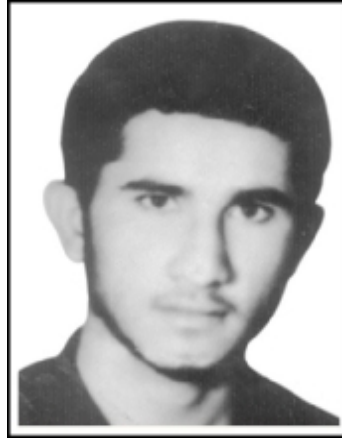
را زنده زنده بیاورد کنند اگر بیاورد ما هم را به آتش بسوزانند اگر خاکستریم را ببرد یا

بریزند از دل امواج حرر شمال دریا صدایم را خواهد شنیدند که فریادی ز من

اسلام پیروز است کفر و نفاق نابود است ~~بگوئید~~

شیر رضا حسام حبیبی

نام: حسن
نام خانوادگی: حستان
نام پدر: غلامرضا
نام مادر: زیبا
تاریخ تولد: یکم بهمن 1347
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دانش آموز چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا اگر خواستی گریه کنی به یاد اباعبدالله گریه کن که مصیبت اباعبدالله از همه مصیبت ها بالاتر است.
- ا برادران و دوستانم، از شما می خواهم که به درس خود ادامه دهید تا در آینده بتوانید به مملکت و اسلام خدمتی کنید.
- ا پشتیبان دولت و روحانیت مبارز باشید و ادامه دهنده خون شهیدان باشید.
- ا دم از صلح نزنید که صلح در این جنگ برابر جنگ جاودان است.
- ا اگر صلح کنیم تمامی خون شهدا پایمال شده و اسلام تا آخر شکست می خورد.
- ا خواهرانم از شما می خواهم که حجاب خود را حفظ کنید.
- ا برادرم راه شهدا را ادامه داده، اعمال خود را برای رضای خدا انجام بده.
- ا با هیچ عذری جبهه ها را ترک نکنید.
- ا تا آخرین لحظه پشتیبان امام و ولایت فقیه باشید.

حسن حسنان

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجالاً صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدّلوا تبدیلاً».

«بعضی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمان خود وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند. (احزاب / 23).

«أَنتَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ وَ اَشْهَدُ اَنْ عَلِيًّا وَلِيَّ اللهِ»

با درود و سلام بر اشرف انبیا حضرت محمد (6) و با درود و سلام بر منجی عالم بشریت امام زمان (عج) و نایب برحق آن حضرت، رهبر مستضعفان جهان و هدایت‌کننده انسان‌ها به راه حق و صراط مستقیم حضرت امام خمینی، و با درود و سلام بر شهدای در راه خدا و سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (7) و شهدای کربلای حسین و شهدای کربلای ایران که با خون خود درخت اسلام را آبیاری کرده و آن را بارور نمودند و با سلام بر مفقودین و اسرا و معلولین و مجروحین و با سلام بر امت حزب‌الله و همیشه در صحنه. خدایا تو را سپاس می‌گویم که به ما قدرت دادی تا اسلام را بشناسیم و آن را انتخاب کنیم. بار الها تو را شکر می‌کنیم که چنین رهبری بزرگوار و روشنفکری به ما عطا کردی که ما را از تاریکی و ذلت دوران ستم‌شاهی نجات داد و ما را به راه راست هدایت فرمود. خدایا تو را سپاس می‌گویم که به من¹ لطف کردی تا به جبهه آییم و در راهت خدمتی کنم.² حال، می‌خواهم چند کلمه‌ای به عنوان وصیت بنویسم.

اول وصیتی به پدر و مادر گرامی و بزرگوارم:

پدرم، من برای شما فرزند خوبی نبودم و شما برای من خیلی زحمت کشیدی و مرا به اینجا رساندی. و از شما معذرت می‌خواهم که نتوانستم زحمتهای شما را جبران کنم. از

1- در اصل وصیت «ما».

2- در اصل وصیت «کنیم».

شما می‌خواهم که در شهادت‌م صبر داشته باشی؛ و سپاس خدا را به‌جا آور که توانستی این امانت را به صاحب اصلی‌اش بدهی. و از شما می‌خواهم که بعد از شهادت‌م کاری نکنی که باعث خوشحالی منافقین شود؛ و تا آخرین لحظه پشتیبان ولایت فقیه باش و گوش به فرمان امام. و در پایان از شما طلب عفو می‌کنم و امیدوارم که مرا ببخشی. و اما ای مادرم. از شما می‌خواهم که شیری که به من دادی حلالم کنی و از شما می‌خواهم که: اگر من شهید شدم، و نیز دومین امانتی که به‌دست شما بود آن را به صاحبش دادی، نارحت مباش. و در مقابل مصیبت‌ها همچون زینب کبری (3) استوار باش و صبر داشته باش، که خدا با صابران است. و خدا به کسانی که بر آنان مصیبتی وارد می‌شود و می‌گویند که «اَنَا اللَّهُ و اَنَا الیه راجعون»¹ پاداش عظیم می‌دهد. و مبدا منافقین² و دشمنان اسلام به شما بگویند که فرزندان برای فلان شخص و فلان شخصیت رفت و کشته شده. و بدان که، انشاءالله، فقط برای رضای خدا پا به میدان نهادم و کشته شدم. و از شما می‌خواهم که: مقاوم باش و اگر خواستی گریه کنی به یاد اباعبدالله گریه کن که مصیبت اباعبدالله از همه مصیبت‌ها بالاتر است. و در آخر از شما طلب عفو می‌کنم و از این اذیت‌ها و آزاری که به شما کردم حلالیت می‌طلبم.

و شما برادرم، از شما می‌خواهم که راه شهدا را ادامه داده و نیز اعمال خود را برای رضای خدا انجام دهی و هر قدمی که برمی‌داری برای رسیدن به خدا باشد و از شما می‌خواهم که بین دیگران نمونه باشی و همیشه گوش به فرمان ولایت فقیه و در خط ولایت فقیه و خط روحانیت مبارز، که همان راه ائمه اطهار و راه پیغمبر اسلام است، باشی. و از شما طلب عفو و بخشش می‌کنم. و شما ای خواهرانم. شما باید پیام‌رسان خون شهیدان باشید و در این کار حضرت زینب (3) را نمونه خود قرار دهید. مواظب اعمال خود باشید. و از شما می‌خواهم که حجاب خود را حفظ کنید، که دشمنان می‌خواهند اسلام را از ما بگیرند؛ و اسلام استوار به این حجاب شماست. و از اینکه برادر خوبی برایتان نبودم و در طول زندگی شما را اذیت کردم طلب عفو می‌کنم و از شما می‌خواهم که مرا ببخشید.

1- بقره/ 156.

2- ر.ک. تعلیقات

وصیتی به برادران و دوستان دانش‌آموز. برادران و دوستانم، از شما می‌خواهم که به درس خود ادامه دهید تا در آینده بتوانید به مملکت و اسلام خدمتی کنید. و درس خود را فقط برای رضای خدا بخوانید و فقط به درس تنها اکتفا نکنید و در کنار درس خود جبهه‌ها را ترک نکنید و همیشه در صحنه باشید. و از شما هم‌کلاسی‌هایم می‌خواهم که آنچه بدی و کار ناشایست از من دیدید مرا ببخشید؛ و از شما طلب عفو می‌کنم.

و شما ای امت حزب‌الله، از شما می‌خواهم که همیشه در صحنه باشید و مدافع اسلام باشید و با هیچ عذری جبهه‌ها را ترک نکنید. و پشتیبان امام امت باشید و آنچه که آن بزرگوار می‌فرماید به آن عمل کنید. و قدر این نعمت الهی را بدانید و از فرمان او اطاعت کنید که اطاعت از او اطاعت از پیغمبر و اطاعت از خداست. و برای او دعا کنید و مراقب باشید قلب امام نشکنند. و از شما می‌خواهم پشتیبان دولت و روحانیت مبارز باشید و ادامه‌دهنده خون شهیدان باشید. و نیز نگویید که شهیدان مرده‌اند اگر زنده باشند آنها را می‌بینیم؛ که خداوند می‌فرماید: «و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات¹ بل احياء ولكن لا تشعرون» (بقره/ 154) «به آنهایی که در راه خدا کشته می‌شوند نگویید مردگانند بلکه زندگانند ولی شما در نمی‌یابید». و نیز این جنگ را با عنایت پروردگار «تا رفع فتنه در عالم ادامه دهید»². و دم از صلح نزنید که صلح در این جنگ برابر جنگ جاودان است و اگر صلح کنیم تمامی خون شهدا پایمال شده و اسلام تا آخر شکست می‌خورد. و همچنین مسجدها را پر کنید و در نماز جمعه‌ها شرکت کنید. و هیچ‌گاه در غفلت نباشید که شیطان در کمین است؛ و مواظب باشید که شیطان در شما راه باز نکند و مواظب باشید از خط اسلام خارج نشوید. و در پایان از همه شما طلب عفو می‌کنم.

خدایا خدایا/ تا انقلاب مهدی/ خمینی را نگه‌دار

چاپ نشود: مدت 28 روز برایم روزه بگیرید؛ در خانه.³

«والسلام»

حسن حسنان

65/9/29

1- در اصل وصیت «امواتا».

2- تعبیر قرآنی است «وقاتلوهم حتی لا تكون فتنه». بقره/ 193.

3- در اصل وصیت، این سطر در داخل کادر است.

بیت

وصیتنامه

حل الصاع بکبر

این وصیتنامه را انسان را میسر نماید. و انسان را یاری کند. *خداوند*
 برادرزنده و تو حیرت‌انگیز و کلمات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نماید:

- ۱- هفت از آمدن به حبسه .
- ۲- پیام
- ۳- رعایت جات شرعی از جمله تسخیر و حی بنیمن مقدار و طرف دیون، واجباتی که برگزین داشته از حسد، نماز و روزه آنها و خیرات و صدقات نسبت به $\frac{1}{10}$ مال، روزی $\frac{1}{10}$

بسم الله الرحمن الرحيم

من الیوم نینزل روحاً صلواتاً علی ما عاهدت الله علیه فممن هم من قفنی نحبه ومن هم من ینتظرنی بعد موتی الا
 بعضی از وصایای بزرگ مردانی هستند که بعد از میان خود و ما آوردند پس بر خودی بر آن عهد استانی کردند و بر خود
 با انتظار معاشرت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند. (احزاب- ۷۳)
 این شهدای طاه الاصله را شهدای بر سرین و شهدای *علاء* و *ول*...

با درود و سلام بر اشرف انبیاء حضرت محمد و با درود و سلام بر سببی عالم بشریت اماک زمان
 و نائب بر حق آن حضرت. رهبر مستضعفان جهان و هدایت کننده اشاعها به راه حق و صراط
 مستقیم حضرت اماک خینی و با درود و سلام بر شهدای در راه خدا و سرور شهیدان حضرت
 ابا عبدالمعین و شهدای کربلا حسین و شهدای کربلای ایوان که با خون خود درخت اسلام

شما می خواهید که پس در دوران خدمت با منی و همیشه گوش به فرمانی و ولایت
 عقیده و در حفظ ولایت عقیده و حفظ روحانیت مبارز که همان راه الله اظهار راه پیغمبر است
 با منی و از شما طلب نمی کنم و چشم من می کنم
 و شما ای خواهرانم شما باید بدانید که من خون شهادت با منید و در این کار حضرت زینب را نمونه خود قرار دهید
 بعد از آن خود با سید و در شما می خواهم که حساب خود را حفظ کنید که دشمنانی می خواهند اسلحه را از
 ما بگیرند و با اسلام استوار به این حساب شماست و از آنکه برادر خوبی برای من بودم و در طول
 زندگی شما را دوست گویم طلب نمی کنم و از شما می خواهم که بیاد بیفتید و صیتی به برادران و دوستان داشته
 برادران و دوستانم از شما می خواهم که به درس خود ادامه دهید تا در آینده بتوانید به دولت و اسلحه خود کنید
 و در این خود را فقط برای رضای شما بخوانید و فقط به درس تنها اتقا کنید و در کنار درس خود همه را ترک
 کنید همیشه در صمیمیت با سید و از شما هر دو می خواهم که با منی و کار نماند است از من دیدید و با بیفتید
 و از شما طلب نمی کنم و در شما امر است عزیز است و با از شما می خواهم که همیشه در صمیمیت با سید و با منی
 با سید و با هم عزی همه را ترک کنید و یشتقان اما است با سید و آنچه که آن جز او را می فریاد آن عمل
 کنید و قدر این نعمت الهی را بدانید و از عزیزان او اطاعت کنید که اطاعت از او اطاعت از پیغمبر و اطاعت از
 خداست و برای او دعا کنید و مراقب با سید قلب امام نشکنید و از شما می خواهم بیشتبان دولت و روحانیت
 در وقت بود

مکان قدسی: دوران موسی بن جعفر
 تاریخ: ۶۵، ۶۹، ۷۹
 خود را بنویسید

کرمان
 دست
 مکر، در صورتی که فیض شاد است نازل شد عمل رفتی
 زینب زکریا: و از خدمت و شاد است سپیدان خوب است که

را آبیاری کرده و آنرا بارور نمودند و با اسلام بر معتقدین و اسرار و علوم
 و عجز و بولنگ بر امت حزب الله و همیشه در صحنه
 خدایا قرآسیاس می گویم که بنیما قدرت دادی تا اسلام را بشناسیم و آنرا انتخاب کنیم. بارالها تو راستگر
 می کنی که چنین رهبری بر تو قرار و روشنفکر می باشد علی گویی که ما را از تاریکی و ظلمت دورانی سسهای
 نجات داد و ما را به راه راست هدایت نمود. خدایا قرآسیاس می گویم که بنیما لطف کردی تا به
 جبهه آیم و در راهت خدمت کنیم. حال می خواهم چند کلامی بنویسم و صیت بنویسم.
 اول و صیت به پدر و مادر تو ای و پر تو را می
 پدرم من برای شما نوزند خوبی نمودم و شما برای من خیلی زحمت کشیدید و مولا به اینی رساندی و از
 شما بگذرد می خواهم که نتوانستم زحمت های شما را جبران کنم. از شما می خواهم که در سخاوت
 خود دستم بکشید و سپاس خدا را بجا آورده و توفیق این امانت را به صاحب امانت شما برده
 و از شما می خواهم که بعد از سخاوت کل می گفتی که باعث هوشیاری ما رفتن شود و تا آخرین لحظه بقدر توان
 و در خدمت باشی و کوشش بفرمان ملک و در پایان از شما طلب عرض می کنم و امیدوارم که مرا ببخشید.
 و اما ای مادر من نیز مادرم از شما می خواهم که کوشش می کنید. دادی خلاص گفتم و از شما می خواهم که اگر
 من عقیدت ندارم و نیز دوستی امانتی که بدست شما بود از آنجا صاعه شادی سلامتی میباشی و در میان
 نسیه در ورقه مهر

جان رضوی: موسی بن جعفر
 تاریخ: ۶۵۹۲۹
 خوار بخوبی رسید
 کرمان
 دانه
 تذکر: در صورتیکه بی خبر شادت مال شدی کل دفتر روز
 نسیه بخوبی رسید: و از غنیمات و انعامات سپاه پهلوانان تو بجا می آید

بیت
وصیت‌نامه

محل الصاق نقر

این وصیت‌نامه با انسان را میسر زانند. و انسان را بیداری کند. خواهی چه
برادر زنده و توحید می‌شود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمایند:

۱- هدف از آمدن به جبهه .

۲- پیام

۳- رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین تعداد و طرف دیون، واجباتی که برگزیده
داشته از جمله: نماز و روزه قضا و، خیرات و صدقات نسبت به مال، روزگار


معبودیت خدا همچون زینب کبری (س) استوار باشد. و صود داده شده باشم که خطایا عاقلین است
و خدا به کمافی که هر کانون هستی و اوردی نشود و کوه سینه که از الله و ان الله را به عهده یار و اس عظیم
می دهد و مبادا منافقین و دشمنان اسلام به سینه بگویند که عزت و نفرت بر این مملکت منتهی و فلان
شخصیت وقت و گذشته شده و می‌دانم که انشاء الله فقط بر این رضای خدا یا به میدان نهادم و گذشته
دستور و در شمای عفافم که مقام باشم و اولاد هستی گوید لکن دیار را بعباد. گوید لکن که مصیبت
با بخراد. از همه مصیبتها بالاتر است و در آنکو از شما طلب معذرت کنم و از این اذیت خود آزارم که به
شما کردم حالاتی می‌ظلم. و ستم کردم. از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و ادا داده و نیز اعمال
خود را برای رضای خدا انجام دهید و خیر حق که بر می‌آوردی بر این رسیدن بخدا با سزاوار

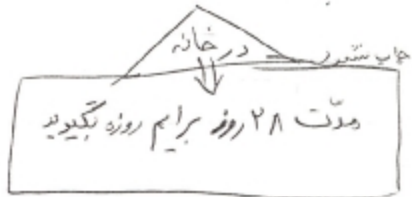
مبارز با سید و دامدهنده خون شهیدان با سید و نیز نلوید که شهیدان مردد اند از نور دیده
آنها را می بینیم که خداوند می فریاید، ولا تقولوا این یقتل فی سبیل الله... ایوا تا اهل اعیان و کفن
لا تشعرون - توره ۱۵ - به آنگاه که در راه خدا کشته می شوند نلوید خود کالند بلکه زندگانند و بی

شما در روزی باید - و نیز این جنب را با عنایت پروردگار تاریخ فقه در عالم ادامه دهید و کم از صلح شود
که صلح در این جنب برابر جنب جاودان است و آن صلح کنیم تمامی خون شهدای ایالت شود

و اسلام تا آخر شکست می خورد و همچنین مسجد هارا برکنند و در نماز همه هان شرت نیندود
هیچگاه در عفت نباشند که شیطان در زمین است و مواظب باشید که شیطان در

سواره باز نهند و مواظب باشید از خط اسلام خارج نشوید و در پایان از همه شما
طلب عفو می کنم


و الله اعلم
خدا یا خدا یا تا انقوب
بدر غمخیز را نندار



نام: سعید
نام خانوادگی: حسنان
نام پدر: ابوالقاسم
نام مادر: معصومه
تاریخ تولد: دوم فروردین 1341
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اسفند 1363
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: -
مزار: پیکرش در همان منطقه بر جا ماند



عبارت های کلیدی

- ۱ ادامه دادن راه شهدا همان ادامه راه اسلام است.
- ۱ حفظ حجاب شما باعث کوری دشمنان اسلام می شود.
- ۱ عبادات اسلامی، نماز جمعه، جماعت، دعای کمیل و توسل را ترک نکنید، چون دشمن از جمع شدن ما مسلمانان وحشت دارد.
- ۱ دانش آموزان، شما هم به تحصیل خود ادامه دهید که آینده مملکت به دست شما دانش آموزان می باشد.
- ۱ شما معلمان در تربیت کردن دانش آموزان کاملاً بکوشید و آنها را الگو و نمونه به بار آورید و در کلاس های خود آنها را به سوی اسلام و جبهه دعوت کنید.
- ۱ انقلاب اسلامی ما یک انقلاب الهی بود که شرق و غرب را به لرزه درآورد.
- ۱ انسان هم یک مرگ بیشتر ندارد، پس خوب است شهادت را در زندگی خود انتخاب کند.
- ۱ خواهرم شما هم پیشاپیش زنان مسلمان دیگر سنگر حجاب خود را حفظ کن.

سعید حسنان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان.

خط سرخ شهادت خط آل محمد (6) و علی (7) است.¹ (امام خمینی)
«من المؤمنین رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظرو ما
بدلوا تبديلاً»².

با درود بیکران به پیشگاه آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی، و بنیانگذار
جمهوری اسلامی ایران؛ و سلام خداوند متعال به شهدای صدر اسلام از هابیل³ تا کربلای
حسین (7) و رسیده به کربلای خونین ایران، آن شهیدانی که فقط برای خدا به پیش
رفتند و با خون خویش درخت اسلام را آبیاری کردند؛ و سلام و درود خدا به رزمندگان
ایثارگرمان که به ندای حسین زمان امام امت لبیک گفتند و به سوی جبهه‌های نبرد شتافتند؛
و سلام به شما امت حزب‌الله سرخه که همیشه در صحنه بودید و انقلاب را به اینجا
رساندید و روی آن ایستاده‌اید و حفظ می‌کنید.

با سلام به شما امت حزب‌الله، می‌خواهم چند کلمه‌ای با شما صحبت کنم. ای امت
شهیدپرور، انقلاب اسلامی ایران به دست شما ایثارگران شروع شد و به پیروزی کامل رسید.
پس باید در ادامه دادن آن بکوشیم و مال‌ها و جان‌های خود را فدا کنیم و در ادامه دادن آن
بکوشیم؛ چه بسا مشکلاتی وجود دارد باید تحمل کرد. انقلاب اسلامی ما یک انقلاب الهی
بود که شرق و غرب را به لرزه درآورد. مردم، [انقلاب] ما برای اسلام و کلمه توحید بود
که از امام حسین (7) آموختیم. ای مردم، راه شهدا را ادامه دهید. ادامه دادن⁴ راه شهدا
همان ادامه راه اسلام است. و این جنگ برای ما یک نعمت بود که به ابرقدرت‌ها بفهمانیم
که دیگر نقش ژاندارم منطقه [را] برای پاسداری از مناطق امپریالیسم به کار نبرند. و جبهه را

1- صحیفه امام، جلد 15، تجلیل از شخصیت شهید محراب، امام جمعه تبریز.

2- احزاب/آیه 23.

3- رک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «با ادامه دادن».

به هیچ عنوان خالی نمی‌کنید چون این جبهه اسلام با کفر است. و شما ای زنان مسلمان، که پیشاپیش مردم در صحنه بودید، حجاب خود را کاملاً حفظ کنید و گول منافقان¹ را نخورید که باعث از بین رفتن عبادت‌های خداوند می‌شود. حفظ حجاب شما باعث کوری دشمنان اسلام می‌شود. ای زنانی که با دادن جواهرات خود خدمت بزرگی به اسلام کردید، پس، حفظ حجاب شما از خون ما شهدا رنگین‌تر می‌باشد. و ای مردم مسلمان، عبادات اسلامی، نماز جمعه، جماعت، دعای کمیل و توسل را ترک نکنید چون دشمن از جمع شدن ما مسلمانان وحشت دارد.

ای مادرم، از شهید شدن من هیچ‌گونه ناراحت نباش و در مرگ من شیون نکن؛ چون مصلحت خداوندی این بوده است که انسان به‌سوی کمال خود که همان شهادت باشد برسد. ای مادرم، پیغمبر اکرم (6) فرمود امانت‌ها را سالم به صاحبانش برگردانید. پس مادر، شما همان امانتداری بودید که خداوند این امانت را سالم به شما داد و سالم به او تحویل دادی. و انسان هم یک مرگ بیشتر ندارد، پس خوب است شهادت را در زندگی خود انتخاب کند. و خدای را شکر کن که همچون فرزندی داشتی و برای اسلام فدا کردی. و آن شیرینی که به من دادی و مرا با روح اسلام پرورش دادی حلالم کن.

ای پدر گرامی من. همچنان که فرزندت را با فقر و تنگدستی بزرگ کردی و به اینجا رساندی با آن زندگی دشوار [می‌خواهم]، مرا ببخشی. پس هیچ‌گونه ناراحت نباش و همچون مادر صبر و شکیبایی را شعار خود قرار بده و پیش مردم آن چنان باش که: همه مردم را به‌سوی اسلام دعوت کن. و این ضرب‌المثلی است که می‌گویند شتر مرگ در خانه همه می‌خواهد اما فرشته حق سراغ هر کسی نمی‌رود. پس باید افتخار کنی.

ای برادران من، شما هم هیچ‌گونه ناراحت نباشید و پدر و مادر خود را تشویق به اسلام کنید و هم‌سن و سال خود را به‌سوی اسلام بیاورید. و ای برادران من، رفتم من به‌سوی خدا با خدای خویش ملاقات کردم. پشت جبهه را خالی نگذارید. در همان جا که هستید مشت محکمی به دهان شرق و غرب بزنید.

اما خواهرم. شما هم پیشاپیش زنان مسلمان دیگر سنگر حجاب خود را حفظ کن که دشمن از حجاب شما وحشت دارد. و شما هم در پشت جبهه زنان مسلمان دیگر را به سوی اسلام دعوت کن. و در مرگ من هیچ گونه ناراحتی نداشته باش و به مادر خود صبر و شکیبایی بده.

و اما دانش آموزان، شما هم به تحصیل خود ادامه دهید که آینده مملکت به دست شما دانش آموزان می باشد. و گول دشمنان اسلام را نخورید. و برادران انجمن، که شماها به عنوان نمونه در مدارس هستید، دیگران را به انجمن دعوت کنید باشد که خداوند متعال شما را حفظ کند. و ای معلم عزیز، اگر از من ناراحتی دیده‌اید ببخشید. و شما معلم در تربیت کردن دانش آموزان کاملاً بکوشید و آنها را الگو و نمونه به بار آورید و در کلاس های خود آنها را به سوی اسلام و جبهه دعوت کنید. والسلام.

در خاتمه، مقدار پولی که دارم به جبهه جنگ و حسینیه شهدا کمک کنید. برای امام دعا کنید.

خدایا خدایا/ تا انقلاب مهدی/ خمینی را نگه دار
از عمر ما بکاه بر عمر رهبر افزا.

62/11/28

سعید حسنان

«ایمانی»

«بِسْمِ اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَبِحُدُودِهِ خُذُوا حِفْظَ الْوَعْدِ وَحِفْظَ الْوَعْدِ حَقٌّ لَكُمْ
 وَبِئْسَ مَا يَنْظُرُونَ مَا بَدَلُوا نَبِيًّا
 بادرد و بیزاری بی پیشگاه آقا امام زمان (عج) و نائب برحقش امام جعفری و بنیانگذار جمهوری
 اسلامی ایران و سلام خداوند متعال بر شهدای صدر اسلام از عباس تا کربلای حسین و رزیده
 به کربلای خویش ایران آقا شهیدانی که فقط برای خدا به پیش رفتند و با خون خویش درخت اسلام
 را آبیاری کردند و درود خدا بر زندهگان ایثارگران که بر ندای حسین زمان صلوات
 بسبب گفتند و به سر رسیدند و ما و دیگر شهیدان در روز قیامت حشر با الله سرجه که همیشه در حضور
 و انقلاب را بدینجا رساندید در روزی که از اسناد آورده و حقیقتی است
 با سلام به شما است حزب الله من خواهم چند خطی ای با شما صحبت کنم ای امت شریفه پروردگار انقلاب
 اسلامی ایران بدست شما ایثارگران شروع شد چه پیروزی گاه رسید پس باید در ادامه دادن آن
 کوشیم و جانها و جانهای خود را فدا کنیم و راه دادن آن بگوئیم چه بسا مشکلات وجود دارد باید
 تحمل کرد انقلاب اسلامی ما تک انقلاب ~~است~~ بود که شرق و غرب را لرزه در آورد مردم ما برای اسلام
 در کربلا فخر کرده اند از امام حسین (ع) آ سوختیم ای مردم راه شهدا را ادامه دهید با ادامه دادن راه شهدا
 همان ادامه راه اسلام است و این جنگ برای ما یک نعمت بود که در این روزها بفرماییم که دیگر نفس را از مردم
 منقطع برای ما باروری از مناطق امپریالیسم ~~بر~~ و جبهه را به هیچ عنوان خاص نمی کشید حیران
 این جبهه اسلام با کفر است دشمنی ای زمان مسلمان که پیشاپیش همه مردم در صحنه بودید حجاب خود
 را کاملاً حفظ کنید و گول منافقان را نخورید که با وقت از بین رفتن عباد انبیا خداوندی می شود
 حفظ حجاب شما باعث ترویج ایمان اسلام می شود ای زمان که با دادن جوارحت خود خدمت کرده
 به اسلام کردید پس حفظ حجاب شما از خون ما شهدا بر نفس نرسد و ای مردم مسلمان عبادات اسلامی
 نماز جمعه عبادت دعای تحمل در کسب راه ترک تکلیف چون دیگران از جمع شدن ما مسلمانان وحشت دارد

ای مادرم! از شکر کردن من هیچ گوشت نماند ~~و نه گوشت~~ و نه پشم در موی من شایسته آن چون من و ملت
 خداوندی این بوده است که انسان بسوی کمال خون که همان سعادت باشد برسد ای مادرم پیغمبر! ^{بزرگوار}
 فرمود اما تقاضای سلام به صاحبانش بزرگوارند پس مادر جان من اما شکر آری بزرگوار که خداوند این سعادت را
 سلام به شما داد و سلام به او قبول دادی و اسکن هم کنی مگر بیشتر نازد میس خوب است سعادت را در
 زندهی خود انتخاب کنده خدای را شکر کن که همچون فرزندی را شستی و برای اسلام فدای خودی و کان شیری که من
 دادی و سربا روح اسلام پرورش دادی جمله کن .

ای پرگشای من! همچنانکه فرزندی را با تو فرستادمی بزرگ کردی و بر این جا رساندی با آن زلفی و کوهی را
 بعضی پس هیچ کوشش نداشت و همچون مادر صبر و شکیبایی را از آن خود قرار بده و پیش مردم آن چنان بمان
 که همه مردم را بسوی اسلام دعوت کن و این ضرب الحکم است که هر که بدین شکر در خانه همه عیال او را تا
 فرشته حق صراغ نورانی نبرد و پیوسته از شکر کن .

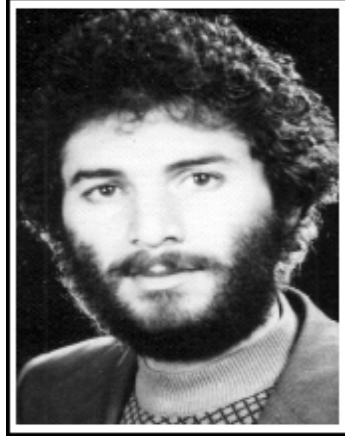
ای برادران من! شام هیچ گوشت نماند و بر برادر خود را مستحق بد اسلام کند و هم سن و سال
 خود را بسوی اسلام بیاورد و برای برادران من زنده بسوی خدا با خدای خویش سعادت کردم
 پشت جبهه راه خاکی نماند در دهان جا که هستی مستحکم بقدر آن شوق و غریب بزمی
 (عاقبتم) شما هم پیشانی زمان مسلمانان در شکر جواب خدای حفظ کن که کفن از حجاب شما دوست
 دارد و شما هم در پشت جبهه زمان مسلمانان بسوی الله دعوت کن و در مکتب من هیچ گوشت
 نمانده باشد با شکر به مادر خود صبر و شکیبایی بده .

و اما دانش آموزان شما هم به تحصیل خود ادامه دهید که آسوده عملت بدست شما دانش آموزان
 می باشد و هر که شما را بخورد و برادران این که شما به عنوان نموده در مدارس و معتمدان
 را به این دعوت کنید آید که خداوند شما را حفظ کند ای مسلمانان عزیز اگر از من ناراحتی دیده ایم بعضی
 دشمنان ~~بزرگوار~~ در شکر کردن دانش آموزان کمال بزرگوار و ان شاء الله تعالی

به یاد آورید و در سوادهای خود کفایت بسوی اسلام و جبهه دعوت دین را در اسلام در خانه ستمار
 و چون که با هم به جبهه جنگ حسین شهادت گفت کرد
 بر اسم الله تعالی
 خداوند خدای تعالی بسوی من و زنده دار
 از عمر من که در عمر صبر آخر

س.ح
 ۵۲، ۱۱، ۲۸

نام: محسن
نام خانوادگی: حسن بیگی
نام پدر: باقر
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: چهارم اسفند 1331
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: چهاردهم اردیبهشت 1359
محل شهادت: سنندج
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا ما باید امام امت را تنها نگذاریم و پشتیبانی خود را همیشه از امام اعلام داریم و گوش به حرف ایشان باشیم.
- ا این راه که من رفتم راه خدا است.
- ا تنها سفارش من به شما این است که به یاد خدا باشید.
- ا چون دشمن به خاک و ناموس ما حمله کرده، ما باید به وظیفه خود عمل کنیم.
- ا اگر شهید شدم برای من گریه نکنید و در دل برای امام حسین (7) گریه کنید.

محسن حسن بیگی

بسم الله الرحمن الرحيم

«بسم قاصم¹ الجبارین، بسم رب المستضعفین».

خدمت پدر و مادر و برادر و خواهر گرامی سلام عرض می‌کنم. انشاءالله که هیچ‌گونه نگرانی از بابت من نداشته باشید و هیچ از برای من گریه و ناله نکنید. خدا را شکر کنید و به یاد خدا باشید. این راه که من رفتم راه خدا است و هر فرد مسلمان و باایمان می‌بایست که این راه را پیمايد. فقط، تنها سفارش من به شما این است که در همه حال به یاد خدا باشید و هیچ موقع از یاد خدا خارج نشوید. این وصیت‌نامه را بدهید به عباس تا اجرا کند.

عباس جان، به ننه و بابا دلداری بده و ایشان را راهنمایی کن تا به یاد خدا باشند. عباس، 666 تومان از حاج احمد می‌خواهم و سه هزار تومان از رمضان طاهری و ده هزار تومان توی ساک دارم؛ خرج عزا کنید و چهلم من کنید و اگر چیزی ماند به مستضعفین بدهید. در ضمن، 100 تومان به رمضان امانی بدهید و پنجاه تومان به حسین ناظمی بدهید. سیصد تومان از محمد سلمری می‌خواهم؛ از او بگیرید. پس پول عزا و چهلم را بدهید و اضافه آن را به مستضعفین بدهید.

عباس جان، دیگر بیشتر از این راجع به بابا و ننه به تو سفارش نمی‌کنم. در ضمن، یک دست لباس پیش رضا دارنده دارم. پول دوخت را به او بدهید و لباس را بگیرید. بیشتر از این مزاحم تو نمی‌شوم. دیگر عرضی ندارم.

محسن حسن بیگی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

چند نکته وصیت به‌عنوان سفارش به پدر مادر خود دارم. اگر شهید هم شدم برای من

1- در اصل وصیت «قاسم».

ناراحت نباشند و در دل خود¹ برای امام حسین (7) گریه کنند². چون، دشمن به خاک و ناموس ما حمله کرده و ما باید به وظیفه خود عمل کنیم و از اسلام و وطن خود دفاع³ کنیم و به فرماندهی امام امت، فرمانده کل قوا، به جنگ ادامه داده و تا پیروزی ادامه دهیم. امام امت را تنها نگذاریم و پشتیبانی خود همیشه از امام اعلام داریم و گوش به حرف ایشان باشیم.

مادرم، گریه برای من نکن، برای امام حسین (7) گریه کن.

1- در اصل وصیت «و دل خود را برای».

2- در اصل وصیت «... نباشد... کند».

3- در اصل وصیت «دفاع».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّكَ اسْتَعِذْ

خیرت پدید آید و برادر و عمامه گرامی سلام بر تو می کنم ای خدا که هیچ کس تو را نکرانی
از بابت من در آتش با شمشیر و هیچ از برای من گریه و ناله نکند.

خدا را شکر کنید و بسیار خدا را شکر کنید این راه کن رفیق راه خدا است و هر فرد سنان

و با این راه با نیست که این راه را پیروی کنید. فقط آنجا سوارش می شود تا این است

که در هر حال بیاد خدا باشید و هیچ موقع از یاد خدا خارج نشوید.

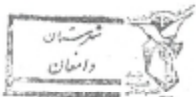
این وصیت نامه ما بدهید به عباس تا اجرا کند.

عباس جان به من و با با دلدار بید و ارشادان را از اهلان کن تا بیاد خدا باشد

عباس جان 99 تومان از حاج احمد می خواهم و سه هزار تومان از زلفانی خانم

و ده هزار تومان تو زیادت دارم خرج عزاکم و چرام من کنی و اگر چیزی

ماند به مستحقین بدهید در ضمن 100 تومان به زلفانی خانم بدهید و بیاد تو را
به حسین ناطقی بدهید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مجلس علم را بدهید راقانند آنرا به مستحقین بدهید عباس جان و دیگر برادر

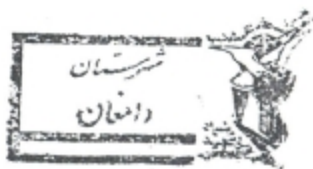
از این مبلغ به با او شده تو سوارش کنی کتم در ضمن صد دست لباس

پیش رفا دارند دارم پول دوست را به او بدهید و لباس را بگیرید

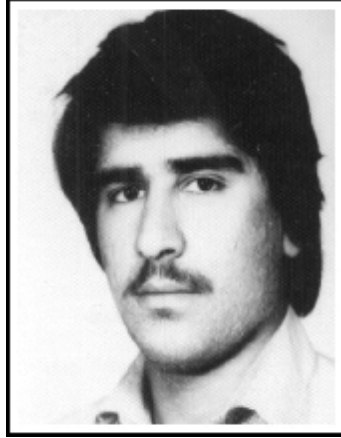
بیشتر از این مرا هم تو می توانی بدهی. دیگر چیزی ندارم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند نکته وصیت به عنوان شماست به پدر و مادر خود داد
 آن شهید شدم برای من نداشت نباید و دل خود را بر او
 ا.م. حسین گریه کند چون دشمن به خاک و ناسوس
 حاصل کرده و ما باید به وظیفه خود عمل کنیم و از آنست
 مردان خود دفاع کنیم و بر فرزندش امام است فرزند کار خود
 به ضد وطن داده و ما نیز از اطمینان امام است
 را تنها نگذاریم و پشتیبانی خود هستیم از امام
 اسلام داریم و روش بی طرفی را با هم داریم
 گریه بر سر من برابر نظام صبیح گریه کن



نام: محمد تقی
نام خانوادگی: حسن بیگی
نام پدر: محمد مهدی
نام مادر: صفرا
تاریخ تولد: یکم اسفند 1343
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: دانش آموز چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و چهارم اسفند 1363
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا تا می توانید خودتان را از روحانیت جدا نکنید.
- ا تا آخرین قطره خون خود در راه اسلام و قرآن جان فدا کنید.
- ا به خاطر امر رهبرمان و به خاطر اینکه کفار برای نابودی احکام اسلام بر علیه ما قیام کرده اند به جبهه آمده ایم تا وظیفه خود را ادا کرده باشیم و اسلام را به سرتاسر جهان گسترش دهیم.
- ا در کارهایتان برای خدا و به خاطر خدا و با توکل بر خدا صبر و استقامت پیشه کنید.
- ا زینب وار در مقابل مشکلات و سختی ها بایستید.
- ا حامی ولایت فقیه و نایب امام زمان خود باشید.
- ا با توکل بر خداست که تمام مشکلات و سختی ها حل می شود.

محمدتقی حسن‌بیگی

بسم الله الرحمن الرحيم

«و قاتلوهم حتى لا تكون فتنةً و يكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان الا على الظالمين»¹.
 «و نبرد کنید با ایشان تا نماند آشوبی و بشود دین از آن خدا پس اگر دست برداشتند همانا نیست ستمی مگر بر ستمگران».
 اسم: محمدتقی، نام خانوادگی: حسن‌بیگی، تاریخ تولد 1343، صادره از دامغان، نام پدر: محمد مهدی.

با تقدیم [و] عرض سلام به پیشگاه مقدس امام زمان ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء؛ و سلام به پیشگاه فرزند پاک زهرا، مردی از سلالهٔ خاندان عترت² و طهارت امام امت؛ و سلام بر پویندگان راه سرخ دلیرمردان قتلگاه کربلا و صاف‌کنندگان راه حق و حقیقت و کشته‌شدگان راه هدایت و دین مبین اسلام و شهدای گلگون‌بدن؛ و سلام بر مرزداران، این سربازان بقیهٔ الله الاعظم و رزمندگان دلیر اسلام؛ و سلام بر تمام مسلمینی که راه حق و یگانگی را می‌پیمایند و به حق می‌پیوندند؛ و سلام بر خانواده‌های این پویندگان راه حق، که با دادن بهترین عزیزان خود در راه اسلام که امانتی از جانب خدا در نزدشان بیش نبوده است صبر و استقامت می‌کنند؛ و سلام بر تمام جانبازانی که با از دست دادن عضوی از بدن خود در راه اسلام صبر و استقامت می‌کنند؛ و سلام و درود به تمام امت شهیدپرور و قهرمان ایران، که همیشه در صحنه حاضر بودید و اتحاد خودتان را از دست ندادید.

من به شما سفارش می‌کنم که تا می‌توانید خودتان را از روحانیت جدا نکنید و تا آخرین قطرهٔ خون خود در راه اسلام و قرآن جان فدا کنید و حامی ولایت فقیه و نایب امام زمان خود باشید و با توکل بر خدا تمام گروهک‌ها و منافقین³ را از بین ببرید. و در

1- بقره/193.

2- در اصل وصیت «عطرت».

3- رک. تعلیقات.

کارهایتان توکل را بر کسی دیگر نکنید که توکل بر غیر خدا جز زوال و نابودی چیز دیگر نخواهد بود؛ پس با توکل بر خداست که تمام مشکلات و سختی‌ها حل می‌شود. و به شما ملت عزیز بگوییم که: من به‌طور آگاهانه [و برحسب] وظیفه شرعی خودم دانستم که به جبهه حق علیه باطل بیایم. چون، این زمان با زمان امام حسین (7) فرقی ندارد؛ چون امام حسین (7) به‌خاطر اسلام و قرآن و راه اجدادش بر علیه ظلم و ستم قیام کرد و خانواده خود را در این راه به اسارت داد تا دین جدش و قرآن پاینده بماند و شهادتش اسلام را دوباره زنده کرد ما هم به‌خاطر امر رهبرمان و به‌خاطر اینکه کفار برای نابودی احکام اسلام بر علیه ما قیام کرده‌اند به جبهه آمده‌ایم تا وظیفه خود را ادا کرده باشیم و اسلام را به سرتاسر جهان گسترش دهیم. و تا زمانی که این کفار و فتنه‌گران در روی زمین هستند باید با آنها جنگید و آنها را از بین برد و نگذاشت که فتنه‌گران زنده باشند.

خانوادگی:

و سفارشی که به پدر و مادر [و] برادرانم و عزیزان دیگر دارم این است که: در کارهایتان برای خدا و به‌خاطر خدا و با توکل بر خدا صبر و استقامت پیشه کنید و زینب‌وار در مقابل مشکلات و سختی‌ها بایستید. نکند که با صبر نکردن دشمن دین و قرآن را خوشحال کنید. پس با صبر خود بر آنها پیروز گردید. و به شما بگوییم¹: ای² پدر و مادر عزیز اگرچه فرزند خوبی برایتان نبودم و شاید آن وظیفه فرزندی که داشتم و شما به گردنم حق داشتید ادا نکردم، مرا عفو کنید و ببخشید و کارهای گذشته مرا نادیده بگیرید. چون، اگر شما نگذردید خدا هم از من نمی‌گذرد.

من 15 روز روزه قرض دارم و یک سال نماز قضا هم دارم. دیگر نه به کسی بدهکاری دارم نه طلبکاری. پس یادتان نرود در حقم دعا کنید.

«والسلام»

محمدتقی حسن بیگی

1- در اصل وصیت «بگوئیم».

2- در اصل وصیت «ین».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَتَكْوُنَ الدَّيْنُ عَلَيَّ وَتَكُوْنُ الدَّيْنُ عَلَيَّ
 و نیز کنایه با ایضاً تا ما نه آخری و بطور دقیق از آنجا که میسر آمده است بر ما نیست ما مالیک است. هر چه در دست است
 اسم - محمد تقی نام خانوادگی حسب بیجا - ستاد منبر قوله ۱۳۴۳ - صادر از دامغان
 نام پدر محمد حسینی

با تقدیم عرض سلام به جناب مقدس امام زمان ارواحنا درواج العالمین، لنتراحم مقدمه العباد و
 سلام به بیگانه، مرز و بوم زهر را مردی از سلامه خاندان مطهرت و طهارت امام است و سلام بر
 پیوستگان راه سرخ دیر مردان قتلگاه گردید و صیانت کشتیجات راه حق و حقیقت و کشف سیدان راه
 هدایت عدین حسین اسلام و مستداه لکون جوت و سلام بر مرز داران این سرار ذات بقیه الاله و
 مرز و بوم دیر اسلام و سلام بر تمام مسلمانی که راه حق و ایمانی را میپوشانند و بر حق میپوشانند و سلام بر
 طیاران هادی این پیوستگان راه حق که یادان بهترین عزیزان خود در راه اسلام که امامی از جانب خدا
 در مرز و بوم است پس فزاید است صبر و استقامت بر کشته و سلام بر تمام جاهلانی که با از دست دادن معنوی از
 ندان خود در راه اسلام صبر و استقامت بر کشته و سلام و در بود بر تمام است ششید پروردگاران این راه که همیشه
 در صفت حاضر بودید و امتداد خودتان را از دست ندادید من به شما سوار شدیم که تا ما توانیم خودتان را از روحانیت
 حیا کنیم و تا آخرین قلبه خود خود در راه اسلام و قرآنی جان فداییم و جانی و ولایت خدیو عزایمان خود
 باشید و اقول برخدا نام تو در دنیا رسانش و از بین ببرید و در باره ایمان اقول را که میفرماید در تفسیر که اقول بر مرز و بوم
 جز ناله و ندای چیز دیگر نخواهد بود پس اقول برخداست که تمام مشکلات و سستیها حل میشود و بر شهادت
 عزیز بودیم سخن مطهر آمانه در جیب و طعنه شریف خودمان دانستیم که چه به جبهه حق علیه باطل پیام میروند
 این زمان از زمان امام حسین در افرقه ندارد چه در امام حسین جفا را سلام و قرآنی در راه ایجاد شرح بر علیه ظلم و

بسمت قیام کم د. و خانواده خود را در این راه بسیار مساعد داد تا من جرمش و ترائف با بند براند و شهادتشم
 اسلام را دوباره زنده کرد ما هم مخاطب امر رهبرمان و مظاهر اندک لغات برای ابوری، اعلام اسلام بر علیه ما میام
 کرده اند. حبه آیدیم تا ولقد خود را ادا کرده با شیخ و اسلام را به بر تاسر جوانی کسر شد دیم و تازمانید
 این لغات در شتران در روزها رسیده استند با دیدمان ما جنید و آمار از زمین برد و بلا اشعه و کشت ترا زنده باشد
 و شمارش به به بر ما بر برداریم و عزیزان دیر دارم این است که در کار ما ایشان بر او خود و مظاهر خود و با توی
 مردها صبر و استقامت بیستید و زنیب وار در مقابل مشکلات و مسخها ما بیستید لغت که ما صبر نکردن
 دشمن دشمن و ترائف را از شغال کیش پس ما صبر خود بر ما بیستید کردید و بیستید بگویند این پسر و ما در عمر
 آخر فرزند خوبی بر ایمان نبودم و شاید آن و ولقد فرزند ما به ما شسته و سب کرده حق دانستید ادا کردیم مرا
 عنوم کید و بیفتید و دارمای که شسته بر نادید بگوید خود را شسته بگویند خود ما رسن و ترائف من
 ۱۱ روز نرزه قرص دارم و تیمال بازار قصاصم دارم که در سینه به سینه بدهد ارم دارم و جلیباری

صبا یادان زرد در حقه دفا کتبه (والسلام)



نام: محمدباقر
نام خانوادگی: حسن‌نو
نام پدر: حسن
نام مادر: خورشید
تاریخ تولد: بیست و هشتم آبان 1344
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دانش‌آموز چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سی‌ام اردیبهشت 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

ا اگر انسان بخواهد خدا او را قبول کند باید دل را از زنگارهای مادی پاک کند.
ا بیشتر و تا آنجا که می‌توانید باطن خود را آراسته کنید، که اصل باطن است.
ا مواظب دوستانتان باشید و در انتخاب دوستان کمال دقت را بنمایید.
ا خدایا همه ما وارد جنگ شده‌ایم می‌خواهیم اسلام را سربلندی و عزت بخشیم.
ا پیرو ولایت فقیه باشید و ثابت کنید که امام را تنها نمی‌گذارید.
ا توجه داشته باشید که هیچ‌کس را دوست و رفیق و برادر شهید بودن افتخار نیست بلکه راهش را ادامه دادن شرط است.
ا ننگم باد که باز هم در خانه بمانم و صدای شیون کودکان پدر شهید شده را بشنوم، و بنشینم و صدای وای اسلاما، وای قرآنا، وای اماما را نشنوم!
ا همانا شهادت نزدیکترین راه تکامل انسان است.
ا ته‌مانده‌های منافقین را از خود برانید و به گروه‌های کوچکی که هدفی جز تفرقه در صف تشیع ندارند دل نبندید و سعی کنید که شما را فریب ندهند و خوب فکر کنید که حوادث آینده برای شما تلخ نگردد.

محمدباقر حسن‌نو

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء والصدیقین

«شهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله، ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على
الدين كله و لو كره المشركون»¹.

اینجانب [برادر] محمدباقر حسن‌نو فرزند حسن دارای شناسنامه شماره 110 متولد
1344 تمام این دوران چند ساله را در همان زادگاه خودم گذراندم تا زمانی که خداوند آن
نور هستی‌بخش معرفت خویش را بر دل ما تاباند و باعث شد به لطف او و متنی که بر ما
گذاشت موفق شویم در این مکان مقدس و مطهر و عطرآگین به خون شهیدان حضور پیدا
کنیم تا اگر خدا خواست خدمتی ناچیز به درگاه او عرضه بداریم و در نهایت اگر ما را قابل
دانست گوهر جان خود را فدای آن محبوب و معشوق کرده تا توانسته باشیم دین خود را
به اسلام و خداوند ادا کرده باشیم؛ که این آرزوی هر بنده و عاشق خداست که روزی این
امانت‌اهدایی خدا را به صاحب اصلی برگرداند. به قول حافظ:

این جان عاریت² که به حافظ سپرده روزی رخس ببینم و تسلیم وی کنم

خداوندا، این هدیه ناقابل را از طرف ما پذیرا باش؛ که اگر جان را در راه این دلبر فدا
نکنیم اصولاً کسی جز او قابل جان‌نثاری ندارد و جز او کسی سزاوار جان دادن و تسلیم
کردن این امانت نیست³. البته، هر کسی لایق این مقام نیست و باید خداوند آن را از میان
خارها به‌عنوان گلی انتخاب کرده و آن را بچیند، که به قول حافظ:

گوهر پاک ببايد که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

اگر خداوند این افراد را انتخاب کند اینها جاودانگان تاریخ می‌باشند و نامشان همیشه

1- برگرفته از مفاتیح الجنان، «زیارت جامعه کبیره».

2- در اصل وصیت «عاریه».

3- در اصل وصیت «را ندارد».

سرلوحه دیوان عشق و عاشقی می‌باشد و یادشان همیشه در دل‌هاست و خون آنها همیشه در جامعه جریان دارد.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به ثبت است بر جریده عالم دوام ما¹

اگر انسان بخواهد خدا او را قبول کند باید دل را از زنگارهای مادی پاک کند، قلب خودش را که حرم خداست غیر از او کسی را جای ندهد. در اینجاست که انس و الفت نسبت به محبوب در دل ایجاد شده و این انس و نزدیکی به او فنا شدن را اقتضا می‌کند و اینکه وجود انسان یکپارچه ندای معشوق می‌شود و باعث وصال می‌شود؛ و وصال دوست میسر نمی‌گردد مگر به همین فدا کردن خویش برای او. و عاشق واقعی هیچ چیزی را مانع برای رسیدن به او نمی‌داند و تمام کوشش خود را برای پرواز و معراج به سوی آن قبله‌گاه عشق و عاشقی به کار می‌گیرد. خوب، ما هم که خدا خودش را به ما شناساند عاشق وصال دوست هستیم. و اینکه، اگر خدا بال پروازی دهد، به سوی پرواز کنیم.

با پای سر روم در قفای وصال دوست تا مگر وصال دوست میسر شود برای

پدر و مادر من اگر فرزند خوبی برایتان نبودم باید مرا ببخشید. اگر حقی بر گردن من باقی مانده باید آن را صرف‌نظر کنید. اگر به خواست خداوند شهادت نصیب ما شد ناراحت نباشید چون نهایت انسان همین است و این امانتی که خدا به شما داده است باید روزی تحویل می‌دادید. و صبور باشید و خدا را شکر کنید. و از برادران خود می‌خواهم بعد از من جنگ را به هیچ بهانه‌ای فراموش نکنند.

به خونم نویسد لوح مزار که این شهید ره عشق یار

پیام برای دانش‌آموزان: هم‌کلاسی‌های من، توصیه من به شما به‌عنوان یک دانش‌آموز که خدا توفیق شرکت در این دفاع مقدس را به من عطا نموده این است که شما وظیفه خود را که همان درس خواندن است به خوبی انجام داده و درس را برای خدمت به جامعه، برای خدمت به این کشور ایران، به‌خاطر خود درس بخوانید و در نهایت همه اینها را برای خدا انجام دهید که تمام هدف ما باید رضای خداوند متعال باشد. این را هم می‌دانید که من

کسی نبوده‌ام که از زیر بار درس فرار کرده باشم و برای اینکه راحت‌تر باشم به جبهه رفته باشم¹. خدا هم می‌داند و شما هم می‌دانید که من بیشتر از همه شماها به درس علاقه داشتم و همچنین به محیط مدرسه، بیشتر از شما به معلمین علاقه داشتم. خیلی بیشتر از شما به کتاب علاقه داشتم. شما مسئول هستید جلو حرف‌هایی از این قبیل را بگیرید که این دانش‌آموزان برای فرار از درس به جبهه می‌روند. شما که به جبهه نمی‌روید باید در مقابل این افراد جبهه‌ای تشکیل دهید که این هم جبهه مقدسی است. شما که به جبهه نمی‌روید لاقلاً این رزمندگان را سرمشق و الگو قرار دهید. و شما، ای کسانی که نمی‌فهمید و درک نمی‌کنید این بسیجی‌ها و این دانش‌آموزان بسیجی به خاطر چه هدفی، به چه عشقی به جبهه می‌روند. از شما تقاضا می‌کنم، عسل که نمی‌دهید لاقلاً نیش نزنید. انشاءالله خداوند همه را هدایت کند. و این چند جمله را برای همه دانش‌آموزان می‌گویم و اختصاص به هم‌کلاس‌های من ندارد؛ که این جبهه شماست. مبادا در جوانی و غرور خویش و در وضع ظاهران فرو رفته و همه چیز را فراموش کنید. بیشتر و تا آنجا که می‌توانید باطن خود را آراسته کنید، که اصل باطن است.

و در آخر از دوستانم تقاضا می‌کنم که اگر در دوستی با ایشان قصور و کوتاهی نمودم و حق آنها را نتوانستم به‌جا آورم، ایشان ما را به بزرگی خودشان بخشیده و از خداوند متعال نیز برای ما طلب مغفرت کنند. و دوستان، من می‌دانم برایتان دوست خوبی نبوده و شاید در برخوردهایم با یکدیگر و نشست و برخاستمان در مدرسه یا هر جای دیگر اشتباهی از ما سر زده؛ آن را نادیده بگیرید. دیگر اینکه مواظب دوستانتان باشید و در انتخاب دوستان کمال دقت را بنمایید. سعی کنید دوست گرفتن، رها کردن، دشمن بودن شما برای خداوند باشد. اگر شما کسی را دوست می‌دارید یا اگر با کسی دشمن هستید، در نهایت برای خداوند باشد. انشاءالله خداوند متعال از ما راضی شود و ما را ببخشد. و این برای ما کمال و نهایت خوشحالی است که بتوانیم هم رضایت خداوند را جلب کرده و هم رضایت خلق خدا را.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آنکه هستی نام از او یافت

«شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله».

خداوند یگانه را شکر می‌گویم که آن نور معرفت را بر قلب آکنده از گناه ما تابانید و این محنت‌آباد قلب مرا آنچنان کرد که دیگر غیر از او کس دیگر جای ندارد؛ و قلب من حرم خداست. خدای را سپاس که اکنون چنان عشقی به خداوند در قلب من [است] که دیگر این عشق را حاضر نیستم با هیچ چیز از این دنیا عوض کنم، مگر همان آرزوی خودم که همان وصال او می‌باشد.

پروردگارا چگونه شکر تو را به جا آورم؟ با چه زبانی از تو تشکر کنم؟ که این طفل جان من را در سایه جمالت پروراندی، توفیق عنایت نمودی که در نبرد با کسانی حاضر شوم که می‌خواهند دین تو را از بین ببرند، ارزش‌های الهی و انسانی را می‌خواهند فدای دنیاطلبی خودشان کنند.

خداوندا ما را و همه کسانی را که در راه تو مبارزه می‌کنند نصرت عنایت بفرما؛ که ما یقین داریم و به این آگاه هستیم که اگر فرشتگان را برای یاری نفرستی ما چیزی نیستیم. ما فقط تو را پرستش می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم و توکلمان بر توست ما تنها به امید استعانت تو در این نبرد مقدس برای پیاده کردن ارزش‌های الهی وارد شده‌ایم و می‌دانیم که در هر حال پیروز هستیم. چون، ما دین تو را یاری می‌کنیم و حتماً تو نیز ما را یاری خواهی کرد و همان طور که تا به حال با نصرت و یاریت و با نزول فرشتگان دست ما را گرفتی، بعد از این ما را از امدادهای غیبی محروم مگردان.

«ان تنصروا الله ينصركم و یثبت اقدامکم»¹ خداوندا این رزمندگان می‌خواهند به فرشتگان نشان دهند که ایراد آنها در مورد خلقت انسان بی‌مورد بوده است. این رزمنده‌ها درس عشق را خوب خوانده‌اند. چه معلمی داشته‌اند! امام حسین علیه‌السلام.

اینان که به رسم عاشقی سوخته‌اند آئین و فن [عشق] ز که آموخته‌اند؟¹

بله، استادشان حسین (7) بوده است. اینها می‌خواهند مانند حسین (7) در راهت جان‌فشانی کنند. به پاکی و قداست خون حسین علیه‌السلام، آنان را در رزمشان علیه کفر جهانی یاری کن.

خدایا ما را نیز از جمله یکی از همین رزمندگان قرار دادی. امیدوارم توفیق عنایت کنی تا آنچنان [که] شایسته است در راه تو قدم بردارم که مقصود ما رضایت توست. خدایا همه ما وارد جنگ شده‌ایم می‌خواهیم اسلام را سربلندی و عزت بخشیم. می‌خواهیم دین آن خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله را جهانی بگردانیم و پرچمش را بر سر هر کوی و برزن به اهتزاز درآوریم. این هدفمان می‌باشد و عشقمان به تو. حال، این هدف را چگونه می‌توان به آن رسید مطرح نیست. اگر لازم باشد خون خود را در این راه بدهیم حاضریم. جان‌بازی شیوه مردان خداست در راه رسیدن به دوست. جان دادن مسئله مهمی نیست برای معشوق.

ای کاش جان بخواهد معشوق جانی ما تا مدعی بمیرد از جان‌فشانی ما²

در این حالت می‌باشد که خداوند بندگانش را آزمایش می‌کند و دوستان واقعی و حقیقی خدا و دوستان غیرواقعی از هم جدا می‌شوند. این آزمایش خداوند است.

کاش معشوقه را عاشق طلب جان تا که هر بی سر و پای نشود یار کسی

خدایا این زبان حال و راز و نیاز من با توست:

عشق سرکش اثر از حسن گلو سوز تو	سینه آتشکده ³ دل آرای تو بود
بس که در دیده من ذوق تماشای تو	مژه بر هم زدم آئینه‌سان در همه عمر
سر سودا زده‌ام خاک کف پای تو بود	دل شیدا شده‌ام داغ تولای تو داشت

1- در اصل وصیت «آوخته‌اند».

2- بیت از فروغی بسطامی.

3- در اصل وصیت «حسین».

پدر و مادر خوب، همه ما می‌دانیم وظیفه‌ای که در مقابل پدر و مادر داریم به‌خوبی عمل نکرده‌ایم، حق آنها را به جا نیاورده‌ایم. شما ما را مورد عفو خود قرار دهید. از آنجا که نهایت انسان رفتن به سوی معبود واقعی خویش می‌باشد و این فرزند شما نیز امانت الهی بوده است از تحویل دادن آن به خدای خویش خوشحال و سرافراز باشید و بعد از من کاری نکنید که مایه خوشحالی دشمنان اسلام و قرآن باشد.

شما ای دانش‌آموزان، اگر به هر عنوان به جبهه نمی‌روید لاقلاً در درس خواندن خود کمال دقت و کوشش را به‌عمل آورید تا در آینده که جامعه اسلامی ما احتیاج به فرهنگ مستقل دارد شما که نسل تحصیل‌کرده هستید آن فرهنگ اسلامی را در جامعه آورده و به دیگران ارائه کنید. با این کارتان شما باید جلوی نفوذ فرهنگ‌های منحط و غیر اسلامی سد محکمی باشید. مبادا شما خودتان را با فرهنگ‌های غیر اسلامی تطبیق دهید. مبادا با پوشیدن لباس‌هایی که در شأن یک دانش‌آموز تحصیل‌کرده در یک کشور اسلامی نمی‌باشد خدای نکرده و ناخواسته باعث اشاعه فرهنگ غربی شوید. نه تنها خودتان به این رنگ‌ها درنیایید بلکه باید در مقابل این‌گونه افراد بایستید. اینها باعث می‌شوند که بعد از چند سال انقلاب و جنگ و ریختن خون بهترین عزیزان این کشور، باز همان جامعه‌ای را داشته باشیم که در زمان خاندان کثیف پهلوی داشتیم که در این صورت نمی‌توانیم پاسخ شهدا، خانواده شهدا و رزمندگان را بدهیم. و شما ای کسانی که با وارد کردن این لباس‌هایی که اصلاً با فرهنگ اسلامی که هیچ‌کس با فرهنگ جامعه ایران سازشی ندارد و یا شما که با پوشیدن این‌گونه لباس‌ها بدون شک آب به آسیاب دشمن (آمریکا) می‌ریزید! دیگر بس است. شما هم بیایید هم‌رنگ این بسیجی‌ها و رزمندگانی شوید که تمام هستی‌شان در راه اسلام فدا کردند؛ اینها الگوی شما باشند. چرا الگویتان فرهنگ غرب است؟ مگر فرهنگ اسلامی چه چیز کمتر از فرهنگ غرب دارد؟

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت¹

دوستان و برادران عزیز:

می‌دانم که در دوستی حق شما را به‌جا نیاورده‌ام، دوست خوبی برایتان نبوده‌ام، جبران آن همه محبت‌های شما را نداده‌ام. از شما دوستان طلب عفو [و] بخشش کرده امیدوارم بعد از من از خداوند طلب آمرزش کنید. مخصوصاً برادران رزمنده. از شما می‌خواهم اگر تاکنون موفق نشده‌اید در این نبرد مقدس شرکت کنید، تا آنجا که برایتان مقدور است بروید در این جبهه عظمت خدا را مشاهده کنید، بفهمید و ببینید معنی عاشق بودن را، یاد بگیرید درس وفاداری را از رزمنده‌ها؛ که هر کس پشت به جنگ کند لباس ذلت پوشیده است. پیرو ولایت فقیه باشید، ثابت کنید که امام را تنها نمی‌گذارید و تحقق بخشید به این شعار که «ما اهل کوفه¹ نیستیم». ثابت کنید «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»².

برادران عزیز:

از شما نیز می‌خواهم که بعد از من هم شما ما را بخشیده و برای آمرزش ما و همه شهیدان دعا کنید. شما نیز جنگ را فراموش نکرده و حق برادری ما را به‌جا آورید که این به‌جا آوردن حق همان ادامه راه شهیدان است، که این هدف همه عاشقان و دل‌سوختگان و آرزوی همه کسانی می‌باشد که می‌خواهند دین خدا را و امام حسین (7) و امام زمان (عج) را یاری کنند؛ و این یاری نیز بدون دادن خون تحقق‌پذیر نیست که می‌گویند: «در عشق دو رکعت است که وضوی آن درست نیاید الا با خون».

و زندگی بدون عشق مردگی است و این معشوق‌های دروغین موجود در دنیا همه سرابی بیش نیستند. اگر این مطلب را قبول کردید آن وقت است که می‌توانید آن معشوق واقعی خویش را با چشم دل ببینید. برادران عزیز، دنیا اصلاً درخور دوست داشتن نمی‌باشد؛ و آن هم در مقابل آن عشقی که معشوقی مانند آن پیدا نمی‌شود. بباید این حجاب‌های مادی را پاره کنید تا جمال یار را ببینید. شما بالاتر از آن هستید که به این دنیا دل ببندید. انسان مقامش خیلی والاتر از اینهاست. نهایت انسان خداست. این دنیا را باید تا زمانی خواست که مانع عشق به خدا نشود. دنیا جایی است که در آن باید عشق به خدا پیدا

1- ر.ک. تعلیقات.

2- صحیفه امام، ج 10، ص 515.

کرد. بیایید این حدیث عشق را بخوانید: «در قلب خود جستجو کن و خدا را پیدا کن که دل مؤمن خانه خداست».¹ و وقتی که حدیث عشق را خواندید، بروید در جایی که می‌توانید این عشق را لمس کنید و تجربه کنید این عشق را. آنجا هم جایی نیست مگر در میان کسانی که دیوانه عشق خدایند و مأوای این عاشقان جبهه‌های جنگ. و هر کس غیر از این راه را انتخاب کند خود را به خطر انداخته است.

«والسلام»

محمدباقر حسن‌نو

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

[...] است.² از خدا برای ما که به‌سویش شتافتیم طلب مغفرت کن.

و ای والدین عزیزم، فرزندی که به‌عنوان امانت از خدا گرفته بودید به خودش بازگردانید و به امانت خیانت نورزید. در زندگی آنقدر بد بودم که مرا لیاقت فرزندی شما نبود، اما حالا با شهادتم توانستم بزرگترین افتخار را برای خود و شما کسب نمایم و پرچم پرافتخار خانواده شهید بودن را بر تارک خانواده‌تان به اهتزاز درآورم.

پدر جان، در سوگ و غم از دست دادن فرزندی که یاد علی‌اکبر حسین (7) باش و جلوی ناراحتی خود را بگیر؛ که خود با آگاهی کامل و درس‌آموزی از مکتب خونین مولایم حسین (7) راه شهادت را پیمودم، که همانا شهادت نزدیکترین راه تکامل انسان است و به آن افتخار می‌کنم. انسان باید برای خدا از هر چه که دارد و می‌تواند بگذرد و آن به منزله نابودی زندگی نیست بلکه ساختن منزلگاه و آماده شدن برای روز قیامت است.

و ای مادرم مادر عزیزم، تحمل از دست دادن فرزندی که برایش زحمت‌های بسیار متحمل شدی و منتظر دامادی‌اش بودی برایت بسی مشکل است. مادر جان، اگر فرزند خوبی برایت نبودم و قدرت را ندانستم در این دم‌های آخر شیر پاکت را حلالم کن و از

1- قال امام صادق (7): «القلب حرم الله لا تسکن حرم الله غیر الله» (بحارالانوار، ج 67، ص 25، باب 43).

2- از شروع عبارت چنین برمی‌آید که قسمت‌هایی از وصیت‌نامه افتاده است.

من فرزند حقیرت درگذر. مادرم، با چه زبانی از تو تشکر کنم که مرا فرزند و جوانی مسلمان ساختی و نماز و روزه را از کودکی به من تعلیم دادی و اسلام را در سنت‌های وجودم داخل نمودی و حالا نیز هر بار که به‌سوی جبهه آمدم مرا به خدا سپردی و این بار نیز چنین کردی. این بار خدا هدیه‌ات را قبول کرد و آن را پس نفرستاد. درود خدا بر تو باد ای مادر و سلام من بر تو. ای مادر، من در راه خدا شهید شدم و شما در راه خدا متحمل مصیبت شدید. پس برای خود ثوابی و اجری بیشتر از اجر شما پدران و مادران شهدا نمی‌بینم. و انشاءالله در قیامت همدیگر را دوباره ملاقات خواهیم کرد.

و ای خواهران مهربانم، می‌دانم که تحمل از دادن برادر برای شما مشکل است. اما باید تحمل کنید، که زینب (3) دوری 72 تن را تحمل نمود. و به شما توصیه می‌کنم خدا را از یاد نبرید و رهبر را مرید باشید و مادر را دلداری داده و خود باعث ناراحتی بیشتر او نشوید. شهادتم را به همدیگر تبریک بگویید و در ساختن خواهران و مادران دیگر خوب بکوشید و فرزندانتان را برای اسلام پرورش دهید، هر چند که دیگران را خوش نیاید. حزب‌اللهی اصیل و متقی و زینب‌گونه باشید و حجاب کامل خود را همچنان محکم حفظ کنید و بر دهان مفسدین بی‌حجاب بکوبید، که سیاهی چادرهای شما از خون من سرختر و دشمن‌گش‌تر است.

ای برادران عزیزم، من رفتم شما را به امان خدا گذاشتم و اما در این لحظه‌های آخر پیامی دارم. برادران خوب توجه کنید که زمانه یک‌جور نیست و هر روز یک روز نیست؛ و حوادث زندگی حال و گذشته و آینده شما را فریب ندهد که نخواهد داد و شما را از راه حق و صراط مستقیم منحرف نکند که نخواهد کرد. دشمن و منافق را هر زمانی با هر لباسی بشناسید و نگذارید دوباره رشد کنند و گروه‌های منحرف را در هر زمانی و با هر مارکی از خود دور کنید، که اسلام و متن قرآن فقط از حلقوم کسانی بیرون می‌آید که سال‌ها زجر حجره ماندن را کشیده‌اند و آنان کسانی جز روحانیت اصیل نبوده‌اند. برادران من، شما حالا برادر شهیدید؛ شهیدی که با همه غربی‌ها و شرقی‌ها دشمن بود و از اول انقلاب و مدتی قبل از آن خط‌های درست و نادرست را خوب شناخت، امام را رهبر دانست، حاکمیت جبهه ملی را و نهضت آزادی را طرد می‌کرد و مجاهد دروغین خلق را منافق شناخت، یاران امام را که در سنگر علم و تقوی و مجلس و دولت مبارزه می‌کنند یاران

اسلام خواند، به بنی‌صدر ملعون و خبیث رأی نداد و جبهه را فراموش نکرد و در آن مقاومت ورزید و حتی برای شرکت در نبرد فردا درس را فراموش نکرد. و حالا با صدای بلند می‌گویم: ته‌مانده‌های منافقین را از خود برانید و به گروه‌های کوچکی که هدفی جز تفرقه در صف تشیع ندارند دل نبندید و سعی کنید که شما را فریب ندهند و خوب فکر کنید که حوادث آینده برای شما تلخ نگردد. امام را تنها نگذارید. در راه اسلام تلاش و کوشش هر چه بکنیم کم کرده‌ایم. و سعی کنید که از گناه صغیره و کبیره بگریزید، که قیامتی به‌پاست و در آنجا همه با پرونده‌های اعمالمان حساب می‌شویم و میزان برقرار است.

و توجه داشته باشید که هیچ‌کس را دوست و رفیق و برادر شهید بودن افتخار نیست بلکه راهش را ادامه دادن شرط است. و ای همه خویشان و قومانم؛ شما را نزدیکتر شدن به امام و انقلاب اسلامی توصیه می‌کنم و می‌خواهم در شهادتم این نکته را توجه بیشتر کنید.

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون وعداً عليه حقاً في التورية و الانجيل و القرآن و من اوفى بعهد من الله فاستبشروا بيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم» «خدا جان و مال مؤمنین را به بهای بهشت خریداری کرده که آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و دشمنان دین را به قتل می‌رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدیست که در سه دفتر آسمانی تورات، انجیل و قرآن فرموده و کیست باوفا تر از خدا به عهد؟ ای اهل ایمان شما به خود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگی است» (آیه 111 از سوره توبه).

باید بدانید که در راه اسلام تمام زندگی را فدا کردن زیباست؛ که زیبایی آن را شهید می‌داند و بس. زندگی خوب و شیرین است اما نه آن زندگی که کافران بعثی بر تو حاکم باشند و دیارت را [در] تصرف. زندگی شیرین است اما نه آنکه ناموست را در اشغال بگیرند و تو به آن نگاه کنی. زندگی شیرین است اما نه آنکه به امام حسین (7) و حسین زمان جواب لیبک گفته نشده باشد. با شما بودن خوب و شیرین بود تا زمانی که اسلام برای پرورش و باروری خود احتیاج به خون نداشت. در جمع شما بودن شیرین بود تا موقعی که جهان بر علیه ما و برای نابودی اسلام بسیج نشده بود. چه زندگی، چه شیرینی؟!!

آیا در پناه صدام بودن خوش است یا جان به جان آفرین تقدیم نمودن؟ ننگم باد که باز هم در خانه بمانم و صدای شیون کودکان پدر شهید شده را بشنوم، و بنشینم و صدای وای اسلاما، وای قرآنا، وای اماما را نشنوم! در زندگی آزاده باشید و آزاد زندگی کنید و به هیچ دشمنی کوچکترین باجی ندهید. و ای دوستانم، متکی به خدا باشید خدا را بهتر بشناسید و او را عبادت کنید. مخلص باشید و متقی، هراسی به دل نداشته باشید.

بسمه رب الشهداء والصدیقین

عن وصیتنامه شهید محمدباقر حسن نو

«شهدان لاله الاالله، شهدان محمد رسول الله، ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین

کل ولو کره المشرکون»

اینجانب برادر محمدباقر حسن نو فرزند حسن دارای شناسنامه شماره ۱۱۰ متولد ۱۳۴۴ ، تمام این دوران چند ساله را در همان زادگاه خودم گذراندم تا زمانی که خداوند آن نورهستی بخش معرفت خویش را دل ما تاباند و باعث شد به لطف او منسی که بر ما گذاشت موفق شدیم در این مکان مقدس و مطهر و عطر آگین بخون شهیدان حضور پیدا کنیم تا اگر خدا خواست خدمتی ناچیز به درگاه او عرضه بداریم و در نهایت اگر ما را قابل داشت گوهر جان خود را فدای آن محبوب و معشوق کرده تا توانسته باشیم دین خود را به اسلام و خداوند اداء کرده باشیم که این آرزوی هر بنده و عاشق خداست که روزی این امانت اهدائی خدا را به صاحب اصلی برگرداند بقول حافظ :

این جان عاریه که بحافظ سپرده دوست روز رخس ببینم و تسلیم وی کنم

خداوند این هدیه ناقابل را از طرف ما پذیرا باش که اگر جان را در این دلبر فدا نکنیم اصولاً کسی جز او قابل جان نثاری ندارد و جز او کسی سزاوار جان دادن و تسلیم کردن این امانت را ندارد البته هر کسی لایق این مقام نیست و باید خداوند آنرا از میان خاها بعنوان گلی انتخاب کرده و آنرا بچیند که بقول حافظ :

گوهر پاک بیاید که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی لولو و مرجان نشود

اگر خداوند این افراد را انتخاب کند اینها جاودانگان تاریخ میباشند و نامشان همیشه سرلوحه دیوان عشق و عاشقی می باشد و پادشان همیشه در دلهاست و خون آنها همیشه در جامعه جریان دارد.

هرگز نمبرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است برچریده عالم

دوام ما

اگر انسان بخواهد خدا او را قبول کند باید دل را از زنگارهای مادی پاک کند قلب خودش را که حرم خداست غمراز او کسی را جای ندهد، در اینجا است که انس و الفت نسبت به محبوب در دل ایجاد شده و این انس و نزدیکی به او فنا شدن را اقتضاء میکند و اینکه وجود انسان یکبارچه ندای معشوق می شود و باعث وصال میشود و وصال دوست میسر نمی‌گردد. مگر همین فدا کردن خویش برای او و عاشق واقعی هیچ چیزی را مانع برای رسیدن به او نمی‌داند و تمام کوشش خود را برای پرواز و معراج بسوی آن قبله گاه عشق و عاشقی بکار میگیرد. خوب ماهم که خدا خودش را بما شناساند عاشق وصال دوست هستیم و اینکه اگر خدا پال پروازی دهد بسویش پرواز کنیم.

با پای سر روم در فضای وصال دوست

تا مگر وصال دوست میسر شود برای من

پدر و مادر من اگر فرزندی خوبی پراپنان نبودم باید مرا بیخوشید اگر حقی برگردن من باقی مانده باید آنرا صرف نظر کنید. اگر بخوانست خداوند شهادت نصیب ما شد ناراحت نباشید چون نهایت انسان همین است و این اسائتی که خدا بشما داده است باید روزی تحویل میدادید و سیور باشید و خدا را شکر کنید و از برادران خود میخواهم بعد از من جنگ را به هیچ بهانه ای فراموش نکنند.

بخونم تو بسید لوح مزار

که این شهید ره عشق یار

پیام برای دانش آموزان همکلاسیهای من توصیه من به شما بعنوان یک دانش آموز که خدا توفیق شرکت در این دفاع مقدس را به من عطا نموده این است که شما وظیفه خود را که همان درس خواندن است بخوبی انجام داده و درس را برای خدمت به جامعه برای خدمت به این کشور ایران بخاطر خود درس بخواید و در نهایت همه اینها را برای خدا انجام دهید

بهاد شهید انقلاب اسلامی سمنان
شعبه شماره از برگ
تاریخ نشره

که تمام هدف ما باید رضای خداوند متعال باشد. این راهم میدانید که من کسی نبوده ام که از زیر بار درس فرار کرده باشم و برای اینکه راحت تر باشم به جبهه رفتم. خدا هم میداند و شما هم میدانید که من بیشتر از همه شما ها به درس علاقه داشتم و همچنین به محیط مدرسه بیشتر از شما به معلمین علاقه داشتم. خیلی بیشتر از شما به کتاب علاقه داشتم. شما مسئول هستید جلو حرفهایی از این قبیل را بگیرید که این دانش آموزان برای فرار از درس به جبهه میروند شما که به جبهه نمیروید باید در مقابل این افراد جبهه ای تشکیل دهید که این هم جبهه مقدسی است شما که جبهه نمی روید لاقلاً این رزمندگان را سرمشق والگو قرار دهید و شما ای کسانی که نمی فهمید و درک نمی کنید این بسیجیها و این دانش آموزان بسیجی بخاطر چه هدفی، به چه عشقی به جبهه میروند از شما تقاضا می کنم غسل که نمی دهید لاقلاً نیش نزنید. انشاءالله خداوند همه را هدایت کند و این چند جمله را برای همه دانش آموزان میگویم و اختصاص به همکلاسه‌های من ندارد که این جبهه شماست. مبادا در جوانی و غرور خویش و در وضع ظاهر تان فرو رفته و همه چیز را فراموش کنید بیشتر و تا آنجا که می‌توانید باطن خود را آراسته کنید که اصل باطن است و در آخر از دوستانم تقاضا میکنم که اگر در دوستی با ایشان قصور و کوتاهی نمودم و حق آنها را نتوانستم بجا آورم ایشان ما را به بزرگی خودشان بخشیده و از خداوند متعال نیز برای ما طلب مغفرت کنند و دوستان من میدانم برای تان دوست خوبی نبوده و شاید بر پر خورده‌ایم با یکدیگر و نشست و برخاستمان در مدرسه یا هر جای دیگر اشتباهی از ما سرزده آنرا نادیده بگیرید. دیگر اینکه مواظب دوستانتان باشید و در انتخاب دوستان کمال دقت را بنمائید. سعی کنید دوست گرفتار، رها کردن، دشمن بودن شما برای خداوند باشد اگر شما کسی را دوست میدانید یا اگر با کسی دشمن هستید در نهایت برای خداوند باشد. انشاءالله خداوند متعال از ما راضی

شود و ما را ببخشد و این برای ما کمال و نهایت خوشحالی است که بتوانیم هم رضایت خداوند را جلب کرده و هم رضایت خلق خدا را .

بنام آنکه هستی نام از او یافت

اشهدان لاله الا الله واشهدان محمد رسول الله

خداوند بگانه را شکر میگویم که آن نور معرفت را بر قیل آکنده از گناه ما نابابید و این محنت آباد قلب مرا آنجان کرد که دیگر غیر از او کس دیگر جای ندارد و قلب من خرم خداست . خدای را سپاس که اکنون چنان عشقی بخداوند در قلب من که دیگر این عشق را حاضر نیستیم با هیچ چیز از این دنیا عوض کنم مگر همان آرزوی خودم که همان وصال او میباشد.

بروردگارا چگونه شکر ترا به جا آورم ؟ با چه زبانی از تشکر کم که این طفل جان من مرا در سایه جمالت پروراندی توفیق عنایت نمودی که در نبرد با کسانی حاضر شوم که میخواهند دین تو را از بین ببرند ارزشهای الهی و انسانی را میخواهند فدای دنیا طلبی خودشان کنند خداوندا ما را و همه کسانی را که در راه تو مبارزه میکنند نصرت عنایت پفرما که ما بچین داریم و به این آگاه هستیم که اگر فرشتگانت را برای یاری نفرستی ما چیزی نیستیم ما فقط ترا پرسش می کنیم فقط از تو کمک میخواهیم و تو کلمات یرتوست ما تنها به امید استعانت تو در این نبرد مقدس برای پیاده کردن ارزشهای الهی وارد شده ایم و میدانیم که در هر حال پیروز هستیم . چون ما دین ترا یاری میکنیم و حتماً تو نیز ما را یاری خواهی کرد

و همانطور که تا بحال با نصرت و یاریت و با نزول فرشتگان دست ما را گرفتی بعد از این ما را از امداد های غیبی محروم مگردان .

" ان تنصرا لله ینصرکم و ثبت اقدامکم : خداوندا این رزمندگان میخواهند به فرشتگان نشان دهند که ایراد آنها در مورد خلقت انسان بيمورد بوده است . این رزمنده ها درس عشق را خوب خوانده اند چه معلمی داشته اند . امام حسین علیه السلام .

اینان که برسرم عاشقی سوخته اند آئین وفن زکه آوخته اند؟

بله استادشان حسین (ع) بوده است اینها میخواهند مانند حسین در راهت جانفشانی کنند به پاکی و قداست خون حسین علیه السلام آنان را در رزمشان علیه کفر جهانی یاری کن .

خدایا ما را نیز از جمله یکی از همین رزمندگان قرار دادی ، امیدوارم توفیق عنایت کنی تا آنچنان شایسته است در راه تو قدم بردارم که مقصود ما رضایت توست :

خدایا همه ما وارد جنگ شده ایم میخواهیم اسلام را سربلندی و عزت بخشیم . میخواهیم دین آن خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله را جهانی بگردانیم و پرچمش را بر سر هر کوی و برزن به اهتزاز در آوریم ، این هدفمان میباشد و عشقمان به تو حال این هدف را چگونه میتوان به آن رسید . مطرح نیست اگر لازم باشد خون خود را در این راه بدهیم حاضریم ، جانبازی شیوه مردان خداست در راه رسیدن به دوست جان دادن مسئله مهمی نیست برای معشوق .

ای کاش جان بخواهد معشوق جانی ما تا مدعی بمیرد از جانفشانی ما

در این حالت میباشد که خداوند بندگانش را آزمایش میکند و دوستان واقعی و حقیقی خدا و دوستان غیر واقعی از هم جدا میشوند این آزمایش خداوند است .

کاش معشوقه زا عاشق طلب جان میکرد تا که هریب سروبایی نشود

یار کسی

خدایا این زبان حال و راز و نیاز من باتوست

سینه آتشکده حسین دل آرای تو بود عشق سرکش اثر از حسن گلو سوز تو داشت

مژه برهم زدم آئینه سان در همه عمر پس که در دیده من ذوق تماشای تو بود

دل شیدا شده ام داغ تولای تو داشت سر سودا زده ام خاک کف پای تو بود

پدر و مادر خوب همه ما میدانیم وظیفه این که در مقابل پدر و مادر داریم بخوبی عمل نکرده ایم حق آنها را بجا نیاورده ایم شما ما را مورد عفو خود قرار دهید از آنجا که نهایت انسان رفتن به سوی معبود واقعی خویش میباشد و این فرزند شما نیز امانت الهی بوده است از تحویل دادن آن بخدای خویش خوشحال و سرافراز باشید و بعد از من کاری نکنید که مایه خوشحالی دشمنان اسلام و قرآن باشد .

شما ای دانش آموزان اگر به هر عنوان به جبهه نمی روید لاقلاً در درس خواندن خود کمال دقت و کوشش را بعمل آورید تا در آینده که جامعه اسلامی ما احتیاج به فرهنگ مستقل دارد شما که نسل تحصیل کرده هستید آن فرهنگ اسلامی را در جامعه آورده و به دیگران ارائه کنید با این کارتان شما باید جلوی نفوذ فرهنگ های منحط و غیر اسلامی سد محکمی باشید. مبادا شما خودتان را با فرهنگ های غیر اسلامی تطبیق دهید مبادا با پوشیدن لباسهایی که در شان یک دانش آموز تحصیل کرده در یک کشور اسلامی نمیشد خدای نکرده و ناخواسته باعث اشاعه فرهنگ غربی شوید نه تنها خودتان به این رنگ ها در نیائید بلکه باید در مقابل این گونه افراد بایستید اینها باعث میشوند که بعد از چند سال انقلاب و جنگ و ریختن خون بهترین عزیزان این کشور با زهمان جامعه ای را داشته باشیم که در زمان خاندان کثیف پهلوی داشتیم که در این صورت نمیتوانیم پاسخ شهداء ، خانواده شهداء و رزمندگان را بدهیم و شما ای کسانی که با وارد کردن این لباسهایی که اصلاً با فرهنگ اسلامی که هیچ ، حتی با فرهنگ جامعه ایران سازشی ندارد و یا شما که با پوشیدن اینگونه

لباسها ، بدون شک آب به آسیاب دشمن "آمریکا" میریزید دیگر بس است شما هم بیائید
همرنگ این بسیجی ها و رزمندگانی شوید که تمام هستی شان در راه اسلام فدا کردند اینها
الگوی شما باشند. چرا الگویتان فرهنگ غرب است مگر فرهنگ اسلامی چه چیز کمتر از
فرهنگ غرب دارد.

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

دوستان و برادران عزیز،

میدانم که در دوستی حق شما را بجا نیاورده‌ام. دوست خوبی برایتان نبوده‌ام جبران آن
همه محبت های شما را نداده‌ام از شما دوستان طلب عفو بخشش کرده ، امیدوارم بعد از
من از خداوند طلب آموزش کنید. مخصوصاً برادران رزمنده از شما میخواهم اگر تاکنون
موفق نشده اید دراین نبرد مقدس شرکت کنید تا آنجا که برایتان مقدور است بروید دراین
جبهه عظمت خدا را مشاهده کنید . بفهمید و ببینید معنی عاشق بودن را یاد بگیرید . درس
وفاداری را از رزمنده ها که هرکس پشت به جنگ کند لباس ذلت پوشیده است . پیرو
ولایت فقیه باشید، ثابت کنید که امام را تنها نمیگذارید و تحقق بخشید به این شعار که ما
اهل کوفه نیستیم ثابت کنید آمریکا هیچ غلطی نمی تواندبکند.

برادران عزیز :

از شما نیز میخواهم که بعد از من هم شما ما را بخشیده و برای آموزش ما و همه شهیدان
دعا کنید . شما نیز جنگ را فراموش نکرده وحق برادری ما را بجا آورید که این بجا آوردن
حق همان ادامه راه شهیدان است . که این هدف همه عاشقان ودل سوختگان وآرزوی همه
کسانی میباشد که میخواند دین خدا را وامام حسین وامام زمان را یاری کنند واین یاری نیز
بدون دادن خون تحقق پذیر نیست که می گویند:

درعشق دو رکعت است که وضوی آن درست نباید الا با خون ، وزندگی بدون عشق مردگی است واین معشوق ها دروغین موجود در دنیا همه سرایی بیش نیستند اگر این مطلب را قبول کردید آنوقت است که مینواید آن معشوق واقعی خویش را با چشم دل ببینید: برادران عزیز دنیا اصلاً در خور دوست داشتن نمیباشد و آنهم در مقابل آن عشقی که معشوقی مانند آن پیدا نمیشود. بیایید این حجاب های مادی را پاره کنید تا جمال یار را ببینید شما بالاتر از آن هستید که به این دنیا دل ببندید ، انسان مقامش خیلی والاتر از اینهاست. خجایت انسان خداست این دنیا را باید تا زمانی که خواست مانع عشق به خدا نشود. دنیا جانی است که در آن باید عشق بخدا پیدا کرد بیایید این حدیث عشق را بخوانید در قلب خود جستجو کن و خدا را پیدا کن ، که دل مومن خانه خداست و وقتی که حدیث عشق را خواندید ، بروید در جانیکه میتواید این عشق را لمس کنید و تجربه کنید این عشق را ، آنجا هم جانی نیست مگر درمیان کسانیکه دیوانه عشق خدایند و ماوای این عاشقان جبهه های چند ، وهرکس غیراز این راه را انتخاب کند خود را به خطر انداخته است.

والسلام

محمدباقر حسن نو

تکثیر از: واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی سمنان

10



است ، از خدا برای ماکه بپسیمی شتافتیم طالب منفرت کن

رای والدین عزیزم فرزندی که بعنوان امانت از خدا گرفته بود پدیده خود را بازگردانید و به امانت
 خدایت نورزید ، در زندگی آن یاد مید بودم که برالیافت فرزندی و شمانبرد اما بالا با شهادت تم توانستم
 بزرگترین افتخار برای خود و شما کنم گنجام * و پرچم برافتخار خانواده شهید بودن را بر تارک ...
 خانواده * تا به اشتراک آن روزم *

پدرجان در سوگ و غم از دست دادن فرزندی به یاد علی اکبر حسین باقی و نظری ناراحتی خود
 را مگر که خود با آن گاهی کامل در درس آ موزی از مکتب خونین مولایم حسین راه شهادت را پی نمودم
 که همانا شهادت نزد یکتا ترین راه تکامل انسان است به آن افتخار میکنم * انسان باید برای -
 خدا از سرچیه که دارد و میتواند بگذرد و آن به منزله نابودی زندگی نیست بلکه ساختن -
 منزلت^۱ را ماده شدن برای روز قیامت است *

رای مادرم ، ماد عزیزم تحمل از دست دادن فرزندی که بر این زمینهای بسیار تحمل شدی و
 منتظر آمدن پستی بودی برایت بسی مشکل است * مادر جان اگر فرزند خویش برایت نبودم و قدرت را
 ندانستم در این د مهای آن غرضی یکت را با منم کن راز من فرزند خیرت در گذر * مادرم با چه
 زمانی از تو تشکر کنم که مرا فرزند و پانی مسلمان ساختی و نماز و روزه را از کردگی من تعلیم دادی
 و اسلام را در سینههای و پیو دم داخل نمودی و حالا نیز منم که بسوی * همه آن دم مرا بخدا سپردی و
 زاین بار نیز چنین کردی ، این بار خدا هدیه ات را قبول کرد از آن ترایی فرستاد * درود خدا بر تو
 باد ای مادر و سائدم من بر تو ای مادر * من در راه خدا شهادت شدم و شهادت بر راه خدا تحمل مسیبت
 شدید ، پس برای خود سوائی را جری بیشتر از این شهادت را و ماد را ن شهید * من بیتم و انشا الله
 در قیامت همد یگر را دوباره ملاقات خواهیم کرد *

رای خواهران مهربانم هدایتی که تحمل از دست دادن برادر برای شما مشکل است اما باید تحمل
 کنید که زینب (س) در زری ۷۲/ سن را تحمل نمود * و شما خود به میکنم خدا را از یاد نبرد زود هر
 رفتید باشد و ماد را در لاری داد * و خود باعث ناراحتی بیهوش و بشوید ، شهادت را به حمد یگر
 صریح بگوئید و ساختن خواهران و ماد را ن دیگر خوب بگوئید و فرزند انسان را برای اسلام پیوستی
 د همد هر چند که دیگران را خوشنماید * حزب اللیس اسهل و متقی زینب کومه باشد و حجاب -
 کامل خود را همچنان مسکم حفظ کنید و برادران مفسدین بی حجاب بگوئید که سیاسی * اد را می
 شما از خون من سرخ شود منم گشت راست *

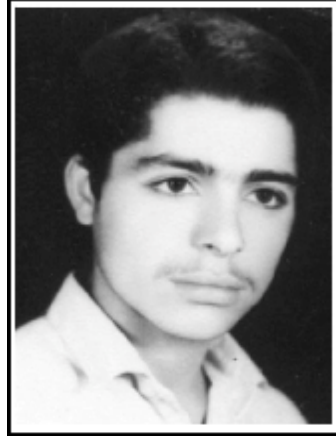
ای برادران عزیزم من رفتم شمارا به امان خدا گذاشتم و اما در این لحظه های آن غریبانسی دارم
 برادران خوب توجه کنید که زمانه یکجور نیست و ضرورتیک روز نیست و مراد از زندگی حال و -
 گذشته و آینده شمارا فریبند هد که نخواهد داد و شمارا از راه حق و سراط مستقیم منحرف
 نکند که نخواهد کرد ، دشمن و منافق را در زمانی با هر لباسی به تاسید و بگذارد و دوباره رشد -
 کند و مگره های منحرف را در زمانه و با هر ماری از خود در کند که اسلام و قرآن فقط از -
 حلقم کسانی بیرون مایند که سالها از جرحه ماندن را کشیده اند و آن کسانی بیخبر و ناهت

امیل نبرده اند، برادران من شما را برادر شهیدید و شهیدی که با همه غم‌های و سرفیها
 دشمن بود و از اول انقلاب بعد از نعل آزادی خنجرهای درشت و نادرست را خوب ساخت اما ۱-
 رنجور است، ماکتوب همه طرز آرزای را در دست میگرداند، اندرین خنجر را اتفاق
 شناخت، یاران اما را که در سطر عظیم رفیق و مجلس در ملت دیارزه می‌تند یاران اسلام خوانند
 به بنی سدر مینمون و غیبت را و ندادن همه را تا امروز ندرت در آن ساریت ریزند و منی برای
 شرکت در عهد فردا درین رافرا مویش نکرد اما با آرزای بلند بگنیم که سانه ای عاشقین را از خود
 برانیده و لژیهای کوچکی که در فرزندش در دست دایم ندانند دل نهند و درسی کنند که
 شمارا فریبند و خود خوب فکر کنند که برادرت آینده برای شما تلخ نگردد، اسام را شناسانند و
 در راه اسلام تلاش و کوشش کرده بکنیم کم کرده ایم، رسی کنید که از نشانه سحر که میسر
 مگر بیسند که قیامتی بیاست در آن سانه با برنده های اعاملان حساب میگویم و می‌زان
 برقرار است، و توجه داشته باشید که هیچکس را دوستی رقیق و برادر و شهید بودن افتخار
 نیست بلکه راهش را ادامه دادن شرط است، وای همه خوششان و زمانه : شمارانزد و گذر
 شدن به امام و انقلاب اسلامی توبیه میکنم و میخواهم در شهادت این ننگه و توبیه بیشتر کنید
 " ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل اللّٰه
 فیه یقتلون ویقتلون وعا " علیه عفا " فی الثورایه والانجیل والفران ومن ارغر بعبده من اللّٰه
 فاستحق ان یحییهم الذی یا یحییهم به وذا اللّٰه والفلسوف الخالم "

" خدا جان و مال مؤمنین را به بهشت خریداری کرده که آن شهید راه خدا شهید میکنند و
 دشمنان دین را به قتل میرسانند و یا خود کشته شوند این عهد لطیف است برخدا و عهد است
 که در سه دفتر آسمانی تورات، انجیل، و قرآن با فرموده رکبت یا قاتل را خدا بجهت
 (و اهل ایمان) می‌خورد و در این معامله بشارت میدهد که این ننگه با خدا بیحقیقت
 سعادت و رفیوری بزرگی است " " آیه ۱۱۱ از سوره توبه "

باید بدانید که در راه اسلام تمام زندگی را فدای زین است که زینایی آن را شهید بدانند و
 زندگی خوب و شیرین است اما نه آن زندگی که کافران بشر بر خود انکام باشند و در هارت رادار
 تصرف زندگی شیرین است اما نه آنکه ناموست را در حال بگورند و توبه آن نگاه کنسی
 زندگی شیرین است اما نه به امام حسین و همین زمان خواب لبیک گفته نشود باشد
 باشما بودن خوب و شیرین بود تا زمانی که اسام برای پرورش و مایوری خود احتیاج بخون نداشت
 در جمع شما بودن شیرین بود تا زمانی که بهمان بر علیه ما و برای ما جردی اسلام بسج نشد بود
 چه زندگی چه غیرین، آید ریانه تمام بدن خون است با جان بی آن آهن قدیم
 نمودن و ننگ باد که باز هم در خانه بهمان عهد ای خون کودکان پدر شهید شده را بنجوم و
 بنشینم و دای وای اسلام را، وای قرآن را، وای امامان را بنجوم، در زندگی آزاد باشد و آزاد
 زندگی کنده و هیچ دشمنی کوچکترین باجی نداند، وای در ستانم حتی به خدا با شهید
 خدا را به تنه شناسید و او را عبادت کنید، منظرها نهد و منظر، امرای بدل نداشته باشند

نام: حسینعلی
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: سعدالله
نام مادر: نسا
تاریخ تولد: دوم اردیبهشت 1348
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: شانزدهم دی 1366
محل شهادت: ارومیه
نحوه شهادت: اصابت گلوله و ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا آتش عشق خود را در کالبد محزون خود شعله ور سازم تا ابرقدرت هایی که همچون کف بر روی خلیج ناپایدار و سست می باشد درس عبرت و شهادت بگیرند.
- ا خدایا تو را به خون به ناحق و مظلوم ریخته علی اصغر حسین (7) قسمت می دهم که گناهان این حقیر را ببخشی و بر علو درجه من که شهادت در راه تو می باشد بیافزایی.
- ا صابر باشید و از امام و رهبری اطاعت نمایید.
- ا امام قلب اسلام و اسلام آئینه شهادت و شهادت و ایثار است.
- ا از تفرقه و جدایی دوری فرمایید.

حسینعلی حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم

«و بسم الله المتنعم الجبار»

«اللهم اهدني من عندك و افض علي من فضلك و انشر علي من رحمتك و انزل علي من بركاتك»¹.

به نام الله که حی است و قادر قهار؛ است و توانا؛ و با ذکر او، که هر مریض را شفا می دهد و هر شقی را به انسانیت سوق می دهد و صیقل دل عارفان است و عاشق معشوقان و طالب عارفان؛ و با درود و سلام بر امامان و ائمه معصوم که نعمتی بسی اعظم برای هدایت امت های بعد از 1400 [و] اندی سال می باشند؛ و با درود و سلام بر کلیه شهداء راه حق و فضیلت که آرمان آنها جز حاکمیت الله و استقرار حکومت حق و مظلومیت جمهوری اسلامی و به رسمیت شناختن دین مبین اسلام نمی باشد و خداوند آنها را با شهدای بدر و حنین و خندق، تبوک و کربلای حسین محشور بفرماید و آنها را در جوار خود مرزوق² نماید؛ و با درود و سلام بر کلیه امت حزب الله که نمونه خارق العاده ای در ایران می باشند و با [هدایای] ایثارگری های خود عظمت اسلام را به نمایش گذاردند؛ و با درود و سلام بر یاران باوفای امام و خود امام که نمونه بارز تقوی و آئینه مجذوبیت انسان های مؤمن و باتقوی می باشد.

اینک که اینجانب حسینعلی حسنی قلم به دست گرفته و آنچه را که مرضی خداوند در آن می باشد جز آن چیز دیگر را به ترسیم درنیاورم، آتش عشق خود را در کالبد محزون خود شعله ور سازم تا ابرقدرت هایی که همچون کف بر روی خلیج ناپایدار و سست می باشد درس عبرت و شهادت بگیرند و انقلاب را یک معجزه ای بسی عظیم در ایران و کشورهای خارج بدانند و نسبت به اسلام در اثر مظلومیت آن جزیه دهند و به خود آیند. خدایا این بنده حقیر که سراپا گناهم؛ ولی اولاً از تو پوزش می طلبم. و معتقدم³ که تا

1- مفاتیح الجنان، در تعقیبات مشترکه.

2- در اصل وصیت «مذروق».

3- در اصل وصیت «در آن می بینم».

مهاجر¹ نشوم نمی‌توانم مجاهد شوم زیرا تا در کوره عشق، ایمان من خالص نشود و آن صیقلیت خود را به دست نیاورد هرگز [...] می‌خواهم تا مرا عفو نمایی زیرا تا مرا عفو نمایی آن فیض عظیم را نسبت به من افاضه نمی‌نمایی. پس تو را به خون به ناحق و مظلوم ریخته علی‌اصغر³ حسین (7) قسمت می‌دهم که گناهان این حقیر را ببخشی و بر علو درجه من که شهادت در راه تو می‌باشد بیفزایی. و مرا در بهشت و جنت رضوان مرزوق⁴ نما و مرا روزی خور درگاه خود نما. و حقیقت اسلام و مکتب اسلام را بر من آشکار و مبین ساز، که تا شناخت اسلام نباشد شهادت میسر نمی‌شود و حاصل این همه راز و نیازهای شبانه به خاطر شناخت اسلام و راضی بودن تو از این بنده حاصل نمی‌گردد. پس آن روزنه عشق و محبت به خود را بر روی این گناه‌کار باز بفرما تا در جوار حسین (7) آتش عشق خود نسبت به حسین (7) را آشکار نمایم.

پیامی به امت حزب الله و همیشه در صحنه؛ ولی من کوچکتر از آنم که پیام دهم زیرا شما مصداق «و قاتلوهم حتی لا تکنون فتنه»⁵ هستید. پس من باب تذکر، اولاً صابر باشید و از امام و رهبری اطاعت نمایید زیرا امام قلب اسلام و اسلام آئینه شهادت و شهامت و ایثار است. از تفرقه و جدایی دوری فرمایید و پیرو آیه «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»⁶ باشید. و جنگ را به مرحله سرنوشت‌ساز برسانید و بعد از جنگ قدس عزیز را هم نجات دهید. و پیامی به خانواده عزیز: هر چند که این حقیر فرزند خوبی برای آن خانواده عزیز نبودم، مرا ببخشید و عفو نمایید و در مورد اینجانب از پروردگار طلب عفو نمایید. و 1000 تومان رد مظلومه دهید. و هر جایی که پدر و مادرم می‌دانند مرا دفن کنند.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

خدایا خدایا/ تا انقلاب مهدی (عج)/ حتی کنار مهدی (عج)/ خمینی را نگه‌دار

مورخه 65/9/30 حسینعلی حسینی

1- در اصل وصیت «هاجر».

2- خوانا نیست.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «مذروق».

5- بقره/ 193 - انفال/ 39.

6- آل عمران/ 107.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَبِسْمِ اللّٰهِ الْمُسْتَعْمِلِ الْجَبَّارِ
 مُحَمَّدِ بْنِ وَصِیَّتِ نَامَةِ شَهِیدِ حَسینی جَسَی یَا صِدِّیقَ اَهْلَ الْاَسْلَامِ
 الْمَهْمُ اَهْدِنَا مِنْ عَذَابِ وَاقْفِنِ عَنِ فِضْلِکَ وَاقْفِنِ عَلَیْنَا مِنْ رَحْمَتِکَ وَانزِلْ عَلَی
 مِنْ تَرَکَاتِکَ

به نام الله که حی است و قادر بر هر امر است و توانا و با زور که هر مرض را تسکین دهد و
 هر شقی را به انسانیت سوق می دهد و مصلحت دل عارفان است و عاشقان را تسکین
 و طالب عارفان و با ورود و سلام بر امامان و ائمه معصوم که نصیحتی است برای
 هدایت اوست که بعد از سال ۱۱۰۰ از برای سال می باشد و با ورود و سلام بر کتبه شهر ری
 را به حق و نصیحت که از برای آن است که حضرت صاحب الامر است و استغفار که کتبه حق و
 از حکومت جمهوری اسلامی و به رسمیت شناختن دین مبین اسلام می باشد
 و غیره و در آنجا که شهر ری در حدیث و حدیث و نبوت و عزای حسینی مشهور
 نفرایند و در آنجا که در شهر ری در حدیث و حدیث و نبوت و عزای حسینی مشهور
 که نمونه است خارق العاده ای که از برای آن می باشد و با هر ایامی که برای
 خود عظمت اسلام را به نمایش گذاردند و با ورود و سلام بر امامان با وفای اهل آن بود
 که آنکه نمونه بارز نصیحت و آئینه می بود است انسان باای نبوت و با تقوی می باشد و اینک
 که اینجاست حسینعلی حسینی نام به رسمیت گرفته و آنکه که در حدیث شهر ری در آن می باشد
 جز آن چیز دیگر که به رسمیت در شهر ری گرفته و آنکه که در حدیث شهر ری در آن می باشد
 و رسالت تا آنکه در شهر ری که در حدیث شهر ری گرفته و آنکه که در حدیث شهر ری در آن می باشد
 عبرت و شهرت بگردید و در حدیث شهر ری گرفته و آنکه که در حدیث شهر ری در آن می باشد
 در حدیث شهر ری در حدیث شهر ری گرفته و آنکه که در حدیث شهر ری در آن می باشد
 حق که برای ما حکم و لیا اول از تو پورش می طلبم و در آن می بینم که تا حاضر نشوم نمی توانم
 و با احد شوم زیرا که در کوه عشق و ایمان من خالص نشود و آن صیقلیت شهر است

نام: عباس
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: رمضان
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: بیستم مهر 1344
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم بهمن 1364
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا بر همهٔ مسلمین تکلیف است که همگام و همراه با امام عزیزمان به این نبرد مقدس ادامه دهند.
- ا این متاع دنیا قلیل و ناچیز است و عاقبت اهل دنیا فنا و نابودی است.
- ا به خانوادهٔ عزیزم و همهٔ امت حزب الله توصیه می‌کنم که تقوا را، تقوا را، تقوا را پیشه کنید.
- ا آمدنم به دیار عاشقانه الله به این جهت بوده که بتوانیم راه شهدای عزیزمان را ادامه بدهیم.

عباس حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم

«الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مَصِيبَةٌ قَالُوا أَنَا اللَّهُ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»¹.

«رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»².

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و در هم کوبنده بساط ظالمان و جباران؛ و شکر و سپاس بندگان شایسته ذات اقدس باری تعالی را باد که این ملت را از منجلاب فساد و تباهی نجات بخشید و ما را از ظلمات به سوی نور هدایت نمود؛ و سلام و درود بر انبیا و اولیاء خداوند که مصباح هدایت‌اند و سفینه نجات؛ و سلام و درود بر نایب به حق صاحب‌الزمان امام خمینی کبیر؛ و سلام و درود خداوند و رسول گرامیش به روان پاک شهدای اسلام از صدر تاریخ تا کربلای خونین حسین (7) و کربلاهای مکرر تاریخ و کربلاهای جنوب و غرب کشور جمهوری اسلامی و قتلگاه 72 تن یاران امام به قافله‌سالاری شهید مظلوم بهشتی³ در کربلای حزب جمهوری اسلامی.

این است وصیت‌نامه عباس فرزند رمضان که در حال بلوغ و صحت کامل و سلامت عقل به رشته تحریر و تسطیر درآمد. بعد از شهادت به وحدانیت خدا و حقانیت رسولش. هدفم از آمدن به جبهه و پیوستن به صف رزمندگان اسلام جز برای ادای تکلیف و عمل به دستور قرآنی «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ»⁴ نبوده است و هدفی جز این ندارم. و آمدنم به دیار عاشقان الله به این جهت بوده که بتوانیم راه شهدای عزیزمان را ادامه بدهیم و نگذاریم که سلاح شهدا بر زمین بماند و این نور الهی که بارقه امید مستضعفان جهان است خدای نکرده بی‌فروغ شود؛ و آن وقت است که سرنوشت اسلام در جهان به خطر می‌افتد. بنابراین بر همه مسلمین تکلیف است که همگام و همراه با امام عزیزمان به این نبرد مقدس ادامه دهند، تا انشاءالله اسلام در تمام گیتی گسترش یابد.

1- بقره/ 156.

2- آل عمران/ 193.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- بقره/ 193 ؛ انفال/ 39.

و اما پیام: لازم است به دو گروه از مردم سفارش و پیامی داشته باشم. ابتدا، سفارشم به امت حزب الله این است که همچنان استوار و مقاوم در راهی که امام پیش رویمان گذاشته پاینده باشد؛ و هراسی به خود راه ندهند که خداوند وعده نصر و پیروزی را به مؤمنین و صالحین داده است. و اما به دنیاطلبان و کسانی که هنوز به حقیقت این انقلاب پی نبرده‌اند باید بگویم که آنها سخت در خسران و زیانند، و این متاع دنیا قلیل و ناچیز است و عاقبت اهل دنیا فنا و نابودی است. بیایید به دامن اسلام برگردید که خیر و سعادت شما در این است. و باز در اینجا به برادران حزب الله توصیه و سفارش می‌کنم که اتحاد و انسجام خود را هر چه بیشتر کنند و از تفرقه و تشتت بپرهیزند. و از برادران حزب جمهوری اسلامی می‌خواهم که نگذارند راه شهید مظلوم بی‌رهرو بماند.

وصیتم به خانواده‌ام این است که اسلام عزیز را سرلوحه تمام کارها قرار دهند و از آن فاصله نگیرند و کاری نکنند که رضایت خداوند در آن نباشد. و اگر من به فیض شهادت نائل شدم هرگز بی‌تابی و گریه و زاری نکنید؛ که دشمنان اسلام شاد شوند. و هر وقت که به یاد من افتادید، مصائب امام حسین (7) و اهل بیت او را به یاد آورید و داغ من را تحمل کنید. و حقی ندارید که مرا ناکام تلقی کنید چرا که من به کام خودم که همان رضوان خداست رسیده‌ام. و از مادرم که زحمات زیادی برای من کشیده و هیچ وقت فرزند خوبی برایش نبودم حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که مرا مورد عفو و بخشش قرار دهد. و از خواهرم نیز می‌خواهم که به یاد زینب کبری (3) شهادت مرا تحمل کند و با حفظ حجاب و وقار اسلامی خود پیام خون شهدا را برساند. و اگر من برادر خوبی برایش نبودم مرا ببخشند. و اما برادرانم. شما نیز هر چه بیشتر با دستورات اسلامی مأنوس شوید که خیر و صلاح شما در این است و هر چه بیشتر در کسب فضایل بکوشید. و از همه قومان و خویشان و اقربا و تمامی امت حزب الله که حقی به گردن بنده دارند استدعا دارم که مرا حلال کنند و ببخشند. و اگر کسی حقی دارد که قابل جبران است به خانواده‌ام مراجعه کند و احقاق حق نماید. و در آخر به خانواده عزیزم و همه امت حزب الله توصیه می‌کنم که تقوا را، تقوا را، تقوا را پیشه کنید.

و ما النصر الا من عند الله¹

العبد العاصی، عباس حسنی

بسمه تعالی
وصیت نامه ز شهدای

این وصیت نامه ها انسان را می نوازند و انسان را بیدار میکنند.
(امام خمینی)

محل الصالح مگر

برادر ز رسیده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

- ۱- مشخصات کاتب
- ۲- حد فاصل از آمدن به جبهه

۳- بسم الله الرحمن الرحيم

الذین اذا ما ابیتهم مصیبه قالوا ان الله وانا لله را جعون

ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفرنا سيئاتنا و تقبلنا مع الابرار

بسم الله یا سهار عرمت خون شهدای و در هم گویند بساط ظالمان

و جباران و شکر و سپاس بنده خدای است ذات اقدس بار تعالی

با ذکر تسبیح سوره بقره و سوره فاتحه و سوره حمد و سایر اذکار و صلوات

بر سید عالم و درود بر ائمه و اولاد خاندان

مصباح هدایت و سوره فاتحه و درود بر ائمه و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه

و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه

و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه

و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه

و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه

و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه و سوره حمد و سوره بقره و سوره فاتحه

مستضعفان جهان است فدای نکرده می فرود شود
 و آنوقت که سزوست اسلام در همان به خاطر من امتد بانبر این
 بر وجه سلوک تلفیغ است که حینام و همراه با امام عزیز زمانه نیز این نبرد
 مقدس ادا می دهند تا انشاء الله اسلام در تمام زمین گسترش یابد
 و اما پیام بزرگوار است به دستور خود از مردم سفارش و پندار می داشته باشد
 ابتدا سفارش به است حرب الله این است که همچنان استوار و مقاوم
 در راهی که امام و پیروان نداشتند یا بنده باشند و حراسی بخود راه
 ندهند که خداوند وعده نفر و پیروزی را به مؤمنان و صالحین داده است و اما به
 دنیا طلبان و کسانی که هنوز به حقیقت این انقلاب پی نبرده اند باید بگویم
 که آغازین در خراسان در این متاع دنیا قتل و تاجز است و عاقبت اهل
 دنیا فنا و نابودی است یا شکر درین اسلام بر گردید که هر چه سعادت می در این
 است و باز در این جا به بزرگواران حرب الله توصیه و سفارش می کند که اتحاد و انسجام
 خود را هر چه بیشتر کنند و از نفرت و حسد بی همتا بگذرند و از برادران حرب جمهوری اسلامی
 می خواهند که بگذارند راه محمد متظلوم می رهرو می اندازند
 و بیستم به خدا فدا می این است که اسلام مرکز را سرگوشه تمام کارها قرار
 دهند و از آن ناصبه بگردند و کاری نکنند که رضایت خداوند بر آن نماند
 و اگر من به فیض شهادت نائل گویم بیستایی و فریب و زاری نکنند که درین
 اسلام شاد شوند و حروف که بنیادین افاضت و مصافح امام حسین
 و اهل بیت او را بیاد آورید و داغ من را تحمل کنید و حق نمازید که را ناگنم
 تلقی کنید چرا که من به کام خودم که همان رضوان خداست رسیدم و از یاد من
 که زحمت زیاد منی کشیده و وجودت فرزند خوبی برایش نبردم

یکسان خدمتی * گردان
 واحد

تاریخ *

تذکره
 ایضا

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شد به محل دین خود را بنویسید *



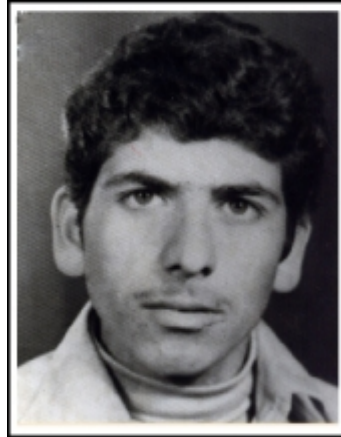
هلاکت می طلبم و امید دارم که مرا مورد عفو و بخشش قرار دهد و فرزندانم
 نیز من ضایع نباشند و بیاد زینت کبری ~~میرسد~~ شهادت مرا تحمل کنند و با حفظ
 محاب و وفاداری خود تمام فرزندانش را بر سر راه راه حق بر آورند و من بر این بودم
 می نوشتند و اما برادرانم شما نیز هر چه بیشتر با دستورات اسلامی ما نویسن
 شوید که غیر دهنده سلام شما در این است و هر چه بیشتر در کتب فضائل پیغمبر صلی
 و از همه جوان و خوش نشان و اقربا و محاسن است حزب ابر که حق بهترین
 بنده دارند استند ما دارم که مرا حلال کنند و بنفشند و اگر کسی حق دارد
 که قابل جبران است به خانواده ام برعهده کند و احقاق حق نماید و در آخر
 به خانواده عزیزم رحمه الله است حزب الله توصیه می کنم که تقوا را رعایت
 تقوا را پیشه کنید

وما نصر الا عند الله



العبد العاصی عابد حسینی

نام: علی
نام خانوادگی: حسین پور
نام پدر: فتحعلی
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: یکم دی 1338
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوم فروردین 1361
محل شهادت: رقابیه
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ تا آخرین قطره خون باید ملت ایران در این راه استقامت نمایند.
- ۱ هرگز از امام امت جدا نشوید.
- ۱ مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است.
- ۱ مرگ سرخ در راه خدا جز سعادت چیز دیگر نیست.
- ۱ هدفی جز تبلیغ اسلام و زنده نگه داشتن اسلام ندارم.

علی حسین پور

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

اینجانب علی حسین پور، شماره شناسنامه 24، متولد 1338، صادره از شاهرود ساکن [...] ¹، با آگاهی کامل و به امر حضرت امام خمینی پیام «هل من ناصر ینصرنی» ² امام حسین (7) را شنیدم و در ماه محرم به کربلای ایران شتافتم؛ تا باشد که در این راه قدمی برداشته و نهال انقلاب اسلامی را بارورتر سازم. و در این راه هدفی جز تبلیغ اسلام و زنده نگه داشتن اسلام ندارم. در درجه اول هدف من از این رفتن به جبهه زنده ماندن اسلام و نگه‌داری مکتب درخشان اسلام و ثانیاً نگه‌داری میهن اسلامی و جلوگیری از دشمنان اسلام [بوده است].

و آخرین پیامم این است که تا آخرین قطره خون باید ملت ایران در این راه استقامت نموده و هرگز از امام امت جدا نشوند. و تا آخرین قطره خون شعارم این است که پرچم «قولوا لا اله الا الله» ³ باید در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآورده شود. و باید ملت هم شعارشان این باشد که مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است و مرگ سرخ در راه خدا جز سعادت چیز دیگر نیست.

«والسلام»

امضاء وصیت کننده

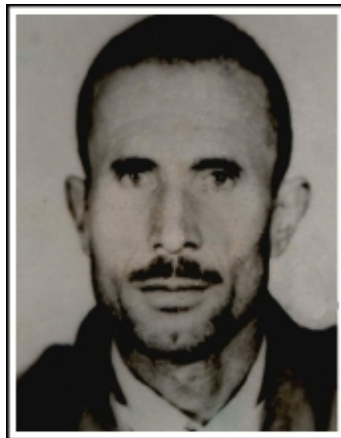
علی حسین پور

1- خوانا نیست.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- اشاره به حدیث از پیامبر (6): «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» (نهج الفصاحه).

نام: علی اکبر
نام خانوادگی: حسین پور
نام پدر: خدا بخش
نام مادر: هاجر
تاریخ تولد: هفتم اردیبهشت 1323
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اسفند 1363
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوه شهادت: سکنه قلبی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا شهادت می دهم که قرآن کتاب آسمانی من و مرگ و معاد حق است.
- ا ما همه از او بییم و به سوی او می رویم.
- ا طبق موازین شرعی عمل کنید.

علی اکبر حسین پور

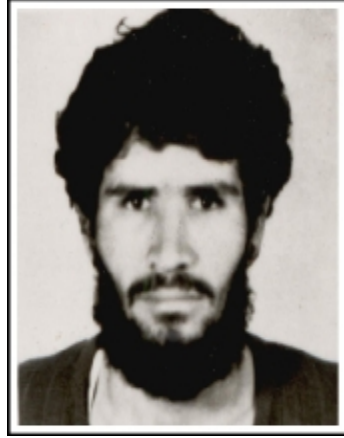
بسم الله الرحمن الرحيم

«شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علياً ولي الله».

«و شهادت می دهم که قرآن کتاب آسمانی من و مرگ و معاد حق است و ما همه از اویم و به سوی او می رویم».

اینجانب علی اکبر حسین پور فرزند خدابخش ساکن پرو وصیت می کنم پس از مرگ من جهت خرج کفن و دفن به اندازه معمول از دارائیم برایم خرج کنید. و قرض هایی که بدهکار هستم: مبلغ 38000 ریال سه هزار و هشتصد تومان و مبلغ 10000 ده هزار ریال بابت چوب و اجاره زمین که جمعاً 48000 ریال چهار هزار و هشتصد تومان می شود به حاجی دایی اسماعیل حسین پور بدهکار هستم؛ بپردازید. و از حاج مسلم هم یک رأس بزغاله گرفتم و مبلغ پانصد تومان از او طلبکار بودم؛ و بقیه آن را که طلبکار می شود به او بدهید. و مبلغی، 1750 ریال، بابت تخته های خانه به حبیب حاج غلامرضا بدهکار هستم؛ به او بدهید. و از حسین شکرالله هم سؤال کنید، اگر از من طلبکار بود به او بدهید. و اگر، احتیاطاً، کسی ادعای طلبی کرد به او بدهید. و مبلغ 1500 تومان ردّ مظالم اگر توانستید برای من بدهید و مقدار یک سال نماز و روزه برای بنده بگیرید.

و دیگر اینکه، پسر بزرگم محمدرضا قیم است بر صغیرها و ناظر بر کارهای فرزندانم هم همسر من باشد. و وصی بنده هم پدرم خدابخش است. و همسر من تا زمانی که خودش دوست دارد در خانه ام باشد سرپرست بچه ها است و آنها را بزرگ کند و خداوند انشاءالله او را اجر و صبر بدهد. و اگر هم نخواست طبق عرف معمول ارثیه خودش را بردارد و قبالتش را بگیرد و برای بچه ها هم هر یک نسبت به سهم خودش طبق معمول بردارد از مال بنده از هر چه موجود است. و مرا هم تا آنجا که ممکن بود در کنار شهدای پرو دفن نمایید. و بنده از حاج دایی تمنا دارم از مال خودم برای بنده مجلسی در حکیم آباد بگیرد. و زمینی را هم که میان دامن دارم؛ حاج مسلم جای آن را می داند و از حاج مسلم خواهشمندم جای آن را به فرزندانم نشان بدهد تا آنها کشت و کار کنند. و چهار سهم از چاهی که تازه زده اند سهم دارم؛ روی همان زمین ببرند. از همه شما التماس دارم اگر چیزی را فراموش کردم طبق موازین شرعی عمل کنید.



نام: قنبر
نام خانوادگی: حسین پور
نام پدر: نصرت
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: دهم دی 1343
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم بهمن 1364
محل شهادت: اروندرود
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ۱ در موقعی که اسلام در خطر قرار می‌گیرد بر هر شخص مسلمان واجب است که در راه دین خداوند، قرآن و شرف و حیثیتش دفاع کند.
- ۱ از رفتن فرزندان خود به جبهه‌های حق علیه باطل امتناع نکنند.
- ۱ هرکس به قدر توان خود از جهاد با مال و جان در راه خدا دریغ نرزد.
- ۱ در برابر غم‌ها همچون زینب کبری (3) صبور و شکیب‌باشید.

قنبر حسین پور

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة»¹.

شکر و سپاس بر خداوند یکتا و توانا و ایزد منان و بر این تابناک عالم بشریت مهدی موعود لنگر زمین و آسمان و سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و شهیدان گلگون کفن کربلای حسین بن علی (7) و ادامه‌دهندگان راه او در کربلای ایران. پس بنابراین خداوند مؤمنین را مورد امتحان قرار می‌دهد² و در موقعی که اسلام در خطر قرار می‌گیرد بر هر شخص مسلمان واجب است که در راه دین خداوند، قرآن و شرف و حیثیتش³ دفاع کند. و هر کس به قدر توان خود از جهاد با مال و جان در راه خدا دریغ نوردد؛ و یکی دیگر هم این است که آن جهاد با نفس است. این حقیر قنبر حسین پور در تاریخ دهم سال 1360 وارد دانشگاه انسان‌سازی⁴ شدم و ثبت‌نام نمودم و همه کانال‌های ارتباطی را قطع نموده و فقط به [جز]⁵ یک کانال، که آن هم کانال ارتباط با خداوند تبارک و تعالی می‌باشد، برقرار نمودم و بر ندای رهبرمان امام خمینی لبیک گفته و ادامه‌دهنده راه شهیدان کربلای حسین و همچنین کربلای ایران شدم. و اما در ادامه مطلبم پیامی که برای شما ملت عزیز و رزمنده، برادران و خواهران، دارم این است که از رفتن فرزندان خود به جبهه‌های حق علیه باطل امتناع نکنند. و از کمک‌های مالی و جانی دریغ نورزید، چون دین اسلام الان در دنیا غریب می‌باشد، چون که استکبار جهانی امپریالیست شرق و غرب یک طرف شده و یک طرف دیگر آن ایران تنها، که آن هم دین اسلام می‌باشد. پس از این کار چشم نپوشید، خداوند یار و مددکار شماست. و سپس از پدر و مادرم خیلی خیلی اظهار تشکر دارم که آنها هم حق بسیار سنگین بر دوش من

1- توبه/ 111.

2- در اصل وصیت «می‌دهند».

3- در اصل وصیت «حیثیتش».

4- ر.ک. تعلیقات. ذیل «انسان‌سازی».

5- «جز» اضافه است.

دارند که مرا به جبهه‌های حق علیه باطل فرستادند- و در این راه مقدس قدم نهادم- و آنچه را که خداوند در قرآن کریم امر کرده بود عمل نموده‌اند. و اما در پایان، وصیتی که به خانواده‌ام دارم این است که: من دارای سه فرزند می‌باشم، دو پسر و یک دختر. همسر، شما در برابر غم‌ها همچون زینب کبری (3) صبور و شکیبا باشید و فرزندانم مهدی و محسن و مریم را طوری تربیت کنید که احساس یتیمی نکنند و تا آخر لباس موفقیت بپوشند. و خداوند شما را در دنیا و آخرت موفق و مؤید¹ بدارد.

پدر و مادر مهربانم خواهشی که از شما دارم این است که ناراحت آن نباشید اگر² جسد من به دست شما نرسید یا فقط جزئی از بدن من به دست شما رسید. زیاد ناراحتی نکنید چون که جنگ این برنامه‌ها را دارد؛ همان‌طور که مشاهده می‌کنید ایران این شهیدان و مفقودین را دارد، لازم به سفارش من نیست. دیگر بار هم به تمامی برادران و خواهران توصیه³ می‌کنم که: این حقیر کمال رضایت را از تمامی مردم دارم و امیدوارم که حلالیت مرا بطلبید و مرا ببخشید.

می‌بخشید از اینکه وقت گرامی شما برادران و خواهران گرامی را گرفتم و مزاحم شدم.

«والسلام»

1- در اصل وصیت «معید».

2- در اصل وصیت «که اگر».

3- در اصل وصیت «توسعه».



وصیت‌نامه شهید قنبر حسین پور بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله اشترى من المؤمنین باموالهم وانفسهم بان لهم الجنة

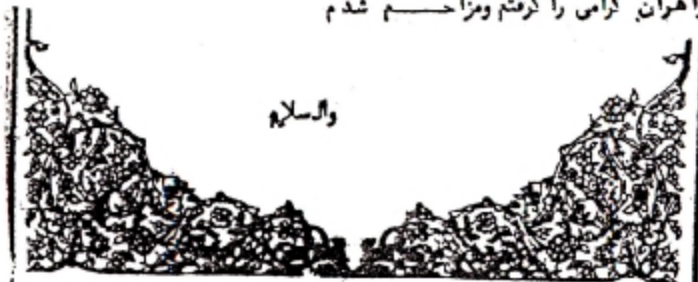
موت
 شکر و سپاس بر خداوند یکتا و توانا و یزدان و یمن و یمن این تابناک عالم بشریت مهدی
 لستگر زمین و آسمان و سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و شهید آن
 گلاگون کف کربلای حسین بن علی (ع) و ادامه دهندگان راه او در کربلای
 ایران . . .

پس بنا بر این خداوند مومنین را مورد امتحان قرار می دهد و در موقعه ای که اسلام
 در خطر گسول می گیرد بر هر شخصی مسلمان واجب است که در راه دین خداوند
 قرآن و شرف و حیستش دفاع کند و هر کس بقدر توان خود از جهاد با مطلق و
 جان در راه خدا دریغ نوزد و بسکی دیگر هم این است که آن جهاد با نفس -
 استغ. این چنبر قنبر حسین پور در تاریخ دهم سال ۱۳۶۰
 وارد دانشگاه انسان سازی شدم و ثبت نام نمودم و همه کانالهای ارتباطی را قطع
 نموده و فقط به جز یک کانال که آن هم کانال ارتباطی با خداوند تبارک و تعالی
 می باشد بر قرار نمودم و بر ندای رهبرمان امام خمینی لبیک گفتن و ادامه
 دهنده شهیدان کربلای حسین و همچنین کربلای ایران شدم و اما در
 ادامه مطلب همای که برای شما طبت عزیز و یزدنده ، برادران و خواهران دارم
 این است که از رفیق فرزندان مسود به جبهه ها حق طیه باطل امتنا نکشید
 و از کمک های مالی و جانی دریغ نوزید چون دین اسلام الان در دنیا عزیز میباشد
 چونکه استخبار جهانی امر با نیست شرق و غرب یک طرف شده و یک طرف دیگر آن ایران
 تنها، که آن هم دین اسلام می باشد پس از این کار چشم نهوشید خداوند بازوید د

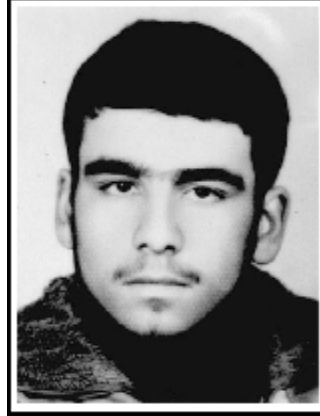
فشتو کبھی ترا نیز اصل است

کار شجاعت و سپس از پدر و مادرم عهدی عظیمی **اللہم اشکر دارم** که آنقدر
 آنها هم حق بسیار سنگین بردوش من دارند که مرا به جبهه‌های حق —
 طریقه باطل فریستادند و در این راه مقدس قدم نهادم و آنچه را که خداوند
 در قرآن کریم امر کرده بود عمل نموده‌ام.

و اما در پایان، وصیتی که بخواناده‌ام دارم این است که من دارای سه فرزند
 می‌باشم دو پسر و یک دختر، هکسرم شما در برابر شما همچون
 زینب کبری صبر و شکیبا باشید و فرزندانم سبیدی و مومن و
 مبرم را طوری تربیت کنید که احساس پشیمانی نکنند و تا آخر لباس محبت
 موفقیت بپوشند و خداوند شما را در دنیا و آخرت موفق و معید بدارد.
 پدر و مادر مهربانم خواهشی که از شما دارم این است که ناراحت
 آن نباشید که اگر چند من بدست شما نرسید با فقط چیزی از بدن من بدست
 شما رسید زیاد ناراحتی نکنید چونکه جنگ این برنامه‌ها را دارد همانطور
 که مشاهده می‌کنید ایران این شهیدان و مفقودین را دارد لازم به سفارش
 من نیست دیگر بار هم به تمامی برادران و خواهران توسعه می‌کنم که این حق
 کمال رضایت را از تمامی مردم دارم و امیدوارم که حلالیت مرا بطلبید و مرا
 ببخشید. من ببخشید از اینکه وقت گمراهمی شما برادران و
 خواهران گرامی را گرفتم و مزاحم شدم



نام: محمد ابراهیم
نام خانوادگی: حسین پور
نام پدر: علی محمد
نام مادر: ام‌البین
تاریخ تولد: یکم دی 1344
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یکم فروردین 1367
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای روستای پرو زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا با نیتی خالص و با عزمی استوار و به فرمان امام امت عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل هستم.
- ا من نه ناراحتی خانوادگی داشتم نه گرفتار مرضی بودم و دیگر مشقات زندگی. تنها مرض روحی من این بود که یاد دوستان شهیدم هرگز از یادم نمی‌رفت.
- ا همسرم، می‌خواهم کمتر به فکر ظواهر دنیا باشی، می‌خواهم قرآن بیشتر بخوانی.
- ا سفارش به نماز اول وقت می‌کنم.
- ا همسرم به مسائل شرعی بیشتر توجه کن.
- ا درستان را خوب بخوانید تا برای آینده انقلاب فردی مفید و مؤثر باشید.
- ا شهادت هم برای انسان‌های مُخلص خداوند پیروزی است.

محمدابراهیم حسین پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با عرض سلام خدمت مهدی موعود امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت و با سلام بر شهیدان، شاهدان به حق انقلاب اسلامی و با سلام بر امت شهیدپرور. (خانواده‌ای) است در خانه بخوانید.

اینجانب محمدابراهیم حسین پور عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شاهرود وصیت‌نامه‌ای را با نام خداوند متعال و یاد شهیدانمان آغاز می‌کنم. اینک با نیتی خالص و با عزمی استوار و به فرمان امام امت، عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل هستم و خدای را شکرگزار هستم که این توفیق را به من داد که در این راه، که راه شهیدانمان است قدم بردارم.

و چند کلامی جهت تسلای دل خانواده‌ام می‌نویسم. خانواده گرامیم، من فرزندی لایق برای شما نبودم، چون که در زندگی همیشه موجب غم و غصه شما بودم. راضی نبودم کسی با من صحبت کند¹ و همیشه در غم بودم. تمامی این حرف‌ها را قبول دارم و از زبان خودم می‌گویم. ولی این غم‌ها از کجا سرچشمه می‌گرفت؟ شما خانواده‌ام، مخصوصاً مادر مهربانم به خوبی این مسئله را درک کرده بودی که چرا این‌طور بودم.

باید بگویم من نه ناراحتی خانوادگی داشتم نه گرفتار مرضی بودم و دیگر مشقات زندگی. تنها مرض روحی من این بود که یاد دوستان شهیدم هرگز از یادم نمی‌رفت؛ یاد سید مجتبی از یادم نمی‌رفت. می‌خواستم همیشه و همه‌جا در ماتم باشم، می‌خواستم در خط خودم باشم. زمانی با خودم فکر می‌کردم که چرا باید من با خانواده‌ام این‌گونه رفتار کنم ولی هر چقدر می‌خواستم به اعصاب خودم مسلط شوم، نمی‌شد، چون که وجدان من بیشتر [جای] گنجایش غم‌ها را داشت، تا اینکه شادی‌های دنیا را. ولی همسرم، تو چرا باید به پای من می‌سوختی و می‌ساختی؟ یک لحظه به تو محبت می‌کردم و لحظه بعد نامهربانی. لحظه خوب من در محبت این بود که می‌خواستم حق همسری و گفتار بزرگان

1- در اصل وصیت «نکند».

دین را ادا کنم؛ که امام صادق (7) می‌فرماید محبت کردن نسبت به همسر موجب افزودن مراتب ایمانی است. ولی لحظه‌ای که آن مرض‌های روحی مرا رنج می‌داد، می‌خواستم با من همدرد باشی، که واقعاً همدرد و یاورم بودی و در مشکلات مرا یاری می‌دادی. همسرم، می‌خواستم درد و مرض مرا لمس کنی، چون که همسر خوب در خانه باید همدرد مرد خود باشد. همسر خوبم، تو درد مرا به‌خوبی لمس نکرده بودی و گمان می‌کردی که من از روی ناراحتی خانوادگی، گاهی با تو حرف نمی‌زدم، یا صحبت نمی‌کردم (ولی این‌طور نبود) و یا ناراحتی می‌کردم. پس، حال که درد مرا فهمیده‌ای مرا ببخش.

همسرم، می‌خواهم کمتر به فکر ظواهر دنیا باشی، چون که دنیا محل گذر است. می‌خواهم قرآن بیشتر بخوانی چون که از چیزهایی که در قیامت از انسان شکایت می‌کنند یکی قرآن است، بیشتر به قرآن توجه کن. و سفارش به نماز اول وقت می‌کنم. نماز را اول وقت بخوان و هر کاری که داری کنار بگذار و نماز را بخوان. و به مسائل شرعی بیشتر توجه کن.

محمدابراهیم حسین‌پور

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام خدمت آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت و با سلام بر شهیدان، شاهدان برحق انقلاب اسلامی.

«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا¹ فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربّهم یرزقون»².

اینجانب محمدابراهیم حسین‌پور فرزند علی محمد، عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شاهرود، اینک که عازم عملیات هستم چند کلامی را به‌عنوان وصیت‌نامه برایتان می‌نویسم: بار خدایا که به من توفیق دادی که در رزم بی‌امان با دشمنان اسلام شرکت کنم! خدای

1- در اصل وصیت «قتلوا».

2- آل‌عمران/ 169.

را شکر می‌کنم که توانستم در کنار رزمندگان جان بر کف که امامان به این عزیزان «افتخار می‌کند و دست و بازویشان را بوسه می‌زند»¹ قرار بگیرم و بر خصم زبون بتازم. همان‌طور که قرآن کریم فرموده که «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنة»²، می‌فرماید که «با دشمنان اسلام قتال کنید و بجنگید تا فتنه از روی زمین برداشته شود»، من هم با تمسک³ به این آیه شریفه لباس رزم پوشیدم و به⁴ جنگ با دشمنان اسلام برخاسته‌ام و ان‌شاءالله تا جان در بدن داریم از این آیه شریفه چشم‌پوشی نخواهیم کرد؛ تا اینکه پیروز شویم یا شهید شویم، چون که شهادت هم برای انسان‌های مخلص خداوند پیروزی است.

و اینک در این زمان حساس انقلاب که تمامی کفر در مقابل تمامی اسلام قیام کرده و می‌خواهد اسلام را نابود کند، بر تمامی قشرهای جامعه اعم از زن و مرد است که در مقابل آنان که می‌خواهند به اسلام ضربه بزنند بایستند و مبارزه کنند، و دشمنان اسلام این ضربه را با همکاری صدام و یادیش آغاز کرده‌اند و می‌خواهند از طریق این جنگ تحمیلی اسلام را نابود کنند. پس امروز «این جنگ در رأس تمام مسائل است»⁵. با پیروزی این جنگ است که اسلام پیروز می‌شود.

برادرم، اگر می‌خواهی در زیر سایه اسلام زندگی کنی، برای دفاع مقدس برخیز و به جبهه بیا؛ اینجاست صحنه پیکار با دشمنان اسلام. و برادر و خواهری که توان آمدن به جبهه را نداری، همان‌طور که امامان فرمود در پشت جبهه رزمندگان را یاری کن. پیامی دارم برای امت حزب‌الله: امت حزب‌الله، برادران و خواهرانی که مدت هشت یا نه سال است که با تمامی کمبودها و فشارهای استکبار جهانی ایستادگی کردید؛ و امروز است که انقلابمان برای رسیدن به ثمر آماده شده است و زمان حساس انقلاب و اسلام امروز است. پس امروز هم تمام توانت را به‌کار بینداز و در راه اهداف انقلاب اسلامی، با تمامی

1- صحیفه امام، ج 16، ص 143.

2- بقره/ 193؛ انفال/ 39.

3- در اصل وصیت «تمسک».

4- در اصل وصیت «در».

5- عبارت شهید برگرفته از این سخن حضرت امام است: «ما امروز در رأس تمام مسائلمان جنگ است» (صحیفه امام،

ج 17، ص 496).

شیطنت‌ها مبارزه کن. اگر بیان سخن داری با سخن، اگر توان مالی داری با مالت، اگر توان جانی داری جانت را در معرض مبارزه با دشمنان بگذار.

پیامی دارم برای امت حزب‌الله روستای پرو: برادران و خواهران حزب‌الله، من به‌عنوان برادر کوچک شما از شما تشکر می‌کنم. امیدوارم که خداوند هم از شما سپاسگزار باشد، که واقعاً خوب دیتان را به انقلاب ادا کردید چه از نظر جانی و چه از نظر مالی. امیدوارم [که] همان‌طور که تا به حال کوشش و تلاش کردید از این به بعد هم دست از این تلاش و کوششتان برندارید. و برادران و خواهران حزب‌الله، دشمنان انقلاب می‌خواهند بین شما تفرقه بیندازند. مواظب باشید امروز مسئله فقط برای رضای خدا کار کردن است. هر کس را دیدید برای رضای خداوند کوشش می‌کند، دست آن را بگیرید و با او همکاری کنید.

و اما پدر و مادر عزیز و مهربانم، اگر من برای شما فرزندی لایق و شایسته نبودم، مرا ببخشید. پدر و مادرم، شما برای من خیلی تلاش و همدردی کردید چه در زمان کودکیم و چه در زمان بزرگیم. مادر مهربانم، تو خیلی برایم مهربان بودی، ولی من برعکس مهربانی تو. همیشه می‌گفتی «چرا نمی‌خندی، چرا در ماتم هستی؟» من همیشه در ماتم دوستان شهیدم بودم. اگر من نامهربانی کردم مرا ببخش. مادرم راهت که راه شهیدان است ادامه بده و بیشتر در راه انقلاب تلاش کن.

و اما برادران، اگر من برای شما برادری لایق نبودم مرا ببخشید و اگر بداخلاقی و ناراحتی از من سر زده بود از روی نادانی من بوده، باید از آن در درگاه خداوند عذرخواهی می‌کردم. و خواهران مهربانم، شما هم اگر از من بداخلاقی دیدید مرا ببخشید و می‌خواهم که درستان را خوب بخوانید تا برای آینده انقلاب فردی مفید و مؤثر¹ باشید. و اما همسر مهربانم، تو برای من همسری لایق بودی، من از تو راضی هستم؛ ولی اگر من برای تو شوهری لایق و شایسته نبودم مرا ببخش. و امیدوارم که هر قدمی برمی‌داری و هر کاری که می‌کنی برای رضای خدا باشد. و من یک خواهش از تو دارم: برایم بیشتر قرآن بخوان و دعایم کن که من گنه‌کارم.

پدر و مادر، برادران و خواهران و همسر، مادر بزرگ، خاله‌ها، دایی‌ها و تمامی قومان و خویشان! اگر خداوند شهادت در راه خودش را نصیب من کرد، برای من گریه و زاری نکنید. اگر خواستید گریه کنید برای مظلومیت امام حسین (7) گریه کنید. اگر شهید شدم من به همان آرزوی دیرینه خود رسیده‌ام، چون که سال‌ها در ماتم و آرزویش بودم. و قومان و خویشان، اگر از من بدی دیدید مرا ببخشید و عفو کنید. و امیدوارم که راه شهیدان را ادامه بدهید و امامان را یاری نمایید.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

66/12/23

پیامی برای برادران پایگاه دارم:

برادران عزیز، من مدت‌ها در کنار شما بودم، اگر خداوند قبول کند، در راه به اهداف رسیدن انقلاب کار و کوشش می‌کردیم. امیدوارم که همان کوششی که قبلاً داشتید از این به بعد هم داشته باشید. هر قدمی که برای رضای خداوند بردارید به هدر نمی‌رود، ذخیره آخرت شما است. اگر برخورد بدی از من دیدید امیدوارم که مرا ببخشید.

پدر گرامی، مقداری بدهکاری دارم: مبلغ 8 هزار تومان وام صندوق قرض‌الحسنه پرو؛ 9 متر پارچه سفید، 180 تومان [به] پایگاه پرو بدهکارم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم صفت محمد مصطفی و خیر البریه است و اللهم برحمتک اجمعنا من بعثت الله

العلی و ابی لهام برایت بنده برود (اختر او را) است در خانه خودمان

این شب در ابراهیم من و پدر عزیزم جلاله است کتاب الله که فرود و جنب در این خانه خداوند منیل و پدید

نخستین آن را آغاز کنیم با الله و پیش خالص و بعضی از کلمات که در این است عذر می خیزد

بزرگ حق صید باطل هم می خیزد و در آن را شکر از دستم که این زمین را بس دارد که در این راه

که راه صید انان است خدا برود ام و خدا را بصورت شکر دل خاندان ام می زسیم

خداوند که بر ایم من فرود نازل را این برای شما نمودم چه شکر و در آن همیشه بر حسب نعم خداوند و غنای

شما برود را این برودم که من هست کند و همیشه نعم برود نامی این سر خدا را قبول دارم و از

بزرگ خودم که بر ایم دل این همه غمها را می که همیشه می گرفت شما خدا را ام و مخصوصه خداوند

محمد و محبوبی این سینه را درک کرده بود که در هر اینطور برودم

بید بیدم من ز نار اهن خانه اولی دانستم نه ز کف از مرض بودم در دیگر مشقات زنده گشتی شامسفر

بدی من اصر بود که باده دوستان بختند هرگز از یادم نمی رفت باو لبه جبینم از یادم

می رفتی مرا ایتم همیشه و هر چه در خانه داشتم در خانه خودم می بردم مگر هرگز

که بر اید من با من ز اوم ایستاده فدا کنم دل هر چیز رو ^{و در آن} ~~می بردم~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

نه ای که چه که و جوان بود بیشتر جان گشایین ^و ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

ولی هرگز ز جیب بیدم بر پای من می بودم و بس فداک ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

تا صد باقی ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

را دانستم ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

ولی ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

و سر من ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

من ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~بسیار~~

و بنا بر این امر پس آن که در افسوس و اندوه فراوان مرا پیش مراسم می‌خوانم که ستر ملاحظه ~~و در افسوس و اندوه فراوان~~

و بنا بر این امر پس آن که در افسوس و اندوه فراوان مرا پیش مراسم می‌خوانم که ستر ملاحظه ~~و در افسوس و اندوه فراوان~~

که در بیعت از انسان شکایت می‌کنم که قرآن است بیشتر به قرآن تفسیر و معارف به نفع

اول وقت ~~که در بیعت از انسان شکایت می‌کنم که قرآن است بیشتر به قرآن تفسیر و معارف به نفع~~

و اینها را بدین معانی ~~که در بیعت از انسان شکایت می‌کنم که قرآن است بیشتر به قرآن تفسیر و معارف به نفع~~

امام حسین (ع) با گذشت ترین مردم کسی است که در عین توانایی چشم پوشی کند.

دوشنبه ۳۱ فروردین ۲۱ شعبان 20 April

سید ابراهیم محمد ابراهیم

c.p. مرفر لر امر خدمت آغاها از عاقل و نایب بر حسن

آمدت و با علم بر تعداد آن حیلان بر حق افتد اب

ایلمن :

ولا یحسن الذین قتلوه فی سبیل الله امواتا

بل اختاروا عدرا یریدون

این جانب محمد ابراهیم حسین پور فرزند علی محمد

عقرب با به در ان طاعتا با ابراهیم تا امروز

دوشنبه ۱ اردیبهشت ۲۲ شعبان 21

ایند که ما زیم کنایت حسین و عیضا که این

را بفرزاد و عیضا را بر این نام زسیم :

بار خدا یا که من ترهتی دادی که در زیم من اعلان با

دشمنان ایام شرکت کنه خدا را شد هر کنه

که ترانستم در کنار روز مندگان جان برکت که امامان

به این عمر میزان افتخار می کنه و دست و پا زوت با

را بر که هر زنده قرار بگیریم و بر چشم زبون بشازیم

هان طوره که قرآن کریم فرموده که و ما تدرهم حتی

و این است

فقد کتبی بزرگوار اصل است

شهرستان
شماره



امام خمینی: فرهنگ باید متحول شود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی.

چهارشنبه
۲
اردیبهشت
۲۳
شعبان
22
April

لا ینکون حقنہ من فرمایند که با دشمنان اسلام قتال کنند و متکفانه نمانند از روزی که فریاد بر داشتند تا روزی که منجم با قفسک بر این آید که فریاد لباس درم بر زمین و در جنگ با دشمنان اسلام بر خاکشده ام و این منجم با منجمان بود بر این دارم از این آید که فریاد چشم بر زمین نخواهم کرد تا آنکه سیر روز شرم با آنکه شرم چونند هر روزی که شرم است هم بر این اسناد منجمان صلوات سیر روز است

تاریخ: ۲۳/۲
 شعبان: ۲۳
 تاریخ: ۲۲/۴
 هجری: ۲۳/۲
 شمسی: ۲۲/۴

پنجشنبه
۳
اردیبهشت
۲۴
شعبان
23
April

و اینک بر این زمان حساس انقلاب که تمام کمر در مقابل تمام اسلام تمام کرد و هر فرزند اسلامی را باید که سیر تمام کشور را با همه از روزی که همه است که در مقابل تمام که هر فرزند اسلامی همه بر زمین با سینه و مبارز است و دشمنان اسلام این همه بر این با همه در خطم و ایادین آنقدر کرده اند و هر فرزند از طرفین این جنگ تمام تمام را بر دست پس امروز این جنگ در این تمام منجمان است و سیر روز این جنگ است که اسلام و سیر روزی روز

تاریخ: ۲۳/۲
 شعبان: ۲۴
 تاریخ: ۲۳/۴
 هجری: ۲۳/۲
 شمسی: ۲۳/۴



پيامبر اکرم (ص): بهترين شيا کس است که قرآن را آموخته و به ديگران بياموزد.

بر سر سرم اگر چه خواهي مرد و سر را بر اندام زانديگي نشنيد چه دفاع

مقدس بر خيزند و بر جمعه بنا اين جاست محمديه بيار

در شتمان اندام و بر سر و فراهان که قرآن آمدن

به سينه و دانند از همان طور که اعا جان فرمود در پشت

عبيد چه روز خندان را با او کن: پيامي دارم بر اين

است حزب الله بافت مزبانه بر اين و فراهان

که زنت خست يا نه حال است که با تاي کبر دعا

هر وقت که حال استبدار جهان ايندوگي گيرد خجوا و امر و

۲/۸۰	ذات الحج
۲/۶۱	شعب الثواب
۱۶/۰۴	ذات شهر
۸-۱۲	غريب الثواب
۱۶/۰۶	ذات غريب

جمعده ۴ اردیبهشت ۲۵ شعبان 24 April

یادداشت هفته

است که افتخار بان بر این اولین بر شمر آمده است و زمان

حسابی افتخار و اندام امروز است پس امروز هم تمام تراشید بکار

بندار و در راه اهداف افتخار الهی با نامی شستنجا مبارک

الله بیا که سخن دارم با هم سخن اثر در آن عالمی دارم با حالت

اگر در آن جان دارم جانست و او در مبدعها مبارزه با دشمنان

بلکه از پيامي دارم بر اين است حزب الله و شتان به بر اين و فراهان حزب -

من بفرمان بر سر دگر نماز نما شده کنم عبيد دارم که خلتون هم

از شما بپندار با که که و عده حزب در استان را به افتخار

<p>امام خمینی: آنها در طریق آسمند و گمان کردند که می توانند نیرو پیاده کنند و بخدای تبارک و تعالی شن ها و بادها را فرستاد و آنها را شکست داد.</p>	
<p>دردا می رسید چه از نظر جان و چه از نظر مالی امید و اطمینان ها بطور کامل با بحال تر نشی و نه اش می رسید از تبه بعد ششم دست از این تلاش و او مشتاق بر سر راهید جو بر لولان و فرزندانی عزیز آمد و دشمنان افغانی بی خوارند بین شما بقدر قد بیندازند و مواظب باشند امید در مسکنه فقط برای دفاع غدا نگار کردن است حدس را می دید برای و ضامن خواهد بود دشمنی کند دست آن را بیلیدید و با او همکاری کنید.</p>	<p>شنبه ۵ اردیبهشت ۲۶ شعبان 25 April</p>
<p>آنان صبح ۳/۳۶ طلوع آفتاب ۵/۲۰ لذان ظهر ۱۲/۰۲ غروب آفتاب ۱۸/۱۶ لذان مغرب ۱۷/۰۷</p>	
<p>و اما پدر و مادر عزیز و همه یانم ممنونم از شما بسیار ممنونم از شما برای تفا فرز نری و این و ن بسته بودم مرا می شنیدید و مادرم شما برای من چنین کردی و همه در دل می دیدید چه بودم جان کردیم و چه در زمان بزرگم مادر محترم یانم فر جیلی برایم محمد جان بود ولی من بر عکس محمد جان از همیشه من گفتی چرا هم من شنیدم چه مادر ما هم هستی من همیشه در ما هم دوستان محمد بودم چون محمد است من تا محمد جان بودم محمد بیشتر مادر مرا دوست کرد و ای محمد جان است از مادر مرا همیشه در راه محمد جان است از مادر مرا</p>	<p>یکشنبه ۶ اردیبهشت ۲۷ شعبان 26 April</p>
<p>آنان صبح ۳/۳۷ طلوع آفتاب ۵/۱۸ لذان ظهر ۱۲/۰۲ غروب آفتاب ۱۸/۱۶ لذان مغرب ۱۷/۰۷</p>	

فرمان کرمیده هر که به طاعت کفر ورزد و به عدا اهل بیت آورد، به دستگیر
استواری جنگ زده است که آنرا گنجهتی نیست. (شعر: ۲۵۶)

دوشنبه
۷
اردیبهشت
۲۸
شعبان
27
April

و اما بر آنکه اگر من بر آن بنا بر ایدل دایم نمودم
نمرا بیفتند و هر آنکه بد اخلاق و نادر حق از من سر زد بهار
باز درون خانه من برود و در آن در درگاه جزا و نرد
عذر جفا من کردم و در آن درگاه محرابم شام اگر باز
من بد اخلاق دیدید بر سر بیفتند و من فراموش که در سندان
را غیب بنماید تا بر آن آید تا استغاب فردا صید
و جاسته با کشته و اما هر کس که با من فرود بر آن من
هر سر از این برود من از ترافضی هستم و من اگر

سه شنبه
۸
اردیبهشت
۲۹
شعبان
28
April

من بر آن ترافضی دایم در آن بیفتد نمودم مرا بیفتن
و اید و اید که هر قدر من و هر قدر من که هر که منی بر آن و من
خدا با من و من یک فراموش از ترافضی بر این بیشتر قرآن
بخوان و دعای من که من کندم
بر سر و ما در برادران و فراموشی که ما در برادران ما
دانش خود من و من و هر آن که اگر فراموشی استوار
در راه خود من را نصیب من کرد بر آن من کرمیده و در آن
نمید که هر فراموشی که من کند بر آن مظلوم است

قرآن کریم: بگو در زمین گروش کنید و سگرید که پاران کار گناهکاران و
 بزحاکاران سگرید بوده است. (آیه 165)

ایمان حسین که در کربلا کشته شد و بعد از آن از من نبرد آن
 آرزوی من و دیگر بندگان است و امیدوارم که چون مقدس گشته ام
 و از تو پیش بروم و در زمان و غیره که انبیا رحمت پر
 دیدم مرا ببخشید و عفو کنید و اعیان را مرا ببخشید
 و اموال را ببخشید و اما جان را با من نماند
 و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 ۲۳ / ۱۶ / ۱۳۶۷

چهارشنبه
 ۹
 اردیبهشت
 ۳۰
 شعبان
 29
 April
 آذان صبح ۳:۳۳
 طلوع آفتاب ۵:۱۵
 آذان ظهر ۱۲:۰۹
 غروب آفتاب ۱۸:۴۹
 آذان مغرب ۱۹:۵۰

... پیش من برایش بر اهلان یا ...
 بر اهلان عزیز من صدقه داد که در نماز بودم اگر خداوند
 قبول کند در راه ما اهدا کند و بپسوند ان شاء الله تعالی
 من کردم اعیان را با من و جان و کوشش که قید آید
 از من بعد هم و از من بعد هم که در نماز بودم
 خداوند بر دارم و در روز قیامت که فرستد
 اگر بر خود بودم از من در راه اهدا کردم که مرا ببخشید

پنجشنبه
 ۱۰
 اردیبهشت
 ۱
 رمضان
 30
 April
 آذان صبح ۴:۳۱
 طلوع آفتاب ۵:۱۱
 آذان ظهر ۱۲:۰۲
 غروب آفتاب ۱۸:۵۰
 آذان مغرب ۱۹:۵۰

فتوگویی برای اصل است





نام: ابراهیم
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: شهربانو
تاریخ تولد: بیست و چهارم تیر 1347
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و نهم تیر 1366
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ۱ از شما می‌خواهم که دائم در فکر جبهه باشید.
- ۱ از مسئولین و آنها که در ادارات کارهای مردم را به‌عهده دارند می‌خواهم که قدر این مردم را بدانند.
- ۱ شهدا ناظر اعمال شمايند؛ آنها برای اسلام جان دادند.
- ۱ مبدا شما با کارهایتان باعث پايمال شدن خون شهدا شوید که در قیامت باید جوابگو باشید.
- ۱ از همه می‌خواهم که در هر کاری خدا را در نظر داشته باشید و برای خدا کار کنید.
- ۱ به نمازهایتان بیشتر اهمیت بدهید. برای آخرت کار کنید.
- ۱ در حفظ نظام جمهوری اسلامی بکوشید که کوچکترین سستی در حفظ نظام باعث مسئولیت بزرگ در پیشگاه خداوند است.

ابراهیم حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

ابراهیم حسینی، فرزند حاجی علی اکبر شماره شناسنامه، 382، تولد 1347
«ولا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياءٌ عند ربهم یرزقون»¹.

«آنها که در راه خدا به شهادت می‌رسند و از جان و مال خود می‌گذرند، تا اسلام عزیز زنده بماند مرده مپندارید که آنها زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند». با درود خالصانه به پیشگاه مقدس و با عظمت آخرین ذخیره الهی برای نجات عالم و دادگستر و مصلح کل جهان حضرت بقیة الله الاعظم (عج) و نایب برحقش امید مستضعفان جهان، او که در این دنیای کفر و الحاد پرچم اسلام عزیز را برافراشت و اسلام راستین را به ما معرفی کرد و برای اجرای احکام خدا به پا خاست، خمینی بزرگ و با درود بر شهدای جبهه حق و با سلام بر خانواده شهدا و اسرا و مفقودین و معلولین.

خدا را سپاس می‌گویم که در زمانی و در جامعه‌ای زندگی می‌کنم که نمونه‌ای از حکومت عدل الهی پیامبر (6) و علی (7) در آن حکمفرماست و خدا را شکر می‌کنم که به من توفیق داد در این مدت از خدمتگزاران این حکومت اسلامی باشم و در راه اعتلای کلمه «لا اله الا الله» از همه چیز بگذرم و برای رضایت خدا فقط، رو به سوی جبهه نور علیه ظلمت، جبهه حق علیه باطل بیایم و با دیگر برادران زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) باشم. خدایا شکر را می‌گویم که در این مدت همیشه با عشق و محبت به خمینی زیستم و همیشه گوش به فرمان او بودم.

پیام من به شما برادران و خواهران عزیزم این است: الان که تنها حکومت اسلامی در ایران تشکیل شده است، به رهبری امام بزرگوارمان خمینی بت‌شکن، همیشه پشتیبان و مدافع او باشید. در حفظ نظام جمهوری اسلامی بکوشید، که کوچکترین سستی در حفظ نظام جمهوری باعث مسئولیت بزرگ در پیشگاه خداوند است؛ و مورد بازخواست همه اولیاء الله و ضامن خون شهدا خواهید بود. آنهایی که برای تشکیل و حفظ این نظام از زندگی و زن و فرزند گذشتند، تا این نظام بحمدالله محکم و استوار پابرجا بماند. و از شما

می‌خواهم که دائم در فکر جبهه باشید که به فرموده امام عزیز، «هر کس قدرت دارد سلاح بردارد، باید به جبهه برود و هر کس نمی‌تواند، باید پشت جبهه کمک کند»¹، با زبان و مال و به هر شکلی که بتواند، نگذارد که در پشت جبهه منافقین²، این از خدا بی‌خبران، در دل مردم و سوسه کنند و خدای ناکرده مردم را دل‌سرد کرده، نسبت به جنگ با نظام مقدس جمهوری اسلامی، که آنها یعنی منافقین، تنها هدفشان اجرای دستورات ابرجناایتکاران شرق و غرب است.

از مسئولین و آنها که در ادارات کارهای مردم را به‌عهده دارند، می‌خواهم که قدر این مردم را بدانند و با اذیت کردن آنها، آمریکا و شوروی را خوشحال و شهدا را ناراحت نکنند. و از خواهرانم می‌خواهم که همیشه حفظ حجاب را بکنند که این دستور اسلام است و باعث خواری و ذلت ابرقدرت‌ها و منافقین داخلی [می‌شود] که می‌خواهند با بی‌حجابی مملکت را به فساد بکشند. ای خواهران، بدانید که شهدا ناظر اعمال شمايند؛ آنها برای اسلام جان دادند. مبدا شما با کارهایتان باعث پایمال شدن خون شهدا شوید که در قیامت باید جوابگو باشید. در پایان از همه می‌خواهم که در هر کاری خدا را در نظر داشته باشید و برای خدا کار کنید و به نمازهایتان بیشتر اهمیت بدهید. برای آخرت کار کنید که دنیا محل‌گذری بیش نیست.

در پایان از پدر و مادرم می‌خواهم الان که خداوند شهادت را نصیب کرده است، ناراحت نباشید بلکه خوشحال باشید که در قیامت روسفید هستید. و از شما می‌خواهم اگر خطا و اشتباهی از من سر زده و باعث اذیت شما بوده، مرا حلال کنید و ببخشید. همچنین از برادران و خواهرانم نیز می‌خواهم که: مرا حلال کنید. و شما ای پدر و مادر و برادر و خواهر عزیزم، همیشه پشتیبان و گوش به فرمان امام باشید که فرمان امام خداست و اطاعت از امام باعث سعادت دنیا و آخرت است.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگه‌دار.

به امید پیروزی لشکریان اسلام و باز شدن راه کربلا و نابودی صدام و ضدانقلاب.

ابراهیم حسینی

1- تبیان، دفتر 24، (جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، ص 58، 131-133، 136).

2- ر.ک. تعلیقات.

بسمه تعالی
موضوع: ۱
دستی نامه زندگان

این دستی نامه انسان را میگرداند و وقت بن ابراهیم حسینی بنام خیر

- ۱- برای روز نهم و نهمه پیشوند نکات از نظر آید و نوشتن وصیت نامه خود بر طاعت تکلیف
- ۲- شهادت گام اول - ابراهیم حسینی زندگانی که ابراهیم حسینی بنام ۳۸۲ قوا ۱۲۹۲
- ۳- هدف از آموختن به جیب
- ۴- آ...

والا احسن الذین تتلوا فی سبیل الله انوار علی اجداد عند الله روزتون

اینکه در راه خدا به نجات می رسند و در حال وصل خود می گویند و در تمام روز زنده
مانند عهد و پیمان است که آن روز که خداوند در روز دگر با جان خود ظهور

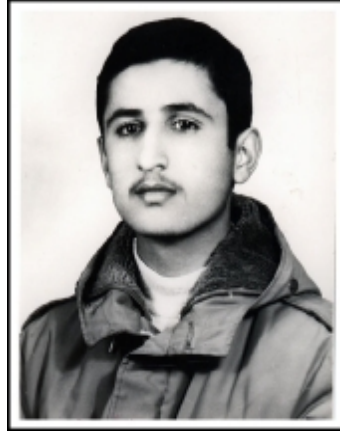
در روز خلاصان و کلمات است که در قرآن از غیر الله حضرت بر این است تمام
مادگی و صلح کردن حضرت از قبل الله الاعظم حج و عیبه بر نفس سید ستمانی
چون که کسی در این دنیا که تو را ملازم کردیم اسلام عزیز را بر او زلفت و سلام را استین
به دست معنی کرده در میان اولی اکرام خواهد باشد که غرض از او و او را در روزهای بعد
خود سلام بخواند و در راه راه بر او در غنچه من و خدا من

خدا را سالیان من گویم که در روزی که تمام کنیزان در محرم است محل الهی را میبرد و گوی
در آن مکتب حاصل و قدا را بگویم که در این نوشته در روزی است که در روز شکر از
روز این مکتب است الهی بنم و در راه است تمام که الله اعلم الله اعلم

صفحه ۴

گزارش دوران رضایت و نشاط در پیشگاه عظیم نور علیها صلوات الله علیها من بعد علیها
بایم و بار برادران زینبیه از حکمت و علم الهی صورت گرفته و هر چه از علم و حکمت
شیرت در کتب است در این مدت صحت باطن و صحت جسمی و جسمی و جسمی در این دوران
ار بر من بایم من بر بایم بر اساس و ضوابط و ضوابط است الان که
از حکومت اسلامی در ایران تشکیل شده است همه مردم امام بزرگوار را در عین مناسبت
همه یک جان و روح و اندام و در حفظ نظام جمهوری اسلامی بکوشید
گویند من سعی در حفظ نظام جمهوری است سعادت و سعادت بزرگ در پیشگاه خداوند
و مورد رضایت و رضایت همه ایالت و بلاد و مسلمانان و غیره و غیره و غیره
آنرا که در این نظام و حفظ این نظام از هر چه در توان دارید در این نظام
حجرت امام حکم و استوار بر ما بزرگواران و خواهیم که امام در دست و پا بماند
که بزرگواران عزیز هر کس قدرت دارد صلاح بر دارد باید همه برود هر کس می تواند
باید یک عیبی که کند از زبان و مال و هر چه که بتواند بگذرد که در وقت عیب
تأخیرین است از پیشان بزرگان در حال عدم هر که است در وطن بگذرد همه را بگذرد
که در وقت صحت نظام است که جمهوری اسلامی است از این تا این تا این تا این تا این

نام: سید تقی
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: ساره
تاریخ تولد: بیستم فروردین 1345
محل تولد: شهرستان گنبد کاوس
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و یکم اسفند 1363
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان شاهرود



عبارت های کلیدی

- ا بکشید خود را به سلاح تقوی مسلح سازید.
- ا مبدا ظاهر زیبا و فریبنده دنیا شما را از سعادت اخروی بی نصیب سازد.
- ا امروز را که فرصت جبران برای همه باقیست، مغتنم شمارید.
- ا دین خود را برای این دنیای بی ارزش و فانی از دست مدهید.
- ا با کمال افتخار و داوطلبانه گام در راه جهاد فی سبیل الله گذاشتم و به یاری اسلام و امام عزیز شتافتم.
- ا از سختی های راه مهراسید و روح الله را تنها مگذارید.
- ا نگذارید حب مال و جاه خانواده شما را از مسیر عبودیت الله به در سازد.
- ا در دنیا به فکر آخرت باشید که دنیا گذرگاهی بیش نیست.

سیدتقی حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

«أنا لله و أنا اليه راجعون».

«شهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و ان محمداً عبده و رسوله و انه مقررٌ بجميع الأنبياء و الرسل عليهم السلام و انّ علياً وليّ الله و امامه و انّ الأئمة من ولده ائمتته و انّ اولهم الحسن و الحسين و علي ابن الحسين و محمد ابن علي و جعفر ابن محمد و موسى ابن جعفر و علي ابن موسى و محمد ابن علي و علي ابن محمد و الحسن ابن علي و القائم الحجة عليهم السلام و ان الجنة حق و النار حق و الساعة آتية لا ريب فيها»¹.

«و الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين، اللهم صل على محمد و اله و بلغ بايماني اكمل الايمان و اجعل يقيني افضل اليقين و اته بنيتي الي احسن النيات و بعملى الي احسن الاعمال»².

وصيت نامه اينجانب سیدتقی حسینی فرزند علی اکبر متولد 1345 در حالی که بالغ و عاقل هستم و با آگاهی کامل و با کمال افتخار و داوطلبانه گام در راه جهاد فی سبیل الله گذاشته و به یاری اسلام و امام عزیزم شتافتم.

با درود و سلام بر حجت ثانی عشر آخرین اختر آسمان ولایت مولی حجت ابن الحسن المهدي (عج) روحی له الفداء؛ و درود بر نایب برحقش پیر جماران و عزیز عزیزان و نور چشم مستضعفان امام امت خمینی کبیر؛ و درود بر عاشقان به معشوق رسیده و پروانگان بال و پر سوخته؛ و درود بر جانبازان انقلاب و امت مقلد امام؛ و درود بر تمامی جان بر کفان عرصه نبرد حق علیه باطل و درود بر شما پدر و مادر عزیزم.

«فاصبر صبراً جميلاً»³ «در زندگی صبر را پیشه کنید که خداوند با صابران است»

از سختی های راه مهراسید و روح الله را تنها مگذارید. این راه هر چند پررنج است، ولی لذت ابدی شما را تضمین می نماید. این کوچه هر چند پر پیچ و خم است، ولی در انتهایش

1- مصباح المتعجل، ج 1، ص 17. فی ذکر غسل میت.

2- برگرفته از صحیفه سجادیه، «در مکارم اخلاق».

3- معارج/5.

خانه معشوقه ماست. شیاطین بر آنند که بندگان خدا را از راه عبودیت خالق بی‌همتا بیرون برند و نگذارند که بنی آدم روی سعادت را ببینند، پس بکوشید خود را به سلاح تقوی مسلح سازید که شیاطین را قدرت نبرد با متقین نیست و خداوند متقین را وعده پیروزی داده است.

مبادا ظاهر زیبا و فریبنده دنیا شما را از سعادت اخروی بی‌نصیب سازد و شما را بر آن دارد که در روز حشر سرافکنده و خجل باشید و انگشت حسرت به دهان گیرید؛ و روزی پشیمان شوید که پشیمانی سودی ندارد. امروز را که فرصت جبران برای همه باقیست مغتنم شمارید و نگذارید حب مال و جاه و خانواده شما را از مسیر عبودیت الله به‌در سازد، زیرا در روز جزا مال و فرزند و جاه و مقام نفعی ندارد و تنها عمل صالح است که شما را در جنات قرین رحمت می‌سازد. در دنیا به فکر آخرت باشید که دنیا گذرگاهی بیش نیست. «کل نفس ذائقة الموت»¹. «مرگ آفت تمامی آمال و آرزوهای دنیایی شماست» پس با هوشیاری و توجه نگذارید شیطان شما را از رسیدن مرگ غافل سازد. به رفتگان بنگرید؛ کدامینشان با خود توانسته‌اند ذره‌ای از جیفه دنیا ببرند؟ دین خود را برای این دنیای بی‌ارزش و فانی از دست مدهید.

این کاخ که می‌باشد گاه از تو و گاه از من جاوید نمی‌ماند خواه از تو و خواه از من بنگرید به شهیدان که چگونه پیام امامشان را لیبک گفته و با همه چیز و همه کس جز خدا وداع کرده‌اند، پس راهشان را پیش گیرید و بدانید که پیام آنها و پیام ما اطاعت کامل از امام خمینی و تقلید از او که مرجعیت و رهبریتش اظهر من الشمس است می‌باشد. در آخر، از شما پدر و مادر عزیزم و تمامی اقوام و آشنایان و دوستان طلب حلالیت دارم و از همگی تقاضا دارم برای این حقیر از درگاه رحمت الهی طلب مغفرت کنید. و در ادامه راه شهدا تا حد امکان بکوشید.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

بنده حقیر خداوند، سیدتقی حسینی

10/ اسفند / 1363

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگه دار.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اِنَّ لِلّٰهِ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاغِبُونَ

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ وَاَنَّهُ مَقْرَّبٌ بِجَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاَنَّ عَلِيًّا وَآلَهُ الْاَبْرَارُ وَاَنَّ الْاَلَمَةَ مِنْ وَلَدِهِ اَحْمَدَةُ وَاَنَّ اَوْلَادَهَا الْمُسَنِّ وَالْحُسَيْنِ وَوَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدَ بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوَيْزٍ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالشَّامَ الْخَبَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَنَّ الْبَيْتَةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ اَيْتَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْمُنَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَبَلِّغْ بِاِيْمَانِي اَكْمَلَ الْاِيْمَانِ وَاَجْعَلْ لِيْغِيْ اَفْضَلَ اَلْيَمِيْنِ وَاَيْتَةَ بَيْتِيْ اِلَى اَحْسَنِ النَّسَبِ وَاَيُّهَا اَلْحُسَيْنُ الْاَتْمَالِ .

و مصنفه امیرانیا شب سید مرتضی حسینی فرزند علی اکبر تولد ۱۳۴۵ در ماه بهمن سال ۱۳۴۵ در کاشان و در ۲۸ شهریور ۱۳۸۵ در راه جادوی سبیل اقدس از دسته دویار به رسم و راهم عزیزم شاتم .

با درود و سلام بر حجت ثانی خضر اسفند اختر آسمان ولایت مولی حجت ابن الحسن المهدی (عجل الله فرجه و یشرفه) روح الامراء و دود بر تائب برخش سپه چهاران و عزیز عزیزان و فد چشم مستضعفان امامت حسین کبیر ، و دود بر عاشقان بر عشقوی رسید و پروانگان بال در پر خنده و دود بر جانبازان آفتاب ولادت مقدس امام ، و دود بر تمامی جان بر کفان عرصه شید و حق علیه باطل و دود بر شاه پدید و دود عزیزم .

فاشیر صبراً حبیباً - در زندگی صبر را چشمه کنسید که نماند با صابران است.

از تقویای راه همراهید و روح اقدس را قضا کند لید ، این راه بر چند پرده است ولی لذت ابدی شمارا نصیبین بنماید ، این کوه هر چند پر پیچ و خم است ولی در انتهاش خانه مشرفه قداست . شباهین بر آسند که ننگان خدا را از راه عبودیت خالق با حق بیرون برند و گفتند که این آدم روی سادت را ببینند ، پس بکشید خود را با سلاح تقوی مستغنی سازید که شباهین را قدرش نبود داشتن جیب و نماند از مشقین را دود سپه و زکا داره است .

بدان کا هر زیبا و فرخنده دنیا شمارا از سعادت اخری با نصیب سازد و شمارا بر آن دارد که در دوزخ سحر سارکنده و فصل باشد و انگشت مرگ بر جان گیرید و در روزی پشیمان شوید که پشیمان نمودن ندارد ، امروزه را که فرصت حیران برای حق است منتقم شوید و نگذارید حق مان و راه و راه نراه شمارا از سر عبودیت الله جدا سازد زیرا روز حسام مان و قدرند و جاه و مقام نفس ندارد و تنها عمل صالح است که شمارا در جنت ، قرین جنت می سازد . در دنیا بیکر آفرین باشد که دنیا نگذارد هیچ نیست (عجل التضرع زائنة التورث) مرگ ، آفت تمامی آمل و آرزوهای دنیا را می شست پس بهر شیری و توجه نگذارید و نشان شمارا از رسیدن مرگ تا نفس سازد ، بر دستگان بگرد که نشان ؛ خود خوانسته اند زده ای از حیزه ونا برود ، دن خود را

بما را ظاهر زیبا و فریبنده دنیا شمارا از سعادت اخروی با نصیب سازد و شمارا بر آن دارد که در روز خسر سزاگنده و نخل باشد
و انگشت حسرت بر جان گسید و روزی پشیمان شوی که پشیمان نمودی نزاره ، امروزه را که فرصت جبران برای عمر باقیست
منتهم شمارید و نگذارید ب مال و جاه و خانزاده شمارا از مسیر عبودیت الهی بده سازد زیرا در روز حسد مال و دستزند و جاه و مقام
نفعی ندارد و تنها عمل صالح است که شمارا در جنات ، قرین رحمت می سازد . در دنیا بنگر آخرت باشید که دنیا گذرگاهش نیست
(کل نفسین ذالقیة الموت) مرگ ، آفت تمامی آمل و آرزوهای دنیای ثنات پس با هر شیاری و توجه بگذرد پدیشان
شمارا از رسیدن مرگ غافل سازد ، به رفتگان بگریه که لبیشان ؛ خورتوانسته اند ذره ای از جینه دنیا بپزند ، دین خود را
برای این دنیای با اندیش و نالی از دست دهید .

باینه کاخ کعبه سجد گناهان تو و گناهان من
با دین نماند خواه اند تو خواه اند من

بگریه بر شیدان که چند نسیام ایشان را بیک گفته و با هم چیز هم کس جز خدا و داع کرده اند ، پس راهشان را پیش گیرید و
برانید که پیام آینه و پیام امامت که از امام عین و تقصید نوزاد که بر حقیقت و هر پیش از نظر من التمس است میباشد .

در آخر از شما چه دردمان نریزم و تمامی توام و آشنایان و دوستان هب محبت دارم و از همگی شکایت دارم برای این خیر از روزگاره
رحمت الهی طلب مغفرت کنید و در راه راه شده اما همانا بگوشید ،

وَالسَّلَامُ عَلٰی سَائِرِ الْمُرْسَلِیْنَ

۱۰ خرداد ۱۳۶۳

سید علی حسینی

خدا بخدا یا انقلب سهری حتی کنار صدف خمینی را بگذار - بنده ضعیف و ناتوان - سید علی حسینی

نام: سیدحسین
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: محمد
نام مادر: اشرف السادات
تاریخ تولد: 1344/9/28
محل تولد: سمنان
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: 1361/9/3
محل شهادت: عین خوش
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ا شهادت مرگ نیست، زندگی است.
- ا شهادت یک هدف است، یک اصالت است.
- ا ما را از شهادت چه باک، شهادت در راه خدا و قرآن مایه افتخار و سعادت ماست.
- ا شهادت برای عشاق از غسل هم شیرین تر است.
- ا شهدا گلدسته های جنت جاویدند.
- ا ما آگاهانه، عاشقانه راه امام حسین (7) را انتخاب کردیم.
- ا تنها سلاح زن حجاب است.
- ا خط امام حق است.
- ا جبهه ها را پر کنید. سنگرها را خالی نگذارید.
- ا صدور انقلاب به جبهه ها بستگی دارد.

سیدحسین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون»¹.

حمد و سپاس خدای را که ما را آفرید و این جهان وسیع و پهناور را در اختیار ما قرار داد تا وظیفه خود را بشناسیم و آن هم مسئولیتی بس بزرگ است که همانا خدای یکتا را عبادت و بندگی کنیم. سپاس خدای را که به ما توفیق داد تا در زمان حیات امام به دنیا بیاییم² و سرباز وی شویم ما که در کربلای³ امام حسین (7) نبودیم ولی برای ما سبب بسی افتخار و سربلندی است که در جبهه‌ها اسلام را یاری کنیم و با بازوان پرتوان⁴ خویش بتوانیم پرچم افتخارآمیز اسلام را در سرتاسر کره زمین به اهتزاز درآوریم و به دشمنان اسلام بفهمانیم که اسلام دین⁵ خداست و در دین خدا ظلم و ستم نیست⁶ آنچه است رحمت و امیدواری است. حمد و سپاس خدای را که یادش⁷ آرام‌بخش⁸ قلوب است که (الا بذكر الله تطمئن القلوب)⁹ به نام خدای [از] عزوجل که با [...] ¹⁰ این نام از دل‌ها برداشته شده پس [...] ¹¹ محبت که به این نام در سینه‌ها نگاشته شده و به نام او که همه چیزم از اوست و معشوق و معبودم اوست و به نام او که طاعتش موجب حرکت و به شکرانه‌اش [...] ¹² نعمت.

1- بقره/ 154.

2- در اصل وصیت «بیاییم».

3- در اصل وصیت «کلاربلای».

4- در اصل وصیت «پوتوان».

5- در اصل وصیت «دینی».

6- در اصل وصیت «نیش».

7- در اصل وصیت «یادش».

8- در اصل وصیت «آرم‌بخش».

9- رعد/ 28.

10- خوانا نیست.

11- خوانا نیست.

12- خوانا نیست.

و با سلام به منجی عالم بشریت مهدی موعود(عج) و نایب برحقش امام امت بنیان‌گذار¹ جمهوری اسلامی ایران این ابرمرد² تاریخ که توانست بعد از سال‌ها خون‌دل³ خوردن این ملت در خموشی⁴ و خمودی⁵ فرو رفته در سرزمین جهل و ظلمت و بی‌ایمانی را به وادی نور و روشنایی و ایمان هادی شود و این مردم را به سوی کمال مطلق رهنمون سازد و با سلام و درود بر روان پاک شهیدان راه حق و فضیلت، شهیدانی که⁶ عاشقانه در راه معشوق خود گام نهاده و تا آخرین نفس جنگیدند و در آن لحظه‌های آخر عاشقانه جان را به جانان سپردند و به لحظه وصل خود رسیدند و با سلام و درود بیکران به امت شهیدپرور حزب‌الله که در راه اسلام خدمتگزاری⁷ می‌کنند و در راه یاری دین اسلام کوشا هستند و برای یاری قرآن خدمت می‌کنند بیانات خود را آغاز می‌کنم.

«انا لله و انا الیه راجعون»⁸ طبق⁹ این آیه شریفه ما امانتی هستیم در نزد [...]¹⁰ خدای که این امانت چند روز در دست ما نخواهد بود و زمان آن هم محدود به عمر ما هرچه داریم زندگی مال و جان همه امانتی در دست ما قرار دارد و همه از آن خداست و باید تحویل او دهیم و چه بهتر زمانی از زمان ما که به نحو احسن می‌توانیم این امانت‌ها را در راه احیای¹¹ دین اسلام و برقراری نظام اسلام آن را به خدا تحویل دهیم پس اگر من و همسنگرانم در راه دفاع [از] دین اسلام و یاری امام و باقی بودن قرآن شهید بشویم این مسئله نباید موجب نگرانی و ناراحتی باشد زیرا شهادت یک اندوخته الهی است که تمامی ائمه شیعه از

1- در اصل وصیت «بنیان‌گزار».

2- در اصل وصیت «عبرمرد».

3- در اصل وصیت «خون‌دل».

4- در اصل وصیت «خموشی».

5- در اصل وصیت «خموری».

6- در اصل وصیت «مکه».

7- در اصل وصیت «خدمتگزاری».

8- بقره/ 156.

9- در اصل وصیت «منطبق».

10- خوانا نیست.

11- در اصل وصیت «احیای».

آن فوز عظیم¹ بهره‌مندند² و شهادت مرگ نیست زندگی است شهادت فنا نیست بلکه باقی ماندن در عالم بقاء است شهادت یک هدف است یک اصالت است ما را از شهادت چه باک شهادت در راه خدا و قرآن مایه افتخار و سعادت ماست آیا مگر از شهادت بالاتر چیزی هم هست شهادت برای عشاق از غسل هم شیرین‌تر است این شهادت چیست که قلب‌ها و دل‌های عاشقان را آکنده از عشق کرده است³ این چه نعمتی است که بر دل‌های عشاق بسته شده⁴ است همچنان مانند آتش در دل‌های عشاق زبانه می‌کشد شهدا [شهدا] ذخایر عالم بقائند و شهادت هدیه‌ای است الهی که این شهدا از قطره‌های کوچک باران گذشته و به دریای معنویت نشستند و آنکه در دریای خون شناور گشتند به ساحل جاودانی و سعادت رسیدند. شهدا گلدسته‌های جنت جاویدند. ای شهیدی که سراسر وجودت نور ایمان بود خوشا⁵ به حالت کسانی که می‌خواهند به لقاء الله برسند باید زحمت‌ها را متحمل شوند قطرات خون شهیدان آیه‌های پیروزی است برای رزمندگان و این آیه‌ها وعده‌های⁶ پیروزی را برای رزمندگان نوید می‌دهد و آنها را هرچه امیدوارتر به پیروزی می‌کند.

من اکنون در راه اسلام قدم برمی‌دارم و برای خدا گام نهاده‌ام آیا جز جانم سرمایه‌ای باارزش‌تر دارم که برای اسلام فدا کنم پس تو ای خداوند بزرگ این هدیه ناقابل⁷ را به درگاہت قبول بفرما و مرا شرمنده اعمالم مکن. ما آگاهانه، عاشقانه راهی را انتخاب کردیم⁸ که این راه راه امام حسین (7) است امام بزرگوارمان را در خط حسین (7) و انبیاء و خدا دیدم و عاشق او شده و فرمانش را با جان و دل و با تمامی وجود پذیرا شدم رو سوی

1- در اصل وصیت «عظیم».

2- در اصل وصیت «بهرمندند».

3- در اصل وصیت «یست».

4- در اصل وصیت «شده».

5- در اصل وصیت «خوشحا».

6- در اصل وصیت «وعده‌های».

7- در اصل وصیت «ناقابل».

8- در اصل وصیت «کردم».

جبهه‌ها کردم و آماده هر گونه [...] ¹ از خودگذشتگی کردم.

پدر و مادر عزیزم را سلام عرض می‌کنم امیدوارم از اینکه نتوانستم برایتان کاری انجام دهم ² مرا ببخشید. پدر و مادر عزیزم هم‌اکنون که در حال [...] ³ در جبهه‌ها به‌سر می‌برم ولی جدم همیشه مرا یاری می‌کند و در [...] ⁴ است. پدر و مادر عزیزم حالا لحظه جدایی ⁵ من و شماست و لحظه [و] وداع ⁶. پدر و مادرم نتوانستم برای آخرین بار چهره‌های شما را زیارت کنم [...] ⁷ پدرم و مادرم حتماً در انتظار دامادی ⁸ من بودید ولی من احتیاج به دامادی شما نداشتم من از قبل با خدایم این وعده را گذاشته بودم که داماد او خواهم بود ای سروران گرامی ⁹ اگر من شهید شدم من را در جوار بقیه شهدا دفن نمایید ¹⁰ و بر قبر من نویسید جوان ناکام چرا چون من به کام خود رسیدم آیا مگر کامی هم از شهید شدن بالاتر هست امیدوارم که ادامه دهنده راهم باشید و همیشه امام عزیز را دعا و مرا نیز حلال کنید من برای پاسداری از اسلام و انقلاب به جبهه رفتم پس چرا ناراحت و نگران ¹¹ هستید مادرم بعد از شهادتم گریه نکن چرا چون مایه افتخار شماست که فرزندی [در] راه جامعه اسلامی تقدیم نموده‌اید ای بزرگوارانم دنباله‌رو راه من باشید که همانا من در راه امام گام نهادم [که این گام] برای امام راه خداست [سپس] این راه سعادت واقعی است که در آن نهفته است برادران عزیزم: امیدوارم که بعد از من همچنان مردانه در جبهه‌ها تا آخرین لحظه‌ای که در توان دارید حضور داشته باشید و نگذارید اسلحه من به زمین بیفتد ¹²

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «هد ه».

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «جدائی».

6- در اصل وصیت «وداء».

7- خوانا نیست.

8- در اصل وصیت «دامای».

9- در اصل وصیت «گرامین».

10- در اصل وصیت «نمائید».

11- در اصل وصیت «نگانگران».

12- در اصل وصیت «بیفتد».

نگذارید اسلحه من سرد بشود که با گرم نگه داشتن همین اسلحه‌ها و جبهه‌ها اسلام هم گرم نگه داشته می‌شود و همچنان از راه همین اسلحه‌ها و جبهه‌ها و سنگرهاست که زمینه صدور انقلاب مهیا می‌شود و صدور انقلاب به جبهه‌ها [ی] بستگی دارد شما باید اسلام را یاری کنید و با مجاهدت‌ها و سلحشوری‌ها اسلام را زنده نگه دارید و از خداوند استعانت بجوید¹ تا توفیق آن را به شما بدهد که خدمتگزار² اسلام باشید.

خواهرانم در حفظ حجاب کوشا باشید که تنها سلاح زن حجاب است و شما به تربیت فرزندانان کوشا باشید آنها را اسلامی پرورش دهید تا همواره طرفدار اسلام باشند و همیشه پشتیبان اسلام باشند و همیشه [و] در حفظ قرآن و اسلام کوشا باشند و در پرورش نسل‌هایی³ دقت نمایید⁴ که خوی اسلام در ذات آنها نهفته است. قومان و خویشانم: از خدا استعانت بجوید⁵ من شما را به اسلام دعوت می‌کنم و سعادت شما را تنها در خط امام بودن پیش‌بینی⁶ می‌کنم که شما در راه امام باشید و یاور او باشید.

دوستانم و علاقه‌مندانم راه مرا ادامه دهید که همانا حق است حالا درک نکنید، وقت مرگ در بستر درک خواهید کرد که خط امام حق است و راه حقیقت اسلام و اسلامی شدن است و جبهه‌ها را پر کنید و سنگرها را خالی نگذارید و در مورد اموالم بگویم صاحب اختیار پدرم است و هرچه [دست او] داد همان است اگر توانستید خرجی در ماه رمضان بدهید بهتر است و در مورد طاعاتم من 30 روز روزه و به قدر یک سال نماز بدهکارم. که تا جایی که توان دارم در اینجا بجا می‌آورم و باقی آن به عهده امت و دوستانم و همسنگرانم است و من از همه مردمی که از من بدی و خطایی⁷ دیدند باید حلالیت بطلبم.

1- در اصل وصیت «بجوئید».

2- در اصل وصیت «خدمتگذار».

3- در اصل وصیت «نسلهائی».

4- در اصل وصیت «نمائید».

5- در اصل وصیت «بجوئید».

6- در اصل وصیت «پیشبینی».

7- در اصل وصیت «خطای».

دیگر عرضی ندارم جز سلامتی تمامی مسلمانان از درگاه خداوند عزوجل برای همیشه
خداحافظ، خداحافظ، خداحافظ.

مورخه 63/12/8

الحقیر سیدحسین حسینی

ملتمس دعا

روبه صفتان زشت‌خوی را نکشند¹
مردار بود هر آنکه [تا] او را نکشند

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
گر عاشق صادقی ز مردن مه‌راس²

وقتی سراغم آیی که نیستم³

ای دوست تا هستم ندا [نی] کیستم

«و من الله توفیق»

1- این شعر را بر سنگ قبر میرزاده عشقی شاعر نوشته‌اند اما هیچ مدرک مستندی در اختیار نیست که اثبات کند شاعر آن میرزاده عشقی است.

2- در اصل وصیت «محراس».

3- در اصل وصیت «نیسم». این شعر اثر شهریار است با اندک تغییر چنین است.

تا هستم ای رفیق ندانی که کیستم روزی سراغ بخت من آیی که نیستم

دیوان شهریار دوره 3 جلدی.

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله امواتا بل احياء ولكن لا تعلمون

حمد و سپاس خدای را که ما را آفرید و این جهان وسیع و پهناور را در اختیار ما قرار داد تا وظیفه خود را بشناسیم و آن هم مسوولیتی بس بزرگ است که همانا خدای یکتا را عبادت و بندگی کنیم . سپاس خدای را که به ما توفیق داد تا در زمان حیات امام به تامل باقی بمانیم و سر بازی شویم ما که در کتربلای امام حسین (ع) نبودیم زلی برای ما سبب بسی افتخار و سربلندی است که در جبهه‌ها اسلام را مانی کنیم و با با زوان بتوان خوش بتوانیم بر جم افتخار آیم اسلام را در سر تا سر کوه زمین به اهتزاز در آوریم و به دشمنان اسلام بقیانیم که اسلام دینی خداست و در دین خدا ظلم و ستم نیست آنچه است رحمت و امید واری است . حمد و سپاس خدای را که یادش آرام بخش قلوب است که (الا يذكر الله نطمعن الللوب) بنام خدای از عزوجل کجا؟ این نام از دلها برداشته شده پس صحبت که به این نام در سینه‌ها نگاشته شده و بنام او که همه چیز از اوست و معشوق و معبود اوست و بنام او که ملا متشوق جیب حرکت و به شکرت نه اش نعمت .

و با سلام به منجی عالم بشریت مهدی موعود و نائب بر حقش امام استخیا ننگار جمهوری اسلامی ایران این صبر مره تاریخ که توانست بعد از سالها خوندل خوردن این ملت در خموشی و خموشی نوری رفته در سوز زمین جهل و ظلمتو بی امانی را به وادی نورو روشنائی و ایمان هادی شود و این مردم را بسوی کمال مطلق رهشون سازد و با سلام و درود بر روان پاک شهیدان راه حق و فضیلت شهیدانی که ما شقانه در راه معشوق خود گام نهادیم و تا آخرین نفس جنگیمند و در آن لحظه‌های آخر ما شقانه جان را به جانان سپردند و به لحظه وصل خود رسیده و با سلام و درود بیکران به انشهید برور حزب الله که در راه اسلام خد متگذار می کنند و در راه بانی دین اسلام کوشا هستند و برای پاری قرآن خدمت ده کنند بیانات خود را آغاز می کنیم .

انا الله و انا الله الهه را جعون) منطبق این آیه شریفه ما امانتی هستیم در نزد خد خدای که این امانتچند روز در دست ما نخواهد بود و زمان آن هم محدود به عمر ما هر چه داریم زندگی مال و جان همه امانتی در دست ما قرار دارد و همه از آن غفلت و باید تحویل او دهیم و چه بهتر زمانی از زمان ما که به نحو احسن می توانیم این امانت را در راه دین اسلام و برقراری نظام اسلام آن را به خدا تحویل دهیم پس اگر من و همسنگانم در راه دفاع دین اسلام و برای امام و بانی بودن قرآن شهید بشویم این مسئله نباید موجب نگرانی و ناراحتی باشد زیرا شهادت یک اندوخته الهی است که تمامی آنه شعبه از آن فوز اعظم بهر مندند و شهادت تحسرت گریز نیست

است شهادت فنا نیست بلکه باقی ماندن در علم بقا است شهادت تیک هدف است یک اصل استاصفا را از شهادت توجه بساک شهادت در راه خدا و قرآن مایه افتخار و سعادت ماست آیا مگر از شهادت بهتر بهالاتر چیزی هم هست شهادت برای عشاق از عمل هم شیرینتر است این شهادت چیست که قلبها و دلهای عاشقان را آکنده از عشق کرده است این چه نعمتی است که بر دلها ی عشاق بسته آمده است همچنان مانند آتش در دلهای عشاق زیاده که شهادت شهادت شهادت ذخایر عالم بقا کنند و شهادت هدیه ای است الهی که این شهدا از قطره‌های کوچک باران گذشتن به دریای معنویت هستند و آنکه در دریای غسون شناور گشته به ساحل جاودانسی و سعادت رسیده . شهدا گلدسته های جنت جاویدند . ای شهیدی که سراسر وجودت نور ایمان بود خوشحالی حالت کسانی که می خواهند به لقای الله برسند باید زحمتها را متحمل شون فقط اوت خد و ن شهیدان آیه های بیرونی است برای زینندگان و این آیه ها و آیه های بیرونی را برای زینندگان نوبه می دهد و آنها را هر چه امیدوارتر به بیرونی می کند .

من اکنون در راه اسلام قدم بر می دارم و برای خدا گام نهادم آیا چه جاسم سر مایه ای با ارزختر دارم که برای اسلام خدا کنم پس تو ای خداوند بزرگ این هدیه ا ناقابل را با درگاهت قبول بفرما و مرا شرفند حاصل

مکن . ما آگاهانه عاشقانه راهی انتخاب کردم که این راه راه امام حسین (است امام بزرگواران را در خط حسین (ع) و انبیا و خدا دیدم و عاشق او و فرمانش را با جان و دل و با تمامی وجود پذیرا شدم و روسوی جبههها کردم و آماده هر گونه اش بودم از خود گذشتگی کردم .

پدر و مادر عزیزم را سلام عرض می‌کنم امید وارم از اینکه نتوانستم برایتان کاری انجام دهم صرا ببخشید پدر و مادر عزیزم هم اکنون که در حال در جبههها بسرمی برم ولسی جدم همیشه صرا یارت می‌کند و در برات من استخیر و مادر عزیزم حالا لحظه جدائی من و شماست و لحظه و دانه پدر و مادر من نتوانستم برای آخرت بار جبهه‌های شما را زیارت کنم ویدا پدرم و مادرم حقا در انتظار دامان من بودید ولی مصلحت احتیاج به دامادی شما نداشته ام من از قبل با خدا می‌آمیزم و راه را گذاشته بودم که داماد او خواهم بود ای سروران گرامیم اگر من شهید شدم من را در جوار بقیه شهدا دفن نماید و قبر من نویسد جوان نساگام چرا چون من یکم عود رسیدم آیا مگر گامی هم از شیب شدن

بالاتر هست امید وارم که ادامه دهفته راهم باشید و همیشه امام عزیز را دعا و مرا نیز حلال کنید من برای پاسداری از اسلام و انقلاب به جبهه رفتم پس چرا ناراحتونگا نگران هستید مادرم بعد از شهادت من گریه نکن چرا چون مایه افتخار شماست که فرزندی را جامعه اسلامی تقدیم نموده اند ای بزرگوارانم دنباله رو راه من باشید که همانا من در راه امام گام نهادم برای امام راه خداست سپس ابتداء سمادتوانی است که در آن نهفته است برادران عزیزم : امید وارم که بعد از من همچنان مردانه در جبههها تا آخرین لحظه ای که فر توان دارید حضور داشته باشید و نگذارید اسلحه من به زمین بیفتد نگذارید اسلحه من سرد بشود که با گرم نگه داشتن همین اسلحه‌ها و جبهه‌ها اسلام هم گرم نگه داشته میشود و همچنان از راه همین اسلحه‌ها و جبههها و سنگرها است که زمینه صدور انقلاب مهیا میشود و صدور انقلاب به جبهه‌های بستگی دارد شما باید اسلام را باری کنید و با مجاهدتها و سلحشوریا اسلام را زنده نگه دارید و از خداوند استعانت بجوئید . تا توفیق آن رابته شما بدهد که خداوند از اسلام باشید .

خواهرانم در حفظ حجاب کوشا باشید که تنها سلاح زن حجاب است و شما به تربیت فرزندانتان کوشا باشید آنها را اسلامی پرورش دهید تا همواره طرفدار اسلام باشند و همیشه پشتیبان اسلام باشند و همیشه و در حفظ قرآن و اسلام کوشا باشند و در پرورش نسلائی دقت نمایند که خوبی اسلام در ذات آنها نهفته است قویان و خوشبازم : از خدا استعانت بجوئید من شما را به اسلام دعوت میکنم و سعادت شما را تنها در خط امام بودن پیشینی میکنم که شما در راه امام باشید و ماور او باشید .

دوستانم و علاقه مندانم راه مرا ادامه دهید که همانا حق است حالا درک نکنید وقت مرگ در بستر درک خواهید کرد که خط امام حق است و راه حقیقت اسلام و اسلامی شدن است و جبههها را پسر کنید و سنگرها را خالی نگذارید و در مورد اموال من بگویم صاحب اختیار پدرم است و هر چه دست او داد همان است اگر نتوانستید خرجی در ماه رمضان بدهید بهتر است و در مورد طاعت من ۳۰ روز روزه و یکسال نماز بدهکارم . که تا جایی که توان دارم در اینجا بجا می‌آورم و باقی آن به عهده است و دوستانم و همسرانم استون از همه مردمی که از من بی‌خبری و خطائی دیدند باید حلالیت بطلبم .

دیگر عرضی ندارم جز سلامتی تمامی مسلمانان از درگاه خداوند عزوجل برای همیشه خدا حفظ و خدا حافظ
 خدا حافظ، خدا حافظ

مورخه ۶۲/۱۲/۸ الحقر سید حسین حبیبی ملتصی دعا

در صلح عشق جز نسگو را نکشند	روبه صفتان زشتیخوی را نکشند
گر عاشق صادق زه مردن محاس	مردار بود هر آنگه داورا نکشند
ای دوست تا هستم ندائی کمستم	وقتی سراغم آیی که نیستم

(ومن الله التوفیق)

نام: سیدعلی
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: علی اصغر
نام مادر: عذرا
تاریخ تولد: یکم تیر 1348
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا تنها اوست قادر یکتا که شما را از شر کافران و دشمنان نجات می‌بخشد.
- ا این مصیبت‌ها و دردها زودگذر و تمام شدنی است.
- ا خود را برای تحمل رنج‌ها و مصیبت‌ها آماده کنید و دل قوی دارید.
- ا بدانید آگاهانه قدم در راهی گذاشتم که پیغمبر عزیزمان به‌خاطر آن آزارها تحمل کرد.
- ا امامان و بزرگانمان همه برای حفظ این راه که اسلام می‌باشد فدا شدند.

سیدعلی حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

کم کم احساس می‌کنم که می‌توانم صدای دل‌نشین منادی را که ندای «یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک»¹ بر لب دارد را به گوش جان بشنوم و به ندای «هل من ناصر ینصرنی»² حسین زمان پاسخ گویم.

پدر و مادرم، مدت‌هاست که انتظار چنین روزی را می‌کشیدم؛ انتظاری که مرا از خود بیگانه کرده بود.

خانواده عزیزم من آن قدر خود را لایق این نمی‌دانم حتی وصیت یا سفارشی بکنم. ولی از آن جایی که پیغمبر اکرم (6) می‌فرماید هر که هنگام مرگ وصیت خوب و کامل نکند در مروت او [...] است و به شفاعت ما نایل نگردد، مجبورم چند کلامی به عرض شما برسانم؛ که این چند کلام را از وصیت سیدالشهدا (7) برای شما انتخاب نموده‌ام که می‌فرماید: خود را برای تحمل رنج‌ها و مصیبت‌ها آماده کنید و دل قوی دارید، که قادر یکتا پشتیبان و نگهبان شماست و تنها اوست که شما را از شر کافران و دشمنان نجات می‌بخشد و عاقبت شما را ختم به خیر می‌گرداند و دشمنان شما را به انواع عذاب‌ها گرفتار می‌گرداند. این مصیبت‌ها و دردها زودگذر و تمام شدنی است، ولی به پاداش این جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌ها به نعمت‌های ابدی و بی‌پایان خداوندی خواهید رسید و بر سریر کرامت تکیه خواهید زد.

خانواده عزیزم، بدانید آگاهانه قدم در راهی گذاشتم که پیغمبر عزیزمان به خاطر آن آزارها تحمل کرد، مولایمان علی (7) به خاطر آن 25 سال خانه‌نشین شد و زهرا (3) پهلویش شکست و خود و محسن خود را فدا کرد و سیدالشهدا (7) سرش از بدن جدا و به روی نیزه شد و امامان و بزرگانمان همه برای حفظ این راه که اسلام می‌باشد فدا شدند.

1- فجر / 27 و 28.

2- ر.ک. تعلیقات

3- خوانا نیست.

خانواده عزیزم، همان‌طور که سیدالشهداء می‌فرماید: اگر می‌خواهید در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود هیچ‌گاه زبان به شکایت نگشایید و آنچه را از قدر و منزلت الهی شما می‌کاهد بر زبان نیاورید.

خانواده عزیزم، ما که برای شما از علی اکبر¹ (7) برای امام حسین (7) نازنین‌تر نبودیم و نیستیم، ما که از قاسم² (7)، علی اصغر³ (7) شش‌ماهه امام حسین (7) خونمان رنگین‌تر نیست، ما که حتی خاک پای حضرت نمی‌شویم؛ پس چرا نباید خود را به راه اسلام فدا کنیم؟ حفظ اسلام خون می‌خواهد، جوان می‌خواهد، پیرمرد می‌خواهد، علی اکبر (7) و شش‌ماهه اصغر می‌خواهد. و من هم با این آگاهی دل از دنیا کنده‌ام و به‌سوی عقبا روانه شده‌ام.

خواهرانم، از امروز تکلیف شما شروع می‌شود؛ همان‌طور که مسئولیت حضرت زینب سلام‌الله پس از شهادت برادرش و مسئولیت خطیر پیام خون برادر برای او شروع شد. خواهرانم، انتظار من از شما این است که بر دهن یاوه‌گویان و کسانی که به امام به دید یک انسان معمولی (می‌نگرند)، حتی با سخنان پوچشان هدف کثیف خود را که همان کوچک نمایاندن عظمت امامان می‌باشد [دنبال می‌کنند]، مهر خفت [و] خواری بکوبید و همچنین جوابگوی [...] ⁴.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- گویا از وصیت‌نامه صفحه‌ای افتاده است، چون عبارت ناتمام است.

بسم تعالی ویسنتار زندگان

این وصیت نامه‌ها انسان را می‌لزاند و انسان را بیدار میکند
(امام خمینی)

مزار پررنگ توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نماید

- ۱- مشخصات کامل
- ۲- هدف از امداد به جیبه
- ۳- پیام

حسن العاقبت

بسم الله الرحمن الرحیم
 این وصیت نامه را من در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...

ولکسان

خود را برای تحمل زحمات و مصیبت‌ها آماده کند و دل قوی دارد که فشار بقای پیشانی و حسرت و پشیمانی
 از دست گذاشتن از شرف کافران و دشمنان نجاتی بشود عاقبت شما را نعمت با خیر و در دستان شما
 به ازل عذابها گرفتاری گرداند.

این وصیت نامه در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...
 در روز ... در شهر ... در منزل ...

خداوند عزیزم بر این عهد و پیمان که در راهی در آمستم که بیست و نه روز در میان به خاطر
آن از راهی عمل کردم و لا محاله علی به خاطر آن ۱۰ سال خانه نشین شدم و روزها می بودم نیز در شکست رسوخ

و حسن جزور را از راهی کرد و سید الشهدا را در روزی که در راهی بودم و اما در روزی که از راهی برای
حسنا این راه که اسلام می دانستند خدا شود -

خداوند عزیزم حسنا را که بعد از شهادت ایثار می فرمودم که خواهم در راهی خود را در راهی و در راهی و در راهی
به شکست نگشاید و آنچه را از ضرورتات الهی می نماید بر زبان می گوید -

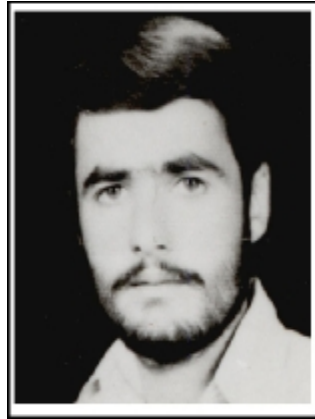
خداوند عزیزم مرا که برای شما از راهی ایثار می فرمایم اما حسین باز این نیز می فرماید و سید ما که ان شاء الله تعالی
نعم ما لله اما حسین خود را نیز در راهی نیست بلکه حق است که پای حضرت می نشینم پس همانا بنده را به راهی که در آن
حسنا سلام خون برافزاید جزای می خواهد ای سرمدی خواهد بود علی اکبر و شوقی که امیر خواهد بود و من هم با این نگاه می -
دله از دنیا می گیرم و به هر یک عقیده را به خدا می دهم

خوهرام از امروز نگفتم تا آخر عمر خود حسنا را که حضرت زینب سلام الله علیها از شهادت بر او ایثار
و مستولیت حضرت پیام شوق برادر بزرگ او خروج می خواهد را نه امتکار من از شما این است که هر چه را بخواهید و بدان و سانی
که بدانم ~~.....~~ با همه یک انسان صمدی هستی با استیلا که چنانکه خدمت کفایت خواهد جزور را که
که هر که که در راهی است و در راهی است و در راهی است و در راهی است و در راهی است و در راهی است و در راهی است و در راهی است

.....	پس آن خدمت می
.....	تاریخ
.....	تذکره
.....	در صورتیکه به غیر شهادت نائل شد به محل دهن خود را بنویسید *



نام: سیدعلی
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: سیدمحمد
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: ششم بهمن 1337
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم بهمن 1364
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا اگر گوش دل باز کنیم صدای حسین (7) را از حسینیه جماران می‌شنویم.
- ا چه افتخار از این بالاتر که انسان رنج و سختی و مشقت را در راه خدا بکشد.
- ا امیدوارم که از خط اسلام خارج نشوید و پیرو راه شهدای عزیزمان باشید.
- ا مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح می‌دهم.
- ا ما در مکتب حسین (7) درس آموختیم.
- ا بدانید که پایگاه یک دژ محکمی است برای افراد و نیروهای حزب‌الله و آنها که می‌خواهند در خط اسلام باشند.

سیدعلی حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون فى سبيل الله فيقتلون و يقتلون» (توبه / 111)¹.

«خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده است آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین به قتل برسانند یا خود کشته شوند».

با سلام به پیشگاه باعظمت حضرت مهدی (عج) ارواحنا له الفدا و نایب برحقش روح خدا خمینی بزرگ؛ و سلام بر ارواح مطهر شهدای خونین کفن اسلام پیشتازان نهضت سرخ حسینی و پرچم‌داران آزادی؛ و سلام بر دلیر مردان جبهه پیکار، راهیان قدس² و نجف و کربلا، وارثان برحق شهیدان، شاگردان مکتب توحید، آنها که خون حسین (7) در رگ‌هایشان جاری است پرچم آزادی در دست دارند و مصمند³ تا بر جهان هستی به اهتزاز درآوردند. اکنون که به لطف خدا عازم نبرد با دشمنان اسلام شدم خدا را شکر می‌گویم که ما را از لشکریان خود قرار داد و نام ما را در طومار⁴ سربازان خود ثبت کرد؛ و به درستی که سربازان خدا پیروزند. اکنون که کربلای حسین (7) دوباره تکرار شده و فریاد «هل من ناصر»⁵ حسینی از حلقوم امام امت خمینی روح الله، این نایب برحق امام زمان (عج) و زنده‌کننده عاشورای حسین (7)، به گوش می‌رسد بر⁶ ماست که به این ندا پاسخ مثبت داده و به یاری دین بشتابیم و تا فرصت از دست نرفته خود را به این اقیانوس بیکران ملحق کنیم تا به ساحل نجات برسیم؛ و در این راه از هیچ چیز نباید هراسی به دل راه دهیم و تا مرز شهادت به پیش برویم (انشاءالله) و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت

1- در اصل وصیت «توبه / 110».

2- ر.ک. تعلیقات. ذیل بیت المقدس.

3- در اصل وصیت «مصمند».

4- در اصل وصیت «طومار».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «و بر».

ترجیح دهیم.

ما در مکتب حسین (7) درس آموختیم که فرمود: اگر دین جدم محمد (6) جز با کشته شدن من پایدار نمی ماند پس ای شمشیرها مرا دریابید¹. و کسانی که در دعاها از خدا می خواستند ای کاش ما در کربلا بودیم و حسین را یاری می کردیم، حال این گوی و این میدان این کربلا و این هم حسین (7). اگر گوش دل باز کنیم صدای حسین (7) را از حسینیه جماران² می شنویم. پس به دنبال رهبر بشتابیم که او ما را به قله آزادی و به ساحل نجات می رساند. او فرزند زهراست و راهش راه خدا و ادامه این راه بهشت جاوید و رضوان الله است.

و اما بعد، خدمت پدر و مادر عزیزم با همسر مهربانم و برادرها و همشیره‌ها سلام. میدوارم که مرا حلال کنید و مرا ببخشید که بنده گناهکاری بودم؛ ولی خداوند در توبه را باز گذاشته است. پدر عزیزم، باز شما حق بزرگی بر گردن من داشتید. امیدوارم که مرا واقعاً ببخشید و حلال کنید؛ چون زبان من گویای این را ندارد که عذرخواهی بکنم. و اما مادر عزیزم، امیدوارم که مرا حلال کنید و مرا ببخشید که واقعاً رنج‌های زیادی برای ما کشیدید و در خانواده ما واقعاً مظلوم واقع شدید؛ تو ما را به این سن و سال رساندید. ولی چه افتخار از این بالاتر که انسان، پدر و مادر، فرزند خود را در راه اسلام عزیز قربانی کند؟ همان‌طور که در طول تاریخ ائمه ما در این خط شهادت قرار داشتند و این نعمت³ بزرگ را برای ما به ارث گذاشتند. و اما همسر عزیزم، امیدوارم که واقعاً مرا حلال کنید و انشاءالله که ما را ببخشید، چون از زندگی مشترک چند وقتی نمی گذرد و زندگی کوتاهی را با هم داشتیم. ولی چه افتخار از این بالاتر که انسان رنج و سختی و مشقت را در راه خدا بکشد و برای خالق خود از جان و مال بگذرد و دنیای خود را فدای اسلام عزیز کند؟ به هر حال، من خیلی خیلی از شما راضی بودم و امیدوارم که از خط اسلام خارج نشوید و پیرو راه شهدای عزیزمان باشید و نور دیده سید محمد را در راه اسلام و یاری به دین مقدس تربیت

1- ر.ک. تعلیقات. ذیل ان کان دین محمد.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «نمت».

و او را یک فرد مفید برای جامعه اسلامی بسازید و همچنین فرزند دیگری که در راه است و ممکن است او را نبینم؛ امیدوارم که در پرورش ایشان هم سعی داشته باشید تا فرد مفید و لایقی باشد انشاءالله. برادران و خواهرانم، مرا ببخشید و حلال کنید که شما هم نسبت به خودتان حق بزرگی بر گردن من داشتید.

و اما برادران پایگاه، امیدوارم که خداوند شما را برای اسلام نگه‌دارد. و بدانید که پایگاه یک دژ محکمی است برای افراد و نیروهای حزب‌الله و آنها که می‌خواهند در خط اسلام باشند و سعی کنید که انشاءالله از این دژ محکم و استوار خارج نشوید و در صدد جذب نیروهای مؤمن باشید تا اینکه بتوانیم خدمتی به اسلام و انقلاب اسلامی کرده باشیم.

«والسلام»

هدیه ناقابل راه خدا سیدعلی حسینی

1364/11/14

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی (عج)، خمینی را نگه‌دار (انشاءالله)
از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجدیم که آسودگی ما عدم ماست¹

«يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ ارجعی الی ربِّک راضیةً مرضیةً فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی»².

اول آنکه³ شهادت ارثی است که از اولیاء به ما رسیده است. با سلام بر مهدی صاحب زمان (عج)؛ و با درود و سلام بیکران بر بزرگ رهبر انقلاب اسلامی ایران و قلب تپنده

1- شعر از علامه اقبال لاهوری است.

2- فجر / 27 - 30.

3- در اصل وصیت «اول از آنکه».

ایران، زعیم عالیقدر، امام امت، خمینی کبیر؛ و با درود به رزمندگان اسلام که سرداران عشقند و جبهه‌ها را با مناجات خویش عطرآگین کرده، ایران را بر بال ملائکه نشانده‌اند؛ و با سلام بر شهیدان از صدر اسلام تاکنون، شهیدانی که مانند مولایشان اباعبدالله الحسین (7) آگاهانه در راه خدا برای رضای خدا شهید شدند. ای شهدا، شهد شهادت گوارای وجودتان باد. این وصیت را بندهٔ حقیر - که کوچکتر از آنچه شما می‌دانید - سیدعلی حسینی است، [می‌نویسم] و این وصیت را برای جهت حکم اسلام می‌نویسم. اگر لطف و رحمت خداوند منان شامل حال ما شد و من را به گروه¹ شهدا برد امیدوارم که مرا حلال کنید. و شما گمان نکنید که کسانی [که] در راه خدا شهید شدند مردگانند، چون آیه صریح قرآن است که می‌فرماید «و لا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»² یعنی «گمان نبرید که کسانی در راه³ خدا کشته شده‌اند مردگانند بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدا خود روزی می‌خورند». و شهادت مقطعی است از حرکت تکاملی آنان که به وجود مطلق و خالق می‌پیوندند و جبهه‌ها محل پیوند عاشق به معشوق است.

و شما این را بدانید که من فقط برای رضا خدا به جبهه می‌روم. انسان سر دوراهی گیر می‌کند و او باید یکی از راه‌ها⁴ را انتخاب کند: یا شهادت یا کفر یا عزت یا⁵ ذلت. و اسلام مکتبی است غنی و انسان‌ساز که به انسان راه می‌دهد که سر تسلیم در برابر ظلم فرود نمی‌آورد. و ای کاش که هزاران جان داشتم و فدای اسلام می‌کردم و چه قدر شهادت در راه خدا شیرین است؛ مانند گل سرخ خوشبو می‌ماند. و من نمی‌خواهم مرگ به سراغ [من] بیاید، می‌خواهم خودم به دنبال مرگ بروم و چه مرگی بهتر از [اینکه] در راه خدا شهید شدن.

و خانوادهٔ عزیزم، من را از دست ندادید بلکه هدیه کرده [اید]. و بدانید بهشت برین که خداوند وعده داده در انتظار ماست. و من از مادر و خواهرانم خواهانم که: زینب‌وار

1- در اصل وصیت «گروی».

2- آل عمران / 169.

3- در اصل وصیت «را».

4- در اصل وصیت «راه‌های».

5- در اصل وصیت «و».

زندگی کنید و حجاب خود را حفظ کنید که کوبنده‌تر از خون شهید است که [در] راه خدا شهید شده است. و خواهران و برادران، می‌خواهم که علی‌وار زندگی کنید و علی‌وار به‌سوی مرگ بروید. و از مادرم می‌خواهم با عزمی استوار و محکم در برابر مشکلات ایستادگی و صبر کنی چون آیه قرآن است که می‌فرماید «استعینوا بالصبر و الصلاة»¹ «و از صبر و نماز مدد بگیرد». شما بعد از شهادتم برای تمامی شهدا گریه کنید چون گریه برای شهدا شرکت در حماسه او، هماهنگی با روح [او] و موافق با نشاط [او و] حرکت در موج اوست.

هر چند سخن دارم برای شب زنده‌داران بسیج که: شما پاسدار² حرمت خون شهیدان باشید و همراه روحانیت مبارز کار کنید و کارتان فقط برای خدا باشد. چون، این دنیا برای انسان یک خاطره³ است چون همه از بین می‌رود و ما هم می‌رویم همان‌طور دیگران مردند. و فقط برای انسان‌ها در این دنیا [ی] فانی باقی می‌ماند که همان عمل‌هاست و همان مناجات‌هاست و همان نمازهاست و همان جهاد در خدا کردن است. همه اینهاست که باقی می‌ماند. پس شما چه انتظاری از این دنیا [ی] خاطره⁴ ساز دارید؟ می‌خواهید خودتان را با مال دنیا وفق بدهید؟ مال دنیا را که نمی‌توانید با خودتان به آن دنیا ببرید. و چه بهتر است که عمل نیک شایسته و کمک به درماندگان، این کارها را انجام دهیم که در پیش خدا سرفراز باشیم که در آن دنیایی که همهٔ مسلمان اعتقاد داریم سرفراز سرشار باشیم. و نه آنکه وقتی خداوند آن ملائکه را فرستاد از ما [جواب] سؤال کنند که: شما عمرتان را به چه راه‌هایی گذاردید؟⁵ چه داریم بگوییم؟ بگوییم که عمرمان را به راه‌های آلوده و خوردن مال دیگران و یا تهمت⁶ و یا غیبت؟ و آن وقت، اگر با این عمل‌ها، ما به کجا راه داریم؟ خودتان فکر کنید.

1- بقره/ 45-153.

2- در اصل وصیت «پاسداری».

3- در اصل وصیت «خاطر».

4- در اصل وصیت «خاطر».

5- در اصل وصیت «گذاردیم».

6- در اصل وصیت «تومت».

و خوشا به حال آن کسانی که [وقتی که] در برابر ائمه اطهار قرار می‌گیرند، سرفراز و سرشار از عشق محبت خدا قرار دارند. وای بر ما که خودمان مسلمان را می‌دانستیم ولی در آن دنیا که ترازو عدل و عدالت است ما در صف کفار قرار گرفته‌ایم. آن وقت آن رفقا به ما می‌گویند شما که مسلمان با خدا بودید ولی در صف کفار قرار دارید چه جواب داری بگویی؟ آیا شما می‌توانید از حکومت خداوند متعال فرار کنید؟ نه، که می‌فرماید در دعای کمیل «و لا یمكن الفرار من حکومتک» «خدایا از حکومت تو هیچ‌گونه راه فراری ندارد». من نه برای بهشت خدا عبادت می‌کنم و نه برای ترس از جهنم فقط برای خدا است. چون این دنیا عبورگاه است. و [باید] بدانیم که این دنیا توقف‌گاه نیست، پس چیست؟ این [دنیا] مزرع‌ای است که برای آن دنیا باید زراعت کاشت. و از شما ملت حزب‌الله خواهانم که تقوا را پیشه کنید چون «ان اکرمکم عندالله اتقیکم»¹ «گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست». و شما طوری کنید جزء² گروه السابقون باشید که آنان مقربین درگاه خداوند هستند.

³ و مطلب وصیت دیگر این حقیر این است که همیشه با ولایت فقیه باشید. اگر شما از ولایت فقیه جلو یا عقب بیفتید حتماً هلاک می‌شوید. یعنی اینکه از امام در مسائل خیلی انقلابی‌تر نشوید و دور از خط امام نباشید، چون در آخرت هر کس را با امامش که در این دنیا دنبال‌روی او باشد با او محشور می‌کنند. و اگر ما می‌خواهیم که با امام خمینی محشور شویم، پس دنبال‌روی او باشید و یاریش کنید و نگذارید او هیچ‌گونه احساس تنهایی کند؛ و قدر این امام را بدانیم که همه شهدا در وصیت‌هایشان نوشته‌اند که⁴ در سر نمازهایتان و سر دعاهایتان او را دعا کنید که این امام را تا انقلاب حضرت مهدی صاحب‌الزمان (عج) نگه‌دارد⁵ و امید امام، آیت‌الله العظمی منتظری⁶، را در پناه خودش حفظ بفرماید و یاران

1- حجرات/ 13.

2- در اصل وصیت «جزه».

3- در اصل وصیت «و من».

4- در اصل وصیت «که مرا».

5- در اصل وصیت «نگه‌دار دارد».

6- ر.ک. تعلیقات.

باوفای¹ امام را در پناه² خویش نگه‌دارد. و هم‌چنین دعا کنید که خداوند این بسیجی‌ها را از ملت ما نگیرد؛ هر روز بر [تعداد] رزمندگان اسلام افزوده گردد.

اما³ وصیت به مادر عزیزم. «ای کسی که سختی‌ها را تحمل کردی و به خود ناراحتی دادی تا ما را بزرگ کنی! و ما را بدانجا رسانیدی»⁴. می‌دانم که من برای شما فرزندی آن‌قدر خوبی نبودم که اسلام و شما می‌خواستید. شما را در این مدت عمرم زیاد ناراحت و اذیت کردم. نمی‌دانم چه‌طور از زحمات شما قدردانی کنم و امیدوارم که با قدم گذاشتن⁵ به راه اسلام و امام زمان (عج) و امام خمینی ذره‌ای از زحمات شما را، مادر عزیزم، جبران کنم. ای مادرم، می‌دانم که داغ جوان دادن تحملش سخت است و از شما می‌خواهم که زنان صدر اسلام را الگوی خود قرار دهید. ببینید که آنان در روز عاشورا چه‌جور جوانانشان در جلو چشمانشان پرپر شدند و مثل مرغ پرپر می‌زدند. من از شما می‌خواهم از شهادت من هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید، چون شهادت عین این است که تازه متولد شده‌ای، چون برای آن کسی که خودش به استقبال⁶ مرگ برود آن مرگ برایش خیلی شیرین است، چون مثل شربت شیرین درست کرده‌ای می‌ماند. پس این مرگ هیچ ناراحتی ندارد.

و در پایان از خداوند بزرگ طلب مغفرت می‌کنم و از همه برادران و خویشان حالیت می‌طلبم و پیروزی همگی را بر نفس از معبود یکتا خواهانم. هرگاه که یادی از من نمودید امام را دعا کنید.

و آن مقدار پولی که دارم: مقداری را برای من روزه⁷ [بگیرید] نماز بخوانید و آن مقداری که می‌ماند اگر احتیاج دارید بگیرید برای خودتان. می‌دانم که مادر، تو کسی را

1- در اصل وصیت «باوفا».

2- در اصل وصیت «پنا».

3- در اصل وصیت «اما».

4- در اصل وصیت «ای کسی که به‌خود تحمل کردی سختی و ناراحتی دادی و ما را بدانجا رسانیدی».

5- در اصل وصیت «گذاشتند».

6- در اصل وصیت «استقبالی».

7- در اصل وصیت «روز».

نداری. احتیاج داری؛ اگر احتیاج نداشتی، کمک به جبهه کنید. و ضمناً¹ خمس آنان را بدهید و مقداری 800 تومان حتماً به جبهه کمک کنید.

بگویید به مرغان جدایی کجایید هر دهانی به جدایی نگشاید²

محل دفن گلزار شهدای³ شاهرود.

دعا کنید خدا مرا با شهدا⁴ محشور کند.

63/8/19

ساعت 8/5 صبح

خداحافظ به امید دیدار در دنیای⁵ ابدی

سیدعلی حسینی

1- در اصل وصیت «ضمن».

2- در اصل وصیت «نکشاید».

3- در اصل وصیت «شهدا».

4- در اصل وصیت «شهدا مرا».


5- در اصل وصیت «دنیا».

بسم الله الرحمن الرحيم
وصیت نامه شهید علی حسینی

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَّا الْقَدِيمِينَ أَجْتَسِمُهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ بِأَنْ لَّهُمْ إِلَيْكَ يَا لَوْ أَنَّ عِبَّ سَبِيلًا... فَيُتَلَوْنَ
فَوَيْتَشْتَلُونَ... رقم ۱۱۰

خداوند کجای و مال اهل ایمان را به بهشت خریداری کرده است. آنقدر را خدا اجلا می کند که دشمنان
روزه را بقتل برسانند یا خدا کشتن متوفی.

با سلام و پیوسته با عفت حضرت صدرا و خانواده آید و نایب بدین روح خدا امین بزرگوار
سلام بر روح مطهر شهیدای خونین کفن اسلام بیستگاران نضت سرخ حسین و پرچم داران آزادی
و سلام و برادر صدرا و جبهه نیکار را می آید و نین و کربلا و اربابان برحق شهیدان شاکران
مکتب توحید آنجا که خون حسین زین در کجا نشان جاری است بر پرچم آزادی در دست دارند
در خصوص آنجا که هستی به اعتقاد خدا موجود الگو که لطف خدا عز و جل در دست نشان اسلام
خدا را شکر است که بار از شکست این خود را در راه دین نام ما را در توما رسد بازار خود نیت خود و در
سر بازار خدا پیروزند اکنون کربلا می حسین زین در زره کمدار شده و فریاد دهل من ناصر حسین
از جلد قدم امام است همین روح... این نایب برحق اهل زین زین و زنده که کشته عا سو رای حسین
هر رسد و برساند که به این ندا پاسخ مثبت داده و به یاری دین بشقا بیم و تا فرصت از دست
نرفته خود را به این اقبال نوس بگیرد از مطلق کنیم تا به باطل نجات برسیم و در این راه از هیچ چیز بنا بر
پسندید بدول راه دهیم و تا هر چه حاجت به بیشتر بودیم راستا... و مرگ با عزت را بر نداشت
ترسیم دهیم مادر مکتب حسین در آن موهیم که فرود آمدن بدیم سید زین با کشته
شد که من به یاری من داد پس ای شمسایرها مراد ما بید و کسان کند در دعاها از خدا می خواستند ای کاش
مادر که بدیدیم و حسین را یاری کند در حال این گوی و این صدرا را که بدیدیم هم حسین که
گوشه و آن بار کنیم خدا می خشنود را از دست نیت ما را به نیت نیت بین دنیال رهنمونیم که او را از

قله آزادی و پیمان سلطنت بی‌شرنا خداوند زنده بهر است و راهش را بخدا او داده این راه بهرست
 باوید درمنه ان ا... است و اما می‌فهمید پدر و مادر عزیزم با هم سر و مهر با هم و برادرها و همیشه ما
 سلام امیدوارم شما حال کنیز و مرا ببخشید که بنده خانه تا نزد بودم و می‌خداوند در توبه را باز گذا
 است پدر عزیزم با زحمات بزرگ برگردن من دستید امیدوارم که سر و افتخار ببخشید و حال کنیز
 و مرا ببخشید که وقتها زنده برای ما گشتید و قد خداوند ما واقعا سطره هم واقع شده در باران
 این سنه و سال رسانید و بی‌اختیار از این بابا که انسانی بود مادر من نزد خندان را با سلام عزیز
 قریب گشته همانطور که در طرله تاریخ اثره مادر این خط شهادت قرار داشتند و این نعمت بزرگ را برای ما
 به ارگ گذاشته بود، ما هر عزیزم امیدوار بود و واقعا سرافرازا کنیز و انشا... که ما را ببخشید
 خیر من از زندگی مشترک بخیند و حتی هم نذر و زنجی که تمام ما با هم داشتیم و بی‌اختیار این
 بالا تر که انسان رخ و سستی و مسقت را در راه خدا بکشید و برای طلاق خود از حال و حال
 بدی رود و بنای خود نافد ای اسلام عزیز که بی‌شکال من در حق خلیج از شما راهی بودم و امیدوار
 که از خط خارج نموده و میره راه شهد ای عزیزان به پاسیم و نور دیده که سر به مهر را در اسلام و در
 به دین که مقدس تربیت و لو را یک موجدید برای ما احله اسلامی بارید و محبت خرد و بگری که
 در راه است و ممکن است که او را ببینیم امیدوارم در هر روز این راه هم سی و استیباریم تا فریاد
 و خیر بار ما انشا الله برادر این وفو اما انده ما ببخشید و حال کنیز که تمام نسبت به خودمان
 بی سبزی بزرگ و من حاصلتید و تا برادره پاکبنا امیدوارم که خداوند شما را برای اسلام بخند
 و باو بند که پاکبنا یک دین حکمی است برای افراد و نیز برای دنیا... و آنجا که خواهند خط
 اسلام  یعنی اینکه انشا... از این جهت محکم و استوار خارج نشود و در دین خود نیز بهی

همی گذرد و زندگی که تمامی ما را به هم در کشید ولی چه اختیار از این بالاتر که ما را برز و سینه و شهنش را در راه خدا بکشیم
 و برادر خالق خود از زبان وصال بگذرد و دنیای خود را فدای اسلام عزیز کند به هر حال من خطی خطی از شما را نمی بینم
 و امیدوارم که از خط اسلام خارج نگویید و بریزید و راه خود را که من از آن پشیمانم و در تربیت به ما کسی نماند و
 نذرید به سیدم در راه اسلام می ایستد به دین ستمی نیست و او را یک فرزند پندارید برادر چاهه اسلامی بیست و نه
 همین فرزند زنگی که در راه است و سخن است که او را بشنیم امیدوارم که در روز روشن ایشان هم می دانند
 تا خود سید و ولایتی بکنند و انشاء الله برادران عزیزم مرا می بینید و دلالت کنید که شما همیشه به قرآن حق بخوانید
 و کردن من را که است و است ~~بدر~~ بدر چند نکته این را به زبان بر صحت نامه برادر شما یاد کند که اگر می دانم
 به این وصیت نامه عمل شود اولاً قیوم به ما می جلدش می بخشد پس حرم و مردم هم بلافاصله نظارت داشته باشند
 و حقوقی را بر من تحلیف به حرم و بر ما می باشد و ما نباید در مورد چاه نشینیم چون که یک قسم من از آن دارم
 اگر پدرم یا برادران خواستند که در شان برادر شد و اگر خواستند و اگر آن روزی که با من آن روز
 متعلق به برادر خود می باشد ولی من نمی دانم که همیشه آن کس می آمد میزد و برادر دارم خود نمی دانم که انشاء الله می دان
 البته با زبان را خود نشان می دهد هر روز که اطلاع داشتند عمل کنند و نباید ستمی من متعلق به مردم است و
 پول آن را هم مردم بداند و سیدم یا برادران ~~استاد~~ استند و این سر از زمین طلب می گویم و ولی هیچگونه استغناء
 نیست و حاضر ستم خود نشان استاد کنند و نگویند با من برادر می کشید و با من و راجع به ستمار پول در بانک
 من به حساب من رفیق ام با یکدیگر می کشد این مردم که معرفت آن دست حرم می باشد هر دو هفتاد
 هزار تومان می باشد که باید سیدم از آن یک سید چون حساب سال خلاص و دو سال نماز و این روزها من و سیدم ماه
 روز یکس می رفیق ۳۰ ن متعلق به ما می باشد و زندگی من حال هر دو برادر می باشد و در ضمن معارف پول بر ما
 که خود را بداند و سیدم که هر کس چاه را گرفت از همان پول به خود دهد من از وقتی این امر را شروع کردم که دی ماه سال
 بداند که اجازه ماندم به برادران است که برادری است و اولاً آن به سیدم است که جسمم اگر خواست باید به او بگویم
 رسیدن به سن بلوغ بر ما است چه بین ولی منم او را که از ما این تکرار می نماید و با سیدم و از او است و عرض
 که خواست حرم در کار را انتخاب کند و این را تو می بینم چه دم که ایشان طمان است و منی توانم تا از من بشنید و
 اختیار دست خویش را با سیدم بر او اوستی مانی این را بکنم و با آن توضیح می دم تا وقتی قیوم به جلد نشان

در ضمن یادگاری به بزرگواران خاندان نبوت و ائمه اطهار و انقلاب اسلامی ایران و مردمی که در راه اسلام ایستاده اند

با احترام و والسلام


سید ایاز امانی انقلاب جودی و رضوی راننده دارالافتاء اصفهان

در محله مابله و در محله ویران افرا

هدیه ناقابل رد از سید علی حسینی

فرماندگی
۸۱۵

۱۳۹۴



استان سمنان

مرکز مشاوره مشاوران
مرکز مشاوره مشاوران سمنان


بهرین صفتی که در هر انسان در اولویت است، آن است که او را از دیگران متمایز کند. این متمایز کننده می‌تواند در هر زمینه‌ای باشد، از جمله علم، هنر، ورزش، و غیره. در این مقاله، ما به بررسی یکی از این متمایز کننده‌ها، یعنی اخلاق، می‌پردازیم. اخلاق، همانند یک ستون است که بر آن جامعه بنا می‌گردد. بدون اخلاق، جامعه‌ای نمی‌تواند به پیشرفت و آبادی برسد.

این مقاله در سه بخش اصلی تقسیم شده است: اول، تعریف اخلاق و اهمیت آن؛ دوم، بررسی انواع اخلاق و تأثیرات آن؛ و سوم، راهکارهایی برای تقویت اخلاق در جامعه. در ادامه، ما به بررسی هر یک از این بخش‌ها خواهیم پرداخت.

اخلاق، همانند یک ستون است که بر آن جامعه بنا می‌گردد. بدون اخلاق، جامعه‌ای نمی‌تواند به پیشرفت و آبادی برسد. این ستون، همانند یک درخت است که ریشه آن در دین و فلسفه است. ریشه اخلاق، در دین است که به انسان یاد می‌دهد چگونه با خدا، با دیگران و با خود رفتار کند. فلسفه نیز به انسان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت و عدالت باشد.

اخلاق، همانند یک ستون است که بر آن جامعه بنا می‌گردد. بدون اخلاق، جامعه‌ای نمی‌تواند به پیشرفت و آبادی برسد. این ستون، همانند یک درخت است که ریشه آن در دین و فلسفه است. ریشه اخلاق، در دین است که به انسان یاد می‌دهد چگونه با خدا، با دیگران و با خود رفتار کند. فلسفه نیز به انسان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت و عدالت باشد.

اخلاق، همانند یک ستون است که بر آن جامعه بنا می‌گردد. بدون اخلاق، جامعه‌ای نمی‌تواند به پیشرفت و آبادی برسد. این ستون، همانند یک درخت است که ریشه آن در دین و فلسفه است. ریشه اخلاق، در دین است که به انسان یاد می‌دهد چگونه با خدا، با دیگران و با خود رفتار کند. فلسفه نیز به انسان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت و عدالت باشد.



مرکز کار نایب اثرگران

من هیچ گونه تقاضای ناشی از ضمیمه نمودن به این است. سنانو تکراره امر چون با امر آن کنی، ضرورتش به استعلام برگردد در هر برگ بارش غیر از همین است. چون مثل شخصیت
شیرین حضرت کوراس معاصره بر این مرتبه هیچ تا حدی نرسد و در بیان خداوند بزرگ و لب و لب بگفت میگویم: چه با مراد آن و غربت است. معادیت بی‌علم و بی‌دین است.
در بر قس از معصوم و کائنات خرافه‌ها، ملامت انفرادی بر ما رواه کنید.

و آن مقدار بی‌گناه که در آن معاصره بر ما من بفرمان خدا نبود آن مقدار است که ما آنرا احتیاج نداریم. بگردد در هر برگ بارش غیر از همین است. چون مثل شخصیت
و احتیاج داریم آنرا احتیاج نداشتیم که با جبهه هم‌کسری و غیره من آنقدر را به حدی در مقدار سر ۱۰۰٪ تقاضا به جمیع ملک کنی.

محل دفین اثرگران: استان سمنان

کلان ریاست سمنان: استان سمنان

۱۳۹۹/۰۷/۰۹

فرمان به طایف بگفت خدی

۱۳۹۹/۰۷/۰۹

خداوند با من و سایر در این اثر

نام: سیدمجتبی
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: سیدحسن
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: بیستم شهریور 1341
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیستم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای روستای پرو زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا بیدار باشید هوشیار باشید که دنیا گولتان نزند و مبدا از خدا و خدمت به خلق و خدمت به اسلام غافل باشید.
- ا برادرم دست از امام برندار، گوش به فرمان او باش.
- ا یا الله، به عشق شهادت در راه تو به میدان آمدم، قبولم کن مولا جان.
- ا به فرمان امام خود به میدان آمدم و حاضریم از دل و جان در راه او جانبازی کنم.
- ا سپاس بی‌پایان خدا را که آیاتش را برای راهنمایی ما بیان کرد. باشد که به مقام سعادت هدایت شویم.
- ا بدانید که اینها متاع زندگانی فانی دنیوی است و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو که همان بهشت لقای الهی و ابدی است.
- ا برادرم، اگر سعادت دنیا و آخرت را می‌خواهم باید به معصومین اقتدا کنم.
- ا مسلمان تن به ذلت و خواری نمی‌دهد و در قفس دنیا حبس نمی‌شود.

سیدمجتبی حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

«شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد انّ علياً ولي الله» «نیست خدایی جز الله و شهادت¹ می‌دهم که محمد (6) رسول خداست و علی (7) ولی خداست». با تقدیم عرض سلام به محضر پاک محمد مصطفی (6) خورشید ولایت و ختم نبوت و بر ارواح مطهر 14 اختر تابناک آسمان ولایت و امامت و سلام به امام امت خمینی بت شکن حسین دوران، درهم کوبنده کاخ‌های ستمگران و امید مستضعفان. درود بیکران بر ارواح مطهر شهدای گلگون کفن تاریخ از حسین (7) و یاران باوفایش تا یاران صدیق خمینی.

بارالاهای، شکر و سپاس تو را که به من توفیق شرکت در این جهاد مقدس را عطا کردی و توفیق شناخت خود را نصیب² کردی و مرا از خودبینی‌ها و منیت‌ها نجات دادی و در زمره خدمتگزاران³ به اسلام و امام عزیز قرار دادی. هر چند می‌دانم که لیاقت آن را ندارم. خدایا از همه کس و همه چیز دل برید [ه]م و تنها دل به رضای و خشنودی تو بستم. یا الله، به عشق شهادت در راه تو به میدان آمدم، [...] قبولم کن مولا جان، تو هر کس را که دوست داری شوی و عاشقش شوی او را به نزد خود می‌خوانی. مولا جان، لطفی کن در حق این عبد عاصی و عاشقم بشو. خدایا در قرآنت فرمودی «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»⁴ «شما هرگز به مقام نیکوکاران و خالصان نخواهید رسید مگر آنکه انفاق کنید آنچه را دوست دارید در راه خدا که همانا خدا بر آنچه انفاق می‌کنید آگاه است». تو خود از احوال بندگان آگاه هستی. خدایا از مال دنیا چیزی ندارم که در راه تو انفاق کنم؛ تنها جان ناقابل است که آن هم امانتی است از جانب خود تو نزد ما و این ناقابل را بر کف گرفته و در میدان آورده‌ام. خدا، اگر قابل دانستی قبولم کن.

1- در اصل وصیت «شهادت».

2- در اصل وصیت «نصیب».

3- در اصل وصیت «خدمت‌گذاران».

4- آل عمران/ 92؛ در اصل وصیت «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ».

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم این متاعی است که هر بی‌سر و پایی دارد¹

بار الها²، اکنون که موقعیتی پیش آمد و زمینه برای جبران گناهان و خطاها و لغزش‌های گذشته‌ام فراهم است، این توفیق را به من دادی که گذشته سراسر خطا و لغزش و سیاه خود را جبران کنم؛ چون که می‌ترسم اگر امروز موفق نشوم شاید دیگر فرصتی این چنین به دستم نیاید. خدایا به ندای امام عزیزم لبیک گفتم و لباس سربازی جیش خدا را پوشیده‌ام و به فرمان امام خود به میدان آمدم و حاضر[م] از دل و جان در راه او جانبازی کنم و حاضر[م] در راهش سر دهم و جان بسپریم.

و اما پیامی دارم برای شما امت شهیدپرور.

شما ای امت قهرمان، شمایی که با بذل جان و مال خود و با ایثار بهترین سرمایه‌های زندگی خود³ یعنی عزیزانتان، نور چشمانتان در راه خدا باعث افتخار و سربلندی اسلام و به زانو در آمدن تمامی قدرت‌های پویشالی روی زمین شدید، اگر می‌خواهید که این عزت و سربلندی [ای] پایدار بماند پس «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداءً فاللف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون»⁴ همگی به رشته دین خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید که هر چه تا امروز کشیدیم و می‌کشیم از همین تفرقه و جدایی بین ماست. به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که به لطف و کرم او همه با یکدیگر متحد و منجسم و برادر دینی یکدیگر شدیم. ما که در لبه پرتگاه سقوط در منجلاب فرهنگ غرب قرار داشتیم؛ شکر خدا که امروز در کشور رسول خدا و کشور امام صادق (7) با کمال اطمینان خاطر، آزاد و سربلند و با افتخار در زیر پرچم سبزرنگ اسلام زندگی می‌کنیم. شکر [و] سپاس بی‌پایان خدا را که آیاتش را برای راهنمایی ما بیان کرد. باشد که به مقام سعادت هدایت شویم.

1- در اصل وصیت «جان چه قابل است که فدای دوست شود یا مطایبت که هر بی سر پای دارد».

2- در اصل وصیت «بار الهی».

3- در اصل وصیت «خون».

4- آل عمران/ 103.

و از خداوند بزرگ می‌خواهم که به توفیقات شما امت قهرمان و مؤمن بیفزاید. باشد همین‌طور که در پشت سر امام خود همچون پاره‌های فولاد ایستادید و از هیچ تهدیدی ترس به دل راه ندادید و تنها به خداوند تکیه کردید و با حفظ وحدت درس خوبی به ابرجناایتکاران تاریخ دادید، انشاءالله در محضر خداوند نیز سربلند و روسفید باشید و امیدوارم که اعمال و رفتار و کردار همه ما مورد قبول حضرتش قرار بگیرد. امت دلاور، بدانید که هر چه داریم و آنچه که باعث شد که شما ملت به درجه از قدر و اقتدار برسید چیز و شخصی نبود جز امام امت؛ این ابرمرد تاریخ، این پیر روشن‌دل، این اسطوره¹ مقاومت و تقوا، کسی که در لحظه‌ای که با دشمن روبرو می‌شود چون شیر خروشان و در مقابل فرزند شهیدی آنچنان دل‌شکسته و گریان است. قدر این نعمت بزرگ الهی را بدانید که به حق او سیدی بزرگ و اولاد پیغمبر و وارث امامت و نایب امام است. خدایا، سایه پربرکتش را بر سر این ملت مظلوم و ستم کشید [ه] مستدام بدار.

اما ای کسانی که پس از گذشت هشت سال از انقلاب و گذشت شش سال از جنگ تحمیلی بر ملت ایران همچنان ساکت خاموش نشستید و دل به کسب و کار و زندگی و سرگرمی‌های دنیا بستید، بدانند که قرآن اینچنین با شما سخن می‌گوید «زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمَسُومَةِ وَ الْاَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَاَبِ»². ای مردم ظاهربین دنیاپرست که اسیر شهوات نفسانی، که همانا عبارتند از میل به زنها و فرزندانان و جمع‌آوری مال و منال دنیا و بالا بردن حساب بانکی، [شده‌اید] و به زمین، خانه، وسائل تفریحی پرداختید و اینها نزد شما جلوه‌گری می‌کند. لیکن، بدانید که اینها متاع زندگانی فانی دنیوی است و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو که همان بهشت لقای الهی و ابدی است.

و شماهایی که دم از مسلمانی و دین خدا می‌زنید، در ماه محرم و مراسم شال عزادار به کمر می‌بندید و در جلو صفاها حرکت می‌کنید و فریاد یا حسین (7) یا حسین (7)

1- در اصل وصیت «استوره».

2- آل‌عمران/ 14.

سر می‌دهید [...] ¹ شوق آرزوی کشته شدن در راه دین می‌کردید پیش از آنکه [...] ² جهاد برای مسلمین بیان؛ پس چگونه امروز که به جهاد مأمور شد سخت از مرگ نگران می‌شوید؟ گمان مکنید که داخل بهشت خواهید شد بدون آنکه خداوند امتحان کند شما و آنان که در راه خدا جهاد کرده و در این راه سختی‌ها را متحمل شده‌اند؛ و [اگر] در مقابل آن صبر کردند البته مقامشان بر همه عالمیان معلوم است.

و شما، ای منافقان ³ و کسانی که از این فرصت سوء استفاده کردند و به خیانت و چپاولگری [ی] و قاچاق‌فروشی ⁴ می‌پرداختند. بدانید که اعمال شما بی‌جواب نخواهد ماند و همین ملت با این مشت آهنی که بر دهان دشمنان متجاوز خارجی کوبید بر دهان شما یاوه‌گویان نیز محکمتر خواهد کوبید. پس به خود بیایید ای کوردلان از خدا بی‌خبر. مگر تا کی می‌توانید دست به این‌گونه جنایت بزنید؟ بنگرید که امروز اربابان مزدورتان به چه وضع وقاحت ⁵ باری افتاده‌اند. اگر چنین سرنوشتی را می‌خواهید پس منتظر باشید که خیل خروشان حزب‌الله به سراغتان خواهد آمد.

در پایان پیامی دارم برای پدر و مادرم.

شما ای عزیزان بدانید که فرزندی داشتید در راه خدا ایثار کردید و خداوند خواسته شما را با گرفتن فرزندان امتحان کند. مبدا که تردید به دل راه دهید. قدر موقعیت و مقام خود را بدانید که شما امروز به‌عنوان خانواده شهید مطرح هستید. بدانید که شما جانتان را با خدا معامله کردید و چیزی را از دست ندادید بلکه اگر خدا قبول کند در عوض خشنودی خدای را به‌دست آوردید.

مادرم تو صبور باش، بدان که اگر از صابران باشی از مادرانی هستی که به فاطمه زهرا (3) اقتدا کردی و با [...] ⁶ فرزند خود درسی به آنهایی بدهی که انسانیت و حریت

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «قاچاق‌فشر».

5- در اصل وصیت «نقاقت».

6- خوانا نیست.

و آزادگی و آزاد زیستن در زندگی این دنیا نمی‌دانند و بی‌خبرند که دنیای دیگر مهم هست که به مراتب بالاتر و والاتر و بهتر از زندگی این دنیا است و این دنیا با تمام خوبی‌هایش لجززاری پرمشقت بیش نیست و چه بد منزلگاهی است.

برادران و خواهرانم، به قبرستان بنگرید که دنیا با رفیقانش چه کرد، آنها که صاحب شکوه [و] جلال دنیوی بودند بنگر امروز به چه وضعی افتاده‌اند. پس بیدار باشید هوشیار باشید که دنیا گولتان نزند و مبادا از خدا و خدمت به خلق و خدمت به اسلام غافل باشید و خدای نکرده هدفی جز الله در پیش گیرید. سعی کنید راهی را انتخاب کنید که انبیاء، امامان و صالحان رفتند و به خشنودی الله دست یافتند. برادرم، این قفس تنگ تاریک را بشکن و از این حصار بیرون بیا و قدم در دنیای آزادگان بگذار. برادرم، اگر سعادت دنیا و آخرت را می‌خواهم باید به معصومین اقتدا کنم که می‌فرماید هر کس دنیا را به آخرت بفروشد از هر دو سر برده. عزیز دلم، مگذار که وابستگی‌ها و دل‌بستگی‌ها دست‌هایت را زنجیر کند، نگذار که آرزوی پرواز در ملکوت در دلت بماند. بیا بیا که اینجا خوب جایی است. جبهه مهد ایثار، دانشگاه انسان‌سازی و سرای انسانیت، قله‌ای که می‌توان از فراز آن زشتی‌ها و خوبی‌های دنیا [ی] تاریک را خوب دید و مسیر حرکت خود را با چشمی باز و با آگاهی کامل پیمود.

برادرم، مگذار¹ سلاحم، که از جور ستم ستمگران به خون آغشته شد، بر زمین بماند. برادرم، سلاحم را با قامت استوار خود بردار و ندای «الله اکبر» و «مرگ بر ستمگر» را فریاد کن و به فردای تاریخ بفهمان که ما مسلمانیم و مسلمان تن به ذلت و خواری نمی‌دهد و در قفس دنیا حبس نمی‌شود و طالب دنیا نیست. دنیا را سه طلاقه کرده، برادرم، دست از امام برندار، گوش به فرمان او باش و پیام و فرمان او را با دل جان‌پذیر و بدان که بهترین خوشبختی همین است نه چیز دیگر.

و از همه شما خواهرانم می‌خواهم که همچون زینب آن‌گونه صبور، شکیبا و بااستقامت باشید و از جمله پیام‌رسانان خون من باشید. و از کلیه شما و همچنین اقوام و قومان و

1- در اصل وصیت «مگزار».

بستگان و آشنایان می‌خواهم که اگر حقی بر گردن من دارید عفو¹ نمایید و برایم دعا کنید. و اگر حقی بر کسی داشتم او را بخشیدم. التماس دعا و به امید پیروزی اسلام و مسلمین بر کفار و منافقین. «و ما النَّصْرَ أَلَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»²

65/9/5

عبد عاصی سیدمجتبی حسینی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدّلوا تبدیلاً»³.

«و برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه خدا شهید شدند و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

اینجانب سیدمجتبی حسینی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شاهرود؛ که بنا به حکم رهبر و نایب امام زمان (عج) و ولی فقیه و جهت ادای تکلیف به جبهه آمدنم. و بعد دیگر آمدنم عشق به امام عزیز و عشق خدمت به اسلام و یاری کردن حسین زمان. و با آگاهی کامل قدم در این راه گذاشته و با خدای خود عهد بستم که تا آخرین قطره خونم به عهد خود پایدار بمانم، انشاءالله. اکنون که عازم عملیات هستیم، برحسب تکلیف و وظیفه چند کلامی را به‌عنوان وصیت به خانواده‌ام و پدر و مادرم و همشهریانم عرض ادب می‌کنم.

[...] مبلغ هشت هزار و پانصد تومان دیگر از عمو ابوالفضل طلبکارم. هزار و پانصد تومان آن از حسین حاج بریم است که به او بدهید⁴ و به عمو ابوالفضل بگو که پول [...]»⁵

1- در اصل وصیت «عفو».

2- آل عمران/ 126 - انفال/ 10. در اصل وصیت «و من نصر...».

3- احزاب/ 23.

4- در اصل وصیت «... او به بدهید».

5- خوانا نیست.

حاج فتحعلی را هم نسبت به سهم من بدهد، که مقدار 35 من بوده. و اگر کسی طلبی دیگر از من دارد از همین پول بدهید و بقیه آن را صرف زندگی فرزندم کنید. و همسر را بگذارید که در خانه پدرش باشد (و تا زمانی که سرپرستی فرزندانم را به عهد [ه] دارد) در قیومت شما است. و الانه حقوقم¹ را صرف مخارج زندگی همسر و فرزندانم کنید، به همان شرط که گفتم [در پرائنز بالا]. و آن زمین و مغازه‌ای² هم که در کنار زمین عمو ابوالفضل مانده بفروشید و با کمک خودتان سر و سامانی برای فرزندانم درست کنید. و وسایل زندگی رادر اختیار خانواده‌ام باشد و انشاءالله که همسرم مادر خوبی برای آنها باشد و فرزندانم را سربازان خوبی برای اجتماع تربیت کند که بتوانند از رهروان پدر شهید خود باشند. و مبلغ پانزده هزار تومان در دفترچه بانکم است که همان‌طور که گفتم برای همسر و فرزندانم سر و سامانی درست کنید. (وکیل وصی من بعد از من پدرم است)

سیدمجتبی حسینی

پیامی به همسر

اول از روی ادب ای گل خوشبو سلام دوم از روی محبت به تو دارم پیام

سلام و سلام و باز سلام، صدمبار سلام. همسر عزیز خویم سلام. ای مونس [...] من سلام یا یار و همسر زندگی من و همدمم، برای تو دارم پیامی. همسرم سرانجام قضا و قدر خداوند بر آن قرار گرفت که ما چون دو کبوتر عاشق و مجنون پس از طی آن لحظه‌های خوب شیرین از یکدیگر جدا شویم. من در پی معبود و منزلگاه دیگر می‌روم و مسئولیت زندگی کوتاه و خوبی را که داشتیم به تو می‌سپارم و از خداوند بزرگ می‌خواهم که به تو صبر و استقامت عنایت فرماید تا بتوانی در این مسئولیت موفق و مؤید⁴ باشی. البته همسر، من نمی‌خواهم⁵ بند اسارت بر پای تو ببندم و از آنجایی که همه ما انسان‌ها آزاد

1- در اصل وصیت «و حقوقم».

2- در اصل وصیت «مغازی».

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «معید».

5- در اصل وصیت «نمی‌خواهیم».

آفریده شدیم و تو نیز آزادی. ولی همسر، قسمت می‌دهم به آنچه¹ که خیلی دوست داری که در نگه‌داری فرزندانم کوشا و صبور باشی و همچون همسران داغ‌دیده شهدا و این بازماندگان سربازان حسین (7) و امام زمان (عج) خدای بزرگ را وکیل و وصی² خود بدانی و تنها بر او توکل کنی و شهادت من را امتحان و آزمایش از طرف خداوند بدانی. همسر، هر چند آن وظیفه و مسئولیتی که بر عهده من بود نسبت به تو نتوانستم به نحو³ احسن از عهده آن برآیم، ولی اگر کسی نداند تو خوب می‌دانی و در این مدت زندگی با من باید فهمیده باشی که من به دنبال گمشده‌ای⁴ می‌گشتم، همیشه ندایی مرا به سوی خود می‌خواند. اکنون آن معشوق خود را یافته‌ام؛ آنکه آن صفا و صمیمیت را در قلب من و تو ایجاد کرد و ما را به هم رساند و حالا هم به خواست خودش جدا کرد. و اگر لایق باشیم باز همدیگر را خواهیم یافت. و امیدوارم با حفظ روحیه خوبی که داری از زنان نمونه مسلمانان باشی که خداوند در قرآنش وعده داده که کسانی که در راه خدا شهید شود خود من مسئولیت خانواده آنها را به عهده دارم. برایت آرزوی موفقیت و سرافرازی می‌کنم و از تو به خاطر تمام مسائلی و مشکلاتی که در زندگی داشتیم طلب عفو⁵ و بخشش دارم. خداوند نگه‌دار تو.

دوستدار همیشگی تو سیدمجتبی حسینی

1- در اصل وصیت «به آنچه را».

2- در اصل وصیت «وسیع».

3- در اصل وصیت «نهو».

4- در اصل وصیت «گمشدای».

5- در اصل وصیت «عف».



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز استنادی پایتخت ایران به الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علياً ولي الله . نسبت خدا تر، خدایان

و شهدات ما دم که محمد پیکر و رسول خداست و علی و اهل بیت خداست . با تقدیر شرفی سلام

به معصوم پاک ~~است~~ محمد مصطفی خرد و سید ولایت و ختم نبوت و بهار روح ^{بصالحه} آقا امیر

تا بناگ آسمان ولایت و امامت و سلام بر امام امت خیمت شکر حسین در روز

دایره مستمعین را

در هم تو مژده ما فغان ستم گران کلاورد دیگر از بهر ~~روح~~ مطهر شهید اهل کلاورد ^{صالحه} لغز تاریخ

باذنا بیست

از حسین ما و یارانش کما یاران هدایت خیز . بار الله اللّٰهُ شکر سیاسی که آنگاه به من توفیق

عفا

شرف در ایام جهاد مقدس با ~~هم~~ که در توفیق نشانت خود را نسیم کردن و مرا از خود بیجا

و صیقلیات را در و در زمره خدمتگذاران به اسلام و امام عزیز قرار داد و هر چند

ما دائم تمایز نیست آنرا با خودم ~~هم~~ خدا یا از همه کس و همه بیرون بر پیام و شهادت ~~دل~~ به ~~الله~~

مضایر و خوشنودر تو بسستم یا الله به عشق شهادت دورا ۵ تو به میدان آمدن ~~کلمه~~



مرکز اسناد و ایثارگران

قبول کنم مریم جان تو هر کسی را که دوست داشته باشی دعا شوقش نشود اولی

به نزد فردی خوانم مریم جان لظیف کن در حق این عبد معاصی دعا شوقش بشود. فدایا درم آنت

فرمودن من تالوا به بر حق تنقو ما جمعون وما تنفقون من شرف فان الله به علیم

شما هرگز بنگام ~~حاصل~~ بویگر کار از ~~صبر~~ و فاکسان خود امید رسید مگر آنکه انفاق

~~در بعضی اشک~~

کنید آنچه درست دارید که راه خدا که همانا ندا بر آنچه انفاق مکنید آنما هست

تو خود از احوال بگذرانت نگاه عسری فدایا از سال دنیا چیزی ندارم که در راه ترا خوار کنم تنها

جان ناما بلم است که آنهم این است از جانست خود تر نزد ما و این ناما بل بر منم که شاد بود

میدان آوردم خدا و تر قابل دانستی قبول کنم

جان هیچ قابل است که خودم دوست بشود ~~بخطا~~

یا مفا است که هر بی مسیایه را درم

بارالهن اکنون که موقعیتی پیش آمد و رسیدم بر این چیران گناهان و خطاها و لغزشهای گذشته

مرا هم است این توفیق را به من ~~عطا~~ که گذشته مرا مسر خطا و لغزش و مسیایه ~~بخطا~~ خود و دیگران
داری



قیمت بجز این از همه آنگاه روز سرفراز شوم شاید دیگر فرصتی این چنین بدستم نیاید هزار بار به نوازی
مرکز اسناد و کتابخانه ملی

سازم عمر بزم لیک گفتم عهد و لاس سر بازار پیش انداز پر نشیدام و با فرمان امام بود بیدان

خدمت و دامن از دل جان در راه او جان ناز کنم و دامن در صورتی سرد هم و با بسیرم



اینها هم داریم بران شما است شهید پرور

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
شما هم است قهرمان شما نیکه با بدل جان و مال خود و با دشمنان بهتر بنام ما به سال
زندگی خون یعنی عمر زلفان - نور چشمی نشان در راه خدا باعث افتخار و مسرتندوس
اسلام و بزرگو در آردن تا سر قدر شما بیو شمال روس بر زمین شدید اگر می خواهید
که این عزت و مسرتند با بدار بایید پس

وَأَعِظُوكُم بِجَمَلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا أَرْوَاحَكُمْ أَلَمْ تُكَلِّمُوا اللَّهَ مَا كَلَّمْتُمْ
بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ
يُخَيِّرُ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجْلَهَا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

بسیار عزیزان خود را هم به رسته دین خدا جنگ بر نید و متفرق نشوید
که عرجه امروز کشیدیم و می کشیم فرموده و جدا می بیند است بیاد آرید این
نصرت بزرگ خدا را که به لطف و کرم او همه باید دیگر متحد و منسجم بود و در پیش روید
شدیم که در لبه پرنگاه سقوط در منجذاب فرزند عرب که ارادشیم شکر خدا که امر
در کشور رسول خدا و کشور امام صادق با کمال الطمینان ظاهر آرد و سر بلند و بالفتخار
در زیر پرچم سبز رنگ اسلام زندگی ما کنیم شکر سپاس بی پایان خدا را که آیاتش را
بر این راهنای ما بیان کرد باشد که به مقام سعادت سعادت بشویم

و از خداوند بزرگ ما خواهیم که به توفیقات شما است قهرمان و مومن بیفراید
باشد که همیشه که در پشت سر امام خود هم چون پاره ها فولاد استاید از هیچ
تهدید و ترس بدل راه ندانید و تنها به خداوند تمسک کنید و با حفظ وحدت
درس خوبی به امر جنایت کاران تاریخ دادید انشاء الله در محضر خداوند



در رو سفید با شید رسید و ارم که اعمال در رفتار و کردار همه ما مورد قبل همش
 در کرامت ایتام ترکان . این اهدت دل را در بد اند که هر دو ارم و آنچه که با نشت نسد که نشا مکت بر در به
 از قدر و اقتدار بر رسید جز در شرف بود جز امام است این بر مرد تاریخ این بر روشنی لا
 این استوره مقاومت و تقوا این که در نظایر ^{شیرین} که با دشمنی رو برو شود پس
 شیرین فرو نشا و در مقابل فرزند شهیدان آنچنان ^{مظلوم} داشتند که گم یان است قدر
 این نعت بزرگ الله را بدانید که بحق او سیدین بزرگ و اولاد پیغمبر و وارث امامت
 و تائیب اما هست خدا یا سایه بر برکتش را بر سر این ملت مظلوم و مست کمسید مستدام
 بدایر اما این گمانش که پس از گذشت هشت سال از انقلاب و گذشت ^{شیرین}
 سال از جنگ تحمیلی بر ملت ایران همچنان مساکت فاحوش کشید و دل بر کعب
 و تار و زنج و مهرگر میها پس دنیا نسید بود نیوی که تران اینچین با شاشن س شوری
 ریح للناس من العتورات من النساء و والبنین و الفناطیر الی عطفلة من الزحف
 و الفقیة و النین المنسومة و الانعام و السرث ذلک متاع الکیفوة التوئیر الله
 بینه حسن الات

العیب

این مردم طاهر بیخ دنیا پرست که اگر ^{حقیقی} شهورات نفسانی که همانا مایه
 از میل به زنا و فرزندانتان و جمع آوردن مان و منان دنیا و با ما بردن حساب با اهل
 ه و به زینت خانه و سائق کسری پس بردانید و اینها نزد شما جلوه گریه سکتد لیکن بواند
 که اینها متاع زندگی نمانی دنیوی است و نزد خداست همان منقرل بارگشت
 نیکو که جهان بهشت لقاس الله و احدی است
 و شما خان که دم از سلسای و دین خدا می پند در ماه محرم و مراسم شکان عمر ادا بر که
 ما بنیدید و در جو صفا حرکت را کشید و عمر یاد یا حسین یا حسین صرم را صید



شما انسان شوق آرزوهای گزین شده در راه دین می‌گردیدید پیش از آنکه
 مرکز اسناد ایثارگران در برابر مسئولین بیان پس چگونه امروز که بجای ما مردم شاد و شاد
 از سرگنگتان می‌شودید گمان نکنید که دانش بهشت خواهد شد بدون آنکه
 خداوند امتحان کند شما و آعدایان که در راه خدا جاهد کرده و در این راه سختیها را
 متحمل شده اند و در مقابل آن صبر کرده اند البته ما ملتمان بر همه عالمیان معلوم
 است

و به شما این منافقان و کسانی که از این فرهنگ سرور استفاده کرده اند و به خیانت
 در جیب‌ها و جیب‌ها گفتند بر دامن خود بدانید که ایمان شما به حق است و خداوند
 سبقت با این مملکت آهنگ که بر دستان دشمنان متجاوزان می‌گذرد که سید بر دستان
 شما یا نورانی نیز محکمتر خواهد که سید پس خود می‌آید ای کردلانی از خود این
 بگریز تا آنکه نتوانید دست به اینگونه جنایت بزنید بنگرید که امروز اگر با این منزه در راه
 به چه وضع نقیصت باران افتاد اند اگر چنین سر نوشتی که ما خواهید پس منتظر باشد
 که چنین خردشان ضرب اورد سر امتحان خواهد آمد

در بیان بیایم داریم برای پروردگار ما

شما این امری از آن بدانید که خردندس دانستید که در راه خدا ایثار کردید و خردند
 خردسته شما را با گشتن نوزندتان امتحان کند مبادا که خردید چون را و دهید
 قدر مدد و مقام خود را بدانید که شما امروز جوان خانواده شهید مطرح
 هستند بدانید که شما با تان را با خدا معامله کردید و چیز را از دست ندانید بلکه
 اگر خدا قبول کند در عوض خردندون خدا را بدست آوردید مادم تو صبور باش
 بدان که اگر ازها بران ماستی ~~صبر~~ از مادران هستی که به خاطر زهره اقتدار تر



و بر آن فرزندان خود در مس به آنگاهان بد من که انسانیت و حریت و آزادی و آراد
 مرکز اسناد انتشارات این دنیا نهادند و بر خیم خود که دنیا را دیگر مهر هست که به سر است
 با ۴ تر و ۱۱۰ که و بهتر از زندگی این دنیا است و این دنیا با تمام خوبهایش هیچ نعمتی را
 پر مشقت بیش نیست و چه بد منتر گامی است برادر ام و فراد هم بد منتر نشان
 بنگرید که دنیا با رفیقانش چکر در آنکه صاحب شکوه جللی دینور بودند بنگر که روز
 به چه و سخن افتاد اند پس بیدار باشید هر شیاری باشد که دنیا گولش از نرسد
 و با دار خود خدمت به خلق رفعت به اسلام فانی باشد و دعا ای نکرده خودی جز
 الله در پیش گیرید پس کنید راه را انتخاب کنید که انبیا و اهل باقی و خدا مان رفیقند
 و چه خوشتر است الله دست یا نشند برادر ام غیر ضایع دادم که در مورد تو مشعلها و شرا و
 عشق و ایمان به زمانه گذشت برادر ام این قفسه جنگ تا یک دشمنی را از این جوار
 میران بیا قدم در دنیا را آزادگان بگذار برادر ام اگر سعادت دنیا و آخرت را میخواهی
 با یه به معومین اقتدا کنی که ما فرمای هر کسی دنیا با به آخرت نرسد و هر دو بر سر برود
 هر نزدیم مگر از آنکه با بسنگها و دبستگنها دستهای خود را زنجیر کند بگذار که آرزوی برادر
 در مکتب در دولت بیا بد بیا بیا که اینجا خوب داری است جبهه مهد ایثار دانشگاه
 انسان ساز و سران انسانیت قلعه آن که ما توان از تر از آن زشتیها و خرمیهای دنیا
 تاریک را خوب دید و مسیر حرکت خود را با جستن باز و ما آنگاه تا ابد پیوسته
 برادر ام بنگر بنگر از سلام که از جور ستم مستکبران به خون آغشته شد بر پستی
 با خدا برادر ام سلام را و با کرامت استوار خود ندانست الله اکثر و سرگ بر ستم گر بر می یاد
 گمادیه فردا! عجا شایخ مغبهان که با مسلمانان و مسلمانان تن بدلت و فرار از عدو
 بر در نفس دنیا حسن نمیشود و طالب دنیا نیست و دنیا را سه فلاحه کرده برادر ام دست



اسم خدا را گوش بفرمان او باش و پیام و فرمان او را بادل جان بپذیر و بدان
 که کار ما یاد ایثارگران شریف است نه چیز دیگر و از همه شما فراموش نمی‌کنیم
 همیشه در یاد ما هستید و ما استقامت نماندیم و از همه پیامبران فرزندان
 من باشید و از کلبه شما - و همچنین اقوام و قومان و بستگان و آشنایان ما فراموش
 که اگر حتی برگردن من دار بود عفو نماند و برای همه دعا کنید و اگر کسی بر کسی داشتیم
 اولاً و بیخشمیدم التماس دعا و همه امید پیروزان اسلام و مسلمین بر کفار و منافقین
 و من نصر الهما من عند الله

۵ ر ۹ ر ۶۵ عید غصه سید محمدتقی حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بِسْتَفْرَعُ وَمَا يَدُلُّ عَلَى تَبْدِيلِ
در برخی از آشنوسانان بزرگ مردمانی هستند که عهد و پیمانگی با خدا بستند کاملاً

وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا برای خدا شهید شدند و برخی

ناشکرا مقاومت کرده و جمیع عهد خود را تغییر ندادند.

ایشان شب بیدار می‌مانند و عهد پیمانگی با خدا را در انظار اسلام و شام و روزه شامه

حکیم رهبر و نائب امام زمان و ولی فقیه رحمت ادا می‌کنند و تکلیف به بیعت آدمی.

و عهد دیگر آدمی عشق به امام عمر بن خطاب و عشق دوست به اسلام و یاری کردن مسلمانان

و ما تو گمان کامل قدم در این راه گذاشته و یا با خدا را عهد بستیم که تا آخر زمین

مطهر خونیم - عهد خود پایدار بمانیم انشاء الله • اکنون که کارم عهدیات هستی بر حسب تکلیف و وظیفه

جند الامم و انصاران و هیئت به فرمانوار، ام و پسر و ما در رم و مشهد ایم عشق ابدی را گنیم



مرکز اسناد و کتابخانه ملی

چهارم صلح هست هزار یا نقد تومان دیگر از عمر ابو الفضل طلب گارم .

هزار یا نقد تومان آن از همین تاریخ سربر است که بود به جرمید و به عمر ابو الفضل بگو که پول بی

داد مشعل را هم نسبت به سهم من بدهد که مقدار ۳۵۰۰۰۰ بوده و اگر کسی طلبی دیگر از من دارد

از همین بون بدهد و بقیه آنرا که صرف از خودم کنیید و همسر یا بکنید از من که در خانه پدری

باشند (و شماره ای که سر بر منی فرزندانم را به تعداد دارم در قیومت شما است و الا نه و حقوقم را

صرف معارج ز خودم مسترد و فرزندانم کنید به همان شرطی که گفتم و آن از این و معارج من که در خانه پدری

عمر ابو الفضل، مانده بفرستید و تا یک فرزندتان سر و سامانی بران فرزندانم درست کنید و

و سائل از دیگر بار در اختیار دانوا هم باشد و انشاء الله که مسرم مادر خوبی بران آنها باشد

و فرزندانم را سر با از آن خوبی بران اجتماع تربیت کنند که بتوانند از هر دو ان پدر شهید خود باشند

و صلح یا نترسد هزار تومان بود دفتر به پایکم است که ما معور که گفتم بران همسر و فرزندانم سر و سامانی

درست کنید و در این دو صحنه هم یک بکار من بودم امیر

محمد علی محمدی



پیام به محرم
ادب اس آمل خوشتر سلام
مرکز مطالعاتی و پژوهشی

قدم از دوس بخت شود درم پیام

سلام و سلام و بار سلام هوای سلام محرم عزیزم سلام ای خوش شایها علم آلا

بن سلام یا یار و صبر ز توئی من و محرم همی که بران شود درم پیام محرم سرانجام تقاضا

عذر خود و ندیم آن کمر از گرفت که ما چه زانو و کبرتر عاشق و محنون پس از گل آن سلفهان

نوبت شیرین و زبکند بگرمد اشوبیم من در می محرم و ستر گاه دیگر ما دم و محرم است زدی

کوتاه و خرمی را که داشتیم به تو ما سپارم و از ندانم بزرگی ما تو هم که به محرم و استقامت است

فرماید یا توانیب در این مسوویت بودن و معبودنا شید الفنا محرم من من تو ایم ندانم است

بر بیان تو بندم و در آسان که همه ما انسانها آزاد آمدید شدیم و تو نیز آزاد در دل محرم

فست ما دم به آجا را که خیال ده ستداری کرد نگهدارن فرزند ام کو شاد و صبور باشی

و همچون محرم ان داغید، شهدا این و این بازماندگان که بر ما از حسین و ابا زین



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

خدا این دو صبیح نور بدانش و تنها بر او توکل کنی و شهادت سن و اسنان و آرزو به

از حرف خداوند بدانش عسر هم فرزند آن «حقیقه» و مسوولین کم بر عهد، سن و در نسبت

به تو نخواستیم به نهر، احسن از عهد آن آریم ولی اگر کسی نتواند تو فوس من دانش و در این

صداست از نوحی ما سن تا یید تمهید ما شنی که سن بد سال گشتن ما گشته همیشه ندان بر او

سوز خود من فراموش کردن آن استحقاق خود را یافتیم بلکه آن صفا و صمیمیت را در ملک من

ر تو ایجاد کرد و بنا را به هر سازند و حالا هم به خواست نودش و آنگرد و اگر لایق باشی

با زهد بگیرا خواهی یافت و امید دارم با حفظ روحیه خوبی که در این روزگار نوره سلیمان

باشی آن خود و خود در قرانتش و عهد دارد که کسان که در راه، نوا شهید شود نود من مسئولیت خواهد

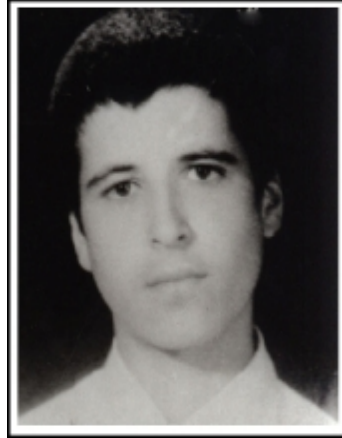
آنها را عهد دارم برایت آرزوی موفقیت و سرفرازی و ما کنم و از تو بخاطر تمام

مسائل و مشکلاتی که در رحمتی داشتیم طلب غف و بخشش دارم خود و سو گنهار تو

محمد دستار حبیبی

1391/7/21

نام: سیدمحسن
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: سیدعلی
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: هفدهم اسفند 1350
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم فروردین 1366
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا اگر انسان شهید شود اطمینان دارد که در بهشت جاودان است ولی اگر بمیرد شک دارد که کجا می رود.
- ا اسلام باید با خون زنده شود و میوه بدهد.
- ا خواهرانم و مادرم، حجاب خود را حفظ کنید.
- ا امام را تنها نگذارید و همیشه دعایش کنید.

سیدمحسن حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياءٌ عند ربّهم یرزقون»¹.

«آنهایی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده ندانید چون نزد خدای خویش روزی می‌خورند».

با سلام و درود به پیشگاه امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت و امت شهیدپرور ایران و رزمندگان اسلام که می‌جنگند تا راه بسته شده کربلا را بگشایند.

برای خود لازم دیدم که وصیت‌نامه‌ای بنویسم. انسان‌ها مرده‌اند و با مرگ زنده می‌شوند² (علی (7)). چرا انسان‌ها [که] با مرگ زنده شوند در³ بستر بمیرند، چرا به جبهه نروند و در آنجا به شهادت نرسند؟ پس بهتر است که در جبهه بمیریم.

اگر دنیا خوب بود ائمه و پیامبران می‌ماندند و از خدا نمی‌خواستند که آنها را از این دنیا ببرد. پس دنیا بد است. و اگر بد است چرا من بمانم؟ پس باید من هم بروم، همچون همه رفتند. اگر کوچک باشی هم می‌روی. و اگر مثل حضرت نوح 950 سال عمر کنی باز هم می‌روی پس بهتر است که در سن کوچکی برویم که گناهانمان کمتر است. ای خدای بزرگ، مرا ببخش چون که دیر متوجه جبهه شدم و خیلی دیر به جبهه رفتم چون دنیا بر من غلبه کرده بود. راستی، درباره شهادت بگویم که چقدر زیباست. اگر انسان شهید شود اطمینان دارد که در بهشت جاودان است ولی اگر بمیرد شک دارد که کجا می‌رود.

پدر و مادر عزیز و گرامیم، مرا ببخشید که نتوانستم زحمت‌های بی‌پایان و بسیار سخت شما را جبران کنم و در پیری عصای دستتان باشم. شما زحمت‌های زیادی برای من کشیده‌اید و من نتوانستم آنها، حتی 1 درصدش، را جبران کنم. معذرت می‌خواهم، زیرا که جبهه و جنگ در موقعیتی است که به نیرو احتیاج دارد و اسلام باید با خون زنده شود و

1- آل عمران/ 169.

2- ترجمه‌ای است از این حدیث نبوی «لنأس نیاماً فاذا ماؤنا انتبهوا». (بحارالانوار، ج 4، ص 43، باب 5).

3- در اصل وصیت «و در».

میوه بدهد. اگر تا الان¹ ناراحت بوده‌اید از الان خوشحال شوید و از خدا بخواهید که این قربانی را قبول کند.

ای ملت گرم مرا ببخشید. اگر کسی از من بدی دیده است به بزرگواری خودش ببخشد متشکر می‌شوم، زیرا اگر در این دنیا نبخشید در آخرت سخت است. برادران و خواهرانم، به پدر و مادرم احترام کنید و آنها را کمک کنید. من که لایق آن نبودم، اما شما باشید. خواهرانم و مادرم، حجاب خود را حفظ کنید که با بی‌حجابی به اسلام ضربه نزنید. ای ملت، ای خانواده عزیزم، امام را تنها نگذارید و همیشه دعایش کنید. دیگر سخنی ندارم. خداحافظ

65/12/1

سیدمحسن حسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

ما ینفعی لامرء مسلم ان یتت لیله الی و وصیته تحت راسه

آیه اش نام رفته است لطفاً خود تکمیل بفرمایید



آیا یادگارها که می بینید سرد، نو این چون
مده خدای خودشان دور بر ما خود نو

بسم الله الرحمن الرحیم

ز اول گرفت که در سلطان شی و امیری کند، بنگر اینکه وصیت نامه
از فرقی بر حق باشد
و لا ینسین الذین ظلموا فی حقهم اولئان ان یتوبوا
بیتهم بیزوتون

با سلام و درود بی بی عفا، امام زمان و نائب برحقش امام است و استغفر الله و استغفر له
راغبم شاید بران خود کارم بودم که وصیت نامه ام بنویسم اما سزاوارده اند و با صرف زحمات
و در بر سر برود چه راه چه برود و در آن تعجب به نهارت نرسد پس بهتر است که در چه
از خدمت خواسته که آنرا از این دنیا بر دین و با بجا است و اگر دوست چرامن همان پس یاد من هم برود
هم در روز و اگر تکلیف حضرت فوج انزال کنی تا هم در روز پس بهتر است که در آن کوفتی بروم
مرا بسخت چون که در بر متوجه چه نمودم و چلی و بی بجه رفتم چون در سایر من نگارند
انسان هم بر سر متوجه لیل دارد که در بر متوجه جلودان است اول آن هم بر سر شکندارد
ز صهارس پایین و سایر ریاضت نما چرامن کم بود در سیر عمارتشان با هم شمار خفتار
حقه ای در صومعه ای که حضرت می خواهم زحمات که در صومعه ای است که بی نیاز
و بیوه نه هدایت ناگهان ملاقات کرده ای اما کان خوشحال شود و از دو انخواهی که این
کسی از من بود در صومعه ای که در کوفتی بیخته شکر می نمودم زیرا که در این دنیا
چیز و دادم اقرارم کنه و آنرا کند که من که تابع آن نبودم اما شما با من
که با بی حجابی با سلام عرض به تزیین ایست ای خاندان عزیزم امام را نگاهدارید و همیشه
نذارم خدا حافظ

۱۳۸۱/۶/۶

۶۶، ۶۱۸۱

نام: سیدمحمد
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: سیدعلی اکبر
نام مادر: مهین
تاریخ تولد: یکم دی 1344
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم اسفند 1364
محل شهادت: فاعراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا به هوش باشید این چند روزه دنیا شما را نفریبد و آخرت را به دنیایان نفروشید.
- ا اگر خواستید گریه کنید برای مظلومیت سیدالشهدا گریه کنید.
- ا افتخار می کنم که در حکومت و ولایت خداوند هستم.
- ا افتخار می کنم از اینکه در مکانی قرار گرفته ام که دوستان خدا یعنی شهدا قدم گذاشته اند.

سید محمد حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الله تبارك و تعالى نعم الرب و ان محمدا صلى الله عليه و آله نعم الرسول ان امير المؤمنين على بن ابيطالب و اولاده الائمة الاحد عشر نعم الائمة و ان ما جاء به محمد صلى الله عليه و آله حق و ان الموت حق و سؤال منكر و نكير فى القبر حق البعث حق و النشور حق و الصراط حق و الميزان حق و تطائر الكتب حق و الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتية لا ريب فيها و ان الله يبعث من فى القبور»¹.

«به راستی که خدای تبارک و تعالی خوب پروردگاری است و محمد (6) خوب رسولی است و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (7) و فرزندانش، امامان یازده گانه، خوب امامانی هستند و آنچه را محمد (6) آورده است حق است و مرگ حق است و سؤال نکیر و منکر در قبر حق است و برانگیخته شدن حق است و نشور حق است و صراط حق است و میزان حق است و پراکنده شدن نامه‌ها حق است و بهشت حق و دوزخ حق است و قیامت آمدنی است شکی در آن نیست و خدا برانگیزد هر که را در قبرها است».

راضی هستم که اسلام دین من است و رسول الله پیغمبرم و علی علیه السلام و یازده فرزندش امام و رهبرم و افتخار می‌کنم که در حکومت و ولایت خداوند هستم و تحت رهبری ولایت فقیه و از اینکه خداوند به من توفیق داده است که در جبهه شرکت کنم سپاسگزارم. افتخار می‌کنم از اینکه در مکانی قرار گرفته‌ام که دوستان خدا یعنی شهدا قدم گذاشته‌اند، در مکانی که امام زمان (عج) گذر می‌کند و در مکانی که خون عزیزان اسلام بر آن ریخته شده است. پروردگارا به تو پناه می‌برم «از آن روزی که نه مال سودبخش است و نه فرزند»²، مگر اینکه با قلبی پاک به سوی تو آمده باشم. «الدنيا دار ممر الاخرة دار مقر»³ «دنیا محل گذر است، آخرت محل دائمی». ما همه امانت خداییم در این عالم و روزی از

1- برگرفته از مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

2- ترجمه آیه 88 سوره شعراست.

3- از نهج البلاغه، حکمت 133.

این دنیا خواهیم رفت، دیر یا زود. نیامده‌ایم در این چند روزی بخوریم و بخواییم و بعد هم مانند حیوان بمیریم. پس ای انسان‌ها، به هوش باشید این چند روزه دنیا شما را نفریید و آخرت را به دنیایان نفروشید.

و اما ای امت حزب‌الله، آیا تا به حال به جبهه آمده‌اید یا فرزندانان را فرستاده‌اید؟ آیا دینداریتان را ثابت کرده‌اید؟ ای کسانی که آرزو می‌کرده‌اید¹: «کاش کربلا بودیم حسین (7) را یاری می‌کردیم»²! امروز حسینیان با یزیدیان در نبردند. بشتابید به سوی جبهه‌ها، رزمندگان اسلام را تنها نگذارید.

ای که گفתי یا حسین ای کاش بودم کربلا این خمینی چون حسین و جبهه هست کربلا

بهر فتح کربلا پیش به سوی جبهه‌ها

ای امت حزب‌الله، ای شیعیان علی ولی‌الله (7)! کاروان عاشقان به سوی الله در حرکت است، عزیزان شهادت‌طلب پیشاپیش این کاروانند. به پیش که از این کاروان عقب نمانید، به پیش که کربلا در انتظار شماست، به پیش که فتح نهایی نزدیک است.

و اما وصیتی به خانواده‌ام. پدر و مادرم و برادران و خواهرانم، می‌دانم که برای من زحمت کشیده‌اید و من توفیق پیدا نکردم که حتی مقداری از آن را جبران کنم. از شما می‌خواهم که از من راضی باشید و حلالم کنید. و اگر خواستید که برای من گریه کنید به این [...] گریه کنید که شاید بنده خوبی برای مولایم و معبودم نبودم تا انشاءالله خداوند به خاطر شما هم که شده این بنده روسیاه را ببخشد و اگر خواستید گریه کنید برای مظلومیت سیدالشهدا گریه کنید، برای درد و رنج زینب کبری گریه کنید، برای مظلومیت ائمه اطهار گریه کنید.

از تمامی دوستان و آشنایان و برادران و خواهرانی که به هر نحوی به گردن حقیر حقی داشته و دارند و بنده نسبت به آن کوتاهی کردم تقاضای عفو و بخشش می‌کنم. و آخرین

1- در اصل وصیت «می‌گردید».

2- اشاره به این عبارت که از زبان کسانی نقل شده است که نتوانستند در رکاب حضرت امام حسین (7) در کربلا بجنگند: «یا لیتنا کنا معکم» یا «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً» (فرهنگ عاشورا، ص 511).

سخنم اینک: به امام عزیزمان، همانند امام حسین (7) که فریاد «هل من ناصر ینصرنی»¹ش را سر داد به ندایش لبیک گوید. والسلام.

وصیت‌نامه از قبل نوشته بودم و شاید خانه باشد و چون اینجا نبود آنچه به نظر رسید نوشتم. شما مجازید هرطور که صلاح اسلام و قرآن است آن را اصلاح و یا کم و زیاد کنید. «اجرکم عندالله». در ضمن 8 روز روزه بدهکارم. زحمت آن را بکشید و چنانچه کفاره به آن تعلق می‌گیرد آن را بدهید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

«والسلام»

محمد رضا شاه حسینی

64/2/12

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»².

به نام او که همه چیزم از اوست، به نام او که زندگی‌م در جهت اوست، به نام او که زنده به اویم، به نام او که از اویم، زندگی‌م به خاطر اوست امیدم اوست، مقصودم اوست، احساسش می‌کنم با قلبم با ذره ذره وجودم احساس می‌کنم. نیایش نتوانم کرد. خدایا می‌دانم آنچه تو می‌خواهی می‌کنی؛ مرا در آن راهی قرار بده که مصلحت توست. خدایا تو جانم دادی و جانم را خواهی گرفت. مرا در آن صراطی گذار که در لحظه جان دادن حسرت³ نخورم.

و اما چند جمله‌ای را به روی کاغذ می‌آورم. چشمانم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند که کورکورانه به این راه نرفتم، دستانم را بیرون بگذارید تا راحت‌طلبان و دنیاپرستان ببینند که چیزی با خود به آن دنیا نمی‌برم و مشتانم را گره کنید تا کافران بدانند که نمی‌گذاریم

1- ر.ک. تعلیقات.

2- آل عمران / 169.

3- در اصل وصیت «غفلت».

حتی یک لحظه ساکت بنشینند، حتی لحظه‌ای آرامش به خود ببینند و بر سنگ مزارم ناکام ننویسد زیرا من به بهترین کام دل رسیدم.

ولی، از باب وصیت چند کلامی حضورتان عرضه می‌دارم. مادرم، قربان تو که هیچ کسی بیش از شما، بعد از خدا و مولایش و ائمه‌اش و امام عزیز، گردنم حق ندارد. امیدوارم که من را حلال کنید و خداوند این قربانی را از تو به فضلش نه به عدلش قبول فرماید و شما را روز محشر در حضور فاطمه زهرا (3)¹ روسفید و در محضر ام‌البنین (3)² [...] را به اسلام هدیه کرد سرفراز نگه‌دارد. مادرم، مبادا تو را که با سیاه پوشیدن و تضرع و زاری دشمنم را شاد و مرا [...] سازی. بدان من هم‌اینک در حجله عروسی‌ام، عروس من تور سرخ به سر دارد و لباس خونین به بدن، جهاز وی سلاح [...] و مهریه‌اش جان من. مادرم، مگر خودتان نمی‌گفتید، دنیا گذرگاه است و آزمایشگاه و این همان است. فرزندان هم‌اینک در محضر حق تعالی آسوده آرمیده و به لقاءالله شتافته. مبادا او را در پیشگاه معشوقش سرافکنده کنی. هرگاه خبر عروسی مرا شنیدی جشن بگیر و لباس سبز در بر کن و خانه را چراغان کن و، همان‌طور که گفتم، هر آنچه خواستید در عروسی من تهیه و خرج کنید، در راه خدا دهید، تا خدای تعالی خشنود گردد. باز تأکید می‌کنم، مبادا محزون شوید که در آن‌صورت از شفاعت خبری نیست. البته می‌دانم شما چون [...] که سرش را نزد وی انداختند پس فریاد زد و سر را پس فرستاد و گفت من سری را که در راه خدا دادم پس نمی‌گیرم.

ای پدرم، ای استادم، قربان تو و کارهای خیرت. از شما بسی خجلم که [...] ای که می‌دانم این‌طور نیست که پسر من شهید شده این افتخاری بود که خدا نصیب شما کرد.

1- در اصل وصیت «علیه‌السلام».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

6- در اصل وصیت خوانا نیست. احتمالاً «ام وهب» باشد.

7- خوانا نیست.

فقط هر روز از خدا بخواه که این اسماعیل را از شما قبول بفرماید. پدر و مادر عزیزم صبر کنید و از این آزمایش الهی سرفراز بیرون آید و مبادا شما با آه و ناله خود من را از [...]»¹ مولایم محروم سازید. می‌دانید که در جشن فرزند هیچ‌کس حق ندارد لباس سیاه بپوشد هر که رضایت مرا می‌خواهد لباس سبز [...]»² و بر بالای خانه‌مان پرچم سبز برافرازد تا مبادا کرکسان گرسنه طعمه خوبی بیابند و در عزای شما سخت شادی کنند و سلام مرا به تمامی قومان و خویشان و دوستان برسانید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علیکم»

63/5/1 سیدمحمد حسینی

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

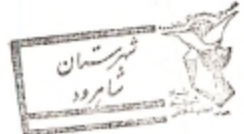
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نِعْمَ الرَّبُّ وَأَنْعَمَ الْجَنَّةُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ
أَنْ أَرْسَلَ رَسُولًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُطِيبَ لِقَاءَ مَنْ لَقِيَ الْإِسْلَامَ وَأَلَّا يَكُونَ الْإِسْلَامُ إِلَّا حُرًّا مَسْرُومًا
أَنْ جَاءَهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ حَقٌّ وَأَنْ أَلْعَرَفَ حَقُّكَ وَسُؤَالَ مَنْ يَدِيرُ فِي الشَّيْءِ
بَيْنَ وَالتَّبَعِ حَقٌّ وَالشُّعْرُ حَقٌّ وَالسِّرُّ الْأَخْفَى وَالْعَيْنُ حَقٌّ وَنِعْمَ الْكَلِمَةُ حَقٌّ وَالتَّبَعُ
بَيْنَ وَالتَّبَعِ حَقٌّ وَأَنْ لَسْنَا كَأَنْبِيَاءِ كَارِئِبٍ فِيهَا وَأَنْ لَعَلَّ يَنْبَغُ مِنْ فِي التَّبَعِ رِبْعًا

براستی که خداوند تبارک و تعالی خوب برورد ما را راست و محمد (ص) خوب در سبب راست
و اهر مؤمنان علی ابن ابیطالب و فرزندان اش امامان یا زود همانند حضرت افعانی مستند و آنچه
را همه علی السلام و آل او را راست حق است و قرب حق است رسول الله و سید
که شریف حق است و آنچه در سبب حق است و شرف حق است و صراط حق است
و سیران حق است و در آنچه در سبب حق است و صراط حق است و در آنچه حق است
و صراط حق است و سبب حق است و صراط حق است و در آنچه حق است

را حق است که اسلام از حق است و رسول الله پیغمبر علی (علیه السلام) و باز از حق است
امام و هدایت و افتخار حق است که در حکومت و ولایت خود نه دستم و تحت هدایت
و ولایت فقید و از انبیا خود نه یعنی توفیق داده است که در جمیع سعادت کسب است
لغنی بودی که از انبیا در سبب حق است که در دست حق است یعنی شکره و قدیم خدا است اندر
سبب که امام از انبیا بود در سبب حق است که در سبب حق است یعنی شکره و قدیم خدا است
برورد ما را بتو یا ه می برم از آنی لایزال که نفعان نمود بخش است و نه فرزندان مگر انبیا
تلبی یک بگویم که با هم از انبیا را از جمیع ماخوذ دارد معتد دنیا علی بن ابی طالب
آفرین محل را حق است امامت خداست در این عالم و در روز از انبیا غیر از انبیا است
نیاده ایم در این خنده از انبیا و بگوئیم و بگوئیم مانند عیون بیداریم سر از انبیا

توقیفی برابر اصل است





نام سید محمد نام خانوادگی حسین
نام پدر سید علی
آدرس شهر سردسیر ابراهیم آباد جلپا

من پدرم را به استقامت و قیام تو و کلامش غیرت از شایسته غلام که...
این کلمه را این طوری زیادت که به معنی شده است...
بهر شایسته اول غیر اید و در یاد عزیزم هرگز...
حوالای معروف سازد من داند که در پیش فرزند خدایتان...
خوب و بد را از غلامان این مردم سبزه را از دست ما جدا...
کنند و سلام را به تمام خندان عزیزشان در دستان برانند...
سید ابان الله علیهم السلام را
۶۴۵۳

نام: محمدرضا
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: رجبعلی
نام مادر: ایران
تاریخ تولد: یکم مرداد 1349
محل تولد: شهرستان رامیان
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم اردیبهشت 1367
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان شاهرود



عبارت‌های کلیدی

- ا خدا یا تا مرا مخلص نکردی و نیامرزیدی از این دنیا مبری.
- ا پدران عزیز و مادران گرامی از فرستان فرزندان‌شان به جبهه دریغ نوزند.
- ا مرگ حق است و دیر یا زود به سراغ همه می‌آید.
- ا خدا یا از تو می‌خواهم که مرا به بندگی و کوچکی خود قبول کنی.
- ا امیدوارم پدرها و مادرها با فرستادن فرزندان‌شان به جبهه‌ها از این امتحان الهی سرافراز بیرون آیند.
- ا تنها عشق خدا و عشق اباعبدالله الحسین (7) باعث شد که من پا در جبهه بگذارم.
- ا ما هم به‌عنوان سرباز امام زمان (عج) می‌گوییم: اگر نهضت خمینی جز با کشته شدن ما باقی نمی‌ماند، پس ای گلوله‌های سربی ما را دریابید.

محمد رضا حسینی

اعوذ بالله من الشیطان رجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

«و به نستعین و هو خیر ناصر و معین».

«سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»².

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند.³ (امام خمینی)

«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»⁴.

«و میندازید کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند⁵ بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خداوند روزی می‌خورند».

با سلام و درود بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و نایب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن، پیر جماران، قلب تپنده امت حزب‌الله و با سلام و درود بر خانواده‌های معظم شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان و رزمندگان عزیز اسلام.

«ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی». (امام حسین (7))

اگر دین جدم محمد (6) جز با کشته شدن من باقی نمی‌ماند پس ای شمشیرها مرا دریابید. ما هم به‌عنوان سرباز امام زمان می‌گوییم⁶: اگر نهضت خمینی جز با کشته شدن ما باقی نمی‌ماند پس ای گلوله‌های سربی ما را دریابید.

خدایا نمی‌دانم آیا لیاقت این را دارم که این مادی و ناچیز را، این بدن کثیف را که غرق در گناه و معصیت است، هدیه در راه رضای تو کنم، خدایا از خود بیخود شدم⁷ و دیگر

1- در اصل وصیت «عقب».

2- رعد/ 24.

3- صحیفه امام، ج 16، ص 13.

4- آل عمران/ 169.

5- در اصل وصیت «مردگانند».

6- در اصل وصیت «می‌گوییم». ر.ک. تعلیقات ذیل «ان کان دین محمد...».

7- خوانا نیست.

طاقت ندارم، خدایا دیگر نمی‌خواهم شاهد و ناظر این باشم که دوستان عزیز می‌توانند با تو دوستی را دوباره تشییع کنیم، خدایا دیگر مادران طاقت ندارند که به داغ عزیزانشان بنشینند.

خدایا دلم شکسته، از همه چیز بریدم و گذشتم، دیگر نمی‌خواهم توی این دنیای مادی بمانم، خدایا از تو می‌خواهم که مرا به بندگی و کوچکی خود قبول کنی و مرا ببخشی، و تا مرا مخلص نکردی و نیامرزیدی از این دنیا مبری، خدایا گناهانی که مانع استجابت دعاهایم می‌شود را بر من ببخش، خدایا تو که می‌دانی من بنده خوبی نبودم و نتوانستم شکرگزار¹ واقعی نعمت‌های تو باشم و تو را آنچنانکه سزاوار پرستش بودی، اطاعت و پرستش نکردم.

خدایا حالا که من در این دنیا زندگی کردم و تو در این دنیا گناهانم را فاش نمودی، در آن عالم هم وقتی که از من بازجویی می‌کنی و نامه اعمالم را به دستم می‌دهی گناهانم را فانی ساز.

* * * * *

امیدوارم که پدران عزیز و مادران گرامی از فرستادن فرزندانشان به جبهه دریغ نوزند و باعث نشوند که فرزندانشان نتوانند به جبهه‌ها بروند...، حتی طوری کنند که فرزندانشان را تشویق نموده و با رضای کامل به سوی جبهه‌ها بفرستند تا بتوانند از این امتحان الهی سرفراز بیرون آیند و خدای را شکر کنند که امانتی را که به آنها داده شده بود به صاحبش آبرومندانه تحویل دادند و این را هم بدانند که مرگ حق است و دیر یا زود به سراغ همه می‌آید² پس چه بهتر که در این راه فرزندانشان شهید بشوند

* * * * *

«و چند کلامی هم با پدر و مادر عزیزم»

پدر و مادر عزیزم می‌دانم که فرزند خوبی برای شما نبودم و آنطوری که باید و شایسته بود نتوانستم از شما اطاعت کنم و حق فرزند می‌باشم را خوب ادا نکردم.

پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران عزیز و گرامی خودم اگر در این مدت عمری

1- در اصل وصیت «شکرگذار».

2- ترجمه آیه «کل نفس ذائقة الموت» است. عنکبوت/ 57.

که از خداوند تبارک و تعالی گرفتم اگر از دست من اذیت و آزاری دیده‌اید که می‌دانم و حتماً شما را ناراحت و اذیت کرده‌ام از درون قلب مرا ببخشید و مرا حلال کنید.

* * * * *

پدر و مادر عزیزم ما هفت برادر و خواهر هستیم، از این هفت برادر و خواهر یکی از ما باید خمس در راه خدا باشد که از این هفت نفر من باید خمس در راه خدا باشم.

* * * * *

پدر و مادر عزیزم امیدوارم که مرا مورد عفو و بخشش قرار دهید و اگر شهادت این فوز عظیم نصیب من شد و خبر شهادتم را به شما دادند هیچ‌گونه ناراحتی از خود نشان ندهید و وقتی که می‌آید¹ برای دیدن جنازه‌ام هیچ گریه نکنید و ناله زنید برای اینکه اگر گریه کنید منافقین و ضد انقلاب‌ها خوشحال می‌شوند پس چه بهتر است که وقتی جنازه‌ام را مشاهده نمودید آیه: «اللَّهُ وَاَنَا إِلِيهِ رَاجِعُونَ»² را زمزمه کنید.

* * * * *

و این را هم بعضی‌ها بدانند که من این راه را به انتخاب خودم پیمودم و تنها عشق خدا و عشق اباعبدالله الحسین (7) باعث شد که من پا در جبهه بگذارم، و هیچ‌کس در انتخاب این راه مرا اجبار نکرد.

پدر و مادر عزیزم، اولاً از من راضی باشید و مرا حلال کنید و بدانید که شما نزد خداوند رحمان و رحیم اجری عظیم دارید. اگر لیاقت داشتم که در راه خدا به شهادت برسم و اگر خبر شهادتم را به شما دادند دوست دارم که همان وقت دست‌هایتان را بلند کرده از خداوند شکرگزاری³ کنید چرا که امانتی که چند روزی نزد شما پرورش یافته بود و چه خوب هم پرورش یافته بود نزد صاحب اصلی‌اش برگردانده شد، اگر به قرآن اعتقاد داریم خداوند در قرآن فرموده است «که شما از خودتان نیستید و به دیگری (خدا) تعلق دارید»⁴.

* * * * *

1- در اصل وصیت «می‌آید».

2- بقره/ 156.

3- در اصل وصیت «شکرگذاری».

4- اَنَا لَلَّهِ وَاَنَا إِلِيهِ رَاجِعُونَ.

پدر و مادر عزیزم: بعد از نمازهایتان امام عزیز، این پیر جماران، این قلب تپنده امت حزب الله را دعا کنید، و دعا کنید که تا انقلاب حضرت مهدی (عج) حتی کنار آن حضرت مصون و محفوظ بماند. رزمندگان عزیز اسلام را دعا کنید که هرچه زودتر به کربلای حسین (7) برسند و به آن هدف الهی که صدور اسلام به سرتاسر جهان است برسند.

* * * * *

از برادران و خواهران خودم و تمام افراد دانش آموز خواهم می کنم درسشان را بخوانند تا وقتی که به دانشگاه رفتند افرادی مؤمن و با تقوی و پیرو انقلاب و امام باشند.
از کلیه:

همسایگان و قوم و خویشان و دوستان و آشنایان تقاضا دارم اگر در این مدت عمر خطایی از من دیدند مرا ببخشند و حلال کنند و جداً از همگی آنها معذرت می خواهم که موجب ناراحتی آنها شدم.

از مسئول بنیاد شهید تقاضا دارم که جنازه ام را در کنار برادر شهیدم حسین شاهسوار دفن کنید.

* * * * *

در آخر از همه عزیزان معذرت می خواهم که وقت با ارزششان را گرفتم و سر همه را به درد آوردم اما چون روایت است که: «سزوار نیست که مرد مسلمان شبی را سپری کند مگر اینکه وصیت نامه او زیر سرش باشد». (امام صادق (7)) من هم چند کلامی بر روی صفحه کاغذ آوردم هرچند که زبانم الکن بود.
امیدوارم که مرا حلال کنید.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

ملتمس دعا العبد العاصی

بنده کوچک خدا

محمدرضا حسینی

مراد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ خَيْرُ نَامٍ وَمَعِينٌ وَهُوَ خَيْرُ نَامٍ وَمَعِينٌ

این وصیت نامه را من برای فرزندانم و سایر عزیزانم (در راه خدا) می‌نویسم

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء و غنم لهم اجرهم بزرگواران
و سپیدان کسانى را که در راه خدا کشته شدند بگویند که زنده اند و بزرگواران
نزد خداوند روزى می‌خورند.

با سلام و درود بر کاتب معجزى عالم بقرئیت سفوت و عروج و تالیف بر حسن
امام امت حقیقی است بگویند و پسر خواران و قلب آینه امامت عزت بادند
و با سلام و درود بر خاندان هادی معظّم محمدی و اسرار و مقتدرین و جانشینان و
رزمندگان عزیز اسلام.

این کار درین معهود ام بستم الا بقولی فیما سرفرد خدیوی و امامین
بگرددیم مردم محمدی و جز با کشته شدن من باقی نماند برای شما ما را در یاد بید
ما هم به عنوان ضرب از امام زمان نمی‌گوییم. آن حضرت معضی جز با کشته شدن
ما باقی نماند برای نگارنده های مردمی ما را در یاد بید.

فراده خرد کم آری ایعت این را درم کدین جمع ما دین و نه چیز را این بد کتف را
که خرق در گناه و معصیت است هدیه در راه روانای تو کتم و غنا مال خرد میفرود

مر ۵



بسم الله الرحمن الرحیم و خدایتعالی را می خواهم شاه و پادشاه این عالم را بسم الله و در دست خدایتعالی واگذار کنم

خدایا دلم شکسته و از هر چیزی بریدم و گزاشتم و دیگر نمی خواهم تویی این دنیای مادی بمانم و خدایا از تویی خواهم که مرا به بهتری و کرمی خود قبول کنی و سرا بیخشی و تا مرا مخلص کنی و دنیا مزید می از این دنیا مبری و خدایا گناهایی که مانع استجاب دعاها ام می شود را بر من بیخشی و خدایا تو که می دانی من بنده خوبی نیوم و نتوانستم سگت گذارم و اتقی نعمتای تو باشم و تو را آید چنانکه سزاوار پرستش بودی و اطاعت و پرستش کنم

خدایا حالا که من در این دنیا زندگی کردم و تو در این دنیا گناهایم را بخش نمودی و در این عالم هم دینی که از من بازجویی می کنی و ناچاراً اعمال را به دست می دهی گناهانم و گناهایم را سزا

* * * * *

امید دارم که پدران عزیز و ماداران گرامی از فرستادن فرزندانشان به جبهه ذریع فرزند و باعث شوند که فرزندانشان نتوانند به جبهه حاضر شوند و حق طوری کنند که فرزندان را تسکین بخورد و بارضای کامل به سوی جبهه ما بفرستند تا بتوانند از این استخوان آهنی سرازیر سیرت آینه وفای را سگت کنند که امانتی را که به آنها داده شده بود بر جایش آورده اند و قول داده و این را هم برانند که مرگ حق است و دیر یا زود به سراغ هر چه آید یک جبهه بفرستد که در این راه فرزندانشان سعید می شوند

* * * * *



مر ۳

بسم الله الرحمن الرحیم

پدر و مادر عزیزم می دانم که فرزندان خوبی برای شما نبودم و آنطور که باید و ستاییده بودم و شما را از شما اطاعت کنم و حق فرزندی را خوب ادا نکندم.

پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران عزیز و برای خودم آن در این مدت عمری که از خداوند تبارک و تعالی گرفتم آنرا ز دست من اذیت و آفریدی ندیدم مایه که من دانم و شما را ناراحت و اذیت کرده ام از درد و قلب مرا بیخشمه و مرا حلال کنید.

* * * *

پدر و مادر عزیزم ما هفت برادر و خواهر هستیم، از این هفت برادر و خواهر یکی از ما باید تحقیق خواهد کرد با سینه که از این هفت نفر من باید نفس در راه فدا باشم.

* * * *

پدر و مادر عزیزم امیدوارم که مرا مورد عنود و بخشش قرار دهید و اگر شما در این فوج عظیم نصیب من شد و خبر شما در تمام بلاد شنیده می شود که ناراحتی از خودتان ندهید و وقتی که می آید برای دیدن جنازه ام هیچ تریه نکنید و ناله نزنید برای استم که تریه کنید منافعتی و منفعتی را برای خودتان می ستونید سر چه بهتر است که وقتی جنازه ام را مشاهده کنید آید: انالله وانا الیه راجعون و از منزه کنید.

* * * *

و این راهم یعنی هاید است که من این راه را به انتخاب خودم نمودم و شما عشق خدا و عشق اجداد را محسوس و باطن کردم که من یاد در صیحه بگذارم و هیچکس در انتخاب این راه مرا اجبار نکرد.



عمر (4)

پدر عزیزم، اولاً از من راضی باشید و مرا حلال کنید و بپایند که من آن خطه ندر عا و عجم
 را که اسنادا نامزدان
 آفری عظیم دارید. اگر لیاقت داشته که در راه فنا بیجا ارت بر جسم و آفر خود مجادیم را ببیند
 دوست دارم که حال دقت مستعاینان را بپذیرد که از خداوند مقرر گشته که هر کس از کلمات
 که چند روزی نرسد بر درش یافته بود و چه خوب هم بود و در وقت بود نزد ما صاحب اهلین
 برگردانده شد، اگر به قرآن اعتقاد داریم خداوند در قرآن فرموده است که من از خوفتان
 نیستیم و به دیگری (خدا) تعلق داریم.



پدر و مادر عزیزم: بعد از نماز هائیکه اسام عزیزان این پیر جانان، این قلب تپنده استغاثت
 دارد آئینده و در آئینده که تا انقلاب حضرت محمدی (ع) حق که آن حضرت است و محفوظ
 بماند. رزمندگان عزیز اسلام را آئینده که هر چه زودتر به تربلای حسین (ع) برسند و به آن حرف
 الهی که بعد در اسلام به سرتاسر جهان است برسند.



از برادران و خواهران خردم تمام افراد دانش آموز خواهش می کنم در سسنان را بخوانند تا
 وقتی که به دانشگاه رفتند افرادی مومن و باتقوی و پیر و انقلاب و امام باشند.
 از کلیه:

همگیان دهم و خوشتر و دوست داشتنی تمامنا داریم اگر در این مدت
 بحر خطای از من دیده را ببخشند و حلال کنند و جفا از عملی آنجا حضرت می خواهم
 که موجب ناراضی آنجا شدم.

مرحوم



بنام خداوند تعالی درم که جنازه ام را بگویند برای پدر محترم

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

حسین شاهسوار دهن کشید

✦ ✦ ✦ ✦

در آخر از همه عزیزان معذرت می خواهم که وقت بالذات مناسک را نرفتم

و سر همه را ببرد آوردم اما چون روایت است که اینها را نیت کرده ام

بنی را سوری اندم مگر اینکه و منیامه اوزیر مرش باشد (لا فاعله) [من هم

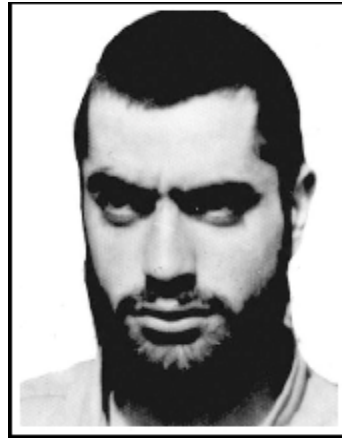
چند کلامی بر روی منقده کاغذ آوردم هر چند که زیاده است بود.

امید دارم که احوال کنید

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مهر نوا العبد العاصی
بنده کوچک منگول
حسین شاهسوار

نام: سید موسی
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: سید حسن
نام مادر: رقیه
تاریخ تولد: دهم بهمن 1345
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا قدر امام امت را بدانید و به دستورات او عمل کنید.
- ا به خانواده‌های شهدا و کودکان آنها احترام بگذارید.
- ا از برادرانم می‌خواهم که همیشه در صراط مستقیم و ولایت فقیه قدم بردارند.
- ا همیشه پشتیبان ولایت فقیه و رهبری باشید.
- ا سنگر مساجد و نمازهای جماعات و دعاها را محکم حفظ کنید.
- ا همچنان وحدت خود را حفظ کنید.
- ا مراسم عزاداری را باشکوه برگزار کنید زیرا ما هرچه داریم از همین عزاداری‌ها است.
- ا فرزندان خود را چنان تربیت کنید که فردا افراد صالحی برای جامعه باشند.
- ا همچنان پیمان خود را با شهدا و انقلاب مستحکم‌تر کنید.
- ا لحظه‌ای از یاد خدا غافل نباشید.
- ا ای مادر در مرگ من چون زینب (3) صبر نما و مرگ مرا برای خود افتخار بدان.

سیدموسی حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلاً»¹.

«از مؤمنین مردانی هستند که با عده و پیمانی که با خدای خود بسته‌اند وفا کرده‌اند پس بعضی از آنها به شهادت رسیده‌اند و بعضی به انتظار شهادت نشسته‌اند.»
 «شهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و اشهد ان علیاً ولی الله»².

سلام خدمت یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) و نایب برحقش، امام امت، خمینی کبیر و همچنین سلام و درود بی‌کران به روان پاک شهیدان اسلام از کربلای حسینی تا جنگ تحمیلی استکبار علیه ایران و درود بر مجروحین و معلولین و اسرا و خانواده‌های محترم آنها.

خدایا تو را شکر می‌گزارم³ که این همه نعمات را در مدت این چند سال بر ما نازل کردی، گرفته از نعمت اسلام و انقلاب و جنگ و رهبری آنچنان استوار و مقاوم که می‌فرمایند «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»⁴ و «ما آنچنان سیلی به صدام خواهیم زد که از جایش نتواند بلند شود»⁵.

ای امت حزب‌الله، قدر این نعمت عظیم را بدانید و همیشه پشتیبان ولایت فقیه و رهبری باشید و سنگر مساجد و نمازهای جماعات و دعاها را محکم حفظ کنید و هر چه باشکوه‌تر برگزار کنید و همچنان وحدت خود را حفظ کنید، زیرا پیروزی‌های ما در جبهه‌ها و دیگر مسائل همین حفظ وحدت بوده است. و مراسم عزاداری را باشکوه برگزار

1- احزاب/ 23.

2- شهادتین.

3- در اصل وصیت «می‌گذارم».

4- صحیفه امام، ج 10، ص 515.

5- صحیفه امام، ج 13، ص 278.

کنید، زیرا ما هر چه داریم از همین عزاداری‌ها است¹. و بدانید که اگر در یکی از مسائل فوق سستی و کم اهمیت داده شود اول بدبختی و نابودی ما آغاز شده است.

همچنین ای امت حزب‌الله، قدر امام امت را بدانید و به دستورات او عمل کنید، زیرا که دستورات او فرمان و حکم خدا می‌باشد و نیز احترام به او احترام به مقام رسول‌الله می‌باشد و نیز قدر افرادی که به شما خدمت می‌کنند را بدانید و از آنها قدردانی کنید. و فرزندان خود را چنان تربیت کنید که فردا افراد صالحی برای جامعه باشند. به خانواده‌های شهدا و کودکان آنها احترام بگذارید و همچنان پیمان خود را با شهدا و انقلاب مستحکم‌تر کنید.

سلام بر پدر و مادر عزیز و مهربانم. امیدوارم که سلام‌های گرم من را که از خوزستان سرچشمه می‌گیرد با جان و دل بپذیرید. بار خدایا تو و خانواده‌ام بهتر می‌دانید که من از روی آگاهی و شناختی که به اسلام و رهبر پیدا کرده‌ام و بنا بر مسئولیتی که داشته‌ام برای رضا و خوشنودی تو و برای نابودی دشمنانت به جنگ با کفار آمده‌ام تا از این راه بتوانم کمک به اسلام [یکنم] و تو را از خود خشنود سازم.

ای پدر و مادر گرمی، در مرگ و شهادت من کوه باشید و چون کوه استقامت کنید و لحظه‌ای از یاد خدا غافل نباشید و در راه رضای خدا قدم بردارید. و از اینکه نتوانستم حق فرزندی را به شما ادا نمایم و اگر بدی‌هایی از من نسبت به شما رسیده است، به بزرگواری خود مرا ببخشید و برایم طلب آمرزش نمایید. و از برادرانم می‌خواهم که همیشه در صراط مستقیم و ولایت فقیه قدم بردارند.

اگر خواستید برایم گریه کنید نه برای من بلکه به‌خاطر مظلومیت و غریبی امام حسین (7) و جوانی ناکام علی‌اکبر (7) گریه کنید.

تو ای مادر در مرگ من چون زینب (3) صبر نما و مرگ مرا برای خود افتخار بدان که چنین فرزندی داشتی که برای رضای خدا و در راه او فدا نموده‌ای و از شما می‌خواهم که در عزایم آنچنان خرج کنید که رضای خدا در آن باشد و جنازه‌ام را در کنار گلزار شهدای [...] ²نمایید.

1- صحیفه امام، ج 17، ص 58.

2- خوانا نیست.

دیگر عرضی ندارم و به امید پیروزی رزمندگان بر کفر جهانی و سلامتی خدمتگزاران به اسلام و اجر و پاداش شما خانواده با خداوند متعال، همگی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. خداحافظ شما.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

سیدموسی حسینی

تاریخ نامه 63/12/10

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رحمن العزیز رحمان صدقتم ما ما هدو الله علیہ فیهتم من قرض نکتہ مرتبتم من تینظنر ربنا بڈلوا تید بلا
بزمین حردان مستکرم باعد و بها نیک ما عدای خودسته اندوه توه به من جین اراک ما با ناه و در حردانه اندوهین و انسا را ناسر
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله
سلام خدمت گیاره منین عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) و نایب برحقش امام آست خمینی کبیر و همچنین سلام و درود
بران برون پاکشیدان اسلام اکرمین حسین تا جنگ تبدیل استقامت طلب ایران درود بر سرخوردن و مظلومین و اسرا
اراده های محترم آقا

با نور شکری گذارم که این همه نعمات و دردمت این چند سال بر ما نازل کردی گزینته از نسبت اسلام و انتخاب جنگ
برای آنچنان استوار و ضامنم که هر مراد با تو آمرگیا هیچ ظلم نمی تواند کند و با آنچنان سلی با هدام خواهیم کرد که از جان
بماند شود.

از آست حزب است قدریین محسوسیم را در ایده و همتیشتیان ولایت فقیه و رهبرین با شید و سرکس ساجد و نماز
و زیارات و دعاها را حکم حفظ کنید و هر چه با شکوهتر کردید و هر چه از قدرت خود را حفظ کنید نزدیک روزی با ما

دعا و دیگر مسائل هیچ حفظ خدمت خود است و مراسم عزاداری را با شکوه برگزار کنید هر چه از هر چه در این
را از ما است و بدانید که اگر در این از مسائل فوق استی کم اهمیت داده شود اول به خنجر میاید و با آمار شده
میاین این است حزب است قدر ما ام آست را بداند و دستورات اصولی کنید زیرا که دستورات او ضامن و حکم دعا

باشد و بر احترام با اولاد اسلام با تمام رسول الله من باشد و نیز صدرا را در کوه با خدا خدمت که در آید
را آقا قدر دانی کنید و فرزندان خود را چنان تربیت کنید که فرزندانی از او حاصلی بران جامعه باشد
با دانواد ما شده و مکرور آنرا انجام بگذارید و همچنان بهمان خود را با شید و انقلاب مستکرم کنید.

شام برید و برادر عزیز و برادرانم و امید و ایم که سلامها را کرم هر که از خورشیدان سرچشمه میگردید با جان و دل بخیزید
از خدا با توفیقاً نوادام بهترین و دایه من از روی آگاهان و بیانش که با اسلام پیدا کرده ام در این سینه کزین ما دانسته ام
را از برادران و فرزندان خود بران تا خودی و شهادت با جنگ با کفار آمده ام تا از این راه نیام که با اسلام و تفرار از خود خود
شود.

به برادران و برادران و برادرانم و شهادت من کوه با شید و چون خود استوارت کنید و حفظ این از برادران قابل تا شید و برادران
روم به برادر و برادرانیکه توانستم حق فرزندان را با شما ادا نمایم و اگر به جای این سبب با شما رسیده است با برادران خود را
شید و برای طلب کسر زنی نباید و از برادران من خواهم که همیشه در هر صراط مستقیم و ولایت فقیه قدم بردارند.

خدا شید بر آنکه که کند تا بران من بگله بنظر مظلومیت و مریی امام حسین (عج) و چون با کام ملی آنکه کردید کنید
دوران مادر و در مسکن و در خانه هم بنشیند و سرگشته و سرافراز خود و فخر بدان که چنین فرزندان داشته که جان رهان خدا و برادر
رند اندوه من و از شما من خواهم که در سزایم آنچنان قرض کنید که رهان خدا دران باشد و در راهم را در کفر کلزار خدا من سزای
با نماید.

بر مرض ندانم و به امید پیروزی رزمندگان برگزیده جان و دینش خدمتگزاران به اسلام و امیدواران شما دانواد با خدا و شهادت
شکون شما را بدین سرگرمیام خدا دانفا شما ... و السلام تکلم و اذنه الله و کرم آقا

تذریح قلمی ۱۰/۱۱/۶۲

فقدت کسبى نورا ابر انما انا ان

نام: سیدنورالله
نام خانوادگی: حسینی
نام پدر: سیدعلی اکبر
نام مادر: خیرالنسا
تاریخ تولد: بیستم فروردین 1339
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم اسفند 1366
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ سعادت شرکت در جبهه حق علیه باطل شامل حال اینجانب گردید.
- ۱ امیدوارم که بعد از من سلاح من توسط برادرانم بر زمین نیفتد.

سیدنورالله حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر پیشگاه آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش خمینی بت شکن و با درود و سلام به ارواح طیبه شهدا از صدر اسلام، شهدای کربلا و به خصوص شهدای گرانقدر کربلای ایران و با درود و سلام به امت شهیدپرور ایران و همچنین رزمندگان اسلام در تمامی جبهه‌های حق علیه باطل. حقیر عمری را در گمراهی و بدبختی به سر بردم با ایمانی ضعیف نسبت به دین مقدس اسلام و احکام آن و همچنین به روز قیامت که همانا روز حسرت نیز می‌باشند و از آنجایی که خدا بس مهربان و بخشنده است سعادت شرکت در جبهه حق علیه باطل شامل حال اینجانب گردید که در کنار برادران مخلص و متعهد و وطنمان در راه خدمت به اسلام و مسلمین انجام وظیفه نمایم گرچه از نظر معنوی برادران فرهنگ از آنها عقب هستم اما نمی‌توانم ناامید باشم چون خداوند بخشنده مهربان است امیدوارم که بعد از من سلاح من توسط برادرانم بر زمین نیفتد انشاءالله و چند کلامی هم با پدر بزرگوار همسر مهربان و برادرانم من حدود 5 سال نمازم را کامل نخوانده‌ام و چند سال هم روزه که امیدوارم به جای من ادا نمایید. به هر طریقی که خودتان صلاح می‌دانید. حضور محترم پدر بزرگوارم، بی‌بی سید مادر مهربانم، همسر باوفایم و نورچشمی آقا سید و طاهره و خواهران و برادران عزیزم سیدعباس کاظم سیدمحمد و سیدحبیب و تمامی اقوام و خویشان همچنین تمامی اهل ده و دیگر اقوام و آشنایان و دوستان سلام می‌رسانم و از همگی تقاضا دارم که مرا به بزرگی خودشان ببخشند. خداحافظ همگی شما.

ضمناً امیدوارم برادرم سیدعباس در بعضی موارد چنانچه مصلحت بود جای مرا خالی نگذارد.

مخلص شما سیدنورالله حسینی

1365/12/22

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شرعی:

سیدنورالله فرزند سیدعلی اکبر، شماره شناسنامه 104 صادره از حوزه 3 شاهرود تاریخ تولد 1339 وصی صالح خود قرار می‌دهم پدرم را و ناظر آن همسر و برادرم سیدعباس را. دیونی که بر گردنم هست:

1- حدود 3 هزار تومان پول سیگار به مردم.

2- 500 تومان دفتر علی‌آباد. 300 تومان دفتر حرم امام رضا (7) و چون من دیگر یادم نیست اعلام نموده و از مردم بخواهید که چنانچه طلبی داشته شما قبول نمایید.

سیدنورالله حسینی

بِسْمِ رَبِّ الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ
 این وصیتنامه ما انسان ایلر زانده و بیدار میکند
 لامخیز

شهادتنامه
 بِسْمِ اللّٰهِ

بدر دلد و سلاطین با بیگانه که اسلام زمان بی حد و انتابت بر حقیقتی حرمین بیگانه شدن و ایدود
 و اسلام با ارباع علیه شهیدان از همه اسلام شهیدان که بلا و جنس شهیدان که از همه که در اسلام
 ایران و با درود و سلاطین با ایدود شهیدان بر ایران و بر حقیقتی حرمین بیگانه شدن و اسلام در
 قاسم حبیبی که ابراهیم علیه با ایدود حقیقتی حرمین بیگانه شدن و اسلام در ایران و بر حقیقتی حرمین
 خصیصه نسبت به برین و قدس اسلام و احکام آن و بر حقیقتی حرمین بیگانه شدن و اسلام در
 روز حسرت و غمناک شهیدان از آنجا که خدا بین در میان و بر حقیقتی حرمین بیگانه شدن
 حرکت در حقیقتی حرمین علیه با ایدود شامل حال اینها نیست بر حقیقتی حرمین بیگانه شدن و اسلام
 و طغیان در راه حقیقتی حرمین و اسلام و مسلمانان اینها نیست بر حقیقتی حرمین بیگانه شدن و اسلام
 فرستاد از آنجا که اسلام است و اما نه که اسلام تا اسلام است و اما نه که اسلام است و اما نه که اسلام
 امیدوارم که بعد از این محلی است و بعد از این محلی است و بعد از این محلی است و بعد از این محلی است
 نیز اگر در این محلی است و بعد از این محلی است و بعد از این محلی است و بعد از این محلی است
 است سال هم برود که امیدوارم با جگر من از آنجا که اسلام است و اما نه که اسلام است و اما نه که اسلام
 غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک
 و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک
 و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک و غمناک
 که مراد از این خود کشی بیخشنده خدا حافظ است

غمنما امیدوارم برادرم امیدوارم در بعضی موارد در حقیقتی حرمین بیگانه شدن و اسلام

صالحه کبیراوی
 ۱۳۶۵/۱۲/۲۶

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۲۶

نام و نام خانوادگی: کبیراوی
 حسین مهران
 کبیراوی کبیراوی

نام: محمد امین
نام خانوادگی: حسینی پور
نام پدر: محمد علی
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: بیستم تیر 1345
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دهم تیر 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا اکنون جبهه جنگ همانند محراب عبادت است.
- ا سنگر نشینان جز خودباختگان در راه خدا که درخت تناور حق را با خون خود آبیاری می کنند نیستند.
- ا در انجام تکالیف الهی خویش کوشا باشید.
- ا به نماز اهمیت داده از دعاها و شعائر مذهبی فراموش نکنید.
- ا پیکار من و امثال من در این جهاد مقدس به خاطر خداست و ما برخاسته ایم نور حق را جلوه گر سازیم.
- ا باید با اهریمن و هرگونه ظلم و ستم جنگید تا به آزادی و حریت دست یافت.
- ا ای جوانان، نکند که در رختخواب ذلت بمیرید، که امام حسین (7) با 72 تن از یارانش در حماسه کربلا شهید شده اند.

محمدامین حسینی پور

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «فاستفتحوا اعمالكم بالصبر على الجهاد»¹ ترجمه حدیث:

«صبر و استقامت را در مشکلات جنگ سرآغاز قرار دهید»

بار خدایا استوار گردان گام‌های ما را و یاری ده ما را بر گروه ناگرویدگان که بر ایشان پیروز گردیم و همانا پیروزی ما پیروزی توست و ما را نصرت ده که نور حق را در تمامی اقصای جهان بگسترانیم.

و اما شما پدر و مادر خوب و مهربانم، که در این دنیای فانی از همه کس و از همه چیز برایم عزیزترید و از جان بیشتر دوستتان می‌داشتم و همیشه چهرهٔ رؤوف و مهربانتان در مقابل چشمانم مجسم بود، بدانید و همان‌طور که می‌دانید پیکار من و امثال من در این جهاد مقدس به‌خاطر خداست و ما برخاسته‌ایم² نور حق را جلوه‌گر سازیم. اکنون جبههٔ جنگ همانند محراب عبادت است و سنگر نشینان آن نیستند جز خودباختگان در راه خدا که درخت تناور حق را با خون خود آبیاری می‌کنند و در پی برافراشتن پرچم توحید در سرزمین خون و شهادت [اند]؛ سرزمینی که حسین (7) در آن برای خدا و به‌خاطر آرمان توحیدی جنگید و خون خود را ایثار کرد، حتی از طفل شش ماهه³ خود در این راه دریغ نکرد و درحالی که خون از گلوی کودک شیرخوارش می‌چکید دست خود را از خون فرزند دل‌بندش پر کرده به آسمان به‌سوی خدا پاشید بدین معنی که: بارالها تو شاهد باش که من از هیچ مجاهدتی در راه برقراری فرمان تو مضایقه نکردم و این خونی که به‌سویت می‌فرستم گواه و شاهد من است. آری پدر و مادر عزیزم، باید بدین‌گونه بود و در راه خدا اینچنین جهاد کرد، حسین‌وار از بذل جان و مال و فرزند دریغ نکرد. و این فرمان خداست که باید با اهریمن و با هرگونه ظلم و ستم جنگید تا به آزادی و حریت دست یافت.

پدر [...]⁴، شما برای من حقیر بسیار زحمت کشیده‌اید، ولی شرمنده از اینم که نتوانستم

1- بحارالانوار، ج 20، ص 125، باب 12، غزوه أحد و حمراء الاسد.

2- در اصل وصیت «برخواستیم».

3- ر.ک. تعلیقات. ذیل علی اصغر (7).

4- خوانا نیست.

در این عمرم زحمات طاقت‌فرسای شما را جبران کنم. از کودکی مرا پرورش دادید و به‌طور صحیح مرا تربیت کردید. از کودکی تا دبستان، از دبستان تا دبیرستان، تا حال که توفیق پیدا کردم و توانستم در این جهاد مقدس شرکت کنم بسیار زحمت برای من کشیده‌اید. امیدوارم که خداوند به شما اجری عظیم عنایت فرماید. پدر بزرگواریم، اگر گاهی با اعمالم موجب ناراحتی شما شده‌ام و نتوانستم ادای وظیفه کنم، از شما تقاضا می‌نمایم اینجانب را مورد لطف قرار داده و عفووم نمایید.

و حال چند کلامی با مادرم صحبت دارم. سلام مادر. سلام ای مظهر ایثار و از خود گذشتگی و ای کانون مهر و محبت و ای آنکه خداوند به‌خاطر مقام شامخ و ولایتان بهشت را به زیر پای مادران تشبیه کرده است. سلام و رحمت خدا بر تو باد. زبانم عاجز و قلم ناتوان از این است که چگونه بتوانم حق مطلب را به مهر و محبتی که به شما و پدر و دیگر اعضای خانواده‌ام دارم ادا نمایم. کلمات کوچک و حقیرتر از آنند که بتوانند به قیاس علاقه و محبت فرزند نسبت به مادر پردازد. مگر نه این است که من پاره‌ای از تنت هستم؟ نه ماه و نه روز و نه ساعت از شیر جانت تغذیه کرده‌ام و در طی این ایام انواع سختی‌ها را بر خود هموار ساخته‌ای که من صحیح و سالم به لطف خدا پا به عرصه هستی نهم و تازه آنگاه نوبت تر و خشک کردن و شیر دادنم بوده است. چه شب‌های درازی تا سحر به بالینم نشسته و نگران حالم بوده‌ای و با اندک ناراحتی و گریه‌ام قلبت می‌فشرد و اشک از دیده جاری می‌ساخته‌ای. خیلی متأسفم مادر، که نتوانستم این همه خوبی‌های شما را جبران کنم. از شما [و] پدرم تقاضای عفو و بخشش می‌کنم.

اما خواهران و برادرم، در انجام تکالیف الهی خویش کوشا باشید. به نماز اهمیت داده از دعاها و شعائر مذهبی فراموش نکنید. گرچه توفیق و شاید لیاقت بیشتر از این نداشته‌ام ولی انشاءالله شما اهمیت لازم را به دعا [...] ¹ الهی خویش خواهید داد. حقوق پدر و مادر و خواهر و برادر کوچکتر و بزرگتر را رعایت کنید. پدران و مادرانی که از رفتن فرزندان‌شان به جبهه و جهاد با کفار جلوگیری می‌کنند، بدانید و مطمئن باشید در روز قیامت در مقابل شهدا و خانواده شهدا سرافکنده خواهید بود.

حال، پیامی برای خواهران و مادران دارم. گرچه کوچکتر از آنم که برای شما پیام دهم ولیکن این چند کلمه را به‌عنوان تذکر خدمت شما عرض می‌کنم. مادران عزیز و خواهران گرامی، ای بانوانی که به این وصیت‌نامه گوش فرا می‌دهید، همیشه و در همه‌جا حجاب اسلامی و رفتار اسلامی را سرمشق قرار دهید و نگذارید یک عده افراد فرصت‌طلب از شما نقطه¹ ضعف بگیرند. اگر شما خواهران حجاب اسلامی و رفتار اسلامی داشته باشید هیچ‌وقت جوان‌های ما، نسل‌های آینده انقلاب، به راه‌های فساد کشیده نمی‌شوند.

و اما از پدران و مادران تقاضا می‌کنم از کوچکی فرزندان‌شان را به دین اسلام و قرآن و مساجد آشنا سازند؛ و فرزندان‌تان را خوب تربیت کنید. یعنی فرزندان‌ی تربیت کنند که امروز و فردا می‌آیند به درد این مملکت اسلامی بخورند.

ای جوانان عزیز که این وصیت‌نامه را گوش می‌دهید، ما گرچه گناهکار بودیم ولی بار سفر را بستیم و رفتیم. هرچند که لیاقت خدمت به کشور اسلامی و ملت مسلمان را نداشتیم، ولی شما جوانان گرانقدر بیشتر به مساجد و کتابخانه‌ها بروید. و آن جوانانی که به علت‌های مختلف به راه‌های کج و انحراف رفته‌اند؛ هنوز دیر نشده است، از آن راه‌های منحرف برگردند و توبه کنند. از پدران و مادران درخواست می‌کنم که از رفتن بچه‌هایشان به کتابخانه‌ها جلوگیری نکنند، که همین کتابخانه‌ها بود که یک عده مانند بهشتی‌ها² و رجائی‌ها³ و مطهری‌ها⁴ آفرید و تحویل این مملکت اسلامی داد.

اما مسئله دیگری بود که مرا همیشه زجر می‌داد: این بود که من در این مدت کوتاه عمرم با دوستان زیادی مراودت داشتم؛ و حتماً هم رفتار یا اخلاق ناشایسته‌ای از من دیده‌اید.⁵ تقاضای عفو و بخشش می‌کنم. مرا عفو کنید و نگذارید زیر [...] ⁶ زجر بکشم.

در آخر، مجدداً از پدر مهربان و مادر گرامی‌ام و خواهران ارجمندم و یگانه برادر عزیزم

1- در اصل وصیت «نکته».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «دیده‌ای».

6- خوانا نیست.

تقاضای عفو و بخشش می‌کنم و از اینکه نتوانستم زحماتی که درباره من کشیده‌اید جبران کنم پوزش می‌طلبم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

دیدار در صف محشر و روز قیامت

محمدامین حسینی پور

از دعای خیرتان فراموشم نکنید. از همه پدران و مادران التماس دعا دارم. اسلام اگر بیند خطر/ جان را نثارش می‌کنم

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند¹

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر امام زمان (عج) و نایب برحقش خمینی بت‌شکن و سلام بر رزمندگان و شهیدانی که با خون خود درخت اسلام را آبیاری کرده‌اند.

ای جوانان، نکند که در رختخواب ذلت بمیرید، که امام حسین (7) با 72 تن از یارانش در حماسه کربلا شهید شده‌اند. سلام من به ملت دلاور ایران این است که: مبدا امام عزیز را تنها بگذارید. و پشت جبهه‌ها را خالی نگذارید که منافقین² از خدا بی‌خبر جای شما را پر می‌کنند. پیام من به هم‌سنگرانم این است که اسلحه من را نگذارند بر زمین بیفتد.

و سلام بر پدر و مادری که روز و شب برای من زحمت کشید [ید]. و مادر جان³، شما برای زینب (3) که 72 تن شهید داده گریه کن. و سلام من بر خواهران خودم این است که: حجاب خودشان را حفظ کنند.

محمدامین حسینی پور

1- شعر از خواجه عبدالله انصاری است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «گر مادر جان».

بسمه تعالی

مستنامه پاسدار و طبیب متمدن‌میز میهن، پیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند ما را ایثارگرانی کنی اللهم علیه وآله - ما نسفقتوا أعمالکم بالصبر علی الجهاد

خوشه خوبت صبر و استقامت را در مشکلات جنگ سرآماز قرار دهی
سوار خود با اسلحه گردان تمام‌ساز ما را براری ده ما را بر کرده ما گرو بگذار که برآستان
ببر در گردیم و هبنا بیروزی بیروزی نوشت و در آن حضرت ده که نور حق را در نهایی
استادان ده همان یکسزانیم و

و اما شما بود و مادر خوب و مهربانم که در این دنیا فانی ز همه کسی و ز همه چیز یکلام
عزیز فرید و از جاده بسنگ دوستان میباشم و همیشه چهره رؤف و مهربانان در مقابل
چشمانم مجسم بود جوانی و هبنا نظور که میدانید بنگار من و امثال من در این جهاد مقدس
بناظر خوارست و ما برخواستیم ایم نور حق را دلوه مگر سازیم اکنون جبهه جنگ هبنا
مقرب عادت است و سنگ نشینان آن نیستند جز خود باختگان در راه خدا که در سخت تنار
حرف را با خون خود آبیاری میکنند و در پی برافراشته برجم نوجو در سوز زمین خون و شدت
خرد زمین که سپرد نام در آینه برای ما و بناظر آرمان نوجوی جنگجو و خون خود را ایثار کرد حتی
از طفل شش ماهه خود جدا کرد راه در پی کرد و دعائی که خون از گلوی کودک نشیر خوارست هبنا
دست خود را از خون فرزند دلنوش بر کرده با اسباب بسوی خود میگردید بود یعنی که با اهل انوش
باش که من از هیچ معاف نی بود راه برقراری فرمان تو مصایقه کردم و این خوبی که سویت میز کنم
گواه و شاهد من است آری پور و مادر عزیزم با بود بگونی بود در راه خدا این چنین بود
کرد حسین و از آن دل جان و مال و فرزند در پی نگرد و این فرمان خود است که با بود با اهل
و با هر که ظلم و ستم جنگجو تا به آزادگی و حریت دست یابند




مرکز اسناد ایتامگران

پدر شما برای من حقیر بسیار رحمت کشیده اید و بی شکر منده از اینم که نتوانستم
 در این زمین زحمت طاعت فرستای شما را جبران کنم از کودکی مرا پرورش دادید و بطور
 عظیم مرا تربیت کردید. از کودکی تا دبستان از دستا در نا دبیرستان تا حال که توفیق
 پیدا کردم و توانمخ در این جهاد مقدس شرکت کنم بسیار رحمت برای من کشیده اید امیدوارم
 که خداوند به شما اجر عظیم عبادت فرماید و در زیر توکرم اگر گاهی با اعمال موجب ناراحتی شما
 شده ام دقت نکنم آداء و تقاضای کنم از شما تقاضای تمام اینها را نمود لطف فرار داده و عفو کنید
 و حال چون کلامی با مادرم صحبت دارم سلام مادر

سلام ای مظهر ایشار و از خودگذشتگی و ای کائنات مهر و محبت و ای آنکه خداوند مظهر مقام
 شامخ و ولایتان بهشت را بزرگای بالون نشین کرده است. سلام و رحمت خدای بزرگوار
 را با نام عاجز و فلز نامتوا در این است چگونه بخوانم حق مطلب را به صبر و متذق که بشمار
 پدر و دیگر اعضای خانواده ام دارم آداء نمایم کلمات کوچک و حقیر تر از آنند که بتوانند تعیاس
 علاقه و محبت فرزند نسبت به پدر ببرد از دیگران این است که من باره ای ز دست مسخ نه مادری
 معزونه ساعت از شعر جانست نغذیه کرده ام و در طی این ایام انواع سختیها را بر خودم رسانیده
 که من صمیم رسالم به لطف خدا با به عرصه هستی نهم و تازه آنگاه نوبت من خوشبخت کردن و شیر دادن
 بوده است چه تنهایی درازی تا سفر ما اینم نشسته و نگران عالم بوده ای و با آنکه ناراحتی او
 گریه ام غلبت من فشرود و اشک زدیده جاری می ساخته ای خیلی صبر کنم مادر که نتوانستم این
 همه خوبیهایی شما را جبران کنم از شما بدم تقاضای عفو و بخشش میکنم آتما خواهران و برادرانم
 در ایام تکالیف الهی خوبین کوشا باشید با نماز اهمیت دادد از ماها و شما از مذهبی فراموشی
 نکنید گرچه توفیقی و شاید لیاقت بیشتر از این نداشته ام ولی استاد الله شما اهمیت لازم را



به تکلیف الهی، جویشی نخواهد داد حقوقی، دور و مادر و خواهر و برادر کوچکتر و بزرگتر را رعایت
کنند. و مادر را آنکه از رفتن فرزندانشان به جبهه و چهار باکفار جلوگیری می‌کنند و این و
عزیزان ما ایثارگران در قیامت در مقابل شهدا و خانواده‌های شهدا سزاگفته خواهد بود بحال پیمان برای شما را
و مادران درام‌گرچه کوچکتر از آنیم می‌برای شما پیام دهم و بگویم ای همه چو کلمه را به عنوان تذکره
شما عرفی می‌کنیم ما را آن عزیز و خواهران گرامی ای، ما توانی که باین وصیت نامه گوش می‌فرمایید
همیشه و در همه جا حساب اسلام و رفتار اسلام را سرمشق قرار دهید و نگذارید بکس خود افراد
فرصت طلب از شما نکته ضعف بگیرند اگر شما خواهان حساب اسلام و رفتار اسلام دانسته
باشید هیچ وقت جوایز ما نسلهای آینده انقلاب به اهدای نهاد گشیده نمی‌شوند و ما از پدران و
مادران تقاضا می‌کنیم از کوچکی فرزندانشان را به دین اسلام و قرآن و مساجد آشنا سازند و فرزندان
را خوب تربیت کنید یعنی فرزندانی تربیت کنید که امروز و فردا می‌آیند بود این مملکت (اسلام)
مخواری ای، توانان عزیز که ای همه وصیت نامه را گوش دهید ما گرچه گناهکار بودیم ولی بارگزار هستیم
و رفتیم هر چه که نباشد خدمت بگفتو اسلام دولت مسلمانان را نداشتیم ولی شما جوانان را نذر بیست
به مساجد و کتابخانه‌ها بروید و آن جوانان بکلیم بملتها، مفتلف به راه‌های کج و انحراف رفته‌اند هنوز
دیر نماند است از آن راههای منحرف برگردند و توبه کنند از پدران و مادران خود است ما کنیم که از
منشور رفتن بجهت بیستاد به آن راه‌ها جلوگیری نکنند که همین کتابخانه بود که یک عمو ما نذر هستیم
و در حالها و نظریه‌ها آفرید و تشویق این مملکت اسلام داد اما مسئله دیگر بود که ما همیشه زجر
می‌داد این بود که من در این مدت کوتاه مجموع عمرم با دوستان زیادی مرا دوست داشتیم و حتما هم
رفتار با اخلاق ما سزاگفته ای از همه داده‌ای تقاضای عفو و بخشش می‌کنیم مرا عفو کنید و نگذارید

نشان  در کتب در آخر متداوله از پدر و مادر گرامیم و خواهران از جنوم و بگمان برادر عزیزم تقاضای
عفو و بخشش می‌کنم و از اینکه متواسستم زحماتی که در باره من کشیده اید و جبران کنم بپوشش من طلبیم
مرکز اسناد ایشاگران
والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ
دیوار در صفت محشر و روز قیامت

از دعای خیرتان فراموشم نکنم از همه پدران و مادران الهی دعا دارم
اسلام اگر ببیند محشر جان را نثارش می‌کنم

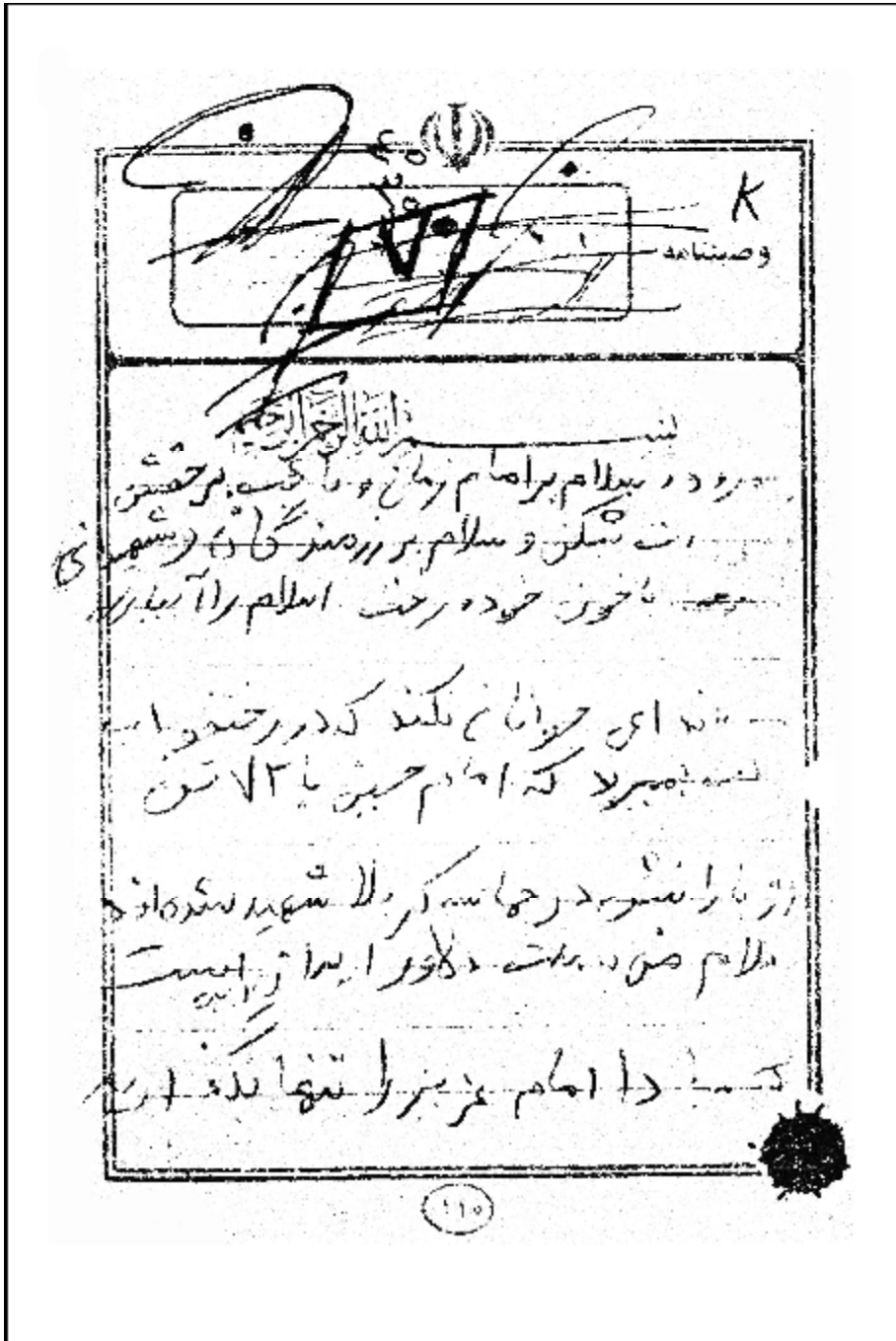
محمدامین حسینی پور

آن کسی که تو را شفا جنت جان را چه کنی

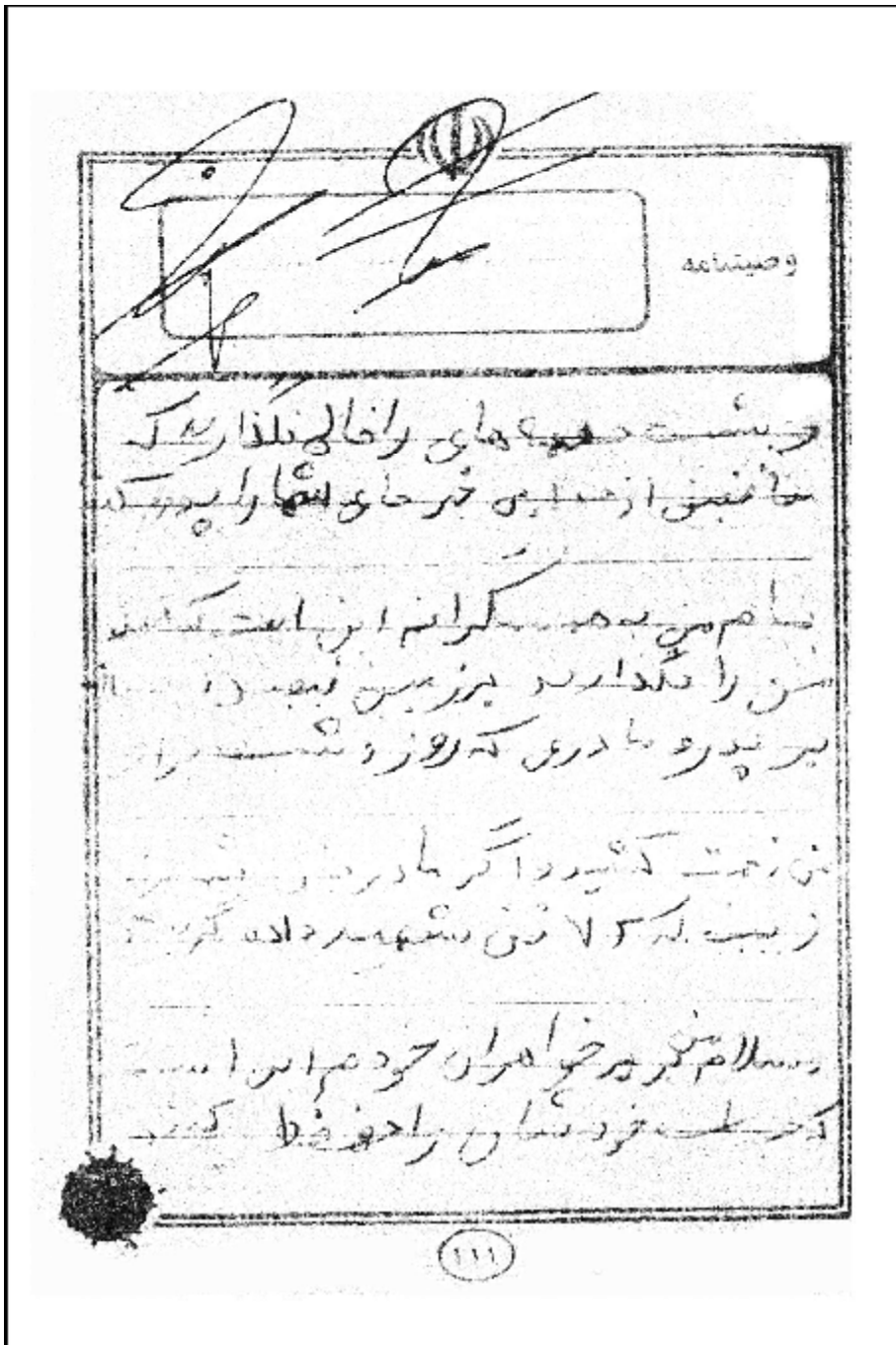
فرزند و پسر و خاندان ما را چه کنی

دیوار کوه همدردی نشانی بگفتی

دیوار تا تو هر روز حجاب را چه کنی



بسم الله الرحمن الرحيم
اینکه در بی‌سلامی بر امام زمان و با کسب هر قصور
است بکنم و سلام بر زین العابدین و سایر
مردمان خیر خود در رحمت اسلام را آید
... ای جوانان بکنند که در رحمت
... که امام حسین یا ۱۲ تن
... در راه شهادت در جاساکر بلا شهید شده اند
... سلام خود به دست دلاور ایثار
... که با امام عزیز را نتوانند ...



نام: سیدمحمد
نام خانوادگی: حسینی فرد
نام پدر: سیدمهدی
نام مادر: لیلی
تاریخ تولد: هفتم اردیبهشت 1337
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: پنجم مهر 1360
محل شهادت: دارخوین
نحوه شهادت: اصابت گلوله و ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ تقاضا دارم در تعلیم و تربیت بچه خیلی دقت کنید.
- ۱ فرزندی با خدا و با ایمان تحویل اجتماع بدهید.
- ۱ مرگ برای هر انسانی و هر موجود زنده ای وجود دارد.

سیدمحمد حسینی فرد

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون در این لحظات حساس و سرنوشت‌ساز مملکت من که به‌عنوان یک سرباز ایرانی وطن‌پرست برای دفاع از مرز و بوم کشورم ایران و رفقای مؤمن خویش و سایر هم‌وطنان عازم جبهه جنگ می‌شوم از شما مادر عزیزم می‌خواهم که اگر چنانچه شهید شدم برایم گریه نکنی و فقط از درگاه خداوند توانا برایم طلب آمرزش کنی چون مرگ برای هر انسانی و هر موجود زنده‌ای وجود دارد زمان به هر نحوی باشد آن دیگر دست باری تعالی¹ می‌باشد. حال که این تکه² کاغذ را به‌عنوان یک وصیت‌نامه می‌نویسم و به [...] ³ می‌دهم به این جهت است که در نبودن من تمامی حق و [...] ⁴ من به شما و فرزندم متعلق بود. همان‌طوری که برای مادرم گفتم برای شما هم بازگو می‌کنم که انسان در یک زمان به دنیا می‌آید و بعد از سیر تکاملی چند صباحی به روی این دنیا زندگی می‌کند و بالاخره با خواست خداوند در روزی که عمرش به پایان رسیده باشد [...] ⁵ را وداع می‌گوید و حال من که به این مأموریت می‌روم اگر قسمتم باشد زنده بمانم که هیچ و اگر مرگم در جبهه فرا رسیده باشد که بدون لحظه‌ای [...] ⁶ در همان‌جا دار فانی را وداع می‌گویم بنابراین در زنده بودنم شما را قیم خود می‌دهم که بعد از مرگ من تمام آنچه در بالا ذکر کردم و تمام وسایل زندگی و [...] ⁷ مقدار پول نقدی که دارم به شما و فرزندم تعلق می‌گیرد و هیچ‌کس حق ندارد سرسوزنی از زندگیم را از شما بگیرد و تا زمانی که بچه‌ام بزرگ می‌شود و به سن قانونی می‌رسد سرپرستی و بزرگ کردن بچه به عهده شما می‌باشد و تقاضا دارم در

1- در اصل وصیت «بارتعالی».

2- در اصل وصیت «تیکه».

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

6- خوانا نیست.

7- خوانا نیست.

تعلیم و تربیت بچه خیلی دقت کنید و فرزندى با خدا و با ایمان تحویل اجتماع بدهید. دیگر صحبتی ندارم و در پایان از همگی شماها عزیزانم، پدر، مادر حاج آقا، مامان، خواهران خودم و سایر اقوام خداحافظی می‌کنم.

60/5/29

سیدمحمد حسینی فرد

نام: سیدحسین
نام خانوادگی: حسینی میقان
نام پدر: سیدعباس
نام مادر: ساره
تاریخ تولد: یکم فروردین 1345
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دانش آموز چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم اسفند 1363
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ به برادرهای [خود] می‌گویم که دنبال امام باشند و حرف‌های او را عمل بنمایند.
- ۱ پیام من برای ملت شهیدپرور این است که در خط ولایت فقیه باشد.
- ۱ پیام زینب را برسانید به گوش تمام مستضعفان.
- ۱ دنباله‌رو ولایت فقیه و خط امام و روحانیت باشید تا پیروز شوید.
- ۱ تا آخرین قطره خون خود از اسلام عزیز دفاع خواهیم کرد.
- ۱ خدایا تو خودت می‌دانی: رزمندگان اگر به خاطر اسلام، به فرمان امام امت، نبود چه طور می‌شود از پدر و مادر، از برادر و خواهر، از همسر و فرزندهای کوچک جدا شوند.

سیدحسین حسینی میقان

بسم الله الرحمن الرحيم

«دعا» سلاح مؤمن است و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است.¹
 با درود بر رهبر کبیر انقلاب امام امت و با سلام بر شهیدان.
 پیام من برای ملت شهیدپرور این است که در خط ولایت فقیه باشند و یک وقت نکند²
 که امام را تنها بگذارند.³ من افتخار می‌کنم که رهبر من، امام من، امید اسلام در روی فرشی
 به نام مکت⁴ زندگی می‌کند. من افتخار می‌کنم که رهبر من تمام جهان⁵ او را دوست دارد.
 من افتخار می‌کنم که چنین رهبر دارم و یک جان کم است در راه او، که راه اسلام است،
 فدا کنم. کاش که چند جان می‌داشتم و فدای⁶ اسلام می‌کردم.
 و برای مادر پیام دارم. مادر جانم، تو ناراحت نباشید برای من و شاید من برای تو در
 پیشگاه خدا کاری کرده باشم⁷. و پدرم، شما هم ناراحت نباشید⁸ که فرزند در راه اسلام فدا
 می‌شود، شما هم باید افتخار کنید که چنین فرزندی داشته‌اید.
 و از تو، ای همسر، متشکرم و از همکاری تو سپاسگزارم و امیدوارم که در خط امام
 پیام زینب را برسانید به گوش تمام مستضعفان. خداوند حافظ اسلام باشد.
 و به برادرهای [خود] می‌گویم که دنبال امام باشند و حرف‌های او را عمل بنمایند⁹
 همان‌طور که عمل می‌کنند. و به خواهرها: خواهرهایم، شما هم باید افتخار کنید چون برادر
 را در راه اسلام داده‌اید.¹⁰ فقط خط خط امام، ولایت فقیه فقیه فقیه.

1- قال رسول الله (6): «الدعا سلاح المؤمن و عمود الدين و نور السموات و الارض» (وسائل الشیعه، ج 7، ص 38، باب استجابات الدعاء و عند الخوف).

2- در اصل وصیت «نکاند».

3- در اصل وصیت «بگذارند».

4- در اصل وصیت «مکت».

5- در اصل وصیت «جان».

6- در اصل وصیت «فدا».

7- در اصل وصیت «کرد باشم».

8- در اصل وصیت «نباشد».

9- در اصل وصیت «بنمایند».

10- در اصل وصیت «داداید».

آن کس که تو [را] شناخت جان را چه فرزند [و] عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند¹

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. این شعار باید حفظ بماند. یادتان نرود.

سیدحسین حسینی میقان

60/8/11

[وصیت نامه ای دیگر]

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام

و در رابطه با نمازها و روزه‌هایم که قضا شده است باید متذکر بشوم که روزه در حدود 40 روز و نماز در حدود یک سال [و] نیم قضا شده است. تمام نمازهای صبح، ظهر و عصر و مغرب و عشا در حدود یک سال و نیم است. اگر توفیق شهادت پیدا کردم، که نصیب ما نمی‌شود، این نمازها و روزه‌ها را تا جایی که امکان دارد به جای آورید؛ ولی تا حدودی که ممکن باشد خودم هم انجام خواهم داد. و یک مسئله: در مورد اموال خودم، مثل حیاط و باغ، این را هم باید بگویم که تکلیف آنها را از طرف پدرم روشن نمایید و هر چه که او دستور داد عمل نمایید. و من اگر شهید شدم من را در جوار شهیدان عزیز مهدی و شاه‌حسینی و دیگر برادران دفن نمایید. و در عزای من اشک نریزید، چرا چون من در راه خدا کشته می‌شوم و شما باید شاد باشید و من به کام خودم رسیدم و داماد شدم و شما باید شاد و سرحال باشید.

عشق

در مکتب ما درس نخستین عشق است ایشار و جهاد در ره دین عشق است
بگذشتن در عرصهٔ پیکار و نبرد در راه خدا زبان شیرین عشق است

دیوانه تو هر دو جان را چکاند» شعر از خواجه عبدالله

1- در اصل وصیت «دیوانه تو هر دو جانش بخشی انصاری است.

دنباله‌رو ولایت فقیه و خط امام و روحانیت باشید تا پیروز شوید و به شما آسیبی وارد نشود.

الحقیر سیدحسین حسینی

«اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ وَ فَكِّ كُلَّ اسِيرٍ»¹

پنجشنبه مورخ 62/12/24

تا آخرین قطره خون خود از اسلام عزیز دفاع خواهیم کرد و تا خود را به کربلا و قدس² عزیز نرسانیم دست از مبارزه نخواهیم کشید. (تکبیر)

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«استغفر الله و اتوب اليه، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله».

شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، شهادت می‌دهم که 124 هزار پیامبر که آخرین آنها رسول اکرم محمد (6) پیامبر است و 12 امام معصوم، علی (7) و یازده³ فرزندان، برحقند [و آمدند] که بشریت را از ضلالت به سوی صراط مستقیم هدایت کنند. و با سلام به منجی انسان‌ها مهدی منتظر که در سایه توجهاتش اسلام عزیز با کفر در ستیز [است و] با قامتی استوار به تمام عالم نورافشانی می‌کند. و با سلام به امام امت، این رهبر مسلمانان جهان، این بت‌شکن تاریخ این زمان که پس از 1400 سال تاریخ اسلام را زنده کرد.

من شکر می‌کنم که خدا من را در این زمان آفریده است که رهبری به‌نام روح‌الله موسوی خمینی دارم. پس وظیفه من چیست؟ خدایا تو من را کمک کن. خدایا در زمانی گذشته موسوی بود در مقابل فرعون و ابراهیمی بود در مقابل نمرود و محمدی (6)

¹ - برگرفته از مفاتیح‌الجنان، اعمال مشترکه ماه رمضان.

² - ر.ک. تعلیقات.

³ - در اصل وصیت «یازده».

بود در مقابل کفار و امام حسینی بود در مقابل یزید، که درس آزادگی به ما آموخت، و امروز هم رهبری به نام روح‌الله خمینی که در مقابل آمریکا و عمالش حسین‌وار ایستاده است. در این زمان ما چه باید بکنیم که آیندگان ما را لعنت نکنند، تا خداوند ما را در آتش قهرش در دنیا و آخرت نسوزاند؟

خدایا تو را به حق امام زمان (عج) و مادرم زهرا (3) قسم می‌دهم که من و دوستانم را یاری کن تا پیرو خط امام حسین (7) باشیم. حسین جان، فرزندت امام امت این رهبر مسلمانان جهان فرمود «جوانان اسلام در خطر است»¹. خدایا من به‌خاطر بهشت و حورالعین و قصرهای بلندت به جبهه نمی‌روم. خدایا امام امت فرمود امروز اسلام در خطر است. خدایا من ترسیدم که اگر امروز وظیفه‌ام را انجام ندهم فردا، تو ای خدا، در آتش قهرت در دنیا و آخرت من را بسوزانی و آیندگان تاریخ ما را لعنت کنند که چنین رهبری را یاری نکرده‌اند. خدایا یاریم کن تا بتوانم دین² تو را یاری کنم. خدایا می‌خواهم بمانم تا فردا شهید شوم ولی می‌ترسم فردا من نباشم و یا اینکه فردا اسلام شهید شود و من برای پس‌فردا بی‌ارزش³ شوم.

می‌خواهم⁴ برای آیندگان چند خطی را بنویسم خدا نکند⁵ آیندگان تصور⁶ کنند که در این زمان که جنگ به ما تحمیل شده برادران بسیج به‌خاطر نبودن⁷ کار و یا نداشتن پول به جبهه می‌رفتن [د]. برادرم، این مقدار پولی را که سپاه به یک بسیجی می‌دهد، شاید خرج همان خبرهایی که توسط⁸ [...] به خانه رزمندگان می‌دهند، پول دکتر را بس نکند⁹. آیندگان بدانند یک رزمنده روزی که از خانه به سمت جبهه و از جبهه به سمت خانه برمی‌گردد، در

1- جوانان از دیدگاه امام خمینی، تبیان شماره شانزدهم، ص 102-105.

2- در اصل وصیت «دینه».

3- در اصل وصیت «بی‌عززش».

4- در اصل وصیت «می‌خواهم».

5- در اصل وصیت «نکوند».

6- در اصل وصیت «تسور».

7- در اصل وصیت «نبودنه».

8- در اصل وصیت «توسوت».

9- در اصل وصیت «نکوند».

همان چند ماه که در جبهه بوده است پول می‌گیرد که شاید نیمی از همان مدت را بس نکند.¹ خدایا تو خودت می‌دانی: رزمندگان اگر به‌خاطر² اسلام، به فرمان امام امت، نبود چه‌طور³ می‌شود از پدر و مادر، از برادر و خواهر، از همسر و فرزندهای کوچک جدا⁴ شوند.⁵ خدایا تو خود می‌دانی در آن گرمی‌های خوزستان و در آن سردی‌های کردستان به‌خاطر⁶ اسلام بود. خدایا تو می‌دانی که من در 9 عملیات بودم؛ شهدایی را در آتش و شهدایی را با بدن‌های پاره پاره [دیدم] و شهدایی هم در کمین‌ها از بدنشان خون می‌آمد و سفارش از اسلام و امام خمینی می‌کردند⁷ تا به شهادت می‌رسیدند.⁸ در آخر از تمام افراد می‌خواهم⁹ که من را حلال کنند¹⁰ و انشاءالله¹¹ شهدا هم زحمات¹² شما برادران و خواهران را نادیده نگیرند چون شما به‌خاطر¹³ اسلام به پیکر شهدا احترام می‌گذارید.

برای خانواده‌ام وصیت جداگانه¹⁴ دارم. پدرم، خوش به حالت که حسین حسینی داشتی و داری.

خدایا عمر¹⁵ امام را برای اسلام تا فرج امام زمان نگاهداری کن.

سیدحسین حسینی

-
- 1- در اصل وصیت «نکوند».
 - 2- در اصل وصیت «به‌خاتر».
 - 3- در اصل وصیت «چه‌تور».
 - 4- در اصل وصیت «جودا».
 - 5- در اصل وصیت «شود».
 - 6- در اصل وصیت «به‌خاتر».
 - 7- در اصل وصیت «می‌کردن».
 - 8- در اصل وصیت «می‌رسیدن».
 - 9- در اصل وصیت «می‌خواهم».
 - 10- در اصل وصیت «کوند».
 - 11- در اصل وصیت «انشا...».
 - 12- در اصل وصیت «زحمات».
 - 13- در اصل وصیت «به‌خاتر».
 - 14- در اصل وصیت «جوداگانه».
 - 15- در اصل وصیت «أمر».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«عما» سلام صومنی است و سبوق حسین بر رو آسمانها و زمین است

با درود بر رهبر کبریا انقلاب امام امت و با سلام بر سید امان

ام من برای ملت سید پرور این است که در حفظ و ولایت فقیه باشد و یک وقت تکفیر که امام را تقاضا کردند:

خداوند حافظ اسلام باشد

و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد
و در هر حال که در حفظ اسلام باشد

من افتخار می کنم که رهبر من امام من امید اسلام

در روی زمین به نام صلت زندگی می کند من افتخار می کنم که رهبر من

تمام جان او را درست دارم من افتخار می کنم که چنین رهبر دارم

و یک جان کم است در راه او که راه اسلام است فدا کنم کاش که چند جان

من داشتم و خدا اسلام می کردم و برای مادر پیام دارم مادر جانم ترنار است

بنامه فرزند من و شاید من برای تو در دستگاه خدای گاری کرد با هم
 ویدرم تمام ناراحت بنامه که فرزند در راه اسلام فراموش بود
 تمام باید اعتقاد کنید که چنین فرزند داشته ایم
 و به برادرهای من گویم که دنبال امام باشند و مرغای او را عمل بنمایند همانطور که
 عمل می کند و به خواهرهای خواهرهای تمام باید اعتقاد کنید چون برادر را در راه اسلام
 دادیم فقط خط خط امام ولایت فقیه فقیه فقیه
 آنکس که ترساخت جان را بکنه
 فرزند عمال خانه اندر ایم کنه
 دیوانه تو هر دو جانتر یعنی
 دیوان تو هر دو جانتر را بکنه
 خدا یا خدا یا تا انقلاب بود خط من را فکر از این شماره بار حفظ
 بهانه: یادتان شود:

حسین
 حسین
 حسین

بسمه تعالی

سلام

و در ایام بنازها و روزها ایم که حقنا سکه است ما بدین تذکره بنحویم که روزی در
حدود ۱۰۰ روز و بناز در حدود یک سال ^{تقریباً} حقنا سکه است تمام بنازهای صبیح ظهر و عصر
و مغرب و عت در حدود یک سال و نیم است اگر توفیق شهادت پیدا کردم که نصیب حاتم شود
این بنازها و روزها بناز تا جایی که امکان پذیر می آید و می تا حدی که ممکن باشد خودم
هم انجام حواهم داد و یک سینه در مورد اموال خودم مثل حیاط و باغ این راهم
باید بگویم که تکلیف آن بناز از طرف پدرم روشن نمائید و هر چه که او دستور داد عمل ^{کنید}
و من آنکه شهید شوم من را در چهار شهیدان عزیز صبری رسته حینی و دیگر برادران
دفن نمائید و در عزای من اسگ قرینه حیا ^و من در راه خدا کشته می شوم و من
باید بشاد باشم و من به کام خود رسیدم و ما خدا شوم و من باید بشاد و سر حال باشم

عشق
 در صفت مادرین خستین عشق است
 ایثار و جهاد در بودین عشق است
 لذت عشق در عرصه دیکار و شرف
 در راه خدا زبان شیرین عشق است

دینار در ولایت فقیه و خط امام و روحانیت باسید تا به امروز سوید و به سبب آسیمی و ارد...

12/24/62 پنجمین مودع
 S-H-H محمد حسین عینی
 اللهم اشفع کل مرید
 و فقه کل العبد

یا ارحم الراحمین قطره حنون خود از اسلام
 عزیزتر دفاع حواله هم کرد و تا خود را به کربلا
 و قدس مدینه کز سانه دست از مبارزه
 نخواهم کشید (تکبیر)

استغفر الله و اتوب الیه - انشاء الله ان شاء الله - و انشاء الله ان شاء الله رسول الله
 علیه السلام ان الله اراد ان یخلف فی الارض یتارکها
 شهادت من دهم که خدا این جزو خدا را یکتا بیست شهادت من دهم که ۱۲۴ هزار
 پیامبر که آخرین آنهار رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و ۱۱۰ هزار معصوم و ۱۰۰ هزار
 دیار فرزندانش بر حقند که بشریت را از ظلمت استیلا سوره صراط مستقیم
 هدایت کنند و با اسلام با منجم انسانها مودت مندند که در سایه ترحمها تش
 اسلام عزیز با کفر درستی با ما من استوار به تمام عالم نور انشا من کند و با
 سلام به امام است این رهبر مسلمانان جهان این است شکر و تاریخ این زمان
 که پیش از ۱۰۰ سال تاریخ اسلام را زنده کرد من شکر من کنم که خدا من
 را در این زمان آفریده است بگره بر همین به نام روح... من سوره عین دارم
 پس وظیفه من چیست. خدایا تو من را کمک کن خدایا در زمان گذشته من
 بود در مقابل فرعون و امیرالمومنین بود در مقابل فرعون و مسجد من در بود در
 مقابل کفار و امام حسین بود در مقابل یزید که در من آزاد گن با ما موخت
 و امروز هم رهبر من به نام روح... حسین که در مقابل آمریکا و عبادانش حسین وار
 ایستاده است در این زمان ما چه باید بکنیم که آیدگان ما را نماند زکنند
 تا خداوند ما را در آتش قهرش در دنیا و آخرت مسوزاند خدایا تو را
 به حق امام زمان و مادام که ضرر است قسم من دهم که من و دوستانم را با تو
 کن تا ببرد خط امام حسین^(ع) یا ششم حسین جان فرزندان امام است این رهبر
 مسلمانان جهان فرموده انان اسلام در خطر است خدایا من به خاطر
 بهشت و خود را فدای و قهرمان بندت با جوی من بروم خدایا امام

امده فرموده ۳۱ رز اسلا ۳۴ در فطر است خدایا من ترسیدم که اگر امروز
 وظیفه ۳۱ را انجام ندهم فردا بترسم خدایا در آتش قهرت درد بیا و آخرت
 من را بسوزان و آینه دلگان تاریخ ما را بخت کنند که چنین رهبر من را
 یار من نگردند خدایا یار من که تا بنام دیده نور یار من کنم خدایا من خود اهم بمانم
 تا فردا شرفی شرفم و من میترسم هر فردی من نباشم و یا این که فردا اسلا ۳۴ شرفی شرفم
 و من برای پیوستن این عزیزان شرفی شرفم بر این آینه دلگان چند خط می نویسم
 بر تو بسم خدا نگردد آینه دلگان شرفی شرفم که در این زمان که جنگ با تعیین شده
 برادر از بیبیج به خاطر نبود نه کار و یا ندانستن پول به جیب من رفتن برادر
 این مقدار پول را که سیاه به یک بیبیج میدهد در شتاب خرج همان قبرها که نرسد
 شکیات به خانه زرمندگان من دهند پول دکتر را بستانند - آینه دلگان بدانند
 یک از هزاره روز که از خانه به سمت جیبه از جیبه به سمت خانه میگردند
 در همان چند ساعه که در جیبه بوده است پول من بگیرد که شناید فیله از همان
 مدرسه را از من بگیرد و آینه دلگان تو خودت میدانی رزمنده گان اگر بخاطر
 اسلا ۳۴ به فرمان امام است نبود چه قدر میباشند از پدر و مادر - از برادر
 و کوه هر - از همسر و فرزندان کوچک - جدا است خدایا تو خود میدانی در
 این گرمی های خوزستان و در آن سردی های کردستان بخاطر اسلا ۳۴ بود
 خدایا تو میدانی که من در ۳ عملیات بوده ۳ شرفی شرفم را در آتش و
 شرفی شرفم را با بدنه های پاره پاره و شرفی شرفم در کمینها از بدنه های خون
 من آمد و سنار شرفم از اسلا ۳۴ و اسلا ۳۴ همین میگردد تا به شرفی شرفم می رسیدن
 در آفران تمام افراد من شرفم که سن را هلال کردند و شرفی شرفم زهدات شرفی شرفم
 و فداگران را دیده بگیرد - چون گوییم شرفی شرفم اسلا ۳۴ به پیگیر شرفی شرفم میگرد
 بر من خدایا تو میدانی که در آینه دلگان ۳۴ خوسن حالت که همین بیبیج داشتند و در آن
 خدایا شرفی شرفم را بر اسلا ۳۴ تا فرج نه ام زمان نگاه کن که حسین خدایا

نام: سیدرضا
نام خانوادگی: حسینی میقان
نام پدر: سیدعباس
نام مادر: ساره
تاریخ تولد: یکم اسفند 1331
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم اسفند 1363
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ باید از مال و جان در راه خدا دریغ نکرد.
- ۱ ای برادران من، راهم را ادامه دهید و اسلحه‌ام را بردارید و سنگرم پر کنید.
- ۱ این ارث شهیدپروران و شهیدطلبان است نه به‌عنوان تلافی بلکه به‌عنوان وظیفه‌ای الهی و خدایی که باید برای خدا جنگید.
- ۱ بیدار شوید؛ آنها که از شما سبقت گرفتند و در راه خدا جهاد نمودند موفقیت آخرت کسب نمودند ولی شما هنوز اندر خم یک کوچه‌اید.
- ۱ پروردگارا مرا جزء رجال خود قرار ده و مؤمنم بدار تا با تو پیمان عهدی استوار ببندم.
- ۱ امروز که نیروی جوانی دارید باید این نیرو را در راه دفاع از راه خدا صرف نمود. بیدار شوید.
- ۱ توبه کنید و خود را بسازید که این انقلاب ضربه‌پذیر نیست.
- ۱ امام زمان (عج)، که خداوند در فرجش تعجیل فرماید، هم نگه‌دار و صاحب اصلی انقلاب است.
- ۱ اما خواهرانم، زینب‌وار در صحنه باشید. مقاوم و پیام‌رسان خون شهیدتان باشید.
- ۱ خدایا مرا جزء یاران امام زمان عجل‌الله فرجه‌الشریف قرار ده و در ظهورش تعجیل فرما.
- ۱ علاقه داشتم و دوست داشتم که با شما زندگی خوبی داشته باشم، ولی وقتی اسلام نیاز داشته باشد، علاقه به اسلام از همه چیز بالاتر است و باید فدای اسلام شویم.

سیدرضا حسینی میقان

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللهم انت الله لا اله الا الله والحليم الكريم والعزيز والحليم وواحد القهار والملک الجبار و الرحيم الغفار والشديد المحال والبر والمتعال والسميع البصير والمنيع القدير والغفور الشكور والحميد المجيد والغنى الحميد والغفور الودود و [المنان] والمنان والحليم والريان ماجد والواحد الاحد والغائب الشاهد والظاهر الباقي وربنا فتغفر لمن شئت يجيب المضطر و يكشف السوء يا الله يا رحمن يا رحيم و يا ماجد يا احد يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احدًا و اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و على و فاطمه و الحسن و الحسين و على بن الحسين و محمد و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد و الحسن بن على و الحجة القائم عليهم السلام ائمتي اشهد ان الموت حق و سؤال منكر و نكير حق و القيامة حق»¹.

«شهادت می دهم که خدا یکی است و شریک و همتایی ندارد و شهادت می دهم که [...]»² فرستاده اوست و شهادت می دهم که بعد از پیغمبر (6) دوازده امام به ترتیب اول حضرت علی بن ابیطالب (7) و آخر آنها حضرت امام زمان (عجل الله) هستند. به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و درود بر پیامبر گرامی اسلام و چهارده معصوم پاک و درود بر نایب امام زمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی یگانه مرجع مبارزان و مجاهدان و مسلمانان مؤمن ایران و جهان اسلام تشیع حضرت امام خمینی که هدایت گر ما از ظلمت به سوی نور و از طاغوت به اسلام راستین و از دنیای مادی به خیراندیشی رهنمود کرد و مبارزه با تجاوزگران و طاغوتیان زمان ابرقدرت های جهان خوار آمریکای جنایتکار و شوروی [...]»³ و دیگر مزدوران جهان به ویژه صدام کافر «لعنت الله علیهم اجمعین» را تا نابودی کاملشان به ما

1- عبارت هایی که شهید برای آغاز وصیت خود آورده شامل دو قسمت است. («از آغاز تا له کفو احد» فراهایی از دعای جوشن کبیر است. در مواردی هم ذکر اسماء الله پیش و پس شده است. و از آخر یعنی «اشهد ان لا اله الا الله تا القيامة حق» بخش هایی از اعمال غسل میت و تلقین است. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی).

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

آموخت و حسین‌وار زیستن و [حسین‌وار زیستن] و حسین‌وار مردن را به ما آموخت و درود بر شهدای اسلام از صدر اسلام از آدم تا خاتم و تا شهدای کربلای حسین (7) و شهدای انقلاب ایران و شهدای جنگ عراق علیه ایران اسلامی و درود بر روحانیت اصیل و در خط امام و پیرو ولایت فقیه و حامی جمهوری اسلامی مخصوصاً امید امت و امام حضرت آیه‌الله منتظری¹ و درود بر سنگر نشینان جبهه‌های نور علیه ظلمت و حق علیه باطل که به نبرد بی‌امان خود ادامه می‌دهند و از هستی خود که بالاترین چیز است، از جان می‌گذرند و از بیانات رهبر خود اطاعت می‌کنند و تا آخرین قطره خون در سنگر می‌مانند تا دشمن را نابود سازند و درود بر شهدای زنده انقلاب و جنگ تحمیلی و معلولین که سند افتخار برای این انقلاب می‌باشند و درود بر امت حزب‌الله که پیرو امام می‌باشند و از رهبر خود حمایت می‌کنند که حمایت از رهبر به حمایت و اطاعت از ائمه اطهار (7) و پیامبر (6) و قرآن و خداست. حقیر گنه‌کار و رانده درگاه خداوند کریم و روسیاهی که از اعمال گذشته خود پشیمان شده از مسلمانان می‌خواهد که دعا کنید که خدا مورد رحمتش قرارم دهد و گناهم ببخشد خواستم چند خطی با دست خود بر کاغذ بنویسم تا به یادگار بماند.

من سیدرضا حسینی فرزند سید عباس ساکن روستای میقان که برای چندمین بار به جبهه اعزام می‌شوم تا از فرمان امام و رهبر بزرگوارم اطاعت کرده باشم. «[من] المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدلوا تبدیلاً»² خداوند می‌فرماید در میان مؤمنان و مسلمانان مردانی³ هستند که با خدای خود پیمان بستند و وفای به عهد نمودند و عده‌ای از آنها در این راه و پیمان به شهادت رسیدند و عده دیگر آنها هم در این انتظار (شهادت را سعادت آخرت کسب نمودند). باز خدا در آیه دیگری می‌فرماید که: من با چنین بندگان و پیمان بسته‌گان معامله می‌کنم و بهترین هدیه را به آنها در مقابل این معامله که بهشت است می‌دهم اما جانشان را می‌گیرم. «ان الله اشتری⁴ من

1- ر.ک. تعلیقات.

2- احزاب/ 23.

3- در اصل وصیت «مردان».

4- در اصل وصیت «اشترا».

المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون وعداً عليه حقاً¹ باید از مال و جان در راه خدا دریغ نکرد و هرچه داری و آنچه از همه چیز بیشتر دوست داری در راه خدا داد تا خدا دیه آن را که بهشت است عاریه نماید و به این بهاء که شهادت است بدهد و باید با چنین خریداری معامله کرد ما که باید همه‌مان بمیریم و از این جهان مادی به جهان آخرت برویم که باز قرآن فرموده «انا لله و انا اليه² راجعون»³ ما همه از او بیم و به‌سوی او خواهیم رفت چه خوب است که مرگمان در راه خدا و برای رضای خدا و برای گسترش دین خدا باشد و وقتی چنین است ما را از مردن باکی نیست و شهادت را طالبیم تا به خیل شهدای دیگر بپیوندیم که «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»⁴ گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شدند⁵ (شهید) مرده‌اند نه، بلکه آنان زندگان هستند و در نزد خدا متنعم می‌باشند. «و لئن قتلتم في سبيل الله او متم لمغفرة من الله و رحمته خیر مما يجمعون»⁶ اگر در راه خدا بمیرید در آن جهان از کسانی هستید که مورد رحمت خدا قرار خواهید گرفت و این بهترین مرگ است اگر لایق باشیم و خدا نصیبمان کند. پروردگارا مرا جزء رجال خود قرار ده و مورد قبولم بدار تا با تو پیمان عهدی استوار ببندم و مشتربم شو و مرا خریداری بنما تا جانم را که از همه چیز بیشتر دوست دارم هدیه‌ات نمایم. تا از وعده‌های بحقی که خودت دادی برخوردار گردم. خدایا اگر حسین بن علی (7) در صحرای کربلا با هفتاد و دو تن از یاران باوفایش جنگید و دست بیعت و صلح تحمیلی را قبول نکرد و فرمود «انی لا اری الموت الا سعادةً و الحیات مع الظالمین الا برماً»⁷ فرمود حسین فاطمه (3) که من زندگی با ستمگر و دست بیعت با کفر را ننگ می‌دانم و زندگی باشرف را برمی‌گزینم و می‌جنگم تا به دنیا حریت و آزادگی

1- توبه/ 111.

2- در اصل وصیت «علیه».

3- بقره/ 156.

4- آل عمران/ 169.

5- در اصل وصیت «شدن».

6- آل عمران/ 157.

7- امام حسین (7).

را نشان دهم و ما هم باید چنین باشیم. او با هفتاد و دو تن [از] یارانش جنگید تا به شهادت رسیدند. مگر خون ما از آنها عزیزتر است. مگر خدای ناکرده ما از علی اکبر¹ حسین (7) و دیگر شهدای کربلا عزیزتریم. پس چه باکی است از مردن. ما هم می جنگیم تا اینکه شهادت توفیق گردد. یا اینکه پیروزی نهایی حاصل گردد و این جنگ را که به سرکردگی آمریکای جنایتکار و به دستور او صدام تکریتی²، گرگی را وادار کرد به ایران حمله کند و به خیال خام خود که این انقلاب را شکست دهد و خبر از دلاوری‌ها و رشادت‌های ملت حزب‌الله ایران نداشتند که ایستادگی می‌کنند و کفر و ظلم و جور و ستم را از منطقه و دنیا پاک می‌کنند و ای امت حزب‌الله جنگ را ادامه دهید و دست سازش‌دراز نکنید، که خون شهدا نظاره‌گر شما می‌باشد. از این انقلاب اسلامی که خون‌بهای صدها نفر شهید و معلول است قدردانی کنید. از رهبر کبیر انقلاب پشتیبانی کنید.

از ولایت فقیه حمایت کنید قدر این مملکت اسلامی خود ایران را بدانید با حضور خود در جبهه سنگرها را پر کنید از فرستادن فرزندانتان به جبهه دریغ نکنید دشمن را کوچک مشمرید که اگر به دشمن فرصت دهید تجدید قوا می‌کند و باز همان روز اول می‌باشد و حمله می‌کند باید به دشمن امان ندهید از جوانان میقان می‌خواهم که گروه‌های مقاومت خود را تقویت کنند، بسیج را تقویت کنند، به³ بسیج که حاصل خون شهدا می‌باشد بیشتر سرکشی و رفت‌وآمد کنند و «برای ارتش بیست میلیونی»⁴ بکوشند.

و اما پدر و مادر عزیزم درودتان باد و مرا ببخشید که اگر فرزند خوبی برای شما نبودم اگر نتوانستم حق فرزندی را ادا کنم عذرخواهی می‌کنم صبور باشید تا خداوند اجرتان دهد و ای برادران من راهم را ادامه دهید و اسلحه‌ام را بردارید و سنگرم [را] پر کنید که این ارث شهیدپروران و شهیدطلبان است نه به‌عنوان تلافی بلکه به‌عنوان وظیفه‌ای الهی و خدایی که باید برای خدا جنگید. بارالها من که به درگاه تو آبرو ندارم و من که پرونده‌ای از گناه دارم و امیدم به درگاه تو است ناامیدم مکن و جلوی تجاوزم [را] بگیر و قلم عفو

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «از».

4- تعبیر تشکیل ارتش بیست میلیونی از تعبیر حضرت امام خمینی است.

خود را بر جرائم اعمالم بکش. که فقط من می‌دانم و تو این روسیاه را به درگاهت بپذیر و ناامیدم مکن که اگر گناهم نبخشی، چگونه روز قیامت جلوی شهدا سر بلند کنم و جوابشان بدهم. من آتش عذاب تو را تحمل خواهم کرد و اگر هزاران بار در عذابی که مستحق آنم عذابم کنی و بسوزم و باز خاکسترم را زنده کنی و باز بسوزانی تو را می‌خوانم که «یا سریع‌الرضا اغفر لمن لا یملک الا الدعاء»¹ ای کسی که زود راضی می‌شوی از من راضی شو که غیر از در خانه تو جای دیگری را سرغ ندارم. «الهی و ربی من لی غیرک»² خدایا اگر بناست خونم بر سنگرم بریزد، و لقاءات را به من عطا کنی و شهادت را توفیقم گردانی من راضیم و از جانم گذشتم، تو راضی شو و مرا به لقاء خود بپذیر، تا مرگم باعث رشد اسلام گردد.

زهری که رسد همچو شکر باید خورد
دریا دریا خون جگر باید خورد

که تو را من به دوست خواهم داد
[...]³ دست هرچه بادا باد

فرزند و عیال و خانمان را چه کند⁴
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

عاشق چو شدی تیر به سر باید خورد
در راه وصال دوست با چهره باز

ای دل من تو را بشارت باد
دوست از من همی تو را طلبد

آن‌کس که تو را شناخت جان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

1- فرازی از دعای کمیل. مفاتیح‌الجنان.

2- فرازی از دعای کمیل. مفاتیح‌الجنان.

3- خوانا نیست.

4- شعر از رباعیات خواجه عبدالله انصاری است.

و اما یک خط شعر هم به مردم پشت جبهه و در صحنه:

مبادا خویشتن را واگذاریم
امام خویش را تنها گذاریم
ز خون هر شهیدی لاله روید
مبادا روی لاله پا گذاریم¹

پیام برای عده‌ای از جوانان میقان، آنهایی که هنوز هم این جنگ را حمایت نمی‌کنند و شرکت نکرده‌اند بدانند که در محضر خدا هستند و خدا از درون شما آگاه است ای دنیاطلبان زود باشید که فردا دیر است. امروز که نیروی جوانی دارید، باید این نیرو را در راه دفاع از راه خدا صرف نموده² بیدار شوید. آنها که از شما سبقت گرفتند و در راه خدا جهاد نمودند، موفقیت آخرت کسب نمودند. ولی شما هنوز اندر خم یک کوچه‌اید. آنها که ضربه می‌زنند آنها که نق می‌زنند آنها که آگاه نشدند و خود را با انقلاب اسلامی هماهنگ نکردند، بدانند که خون شهیدان آنها را به زمین خواهد زد. توبه کنید و خود را بسازید که این انقلاب ضربه‌پذیر نیست. این انقلاب خدایی است و امام زمان که خداوند در فرجش تعجیل فرماید هم نگهدار و صاحب اصلی انقلاب است: بیدار شوید و دست از اعمال غیراسلامی خود بردارید، که دیر یا زود مورد عذاب خدا قرار خواهید گرفت. و در آخر یک سخن با همسرم که ای همسر عزیز از اینکه از شما جدا می‌شوم ناراحت نباش، صابر باش، در تربیت فرزندانم کوشش کن آنها را در خط امام و خط ولایت فقیه و پشتیبان جمهوری اسلامی تربیت کن و اما فرزندانم سید مصطفی و سید جواد و صدیق، مادر خود را یاری دهید و با مادرتان همکاری کنید و حرف او را گوش دهید و در تحصیل علم کوشش کنید، تا در آینده خدمتگزار جمهوری اسلامی باشید. علاقه داشتم و دوست داشتم که با شما زندگی خوبی داشته باشم، ولی وقتی اسلام نیاز داشته باشد علاقه به اسلام از همه چیز بالاتر است و باید همه فدای اسلام شویم. و اما خواهرانم زینب‌وار در صحنه باشید مقاوم و پیام‌رسان خون شهیدتان باشید و از سرکشی خانواده‌ام کوتاهی نکنید و

1- شعر از قیصر امین‌پور است. در اصل وصیت:

مبادا خویشتن را واگذارید
امام امت را تنها گذارید
ز خون هر شهیدی لاله روئید
مبادا روی لاله پا گذارید

2- در اصل وصیت «نمود».

باعث دلداری فرزندانم شوید.

خدایا مرا جزء سربازان امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قرار ده و در ظهورش تعجیل فرما. به رهبر کبیر انقلاب طول عمر عطا فرما و این انقلاب را به انقلاب جهانی حضرت مهدی متصل فرما. ما را با شهدای صدر اسلام محشور فرما و ما را نیز به آنها ملحق فرما. خدایا دشمنان دین و انقلاب اسلامی را نیست و نابود و ریشه‌کن فرما و این جامعه ما را اصلاح کن و ما را بر نفس اماره خود، غالب گردان و گناهمان بریز و در آخرت مورد رحمت خود قرارمان ده. و اگر نعشم را پیدا کردید در مزار کوچک شهید محمود دفن نمایید.

و اگر خواستید¹ برای من مجلسی بگیرید از مال خودم می‌توانید خرج کنید. در صورتی که اسراف² نشود. قیم و سرپرست خانواده‌ام³ همسرم خیرالنساء می‌باشد و اگر وصیت‌هایی که گذشته نوشتم پیدا شد، از درجه اعتبار ساقط⁴ است. فقط همین و یکی هم برای خانواده‌ام⁵ نوشتم که اصل می‌باشد. و هر دو یک تاریخ است و اعتبار دارد.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

63/11/20

سیدرضا حسینی

1- در اصل وصیت «خواستی».

2- در اصل وصیت «اصراف».

3- در اصل وصیت «خوانواده».

4- در اصل وصیت «صاقت».

5- در اصل وصیت «خوانواده‌ام».

سیر المله الرحمن الرحیم

اللهم أنت الله لا إله إلا أنت والعلیم والکریم والفرید والجلیم والواحد الباقی والکلیب الباقی والرحیم الباقی والقدیر المأمول
والقادر المقتدر والشیخ المبرور والشیخ المشهور والشکور والحمید والرضی الحمید والکافی المجدد والکافی المجدد والکافی المجدد والکافی المجدد

اللهم أنت الله لا إله إلا أنت والعلیم والکریم والفرید والجلیم والواحد الباقی والکلیب الباقی والرحیم الباقی والقدیر المأمول
والقادر المقتدر والشیخ المبرور والشیخ المشهور والشکور والحمید والرضی الحمید والکافی المجدد والکافی المجدد والکافی المجدد والکافی المجدد

قد علمت ان العیون قد حجبها عن حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته
وعلی ما یحس من حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته وعلی ما یحس من حقیقته

عبد شیهه اوده فرستاده دست و شهادت داد در ۱۰۰۰ نفر پیغمبر روانه شد در ۱۰۰۰ نفر پیغمبر روانه شد در ۱۰۰۰ نفر پیغمبر روانه شد
در ۱۰۰۰ نفر پیغمبر روانه شد در ۱۰۰۰ نفر پیغمبر روانه شد در ۱۰۰۰ نفر پیغمبر روانه شد در ۱۰۰۰ نفر پیغمبر روانه شد

ایران میخواستند که با سلاطین و پادشاهان و سلاطین میرانه و جهان اسلام تسبیح حضرت اقامت فرمایند که حاجات گوناگون طلبت بر سر آمد و از آن طرف
بسیار اسلام استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین

تجدید و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین
تجدید و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین

تجدید و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین
تجدید و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین

بسیار از آن طرف و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین
بسیار از آن طرف و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین

و کتابت حقیقت و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین
و کتابت حقیقت و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین

انقلاب سید روحانی فرزند سید محمد باقر ساداتی استادی و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین
انقلاب سید روحانی فرزند سید محمد باقر ساداتی استادی و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین

تجدید و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین
تجدید و در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین و در دنیا هم در پی غیر از آن استین



نام: سیدعلی
نام خانوادگی: حسینی میقان
نام پدر: سیدعباس
نام مادر: ساره
تاریخ تولد: یکم خرداد 1340
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم اردیبهشت 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش و سوختگی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ۱ در خط ولایت فقیه باشید. مانند مردم کوفه و مسلمانان دوران ولایت امام علی (7) نباشید، که سینه امام علی (7) از بی اطاعتی آنها مالا مال درد بود.
- ۱ تقوای خدا پیشه کنید و در درگاه او توبه نمایید که ریسمان خداوند بزرگ توبه است.
- ۱ امانتی را که خداوند تعالی به شما داده بود حال به او برمی گردانید.
- ۱ در زندگی انسان خدا نباشد همه چیز مجاز است، جهان فاقد معنی و هدف و انسان پوچ است.
- ۱ امام عزیز را عزیز بدارید و به او عشق بورزید.
- ۱ بدانید که در دنیا امتحان می شوید و به حساب آنچه که در دنیا گفته و انجام داده اید رسیدگی می کنند.
- ۱ تفکر کنید خصوصاً به مرگ، معاد، فشار قبر و... تا اینکه به یقین برسید.
- ۱ مادران مواظب بچه هایشان باشند که در خط ولایت تربیت شوند

سیدعلی حسینی میقان

بسم الله الرحمن الرحيم

«استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القيوم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه، لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله صلی الله علیه و اله و اشهد ان امیرالمؤمنین علیا و ابناؤه المعصومین حجج الله علیهم السلام و اشهد ان الموت حق و اشهد ان سؤال منکر و نکیر فی القبرحق و اشهد ان الصراط و المیزان حق و اشهد ان الجنة و النار حق و اشهد ان الساعه آتیة لا ریب فیها و اشهد ان الله یبعث من فی القبور»¹.

«یا ایتها النفس المطمئننه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی»².
«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدلوا تبديلاً»³.

«از مؤمنین مردانی هستند که به آن عهدی که با خدایشان بستند صادقانه وفا کرده پس بعضی از ایشان به آرزویشان که شهادت بود رسیدند و بعضی دیگر در انتظارند». «الحمد لله رب العالمین»، شکر خدای را که توفیقمان داد که جهاد کنیم و توبه کنیم و به درگاه عظمتش رکوع و سجد نمودن نماییم. به نام خدای دردمندان، به نام خدای مهدی (عج)، به نام خدای زهرای مظلوم، به نام معشوق عاشقان، به نام کسی که ما را آفرید و ما را از لجن به انسانیتی والا رسانید.

دروود و سلام فراوان بر پیامبر گرامی، رسول پاک خدا محمد مصطفی (6)؛ و سلام بر مولای متقیان، مولای کسانی که در دل شب و در درون سنگرهای تاریک مثل مولای

1- برگرفته از اصول کافی، ابواب «کسی که بگوید: ماشاءالله...»، «گفتار در بامداد و شامگاه»؛ و از مفاتیح الجنان، «زیارت آل یاسین» و «دعای ندبه».

2- فجر / 27-30.

3- احزاب / 23.

خویش علی (7) [که] در نخلستان‌ها ناله می‌کرد و «یا ربّ ارحم ضعف بدنی»¹ می‌گفت [هستند]. و سلام بر کسی که فرق مبارکش را در سجده شکافتند؛ و سلام بر سرور شهیدان حسین (7) و برادر بزرگوارش حضرت ابولفضل (7) و دیگر یاران باوفای او؛ و سلام بر منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا له فداء² و سلام بر کسی که در تاریکی شب در درون سنگرهای عاشقان و سربازان خود سرکشی می‌کند و سنگرها را با نور خویش منور می‌سازد و سلام بر کسی که در شب‌های حمله سربازان خود را رهبری و یاری می‌کند؛ و سلام بر سربازان او، سربازانی که با ناله‌های نیمه‌شب خویش امام و رهبر خویش را یاری می‌کنند و به ندای «هل من ناصر»³ او لبیک می‌گویند؛ و سلام بر شهیدانی که بر خون غوطه می‌خورند.

و با امید آمدن مولای عزیزمان حضرت مهدی (عج) که با آمدن خویش عدالت را در جهان برپا خواهد کرد، مولایی که امید دل داغ‌دیدگان است و مولایی که معشوق عاشقان است و امید دل محرومان است؛ و به امید آزادی اسرای عزیز و شفای عاجل مجروحین؛ و به امید پیروزی هر چه زودتر رزمندگان کفرستیز اسلام در جبهه‌های نور علیه ظلمت. یا ایها المسلمین:

امام عزیز را عزیز بدارید و به او عشق بورزید، چون او نیز عاشق خداست. از خدا بخواهید که تا ظهور مولایمان مهدی (عج) او را محفوظ و سلامت دارد. در خط ولایت فقیه باشید. مانند مردم کوفه و مسلمانان دوران ولایت امام علی (7) نباشید، که سینه‌امام علی (7) از بی‌اطاعتی آنها مالا مال درد بود و بر سر آنها فریاد می‌کشید که: «ای نامردهای پست چرا شما امامتان را یاری نمی‌کنید و وقتی به شما می‌گویم به جنگ با کفار بروید بهانه می‌آورید که تابستان است و هوا گرم است و چون زمستان فرا می‌رسد بهانه سردی هوا و... را می‌نمایید»⁴. خداوند انشاءالله توفیق‌تان بدارد تا به امام خویش اقتدا نمایید. بدانید که در دنیا امتحان می‌شوید و به حساب آنچه که در دنیا گفته و انجام داده‌اید

1- فرازی از دعای کمیل است. مفاتیح الجنان.

2- در اصل وصیت «الله».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ترجمه فرازی از خطبه 27 علی (7) درباره جهاد. نهج‌البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص 28.

رسیدگی می‌کنند. به روز محاسبه اعمال خویش بیندیشید که خداوند در آیه 47 سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید: اگر باشد به اندازه دانه‌ای ارزنی می‌آوریم آن را در مقام حساب و بازخواست و ما برای حساب کافی هستیم. سپس بدانید که آنجا راه فراری ندارید، «ولا يمكن الفرار من حکومتک»¹.

تقوای خدا پیشه کنید و در درگاه او توبه نمایید که ریسمان خداوند بزرگ توبه است. و با آن باطن را از معاصی و گناه پاک کنید و به وسیله اشک حسرت و ندامت به درگاهش تضرع جویید.

توبه کن مردانه رو آور به ره که فمّن یعمل بمثقال یره²

هست جنت را ز رحمت هشت در یک در توبه است ز آن هشت ای پسر
آن همه گر باز باشد گه فراز و آن در توبه نباشد جز که باز³

هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد کبر و ناز و حاجب و دربان بدین درگاه⁴

«الهی ان کان قبح الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک»⁵ «ای خدا اگر گناه از من زشت است ولی عفو از تو زیباست». «فاستجب دعائی و لا تخیب فیک رجائی و تقبل توبتی و کفر خطیئتی برحمتک یا ارحم الراحمین»⁶ «پس دعایم مستجاب کن واز امیدی که به لطف تو دارم محروم مگردان و توبه‌ام قبول فرما و خطاهایم به کرم و رحمتت محو گردان ای مهربان‌ترین مهربانان».

تفکر کنید خصوصاً به مرگ، معاد، فشار قبر و... تا اینکه به یقین برسید و قلوبتان آرام بیابد. «الا بذکر الله تطمئن القلوب»⁷ «همانا با یاد خدا قلب‌ها آرام می‌گردد. امت شریف و

1- مفاتیح الجنان، «دعای کمیل».

2- شعر از مثنوی معنوی.

3- شعر از مثنوی معنوی.

4- شعر از دیوان حافظ.

5- صحیفه سجاده، مناجات تائبین.

6- صحیفه سجاده، مناجات تائبین.

7- رعد/ 28.

دوستان عزیز! از این حقیر یک کلام به یادگار داشته باشید و آن این است که: (عاشورایی بیاندیشید و کربلائی بزیئید. و به آنان که با خویشند و یا خویش می‌زیند بگویید که سر خویش بگیرند و به قعر¹ دوزخ بروند.

اما چند کلامی با خانوادهٔ محبوبم سخن بگویم: مادر عزیزم، ساده و بردبار باش مانند مادر حضرت علی اکبر² (7) (لیلا). امانتی را که خداوند تعالی به شما داده بود حال به او برمی‌گردانید و این نشانهٔ آن است که به عهدی که با خدا بسته‌اید وفا نموده‌اید. بنابراین باید خداوند را شکرگزار باشید این را بدان که ما این مرگ را خود انتخاب نمودیم و عاشقانه و آگاهانه هم انتخاب کرده‌ایم. و اما تو ای پدرم، مانند پدران دیگر شهدا باش، مانند پدری که سه فرزند خویش را در راه خدا داده و باز افتخار می‌کند و خود نیز به جبهه می‌رود. و شما ای برادرانم، مانند دیگر برادران شهدا الگو باشید و راه شهدا را ادامه دهید. و هر چه حق بر گردن من دارید به بزرگی خودتان و اگر نخواستید به بزرگی خداوند ببخشید. و از خط امام خارج نشوید که خط شهادت است. و شما ای خواهران عزیزم، مثل زینب صابر و استوار باشید و رسالتی را که به عهدهٔ شماست خوب انجام دهید. پیام شهدا را به نسل آینده منتقل کنید. مادرم و پدرم، اگر بر سر مزارم آمدید اول بر سر مزار سیدرضا و سیدحسین و رضا و دیگر شهدا فاتحه‌ای از عوض من بخوانید بعد سر قبر من بیایید.

و اما در مورد حق‌الله و حق‌الناس: در مورد حق‌الله که حساب از دستم خارج است؛ خیلی گناهکار و بدهی نماز و روزهٔ قضا فراوان دارم (حدوداً 5 سال). در مورد حق‌الناس به تمام ملت مخصوصاً امت میقان بد کرده‌ام. لذا از عموم آنها طلب حلالیت می‌کنم.

چند کلامی هم برای بچه‌های شهید سیدرضا می‌نویسم. آنها را خوب تربیت کنید آن‌چنان که الگو و نمونه باشند. از کوچکی آنها را به ذکر و یاد خداوند مشغول دارید تا از شر شیطان در امان باشند. مادران مواظب بچه‌هایشان باشند که در خط ولایت تربیت شوند، وگرنه روز قیامت علاوه بر اینکه خداوند جلوی آنها را خواهد گرفت شهدا نیز آنها را مورد بازخواست قرار می‌دهند.

1- در اصل وصیت «قهر».

2- ر.ک. تعلیقات.

خرم آن روز کزین منزل ویران بروم
دلیم از وحشت زندان سکندر بگرفت
به هواداری او ذره صفت رقص کنان
راحت جان طلبم وز پی جانان بروم
رخت بر بندم و تا ملک سلیمان بروم
تا لب چشمه خورشید درخشان بروم¹

هیچ گونه مال و ملکیت ندارم و هر چه هست از پدرم می باشد. میزان بدهکاری ها و بستانکاری ها را داخل یک تقویم نوشتم و در ساکم گذاشتم. از عموم شما می خواهم که مرا حلال کنید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار.

«والسلام»

العبد العاصی سیدعلی حسینی

1365/2/27 مطابق با هفتم رمضان 1406

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

استغفرالله الذی لاله الاله والحق القیم ذوالجلال والاکرام واتوب الیه
 لاله الاله الحلیم والکریم لاله الاله العلی العظیم سبحان الله رب السموات سبع ورب
 العرشین سبع ویا قیوم ویا بقیه هن رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین اشهد ان لاله الاله
 وحده لا شریک له واهمد ان محمد عبده ورسوله صلی الله علیه واله واهمد ان امیرالمؤمنین علیا و
 ابناؤه المعصومین حجج الله علیهم السلام واهمد ان الموت حق واهمد ان سوال منکر وکیفرنی القبر
 حق واهمد ان الصراط والمیزان حق واهمد ان الجنه والنار حق واهمد ان الساعه اتیه
 لا ریب فیها واهمد ان الله یمیت من یشاء

یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک را ضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی
 جنتی

ومن المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فممن من قضی نحبه وممن من ینتظرون ما ید
 فیهم

از ستمین سزای منی هستند که به آن عهدی که با خود ایشان بستند صادقانه وفا کرده پس
 بعضی از ایشان به ما از ایشان که شهادت بود رسیدند و بعضی دیگر را انتظارند
 الحمد لله رب العالمین شکر خدای را که تو یقمان داد که جهاد کنیم و توبه
 کنیم و به درگاه عظیمش رکوع و سجود نمائیم بنام خدای دردمندان بنام خدای مهدی
 بنام خدای زهرای مظلوم بنام معشوق عاشقان بنام کسی که ما را افسرد و ما را از لجن به انسانی
 و الارمانید درود سلام فراوان بر پیامبران گواهی رسول پاک خدای محمد مصطفی (ص) سلام
 به مولای متقیان مولای کسانی که در دل شب در درون سنگهای تاریک مثل مولای
 خویش صلی علیه السلام در تخلصاتنا نال میکرد و بار رحمتش بر ما میخورد و
 سلام بر کسی که فرقی مبارکش را در سجده شکر کنند و سلام بر سرور شهیدان حسین (ع) و برادر
 بزرگوارش حضرت ابوالفضل و دیگر یاران باوای او و سلام بر منجی عالم بشریت حضرت مهدی
 ارواحنا له الفدا سلام بر او که در تاریکی شب در درون سنگهای عاشقان و سربازان خود را سر
 بکنی میکند و سنگرها را با نور خویش مشور میسازد و سلام بر کسی که در شبهای حمله سربازان خود راهبری و
 پاری میکند و سلام بر سربازان او سربازانی که باناله های نیمه شب خویش اما پوره بر خود پاری میکنند و به
 خدای هل من ناصر اولیهک میگویند و سلام بر شهیدانی که بر خون غوطه می خوردند و با امید آمدن
 مولای عزیزمان حضرت مهدی (عج) که با آمدن خویش عدالت را در جهان برپا خواهد کرد مولا نیک
 امید دل داغ دگان است و مولا نیک معشوق عاشقان است و امید دل محرومان بوی امید ازادی اسرای
 عزیزشغای عاجل مجربین و به امید پیروزی هر چه سرعشروید تروزندگان کهرستیز اسلام
 در رجبیه های نور علیه ظلمت

بِأَيِّهَا الْمُسْلِمِينَ

امام عزیزتر از عزید آریسد و به اوشق بوزرید چون اونیز عاشق خداست از خدای بخواهید
 که تا ظهور مسولایمان مهدی اورا محفوظ و سلامت د ارد در خط ولایت قیبه باشید مانند مردم
 کوفه و مسلمانان زمان امام علی (ع) نیاشید که سینه امام علی ازین اطاعتی انها مال مال درد بود
 و بر سر آنها فریاد میکشید که ای نامرد های پست چرا شما امامتان را یاری نمی کنید وقتی به شما میگویم
 به جنگ با کفار بروید بهانه می آوری که تا بستان است و هوا گرم است و چون زمستان فرامیرسد بهانه
 سردی هوا و ... راسی نمائید خداوند انشاء الله توفیقتان بدارد تا به امام خویش اقتدا نمائید بدانید
 که در دنیا امتحان میشوند و به حساب آنچه که در دنیا گفته و انجام داده اند رسیدگی میکنند بهر وقت
 محاسبه اعمال خویش بپندید پسید که خداوند در آیه ۴۷ سوره انبیا میفرماید اگر کسی باشد پانصد ازهدانی
 ازین می آوریست انشراح مقام حساب و بازخواست بومای برای حساب کانسسی هستیم سپس بدانید که انجا
 راه فراری ندارید (ولا یفیکن الفرار من حکومتک)

تقوای خدا پیشه کنید و در درگاه اوتوبه نمائید که ریمان خداوند بزرگ توبه است و با باطن راز معاصی
 و گناه پاک کنید و هوسیه اشک حسرت وند است به درگاهش تضرع نمائید)

الهی ان کان قبح الذنب من عبدک فلیحسن العفو عن عبدک
 ای خدا اگر گناه از من زشت است و لسی عفو از تو زیباست

فاستجب دعائسی و لا تحب نیک رجائی و تقبل توبتی و کفر خطیبتی برحمتک یا رحمن
 پس دعایسم مستجاب کن و از امید ی که به لطف تود ام محروم مگردان و توبه ام را قبول فرما و خطاهایم را
 بکم و رحمتت محو گردان ای مهربان تر من مهربانان

تفکر کنید خد خصوصاً به سرگ معاد فشار قبر ۰۰۰ تا اینکه به یقین برسید و قلوبتان آرام بیاید
 اَللّٰهُمَّ لَوْ أَنَّ الْقُلُوبَ هَمَّانًا لَهَيَّادُ خَدَّ أَقْلِبَهَا أَرَامًا مِیْگردد است شهید برورود رستان عزیزم از این
 حقیق کلام به یاد گارداشته باشید و ان ایسن اسق که (عاشورا ی بیناند شد و کربلا ی بزیدی)
 و به انان که با خویشند و با خویش می زیند پس گوئید که سرخویش بگیرند و به قهر و زح بروند

اما چند کلامی با خانواد محبوم سخن بگویم (ماد رضیتم صا برورود بارباش مانند ماد رحضرت علی اکبر (لیلا)
 امتی را که خداوند تعالی به شما داده بود حال به او برسی گردانید و ایسن نشانه ان است که پاعهدی
 بخود انتخاب نمود و نامود ماید بنا بر ایسن باید خد اوند را شکر گزار باشید ایسن از اید ان که تا این مرگ را
 باش مانند پدری که سه نوزند خویش را در راه خدا داده و باز افتخاری کند و خود نیز به جبهه می رود شما
 ای برادرانم مانند پدری که برادران شهد الگو باشید و راه شهد اراد امه دهید و هر چه حق برگردن من
 در آید به بزرگی خودتان و اگر نخواستید به بزرگی خداوند ببخشید و از خطا مام خارج نشوید که خط
 شهادت است و شما ای خواهران عزیزم مثل زینب صابرو استوار باشید و رسالتی را بعد و شماست خوب
 انجام دهید پیام شهد ارا به نسل آینده منتقل کنید مادرم و پدرم اگر بر سر زمان آمدید اول بر سر
 مزار سید رضا و سید حسین و رضاد و پسگوشید اما تعالی از عرض من بخوانید بعد سرتیمرم

بِأَيِّهَا

واماد رمد ————— حرق الله وحرق الناس :

در مورد حقیق الله که حساب از دستم خارج است خیلی گناه کار بودم نماز روزی قضا نراوان دارم (حدود ۵۱ سال) در مورد حقیق الناس به تمام ملت مخصوصاً امت میقان بد کرده ام لذا از عموم آنها طلب حلالیت می‌کنم چند کلامی هم برای بچه های شهید سید رضا پهنوسم آنها را خوب تربیت کنید انچنانکه الکلی و نمونه باشند از کوچکی آنها را به ذکر و یاد خدا و نعم مشغول دارید تا از شر شیطان در امان باشند مادران مواظب بچه هایشان باشند که در خط ولایت تربیت شوند و گرنه روز قیامت علاوه بر اینکه خداوند جلوی آنها را خواهد گرفت شهدا نیز آنها را مورد بازخواست قرار می دهند

غیرم از آن روزگزمین منزل ویران بروم	راحت جان طلبم و بیسی جانان بروم
دلم از وحشت زندان سکندر برگزفتم	رخسخت بریندم و تاملک سلیمان بروم
به هواد آریان ذره صفت رقص کستان	تالسب چشمه غورشید درخشان بروم

هیچگونه مال و ملکیت ندارم و هر چه هست از بندم میباشد میزان بد کارها و بیستگاریها را در رد اغسل بیک تقصیر نوشتم و در ساکم گذاشتم از عموم شما می‌خواهم که مرا حلال کنید *

خدا یا خدا یا تا انقلاب مهدی خمینی را ننگم ————— دار

* والسلام*

العبد العاصی سید علی حسینی

۱۳۶۵ / ۲ / ۲۴ مطابق با هجرتی ماه رمضان ۱۴۰۶

نام: سیدمحمد
نام خانوادگی: حسینی میقان
نام پدر: سیدهاشم
نام مادر: بلورخانم
تاریخ تولد: یکم تیر 1341
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اسفند 1363
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا پیامبران ما مشقت و مصیبت ها تحمل کردند، تا توانستند دین جهان گستر اسلام را به ما بسپارند.
- ا بر ماست که همت کنیم و با اراده ای آهنین از اسلام و انقلاب ایران حمایت کنیم.
- ا اسلام با کفر در ستیز است، گوش به فرمان امام باشیم.
- ا تا فتنه بر روی جهان هست مسلمان نمی تواند ساکت بنشینند.
- ا مبدا خودباختگی فرهنگی به شما اثر کند و دچار تهاجم فرهنگی شوید.
- ا هر دریچه ای که بر روی اسلام بسته گردد، دروازه ای از فرهنگ غرب بر روی شما گشوده خواهد شد.
- ا با بصیرت کامل زندگی کنید.
- ا از خط اهل بیت عصمت و طهارت هرگز جدا نشوید.
- ا انقلاب نگاه داشتن و ماندن در آن راهی طولانی است.
- ا خاک شهیدان را توتیای چشم خود کنید.
- ا بسته بماند چشمان کوری که تاب دیدن انقلاب را ندارد.
- ا شرمنده ام از اینکه یک جان دارم فدای امام، اسلام و انقلاب کنم.
- ا ای خدای مهربان دوست دارم غبار راه کربلا باشم.

سید محمد حسینی میقان

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احياءٌ ولكن لا تشعرون»¹

قبل از اینکه دریچهٔ سخن را بگشایم، ارادتی و درودی خاص بر شمع انقلاب اسلامی ایران خورشید جهان تاب حضرت امام خمینی می فرستم که با یاری خداوند و وحدت مردم و با افکار روشنش توانست ننگ و جهالت را از جامعهٔ شاهنشاهی بزدايد.

می دانیم که باران خون باریدن گرفت تا توانستیم احساس وجود کنیم، در بهمن ها شهید دادیم، تا خورشید از پشت ابرها به در آمد و چهرهٔ خود را نمایان ساخت، گل ها پرپر شد. خارها ریشه کن شد. تا گلستان بهاری به وجود آمد، پیامبران ما مشقت و مصیبت ها تحمل کردند، تا توانستند دین جهان گستر اسلام را به ما بسپارند. پس بر ماست که همت کنیم و با اراده ای آهنین از اسلام و انقلاب ایران حمایت کنیم. دشمن هر لحظه در حال توطئه است، اسلام با کفر در ستیز است، گوش به فرمان امام باشیم که فرمودند «جنگ جنگ تا رفع فتنه»² تا فتنه بر روی جهان هست مسلمان نمی تواند ساکت بنشیند، مبادا دشمنان با تبلیغات زهر آگین خود افکار شما را بمباران کنند، مبادا خود باختگی فرهنگی به شما اثر کند و دچار تهاجم فرهنگی شوید. اگر احساس کردید به سوی فرهنگ غرب نزدیک شدید بدانید از اسلام فاصله گرفتید. هر دریچه ای که بر روی اسلام بسته گردد، دروازه ای از فرهنگ غرب بر روی شما گشوده خواهد شد. پس با بصیرت کامل زندگی کنید. از خط اهل بیت عصمت و طهارت هرگز جدا نشوید. اگر فکری پیشرفته دارید سعی کنید در مسیر اسلام به کار ببندید، دین خدا را یاری کنید. اگر دانشمند هستید متدین باشید، اگر متدین هستید سعی کنید دانشمند هم باشید. دیندار دانشمند باشید، خداگونه باشید، سعی کنید در تمام مراحل زندگی تان عدالت را رعایت کنید.

می دانید هر حادثه ای مشکلاتی را به همراه دارد، پس انقلاب ما هم حادثهٔ جنگ برایش

1- بقره/ 154.

2- صحیفه امام، ج 19، ص 113.

پیش آمده است. اگر نسبت به دیگر ایام زندگیتان سختی اقتصادی و غیره بیشتری می بینید، به خاطر اسلام تحمل کنید. نگذارید دشمنان به عنوان دوست در میان شما نفوذ کنند و فشارهای اقتصادی را حربه‌ای بر علیه اسلام به کار بگیرند دشمن شناس و دوست شناس باشید. دشمنان همیشه در حال ضربه زدن هستند. [یا] هرگونه کوتاهی از شما، اسلحه‌ای برای آنها ساخته خواهد شد. از منافقین کوردل، کوله فکر، الینه شده، فاصله زیادی بگیرید، چرا که آنها مارهای زخمی تیرخورده‌ای هستند که هر لحظه آماده نیش زدن به شما و هم‌نوعان خودشان هستند. مبادا در میان شما در لباس دوستی نفوذ کنند و ملت را نسبت به انقلاب بدبین کنند.

من به تمام ملت ایران اعلام می‌کنم که سعی کنید بُعد فرهنگی خود را پر بار کنید تا شناسای شخصی باشید که بر شما حکومت می‌کند؛ اگر اسلامی است جان نثارش کنید، اگر غیراسلامی است باز شما مشکل او را حل کنید. نگذارید دیگران برای شما تصمیم بگیرند. لحظه‌ای از خط امام و روحانیت اصیل اسلامی جدا نشوید. مبادا دل امام را پر از خون کنید، مبادا نسبت به افکار شخصی نسبت به انقلاب، خدای ناکرده، غبار بر روی رخسار انقلاب بنشانید. مگذارید خورشید انقلاب کم‌نور شود. نکند که امام به جای اینکه جلوی دشمن را بگیرد مجبور شود شما را نصیحت کند. باید متوجه شده باشید که انقلاب ما خدایی بود. اگر شک دارید در آینده نه چندان دور شعاع آن تمامی جهان را منور خواهد کرد و ابرقدرت شرق و غرب را نابود خواهد کرد.

به عده‌ای از روشنفکران توصیه می‌کنم که مواظب خودشان باشند؛ آنهایی که معلوم نیست [...] ¹ بودند، کجا بودند، اصلاً از دین خبری نداشتند که این ملت، همان ملتی که آنها را سر کار آورد، می‌تواند آنها را از کار برکنار کند. شما ملت بدانید که انقلاب کردن راه کوتاهی است، اما انقلاب نگه‌داشتن و ماندن در آن راهی طولانی است. مبادا خسته شوید و گذشت ایام دیدگاه شما را عوض کند. خاک شهیدان را توتیای چشم خود کنید، احترام به خانواده شهدا را نگه داشته و حرمت خون شهیدان را حفظ کنید، خدای ناکرده از خون شهید سوءاستفاده نکنید.

می‌خواهم بگویم که هنگامی به‌سوی جبهه حرکت کردم از روی آگاهی و با دیده‌ای باز در راه جهاد قدم گذاشتم. مشت بر دهان اشخاصی بکوبید که جهاد ما را بی‌هدف می‌خوانند. بسته بماند چشمان کوری که تاب دیدن انقلاب را ندارند، بریده باد گام‌هایی که در راه اسلام زده نمی‌شود، بریده باد دست‌هایی که قصد توطئه دارند. بدانید آن‌قدر جهاد برایمان شیرین بود که آرزوی عمری دراز می‌کردیم تا همیشه در راه اسلام ثابت‌قدم بمانیم. شرمنده‌ام از اینکه یک جان دارم فدای امام، اسلام و انقلاب می‌کنم. ای کاش هزاران بار مثل مرغی پرپر شده در راه خدا بشوم. شرمنده از آن هستم که نتوانم رضایت معبودم را جلب کرده باشم.

ای خدای مهربان دوست دارم غبار راه کربلا باشم، دوست دارم آنچه را تو دوست داری، دشمن می‌دارم آنچه را تو دشمن می‌داری. پره‌ای عشق به خودت را به من هدیه کن تا بتوانم در کویت به پروزا درآیم. ای خداوند مهربان اگر بناست که زاد و ولد کنیم برای مردن و بسازیم برای خرابی، پس مرگ من را شهادت در راه خودت قرار بده و از نعمت‌های بهشتی محروم مگردان.

شرح این قصه مگر شمع برآرد به زبان
ورنه پروانه ندارد ز سخن پروایی¹

پایان

لا حَسَدَ لَهِ الرَّبِّ الرَّحِيمِ

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ»

تبارک و تعالی در پیچه سخن را یکلایم، ارادت و درودی خاص، بر شیخ استغلاب اسفند ایران و رشید جهان تاب حضرت امام حسین می نویسیم، که با یاری خداوند و وحدت مردم و با دارو و سوسن توانست تنگ و چاهالت را از جامه ما ضمایم بزداید، می دانیم که باران خود باریدن گرفت ما تو اشیم احساس وجود کنیم، در بین ما شهید دادیم، تا خورشید از شدت آبرها بجزا کرد و چهره خود را نمایان ساخت، گلها پریشد، خارها ریشه کن شد، لیکن بهای بوجود آمدن پیامبران ما سقّت و مصیبتها تحمل کردند، تا توانستند دین ما را گسترانند راه ما بپایان، پس بر ماست که همت کنیم، و با آراه ای آهسته، از اسلام انقلاب ایران حمایت کنیم، دشمن هر لحظه در حال توطنه است اسلام با کفر در دسترس است، گوش، فرمان امام باسیم که فرمودند «حَبِّبْ حَبِّبْ تا رفع فتنه، به با فتنه بر جان، جوان هست مسلمان من تواند سالت بنشینند، مبادا دشمنان با تبلیغات زحمتا گریه خود مکارها را مباران کنند، مبادا خود باختگی فرهنگی به شما اثر کند، و دچار تهاجم فرهنگی شده، اگر احساس کردید بسیاری فرهنگ غریب نژاد شدید، بدانید از اسلام غافلگرمی کنید هر دریچه ای که بر روی اسلام بسته گردد، دروازه ای از فرهنگ غریب بر روی شما

باشند که بر شما حکومت می‌کند، اگر اسلام است جان شما را بکشند، اگر غیر اسلام است
 باز شما مشکل اورا حل کنید، نگذارید دیگران برای شما تصمیم بگیرند، لحدای از حد
 اما فرور و جانب است اصل اسلام جدا نشوید. مبارز دل ناما را بر از خون بکنید، مبار
 سبت، افکار شخص نسبت به انقلاب، خدای ناگفته، عبار بر روی رخصت را اقتدا
 بنمایند، مگذارید خورد انقلاب کم نور شود، نکلند که امام یحیی اینک جلوی
 را بگیرد، محصور شود شما را نصیحت کند، باید متوجه شده باشید که انقلاب ما خد
 بود، اگر تک دارد در آن آینده نه چندان دور شجاع آن تمامی جهان را متحرک خواه
 و ابر قدرت شرف و غرب را نابود خواهد کرد، بعد از آن از رزق شکر آن توصیف می
 که مواظب خورشید باشید، آنهایی که مسلم نیست و بارین بودند، کجا بودند، املا از
 خبری ندانستند که ~~این ملت های ملت را آفتا~~
 سرکار آورد، هر که از آنها از کار بر کنار کند، تمامیت بدانند که انقلاب کردن را
 کویا می است، اما انقلاب نگه داشته ما نذر در آن راهی ملولان است، بسیار ا
 ختم شوید، و گذشت امام دیدگاه شما را عوض کند، نهای شهیدان را بوی نیا
 چشم خود کنید، احترام به خائفا، شهیدان را نگه داشته، حرمت خون شهد

سوره خواهد شد پس با بصیرت کامل زندگی کنید. از خطاهای اهل بیت عمت و طهارت
 برگزید. انشودید اگر نگرانی و سرگشته دارید پس کنید در مسیر اسلام بکار بینید و در
 داریاری کنید. اگر دانشمند هستید و مدت با شیخ اگر مدتی هستند سعی کنید
 تفهیم باشند. دیندار باشند با شیخ خدا گرفته باشند سعی کنید در تمام مراحل
 زندگی آن عدالت را رعایت کنید. می دانید هر حادثه از ستمانی راه هر آن دارد پس
 انقلاب ما هم حادثه جنگ با شیخ است. اگر نسبت به دیگران از زندگی آن
 حتی اقتصادی و غیره بیگرمی می بینید. به خاطر اسلام تحمل کنید. نگذارید دشمنان به
 نوازان دوست از شیخ شما نفوذ کنند. و فشارها را اقتصادی را هر چه ای بر علیه اسلام
 ناز بگیرند. دشمن شناس و دوست شناس باشند دشمنان هیچ در حال جنبه
 دن هستند هرگز که گاهی از شما. اسلام ای برای آنها ساخته خواهد شد.
 نماندین کوردها، کوردها فکر الفتنه شده. ما همه زاری بگیرید. حیران که آنها ما را زخمی
 به راه هستند که هر لحظه آگاه نه نیش زدن به شما رهتوان خودشان هستی بیاد
 میاید شما در لنگ در سن نفوذ کنید. ولایت را نسبت به انقلاب برین گفته من به تمام
 ت ایران اعلام می کنم که من کنید بقدر فحشی خود را بر بار کنید ما شناسای شخص

حفظ کنید، فدای نا کرده از خون شهید بسرا استفاده نکنید، خواه بگویم که
 تنها بوسیله جنبه حرکت مردم از روی آگاهی و پایداری باز در راه جهاد قدم گذاشتم
 نت بردن اینها من بگویم که جهاد ما را بی هدف و خواتند، بسته به اندیشه‌ها
 در عا که تاب دیدن انقلاب را ندارند، بریده باد گمانند که در راه اسلام زده نمی شود
 به باد استخوان که قصد توپخانه دارند، با اندک قدر جهاد بر ایمان سیرین بود.

روز عزیزی که می کردم تا همیشه در راه اسلام ثابت قدم بمانم. بسوخته ام از اینکه
 به جبهه دارم فدای امام، اسلام و انقلاب می کنم، اما کاش هزاران بار مثل مرغی بی پروا
 در در راه خدا کشته شوم، شرفی که از آن هم کم نمی توانم رضایت معبودم را طلب کرده بمانم
 تا خدا در میان دوست دارم غبار راه که بجای بمانم، دوست دارم تا آنچه را تو دوست داری
 من بخدارم آنچه را تو دشمن میداری، پرهای عشق به خودت بمانم، هرگز کن تا بتوانم
 حرکت به پیروز در کام، ای خداوند مهربان اگر نجات کن زانو بکنم بر زمین و مبارک برای
 ای، پس مگر من را شهادت در راه خودت قرار بده عزای نفی هستی عمرم مگر دان،

شرح این قصه مگر شرح ترا در زبان
 در زمین روانه نماند ز سخن پروایی

پایان

نام: سید ابوالقاسم
نام خانوادگی: حسینیان
نام پدر: سید علی اصغر
نام مادر: ماهرخ
تاریخ تولد: یکم فروردین 1343
محل تولد: روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: ششم فروردین 1367
محل شهادت: حلبچه عراق
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ جبهه های نبرد را گرم نگه دارید.
- ۱ نگذارید اسلام عزیز تنها باشد.
- ۱ پیاخیزید از در جهاد وارد بهشت شوید.
- ۱ خواهران حزب الله با حجابشان مشیت محکمی به دهان (منافقین و دشمنان اسلام) بزنند.
- ۱ فرزندانم را یاری کنید تا سرباز واقعی امام زمان باشند.
- ۱ همسرم فرزندانم را سرباز واقعی برای امام و مسلمین بساز.
- ۱ فرزندانم درس عشق و شهادت را از پدر خود بیاموزید.
- ۱ از مکتب آقایتان ابا عبدالله الحسین (7) درس آزادگی و از جان گذشتگی بیاموزید.

سید ابوالقاسم حسینیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی کفی بی عزا ان اکون لک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربا انت کما احب فاجعلنی کما تحب»¹.

«الهی مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این فخرم که تو پروردگار من باشی تو آن چنانی که من دوست دارم پس مرا آنسان که می‌خواهی بگردان».

قال علی (7) «الجنة تحت ظلال السيوف»².

علی فرمود: «بهشت در زیر سایه شمشیرهاست».

عاشق چو شدی تیر به سر باید خورد زهری که رسد همچو شکر باید خورد

با سلام و درود بی‌پایان به آقا امام زمان و نایب برحقش روح‌الله و قائم مقام رهبری آیت حق منتظری³ و تمامی شهدای انقلاب اسلامی و خانواده معظم آنها و جانبازان و مجروحین اسلام و سلام به اسیران دربند بعثیان کافر و کفر ستیزان جبهه حق علیه باطل و سلام بر شما امت حزب‌الله و همیشه در صحنه، امت حزب‌الله خواهران و برادران عزیز توجه داشته باشید که در برهه‌ای از زمان⁴ واقع شدیم که تمامی کفر با تمامی اسلام در نبرد است⁵ و ما که خود را مقلد امام و سربازان و منتظران آقا امام زمان (عج) می‌دانیم بر ماست که با⁶ نایب برحقش امام امت همکاری و هم‌یاری کنیم شماها که همیشه می‌گفتید یا

1- از سخنان علی (7)، مفاتیح الجنان، ص 131.

2- این عبارت بخشی از کلمات قصار رسول اکرم حضرت محمد (6) است. «ان ابواب الجنة تحت ظلال

السیوف»، نهج الفصاحة، ص 159، ترجمه و تنظیم سیدعلی حسینی، انتشارات دارالعلم، 1389.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «برهه از زمانی».

5- تعبیر تقابل اسلام در برابر کفر برگرفته و تحت تأثیر سخن امام خمینی است که فرموده است: «یک همچو قیامی

که الان ما کردیم (انقلاب اسلامی) در مقابل کفر است. چنانچه جمهوری اسلامی در ایران خدای نخواست

شکست بخورد اسلام شکست خورده است». تبیان موضوعی دفتر پنجم «سلام ناب در کلام و پیام امام خمینی»

ص 269، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، 1374.

6- در اصل وصیت «به».

حسین ای کاش ما در آن موقع بودیم در صحرای کربلا و تو را یاری می‌کردیم. امروز برخیزید و ندای حسین (7) [را] که از حلقوم فرزندش خمینی بیرون می‌آید لبیک بگویید¹ و جبهه‌های نبرد را گرم نگاه دارید و نگذارید اسلام عزیز تنها باشد مگر نمی‌گویید² که مرگ حق است³. آیا می‌خواهید که با مرگ طبیعی دار فانی را وداع کنید. پس بشتابید و مرگ خود را شهادت در راه خدا قرار دهید. همان‌طوری که علی (7) می‌فرماید «جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند برای بندگان خاص خود گشوده است»⁴. شما هم [...] از در جهاد وارد بهشت شوید و در پشت جبهه هم نگذارید که منافقین⁶ و دشمنان اسلام از هر راهی به اسلام ضربه بزنند امروز که تمامی دشمنان اسلام کنفرانس برای نابودی اسلام تشکیل می‌دهند دو چیز اساسی را سرلوحه مصوبه مجلس کذایی خود قرار می‌دهند 1- کشیدن جوانان مسلمان به فساد و فحشاء 2- کشیدن آنان به اعتیاد. این ماده خانمان‌سوز که جوانان ما را مانند موریان که چوب را از درون سوراخ می‌کند و می‌پوساند. اما کور خواندند، چون امت حزب‌الله همیشه هشیار بوده و هستند و خواهران حزب‌الله با حجابشان مشت محکمی به دهان آنان می‌زنند.

پدر و مادر بزرگوارم از فرزندانم سیدعلی و سیدرضا خوب مواظبت کنید و آنها را یاری کنید تا سرباز واقعی امام زمان (عج) باشند، اما چند سخنی با شما همسر [...] درود و سلام به شما اسوه اخلاق و شیرزن و مادر دو فرزندم. سلامی به تمامی عمرم و سلامی به بلندی آسمان و گرمی خونم. همسر عزیزم از این که مدتی را به‌عنوان همسر مرا یاری کردی و زحماتی را متحمل گشتی و سختی‌ها را تحمل کردی می‌بخشید. همسرم حال که

1- در اصل وصیت «بگوئید».

2- در اصل وصیت «نمی‌گوئید».

3- عبارت «مرگ حق است» ترجمه عبارتی که در تلقین برای اموات بیان می‌شود «الموت حق الحساب حق. الكتاب حق و...». مفاتیح‌الجنان شیخ عباس قمی.

4- علی (7). خطبه 27 نهج‌البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص 27.

5- خوانا نیست.

6- ترجمه اولین جمله از خطبه 27 نهج‌البلاغه است: «فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه»

نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص 27.

7- خوانا نیست.

من از پیش شما عروجی ملکوتی داشتم و به آروزی دیرینه‌ام¹ یعنی شهادت در راه خدا رسیدم از تو می‌خواهم که بعد از من برای فرزندانم هم پدر باش و هم مادر مهربان. وظیفه تو هر چند سخت است ولی بدان که ثواب آن چقدر هست. تو یک زن عادی نیستی تو همسر شهیدی هستی که فرزندانش را به امانت نزد تو سپرده است تا تو هم به صاحب اصلی آن تحویل نمایی². [...] به فرزندانم زیاد محبت کن و آنها را سرباز واقعی و از خودگذشته برای امام و مسلمین بساز، نکند خدای نخواستہ فرزندانم که تمام امید من و تو به آنها بوده و ثمره عمر کوتاهم هستند، بعد از من خدای نخواستہ انسانی بی‌لیاقت و بی‌مسئولیت شوند⁴ آنها باید امام زمانی باشند. آنها باید درس عشق و شهادت را از پدر خود بیاموزند و بدانند که پدر آنها برای چه از زندگی [و] فرزندان دست کشیده و خود را زیر هزاران آتش فنا کرد. آنان باید از مکتب آقایان اباعبدالله‌الحسین (7) درس آزادی و از جان گذشتگی بیاموزند. نکند بعد از من به⁵ فرزندانم کسی با چشم یتیمی نگاه کند. نباید فرزندانم یتیم باشند همسر من تو هم پدر هستی هم مادر. آنها را خوب تربیت کن. همسر من واقعاً از زحمات بی‌دریغ شما متشکرم و امیدوارم که خداوند مرگ تو را هم شهادت در راه خودش قرار دهد.

و در ضمن من یک‌ماه روزه [ای] نگرفتم و مدتی هم نماز قضا⁶ دارم در صورت امکان برایم بگیر و روز پنج‌شنبه حتماً هر هفته بر سر مزارم بیا و فرزندانم را هم با خودت بیاور و برای من دعا کن و از اینکه وسایل خانه را حساب نکردم متأسفم و فراموش نکن از طرف من از پدر و مادرم حلالیت بخواه. خداحافظ شما

شفاعت خواه شما: سید ابوالقاسم حسینیان

1- در اصل وصیت «دیرینه‌ام».

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «شود».

5- در اصل وصیت «با».

6- در اصل وصیت «قضاء».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحی کنم بی عزت ان اکون لک عبداً وکنی بی فخر ان اکون لی رباً انت کما احب
 ما جعلت کما تحب
 یا مری ای عزت بسی که بنده تو باشم و این عظمی که تو پروردگار من باشی تو آن چنانی
 هستی من دوست دارم پس مرا آن سال که می خواهی بخرد ان

قال علی (ع) الوجه تحت ظلال السیف علی فرمود: محبت در زیر سایه شمشیر است.

عاشق چو سده که تیر به سر باید خورد ز هر که در سده هیچ سده باید خورد.

یا اسلام و درودی بایان به افعال آکرسان و نام به بر حقش روح او و تمام حق اگر هستی آ
 حق استغفار و نماز سجد ای انقلب اسلام و جان نوازه سفلی آنها و جان بازال و
 بر حسین اسلام و سلام بر سیران در نیند عقیان کافر و کفر سینه ان جسمه
 حق علیه باطل و سلام آکر شما امت حزب الله و همه در عهد امت حزب الله خراور ان
 و برادران عزیزتر توجه داشته باشم که در همه از زمان و امع شدیم که تمامی کفر با شما
 اسلام در بر داشت و ما که هر در اقله ایم و سر بازال و منتظر ان آمانم
 زمان می دانم بر ما است که در نام به بر حقش اما امت هماری و هم با بر لکن شما که همه
 می گفتند یا حسین ای کاش مادر آن صوغ بودم در هوا که بلا و تورا یاری می کردیم

امروز بر جنبه و نه از حسن که از خلق فرزند من حسین بیرون می آید که لب
 بگشاید و همه کج می نهد و اگر هم نهد دارد و نهد از اسلام نترسد تا با همه مله کفر
 که مرگ حق است ایامی خواهد بود که با مرگ طبعی دارم می راورد می کند پس شتاب
 و مرگ خود را شهادت در راه خدا قرار دهید همانطوریکه علی می فرماید جهاد در راه خدا
 شهادت است که خداوند بر آن بندگانش خاص مقرر کرده است. شما هم بیایید
 از راه دوار شهادت شریک و در شهادت جبهه هم نند آید به ساعضی و دشمنان اسلام
 از راهی به اسلام نترسید امروز که تمامی دشمنان اسلام کفر انسانی بر آن بود
 اسلام تشکیل می دهند و چیز اساسی را مبرورند معصوب مجلس که این خود قرار می دهند
 که شهادت در راه اسلام به مسأله دشمنان به مسأله دشمنان به امتیاز
 این ماده خاص امروز که جهان را ما را ساخته موربان که جوب را از درون
 سوراخ می کند و می بوسند اما که در خزانند چون است حزب است. همه همیار بود
 و هستند و خدایان حزب است با جباران حسته محکم به دهان آنگاه
 می نترسد به روماد بر تو تو از فرزند من سید علی و سید رضا حزب موافقت که
 و آنگاه را ناری کند تا سر با زو و افسان اما از میان باسد اما عهد سخنی با کما هم
 درود و سلام به شما اسوه اخلاق و سیرت و مالد و فرزندم سلام بیانی
 هم و سلام به ملت های آسمان و زمینی خدمت هم فرزندم از این که مدتی را به
 عند ان هم را ایاری که در فرزندانی را مقل گشتی و ستمها را مقل کردی که همیشه
 هم حال که من از من شما عمر و من مقلوبی داشتم و رب آن روزی دینزه آنگاه
 شهادت در راه خدا را سلام از تو می خواهم که بعد از من بر او فرزند من هم پیر باشی

و هم ماد پدر بابل و ضیاع و تو هر چند بجز است ولی بدان که ثواب آن
 چند هست تو یک زن عاده نیستی تو همه سجد می هستی که فرزند انش را
 به امامت بردی تو سیده است تا تو هم به صاحب اصل آن تحمل نمائند
 هر چه به فرزند امیر زما صحبت کن و آنجا را سر با زواجی و از خود بگفته است به اول
 یا او سخن بسیار نکرده خداوند است فرزند نام که تمام امید من بچو تو به آن
 بوده و شمره هم تو را هم هسته بعد از من خداوند است این بی لیاقت و بی ولایت
 شود آنجا باید اما که ما می باسند آنها باید درس عشق و کلمات را از پدر خود
 بیاموزند و به آنکه که پدر آنها برای چه از زندگی فرزند انش دست کشیده و
 خود را زیر هزاران آتش فنا کرد آنان باید از صفت امامت را با همه این
 درس آموختن و از جان که شکی بیاموزند بعد از من با فرزند آن که کسی با جسم
 پیش نگاه کند نباید فرزند امیر ستم باسند هم جسم تو هم پدر هستی هم مادر آنجا خوب
 تربیت کن هم و اتفاقاً از خدای من دروغ شما مستقیم و امید دارم که خداوند
 مرا تو را هم شهادت در راه خود می قرار دهد و در غرض من نگاه روزهای
 نگر من و مدتی هم نماز قضا دارم در صورت امکان برایم بگو هر روز چه گفته
 حتماً هر هفته بر سر زانویم با فرزند امیر را هم با خودت بیاد و بعد از من دعا کن
 و از این که وسایل خانه را حساب نکردم متأسفم و فراموش نکنی از طرف من
 از بی رویا گستاخا طلبت بخواه خدا حافظ

شماست خواه نما: سید ابوالقاسم حسینیان:

نام: سیداسدالله
نام خانوادگی: حسینیان
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: رقیه
تاریخ تولد: چهارم خرداد 1330
محل تولد: روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هشتم آذر 1360
محل شهادت: پستان
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا از خط امام و ولایت فقیه دوری نکنید.
- ا تقوی و نماز و عفت و حجاب را فراموش نکنید.
- ا راه شهیدان را بروید.
- ا راه امام حسین (7) را بپیمایید.
- ا برادرانم را چون ابوذر پیروانید.
- ا علی وار زندگی کنید، حسین وار بمیرید.
- ا زینب وار زندگی کنید، فاطمه وار حجاب را رعایت کنید.

سید اسدالله حسینیان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

وصیت‌نامهٔ پاسدار شهید، سید اسدالله حسینیان با درود فراوان به تمام پیامبران از حضرت آدم (7) تا حضرت محمد (6) و تا علی (7) و امام حسن و حسین (7) و تا به ابوذر و تا به امام کبیرمان. و درود به تمام شهیدان از حمزهٔ پیامبر و امام حسین (7) سرور شهیدان، تا به شهیدان هفده شهریور¹ و تمام شهدای² ایران به خصوص شهدای³ هفت تیر⁴، 72 تن از بهترین پیروان امام و تا به دو یار، یعنی رجائی عزیزمان و باهنر محبوبمان.

«یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين الذین اذا اصابتهم مُصيبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون»⁵ ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا توسل جویند⁶ که خدا یاور صابران است و آن کسی را که در راه خدا کشته شده مرده مپندارید که او زندهٔ ابدی است و لکن شما نمی‌دانید و همهٔ شما این حقیقت را درک نخواهید کرد. و البته شما را به سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم⁷ و بشارت و مژده و آسایش از آن سختی‌ها، برای صابران است آنان

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «شهداء».

3- در اصل وصیت «شهداء».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- بقره/ 156.

6- در اصل وصیت «جوئید».

7- در اصل وصیت «بیازماییم».

که چون در حادثهٔ سخت و ناگواری دچار شوند صبوری پیش گرفته و گویند «ما به فرمان خدا آمده و به‌سوی او رجوع خواهیم کرد»¹.

یک وصیت به پدر و مادرم دارم، پدر و مادر جانم شما پیرو خط امام باشید و هیچ‌گاه از پیروی خط امام و ولایت فقیه دوری نکنید. راه شهیدان را بروید و برایم گریه نکنید و راه امام حسین (7) را بپیمایید² و برادرانم را چون ابوذر³ بپروانید و به جامعه تحویل دهید. و یک وصیت هم به برادرانم که به بزرگان احترام کنید و به فقیران و بیچارگان کمک کنید و علی‌وار زندگی کنید و حسین‌وار بمیرید.

یک وصیت به خواهرم که زینب‌وار زندگی کنید و فاطمه‌وار حجاب را رعایت کنید. یک وصیت هم به همسرم، همسر عزیزم فاطمه‌وار زندگی کنید و زینب‌وار پیام شهیدان را به جهانیان برسانید. حجاب و عفت را از فاطمه (3) بیاموزید و دخترم [را] باید آنچنان که اسلام می‌خواهد بپروانید و ایشان را به یک انسان که باید علی‌وار زندگی کند. به ازدواج درآورید. و همسرم باید شما صبر کنید و زینب‌وار در جامعه⁴ راه بروید و در جامعه⁵ قدم بردارید و به همسایگان کمک کنید و [برای]⁶ یتیمان مادری کنید و برایم گریه نباید کرد و به شما خیر و دعا می‌کنم اگر راه شهیدان را بپیمایید⁷ و از خط امام و ولایت فقیه دوری نکنید تقوی و نماز و عفت و حجاب را فراموش نکنید.

«والسلام⁸ علیکم و رحمة الله و برکاته»

1- تعبیر شهید ترجمه این آیه قرآن است: «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره/ 156).

2- در اصل وصیت «بپیمائید».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «جامعه».

5- در اصل وصیت «جامعه».

6- در اصل وصیت «به».

7- در اصل وصیت «بپیمائید».

8- در اصل وصیت «السلام و».

آورد برود و در جامعه ایران همیشه سوره و وصیت هم به برادران که به فرزندان احترام کنید

و در غیر این دنیا که می گذرد هیچ دار و ندار نیست و همین دار چرخ

بیک وصیت در خواهرم که در نسیب دار زنده و فایده دار حساب را رعایت کنید و مایه وصیت هم در مسرت

مسرت نیز مافوق دار زنده که در نسیب دار بیام که در مسرت حساب و محبت را از فایده این

یا عزیز در خرم با به آفرین که اسلام و عقاید بیرون نماند و کمالاتی را به یک انسان که با به علم و ارزنده کند

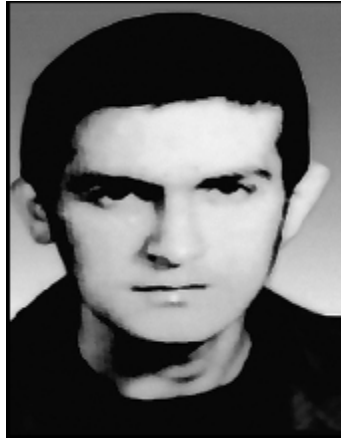
به از اولی در آورید و مسرت به شما همراهِه و نسیب دارد جامعه را به برود و در جامعه قدم بردارید و به

همایان گفت کنید و به نیتای ساری کنید و در هم نماند که در به شما خبر و دعای کم آرزو سر نیتای را به نیت

دار شما با هم در کاسه فقیر دوری ننگینه تقوی او ناز رحمت و جامب را فراموش نکنید

والسلام و علیکم ورحمة الله وبرکاته

نام: سیدعلی
نام خانوادگی: حسینیان
نام پدر: شریف
نام مادر: زهرا بیگم
تاریخ تولد: یکم مهر 1344
محل تولد: روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هفتم تیر 1361
محل شهادت: پاسگاه زید عراق
نحوه شهادت: -
مزار: -



عبارت های کلیدی

- ا آگاهانه به میدان جنگ با دشمنان خدا و اسلام رفتم.
- ا باید همچنان یار و یاور این نعمت الهی یعنی امام بزرگوارمان خمینی عزیز باشید.
- ا از خط امام جدا نشوید.
- ا نمازهای خود را سر وقت بخوانید.
- ا امام را دعا کنید.
- ا خداپا شهادت سعادت است که شامل خواص اولیاء تو می شود.
- ا ما درس شهادت را از آموزگارمان اباعبدالله آموخته ایم.

سیدعلی حسینیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رثوف بالعباد»¹.

«از مردم کسانی هستند که جان‌هایشان را می‌فروشند تا رضای خدا را به دست آورند، و خدا [نسبت] به بندگانش رثوف و مهربان است.»

سلام بر حضرت محمد رسول‌الله (6)، سلام بر حضرت علی (7) ولی خدا و فرزندان‌ش حسن و حسین (7) سلام بر همه شهیدان اسلام، به‌خصوص شهدای گلگون کفن کربلا که راهشان الگوی تمام پیروان ولایت است.

سلام به بزرگ رهبر عالم بشریت حضرت مهدی «سلام‌الله‌علیه» و سلام بر نایب‌ش حضرت آیت‌الله امام خمینی، که ادامه دهنده راه جد بزرگوارش ابا عبدالله‌الحسین (7) است و نمونه مجسم اسلام راستین در برابر همه شهیدان تاریخ و انقلاب اسلامی ایران که با نثار خون خود نظام طاغوتی و اسارت‌بار ستمشاهی که بر پایه کفر و شرک و بت‌پرستی استوار بود، به رهبری امام خمینی ویران نمود.

و اما این زمان [مزدور] دیگری از [سوی] امریکا به‌نام صدام کافر در مقابل فرزند راستین امام حسین (7)، امام خمینی قرار گرفته [تا] بتواند با حمله به انقلاب اسلامی، نقشه ارباب خود امریکا را به اجرا درآورد و صدای «هل من ناصر ینصرنی»² [امام] بلند است و من برای دفاع از اسلام و برای اینکه فرموده امام را لیبک گویم، در مقابل هجوم کفار بعثی [از] کشور اسلامی در غیبت کبرای امام زمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه الشریف)³ و نایب برحقش ولی فقیه برای جهاد در راه خدا و اجراء قانون اسلام، آگاهانه به میدان جنگ با دشمنان خدا و اسلام رفتم تا وظیفه شرعی خود را انجام دهم.

1- بقره/ 207.

2- رک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «عجل‌الله».

و اما شما ای برادران و خواهران مسلمان این شما هستید که باید همچنان یار و یاور این نعمت بزرگ الهی و این برکت خداوندی یعنی امام بزرگوارمان خمینی عزیز باشید. در خاتمه از پدر و مادر و خواهرانم می‌خواهم که راه مرا ادامه دهند و از خط امام جدا نشوند و نمازهای خود را سر وقت بخوانند، شما ناراحت من نباشید و باید افتخار کنید که پسران در راه خدا و عشق امام زمانش جان خود را در راه اسلام داد و من همه شما را در روز قیامت مهمان خدا می‌کنم.

امام را دعا کنید. [از] برادرانم می‌خواهم که راه مرا ادامه دهند و اسلحه‌ام که به زمین افتاده، بلند کنند و جای مرا پر کنند.

از خواهرانم می‌خواهم که پیام مرا به گوش جهانیان برسانند. همانند زینب باشید. خدایا تو را شکر می‌گزارم¹ که به راه هدایت به صراط مستقیم هدایت فرمودی و از ظلمات به سوی نور خارج کردی و در آغاز تیرگی قلبم را به نور یقینت روشن گردانیدی. تو را شکر می‌گزارم² که توفیق دادی که از همین جوانی مشی تو را که [برایم] بزرگ‌ترین افتخار است شیوه خود کنم، فقط تو را بپرستم و از تو یاری طلبم. خدایا تو را شکر می‌گذارم که پیش جدّم و مادرم فاطمه‌زهرا (3) شرمندۀ نباشم در حقم لطف فرمودی تا راه مولایم علی (7) را بروم و در مسیری که او برایم ترسیم فرموده است گام بردارم و عاشق او باشم، عاشق شب‌های او دلباخته روزهای پرغوغای او. خدایا تو را شکر که راه امام حسین (7) و فاطمه (3) را به من نشان دادی دریابم که شهادت سعادت است که شامل خواص اولیاء تو می‌شود و نصیب هرکس نمی‌شود. ما درس³ شهادت را از آموزگارمان اباعبدالله (7) آموخته‌ایم و اکنون که به سوی کربلا⁴ او روانیم از تو آرزوی شهادت دارم.

بخشنده‌ترین بخشنده‌ها - ای دانای رازهای نهانی، در خاتمه لزومی نمی‌بینم که سفارش

1- در اصل وصیت «می‌گذارم».

2- در اصل وصیت «می‌گذارم».

3- از سیاق کلام باید واژه «درس» باشد.

4- در اصل وصیت «کربلا او».

کنم (نگران نباشید و صبر پیشه کنید، زیرا نقصان و کاستی در میان نیست. از شما انتظار دارم لطف خدا را¹ سپاس گوئید و شاکر باشید.)

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

التماس دعا دارم

سیدعلی حسینیان

یادداشت‌های شهید:

«آن‌آنکه برای خویشند و با خویشند سر خود بگیرند و بروند - که فردا روز بی‌خویشترینست. شهیدان بمانند، که شکستن را می‌توانند»

1- از سیاق کلام باید واژه «خدا را» باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیده، نامه دانش آموزان عزیز به مدیر محترم علی حسینیان ()

"وَمِنْ آيَاتِهِ مَنُحْيِي الْمَيِّتَ وَيَحْيِي الْقَبْرَ وَاللَّهُ وَكُفَّ بِاللَّيْلِ"

از مردم کثانی هستند که جانباستان را می‌بخشند تا رضای خدا را بدست آورند و مرشدان به...

آتش گرفت و می‌پران است. ()

نام بر حضرت محمد و جلیل‌الله (ص) سلام تو سفر دعوتی (ح) ولی خدا و فرستادش حسن و حسین (ع)

سلام بر همه شهیدان ایام و به خصوص شهیدای گلشن کهن که با رعنائی الشرفه تمام بیژان ولایت است

حاجم به بزرگ و بزرگوار عالم بشریت، حضرت مهدی "سلام الله علیه" و سلام بر نامش حضرت آیت الله امام...

مبارک، که امام است و راه بند بزرگوارش ایا عبد الله المسمی (ح) امت و نبوت مسمی سلام و احترامی در

و از همه شهیدان ایام و انقلاب اسلامی ایران که با تار و پود خود تمام طغیان و امارت‌ها...

استانی که بر پایه کفر و شرک و بدعتی استوار بود، بر سرپی امام حسین و بران نمید و اما این زمان

و بزرگی از همه سلام تمام کافر در مقابل عزت راستین امام حسین (ع) امام حسین زو کثرت

جرات با صلح به ائمه و انقلاب اسلامی، بقیه ایام، همه آمریکا را به اجرا در آورید و صدای حق را شنیدند

ایام است و من برای دفاع از اسلام و برای اینکه فریبده امام را نیندازم، در مقابل جبهه کارهای

کفر اسلامی در غیبت کفایت امام زمان "عجل الله" و نائب بر حقش ولی غیبت برای جهاد در راه خدا

از راه فدای اسلام آغاز می‌دهم، این جگه با دشمنان خدا و اسلام رفتن تا باطله شرعی خود را انجام

بم و از همه ای بران و واداران سلطان این شما هستید که باید عهدتان را بر واپس این دست

بنا کنید و این برگشتند و دعوتی یعنی امام بزرگواران زمین استی سزای باشد.

و آنچه از پدر و مادر و نوادگان من بر ما که راه را ادامه دهند و از شما امام جدا نبودند و باورند

بها و بروفتن می‌تواند خدا دارا باشد و باید اعتماد کند که بر سران در راه خدا و حق ایستادند

از خود را در راه اسلام داد و من همه شما را در روز قیامت همان دعا بکنم. امام را در دست

برادرانم بفرستم که راه را ادامه دهند و اسلام را که زمین است و بگذشت و جای بر برگشت

و برادران من بر ما که راه را بسازد و این جهان بر ما است. همانند زنجیر باشد. دعای ترا شکر

کدام که به راه خدا باشد به فرات مستقیم خداست فرمودی و از ظلمات بسوی نور شایم گزیدی و در افق

نور طم را به نور هدایت روشن کردی - ترا شکر می‌کنم که تو منم دادی که از همین جزایس

دانی ترا که در بزرگترین آفتاب است شیوه خود کنم فقط خود می‌بینم و از سو باری ظلمت. دعایا

و از شکر می‌کنم که تو منم دادی تا ضربه را خسته نباشم در تمام لذت فرمودی تا راه بر ما هم

(ح) را بوم و در سجده که از بر ما تمجید فرموده است گام بردارم و طاعت او باشم و عاشق شمایم از

ساخته روزهای بر پیشانی او. خدا ما تو را شکر که راه امام حسین و فاطمه را به من نشان دادی.

و باجم که شهادت می‌دهد این که شامل نبوی اویا تومی شود و سبب امر نمی‌شود. تا

و شهادت را از آموزگاران ایا عبد الله ایوسته ایم را کثرت که بسوی گویا او روانم از توانم

است دارم.

و شنیده ترین سخنند و غایب دانی از جای نهانی در خانه لژی یعنی بیم که سفارش کنم

و از آن نهانید و بسوی بیدار کنید. زیرا جهان و کائنات در میان نیست. از شما انتظار دارم.

و از سیاسی لایحه و تا گویا باشید. ()

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

السلامین دعا دارم

سید علی حسینیان

یادداشت‌های ضمیمه:

آنرا که برای نوشتن و با نوشته هر خود بگردید و هر روز که در دسترس است

شهیدان بنامند که شکستن را می‌توانند.

است و در زمین، آموزش و پرورش بیست و یکم

فردی که می‌خواهد از این کتاب استفاده کند باید این را بخرد

سمنان
کتابخانه
جمهوری اسلامی ایران

نام: سیدغلامرضا
نام خانوادگی: حسینیان
نام پدر: سیدرضا
نام مادر: خانم
تاریخ تولد: یکم فروردین 1341
محل تولد: روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دهم شهریور 1361
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت گلوله و ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا برادرم و خواهرانم با کارهایتان اسلام را یاری کنید.
- ا من به فرمان امامم به جبهه حق می‌روم.
- ا دنیا محل آزمایش است.
- ا ما حتی نمی‌توانیم شکر وجود رهبری امام و انقلاب و کربلایی را بکنیم که آزمایش بزرگی است.
- ا مادرم بعد از من تو به تمامی زنان درس مقاومت بده.
- ا مولایم گفته سرت را به خداوند عاریه بده.
- ا اگر سال‌ها با ابرقدرت‌ها بجنگیم باز ما پیروزیم.
- ا امیدوارم مرگم باعث شناساندن اسلام شود.
- ا جهاد در راه خدا زندگی را شیرین می‌کند.
- ا بعد از مرگم گریه نکنید، بلکه به‌جای گریه درود بر خمینی سر دهید.

سیدغلامرضا حسینیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا»¹.

«کسانی که ایمان آوردند و در راه خدا جهاد می کنند و کسانی که کافر شدند و در راه طاغوت می جنگند پس بکشید سران کفار را که کید و مکر اینان سست و ضعیف است».

«و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین لله»².

«با کافرین نبرد کنید تا ریشه فساد را براندازید و همه به دین خدایی باشید».

«ان کان دین محمد لا یستقم³ الا بقتلی یا سوف خذینی»⁴

گر جز بکشتم نشود دین حق بلند ای تیغها بیایید بر فرق من فرود

بابا سلام، مادر عزیزم سلام. سلام بر برادر و خواهرانم. بابا مادر جان اگر قربانی دادید برادر خواهرانم از خدا بخواهید تا قربانی تان را بپذیرد. بابا ابراهیم باش و مادر هم چون هاجر و فاطمه (3) و زینب (3)، خواهرانم شما هم چنین باشید. بابا، مادر مقاوم باشید [ما] امانت دست خدا بوده ایم. مادرم شما می بایست [بر تن من] لباس جنگم می پوشانید⁵ و اجازه ام می دادید تا امامم را یاری کرده و به «هل⁶ من ناصر»⁷ پیغمبر خویش جواب دهم اما مادر اون امام اجازه جهاد داد (و من خداحافظی آخر را به منزله⁸ اجازه گرفتم). برادرم و خواهرانم با کارهایتان اسلام را یاری کنید. مادر عزیزم مبادا بر قربانیت گریه کنی و

1- نساء/ 76.

2- بقره/ 193. در اصل وصیت «لذین» و بعد از آن (کله لله) آمده است.

3- در اصل وصیت «لا یستقم».

4- ر.ک. تعلیقات. ذیل «ان کان دین محمد...».

5- در اصل وصیت «می پوشیدید».

6- در اصل وصیت «حل».

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «منظره».

خواهرانم شما هم هرگز (غمگین و گریان نباشید بلکه) شاد باشید و بر خود تبریک گوید¹ تا خدا قبول کند). بابا مادرم برادران و دوستانم در طول تاریخ از - هابیل² تا ابراهیم و از ابراهیم تا محمد (6) از محمد (6) تا حسین (7) و از حسین تا روح‌الله مبارزه حق بر باطل وجود داشته و دارد و باطل با چهره‌های گوناگون گاه به فرمانروایی³ نمرودها و زمانی فرعون‌ها و بعد یزیدها و کارتر⁴ و... در صحنه وجود پیدا کرده‌اند. چون اساس باطل بر پوچ است بارها شکست قطعی خورده‌اند و از بین رفته‌اند. آنگاه که غرور مستی انسان را گرفت دوباره جان گرفت و اکنون باطل در چهره صدام⁵ کافر با همه امکاناتش و با شیوه‌های شیطانی و پشتوانه قدرت‌های ضد خدایی⁶ در برابر حق که در چهره امام است و امت اسلامی با پشتوانه‌ای از ایمان خدایی⁷ رودرروی این کفار قرار گرفته‌اند و بر حسب وظیفه شرعی و انسانی خود که نمی‌توانم نظاره‌گر پستی و پلیدی باشم به فرمان امامم به جبهه حق می‌روم و هرچه خدا خواست همان خواهد شد. و تو آیه قرآن «انا لله و انا الیه راجعون»⁸ را بخوان ای مادرم. مادر عزیزم در زندگی که نتوانستم برای اسلام کاری کنم و درست نتوانستم قدر شما را هم بدانم پس حالا شیرت را حلالم کن خدا هم به تو آخرت عطا کند. مادر و پدرم نکند که بعد از من کلمه‌ای بر زبان آرید که خدای ناکرده باعث ناخشنودی خدا گردد شما [به یکدیگر] تبریک گوید⁹ شما لبخند زنید و شما بقیه را به اسلام که [....]¹⁰ به خون است فرا خوانید دنیا محل آزمایش است و ما که

1- در اصل وصیت «گوئید».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «فرمانروایی».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «صدا».

6- در اصل وصیت «خدائی».

7- در اصل وصیت «خدائی».

8- بقره/ 156.

9- در اصل وصیت «گوئید».

10- خوانا نیست.

در دوران امام خمینی بودیم حتی نمی‌توانیم تنها شکر¹ وجود رهبر را در پیش خدا به جا آوریم شکر انقلاب و کربلایی² که آزمایش بزرگی است. مادرم تو بعد از من به تمامی زنان درس مقاومت بده درسی که زینب داد خواهرانم مبادا هرگز کوچک‌ترین شیون³ بر مزارم بکنید فقط شکر خدا کنید و همه را به عبادت خدا فرا خوانید. دوستانم من دیگر در بین شما نیستم تمام خطاهایم را ببخشید از تک‌تک شما تقاضای عفو می‌کنم خدا هم به شما اجر دهد من که به نتیجه رسیدم که...

سر که در راه عزیزان بود بار گرانی است کشیدن بدوش⁴

و شهادت که تزریق خون است به پیکر اجتماع و این شهید است که به پیکر اجتماع و در رگ‌های آن دچار کم‌خونی هستند خون جدید وارد می‌کند اما شهید شدن در راه خدا لیاقت [می‌خواهد] و باید قصد قربت کرد عمل را از روی اخلاص انجام داد تا شاید به توفیق خدا لیاقتی پیدا کرد و تا به حال با توجه به تمامی شهیدان معلوم گشته که

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند روبه صفتان زشتخو را نکشند
گر عاشق صادقی ز مردن مهراس مردار بود هر آنکه او را نکشند⁵

دوستانم مدرسه را رها مسازید آن را فقط اسلامی سازید مدرسه محل علم است علمی که جدا نیست ز ایمان، ایمان است آن علم اگر خواهی بسازید اگر می‌خواهی معلم چون علی که با عملش جمع را آگاه کند آگاه به مکتب آگاه به الله آگاه به شهادت من به‌عنوان یک برادر کوچک اول طلب بخشیدن خطاهای گذشته می‌کنم بعد اینکه مسجد و کتابخانه و مدرسه را خالی نکنید آنجا مرکز پرورش شهیدان است و مجموع آگاهی که ما داریم از این مراکز به ما رسیده است شما نیز به‌خاطر الله فعالیت شدید کنید همسایه‌ها و خویشان را

1- در اصل وصیت «شکر تنها».

2- در اصل وصیت «کربلایی».

3- در اصل وصیت «شیوه».

4- در اصل وصیت شعر چنین است: آن سر که در راه عزیزان بود بار گرانی است کشیدن به دوش

5- این رباعی را بر سنگ مزار میرزاده عشقی شاعر معاصر حک کرده‌اند اما شاعر آن معلوم نیست. در دوران مبارزه و آغاز پیروزی انقلاب از اشعاری بود که برای تهییج روحیه نیروهای انقلابی و رزمندگان کاربرد بسیاری داشت.

هر آنچه نیز از ما بدی دیدند¹ بر ما ببخشند تا خدا نیز آخرت را بر آنان ببخشد. برادرم شما به بابا و مادر سفارشات لازم را بکن و اگر من نیستم و نبودم عوض من به ایشان خدمت کنید چون من نتوانستم از آنان قدردانی کنم چون سفارش خدا است شما به آنان خدمت کنید و بعد یک سر نیزه و یک کتاب مطهری (امدادهای غیبی) در ساک من است سرنیزه را به خانه عمو اصغر² بده و کتاب را بفرستید سپاه اگر توانستید تمام وسایل را که من از سپاه گرفته‌ام اعم از کوله‌پشتی³ و غیره همه را به سپاه بدهید. مادر و پدر دیدار ما به قیامت و خدا را شکر و عبادت کنید من نیز دعاگوی شما هستم من با توجه به سفارش «مولایم که گفت فرزندم: - اگر کوه‌ها از جای کنده شوند اما تو سنگر را خالی مکن - دندان‌هایت را در مشکلات جنگ در هم بفشار - و کاسه سرت را به خداوند عاریه ده - و گام‌های خویش را همچون میخ در زمین استوار گردان - و بدان که [یا] پیروزی فقط از [آن]⁴ خداوند است»⁵ انشاءالله که بتوانم به وظیفه‌ام عمل کنم و من بر حسب وظیفه و نه به خاطر پیروزی یا چیز دیگر به میدان می‌روم خدا خود بقیه‌اش را می‌داند چون تمام کارها به خاطر خدا بوده. پدر و مادرم مبادا چیزی که در راه خدا داده [اید] پس بگیرید و از صدر اسلام و کربلا عبرت بگیرید مبادا بگویید⁶ پس جنازه کجاست اگر جسد⁷ بود در قبرستان میقان دفن کنید ولی اگر نبود مهم نیست آنها جسد می‌خواهند که ایمان ندارند چون

1- در اصل وصیت «دیدن».

2- در اصل وصیت «صقر».

3- در اصل وصیت «پوشتی».

4- واژه افتاده باید «آن» باشد.

5- قسمتی از وصیت که داخل گیومه گذاشتیم ترجمه خطبه شماره 11 از سخنان حضرت امیر (7) است که خطاب به پسرش محمد حنفیه بیان شده است. هنگامی که در جنگ جمل پرچم را بدو سپرد:

- تزول الجبال و لا تزول - غض علی نا جذک - اعرالله جمجمتک - تدفی الارض قدمک - ارم ببصرک اقصی القوم - و غض بصرک و اعلم ان النصر من عندالله سبحانه» نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه 11، ص 14-15

(ترجمه عبارت‌های 5 و 6 این خطبه در وصیت‌نامه شهید وجود ندارد).

6- در اصل وصیت «بگوئید».

7- در اصل وصیت «جست».

کافرند¹ و از مرگ می ترسند و در زمان شاه جلاد [جوانان و مبارزان] ما را شهید کردند اما دیدید که پیروزی از [آن مردم] ما بود اما بدانید که اگر سال‌ها با ابرقدرت‌ها بجنگیم باز ما پیروزیم اصلاً جهاد در راه خدا زندگی را زیبا می‌سازد. خواهرانم به مادر بگویند² که اگر فرزندت مردانه جنگید و مردانه شهید شد آرزوی این بود تا هزاران گلوله و... خمپاره سینه‌اش را بشکافت تا شهادت را لمس کند و با مرگ سرخ خود برای اعتلای حکومت اسلامی و تداوم انقلاب کار مثبتی انجام داده باشد خواهرانم شما با اعمال اسلامی‌تان الگویی³ برای دیگران باشید و با عملتان مردم را به دین خدا بخوانید و فرزندان‌تان همچون فاطمه (3) تربیت کنید که اسلام نیاز به فرزندان صالح دارد من راضی نیستم در بعد از مرگم گریه کنید بلکه به جای گریه درود بر خمینی سر دهید چون هر آنچه داریم و من دارم از وجود رهبر است و اوست که نشانه خدا بود و با چشم بصیرت می‌توان خدا را در وجود او دید خواهرانم من نتوانستم برای شما برادر خوبی باشم اما امیدوارم مرگم باعث بهتر شناساندن اسلام شود و من نتوانستم برای پدر و مادرم فرزندی خوب و شایسته باشم امیدوارم با شهادتم بتوانم خدمتی برای اسلام و آنها کرده باشم من برای دوستانم دوست خوب نبوده و برای برادرانم برادر خوبی نبوده اما خدا کند با مرگم دوستانم دوست خوب و برادرانم برادر خوب و عقیدتی انتخاب کنند و دوستان و برادران [م]، من که نتوانستم قطره‌ای از دریای اسلام را بیاموزم پس شما بر آموختن آن بپردازید برادرزاده‌هایم و خواهرزاده‌هایم من که نتوانستم راهنمایان⁴ باشم اما امیدوارم که راه خود را پیدا کرده باشید آن هم راه⁵ خدا راه ولایت فقیه را.

پدر و مادر برادر و خواهرانم همگی خداحافظ. دوستان خویشان همسایگان خداحافظ.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای

1- در اصل وصیت «کافرن».

2- در اصل وصیت «بگویند».

3- در اصل وصیت «لگوئی».

4- در اصل وصیت «رهنمایان».

5- در اصل وصیت «را».

مولا که گفت فرزندانم اگر کرمها از جای کنده شوند اما ترسناکتر از خالی مکن دندانهایت در مشکلات چنگ درم بگذار و گناه سر ترا به خداوند عاریه ده و گناهات خود را در هیچ‌کس مخ در زمین استوار گردان و پندار که یا بیروز فقط از خداوند است انشاء الله که بتوانم به وظیفه عمل کنم و در سر مسدود و غیب زنه بخاطر بیروز یا چیز دیگر به میدان بفرم خدا خرد بقیه مرا میداند چون تمام کارها بخاطر خدا برده بشود و وسایل زیادایی که در راه خدا داد برگزید و از صراط اسلام و حق دور گردید باید بگذرید پس جنازه نجاست اگر نیست بسود در قبرستان میخان دفن کنید ولی اگر نبود مهم نیست آنها جسد میدهند که اینان نه لرتند چون کافر و از سرگرمی ترسند و در زمان شاه جلاد مسافر شهید کردند اما دیدید که بیروز از ما بسود اما بدانید که اگر سالها با ابر قدرتها جنگیم باز ما پیروزیم اسلام آنها در راه خدا زندگانی را نیا میزند - خوانایم به مادر بگذرید که اگر فرزندت مردان بگذرید و مردانه شهید شد آرزوی این بسود تا هزاران کفر و ...

خیماره سینه را بنفادتا شهادت را در شد و با سرگرمی خود برای امتحان حکومت اسلامی و تدابیر انقلاب کار مثبتی انجام داده باشد خود را با اعصاب استقامت اللوحین برادران عزیزان با شهید و با عملهای مردان را به دین خدا بخوانید و فرزندانشان را در این قاطعه تسویه کنید که اسلام نیاز به فرزندان صالح دارد من را می نیستم در بعد از مرگ کرمه کنید بلکه به جای کرمه دید بر همین سر دمید چون بر آنچه داریم و من دارم از بسود و بر راست و اوست که نشانه خدا بود و با چشم بصیرت میتوان خدا را در وجود از دید خودمان من نتوانم براب شما برادر خوب باشم اما امید وارم سرگرم باعث بهر شما ساند اسلام شود و من نتوانم برای برادران فرزندی خوب و شایسته باشم - امید وارم با شهادت بتوانم خدمت بران اسلام آنها کرده باشم من برای دوستانم درست خواسته بودم و برادرانم برادر خوبی نبوده اما خدا شد با سرگرم دوستانم دوست خوب و برادرانم برادر خوب و عقیدت انتخاب کننده در دوستان و برادران من نتوانم قطره ای از دریای اسلام را بیاورم بر شما بر آموختن آن ببرد از برادرانم و خواهرزادانم من که نتوانم رعایتان باشم اما امید وارم که راه خود را بسودا شود باقی آن رسم را خدا راه ولایت کنید را

بسرمد برادر و خواهرانم یکی شهید شد دوستان خوبشان بمسایان خدا حافظ
 خدا یا خدا یا تا انقلاب میماندی خدای من را نگه دار
 از امر ما بگناه و برادرانم برادرانم
 در کتاب 61/4/1 به شهادت رسید

نام: سید کریم
نام خانوادگی: حسینیان
نام پدر: سید علی اصغر
نام مادر: ماهرخ
تاریخ تولد: بیستم مهر 1341
محل تولد: روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا قصدم از آمدن به جبهه لبیک به ندای هل من ناصر رهبر کبیرمان حسین زمان است.
- ا به جبهه آمدم تا جای شهیدان را پر کنم.
- ا بارالها از رسیدن به درجه رفیع شهادت هراسی به دلم راه مده.
- ا امام عزیزمان را تنها مگذارید.
- ا از روحانیت مبارز و پیرو خط امام و مجلس و دولت مکتبی و شورای عالی دفاع پشتیبانی نمایم.
- ا سنگرهای عبادی سیاسی نماز جمعه را باشکوه تر برگزار نمایم.
- ا به منافقین کوردل واز خدا بی خبر اجازه فعالیت و تفرقه را ندهید.
- ا بارخدایا چنان کن که بر ملت تو بمیرم و زنده گردم.

سیدکریم حسینیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«[یا] ایها الذین آمنوا¹ اطیعوا² الله و اطیعوا³ الرسول و اولی الامر⁴ منکم»⁵.
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید از خداوند از رسول خدا و از ولی امر⁶ پیروی کنید».

«اذن للذین⁷ یقاتلون⁸ بانهم⁹ ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدير»¹⁰.
 «به کسانی که بیکار می‌کنند اجازه داده شد چون آنها ستم دیده‌اند محققاً خداوند بر پیروز بخشیدن آنان توانا است».

با حمد سپاس بیکران بر ایزد منان آفریدگار یکتا و با سلام و درود بر خاتم انبیاء محمد ابن عبدالله (6) رسول الله.

با سلام درود فراوان به پیشگاه مقدس ولی عصر حجت ابن الحسن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)¹¹ و نایب برحقش آن پیر جماران و قلب تپنده امت حزب الله ایران و امید مستضعفان جهان اسلام حاجی آقا روح الله الموسوی الخمینی رهبر کبیر انقلاب ایران و با سلام [و] درود فراوان بر ارواح پاک و معطر شهیدان گلگون کفن¹² زنده و همیشه جاوید تاریخ از

1- در اصل وصیت «آمنو».

2- در اصل وصیت «طیعو».

3- در اصل وصیت «طیعو».

4- در اصل وصیت «اولال امر».

5- نساء/ 59.

6- در اصل وصیت شهید در معنی آیه مقابل ولی امر از امام خمینی نام برده است.

7- در اصل وصیت «الذین».

8- در اصل وصیت «یقاتلون».

9- در اصل وصیت «انهم».

10- حج/ 39.

11- در اصل وصیت «عج».

12- در اصل وصیت «کفنان».

صدر اسلام تا شهدای¹ عاشورای حسین (7) و شهدای² انقلاب و جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران که با نثار خون و جان خود [...] ³امت مسلمان و حزب الله ایران گشتند و با سلام [و] درود بر خانواده معظم شهداء و بازماندگان شهیدان و با سلام و درود بر امت حزب الله و غیور همیشه در صحنه ایران و با سلام [و] درود بر کلیه شهیدان زنده انقلاب و جنگ و با آرزوی شفای کلیه مجروحین و معلولین. و با سلام [و] درود بر امید امت و امام، فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری⁴ و با سلام [و] درود بر کلیه روحانیت مبارز و پیرو خط رهبری. غرض از مزاحمت چند کلمه ای به عنوان یادگاری از این بنده حقیر و مسکین⁵ سیدکریم حسینیان فرزند سید علی اصغر [اینست که] با آگاهی کامل و خلوص نیت پاک به جبهه آمدن و راهی را که قبول کرده شناخت کامل داشته و قصد [م]⁶ از آمدن به جبهه این بوده که وظیفه شرعی و تکلیفی که بر دوش هر فرد مسلمان است را ادا نمایم⁷. و به ندای «هل من ناصر»⁸ رهبر کبیر حسین زمان لبیک گفته باشم و جان ناقابل خود را نثار اسلام عزیز نمایم⁹ تا با ریختن خون خود درخت پر برکت و تنومند اسلام را آبیاری نموده تا باعث تداوم انقلاب گردد.

اماما. پیامت را شنیدم¹⁰ و با جان و دل پذیرای آن گشتم پیامی که در آن از رهایی¹¹ و سعادت و پیوستن به معشوق و لقاء الله بود لبیک گفته و به جبهه آمدن برای رضای خدا و

1- در اصل وصیت «شهدای».

2- در اصل وصیت «شهدای».

3- خوانا نیست.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «مسکن».

6- در اصل وصیت «قصد».

7- در اصل وصیت «نمائم».

8- ر.ک. تعلیقات.

9- در اصل وصیت «نمائم».

10- در اصل وصیت «شندم».

11- در اصل وصیت «رهائی».

رهبر تا جای شهیدان را پر کرده و اسلحه¹ بر زمین افتاده² آنها را گرفته و بر قلب دشمن بتازم و در این راه اگر سعادت ابدی نصیبم گشت اگر به معشوق پیوستم که چه سعادتی بهتر و بیشتر از درجه رفیع شهادت می‌باشد.

بارالها، فرد گناهکار و روسیاه به درگاہت هستم توبه‌ام را قبول فرمای و در این امتحان سرفرازم گردان خدایا ای پروردگار من اگر شهادت را نصیبم³ نگردانی معبودا اگر به واسطه گناهان سنگین و لغزش‌های زیاد سعادت ابدی را نصیبم نفرمایی⁴ با کوله‌باری⁵ پر از گناه چکار کنم. بارالها تو رؤف و بخشنده⁶ هستی بیخشای⁷ گناهانم را و از کردار ناپسندم درگذر.

بارالها از تو می‌خواهم که به من توان جنگیدن در میدان رزم با بعثیان کافر را عطا⁸ فرما⁹ بارالها کمکم کن تا در برابر حملات و یورش‌های مزدوران کفر ثابت قدم باشم تا سر حد درجه¹⁰ رفیع شهادت و در این راه هراسی به دلم راه مده خدایا پناه می‌برم به تو از شر¹¹ لغزش‌ها و گناهان که باعث نرسیدن به هدف می‌گردد.

اما ای برادران و خواهران عزیز حزب‌الله شما ای امت مسلمان و غیور حزب‌الله میقان شاهرود، امام عزیزمان را تنها نگذارید دستورات آن مرجع عالیقدر را با جان و دل پذیرا باشید که این نعمت نصیب هر قومی نمی‌شود قدر این رهبر این پیر جماران را بدانید و از

1- در اصل وصیت «صلحه».

2- در اصل وصیت «فتاده».

3- در اصل وصیت «نصم».

4- در اصل وصیت «نفرمائی».

5- در اصل وصیت «کوله‌باری».

6- در اصل وصیت «بخشند».

7- در اصل وصیت «بخشای».

8- در اصل وصیت «عطا».

9- در اصل وصیت «فرماء».

10- در اصل وصیت «درج».

11- در اصل وصیت «شرع».

روحانیت مبارز و پیرو خط امام و مجلس و دولت مکتبی و شورای عالی دفاع پشتیبانی¹ نماید.²

سنگرهای عبادی سیاسی نماز جمعه را هرچه باشکوه‌تر و [صحنه‌ها را] هرچه فشرده‌تر³ برگزار⁴ نماید⁵ که این سنگر نماز جمعه است که دشمن از شرق گرفته تا غرب را به لرزه انداخته است.

پشت جبهه را محکم نگهدارید و به منافقین⁶ کوردل و از خدا بی‌خبر مجال فعالیت و تفرقه را ندهید و به جبهه‌ها کمک کنید⁷ البته کمک می‌کنید⁸ بیشترش کنید فرزندانان این نهال‌های⁹ انقلاب و امیدهای اسلام را تشویق به درس و آموختن تخصص‌های¹⁰ مورد نیاز مملکت اسلامی‌مان بکنید که در آینده احتیاج مبرم به تخصص¹¹ و نیروهای کاردان داریم¹² نکند¹³ که منافقین¹⁴ و خودفروختگان شرق و غرب از جوانان حزب‌الله ما پیشی¹⁵ بگیرند و فردای انقلاب را تهدید کنند خیلی باید مواظب باشیم البته در کنار سنگر مدرسه سنگر جبهه را هم نبایستی خالی گذاشت و تا زمان پیروزی نهایی¹⁶ جبهه‌ها را گرم نگه دارید.

1- در اصل وصیت «پشتیبان».

2- در اصل وصیت «نماید».

3- در اصل وصیت «فشرده‌تر».

4- در اصل وصیت «برگذار».

5- در اصل وصیت «نماید».

6- ر.ک. تعلیقات.

7- در اصل وصیت «کنند».

8- در اصل وصیت «می‌کنند».

9- در اصل وصیت «ناحاله‌ها».

10- در اصل وصیت «تخصص».

11- در اصل وصیت «تخصص».

12- در اصل وصیت «دارئم».

13- در اصل وصیت «نکنند».

14- در اصل وصیت «منافعین»، ر.ک. تعلیقات

15- در اصل وصیت «پیشه».

16- در اصل وصیت «نهائی».

پدر و مادر عزیزم هرچند که من فرزند خوبی برای شما نبودم و در این مدت عمرم خیری به شما نرساندم و شما را اذیت¹ و آزار² نمودم ولی از شما تمنا دارم که مرا عفو بفرمایید³ و حلالم کنید از من راضی باشید که رضای⁴ پروردگار⁵ در گرو⁶ رضای شما پدر و مادر عزیز می‌باشد و از شما می‌خواهم که مرا دعا کنید که خداوند گناهانم را ببخشد [...] ⁷ گناهکار و روسیاه⁸ درگاهش⁹ رضا گفته محتاج دعای خیر شما می‌باشم اگر کسی از من ناراحتی یا بدی دیده بود حلالیت بطلبید از کلیه فامیل و همسایه‌ها حلالیت برایم بطلبید. باری خواهران عزیزم همچون زینب سلام‌الله پیام خون شهیدان را به گوش امت حزب‌الله برسانید و رسالتی و مسئولیت سنگینی که بر دوش یک خواهر شهید می‌باشد را با نحو احسن انجام دهید. [در] مراسم و مجالسی که حاضر می‌شوید¹⁰ رفتار و اخلاقتان به طوری باشد که الگوی اخلاق یک خواهر شهید باشید فرزندانان را طوری تربیت کنید که پاسدار قرآن و اسلام باشید و اسلحه¹¹ شهیدان [را برداشته] و سنگر خالی آنها را پر کنند. خواهران عزیزم هرگونه ناراحتی از اینجانب¹² دیده‌اید ببخشید و حلالم کنید که «لذتی که در بخشش است در انتقام نیست»¹³ و اما شما ای بردران عزیزم شما هر نفرتان

1- در اصل وصیت «ذنت».

2- در اصل وصیت «آزار».

3- در اصل وصیت «بفرمائید».

4- در اصل وصیت «راضی».

5- در اصل وصیت «پروردگار».

6- در اصل وصیت «گروه».

7- خوانا نیست.

8- در اصل وصیت «روسیای».

9- در اصل وصیت «درگاه‌اش».

10- در اصل وصیت «می‌شود».

11- در اصل وصیت «اصلح».

12- در اصل وصیت «اینجانب».

13- این عبارت ترجمه‌ای از کلمه‌ای قصار از حضرت علی (7) است. عبارتی دیگر از مولی علی (7) مناسب

این عبارت شهید وجود دارد «والعفو زکاة الظفر» گذشت زکات پیروزی است (نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر

شهیدی، ص 506، حکمت 211).

یک سرمشق برای من بودید و این مسیری را که من به آن هدایت شدم را شما به من نشان داده‌اید و شما من را با راه حق و حقیقت آشنا کرده‌اید¹ و از گمراهی و تباهی نجاتم داده‌اید² و از شما می‌خواهم که سنگرم را پر کنید و اسلحه‌ام را نگذارید بر زمین بماند و پشتیبان رهبر عزیز و قرآن باشید و تا جان در بدن دارید دست از دفاع از مکتب و دین مقدس اسلام برندارید در برابر توطئه‌ها و تفرقه‌اندازی دشمنان هوشیار باشید. صحنه و میدان رزم را خالی نکنید که مسئولیت شما در قبال شهیدان بسی سنگین است.

اما سخنی چند با تو ای همسر باوفای من هرچند مدت کوتاهی در خدمت بودم ولی همسر خوبی برای تو نبودم. در مدت زندگی سختی‌های بسیاری را تحمل نموده‌اید امیدوارم در قیامت جبران آن را بکنم.

همسر عزیزم حلالم کن و آنطور زندگی کن که در خور یک همسر شهیدباشد و الگویی³ باش برای دیگر همسران شهید آنطور که مطابق شرع مقدس اسلام است عمل نما⁴ پدر و مادر و همسر عزیزم اگر جنازه من را آوردند در گلزار شهیدان می‌قان دفن کنید و اما اگر جنازه‌ام را نیاوردند بی‌قراری نفرمایید⁵ و بر سر صورت نزنید بر سر هریک از مزار شهداء که می‌روید فرق ندارد گلزار شهیدان فرق ندارد.

«والسلام⁶ علیکم و⁷ رحمة الله و برکاته»

سیدکریم حسینیان

1- در اصل وصیت «کرده‌ید».

2- در اصل وصیت «داده‌ید».

3- در اصل وصیت «الگوی».

4- در اصل وصیت «نماء».

5- در اصل وصیت «نفرمائید».

6- در اصل وصیت «وسلام».

7- در اصل وصیت «بر».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«ربنا افرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين»¹.

«پروردگارا قلب ما را از بردباری سرشار فرمای و ما را مسلمان بمیران».

بار خدایا، به سرمنزول آمرزش تو فرود آمده‌ام و به‌سوی بخشایش تو روی آورده‌ام و به عفو تو مشتاق شده‌ام و به فضل تو وثوق یافته‌ام و در من چیزی نیست که مرا شایسته آمرزش تو سازد و در عمل من چیزی نیست که [مرا] سزاوار بخشایش تو گرداند و در من زان بس که خود را محکوم کنم جز فضل تو چیزی نماند اینک بر محمد (6) و خاندان او از تو درود باد و تفضل تو بر من باد بار خدایا مرا به هدایت گویا ساز و بر دلم پرهیزگاری الهام فرمای و به نیکوترین کار توفیقم² ده و مرا بر انجام دادن به آنچه ترا پسندیده‌تر³ است وادار. بار خدایا مرا به راه نمونه راهی کن و چنان کن که بر ملت تو بمیرم و زنده گردم بارالها بر محمد (6) و آل او از تو درود باد و بارالها مرا از میانه‌روی بهره‌ور ساز و از اهل درست‌کاری و از راهنمایان رستگاری از بندگان شایسته گردان.

و با سلام درود بیکران بر پیر جماران آن قلب تپنده مستضعفان جهان.

وصیت‌نامه‌ام را [بدین ترتیب] شروع می‌کنم.⁴

اول با شما همسر و فرزند گرامی امیدوارم که در این چند مدتی که با هم زندگی کردیم و ناراحتی‌هایی⁵ را تحمل نمودی از⁶ این بنده حقیر راضی باشید و در پیشگاه خداوند متعال روی سفیدم نمایید⁷ و امیدوارم که بعد از مرگم چنان زندگی نمایید⁸ که شرع⁹

1- اعراف/ 126.

2- در اصل وصیت «توفیغم».

3- در اصل وصیت «پسندیده‌تر».

4- در اصل وصیت «می‌کنیم».

5- در اصل وصیت «ناراحتی‌هایی».

6- در اصل وصیت «و».

7- در اصل وصیت «نمائید».

8- در اصل وصیت «نمائید».

9- در اصل وصیت «شرح».

مقدس اسلام دستور می‌دهد و از فرزندم سیدجعفر به‌خوبی پرستاری نمایید¹ و ایشان را فردی مفید برای اسلام و انقلاب به بار² آورید از تو می‌خواهم که احترام پدر و مادرم را حفظ کنید و باعث رنجش و ناراحتی ایشان نباشید.

و امیدوارم که پدر و مادرم هم این بندهٔ حقیر را در پیشگاه خداوند منان عفو نمایند هرچند که در این مدت چند سال زندگی خیری به ایشان نرساندم باری از برادرانم می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه بدهند و فرزندانشان را رهرو [راه]³ عموهای شهیدشان و دیگر شهیدان تربیت نمایند⁴. و از خواهر و خواهرزاده‌هایم می‌خواهم که زینب‌وار پیام خون شهیدان را به گوش دیگر امت حزب‌الله برسانند و در انجام مسئولیتی که بر دوش آنها نهفته است کوشا باشند.

و از شما امت حزب‌الله می‌خواهم که اگر بدی⁵ و ناراحتی از این حقیر دیده باشید ببخشید⁶ و این حقیر را عفو نمایید⁷ امام را تنها نگذارید و فرمایشات امام را مو به مو انجام دهید و امام عزیزمان را تنها نگذارید پایگاه مقاومت و پایگاه امام را خالی نگذارید و جای شهیدان را در پایگاه بسیج پر کنید و نگذارید که دشمن از فرصت‌ها سوءاستفاده⁸ نماید⁹ از امت حزب‌الله می‌خواهم که پشت جبهه را خالی نگذارند کمک‌های مالی و جانی خود را به جبهه فراموش نکنید در خاتمه از همه شما التماس دعا دارم و امیدوارم که این بندهٔ حقیر را عفو فرمایید.¹⁰

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- در اصل وصیت «ببا».

3- در اصل وصیت «راهره».

4- در اصل وصیت «نمائید».

5- در اصل وصیت «بعدی».

6- در اصل وصیت «بخشید».

7- در اصل وصیت «نمائید».

8- در اصل وصیت «سواستفاده».

9- در اصل وصیت «نمائید».

10- در اصل وصیت «فرمائید».

به امید پیروزی نهایی¹ سپاهیان اسلام و طول عمر رهبر کبیر انقلاب تا انقلاب
مهدی (عج) و آزادی کربلای معلی به دست سپاهیان (محمد (6)) و بازگشت اسیران²
اسلام به آغوش گرم خانواده‌هایشان.

التماس دعا

خیمه‌گاه ادوات

الحقیر و ذلیل و مسکین سیدکریم حسینیان

مورخ 65/10/1

1- در اصل وصیت «نهائی».

2- در اصل وصیت «اسیرای».

دشمنان مستور و سرور حسینیان

بسم... الرحمن الرحیم

ایها الذین آمنوا الطیبون الله و الطیبون الرسول و اولوالامر منکم

ی کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید از خدا و از رسول خدا و از اولی امر شما

ذین الذین بیفان تلون انهم ظلموا اولان الله علی نصرهم لقد بر

کسانی که بیگانه شدند از ایمان خود دادند دشمنان آنها شدند دیدمانند صفاً خداوند بر پیروز حسین است

انا است... با احمد سیاس سیکران برانیز عثمان آخرید کار پلتان و با اسلام در دروز بر تمام اینها

با اسلام در دروز فراوان به پیشگاه مقدس روی عصر حبت انرا منسوخ از حال در حج تعالی فرمید

عشق آن پیرو جان و قلبت بیدار امت غریب الله ایران و امیر مستقیم غنایان ایران اسلام حاجی آخار و الله

سوی الحزب و رهبر سید انقلاب ایران و با اسلام در دروز فراوان بر اوج یاک و مسلک شهیدان

وید تاریخ از همه اسلام با شهادت عاشورا (ع) و شهادت انقلاب و کفایت مملکت عراق بر علیه ایران که با شادان و حافظ

نوح امت صفا و طریقه الله ایمان بگسند و با سید محمد و بر خاندان معتمد گردید و با زمانه امام شهیدان و با اسلام

و در برافتد ترب الله و غیره سید محمد و ایران و با اسلام در دروز فراوان زنده انقلاب و کفایت مملکت عراق بر علیه

بر صحنی و معلومین و با اسلام در دروز فراوان و کفایت مملکت عراق بر علیه ایران و با اسلام در دروز فراوان

بیا در از پیرو خط حسین

فرزاد حضرت خدیجه ای و بنوعی یا کارن از این بنده حقیر حسینی سید در حسینی فرزند سید علی امیر

یا آگاهی کامل و ظهور صفت یاک به کسب احمد و راهی با که قبول کرد و سبب کمال دانسته و قصد از آمدن

به همه این بندگان و طایفه سری و تکلیفی که بزرگوار هر فرد مسلم است را ادا نمایند و به ملائحتی حال من ناموس هر
تعبیر صحیحی از ما نیست لکن با هم و جان تا طایف خود را بشمار اسلام من از نماز تا بار خجسته خون خود در دست بر سر است
نقشه اسلام را آینه نمود تا با برکت تو اعم از تعلق کند.

لحا بیامت باشند و با جود دل پذیرای آن ششم باین حد آن از دعای عهد است و پذیرستی به مشق و تقوی و تقوی الله
بود. بیست گذرد به همه آمدم برای رفاه فرادر همه تا ما می کشید ان را بر سر کرده و اهلان بر زمین فتاده آنرا گزافه
در بر قلبه در سخن تبارم و در این راه آن سعادت ابروی معصیت داشت که به مشق و تقوی بیوسته که به سعادت و بهتر و بیشتر از
بیخ سعادت می باشد.

ایها فرزندان که در رسیدن کجاست هستم تو به ام را قبول فرمای و در این احوال سفر فرما که در آن خدا ای پروا کارکن
آن سعادت را در ضمیر نگه داری و معبود آنرا به واسطه گفتار سزاوار و لغزش از یاد سعادت ابدی را بپذیرم بقضای آنکس
باین پیران که چکار کنم با ما که تو خوف و نترسند حتی بنشیند که تا تمام از آن خود را نمانند که کفر
با ما از تو میخوانیم که معنی توان جنگیدن در میدان رزم با دشمنان کافر را اعطا فرمای با ما که مسلم کنی تا در برابر
ملات و یورشهای مزدوران کفر ثابت قدم باشی تا سرودن در هیچ شهادت و در این راه فراموشی که راه سعادت فرمایند
چه تو از سر کعبه افزشما که دعا که با ملک تو رسیدن به حقیقت کسیر دد.


ای ای برادران و خواهران عزیز عرب الله شما ای امت مسلمة و فیروز حزب الله صلی الله علیه و آله و سلم
تسلی گذارید دستورات آن عرض حال قصید را با جان و دل پذیرا باشمید که این نعمت نصیب هر قوی فی سوره قدر
این رهبر این سپه جباران را با طایفه و از ره جانیست مبارزه بیه و خطا انما هم محاسن و دولت حقیقی و شسوی عالی و مانع
بسیاسان نشانی که سگرمای عدوی می نماز همه امر صیبا کشید و قدر همین کار هر چه قدر که برود (نما فیکم این)

نگویند چه استند دشمن از مشی گرفته؟ شرب زدم لنگه از دست است.

ت چه بود از هم نگه از دیده منافعی کردی و از فرای غیر مجال فعالیت و تقوی راهی صبر و به جمع کاشند
لبه کشی باشد بسترش کینه فرزند است! این راه ای انقلابی راهی است که در دست خود حق است و هرگز
نمست اسلامیا بیدار که در این کینه تا احتیاج صبر به تندی و نیرو صایدان دارم کشته در ضایعین و خود
قرن و غرب از جانت حزب الله میسازد بفرزاد برادران را که کشته نمیشد با بر مولد با سلام الله کشته
سوی تو راهم نیاستی فالگذاشتی و تا زنا پیوستی نهی چه جلا کردی دارد.

سازیم هر چه در کن فرزند فری بر ای من نبودم و دانی عدت عمرم فری بی من نبودم و شما را از دست و آذینم
باز گشتند درم که ما عضو بنوا شدیم و ملاک شد از من را من با سینه که گناه برود که در دنیا میاید بر جان
بیا بکنه از گش موافقم که مرا و کشته که فرزند کشته ما را کشته است که کمال عروسی و از گناه و از دست
تحتاج دهی و غیر گش و هم اگر کسی از فرزند استی یا بی دید بود صلابت تطبیع از کلیه فاضل و صایه جانان
باید با دست و اعران فرزند هر روز شب سلام در بیام طرف مشهور از رابع کوش است حزب الله بر او ساقی و ساقی
تندی به روزی یک فراموشی می باشد را با تو اصفی می هم جمع در اسم و می کند حاضر می بود در فضا
سوی باشد که کوه ای اطلاق است فراموشی با سینه فرزند است و طوری تربیت کثیر که با سواد هم با سینه و اصل
شهرت و کشته که آنرا که کشته فراموشی می فرزند هم هر گونه تا از این جنب دیده آید بی سینه و ملاک سینه کشته می کرد
بنام است و انتقام سینه و اما ای بخوان فرزند ما هر قدر تا کید سر صفت بری می بود و این سینه که در
آن سعادت شرم داشتی در همان شب دادای و من خراب برادری و صفت آفت کوه در آن که ای مرتبه می انجام دادیم و از
تا چه فراموش که کشته آید سینه و اسلام از کله آید فرزند صبی و نفوس حسینیان رهبر عزیز و قرآن با سینه و تا در ملک

دیده دست از دفاع از حقیقت و دین خود من اسلحه را بر زمین نهاده ام در برابر تو وطنه ما و تو فرقه انداز ای دست که عواید را میسوزد
 چه بر صیران از سر راه خالی نگذیرد که صفتش لبت گشاید و قتال کشیده ای پس سخن است
 با سخنانی چند با تو ای صیبر با وفا ای هر چند همت کو کما حق الله لیت بودم و بی عسر و غیر برای تو بنویسم
 در مدت زندگی منتظر ای صیبر را تحمل نمودم ای صیبر و ای صیبر در حقیقت صبر آن اثر انگیزم
 سر نیزم حلاکت کن و آنطور زندگی کن که در تو کتب عسر و مشق و آنگوی با کسی برای دیگر هراسان نسوزد
 زانور که حلاکتین شریک عسر است عمل نماید. پیر و عادی و عسر نیزیم اگر خنایه من را آورند در گذار
 میدان حقیقتی زدن کشید و اما اگر خنایه ما را نیاوردند بقدر اجتناب ما نیند و به صورت انزله بر سر حرکت (مترادف است) است
 به فرقی ندارد گذار کشید ای فرق نواز و سلام عظیم. بر همه انکه در کاره





نام: سید محمدرضا
نام خانوادگی: حسینیان
نام پدر: سید علی اکبر
نام مادر: رقیه خانم
تاریخ تولد: 1347
محل تولد: روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم اردیبهشت 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش و سوختگی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ا تنها برای ادای تکلیف، رضای خدا و یاری اسلام به جبهه رفتم.
- ا اگر از رفتن فرزندانمان به جبهه جلوگیری کنید، فردای قیامت نزد فاطمه زهرا (3) روسیاه خواهید بود.
- ا تا آخرین نفس از اسلام دفاع کنید.
- ا آمریکا و شوروی و دیگر ابرقدرت ها مفسد هستند و ما هرگز نمی توانیم با آنها صلح کنیم.
- ا امروز بی تفاوت بودن خیانت است به قرآن و خون شهدا.
- ا همیشه یاد خدا را در دل داشته باشید.
- ا با یاد خدا آرامش می یابید.

سید محمدرضا حسینیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علياً ولي الله»¹.
«انا لله و انا اليه راجعون»².

«هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادهم الا³ ايمانا و تسليمًا»⁴.
«به نام خداوند بخشنده و مهربان شهادت می‌دهم که خدایی نیست جز خدای یکتا و شهادت می‌دهم که حضرت محمد (6) بنده و فرستاده خداست و شهادت می‌دهم که علی (7) حجت و ولی خداست».
«ما از آن خداییم⁵ و به سوی خدا باز می‌گردیم اینست آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند و راست گفتند خدا و رسولش خدایا بر ایمان و تسلیم ما بیفرا».
خداوندا راضیم که تو پروردگار منی و راضیم که بهترین و کامل‌ترین انسان‌ها پیغمبر من است و افتخار می‌کنم که امام و پیشوایم علی مرتضی (7) است.
خوشحالم که در کشوری زندگی می‌کنم که صاحبش فرزند رسول‌الله (6) است آن کس که ما را از ظلمات به سوی نور هدایت نمود و از پرتگاه سقوط نجات داد همان پیر جماران، نایب برحق امام زمان یعنی روح‌الله. باری عرض می‌شود⁶ بنده کوچک‌تر از آنم که بخواهم به شما تذکری بدهم یا وصیتی کنم اما از آنجا که رسول خدا (6) می‌فرماید هرکس بدون وصیت از دنیا برود مثل آن است که در زمان جاهلیت مرده است چند کلامی با شما می‌گویم.

1- شهادتین.

2- بقره/ 156.

3- در اصل وصیت «الهم زدنا».

4- احزاب/ 22.

5- در اصل وصیت «خدائیم».

6- در اصل وصیت «وشود».

بنده این راه را آگاهانه و از روی شناختی که داشتم انتخاب کردم و تنها برای ادای تکلیف، رضای خدا و یاری اسلام به جبهه رفتم و امیدوارم که در [این] هدف پیروز شوم. برادران و خواهران مواظب باشید به هوش باشید که امروز وظیفه شرعی¹ و انسانی ما ایجاب می‌کند که به جبهه برویم و جنگ را تا پیروزی اسلام بر کفر جهانی ادامه بدهیم ای مادران عزیز مبدا از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید اگر چنین کنید فردای قیامت نزد فاطمه زهرا (3) روسیاه خواهید بود و عذری نخواهید داشت.

در راه خدا ثابت قدم و استوار بمانید و تا آخرین نفس از اسلام دفاع کنید اگرچه منجر به کشته شدن خودتان و کودکان بشود.

ای پدران عزیز بیدار باشید فرزندانان را تشویق کنید به رفتن جبهه [و] نصیحت کنید آنها را و این را بدانید که تربیت اولاد بر گردن شماست مسجدها را پر کنید و حال که نمی‌توانید جهاد کنید با کمک‌های مادی خود و با زبان و دست و دل خود اسلام را یاری کنید و از شما جوانان عزیز می‌خواهم که راه شهدا را دنبال کرده و سرگرم دنیا نباشید و این را بدانید که امریکا و شوروی و دیگر ابرقدرت‌ها مفسد هستند و ما هرگز نمی‌توانیم با آنها صلح کنیم مبدا در سر کسی فکر سازش باشد وقت [یا] زمان [ی] صلح جایز است که بر نفع اسلام و مسلمین باشد زیرا حسین (7) با یزید بیعت نکرد چون اسلام در خطر بود و این را بدانید که امروز بی‌تفاوت بودن خیانت است به قرآن و خون شهداء.

خدمت پدر و مادرم سلام عرض می‌کنم و امیدوارم سلام مرا که از اعماق قلبم نشأت² می‌گیرد بپذیرید. پدر و مادرم من هرگز نمی‌توانستم در مکانی آرام و قرار بگیرم و هر روز شاهد از بین رفتن برادرانم باشم من وظیفه داشتم به نبرد با کفار بروم شما هرگز ناراحت نباشید غم به دلتان راه ندهید³ همیشه یاد خدا را در دل داشته باشید که با یاد خدا آرامش می‌یابید استوار و صبور باشید و افتخار کنید که چنین فرزندی داشتید و در راه الله قربان نمودید همیشه دعا کنید.

1- در اصل وصیت «شری».

2- در اصل وصیت «نشأت».

3- در اصل وصیت «مدهید».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الله تبارك و تعالی نعم الرب و ان محمدا صلی الله علیه و آله نعم الرسول و ان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده الائمه الاحد¹ عشر نعم الائمه و ان ما جاء به محمد صلی الله علیه و آله حق و ان الموت حق و سئول منكر و نكير فی قبر حق و البعث حق و النشور حق و ان السّاعه آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور»².

«یا ایها الذین آمنوا هل ادلكم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیر لکم ان کتتم تعلمون»³.

به نام خداوند بخشنده مهربان شهادت می‌دهم که پروردگار من پروردگار جهانیان است جز او خدایی نیست و شهادت می‌دهم که همانا محمد (6) بنده و فرستاده خداست و شهادت می‌دهم که علی ابن ابی طالب (7) و یازده فرزند معصومش امام و رهبرمنند و حجت خداوند بر روی زمین هستند شهادت می‌دهم که آنچه در قرآن و روایات آمده است حق است و روزی تحقق خواهد یافت این حقیر سیدمحمدرضا حسینیان فرزند سید علی‌اکبر سخن خود را با یاد خدا آغاز می‌نمایم حمد و سپاس خداوند بزرگ را که مرا در سرزمین اسلامی آفرید و به من توفیق مسلمان بودن داد خدای بزرگ را شکر می‌گویم که مرا در این زمان و مکان قرار داد یعنی در زمان ولایت فقیه و در مکان مقدس جبهه مکانی که شهیدان در آنجا گام نهادند و مظلومانه شهید شدند مکان مقدسی که امام زمان (عج) بر آن نظر دارد همان دیاری که یک لحظه آن به تمام دنیا می‌ارزد دیاری که نور و سرور است اخوت است و برادری/ حماسه است و پایمردی/ جایی است که انسان چگونه زیستن و چگونه مردن را درک می‌کند شکر الله را که به من توفیق شرکت در این مکان مقدس را داد سلام و درود خدا بر پیامبران الهی از حضرت آدم (7) تا حضرت محمد (6) و ائمه اطهار سلام الله علیه به خصوص بر ناجی عالم بشریت برپا کننده عدل در سراسر گیتی

1- در اصل وصیت «احد».

2- تلقین هر مسلمان است که در هنگام به خاک سپردن و در گور نهادن متوفی می‌خوانند.

3- صف/ 10 و 11.

حضرت بقیة الله اروحنا و ارواح العالمین له الفداء و سلام بر نایب برحقش روح الله آن بزرگواری که ما را از ظلمات به سوی نور هدایت نمود و ما را از ذلالت به قله عزت رسانید و اسلام عزیز را دوباره زنده کرد سلام و درود بی پایان بر شهیدان گرانقدر انقلاب اسلام و جنگ تحمیلی درود بر خانواده معظم شهیدا و سلام بر شما ملت شهیدپرور میقان.

اول اینکه وصیت می کنم شما را به تقوای خدا و پرهیز از گناه یعنی آنچه را که حلال نموده انجام بدهید و آنچه که خدا حرام نموده انجام ندهید با چشم بصیرت به عالم بنگرید ببینید خداوند آسمانها و کوهها و دریاها و صحراها و همه نعمت‌ها را مگر برای انسانها نیافریده است پس چرا ما نافرمانی کنیم بنگریم که ما برای چه در این جهان آمده ایم اگر تنها برای مسائل مادی بود پس حیوانات از ما بهترند چرا که آنها عقلی ندارند دوم اینکه ذکر و یاد خدا را همیشه در دل داشته باشیم و او را همیشه ناظر بر اعمال خویش بدانیم و اگر چنین شد دیگر گناه نخواهیم کرد سوم اینکه به یاد مرگ باشیم و هرگز فراموش نکنید که انسان روزی به دنیا آمده و روزی خواهد رفت چهارم اینکه به حق الناس اهمیت زیاد بدهید که خداوند هرگز نخواهد گذشت اگر به اندازه پر کاهی باشد پنجم اینکه دنباله‌رو امام باشید و هرگز از او جدا نشوید. قدر این نعمت الهی و عظیم را بدانید از خداوند طول عمر او را طلب کنید مبادا قلب او را برنجانید که فردای قیامت نزد شهداء جوابی نخواهید داشت با جان و مالتان در راه خدا جهاد کنید جبهه‌های جنگ را گرم نگه¹ دارید دیگر اینکه به منافقین و افرادی که بر علیه انقلاب حرف می‌زنند مجال ندهید و مردانه در مقابل آنها بایستید که خداوند با صابران است کسانی که منحرف هستند سعی کنید ارشادشان کنید چرا که اگر یک نفر را انسان کنید ارزشش بیشتر از آنچه است که خورشید بر آن می‌تابد در پایان از تمام دوستان و آشناسان می‌خواهم که مرا حلال کنند.

سلام و درود بر پدر و مادر عزیزم که برای من زحمات زیادی کشیدند و مرا از کودکی پرورش دادند و مرا تربیت اسلامی کردند امیدوارم که خداوند به شما صبر و اجر عظیم کرامت بفرماید پدر و مادرم در برابر مشکلات چون کوه استوار باشید هرگز غم به دلتان راه

ندهید¹ که این چند روزه دنیا می‌گذرد و انسان می‌رود در مکانی که خداوند وعده داده است شما افتخار کنید که چنین فرزندی داشتید و تقدیم پروردگار نمودید همیشه از خدا بخواهید که ما در صف شهدا قرار بگیریم برادرانم را به جبهه بفرستید تا راه مرا ادامه بدهند از شما معذرت می‌خواهم که نتوانستم حق فرزندی را نسبت به شما ادا² نمایم اگر در زندگی شما را ناراحت کردم معذرت می‌خواهم و امیدوارم که از من راضی باشید خداوند شما را بیامرزد و با شهدا محشور نماید. در ضمن حدود 500 پانصد تومان برای من رد مظالم بدهید یک ماه نماز و 39 روز روزه ماه رمضان که 16 روز آن را کفاره دادم ولی 23 روز را باید کفاره بدهید و 4 روز هم روزه ماه رمضان را عمداً باطل³.

1- در اصل وصیت «مدهید».

2- در اصل وصیت «داء».

3- قسمت آخر وصیت ناقص است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
 مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ
 عَلِيًّا وَوَلِيِّ اللَّهِ
 إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ
 وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

بِناام خداوند بپندیده در میان شهدای و دهم که خدا را نیست هیچکس را
 بلکه و شهدای و دهم که حضرت محمد (ص) نبی و فرستاده خداست و شهدای
 و دهم که مع علی (ع) السلام محبت و علی خداست.

هَذَا زَانِ خَدَائِمُ وَسَيُورِ أَوْ بَانِزِ كَرِيمِ أَيْنِسْتِ أَنْبِيَا خَدَاوَرِ سُولِ سَجَاوَكْدَه
 خَدَايَسْتِ لَقَسْتِ خَدَاوَرِ سُولِ خَدَايَا بَرَامِيَانِ وَمَسْلِمِ مَا بَقِيَرَا

خداوند را خصم که تو پروردگار منی و را خصم که بهترین و کاملترین انسانها پیغمبر
 من است و افتخار و کرم که امام و شیواجم علی مرتضی است.

ص ۱

خداست که در کشورم زندگی کنیم که صاحبش فرزند رسول الله و منم است
 آنکس که ما را از ظلمات سپید فرود است کند و از پرتگاه سعادت نجات داد
 همان پیرمیران گامی بلوغ امام زمان یعنی روح الله.

با در عرض و شکر و سپید که همیشه از آنم که بخواهم بچهارم آنم که در پیرمیران گم
 اما از آنم که در کون فدای روح ما می هر کس بدون وصیت از دنیا می رود مثل آن
 است که در زمان حیاتش کرده است چند کلام یا اسمی و گنج.

منبع این راه را اگر نگاه اندازد در رو شناختی که داشتیم اشکاب که دم و دستها برار
 اطای تکلیف، رضای خدا و بارک اسلام بر حسینیه رضی و لمیر وارم که در
 هدف پیروز شویم، برادران و خدایان مواظب باشند بهوش باشند که
 امروز وظیفه سدی در انسانان هدایای و کند که بعبیه بروم و جنگ

با تأیید و رضایت از اسلام برکنار هر بنی ادا که بدو هم این کار را از عزیزان خود از رشت
 فرزندان آن بر حقیقه جلوه کند که گنبد الحسنین کتیبه فردا را بنا می کند و ظاهره
 زهرای سلام الله علیه و سایر اهل بیت و عذر است
 در راه خدا نایب مردم و استوار محبتی بنا که از نفس از مردم دفاع
 گنبد اهل بیت منور به کعبه است و خانه و مکان و کوه و کان مسجد و
 این پیران عزیز بسیار با سید فرزندان آن است و من گنبد بر رشت حقیقه بصیفت گنبد
 آنها را و این را بسیار که تربیت او را در بر کردن سنی است مسجد قمار و گنبد
 و حال که این توانست که گنبد با کمک هاس عادی خود و با نبل بنی و دست و در
 خود و اسلام را با گنبد و انچه توان از عزیزان خود نام که راه سید را از دنبال کرده
 و سرگرم بنای مسجد و این را بداند که امر می آورد و در هر یک از این راه هستند

ص

هستند و ما روزی که اینها صلح کنیم مبادا در سر کسی فکر نکنیم با شهدا وقت
 زمان صلح خواهد بود است که بر توفیق اسلام و مسلمین باشد زیرا همین روزی ما نیز
 سعادت نکرده ایم اسلام در خطر بود و این را بدانند که امروز بخت ما بود
 خواهد بود است به قرآن عفو تا سرهای

نیت

خدمت پرورم و سلام عرض و کلمه و سید و ارم سلام و آله از ایامی قدیم نشانی
 و کلمه بیزیرید پیروزم و ما در من روزی که اینها صلح کنیم در میان اسلام و اسلام و هر روز
 شاهد این نیستی با ما در نام با هم من و نظیر و السلام بر نیت با ما در بوم
 شما هرگز نامی نیاوردید نیت با ما در راه صدقه همیشه با ما در اولی دانست
 ما که با ما در نماز است ما با ما در مسواک و مسواک با ما در امتیاز است
 که همین فرزندی و استعداد در راه اله و با ما در همیشه دعا کنید



نام: مجیدرضا
نام خانوادگی: حقیقت
نام پدر: حسن
نام مادر: اختر
تاریخ تولد: دوازدهم تیر 1342
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دوم فروردین 1361
محل شهادت: رقایبه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ۱ من در طول زندگی ام خدمتی به اسلام نکردم شاید مرگم خدمتی باشد به اسلام.
- ۱ یک وظیفه دارم و آن هم حفظ اسلام است.
- ۱ چه بهتر که این مرگ در راه خدا باشد.
- ۱ به گفته قرآن عمل کنید.
- ۱ وظیفه حفظ اسلام فقط با دادن خون عملی می شود.
- ۱ برای فانی فی الله شدن باید پاک و خالص از هرگونه هواهای نفسانی و شیطانی شوید.

مجیدرضا حقیقت

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله و انا اليه راجعون»¹.

«ما همه از خداییم و به سوی خداست بازگشت ما».

ای خوش آن روزی که ما جان در ره جانان کنیم ترک یک جان کرده خود را منبع صد جان کنیم
 اختیار خویش را در اختیار او نهیم هر چه او خواهد زما ما از دل و از جان کنیم

بعد از حمد و ستایش خدای بزرگ و شهادت دادن به وحدانیت او و اینکه محمد (6) بنده فرستاده اوست و 12 امام معصوم جانشینان برحق پیامبرند وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم اما بعد احساس می‌کنم که خدای بزرگ مرا مورد لطف خویش قرار داده و مرا لایق آن کرده که جان بی‌ارزش خود را در راهش دهم چیزی که مدت‌های زیادی در انتظار آن به سر می‌بردم بسیار هم از این موضوع خوشحال هستم من که در طول زندگی خدمتی به اسلام نکردم شاید مرگم خدمتی باشد به اسلام.

اما پیامی که برای امت اسلام دارم این است که همان‌طور که امامان گفت ما همه مسلمان‌ها یک وظیفه داریم و آن هم حفظ اسلام است و این وظیفه هیچ‌گاه ایفا نمی‌شود مگر با دادن خون و تاریخ اسلام این موضوع را کاملاً نشان می‌دهد که در طول هزار و چهارصد سال در موقعی که اسلام قوتی یافته به وسیله خون‌های پاکی بوده که در کنارش بر زمین ریخته شده از جنگ‌های صدر اسلام گرفته تا نهضت امام حسین (7) و از حسین (7) تا نهضت امام و من هم برای ادای این وظیفه این راه را انتخاب کرده‌ام و با شناخت کامل این مسیر را پیموده‌ام.

و از دوستان و برادران عزیزم می‌خواهم که آنها هم ادامه دهنده این مسیر باشند و این راه پیموده نمی‌شود مگر با پاک و خالص کردن خویش از هرگونه هواهای نفسانی و شیطانی و تمام مقصد و هدف خویش را الله قرار دادن و فانی فی‌الله شدن.

در مورد خانواده‌ام: از شما پدر و مادرم به‌خاطر زحماتی که برای من کشیده‌اید قدردانی

می‌کنم و از شما می‌خواهم که در مرگ من هیچ ناراحت نباشید که چه بسا افراد بسیار زیادی بودند که خیلی از من بهتر و عزیزتر بودند و رفتند. امام حسین (7) با آن عظمت رفت ما که دیگر جای خود دارد همه انسان‌ها رفتنی هستند حال چه بهتر که این مرگ در راه خدا باشد و هر وقت به یاد من افتادید این آیات را با توجه کامل بخوانید.

«يا ايها الذين آمنوا استعينوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين* ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون* و نلبونكم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين* الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون* اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون»¹.

«ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا و نماز توسل جویند² که خدا یاور صابران است* و آن کسی را که در راه خدا کشته شده مرده نپندارید بلکه او زنده ابدی است ولیکن شما این حقیقت را درنخواهید یافت* و البته شما را به سختی‌هایی چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و جان‌ها و آفات بیازماییم³ و بشارت و مژده آسایش صابران است* آنانکه چون به حادثه‌ای برخورد کنند صبر پیشه کنند و گویند ما از خداییم⁴ و به‌سوی اوست بازگشت ما* آن گروهند مخصوص الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آنها به حقیقت هدایت یافتگانند*».

انشاءالله که به گفته قرآن عمل کنید دیگر عرضی ندارم جز اینکه از شما می‌خواهم که در حق من دعا کنید که خدا مرا جزء شهدا و صالحین قرار دهد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

مجید حقیقت

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

60/12/25

1- بقره/ 153-157.

2- در اصل وصیت «جوئید».

3- در اصل وصیت «بیازماییم».

4- در اصل وصیت «خداییم».

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

عزیزم و دوستدارم منیر ز سیرت

ای شوخ آن روزی که جان در ره جانان گزیدم

تو که بک حال کرده خود را صنیع همه حال گزیدم

احسان فریسی را در اختیار او گزیدم

هر چه از فواید زما ما از دل و از جان گزیدم

عذر خود و سزا می ده ای بزرگ و سزا رست دادن به و در اینست او و اینکه سخته لعن ایمنه
 فرستاده اوست و ۱۲ اما که معلوم جا مشایخ بر حق بیامیزند و عیب نامه خود را آنجا می گزینم
 تا بعد احساس می کنم که خدا را بزرگ و مرا مورد لطف خویش قرار داده و مرا لایق آن کرده
 جدا می آوری خود را در راه من دهم چیزی که همه بهای برادران در انتظار آن بسوی من
 می بینند از این موضوع خوشحال هستم همه که در طول روز گم می شدی بر اسلام بگویم که من
 ز صفتی باشم به اسلام اما بیاسی که بر این است اسلام دارم این است که همانطور که اصحاب گفته
 همه صفتها تک و وظیفه داریم و آنهم حفظ اسلام است و این وظیفه هیچگاه ایضا نمی شود
 ثمر دادن خون و تاریخ اسلام این موضوع را کاملا ستان می دهد که در طول هزار و چهار صد
 سال همه سخن که مردم فرقی یافته بودند بر سینه فرشته لایق بوده که در کتبی بر زمین ریخته شده
 ز جنگی صدر اسلام گرفته است به صفت امام حسن و از حسن تا به صفت امام موسی و هم برابر
 دایم این وظیفه ای را را انتخاب کرده ام و با استفت کامل این مسیر را پیاده می کنم و از
 راستان در برابر من نمی آید که آنها هم از همه دهه ای میسیر باشند و امیر را میسود
 می شود مگر تا پاک و خالص کرده خویش از هرگونه هواهای نفسان و سستانی و می مقصود
 هدایت خویش را الله تعالی داد و خانی فی الله سندن
 در صورت خاندان است تا در پیرو ما در هم بخاطر زحماتی که بر این سره کشیده ایم قدر دانی می کنیم

و از نسای خود هم که در وقت سحر هیچ نماندند سبب شده که به بسا افراد بسیار زیادی بودند که در پی
 از سر به سر و غیره بود و در وقت اما کسی با آنکه عظمت رحمت خدا در دین خود دارد همه
 است تا در حق حقیقت حال چه بهتر که این مرتب در راه خدا باشد و هر وقت بیاد حق
 است در این آیات را با توبه کامل بخوانید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالقُوَّةِ وَالقَنَاطِرِ إِنَّ اللّهَ شَهِيدٌ لِّمَا تَعْمَلُونَ
 لِمَنْ يُقْبَلُ مَعَى سَبِيلِ اللّهِ آمَنَاتٌ بَلْ أَهْوَاهُ وَلَكِنْ لِاتَّخِذُوا مِنْ نَفْسِكُمْ
 مَعَى الذِّكْرِ الْقُرْآنِ وَالنَّصِيحَةِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنَّجْمِ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالشَّجَرِ
 الْمُنْتَجِبِ إِذَا أَخَذْتُمْ مِنْ عَهْدٍ فَآتُوا بِهِ بِاللّهِ وَالرِّجَالِ لَا يَقُولُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ قُدْرَةٌ
 وَأَنْ تَقُولُوا وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُحْسِنُونَ ﴿١٥٢﴾ آيات 152 تا 157. سوره مجید که بخوانید

ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود عسر و مفاسد و سختی که در راه خدا و نماز توصل فرموده که خداوند
 باور صانع است و آنرا که کسی را که در راه خداوند عسر و مفاسد و سختی که در راه خداوند
 و لیکن شما این حقیقت را در توحید با آنکه شما را سبب خیر و برکت در حق و در مسکن و در معادن امرال
 با هر آرزای دنیا خانیتم و دنیا رفت و در آنکه شما را سبب خیر و برکت در حق و در مسکن و در معادن امرال
 گفته عسر و مفاسد و گویید ما از خدا ایم و بسوی او است بارگشت ما را آله که همه محض من الطاف
 الهی و رحمت خاص خود بود و این حقیقت هدایت یافته نگاه کنید
 انشاء الله که بد گفتن و از عمل گفته و بگوید منی ندارم جز اینکه از نسای خود هم که در حق خود می نشیند
 که خدا را عجزه شده و عاقلان و غیره

خدا یا خدا یا تا انقلاب مهدی جمعی را نگاه دار



والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 ۹۰/۱۲/۲۵



نام: محمدرضا
نام خانوادگی: حلاجان
نام پدر: رجبعلی
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: بیست و پنجم دی 1346
محل تولد: شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سوم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ا به نیت یاری امام و دین خدا عازم میدان پیکار شدم.
- ا به نیت حفظ شرف و حیثیت وطنم و مکتبم عازم میدان پیکار شدم.
- ا ادامه‌دهنده راه شهیدان باشید.
- ا چه خوب است قدری از دنیا ببریم و کمی به جهان پایدار فکر کنیم.
- ا بدون توسل به خاندان عصمت و طهارت به جایی نمی‌رسیم.
- ا خدایا چشمانم را بگریان در غم ائمه.
- ا خدایا لبانم را بخندان به عشق شادی ائمه.

محمدرضا حلاجان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان یگانه معشوقی که دل‌های عاشقان دم‌به‌دم برای رسیدن به وصالش می‌تپد و با درود بیکران که از عمق جانم برمی‌خیزد به حضور محترم یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) و نایب برحقش حضرت امام امت یگانه پیر دلاور که پشت جهان از ابهت ایشان به لرزه درآمده خداوند نگهدارش باد.

چند خط وصیتی دارم برای خانواده‌ام

[...]¹ عرض می‌شود که این حقیر که توفیق پیدا کرده‌ام که در نبرد حق علیه باطل به آرزوی دیرینه‌ام نایل آیم از شما و تمام دوستان و خویشان و آشنایان² [طلب] حلالیت می‌طلبم و عاجزانه از کارهایی که ناپسند بوده عذرخواهی و معذرت می‌خواهم و مطمئن باشید که این حقیر به نیت یاری امام و دین خدا و حفظ شرف و حیثیت وطنم و مکتبم عازم میدان پیکار شدم و از شما می‌خواهم ادامه دهنده راه شهیدان باشید که خداوند با شماست. و از شما می‌خواهم که قدری در خلقت خود تفکر کنید که برای چه خداوند ما را آفرید، ما را آفرید که گردن به زیر بار ظلم و ستم و جنایت بدهیم و ناظر زورگویی ابرقدرت‌ها به ملل مظلوم باشیم و فکر و ذکرمان را سرگرم مادیات و دنیاپرستی کنیم درحالی که خبر از چند لحظه آینده خویش نداریم چه خوب است که قدری از دنیا ببریم و کمی به جهان پایدار فکر کنیم.

من درد تو را ز دست آسان ندهم	دل برنکنم ز دوست تا جان ندهم
از دوست به یادگار دردی دارم	این درد به صد هزار درمان ندهم

و در پایان از شما می‌خواهم که تا می‌توانید توسل بجوئید و خاندان عصمت و طهارت زیرا بدون توسل و توجه به خاندان ائمه به‌جایی نخواهیم نرسید.

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «آشنایا».

خدایا چشممان¹ را بگریان در غم ائمه و لبمان را بخندان به عشق شادی ائمه.

محمد رضا حلاجان

1365/2/13

وصیتی به پدر و مادر گرامی‌ام²:

پدر و مادر عزیزم شاید در طول عمرم فرزند شایسته‌ای برای شما نبودم و از این بابت بسیار نگرانم که خدایی نکرده از ما ناراضی باشید. پدر گرامی‌ام³ و مادر مهربانم از شما عاجزانه طلب عفو می‌کنم⁴ و مطمئن باشید که عمر من به ثمر رسیده و به آرزویم که از بدو کودکی آن را در دلم پرورش داده‌ام رسیده‌ام⁵ و آن لیبیک گفتن به ندای حسین بن علی (7) است امیدوارم که در آخرت از شفاعت شدگان⁶ آن حضرت باشیم. خواهشی که از شما دارم این است که برادران کوچکم را چنان تربیت کنید که جوانانی سلحشور و خدمتگذار امام و وطن اسلامی باشند.

خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم⁷

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
چنین قفس نه سزای چو من خوش الحان نیست

محمد رضا حلاجان

-
- 1- در اصل وصیت «چشم‌مان».
 - 2- در اصل وصیت «گرامیم».
 - 3- در اصل وصیت «گرامیم».
 - 4- در اصل وصیت «می‌کنیم».
 - 5- در اصل وصیت «رسده‌ام».
 - 6- در اصل وصیت «شده‌گان».
 - 7- شعر از حافظ است.

بسمه تعالی

وینتیام زندگان

این وینتارشانان میگرداند وقت آن امیدارنگه

براند برزنده و توجیه میبود نکت آن برآورد و روشن و صحت نامه خود بر عیبت نماند

۱- مشخصات کما

۲- مدت از آمدن به

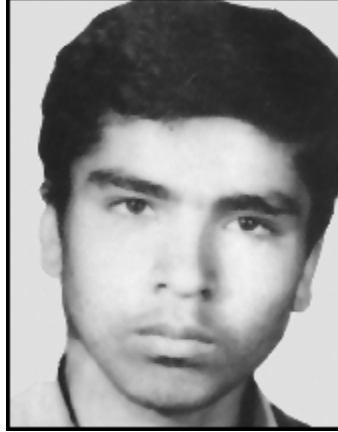
۳- ...

بناچار خاندان بهینه درین بگنجه مشفق که سالها در سمنان دردم بر مردم و در راه بی بی علی
همه تی و باوردی در آن از ^{مقاوم بر ۱۹۲۰} ...
حق صورتی نیز در حق صورت تمام است بگنجه بر سالها در سمنان دردم بر مردم و در راه بی بی علی
ایمان بر نوزده در آن همه سالها در سمنان دردم بر مردم و در راه بی بی علی

خیزند و صحت تمام بر این است

بهر حال که این فکر است که حق بسیار دردم بر مردم و در راه بی بی علی
این آیم این ما و تمام در آن درین وقت و طلب خلاصیت می طلبیم و همه از این
کفر و کجی نمانند و در این زمان در سمنان دردم بر مردم و در راه بی بی علی
بهر اسم و درین خا و غفلت خود در وقت و جان و کتیم و تمام در سمنان دردم بر مردم و در راه بی بی علی
و در این تمام سالها در سمنان دردم بر مردم و در راه بی بی علی

روز ...



نام: عباسعلی
نام خانوادگی: حلوانی
نام پدر: محمدرضا
نام مادر: طاهره
تاریخ تولد: دوم بهمن 1346
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم بهمن 1364
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ۱ مبادا که من شهید شدم شما از انقلاب برگردید.
- ۱ امام را تنها نگذارید.
- ۱ دشمنان اسلام را نابود کنید.
- ۱ هرکس به امام توهین کند به حضرت زهرا (3) توهین کرده است.
- ۱ نگویید شهیدان مرده‌اند بلکه زنده‌اند.

عباسعلی حلوانی

بسم الله الرحمن الرحيم

- 1- مشخصات کامل: شاهرود مهدی آباد هشت متری سوم پلاک 14 کدپستی
 - 2- هدف از آمدن به جبهه: هدف من این بود که اسلام را یاری کنم و پشتیبانی¹ از امام کنم و امام زمانم را یاری کنم و پرچم اسلام را با خونم آبیاری کنم.
 - 3- پیام: پیام من این است که ملت شهیدپرور² ایران از امام یاری³ کند و روز به روز مشت محکمی⁴ به دهان دشمن اسلام بزند⁵.
- با سلام به مهدی بزرگوار و نایب برحقش⁶ خمینی بت⁷ شکن که تمام بت‌های زمان را نابود کرد و مردم دنیا را به دین یکتاپرستی⁸ راهنمایی کرده است⁹ و با سلام به پدر و مادرهای شهدا و فرزندان شهدا و با سلام به مجروحین و معلولین جنگ تحمیلی¹⁰ و با سلام به امت شهیدپرور ایران که تمام دنیا را به لرزش درآورده است¹¹ و با سلام به پدر و مادرم و برادرم و خواهرانم [و برادرم] امیدوارم که از شهید شدن من ناراحت¹² نباشید بلکه¹³ خوشحال باشید که من پا به این راه گذاشتم. پدر و مادرم ناراحت نباشید چون که من مهمان خدا هستم و در نزد خدا روزی می‌خورم از تو پدر و مادر بر جنازه من گریه

-
- 1- در اصل وصیت «پشتیبان».
 - 2- در اصل وصیت «پروده».
 - 3- در اصل وصیت «یار».
 - 4- در اصل وصیت «مکمی».
 - 5- در اصل وصیت «به‌زند».
 - 6- در اصل وصیت «هقش».
 - 7- در اصل وصیت «بعد».
 - 8- در اصل وصیت «یک‌تا پرستی».
 - 9- در اصل وصیت «کردست».
 - 10- در اصل وصیت «تهمیلی».
 - 11- در اصل وصیت «درآوردست».
 - 12- در اصل وصیت «نارحت».
 - 13- در اصل وصیت «بکه».

نکنید و بر سر جنازه من شیرینی و شربت و خرما¹ پخش² کنید چون که من در نزد پروردگارم هستم پدر و مادر مبادا³ که من شهید شدم شما از انقلاب⁴ برگردید بلکه⁵ سرشار⁶ و استوار باشید تا دشمن [که] توی دهنی⁷ بخورد و از شما ملت شهید پرور ایران می‌خواهم که «نگویند⁸ شهیدان مرده‌اند⁹ بلکه زنده‌اند¹⁰ و در نزد پروردگار خود¹¹ روزی می‌خورند»¹² و ملت شهیدپرور ایران می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و بلکه او را بیشتر از دیروز یاری¹³ کنید. هرکس به او توهین¹⁴ کند به حضرت زهرا (3) توهین¹⁵ کرده است¹⁶ و به امام زمان (عج) توهین¹⁷ کرده است¹⁸ و به خون شهدا توهین¹⁹ کرده است²⁰ و از شما می‌خواهم که از اینها دوری کنید و به اسلام بپیوندید²¹ و ریشه²² اسلام را با

-
- 1- در اصل وصیت «خرماه».
 - 2- در اصل وصیت «پخش».
 - 3- در اصل وصیت «معبدا».
 - 4- در اصل وصیت «انقلاب».
 - 5- در اصل وصیت «بکه».
 - 6- در اصل وصیت «سرشا».
 - 7- در اصل وصیت «بوزدهنی».
 - 8- در اصل وصیت «نگوید».
 - 9- در اصل وصیت «مردانتر».
 - 10- در اصل وصیت «زنداند».
 - 11- در اصل وصیت «خدا».
 - 12- عبارت شهید ترجمه آیه 169 آل عمران است.
 - 13- در اصل وصیت «یار».
 - 14- در اصل وصیت «طوبین».
 - 15- در اصل وصیت «طوبین».
 - 16- در اصل وصیت «کرداست».
 - 17- در اصل وصیت «طوبین».
 - 18- در اصل وصیت «کرداست».
 - 19- در اصل وصیت «طوبین».
 - 20- در اصل وصیت «کرداست».
 - 21- در اصل وصیت «پیونید».
 - 22- در اصل وصیت «ریش».

خونمان آبیاری کنیم و ریشه¹ دشمنان اسلام را از بیخ بزیند و اجازه² به آنها ندهید و آنها را نابود کنید.

من 12 روز [روزه] بدهکارم³ از قبلاً⁴ و 3 روز هم روزه‌هایم⁵ را خوردم⁶ و آن 12 روز را بگیرید و این 3 روز هم پول کفاره‌اش⁷ را بدهید و خرج فطریه⁸ و کفاره⁹ بدهید و 3550 تومان¹⁰ را از یار مدی بگیرید و 2050 تومان¹¹ را به موسی بدهید و 1000 تومان را هم روی پول‌ها بگذارید و آن پول [را] هم از رحمت دریانی بگیرید و 300 تومان¹² هم از پسر آرمیون مستقل¹³ می‌خواهم و این هم را به برادرم¹⁴ موسی بدهید هرچند که این پول جای آن همه کتک¹⁵ کاری‌ها را نمی‌گیرد¹⁶ و من از همگی شما پدر و مادرم و خواهرم و برادرم¹⁷ موسی امیدوارم که من را ببخشند¹⁸ من را حلالم¹⁹ کرده²⁰ باشید و مادر جان بقیه²¹

1- در اصل وصیت «ریش».

2- در اصل وصیت «جزا».

3- در اصل وصیت «تبه‌کارم».

4- در اصل وصیت «قبلن».

5- در اصل وصیت «روزهایم».

6- در اصل وصیت «خردم».

7- در اصل وصیت «کفارش».

8- در اصل وصیت «فکریه».

9- در اصل وصیت «فکاراه».

10- در اصل وصیت «تومن».

11- در اصل وصیت «تمنش».

12- در اصل وصیت «تومن».

13- در اصل وصیت «مصفل».

14- در اصل وصیت «برادرم».

15- در اصل وصیت «کوتک».

16- در اصل وصیت «نمی‌گیرید».

17- در اصل وصیت «برادرم».

18- در اصل وصیت «می‌بخشند».

19- در اصل وصیت «حلازم».

20- در اصل وصیت «کرد».

21- در اصل وصیت «بقی».

پول‌ها را به اسم¹ تو مادر می‌کنم نصفش² را خرج خودم³ کن و بقیه⁴ آنها را به اسم⁵ تو می‌کنم چون هرچند خرج این همه زحمت⁶ را اداء نمی‌کنم. و از شما ملت شهیدپرور ایران می‌خواهم که امام را دعا⁷ کنید و او را تنها نگذارید و [او] را یاری کنید و من از خدا می‌خواهم [که خدا می‌خواهم] هرچه سریع‌تر⁸ امام زمان (عج) ظهور⁹ کند و تا ما سر از خاک بیرون کنیم و ما بتوانیم او را یاری کنیم و من از خدا می‌خواهم که رهبر ما را تا انقلاب مهدی [...] استوار نگه دارد.¹⁰

«والسلام»¹¹

یگان خدمتی بسیج

گردان کربلا

1364/11/16

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید. شاهرود

-
- 1- در اصل وصیت «اسمد».
 - 2- در اصل وصیت «نیش».
 - 3- در اصل وصیت «خدم».
 - 4- در اصل وصیت «بقی».
 - 5- در اصل وصیت «اسمد».
 - 6- در اصل وصیت «زهدت».
 - 7- در اصل وصیت «دأعا».
 - 8- در اصل وصیت «سریتر».
 - 9- در اصل وصیت «زوهر».
 - 10- خوانا نیست.
 - 11- در اصل وصیت «وسلام».

بسم تعالی مستشاره زندگان

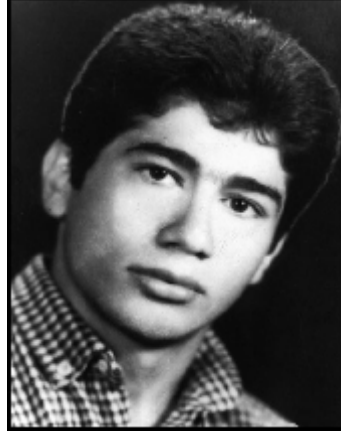
این وصیته نامه ها انسان را می گرزاند و انسان را سیدار می کند.
(امام خمینی)

حل العنان کن

برادر عزیز - در تزیین مینود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت کنید.
۱- مشخصات کامل - شامل روز و ماه و بار هجرت مری سواد و ملاقات اولیست

۲- هدیه از اذن به چشمه - هدف من این بود که اسلام را برای کعبه و جوی بیست و یک سال از امام بکنم و امام زمان را با کعبه بر زمین اسلام دریا فرستم تا با کعبه یکی کنم
۳- پیام های این وصیت که باعث سعادت پیروان ایران از امام بازگردد و روز بروز جنت کعبه بر عیان و کعبه اسلام با امام به جوی بزرگوار و نیک بر عهده من می شود که تکلیف بقای جان و جان خود را بپردازم - از زوجه

دختر و بدین است که این وصیت نامه را کرده است و با امام بی پروا و باورهای من و او را در خلدن شده است
و با امام بی پروا و مظلومین جنگ است و با امام بی پروا است و هر روز در آن کتب و نظایر
بهارش در آن وقت و با امام بی پروا درم و برادریم و خواهرمان هم بی پروا درم و کاند
از سر و گردن من با دست نیا شد که نیک خلق با من بود که عین با این امام بی پروا درم
تاریخ نیست عین کعبه همان غذا هستم و در نزد خدا بروی من خورم از تو بی پروا درم
چنانچه می گریه کنید و بر سر جان من کعبه و شربت و قرآن بختم کعبه چون که من خرد و بی پروا درم
عسم بی پروا درم و با کعبه بی پروا درم و از کعبه بی پروا درم و کعبه را و اعتبار به نظر کعبه می گریه و بی پروا درم
بخدمت و از شایسته شهید بی پروا درم و خردم که خرد بی پروا درم و از کعبه بی پروا درم
خدا روزی من خردم و در وقت خرد بی پروا درم و از امام را کعبه بی پروا درم و کعبه او را بی پروا درم
از دین خود کعبه خردی هم او صلواتی که بر حضرت زهرا و امام علی صلواتی کرد است و بی
ایام زمان صلواتی که است و بی خردم و از صلواتی که است و از صلواتی که است



نام: علیرضا
نام خانوادگی: حلوانی
نام پدر: محمدحسن
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: بیست و هشتم اردیبهشت 1341
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: شانزدهم آبان 1362
محل شهادت: پنجوین عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ا از خط اهل بیت خارج نشوند.
- ا رهبر انقلاب را تنها مگذارند.
- ا از فرستادن فرزندان خویش به جبهه جنگ خودداری ننمایند.
- ا عزت و شرف ما در گرو جنگ می‌باشد.

علیرضا حلوانی

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله و انا اليه راجعون»¹.

«همه ما از خداییم² و به‌سوی خدا باز می‌گردیم».

با سلام و درود فراوان بر مهدی (عج) فاطمه (3) و رهبر کبیر انقلاب، اینجانب وصیت‌نامه خویش را آغاز می‌نمایم وصیت اینجانب به ملت شهیدپرور این است که از خط اهل بیت خارج نشوند و رهبر انقلاب را تنها مگذارند و از فرستادن فرزندان خویش به جبهه جنگ خودداری ننمایند زیرا که «عزت و شرف ما در جنگ می‌باشد»³ و تنها گذاردن امام موجب شکست می‌گردد. و از پدر و مادر گرامیم⁴ سپاسگزارم⁵ از اینکه گذاشتند که به جبهه حق علیه باطل بیایم و جان خویش را فدای اسلام نمایم. اینجانب متذکر می‌شوم که مدت 3 ماه روزه و 2 ماه نماز بدهکار هستم و از شماها می‌خواهم که اقدامات لازم را به‌عمل بیاورید.

«والعاقبة للمتقين»⁶

علیرضا حلوانی

1362/7/5

1- بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «خداییم».

3- صحیفه امام، ج 13، ص 243.

4- در اصل وصیت «گرامیم».

5- در اصل وصیت «سپاسگزارم».

6- در اصل وصیت «وللعاقبته».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصِيَّتَا مَدِينَةِ شَهِيدِي
عَلِيْرَضَا
بِرَادِ شَهِيْدِي
حَلَوَانِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

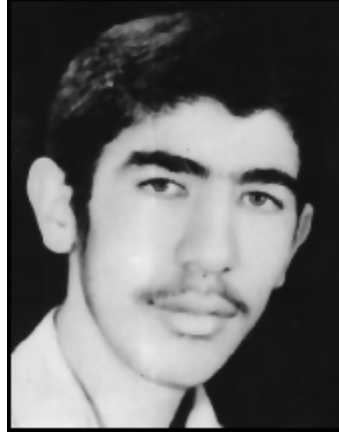
اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاْجِعُوْنَ
(همدما از خدا تم و بسوی خدا بازمیگردیم)

با عالم و سرود فراوان بر مهدی فاطمه و رهبر کبیرا نقلاب اینجا نب وصیت نامه
خوبی را آغاز می نمایم وصیت اینجا نب بد ملت شهید پرور این است که از عطا
اهل بیت خارج نشوند و رهبر نقلاب را تنها نگذارند و از فرستادن فرزندان
خوبی بهمیچسبند جنگ خودداری ننمایند زیرا که عزت و عرف ما در جنگ می باعد
و تنها گذاردن امام موجب شکست می گردد. و از بدروما هرگز امامیها نگذارم
از اینکه گناهتند که به جبهه حق علیه باطل میجا میجان خوبی را قسدای
اسلام بنمایم.
اینجا نب متذکر می خوم که مدت ۲ ماه روز ۲۰ ماه نمازینها را رهنتم و از جماعها
می خواهم که اقدامات لازم را بعمل بیاورند.

وللعا قیته للمتقین

علیرضا حلوانی ۱۳۶۸/۲/۵

نام: محمد مهدی
نام خانوادگی: حلوانی
نام پدر: محمد
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: پانزدهم بهمن 1346
محل تولد: شهرستان مینودشت
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سوم دی 1365
محل شهادت: آبادان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان شاهرود



عبارت های کلیدی

- ای دشمنان خدا شما در میان اقیانوس مردم حق پرست و مسلمان غرق خواهید شد.
- ملت ما در پیروی از شهدايشان تا آخرين قطره خونشان حاضرند.
- خط رهبری را رها نکنید.
- مردم تحت هیچ بهانه‌ای از آمدن فرزندان‌شان به جبهه‌ها جلوگیری نکنند.
- امروز هیچ امری مهم‌تر از این جنگ نیست.
- خدا اگر به من صد جان بدهد فدایش می‌کنم.

محمد مهدی حلوانی

بسم رب الشهداء و الصدیقین

حمد و سپاس خداوند تعالی را که به این بنده حقیر نعمت‌های زیاد عطا کرد و از جمله نعمت‌های بزرگ خدا نعمت زندگی و داشتن دینی الهی و شیعه محمد (6) و علی (7) و فرزندان اطهرش بودن را عطا کرد. نعمت زندگی در میان پدر و مادری که راضی شدند فرزندشان به جبهه‌ها برود و اگر لایق باشد و توفیق پیوستن به لقاءش را بدهد عطا کرد.

حمد و سپاس آن معبود و مسجود آن ملجاء و پناه آن روضه¹ که امید آنکه وجود ما از او می‌باشد موجود که به این بنده حقیر توفیق جهاد داد و او یگانه آگاه بر نیت من است. ای خدایم ای پناهم به عزت و جلالت که جز برای تو و در راه تو این جهاد من نبود و نهایت آرزوی من چیزی جز شهادت نبود و درود بر رسولی که راه هدایت را به عالم آموخت آنکه جانم هست و قلبم است آنکه هرچه او از نیکی‌هایش و ذکرش بگویم کم است و درود بر علی و الامام (7) و درود خالص به فاطمه زهرا (3) و فرزندانش از حسن مجتبی (7) تا صاحب زمان (عج) و نایب برحقش مرجع اکبر امام امت و یارانش و تمام پیروان خط خدا و ولایت وصیت خود را با شما می‌گویم ابتدا سخنی با آنها که با ما، در ستیزند و در نبردند می‌گویم که هان ای دشمنان خدا دشمنان انقلاب اسلامی آگاه باشید که ملت ما، در پیروی از خط شهیدایشان خط اسلامشان تا آخرین قطره خون حاضرند جانشان را که عزیزترین و گرانبهاترین چیزشان است فدا کنند این نه شعار است بلکه به مرحله عمل رسیده است و ما این را در جبهه‌ها نشان داده‌ایم شما در میان اقیانوس مردم حق پرست و مسلمانان جان بر کف² غرق خواهید شد و من از خدای خود می‌خواهم که در راهش و برایش سرم چون حسین (7) قطع گردد چون عباس³ (7) و چون دستغیب⁴

1- در اصل وصیت «روضه».

2- در اصل وصیت «جانبرکف».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

دست‌های من قطع گردد پاهایم را در راهش قطع کند چشم‌هایم در راهش کور شوند قلبم در راهش پاره‌پاره شود و آن‌گونه که او می‌خواهد به‌سویش رجعت کنم این جان ناقابل است که فدای او گردد. خدا به من صد جان بدهد من فدایش کنم. دشمن بداند همه ملت اسلام همین‌طور عقیده دارند از ملت مسلمان می‌خواهم که خط رهبری را رها نکنند که حدیثی است که می‌فرماید (اساس اسلام بر پنج چیز است نماز، زکوة، روزه و ولایت¹ و خوانده نشده کسی به تکلیفی² مانند ولایت) آری چیزی چون ولایت اهمیت ندارد و وصیت دیگری که دارم پدر و مادران به هیچ عنوان و تحت هیچ بهانه‌ای از آمدن فرزندان‌شان به جبهه‌ها جلوگیری نکنند³ بعضی با عنوان اینکه فرزندان‌شان از مدرسه و درس می‌خواهد فرار کند جلوی آمدن فرزندان‌شان را بگیرند و الله مسئولند و آن دنیا باید جواب بدهند. امروز هیچ امری مهم‌تر از این جنگ نیست چون طبق فرمایش امام «عزت و شرف ما در گرو همین جنگ است»⁴ مطلب دیگر به پدر و مادر که سربلند شوید که در راه خدا فرزندان‌تان شهید شده است چون سعادت دنیا و عقبی برای شما در همین است. خواهرانم [...] سعی کنید زینب‌وار در صحنه باشید برادرانم سعی کنید در راه خدا [...] ریاء⁷ و عجب و غرور در کارهایتان نباشد. رضا اگر می‌خواهی طلبه شوی و دانشگاه امام صادق وارد شوی به حال خودت نگاه کن که اگر در این راه قدم برمی‌داری طلبه خوبی شوی وگرنه اگر [...] نشوی و برای خدا در این راه گام برداری و از روی هوی [...] شد طلبه

1- حدیثی از امام محمدباقر (7) نقل شده است که فرمود: خدای عزوجل پنج چیز را بر بندگان واجب ساخت

1- نماز 2- زکوة 3- روزه 4- حج 5- ولایت.

2- در اصل وصیت «بتکلیفی».

3- در اصل وصیت «نکنند».

4- صحیفه امام، ج 13، ص 243.

5- خوانا نیست.

6- خوانا نیست.

7- در اصل وصیت «ریاء».

8- خوانا نیست.

9- خوانا نیست.

نشوی بیشتر خدمت کرده‌اید. پدر و مادرم از احمد برادر عزیزم [...] ¹ و او را خوب پرورش دهید و تو ای علی سعی کن دائماً در [...] ² باشی و پاسدار خوب امام زمان در آینده بشوی و وصیت دیگر من [...] ³ عزیزم این است که در این مصیبت صبر داشته باشند و وصیت دیگر اینکه [...] ⁴ یا بی تفاوت نسبت به این انقلاب است. اگر جنازه‌ام آمد حق ندارد [...] ⁵ و مراسمی که برپا می‌شود شرکت کند و اگر جلوی شرکتشان را نگیرید مسئولید و آن دنیا باید جوابگو باشید این افراد می‌خواهند نزدیک‌ترین فامیل‌ها مثل عمه و غیره باشند یا افرادی عادی. در خاتمه باید بگویم که در دفعه اول آموزش یازده روز روزه قضا دارم که فرصت نشده بگیرم که تقاضا دارم اقدامات لازم به‌عمل آورید من در این مدت از عمرم خطاها و ظلم‌هایی در حق بندگان خدا انجام داده‌ام که به بزرگواری خودشان ببخشند و من همه آنها را که احیاناً در حق من خلافتی کرده‌اند می‌بخشم تا شاید خدا از این بابت من سراپا تقصیر را ببخشد این بود وصیت‌نامه بنده سراپا تقصیر خدا. محمدمهدی حلوانی فرزند محمد دارای شناسنامه شماره 112 متولد 1347 به شما بندگان بزرگوار خدا با التماس عفو بخشش از جانب شما در حق این بنده سراپا تقصیر.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

محمدمهدی حلوانی

1362/11/26

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

وصیت نامه شهید محمد مهدی حایری

فرزند محمد

صل

بسم و بحمد الله و الصلوة علی اهل البیت

خداوند سبحان که به این بنده حقیر تو را در دنیا و آخرت از عباد خود برگزیده و از عباد خود برگزیده

خداوند سبحان و راستی دنیا این دنیا است و آخرت آن است که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

عزت و کرامت و در روز قیامت که هر که در دنیا عمل نیک کند در آخرت

1357.12.10

محمد مهدی حایری

محمد مهدی حایری

محمد مهدی حایری

ص ۲

از حسن نجیب صاحب زمین و بنا شد و حق بر جمع آید امام است که بار حق و

تمام پیران خط خنار ولایت و صیت سید را خورد را با این می گویم ابتدا از منی با آنها

که با ما در تیره در بر بند می گویم خان لاری اشکان خدادستان انقلاب اسلامی

آنگاه با مردم که مستعد در پیران از خط نهاد ایشان خط اسلامان تا آخرین قطر منزل

حاضرند جانشان را که بر بزرگین در آن بهترین چیزی است فداکنند این نه شعار است

بلکه به هر حله عمل رسیده است و این را در جبهه ها نشان داده ایم سعادت میان امتیاز می

بودم حق پرست و مسلمان جان بر کف غرق خواهم بود چون از فدای می نمودم می خواهم

که در راهش و برایش سر و جانم بدهم قطع گردد چون عباس و چون فدا کننده

دستهای من قطع کردید با هم در راهش قطع کند چنانچه در راهش کور شود قطع

در راهش یار و یار شود و او شکر در او می خواهد در پس از رحمت کند این جان

نقاب است که نظمی بود کردد خواند من صد جان بعد من خواهد شد کنم در پیش پیران

ص ۳

عجالت اسلام هیاطور عتیزه دارند از ملت مسلمانان مندم که نظر رهبری پرورها

نگاشته که حدیثی است که من فرمایم این است که هیچ چیز است نماز - رکعت - روز و...

و ولایت و خزانده نشده کسی بتکلیف باشد ولایت) و آری چیزی چون ولایت

اهمیت ندارد و عیب دیگری که در این بیرون در این به هیچ عنوان و تمت

هیچ به این است از آمدن فرزندان انسان به صبه ها جلوتری نگاشته یعنی با عنوان

اینکه فرزندان از مدرسه و در این می خواهد فرار کند جلوی آمدن فرزندان را

بگردد و الله مسئولین آن دنیا باید بدانند که بعد از امر زهی و این است

از این جنگ نیست موعود طبق فرمایش امام عزت و شرف ما در آن و همین

جنگ است طلب دیگر چه بدو و اگر چه سر بلند می شود که خدای عز و جل

که دارد چه در عبادت دنیا و عقبی برای همه در همین است خدا را

(۱۱)

صد ۴

نیمگی کنیز و نینب دار در معنی بیاید برادرش برمی کند در راه خدا

در راهی و محبت در کارهای باقی بنا کرد رضا اگر من خواص طلبه شوی

و دانشگاه امام صادق دار دگر می به حال خودت تنگ آکن

که اگر در راهی برآمدم بر می داری طلبه خدایی شوی و اگر نه اگر

و بعد نشوی و بر راهی خدا در این راه هم بر بنداری و از روی هوشی

مگر طلبه نشوی بیشتر عنایت کرده اند بر زما درم از راهی

از راهی و او را جز سیر پرورشی در راهی و کتابی علمی که می کنی از راهی

باشی و پادشاه خوب راهی از راهی در آینه شوی و در هستی در آینه

سزیم این است که در این معنی در راهی با الهی و در هستی در آینه

عادت یا به تفاوت نسبت به این انقلاب است که در راهی با الهی و در هستی در آینه

بنازه و در راهی که بر می آید در راهی که در راهی با الهی و در هستی در آینه

نام: علی محمد
نام خانوادگی: حلوائی
نام پدر: محمد حسن
نام مادر: لیلا
تاریخ تولد: هجدهم اردیبهشت 1336
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هشتم آذر 1360
محل شهادت: پستان
نحوه شهادت: بر اثر انفجار مواد منفجره و
اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ در برابر دشمنان اسلام و انقلاب مانند کوه استوار باشید.
- ۱ تا آخرین قطره خون از امان پشتیبانی نمایید.
- ۱ مبادا امام را تنها بگذارید.
- ۱ رسیدن فیض شهادت آرزوی همه پاکان و صالحان است.

علی محمد حلوائی

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله و انا اليه راجعون»¹.

«به‌راستی که ما همه از خدایی² و به‌سوی او می‌رویم».

با درود بر تمامی شهدای اسلام از صدر اسلام تاکنون و با درود به رهبر کبیر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران روح خدا خمینی بت‌شکن و با درود و سلام بر تمامی صالحین و مؤمنین و مستضعفین جهان. تنها وصیت من به تمام دوستداران انقلاب اسلامی این است که مانند کوه در برابر دشمنان انقلاب و اسلام استوار باشند و تا آخرین قطره خون خود از امام امت پشتیبانی نمایند و مبادا امام را تنها بگذارند تا اینکه انشاءالله³ این انقلاب به ظهور حضرت مهدی (عج) متصل شود و امیدوارم که فیض شهادت [که] آرزوی همه پاکان و صالحان می‌باشد نصیب اینجانب هم بشود.

در ضمن کلیه چیزهایی⁴ که دارم به‌عهده برادرانم می‌گذارم که هر جور صلاح می‌دانند مصرف کنند با مشورت یکدیگر به جنگ‌زدگان و زلزله‌زدگان و رزمندگان اسلام هم کمک شایانی بشود هر مقداری که می‌خواهید.

از لطف مادر عزیزم که راضی شدند من به جبهه بروم سپاسگزاری می‌کنم و برایشان دعا می‌کنم. مادر، برادران و خواهران و تمامی دوستداران را به خدای بزرگ می‌سپارم.

خدا نگهدارتان باد

حقیر علی محمد حلوائی

60/8/8

1- بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «خدائیم».

3- در اصل وصیت «انشاله».

4- در اصل وصیت «چیزهایی».

صیدانام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (بسم الله الرحمن الرحيم)

با درود بر تمامی شهدای اسلام از صدر اسلام تا کنون و با درود بر

شیر کبیر دینار گذار جمهوری اسلامی ایران و صحرای خنجر بنفش

و با درود بر تمامی صالحین و مؤمنین و مستضعفین جهان

تغییر و دست من به تمام از دستوران انقلاب اسلامی است که ما لله

کوه در برابر دشمنان انقلاب و اسلام استوار باشند و تا آخرین

قطره خون خود را فدای امام امت بشید بانی نهانید و مبادا امام

را تنگ بگذارند تا آنکه الله است اله این انقلاب به ظهور حضرت

مهدی (عج) متصل می شود و امیدوارم که فیض شهادت آرزوی همه

با کائنات و مدالیان من باشد نصیب انبیا شود

در ضمن کلیه چیزهایی که دارم بفرموده برادر بزرگوارم می‌گذارم بفرموده
 هر جور صلاح میدانید و هر وقت که بفرموده یا مشورت بفرموده
 به سبب زلزله و زلزله زنگان و زلزله ملک اسلام هم
 گریه می‌کنم بشود هر قدری که می‌خواهد
 از قلب مادر غمناک که راضی شده من بفرموده بفرموده
 می‌کنم و بفرموده دعا کنید مادر به اذن و فرموده و دعای
 دست‌اندازان را به فرموده می‌فرماید

فرماندهاربان باد

حضر علی محمد خدوایی



نام: عبدالرضا
نام خانوادگی: حمیدی
نام پدر: خداوردی
نام مادر: فرخ
تاریخ تولد: یکم خرداد 1342
محل تولد: روستای قوشه از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم اسفند 1363
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا به مزارم زیاده از حد زینت ندهید.
- ا راه شهدا و راه انقلاب را از یاد نبرید.
- ا اهالی محترم اختلافات را کنار گذاشته در مجالس یکدیگر بیشتر شرکت کنید.
- ا هیچ وقت مسجد را خالی نکنید.
- ا نسبت به خون من از دولت هیچ چیزی دریافت نکنند.

عبدالرضا حمیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

«لا بذكر الله تطمئن القلوب»¹.

«هان: با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

«کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا² شیئاً و هو خیر لکم»³.
«جنگ به شما مقرر شده و آن مورد اکراه شما است و چه بسا چیزهایی⁴ که شما آن را کراهت می‌دارید در صورتی که به نفع شماست».

با سلام و درود بیکران به خدمت پیامبر اکرم (6) و ائمه اطهار (7) و با سلام [و] درود فراوان به شهدای راه حق و حقیقت و اسلام عزیز و با سلام به حسین (7) سرور و سالار شهدای آزادی و سلام بر مهدی فاطمه (عج) امید اسلام و پیامبر اسلام و انتقام گیرنده خون جدش حسین (7) و ادامه دهندگان راه حسین (7) و پیاده کننده قوانین عدل و عدالت اسلام و پیاده کردن احکام قرآنی و با سلام بیکران به ارواح مطهر همه شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی ایران [...] پاک شهدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که مردانه و با انتخاب جان سپردند و با سلام خدمت امام امت خمینی کبیر رهبر مستضعفان جهان و کوبنده مستکبران و ذلیل کننده منافقان.

امام خمینی: «جنگ، جنگ است و عزت و شرف ما در گرو همین جنگ است»⁶ این حقیر از دنیا چیزی ندارم که وصیت مادی بنمایم و از آنجا که اسلام چنین حکم می‌کند که انسان مسلمان باید در همه حال وصیت خودش را آماده داشته باشد، لذا مطالبی که ضرورت دارد با عرض معذرت به سمعتان می‌رسانم.

1- رعد/ 28.

2- در اصل وصیت «تکرهوا».

3- بقره/ 216.

4- در اصل وصیت «چیزهایی».

5- چند کلمه افتادگی دارد.

6- صحیفه امام، ج 13، ص 243.

اولین مسئله را که باید روشن کنم مسئله همسر گل‌نساء می‌باشد. که خدمتش عرض می‌کنم که اگر خداوند تبارک و تعالی توفیق شهادت را نصیب این حقیر نمود بعد از خبر دقیق و اطمینان کامل می‌تواند هر تصمیمی که بخواهد بگیرد. چون آزاد است و باید آزادانه انتخاب کند و انشاء... که از من راضی خواهد بود. دومین مسئله این است که اگر از من فرزندی با عنایت خداوند متعال به همسرم داده شد اگر مذکر باشد اسم او را سعید و اگر مؤنث بود او را زهره نام گذارید. و در تربیت آنها نهایت کوشش را نمایید¹ که آزاده در دنیا باشند جز اینکه در مقابل خالق و خداوند متعال سر تسلیم فرود آورند و مطیع امر او و راضی به رضای او و تسلیم به امر او باشند.

مسئله سوم وسایل زندگی هست که با عقدنامه ازدواج دریافت کردم. تا زمانی که همسر خانه پدرم باشد و در سر زندگی باشد به او تعلق دارد و اگر صلاح دانست که بیرون برود اگر شرعاً به او رسید که مال او و اگر نه که به بازماندگانم خواهد رسید. لازم به تذکر است وسایل اینجانب عبارتند از یخچال، فرش 12 متری، اجاق گاز 4 شعله و یک فرش 12 متری موکتی که فرش ماشینی 12 متری منزل عبدالصمد عبادی و فرش موکتی منزل علی کرمی می‌باشند. در ضمن حقوق من را عبدالصمد عبادی دریافت می‌کرده یعنی برج 11 و 12 و بعد از آن را خدا می‌داند. بدهکاری من فقط به عبدالصمد عبادی حدوداً هزار تومان 1000 است و مبلغ 100 صدتومان به ناصر [...] ² بدهکارم و مبلغ 700 هفت صد تومان هم از علی کرمی طلبکار هستم. هر قدر اجاره خانه بدهکار هستم پردازید. از لحاظ مادیات چیزی دیگر ندارم.

مسئله چهارم اینکه به پدرم و مادرم و برادرانم وصیت می‌کنم که جای منزل دائمی یحیی قربانپور را که قواله‌اش در شاهرود لای کتاب‌هایم هست طبق قانون از حسن شکار و همسایگان بستانند و آن را اگر از نظر شرعی درست باشد به مسجد محل وقف³ کنند و به

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «وخم».

اندازه همان از پول خودشان در جایی مناسب برای محمدتقی قربانپور فرزند یحیی که از [او] به‌جا مانده خریداری نمایند و پس از اینکه به سن قانونی رسید به [او] تحویل دهند.

مسئله پنجم که اکثر [مثل] شهدا و رزمندگان به خانواده خود وصیت می‌کنم این است، بعد از مرگ من به هیچ‌وجه احساس ناراحتی و جزع¹ و فزع² و گریه و زاری نکنند که مرگ حق است همان‌طوری که اول خلقت تاکنون عده‌ای به راه حق و عده‌ای به راه ناحق و باطل جان داده‌اند. ولی افسوس که انسان‌ها بعضی مواقع چشم دلشان کور یا کم‌دید می‌شود و راه مستقیم را نمی‌توانند به‌خوبی تشخیص و ناچار به راه باطل جان خود را از دست می‌دهند. روی این اصل که باید انسان راه را از چاه تشخیص دهد این حقیر هم اگر خدا قبول نماید تا حدودی راه را پیدا کردم و آگاهانه در این صراط³ مستقیم [...] خود را⁴ به جانان تسلیم نمودند و به لقاءالله پیوستند باید خدمت مبارکتان عرض نمایم که در انتخاب این هدف هیچ‌کس نمی‌تواند نظرش را به دیگران تحمیل کند چون در طی راه مشکلات زیادی هست و پیچ و خم‌های خطرناک که هر آن باعث لغزش رهرو و به انحراف کشیدن آن خواهد شد چه بسا کسانی که این راه را پیمودند ولی در لحظات حساس آن خود را باختند و اجرشان را از دست دادند فقط و فقط تأکید من به تمام قومان و خویشان و دوستان و رفیقان و در اصل به پدر و مادرم و [...] خودم وصیت می‌کنم که در وقت شنیدن مرگم هرگز خود را بزن و کوب و گریه ناله نکنند که دشمنان انقلاب و دشمنان خودم خوشحال خواهند شد. و این برای من ناراحت کننده است فقط وقتی که خبری شنیدند با گفتن «انا لله و انا الیه راجعون»⁶ خود را حتماً راضی نمایند که چون حقیقت مرگ و باقی ماندن در همین آیه شریفه نهفته است و ...

1- در اصل وصیت «جزء».

2- در اصل وصیت «فضع».

3- در اصل وصیت «صرات».

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

6- بقره/ 156.

[...] ¹ آوردند در یک گوشه از مزار تا حدی که می‌توانید زمینش را بخرید و مرا دفن کنید و اگر در قسمت جنوب غربی مزار باشد بهتر است و به مزارم زیاده از حد زینت ندهید. بیشتر قرآن بخوانید و والدینم در انظار مردم گریه نکنند. به دوستان نصیحت عاجزانه می‌کنم که راه شهدا و راه انقلاب را از یاد نبرند. لحظاتی که یک شهید با بدن مجروح روی خاک یکه تنها در خون خود می‌غلطد و جان به جان آفرین تسلیم می‌کند و دیگر اینکه اهالی محترم اختلافات را کنار گذاشته و بیشتر در مجالس همدیگر شرکت کنند و از همدیگر استفاده کنند و هیچ وقت مسجد را خالی نکنند از برادرانم می‌خواهم که راه من را ادامه دهند. من از خانواده‌ام تقاضا می‌کنم که نسبت به خون من از دولت وقت هیچ چیزی دریافت نکنند که باعث کم‌حرمتی به خون شهدا بشود.

«والسلام»²

عبدالرضا حمیدی

1363/8/1

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «وسلام».

اولین اثر سخن بصورت شهادت برایش
از خدا طلب میکند. آید شهادت برایش



قتل با اسلامی با در تمام سر و پیش حال
حال خون شهادت میطلبید. شهادت برایش




این است نام و نشان را میزنند و میزنند. انچه

بِذَلِكَ يَذْكُرُ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنَحْبِهِمْ أَدْنَىٰ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنَحْبِهِمْ أَدْنَىٰ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنَحْبِهِمْ أَدْنَىٰ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنَحْبِهِمْ أَدْنَىٰ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام: محمد اسماعیل
نام خانوادگی: حیدرزاده
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: یکم فروردین 1340
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: جهادگر
تاریخ شهادت: سی و یکم تیر 1361
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
مزار: گلزار شهدای بهشت زهراي شهرستان تهران



عبارت های کلیدی

- ۱ مادر به خدا قسم این دنیا به یک پول سیاه هم نمی ارزد.
- ۱ مادر آنها که دل به این دنیا بسته اند خیلی کوتاه فکر و احمقند.
- ۱ انتظارم این است که پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ۱ مادر عزیزم پس از شهادتم از خداوند متعال برایم طلب آمرزش و مغفرت نمایند.
- ۱ خوشا به سعادت کسی که وقتی بار سفر را می بندد توشه اش کفافش را کند.

محمداسماعیل حیدرزاده

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله¹ و انا اليه راجعون»².

الحمد لله³ رب العالمين سپاس و شکر خدا که شناخت و معرفت خویش را به من آموخت و درود به رهبر عزیز انقلاب رهبر تمام مستضعفین جهان و سلام بر مهدی (عج) که ظهورش و نامش بشارت‌دهنده⁴ رهایی⁴ دنیا از قید و بند ظالمان می‌باشد. و با سلام به پدر و مادر عزیزم امیدوارم که این فرزند روسیاه خود را ببخشند و پس از شهادتم از خداوند متعال برایم طلب آمرزش و مغفرت نمایند. مادرم شاید فکر می‌کند که [شاید] این همه مصیبت⁵ برای تو زیاد بوده است ولی نه مادر این‌طور نیست بلکه هرچه بیشتر⁶ باید خوشحال و سرافراز باشی و مطمئن باش که خوشی تو دنیای دیگری است به خدا قسم این دنیا به یک پول سیاه هم نمی‌ارزد و آنها که دل به این دنیا بسته‌اند خیلی کوتاه‌فکر و احمقند چرا اگر در بهترین خوشی‌ها که زندگی کنند باز هم خوشی دنیاست⁷ و فانی، ولی آنجا که عمر جاودانه می‌باشد دنیای دیگری است و خوشا به سعادت کسی که وقتی بار سفر را می‌بندد توشه‌اش کفافش را کند و سرافراز نزد خدا برود. باری از همه فامیلم و همه شما انتظار دارم که گناهانم را ببخشید و اگر شهید شدم برایم دعا کنید تا خداوند مهربان شهادتم را بپذیرد. و در آخر تنها انتظارم این است که پشتیبان امام و ولایت فقیه⁸ باشید تا هم در دنیا سرافراز باشید و هم در آخرت.

1- در اصل وصیت «انا لا الله».

2- بقره/ 156.

3- در اصل وصیت «الحمد لله».

4- در اصل وصیت «رهائی».

5- در اصل وصیت «مصبت».

6- در اصل وصیت «بشتر».

7- در اصل وصیت «دنیاست».

8- در اصل وصیت «فقیه».

در آخر پیش تک‌تک فامیل بروید و ازشان بپرسید و اگر خدای نکرده از من ناراضی باشند ازشون برایم طلب عفو کنید و اگر به کسی بدهکاری داشته‌ام بدهید. خدا یارتان باد. چون بعضی مواقع ممکن است از وسایل جهاد استفاده کرده باشم البته همیشه سعی کردم کمتر این کار را کنم و اگر هم استفاده‌ای کرده‌ام با اجازهٔ مسئول واحد مربوطه بوده است ولی در¹ این صورت این پول را بدهید.

4- اول باغچه‌ای را که مادر زمینش را داده است تا وقتی که خودش زنده است و پدرم دست خودشان باشد و بعد از آن هم اگر مادر صلاح می‌داند و راضی است به‌عنوان یادگاری بدهید به اشرف داداش سید احمد و فاطمه آبجی زهرا.

5- مبلغ 100 تومان هم به علی‌محمدی که در کارخانه که کار می‌کرده‌ام بهش بدهکارم که همیشه یا من یادم می‌رفت بهش بدهم و یا او نبود که بهش بدهم بدهید به فرج به او بدهد.

6- موتورم هم مال محمود داداش ولی پول آن را بگیرید و بدهید به مادر تا پول برای مخارج کفن و دفن داشته باشد. ولی به محمود بگویید اگر خواست بفروشد از قیمت اصلی‌اش بیشتر نفروشد و مایلم² به عباس داداش البته چیزهایی مثل [...] و بعد از شهادتم به مادر بگوید به اندازهٔ نیازش از جهاد از کمک هزینه‌ام بردارد 1500 تومان و اگر احتیاج ندارد بر ندارد.

حیدرزاده

سه شنبه 61/4/29

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام خدمت برادر عزیزم امیدوارم که پس از شهادتم ضمن بخشیدنم از خداوند متعال طلب آمرزش برایم کنی و ضمناً به یک مقدار وصیت من هم که به شرح زیر می‌باشد نظاره

1- در اصل وصیت «با».

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

کنی تا همگی انشاءالله انجام شود:

- 1- به اندازه 4 سال برایم نماز و روزه بدهید بخوانند.
- 2- مبلغ 3 هزار تومان از پولم را به خاطر خمس و زکات بدهید چون بعضی مواقع در بانک پول می گذاشتم و حساب خمس و زکات آن را نداشتم.
- 3- مقدار 2 هزار تومان از پولم را به جهاد برگردانید.

بسم الله الرحمن الرحيم
 وانا لله عونا اليه راجعون
 الحمد لله رب العالمين - سياس و مشهور قهرمانه تسافت و
 معرفت خدمت راجيس اسوقت و در مورد بردهم تراندا
 رده به نام مستغنين همجان و سلام بردهم كه كه طهرت و فاش
 بشارت دهنده و هفتي دنيا از ختير و نيه طلبان باشد
 و با سلام به پدر و مادر و همكاران من و همكاران من
 را بيقين و پس از تقاضا هم از فداي من سوال براي طلب
 اكثر زيش و معرفت كه اين صادم استايد دفتر مني تعسايد اين
 همه مصعب براي تقويم و ديروز است و ولي ندمت را بيقين
 بده هر چه نسبت به بايقو سوال و سلام از زاني و مطهر زاني

که خوشی تو دنیای دیگری است بخدا قسم این دنیا بی پول
 سیاه هم نمی آرد و آنجا که دل به این دنیا بسته است فی
 کونین غم طعمه مرا آرد در کفر به خوشی ها که زنی گفته باز
 هم خوشی دنیا است و غانی و ملی آنجا که عمر جاوید جا باشد
 دنیای دیگری است و فریب به معانی که معنی با بر سر
 می بندد تو نیستی اش کفایت را کند و سرافرازند در هر ایورد
 باری از همه خاصه به همه متانتظار را که که گناهانم را بفریب
 اگر گفته اند ما هم در آنجا تا خداوند هر حال شما هم را بفریب
 و در آن فریب نظام این است که پیش از امام و ولایت
 فخر به باشد تا هم در دنیا سرافراز باشد و هم در آخرت

در آن شب که منم غمگین در بر دیوار است از پی رسیدن آن غمگینان
 از آن راهی که از آن راه است بر این طلب کند که آن بیگانه
 این بیگانه است از آن راه

همچون بعضی حوادثی است از دستم چهار اسفند بود
 با همه البته همیشه سعی کردم کلمه ای که از آن راه است
 کرده ام با آن راه است و در هر یک از آن راه است
 این بیگانه است از آن راه است
 5 - اول ما غمگینان و آن غمگینان را از آن راه است
 وقتی که فردش زنده است و پدرم دست فورتان
 باشد و بعد از آن هم اگر در صدام می باشد و از آن راه است
 یعنی با یکدیگر بیگانه است از آن راه است

آبجی و همراه

5 - منم غمگینان هم به علی علی محمد که در خانه
 که کاری کرده ام همیشه با من یارم است
 همیشه به هم و با او نشود که من به هم به هم به هم به هم
 6 - منم غمگینان هم به علی علی محمد که در خانه
 ما در تمام آن برای همی که منم غمگینان به هم
 منم غمگینان هم به علی علی محمد که در خانه
 در تمام آن برای همی که منم غمگینان به هم

۱۰- از طرف مردم سوادکوه سید به اندازه شش رطل از چهار اذکس هر نیم رطل برادر
۱۵۰۰ تومان کاغذ و اعتبار برادر میرزا ~~محمد~~

۱۵۰۰
تومان
کاغذ و اعتبار

بسم الله الرحمن الرحيم
تسبیح ۳۳ مرتبه

۱- با طاعت و برادر عزیزم امیدوارم که پیوسته از شما وکم

لحم نخمید و خداوند مقال طلب استریش برامنی

وینت به کتبه است و هم ~~محمد~~ که در شهر خوری داشته

نظاره کنی تا همین است و الله اعلم

۱- با اندازه سال بیایم که از هر روز در هدیه بخوانند

۲- مبلغ ۳ هزار تومان از یو کم را بفاطمه عنی منطاس

به بعضی هجرت بعضی مواقع در بانک پول می نه انتم و حسب

عن حکایت آن که را نه انتم

۳- مقدار ۱۰ هزار تومان از یو کم را به چهار دید برانند

نام: سیدمحسن
نام خانوادگی: حیدرهای
نام پدر: سید مجید
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: بیست و سوم اسفند 1348
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم تیر 1366
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ برای حفظ آرمان های اسلامی میهنم و انقلابم به اینجا (جبهه) آمده ام.
- ۱ به خاطر خدا، به خاطر نبی اکرم (ص) و به خاطر انقلاب اسلامی ایران امام را تنها نگذارید.
- ۱ از کمبودها ناراحت نشوید و غم نزنید.
- ۱ از هم کلاسی هایم می خواهم که راه مرا ادامه بدهید.
- ۱ از کسانی که به این انقلاب ضرر زده اند روز قیامت نخواهم گذشت.

سیدمحسن حیدرهای

بسم الله الرحمن الرحيم

«و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه»¹.

با سلام و درود بر یگانه منجی بشریت امام زمان (عج) و با سلام و درود بر نایب برحقش امام خمینی و با سلام بر روح پاک شهیدان و با سلام بر خانواده بزرگوار شهیدان و مفقودین و با سلام بر امت حزب الله ...

من سید حسن حیدرهای فرزند سیدمجید به شماره شناسنامه 25211 متولد 1348 صادره از تهران با اختیار خود و با عشق به خدا و میهنم به جبهه‌های حق علیه باطل آمده‌ام و هدف از آمدنم به این راه این است که برای حفظ آرمان‌های اسلامی میهنم و انقلابم به اینجا آمده‌ام و در این راه از همه چیزم می‌گذرم و هیچ باکی ندارم.

و پیام من به امت حزب الله و همیشه در صحنه این است که به‌خاطر خدا به‌خاطر نبی اکرم (ﷺ) و به‌خاطر انقلاب اسلامی ایران امام را تنها نگذارند و تا به آخر عمر از او حمایت کنند و از اینکه گاهی چیزی کم می‌شود ناراحت نشوند و به ناگاه و ناخواسته غر نزنند.

و تقاضایی که از پدر و مادر خود دارم اینکه یک سال نماز و یک ماه روزه بگیرند و تمام مال و اموالی که به من تعلق دارد پس از شهادتم در صورتی که بدانها در خانه نیاز نمی‌باشد به جبهه بفرستند. مقدار 5000 ریال در بانک استان پول دارم که پدرم می‌تواند پس از شهادتم تحویل بگیرد.

به تمام همکلاسی‌هایم می‌گویم که من به اراده خود به جبهه آمدم و آن را حق می‌دانم و از شما هم می‌خواهم که راه مرا ادامه بدهید و به خدا قسم اگر خدا ما را قبول کرد و به درگاهش راه داد از کسانی که به این انقلاب ضرر زده‌اند نمی‌گذرم و روز قیامت جلوی‌شان را خواهم گرفت و از خدا می‌خواهم که حقم را از ایشان بگیرد.

گر مرد رهی میان خون باید رفت
از پای فتاده سرنگون باید رفت¹
در راه وصال دوست با چهره باز
در یاد دریا خون جگر باید خورد²

«والسلام و من الله توفیق»

سید محسن حیدرهایبی

1- در اصل وصیت شعر چنین آمده است:

عاشق که شدی میان خون باید رفت
گر سر فتاده سرنگون باید رفت

شعر از رباعیات منسوب به عطار نیشابوری است.

2- شاعر بیت دوم ناشناخته است.



صیت نامه شهید

سید محسن حیدری

زاده ششگانه ۱۳۲۶ هـ. ش

محل تولد: سمنان

سنة وفات: ۱۳۵۱ هـ. ش

سنة وفات: ۱۳۵۱ هـ. ش

بسم الله الرحمن الرحيم وتالله حسی لا تکن فتنه

با سلام و درود بزرگانه صبی بفرشته امام زمان (عج) و با سلام و درود بر نایب برحقش امام خمینی و با سلام بزرگوار به شهیدان باسلام بر خانواده بزرگوار شهیدان و مقربین و باسلام بر امت حزب ا... من سید محسن حیدر هاشمی فرزند سید مجید به شماره شناسنامه ۲۵۲۱۱ متولد ۱۳۴۶ م در شهر سمنان با اختصار خود هاشمی به خدا و میبندم به جیبه های حق علیه باطل آمده ام و هدف از آمدنم به این راه این است که برای حفظ آرمانهای اسلامی میبندم و انقلابم به اینجا آمده ام و در این راه از همه چیز می گذرم و هیچ باکی ندارم چه با من به امت حزب ا... به جیبه در سینه این است که بخواهم خدا را باطل کنم اگر چه خدا را باطل کنم انقلاب اسلامی ایران امام را تنها نگذارند چنانچه آخر صراحت او حمایت کنند و از اینکه گاهی چیزی کم میشود تا راحت نشوند و با گام و تا عزمش نترسند و چنانکه که از پدر و مادر خود دارم آنچه که یک سال نگر یک ماه روزه براسم بگیرد و تمام مال و موائی که به من تعلق دارد پس از شهادتم در صورتی که در آنجا در خانه نیاز نمیشد به جیبه بفرستند مدار... در خیال در بانک استان پول دارم که پدر می توانست پس از شهادتم تحویل بگیرد به تمام همکامندایم می گویم که من به اراده خود به جیبه آمده ام و آن را حق می دانم و از شما هم می خواهم که راه مرا ادامه بدهید تا قسم اگر خدا با و قبول کرد و به درگاهش راه داد از گمانی که به این انقلاب ضرر زده اند نمی گذرم و روز تمامه جلوس خسان را خواهم گرفت و از خدا می خواهم که حق را از ایشان بگیرد و السلامون اللعوفین

سید محسن حیدر هاشمی

گر سرفا ده سرتگون بیا به رسته	طایق که شدی میان خون بیا به رسته
دو راه رویا چنین چکر با به خورده	دو راه وصال دویسه با چه رسته باز






نام: علی
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: ابوالقاسم
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: بیست و چهارم آذر 1347
محل تولد: روستای شوکت آباد از توابع
شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم تیر 1367
محل شهادت: ابوغریب عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ا استغفار و دعا را از یاد نبرید.
- ا همیشه به یاد خدا باشید.
- ا هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند.
- ا حضورتان را در جبهه های حق علیه باطل ثابت نگهدارید.
- ا به آخرت بیندیشید.
- ا نماز جمعه، دعای کمیل و دعای توسل یادتان نرود.
- ا هر کاری که می کنید فقط برای رضای خدا باشد.
- ا به رهبر عزیزم سلام برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد.

علی حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء والصدیقین

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با درود و سلام به الگوی جامعه بشریت آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت روح الله و خانواده‌های شهدا وصیتی برای امت شهیدپرور دارم اولاً من کوچک‌تر از آن هستم که وصیتی یا پیامی برای امت قهرمان داشته باشم ولی چند نکته به نظر رسید که وظیفه خود می‌دانم که آنها را برای شما بیان کنم: ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (7) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین (7) [و] با هدف شهید شد. ای مادران مبادا از رفتن فرزندان‌تان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نتوانید جواب زینب (3) را بدهید که در روز عاشورا تحمل 72 شهید را نمود. همه باید مثل خاندان وهب¹ جوانان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید. زیرا مادر وهب² فرمود سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم. برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها و تسکین دردهایت و همیشه به یاد خدا باشید و در راه خدا قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست. حضورتان را در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگهدارید و سعی کنید که از دنیا [و] مال و جمال و ثروت دست بکشید و به فکر رفتن از دنیا بوده و به آخرت بیشتر بیندیشید و سعی کنید که آذوقه‌ای برای سفر طولانی جمع کرده تا رستگار شوید. در عظمت امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیشتر بیابید و خود را

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

تسلیم فرامین او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید. سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید¹ تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نکرده و با خدا پیمان می‌بندم که در تمامی عاشوراها و در تمامی کربلاها با حسین (7) همراه باشم و سنگر او را خالی نخواهم کرد تا هنگامی که همه احکام اسلام در زیر پرچم اسلامی امام زمان (عج) به اجرا درآید. در آخر اگر خداوند نیت مرا خالص بداند و بخواهد که در راهش قربانی شوم البته اگر لیاقت داشته باشم باز تکرار می‌کنم که اگر نیتم پاک باشد و شهید محسوب شوم آن‌آنکه پیرو خط سرخ امام حسین (7) و فرزند گرامیش امام عزیز نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند بر من نگریند و بر جنازه من حاضر نشوند اما باشد که دماء شهدا آنان را نیز متحول سازد و به رحمت ایزدی نزدیکشان کند. نماز جمعه، دعای کمیل و دعای توسل یادتان ورود و امیدوارم که همیشه بتوانید در زیر سایه رهبر عظیم‌الشأن² بتوانید به اسلام خدمت کرده و خودتان را از این دنیای زودرس دور کنید و تمامی فکرتان به آخرت باشد و هر کاری که می‌کنید فقط برای رضای خدا باشد و همان طوری که امام عزیزمان فرمودند «مسجد سنگر است سنگرها را حفظ کنید»³ و سعی کنید نمازهایتان را به جماعت و در مساجد بجا آورید. و چند کلمه با خانواده‌ام: سلام بر تو ای مادر مهربانم که برای بزرگ کردن من شب و روز بی‌خوابی کشیدی امیدوارم که اگر خداوند مرا پاک و نیتم را خالص کرد و اگر در راهش قربانی شدم بعد از رفتنم گریه و زاری نکنید و به مردم و آشنایان هم سفارش کن اشک برای امام حسین (7) و 72 تن یارانش بریزند و به آنها بگو که با این اشک ریختن‌ها دشمن و منافقین⁴ را شاد مکنید در آخر مادرم از شما می‌خواهم که مرا به بزرگی خودت ببخش و دعای خیر برایم کن و امیدوارم شما مادر و خواهر عزیزم همچون بانوان صدر اسلام به اسلام و مسلمین خدمت کنید. ضمناً اگر روزی به دیدار امام نایل شدید سلام مرا به امام عزیز برسانید چون من او را یکبار هم از نزدیک

1- در اصل وصیت «بگوئید».

2- در اصل وصیت «عزیزالشأن».

3- صحیفه امام، ج 12، ص 393.

4- رک. تعلیقات.

ندیده‌ام. مادر عزیز به برادرانم بگویند¹ که به مدرسه بروند و به درسشان ادامه بدهند تا بتوانند به این امت شهیدپرور خدمت کنند. در خاتمه تکرار می‌کنم به برادران عزیزم به اقوام و همسایگان بگویند² که اگر کسی از دست من ناراحت و یا ناراضی است ما را به بزرگی خودش بخشیده و قربت³ نماید و از تمامی برادران مسجد امام جعفر صادق (7) التماس و محتاج دعای خیر همگی شما می‌باشم.

«والسلام علیکم و رحمة و برکاته»

علی حیدری

1366/4/4

1- در اصل وصیت «بگویند».

2- در اصل وصیت «بگویند».

3- تعبیر «قربت نمودن» از اصطلاحات بومی منطقه سمنان است به معنی حلال کردن، عفو کردن، بخشیدن.



وصیت نامه

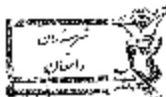
پاسداری شهید

علی حسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله پاسداری شهیدان

باز در سلام و انگیزه بسیار شریف تمام هم زمان از انبیا پرستش و اوست روح الله
 و خانواده های شهادت و وصیتی برای است امید پروردارم، انما الله که یکتر از آن نیستم که
 درستی یا بیایی برای است قرآن در شنیده باشم ولی چند که بنرم رسید که وظیفه
 خود میدانم که آنرا برای ششایان کنم نگوی برانگیزان کنند در قوتاب و کتبت
 که حسین ع در میان نبرو شهید شده، ای جوانان مبارک و عظمت میرید که علی ع در
 محراب عبادت شهید شده، مبارک در حال بی نقص او می میرید که علی اکبر حسین ع
 در باهرف شهید شده ای مادران مبارک از در فتنه نوزد انسان چه بسبب جلوگیری کشید که
 فرزند حضرت زینب امیه جواب زینب بی برادر شهید که در روز عاشورا تحمل و شهید
 را نمود و همه باید مثل خانه این وصیب جوانان را چه بسبب می نبرو شهید و بی شهید



دورا بسم تحویل نگیرید. زیرا داده و سبب فرزندگیری را که در راه خدا داده ام پس بیکبار
 (برادران استخار و دعا را از یاد نبرید که بهترین در ما باشد و تسکین فرود آید و همیشه
 یاد خدا باشد و در راه خدا قدم بریزید و هرگز دشمنان بین شما افتراق نیندازند
 شما از دو صفت مستعد جدا گشته که اگر ضعیف گردند روز بدبختی مسلمانان و روز
 جشن ابرقدرت است) حضرتان را در سببهای حق همیشه با عمل ثابت نگه دارید
 و سعی کنید که از دنیا مال و جاه و ثروت دست بکشید و بگنجانند از دنیا بوده
 و به آخرت بیشتر حدیث کنید و سعی کنید که آذوقه ای برای سفر طولانی جمع کرده تا
 دستگیر شوید. اگر عظمت امام بیشتر بگنجانند و سعی کنید عظمت او را بیشتر
 بیابید و خود را تسبیح فرامین او سازید و صداقت و اخلاص خود را پنهان حفظ
 کنید تا نام ملایه بر عزیزم برسانید و بگویند آخرین تهنیت خود من سنگتراش
 را ترک کرده و با خلیفان می بندم که در تمامی عاشران او در تمامی روزها با حسین
 همراه باشم و سنگتراش خالی نخواهم کرد تا هنگامی که به احکام اسلام در زیر
 پرچم اسدی امام زمان راجع به دنیا برآید. در آخر اگر خداوند نیت مرا
 خالص بداند و سزاوار کند در راستن آری از شوم البته اگر نیت داشته باشم
 باز تکراری کنم که اگر نیتتم پاک باشد و شوم موجب شوم آنرا که سیر و خطا سرنگ

حسین ربیع، دفرزند گرامیش امام عزیز نیستند و به ولایت اداعتقاد ندارند بر
 نگریه و بر جازه من حاضر نشوند اما باشد که ما و شما و آقانان اینز تحویل ساز
 و بر صحت ایزدی نزمیکشان کند که نماز جمعه دعای کبیل و دعای توسل یا
 نزد و امید دارم که همیشه بتوانید زیر سایه رهبر عزیزان ایشان بتوانید به اسلام
 خدمت کرده و خودتان را از این دنیای زود رس دور کنید و تمامی مملکتان
 به آخرت باشد و بر کاری که می کنید فقط برای رضای خدا باشد و به منظوریکه
 امام عزیزتان فرمودند سید سگراست مگر با لحاظ کنید و سعی کنید نماز ایاتان
 را به جماعت و در ساجده بجا آورید و چندانکه با خانواده ام به سلام بر تو
 ای مادر مهربانم که برای بزرگ کردن من شب و روز بخوابی کشیدی امید
 که اگر خداوند مرا پاک و نیکم ترا خالص کرد و او اگر در راهش قربانی شدم بعد از
 رستم قریه و زاری کنید و به مردم و آشنا یان هم سفارش کنی اشک برای
 امام حسین ربیع، و از ۷ تن یادانش بریزند او به آنها بگوید که باین اشک
 ریخته اشمن و منافقین را شام کنید و آخر مارم از شما میخواهم که مرا به بزرگی
 خودت بیشتر دعای خیر برایم کن و امید دارم شما مادر و خواهر عزیزم
 همچون بانوان صدر اسلام به اسلام و مسلمین خدمت کنید. ضمناً اگر

حسین ربیع
 (محل امضاء)

دوئی بدیدار امام نایل شدید سلام مرا به امام عزیزم رسانید چون من
اورا یکبار هم از نزدیک ندیده ام . مادر عزیزم برادرانم بگوئید که به بدین
بروز و به درستان ادا شد باشند تا بتوانند به این است شهید پرور خدمت
کنند و خانه تکراری کنم به برادران عزیزم به اقوام و حسب ایگان بگوئید
که اگر کسی از دست من ناراحت و یا ناراضی است اما به بزرگتر خود
بخشید و به قربت غایب و از غایب برادران مسجد امام جعفر صادق (ع)
و معراج دعای خیر بگوئید تا عرضم .

والسلام علیکم ورحمة و برکاته .

علی حیدری - ۲۴ مارچ ۱۳۶۶



نام: علی اصغر
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: محمدحسن
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: یکم مرداد 1342
محل تولد: روستای دیزج از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش و گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ از شما امت خوب می‌خواهم چه در پشت جبهه و چه در جبهه همچون حسین بن علی (7)
- در صحنه باشید.
- ۱ از رهنمودهای امام سربلندی نکنید.
- ۱ تا آخرین قطره خون خودتان دین اسلام و قرآن را یاری کنید.
- ۱ خواهرانم شما زینب‌وار صبر و استقامت داشته باشید.
- ۱ حضرت حجة‌ابن الحسن عسگری رجاء امت مسلمان است تا شمشیر قیام برکشند.

علی اصغر حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

«ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب»¹.
«پروردگارا گمراه نکن قلوب ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش بر ما از رحمت خودت».

سلام بر آنکه مرا هستی بخشید و سلام بر راهنمایان او که بشریت از جاهلیت به سوی علمیت و آگاهی سوق دادند. سلام بر تمامی پیامبران از آدم تا خاتم و درود و سلام مخصوص بر محمد (6) که به ما هدیه ای گرانبها بخشید اسلام یعنی دین تسلیم و رضا در راه خدا و تحقق بخشیدن به اهداف خلقت انسان به ما ارزانی داشت. و درود² و سلام بر 12 امام برحق و چهارده معصوم گوهر بار که بر عرش و لوح الهی از نور خدا خلقتی یافتند که بعد از سالیان سال گمراهان را به راه هدایت و هدایت یافتگان را به سوی لقاء خداوندی می کشانند.

سلام بر فرزند خلف آنان حضرت حجة ابن الحسن عسکری ارواحنا و ارواحه العالمین له لفداء که رجاء امت مسلمان است تا شمشیر از قیام برکشد بر فرق ستمگران کوبیده تا بساط جهل و نادانی و ظلم و خیانت را درهم پیچیده.

و درود به یگانه نابیش حضرت امام خمینی که ما را از یوغ³ بردگی شاهان 2500 ساله⁴ برهانید و طوق بندگی الله را بر گردن ما آویخت تا قدر و ارزش خویش [را] بدانیم و در راه اهداف⁵ خلقت که عبودیت فی الله است گام برداریم.

1- آل عمران/ 8 .

2- در اصل وصیت «دورد».

3- در اصل وصیت «یوق».

4- در اصل وصیت «25 ساله» است اما سیاق و واقعت تاریخی 2500 ساله است.

5- در اصل وصیت «اهدافی».

و در نهایت سلام بر تمامی شهداء راه خدا از صدر خلقت حضرت آدم تا الان که وصیت‌نامه مرا بر راه روندگان راه حق و [...] ¹ قرائت می‌کند عزیزانی که می‌خواهند قدم در راه خدا برای نصرت دین او بردارند وصیت‌نامه یا پیام هرچند که خود را لایق پیام نمی‌دانم من باب تذکر از شما امت خوب می‌خواهم چه در پشت جبهه و چه در جبهه همچون حسین بن علی (7) در صحنه باشید و تا آخرین قطره خون خودتان دین اسلام و قرآن را یاری کنید و از رهنمودهای امام سرپیچی نکنید ² مبادا قلب امام را از خود برنجانید.

در آخر چند کلامی با پدر و مادرم سخن بگویم پدر عزیزم باید مرا ببخشید چون که شما را زیاد آزار و اذیت ³ کردم و تشکر می‌کنم از زحماتی که برای من کشیدی و مرا بزرگ کردی و مرا تقدیم اسلام کردی.

و اما مادر عزیزم که زحمات بی‌حدی برای من کشیدی از سر شب تا صبح بیدار خوابی کشیدی فکر می‌کنم نخواهم توانست جواب این همه زحمات تو را بدهم امید است با بزرگی خودت مرا ببخشید.

مبادا در تشییع جنازه من گریه کنی که روح مرا آزار دهی همچون فاطمه‌الزهرا (3) صبر داشته باش اما برادرانم عباسعلی و مرتضی از آنها می‌خواهم که اسلحه‌ام را بر زمین نگذارید و ادامه دهنده راه تمام شهدا باشند همچون قاسم ⁴ و اکبر ⁵ در میدان نبرد حاضر باشند و از دستورات امام پیروی کنید.

و اما خواهرانم شما مبادا گریه کنید که قلب دشمن را شاد کنید و روح مرا آزاد دهید [همچون] زینب‌وار صبر و استقامت داشته باشید و ناراحت نباشید که من از میان شما رفتم

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «نکند».

3- در اصل وصیت «عزیت».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

دیگر عرضی ندارم فقط در [...] ¹ [...] ² و پیروی کردن از دستورات امام.

«والسلام³ و علیکم و رحمة و برکاته»

به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام

و من الله توفیق

66/10/16

[...] ⁴ کوچکتان علی اصغر حیدری

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «وسلام».

4- خوانا نیست.



نام: علی اکبر
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: حسینعلی
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: پنجم تیر 1345
محل تولد: روستای علی آباد از توابع شهرستان گرگان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و پنجم خرداد 1363
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: -
مزار: اثری از پیکرش به دست نیامده است

عبارت‌های کلیدی

- ا آماده هستم که به جبهه بروم و از اسلام پاسداری کنم.
- ا حاضرم عزیزترین چیزم را که همین جان ناقابل است فدای اسلام و قرآن کنم.
- ا الان موقع جهاد است.
- ا توصیه می‌کنم امام را مانند مردم کوفه تنها نگذارید.
- ا خواهرانم زینب وار راه من و دیگر شهدا را ادامه دهید.
- ا من این راه را آگاهانه انتخاب کرده‌ام.

علی‌اکبر حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

«والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقاً حسناً و ان الله لهو خیر الرازقین»¹.

«و آنان که در راه خدا از وطن هجرت گزیدند و در این راه کشته شدند یا مرگشان فرا رسیده البته² خدا رزق و روزی نیکویی نصیبشان می‌گرداند که همانا خداوند بهترین روزی‌دهندگان است».

با درود و سلام بر امام زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام بر تمامی شهیدان از صدر اسلام یعنی از هاییل³ تا [...] ⁴ و از حسین (7) تا شهیدان کربلای ایران و با سلام بر تمامی ادامه‌دهندگان راه شهیدان که نمی‌گذارند پرچمی که از دست رزمنده‌ای به پایین می‌افتد به زمین برسد و بعد از آن [...] ⁵ مستحکم‌تر پرچم را به دست می‌گیرند راه⁶ آنها را ادامه می‌دهند الان موقع جهاد است و به ندای حسین زمان لبیک می‌گوییم و برای پاسداری از اسلام و قرآن و حرمت خون پاک شهیدان اسلام آماده می‌شویم تا به جبهه نبرد حق بر علیه باطل برویم.

گروگان گرسنه⁷ به وطنمان حمله‌ور شدند و به ناموسمان رحم نمی‌کنند به بچه شیرخوار هم رحم نمی‌کنند آنها در حقیقت می‌خواهند اسلام را [...] ⁸ ببرند من وظیفه شرعی خود می‌دانم که برای دفاع از اسلام و قرآن و مرز و بوم ایران راهی جبهه شوم و به ندای حسین

1- حج / 58.

2- در اصل وصیت «لبنه».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

6- در اصل وصیت «را».

7- در اصل وصیت «گرسنه».

8- خوانا نیست.

زمانمان یعنی رهبر کبیر لیبیک بگویم. گرچه من در عاشورا نبودم که به ندای حسین که می‌گفت «آیا کسی هست که من را یاری کند»¹ لیبیک بگویم و او را یاری کنم ولی حالا به [ندای] امام زمانمان یعنی خمینی کبیر لیبیک می‌گویم و می‌گویم آری من هستم و الان آماده هستم که به جبهه بروم و از اسلام پاسداری کنم من این راه را آگاهانه انتخاب کرده‌ام و با زور و اجبار این کار را نکرده‌ام وقتی متوجه شدم که اسلام در خطر است حاضرم عزیزترین چیزم [را که] یعنی جان ناقابل‌م است، فدای اسلام و قرآن کنم. گرچه من لیاقت شهید [شدن] را ندارم. اگر خدا خواست و شهید شدم به پدر و مادرم توصیه² می‌کنم گریه و زاری³ نکنید و لباس سیاه بر تن نپوشید و عزاداری⁴ نکنید. بلکه لباس نو بر تن کنید. تسلیت را قبول نکنید تبریک‌ها را قبول کنید. مادر جان در سوگ من گریه نکنی و اگر خواستی گریه کنی برای امام حسین (7) و دیگر یاران امام گریه کن. مادر جان شیرت را حلالم کن و من را ببخش [...]»⁵ از خدا طلب آمرزش گناه کن زیرا که من در این مدت کم [که] عمرم گناه بسیار کرده‌ام. پدرم حلالم کن مرا ببخش که حق فرزندی را خوب ادا نکرده‌ام و آرزوهای تو را نتوانستم جبران کنم من امانتی بودم [نیزم]⁶ از طرف خدا به شما داده شد و شما حق پدر و مادری را خوب ادا [کردید]⁷ خواهرانم شماها زینب‌وار راه من و دیگر شهدا را ادامه دهید در سوگ من گریه نکنید و اگر خواستید گریه کنید برای امام حسین (7) و یاران امام خمینی گریه کنید.

در پایان از تمام برادران و خواهران خواستارم که همیشه پیرو ولایت فقیه و روحانیت باشند و همیشه امام را دعا کنید و در دعاها همیشه بگویید که خدایا خدایا تا انقلاب مهدی

1- ترجمه این عبارت است: «هل من ناصر ینصرنی».

2- در اصل وصیت «توسیه».

3- در اصل وصیت «ذاری».

4- در اصل وصیت «عزاداری».

5- خوانا نیست.

6- عبارت شهید به استناد خط‌خوردگی این بوده «من امانتی بودم و دیگر بچه‌ها نیزم که از» خود شهید در بازخوانی وصیت «و دیگر بچه‌ها ... که» را خط زده و سهواً واژه نیزم را فراموش کرده است خط بزنند. فعل عبارت قبل جمع بوده است زیرا قبل از اصلاح «داده‌ایم» بوده بعداً به «داده شد» تغییر یافته است.

7- فعل «ادا کردید» در اصل وصیت خط‌خوردگی دارد.

خمینی را نگهدار از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای¹.
و در پایان از تمام برادران خواستارم که اگر [...] ² و گله‌ای یا ناراحتی از من دیده‌اند و [دارند] به بزرگی خودشان این کمترین شهید کوچک را ببخشید و از خدا بخواهید که گناهان مرا ببخشد. من چیزی ندارم که بدهم فقط از پدرم می‌خواهم کتاب‌هایم [و] هرچه از من باقی مانده است بفروشد و به مستضعفان بدهند. در آخر باز هم توصیه می‌کنم امام را مانند مردم کوفه تنها نگذارید و همیشه او را دعا کنید و این حقیر کوچک را هم دعا کنید.

«والسلام³ علیکم و رحمة⁴ الله و برکاته⁵»

و به امید پیروزی حق بر باطل

1- در اصل وصیت «بیفزایی».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «وسلام».

4- در اصل وصیت «والرحمت».

5- در اصل وصیت «برکاتو».

صفحه ۲۳

گدیده و فراری نکرده و باطن بسیار جوی گدیده نبودند و عبادت و نماز و کثرت سوره
 لیکن بوی پخت کنند بختی را قبول نکرده و بوی یک کار عبادت را نکرده و سادگان
 در سوگ می گوید نکند و اگر خواستند که ای امام صبی
~~سخت و گدیده~~ از امام گدیده کن یاد در جهان ^{شیر} ~~دو عالم~~ ^{دو عالم} ~~دو عالم~~ ^{دو عالم} ~~دو عالم~~
 تا از خواستد سر زنی گدیده کن زیادت است در این سخت کم تا مردم
 نگاه بسیار کرده ام بدرم دو عالم کن سوراخ بختی که حق فرزند از خود
 ارا نکرده و از روحای تو انتقام هم بگیران کنم ~~دو عالم~~ ~~دو عالم~~ ~~دو عالم~~ ~~دو عالم~~
~~سخت~~ از طرف خوابی دشمنان ^و و منافق بود در مادی از وی
 از کج ~~دو عالم~~ خواص نام شما و در راسی و دیگر نشانی را دادند
 در سوگت کرده نکرده و اگر خواستند که ای امام حسن و از امام صبی
 سوگتید در پایان از تمام بویان و خواص نام خواستارم که صبی

~~بسم الله الرحمن الرحيم~~
~~الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام~~
~~على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين~~

در دعا
بسم الله رب العالمين والصلوة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

هر چه بنویسد که خود این دعا را تا ابد از دست خود خارج نکند از

دشمنان و در برابران از تمام بدیها و آزارها محفوظ بماند

و گدایی یا ناله ای ندیده اند و در روز قیامت خود را در میان

پس شکر گوید که این دعا را از دست خود خارج نکند از دشمنان و در برابران

مستحق است که بجزم فقط از بدیها و آزارها محفوظ بماند

هر چه از من بماند از دست خود خارج نکند و مستحق برود

و از خوارم و ستمم حکم امام زمانم شود که تمام بدیها و آزارها را از من

و ای حق تعالی تو یک دعا کن و سلام علیکم را بر حجت الله و پیر کائنات

در این دعا بنویسد که خود را تا ابد از دست دشمنان و در برابران



نام: علی محمد
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: محمد علی
نام مادر: صدیقه
تاریخ تولد: یکم فروردین 1339
محل تولد: روستای دیزج از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سوم خرداد 1377
محل شهادت: شاهرود
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ا اگر ما لایق آن باشیم و خداوند چنین مرگی (شهادت) را نصیب نماید افتخار بزرگی است.
- ا همسر گرامی ام صبر زینب‌گونه پیش گیر.
- ا دعا برای امام و رزمندگان را فراموش نکنید.
- ا از گناهان بپرهیزید.
- ا با میل و رغبت در این راه (جبهه) گام نهادم
- ا فرزندانم تا آنجا که در توان بود، به تحصیل علم ادامه دهند.
- ا اگر فرزندم پسر بود او را به‌گونه‌ای تربیت نمایید که هر جا مظلومی دید از او دفاع کند

علی محمد حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به محضر مقدس آقا امام زمان (عج) و با درود و سلام به ارواح مطهر شهدا و با سلام به امام امت خمینی بت شکن و با سلام خدمت همسر گرامی ام¹: از آنجا که واجب است هر انسان مسلمان در لحظات پایان زندگی دنیوی وصیت نماید لازم است چند نکته را به عنوان ذکر وصیت خدمت شما عرض نمایم. در وهله اول باید بگوییم که «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»² پس همه چیز رفتنی است هرچه جان دارد باید برود اوست که ازلی و ابدی است پس چه بهتر که این مرگ فی سبیل الله باشد اگر که ما لایق آن باشیم و خداوند چنین مرگی را نصیب نماید افتخار بزرگی است پس اگر چنین افتخاری نصیب شد مبادا زیادی بی‌تابی³ که موجب خوشحالی ضد انقلاب و آزرده‌گی خاطر دوستان است پس صبور باش و صبر زینب‌گونه پیش گیر آنطور که آن بانوی مکرمه با وجودی که تمام برادران و برادرزاده‌هایش را در آن واقعه تاریخ‌ساز آن هم در ظرف چند ساعت از دست داد نستوه و استوار به بلندای تاریخ ایستادگی نمود پس تو نیز چنین باش و الگوی خودت را زینب (3) قرار بده. به امر تربیت و نگهداری فرزندانم رسیدگی کن و آنها را به‌گونه‌ای تربیت کن که نیاز جامعه اسلامی است تا به‌گونه‌ای بار ببینند که افتخار برای اسلام و شما باشند و تا آنجا که در توان بود به تحصیل علم ادامه دهند و قرآن را تأکید می‌کنم حتماً به آنها بیاموزید که خیر دنیا و آخرت در آن است فرزند دیگرم چنانچه به دنیا آمد اگر دختر بود نامش را زینب بگذارید و به او درس استقامت و پایداری بیاموزید و زینب‌گونه تربیت نمایید⁴ تا پیام خون پدر شهیدش را به دوش کشد و چون زینب خطابه بخواند و هر وقت در سیمای او نگرستی به یاد واقعه کربلا افتاده و بر مصائبی که در آن روز بر آن مظلوم

1- در اصل وصیت «گرامیم».

2- عنکبوت / 57.

3- در اصل وصیت «نمائی».

4- در اصل وصیت «نمائید».

شهید و بر آن مظلومه وارد شد بگریید و اگر پسر بود نام او را حسین بگذارید و به او درس عشق و ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی بیاموزید و به گونه‌ای او را تربیت نمایید¹ که هر کجا مظلومی دید از او دفاع کند و بر ظالم بتازد.

[...]² داده توبه نماید که انشاءالله مورد قبول حق تعالی قرار گیرد یک برج حقوقم را در اختیار سپاه بگذارید تا به هرگونه که فرماندهی محترم سپاه صلاح دید مصرف نماید.

پدرم - مادرم - همسرم - برادران و خواهرانم و فرزندانم نمی‌دانم که وقتی خبر شهادت مرا به شما می‌دهند چه حالی دارید در هر حال صبور باشید و صبر پیشه کنید و نماز شکر گزارید و سجده شکر به جای آورید که فرزند - همسر و برادر و پدر شما به راهی قدم گذاشت که رضای خدا در آنست. پدر و مادر عزیزم من برای شما در طول زندگیم فرزند خوبی نبودم و آنطور که شایسته شما بود نتوانستم حق شما را ادا نمایم مرا ببخشید و برایم دعا کنید. همسرم من در طول سه - چهار سال زندگی مشترک با شما شاید آنطور که باید و شاید حق شما را ادا نکردم و در طول زندگی مشترکمان مشکلات زیادی را متحمل شدی شما³ بیش از اینها به گردنم حق داشتید امیدوارم اگر چنانچه نتوانستم حقوق شما و فرزندانم را ادا نمایم مرا ببخشی و برایم دعا کنی و طلب آمرزش نمایی⁴ و برایم قرآن بخوانی که ثوابی هم از آن عاید شما شود و در آن نیمه‌های شب که بچه‌ها شما را از خواب بیدار می‌کنند و بهانه بابا می‌گیرند اگر دلت شکست به یاد ما هم باش و در همان حال برایم دعا کن و مرا حلال کن و در پایان باید بگویم به غیر از مطالب ذکر شده بدهکاری و بگیری [طلبکاری] دیگری ندارم اگر کسی ادعا کرد و کمتر از پانصد تومان بود ممکن است کوتاهی از من بوده حاجت او را برآورید. باز هم مجدد از همه شما حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که برایم دعا کنید و دعا برای امام و رزمندگان را فراموش نکنید از گناهان بپرهیزید تا پیروزی زودتر حاصل شود و باید بگویم آمدن من به جبهه هیچ‌گاه

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- باید از وصیت‌نامه چند سطر افتاده باشد زیرا مطالب از جهت عبارت و موضوع با همدیگر مرتبط نیستند..

3- در اصل وصیت «باشد».

4- در اصل وصیت «نمائی».

اجباری نبود بلکه به میل و رغبت در این راه گام نهادم و هدفی جز یاری دین خدا نداشتم و امیدوارم که این اعمال و بقیه اعمال ما همگی خالص برای خدا باشد و مورد قبول درگاهش قرار گیرد. دو ماه برایم روزه بگیرید و پنج سال نماز بخوانید البته ارقام فوق زیاد هم دقیق نیست از جهتی که دیگر بدهکار نباشم چنین نوشتم. تا آنجا که یادم هست اکثراً به‌جا آوردم، مگر در مواردی که عذر داشتم مثل زمانی که مجروح بودم.

[...] ¹اسلام و جامعه اسلامی باشد نه آنکه خدای نکرده سربار جامعه باشد که اگر انسان سربار مردم شد ملعون است و از تمام دوستان و آشنایان و فامیل‌ها و اقوام که هر کدام به‌گونه‌ای حق به گردن اینجانب داشتند حلالیت بطلبید و سلام مرا به آنها برسانید با مشورت به حساب مالم رسیدگی نمایید ² و اگر شده حاج آقا طاهری را بیاورید حساب کند و مبلغ ده هزار تومان به رمضان بدهکارم به او بپردازید. راجع به باغ هم مخارج من معلوم است و مخارج رمضان هم معلوم. به هر صورت ممکن، حساب کنید و به‌گونه‌ای که موجب اختلاف نشود مسئله را حل نمایید ³ و به میل خودتان به یکی از طرفین واگذار نمایید ⁴ و اگر چنانچه درآمدی حاصل شد مزدش را بردارد و مابقی را اگر شد سالانه هزار تومان صرف پایگاه دیزج یا سپاه شود انتخاب با خود شماست. وسایل زندگی تعلق به خود شما و فرزندانم دارد و هر طور می‌خواهید می‌توانید در مورد آن تصمیم‌گیری نمایید ⁵ بعد از من انتخاب زندگی با پدرم یا خانواده‌ات با خود شماست و آحدی حق ندارد در زندگی شخصی شما دخالت نماید، یا اینکه مانع شما شود و اگر چنین کرد بداند رضایت من در آن نیست. در مورد کتاب‌هایم آنها که مورد نیاز شماست، نگهدارید و مابقی را در اختیار پایگاه دیزج بگذارید از مخارج سنگین در مراسم پرهیز نمایید ⁶ و هزینه آن را صرف و خرج پایگاه کنید. از ورود افراد لالابالی و بی‌تفاوت و کسانی که در زمان حیاتم شاهد

1- باید از وصیت‌نامه چند سطر افتاده باشد زیرا مطالب از جهت عبارت و موضوع با همدیگر مرتبط نیستند..

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- در اصل وصیت «راجب».

4- در اصل وصیت «نمائید».

5- در اصل وصیت «نمائید».

6- در اصل وصیت «نمائید».

دهن کجی آنها به اسلام و انقلاب بوده‌ام در مراسم جلوگیری نمایید¹ و اگر چنین نکردید بدانید که رضایت ندارم این گونه افراد در مراسم شرکت کنند.

همسرم: سعی کن بعد از من اخلاق و رفتارت الگو و نمونه باشد و از تماس با افرادی که ممکن است روحیه رفاه‌طلبی و خوش‌گذرانی را در تو به وجود آورند تا اینکه شما را ضعیف نمایند یا اینکه دارای انحراف و فساد اخلاقی و... یا بدحجاب و بی‌حجاب هستند جداً پرهیز نما اگر چنانچه مراعات نکردی و به طرف آنها رفتی بدان که خود را تباه ساختی و در آخر گفتارم ضمن آرزوی پیروزی نهایی برای رزمندگان اسلام و طول عمر برای امام امت و شفای مجروحین و معلولین و صبر و اجر² برای شما همگی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و به شما و پدر و مادرم هم سفارش می‌کنم مبدا بعد از شهادتم طوری با مردم برخورد نمایید³ که گویا طلبکار هستید نه اینطور نباشد و باز هم می‌گویم در مجالسم اسراف و تبذیر نباشد، سعی شود کمتر خرج شود و یا اینکه در حد متعارف باشد. در پایان باز هم از همه حالیت می‌طلبم و سلام مرا به دوستانم و آشنایان و اقوام برسانید و برایم دعا کنید. دعای کمیل - نماز جمعه و دعای توسل در این مراسم‌ها به یاد ما باشید.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بنده عاصی و گناهکار علی محمد حیدری

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- در اصل وصیت «ارج».

3- در اصل وصیت «نمائید».

تیموری
تیموری

اربع
برهنگال

اسلام و جماعت اسلامی باشد نه آنکه خداوند بفرستد سر بار بیامه باشد که اگر بنا
 سر بار مردم شد ملعون است و از تمام دوستان و آشنایان و اولادها
 و اقوام که هر کدام به تو نذر حق به گردن اینجانب داشتند حلال است
 بظلمت و سلام مرا بده آنجا برسانند با صورت به حساب ما هم رسیدنی نماند
 و اگر شده حاج آقا طاهر را بیاید حساب کند و مبلغ ده هزار تومان به
 رفعتان بدهکارم به او بپردازید واجب به باغ همی خارج من معلوم است
 و مخارج رفعتان هم معلوم به صورت سخن حساب کنید و بگویند اگر چه موجب
 اختلاف نشود مشقه را حل نمائید و به میل خودتان به بقی از طرفین و اگر نشاید
 و اگر خطاچه در اسیر حاصل شد مزد من را بپردازد و ما بقی را اگر شد سالانه هزار
 صرف پانجاه دینار یا سیاه شود انتخاب با خود شماست و سایل از سخن
 نقلی به خود بپردازد و هر طوری خواهید می توانید در مورد آن تصمیم گیر
 نمائید بعد از من انتخاب زندگی یا پدرم یا خانواده است با خود شماست
 و احد حق ندارد در زندگی سخن شما دخالت نماید یا اینکه مانع شما شود
 و اگر چنین کرد بدانند من در آن نیست در مورد کتابها هم
 آنجا که مورد نیاز است بکنند آید و ما بقی را در اختیار پانجاه دینار
 بگذارید از مخارج سنگین در مراسم به هیز نمائید و هزینه آنرا صرف در خرج پانجاه
 کند از بعد از افراد لا ابا می و بی تفاوت و کسانی که در زمان حیاتم سلطه
 دهن کمی آنجا به اسلام و انقلاب بوره ام در مراسم جلوگیری نمائید و اگر
 چنین نکردید بدانید که رضایت ندارم اینکه نه افراد در مراسم شرکت کنند

بدترین گناهان از زندقه است که صاحبش آنرا چو یک نارود اند

بسم الله الرحمن الرحيم
 در حق تعالی خدای عز و جل
 در حق تعالی خدای عز و جل
 در حق تعالی خدای عز و جل

داده تو به نماید که انشاء می کند تسبیح حق تعالی قرار گیرد تا این سبوح
 حقوقم را در اختیار سپاه بگذارد تا به فرموده که فرماندهی مردم سپاه صلاح و
 صرف نماید.

پدیم - مادرم - همسر - برادران و خواهرانم و فرزندانم نمی دهم که وقتی خیر
 شهادت مرا شایسته خواهند چه حالی دارند در حال صبور باشم و صبر
 کند و نماز سکر گزارم و سببه شکر بجا آورم که فرزند - همسر و برادر
 پدیمها به راهی قدم گذاشت که رضای خدا در آنست پدیم و مادر
 عزیزم من بر سر راهم در طول زندگیم فرزند خوبی نبودم و آنطور که سابقه
 سابقه بودنتو انستم حق سارا ادا نمایم مرا ببخشید و برابم دعا کنید - همسر
 من در طول سه چهار سال زندگیم مشترک باشم شاید آنطور که باید
 و شاید حق سارا ادا نکردم و در طول زندگیم شکر تمام استطاعت
 را استعمال نمودن سابقه از اینها به گردم حق داشتید امیدوارم آمرزیدنیانم
 حقوق تمام فرزندانم را ادا نمایم سزا ببخشید و برابم دعا کنید و طلب
 شایسته و برابم قرآن بخوانی که شایسته هم زان نماید شود و در آن نیت
 صحت که بختها سارا را از خواب بیداری کند و بهانه بابای تیر شد آخر
 دولت شکرست بیار ما هم باش و در همان حال برابم دعا کن و مو
 حلال کن و در پایان باید بگویم به غیر از طلب ذکر شده به حکم و بجز
 دیگر ندارم اگر کسی ادعا کرد و گفته از ما خد تو مان بود ممکن است
 کوتاهی از من بوده حاجت او را بر آورده بلزم عهد از همه شما حلال
 بی طلبم و امید دارم که برابم دعا کنید و دعا بر امانم و فرزندگان را فرزند
 نیت از شما هم بپوشاید تا به فرزند زودتر حاصل شود و باید بگویم
 آسمن من به همه عیال اجبار نبود بلکه به میل و رغبت از این
 راه حکام چهارم و هدفی جز یاد دین خدا نداشتم و امید دارم که این اعمال
 و بقیه اعمال ما همی خالص برادر خدا باشد و مورد قبول درگاهش قرار
 گیرد دو ماه برابم بگذرد و پنج سال نماز بخوانید الله ارقام فوق زیاد
 هم دقیق نیست از جهتی که تیر به حکم بنایم چنین نیتم تا آنجا که بگویم
 هست آنرا بجا آوردم مگر در سواد که عذر داشتم قبل زمانی که بود
 انا لله و انا الیه راجعون

حضرت زین العابدین (ع) از فرزند گدایان است که ما پیش آنرا کوچک نهادیم. امام علی (ع)

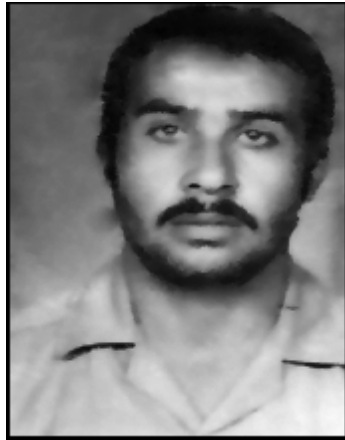
پدیم که برادران با آنجا بخند باید از است... (امام زین العابدین)

از دواعی
بر تالی
تاریخ

همسر: سنی کن بعد از من اخلاق و رفتار است که نمونه باشد و از تماس با افرادی
 که ممکن است با روحیه رفاه طلبی و خوش گذرانی را در خود به خود آفریند
 تا اینکه شما را ضعیف نمایند یا اینکه در احوال و رفتار اخلاقی و
 یا به حجاب و بی حجاب هستند جدا بر همین نما اگر چنانچه مراسم
 مکرری و به طرف آنها رفتی بدان که خود را تباه ساختی و در آخر مقام
 ضمن آن مردی بر دین نهائی برابر رزقندگان اسلام و طول عمر برابر امام
 است و سفارش بر روحین و سلولین و مبرورین برابر ساجدین است
 را اختیار بزرگ می سازم و به شما و به یارانم هم سفارش می کنم
 مبارک بعد از شما و هم طور با مردم بر خود و نماینده خود یا طلبگر
 هستید نه اینطور نیست و باز هم می گویم در هیچ قسم اسراف و تبذیر
 نباشد سنی سواد کمتر خرج نشود و یا اینکه در حد متعارف باشد
 در بیان بزرگ از همه علالت می طلبیم و سلام مرا به دوستانم و
 استقبالیان و اقوام برسانید و بایم دعا کنید دعا کنیم سلام همه
 و دعا توسل در این مراسم بیادماند
 والسلام علی من اتبع الهدی
 خدایا استغفر الله بجمع منی را بگردان
 بفرده عاصی در گناه کار علی محمد حیدری
 تماس دعا

نخست ترین کتاب (توضیح کتاب) است که صاحب آنرا چاک بنامد. امام علی (ع)

بدین است که بر این باور است. امام حسین (ع)



نام: محمد
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: حسن
نام مادر: کبرا
تاریخ تولد: ششم اردیبهشت 1340
محل تولد: روستای دستجرد از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و دوم تیر 1361
محل شهادت: پاسگاه زید عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ا نمی توانستم به خود بقبولانم که برادران خودم در مرزها شهید شوند و من شاهد این باشم.
- ا من از آقا و سرورم حسین (7) درس مبارزه و جهاد و درس شهادت آموختم.
- ا شهادت یک انتخاب است نه یک اتفاق.
- ا خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر.
- ا ما برای خاک نمی جنگیم برای اسلام می جنگیم.
- ا باید اسلام را به تمام جهان صادر کنیم.
- ا فضائل اخلاقی را کسب کنید و رذائل اخلاقی را از خود برانید.

محمد حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده و مهربان و درهم کوبنده ستمگران و ظالمان

«انا لله و انا اليه¹ راجعون»².

«ما از آن خدا هستیم و به سوی خدا بازمی گردیم».

وصیت نامه سرباز محمد حیدری

با سلام و درود به رهبر انقلاب ایران امام خمینی و سلام به روح [و] روان پاک شهیدان راه اسلام و سلام به پدر و مادر گرامی ام³.

این وصیت نامه را هنگامی می نویسم که در سنگر اسلام علیه کفر نشسته ام و از اینکه مشاهده کرده بودم و می کنم که عده ای اجنبی پرست و خائن و مزدور وابسته به ابرقدرت های شوروی و آمریکا یعنی بعث عراق و صدام خائن افرادشان را در خاک ما مستقر کرده اند بیزارم. پدر و مادر عزیزم از اینکه حس می کردم در مکانی راحت قرار بگیرم و در سنگر نباشم غمگین بودم من نمی توانستم به خود بقبولانم که برادران خودم در مرزها شهید شوند و من هر روز شاهد این باشم که فلان قدر کشته یا فلان قدر زخمی شدند. پدر و مادر داغدارم چگونه من می توانستم مشاهده کنم که هر روز عده ای از بهترین جوانان ما کشته می شوند و من به کارهای روزمره مشغول باشم. می دانم که از دست دادن من شاید سنگین باشد ولی مگر غم از دست دادن حسین (7) و فاطمه زهرا (3) سنگین نبود مگر آنها نبودند که کشته شدند تا دین اسلام پابرجا بماند. من هم به نوبه خود از آقا و سرورم حسین (7) درس مبارزه و جهاد و درس شهادت آموختم. من آموختم که زندگی مادی نکبت بار است و نباید منتظر مرگ باشم. بلکه باید به سراغ مرگ بروم. مگر انسان یک دفعه بیشتر می میرد، پس چه بهتر که آن هم در راه خدا باشد. در اینجا شما را قسم

1- در اصل وصیت «علیه».

2- بقره/ 156.

3- در اصل وصیت «گرامیم».

می‌دهم که نگران از دست رفتن من نباشید. برادران دیگر جای مرا پر خواهند کرد. ولی یادتان باشد که خانواده‌هایی بودند که همه فرزندانشان را در این راه فدا کردند و هیچ‌کس به ابرو نیاوردند. آن پیرمردی که 65 ساله بود و 4 فرزندش را برای خدمت به اسلام و جهاد در راه خدا به‌سوی جبهه‌های اسلام علیه کفر روانه کرد به یاد آورید آگاه باشید شما مبادا پشیمان شوید و از بابت کشته شدن من به کسی بد و بی‌راه [بدهید] مبادا دلسرد شوید. بدانید که کسانی که در راه خدا قیام کردند همیشه پیروزند.

«والسلام¹ علیکم و رحمة الله و برکاته²»

(الا ان حزب الله هم الغالبون)³

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم رب الشهداء و الصالحین

«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون»⁴.

حمد و سپاس بر خدای باری تعالی. درود خدا بر محمد (6) درود بر مهدی (عج) و سلام بر نایب برحقش روح خدا سلام بر شهیدان و معلولین و مجروحین انقلاب جهانی اسلام. شهادت هدیه‌ای است الهی برای کسانی که لایق آن باشند.

امام خمینی: این راهی⁵ است که باید طی گردد، سفری است که باید به پایان برسد. پس چرا و به کدامین دلیل که پایانمان مانند علی (7) و حسین (7) شهید نباشد. آری چرا زندگی ننگین و زودگذر را ترجیح دهیم بر مرگ سرخ. بلی شهادت یک انتخاب است نه یک اتفاق. شهید انتخاب می‌کند. شهید آزمایش می‌شود. امتحان می‌دهد خدای تبارک و تعالی به انسان آزادی داده است تا انتخاب کند. رضای الهی را یا رضایت شیطان سعادت

1- در اصل وصیت «وسلام».

2- در اصل وصیت «برکاتو».

3- مانده / 56.

4- آل عمران / 169.

5- در اصل وصیت «رهی».

6- در اصل وصیت «مانند علی (7) نباشد». واژه «نباشد» حذف شد.

در راه خدا یا مردن در بستر مسلمین بدانید و به همه بگویند¹ اجباری در کار من نبود، بلکه با آگاهی کامل و هدفی مشخص پای در میدان آزمایش می‌نهم و شعارم (لا اله الا الله محمداً رسول الله) را به مرحله عمل درمی‌آورم. آنقدر می‌جنگم تا جانم را فدای او بکنم، تا از من راضی بشود. چرا در زیر بار سنگین گناهان مانده‌ام و به هر سو نظر می‌کنم به هر راهی می‌روم شیطان را می‌بینم مگر یک راه، راه خمینی راه الله اگر خدا بخواهد آغاز می‌کنم جهاد و شهادتم را و اگر این فریضه‌ام صورت بگیرد و شایستگی و لیاقت آن را داشته باشم پای در راه خدا نهاده و کارزار کنم برای خدا² مورد لطف و عنایت خدا قرار بگیرم آن وقت است که این جسم متحرک به ظاهر زنده می‌میرد و زنده می‌شوم، تولد می‌یابم و زندگی حقیقی و جاوید خود را شروع می‌کنم چه زیباست چه باشکوه است³ آن‌گونه تولد یافتن چه غرورانگیز است این‌گونه زیستن خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر و از شما مسلمانان می‌خواهم امام را تنها نگذارید از این سنگر آزادی و عدالت و حامی مستضعفان حمایت کنید و دست در دست هم با وحدت آهنین خود با قدرت‌های استوار برخیزید و امر جهاد خود را به‌جای آورید و از جنگ و شهادت نهراسید و بر شیطان‌های غرب و شرق و اسرائیل جنایتکار بشورید و دست این خون‌آشامان را از سر کشورهای اسلامی کوتاه کنید و راه را برای دست یافتن به زمین مقدس قدس هموار سازید این را هم باید بدانید که ما برای خاک نمی‌جنگیم بلکه برای اسلام می‌جنگیم و باید اسلام را به تمام جهان صادر کنیم سعی کنید فضائل اخلاقی را کسب کنید و رذائل اخلاقی را از خود برانید.

در پایان چند کلام⁴ با پدر مهربانم و مادر عزیزم دارم سلام بر شما پدر و تو ای مادر نتوانستم به آن صورت که رضای خداست رضای شما را جلب کنم به‌جز اینکه موجب نارضایتی آزار شما بودم حلالم کنید و در فقدان من کاری نکنید که روحم را آزار دهید و

1- در اصل وصیت «بگویند».

2- در اصل وصیت «در» وجود دارد. واژه «در» حذف شد.

3- در اصل وصیت «باشکوهست».

4- در اصل وصیت «کلمه».

منافقین را که هیچ نمی‌فهمند خوشحال کنید افتخار کنید و سرافراز باشید که فرزندتان چنین سعادت‌ی را یافته و از هیچ‌کس تسلیت نگیرید و به همه بگویید¹ به شما تبریک بگویند. چرا که من تولد یافته‌ام، خرما ندهید به‌جای خرما شیرینی بدهید، چرا که من نمرده‌ام بلکه به گفته خدا زنده‌ام چرا که مرده آن است که او را نکشند. از تمام برادران و خواهران و دوستان می‌خواهم اگر طلبی از من دارند آزاری و یا حرکتی ناخوشایند از من دیده‌اند حلالم کنند مقدار پولی در بانک گران و در شاهرود است قدری را صرف نماز روزه قضایم نمایید² و ازدیاد آن را خودتان هر [کار]³ می‌خواهید بکنید.

مادر و پدر و خانمان را چه کند⁴
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

آنکس که تو را شناخت جان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی⁵

خداحافظ و نگهدار همگی شما
یادش زنده و راهش جاوید باد

در روز 21 ماه مبارک رمضان روز شهادت امام علی (7) مورخه 1361/4/23
ببخشید که نزدیک عملیات بود وقت نداشتم پاک‌نویس کنم.
محل دفن را تعیین نمایید⁶.

1- در اصل وصیت «بگوئید».

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- در اصل وصیت «طور».

4- در اصل وصیت مصرع دوم رباعی چنین است: «مادر و پدر و خانمان را چه کند» در این صورت وزن شعر به هم می‌خورد. شعر از خواجه عبدالله انصاری عارف بزرگ قرن 5 ه. معروف به پیر هرات.

5- در اصل وصیت «بخش».

6- در اصل وصیت «فرمائید».

بِإِذْنِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَنَا اللَّهُ وَإِنَّا عَلَيْهِ رَاجِعُونَ
 ما از آن خدا هستیم و به سوی خدا بازمیگردیم



مرکز اسنادی آثار سمنان

وعلیت نامند سر بار محمد ^ص
 ما اسلام و دین را در راه آن فدا کردیم و در راه آن جانها را فدا کردیم و در راه آن
 اسلام به پدر و مادر و بزرگان ما
 این وصیت ما را هنگامی می نویسیم که در منزلت اسلام علیه کفر میفکندیم از اینکه مشاهده کرده بودیم
 و می دانستیم که عده ای از این چنین پرست و خائن و مزدور و وابسته با برنده رنهای شوروی و آمریکا یعنی جیش
 عراق و صدام خائن از ازدان را در خاک ما مستقر کرده اند میرا می پندارند و ما در عزیمت از اینکه حس می کردیم
 ذره کانی راحت تر از بگیریم و در سنگر نباشیم محکمین بر این می نماندیم به خود بقیه و لازم که برادران خود
 در میزها شهید شوند و روزی هر روز شاهد این می باشیم که لاله قدرگشته یا فدا قدر زحمی شده به پروردگار دانغلام
 چگونه می توانستیم مشاهده کنیم که هر روز عده ای از بهرین جوانان ماکتبه می شوند و سن به کارهای روز روز
 مشغول باشیم می دانیم که از دست دادن من شاید سنگین باشد ولی اگر غم از دست دادن «حسین» (ع)
 زانکه زهر سنگین نبود مگر آنرا نبوده اند که گشته شد تا دین اسلام پایدار با نماند من هم به مؤمنان
 از آقا و سرورم حسین (ع) در من مبارزه و جهاد و در من شهادت آمر ختم من آمر ختم کن زندگی
 ما در فکلیت بار است و نباید منتظر مرگ باشم بلکه باید برانگیزیم مرگ میوه مگر انسان دوست
 بیشتر می میوه پس چه بهتر که آن هم در راه خدا باشد در اینجا شما را قسم می دهم که نگران از دست
 رفتن من نباشید



بجز این جای مرا بر خواهند کرد ولی یادتان باشد که خانواده‌هایی بودند که همه فرزندان
مرا اسناد ایثارگران
را در این راه فدا کردند و هیچ‌کس نمی‌داند آن پیر مردی که ۶۵ ساله بود و فرزندش،
را بران خدمت با اسلام و برادر راه خدا بسوی جبهه‌ها با اسلام علیه کفر روانه کرد بیاد آورید
آگاه باشید شا مبادا پیشمان شوید و از بابت کشتن من بلبس بدو بی راه بهید
مبادا دلسرد بشوید بدانند که کسانیکه در راه خدا قیام کردند همیشه پیروزند

(۷۱ ان حزب الله المفلحون)

و سلام علیکم بر همه صالح و برکات


 بِسْمِ رَبِّ الشُّهُدَاءِ الصَّالِحِينَ وَصِيَّةُ امِّهِ سِرِّ بَارِزِ وَطَنِيَّةِ مُحَمَّدٍ
 وَكَتَابَةِ الدِّينِ قَبْلَ أَنْ يَنْبَسِلَ اللَّهُ أَمْوَئًا بَلَّ أَحْيَاءَهُمْ خَيْرًا مِنْ مَرْتَدِّ قُلُوبِهِمْ
 مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
 حمد و سپاس پر خدای باری تعالی، درود خدا بر محمد (ص) درود بر مهدی (عج) و
 سلام بر نایب برحقش روح خدا سلام بر شومیه ان و معلولین و معجز حسین از آل بیت
 جوانی اسلام: شهادت هدیه‌ای است الهی برای کسانی که لایق آن باشند
 اهل خمینی؛ این ره است که باید طی گردد سفر است که باید به پایان برسد پس
 چرا و به کدامین دلیل که با یارانمان مانند علی (ع) نباشد حسین شهمیه نباشد
 آری چرا زندگی سنگین و زرد کند را بر جمع دهیم بر برگ سرخ: بلی شهادت یک
 انتخاب است نه یک اتفاق شهید انتخاب هر کس که شهید آرزایش می‌شود
 امتحان می‌دهد خدای تبارک و تعالی به انسان آزاده است تا انتخاب
 کند رضای الهی را یا رضایت شیطان سعادت در راه خدا یا مردن در بستر
 مسلمین بدانند و به همه بگوئید اجبار در کار من نبود بلکه با آگاهی کامل

سوره حمد



بسم الله الرحمن الرحيم
 محمد رسول الله را به رحله عمل در می آورم آنقدر من جنگم تا جایی که خداوند
 بکنم: از من راضی بشود چقدر زهر بار سنگین گناهان مانده ام در هر سو
 نظرم کم به هر راهی میروم شیطان را می بینم مگر یک راه راه خپنی را. الله
 اگر خدا بخواهد آغاز می کنم جهاد و شهادت را و اگر این فریضه ام صورت بگیرد
 شایستگی و لیاقت آن را داشته باشم پای در راه خدا نهاده و کارزار کنم بر این خدا
 در مورد لطف و عنایت خدا اقرار بگیرم آنوقت است که این جسم مشرک به
 ظاهر زنده می میرد و زنده می شوم قوله می یابم و زندگی حقیقی و جاوید خود را
 شروع میکنم چه زیباست چه با شکوه است آنگونه توله یافتن چه نور انگیز است
 اینگونه زیستن خدا یا شهادت را در راه اسلام و قرآن است بپذیر و از شما
 مسلمانان می خواهم اسام را تنها نگذارید از این سنگترازان و عدالت رحمان



حسین حاییت کفیه و دست در دست هم با وحدت آهنین خود با قدرتهای
 استوار بر خیزید و امر جهاد خود را به جاس آورید و از جنبه و شهادت نهراسید
 و بر شیطانهای غرب و شرق و اسرائیل جنایتکار بشورید و دست این خرد آشفته
 را از سر کشتن راهان اسلام کوتاه کنید و راه را بر این دست یافتن به زمین مقدس
 قدس هموار سازید این راهم باید بلا نسیله که ما برای خاک می جنگیم بلکه بر این اسلام
 می جنگیم و باید اسلام را به تمام جهان صادر کنیم پس کفیه فعالان اخلاقی را کسب کنید
 و ردائل اخلاقی را از خود برانید در پایان چند کلمه باید مهربانم و صادر عزیزم دارم
 سلام بر شما پدر و توان صادر نتوانستم به آن صورتی که رفای خداست رضای شما
 را جلب کنم به جز اینکه موجب نارضایتی آزار شما بدم هلاکم کنید و در فقدان من
 کار نکنید که رجم را آزار دهید و منافقین را که هیچ نمی فهمند خوشحال کنید افتخار
 کنید و سزاوار با نشید که فرزندان چنین سعادتی را یافته و از هیچکس تسلیم



نگارنده در همه بلونی به شاه تبریکت بگویم چرا که من تولد یا قسام خرما ندیده به جای
 فریاد شیرین بهیچ چرا که من نمرده ام بلکه به گفته خدا زنده ام چرا که مرده آن است که او را
 نکشت از تمام برادران و خواهران و دوستان من خواهم اگر طلبی از من دلزن آزاری و ما
 حرکتی ناخوشا پسند از من دیده اند حلام کتبه مقدار پولی در بانک گرگان و در شاهرد است
 قدری را صرف نماز و روزه تقییم نمائید و از دیاد آن را خودتان هر طور میخواهید بکنید
 آنکس که ثورا شناخت جان را چه کند ما در و پدر و خان نوان را چه کند

[Redacted signature]

محل دفن را تعیین فرمائید

دیرا ز کنی مردد جیاشش بفتش دیوانه تر هر دو جهان را چه کند

خدا حافظ و نگهدار همی شا
 یادش زنده ورامتت جاویه باد

در روز ۲۱ ماه سبتمبر رمضان روز شهادت امام علی (ع)

سرگذشت ۲۴ رزم ۱۳۶۱

[Signature]

[Signature]

بیشتر که نزدیک عملیات بود وقت نداشتم در پاکت نویسی کنم

نام: محمد تقی
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: حسین
نام مادر: شهربانو
تاریخ تولد: پانزدهم اردیبهشت 1337
محل تولد: روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هجدهم اسفند 1362
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: بمباران شیمیایی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا برای ما و امثال ما شهادت بزرگ ترین افتخار است.
- ا دست از یاری امام برندارید که یاری امام یاری حسین (7) است.
- ا شهادت جز زندگی جاودانه و سعادت مند نیست.
- ا فقط جانبازی پیروان حسین (7) است که می تواند اسلام را حفظ کند.
- ا اطاعت نکردن از امام اطاعت از یزید است.
- ا من مقلد روح الله هستم.
- ا حضور در جبهه را تکلیف شرعی خود می دانم

محمدتقی حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

«الذین آمنوا¹ و هاجروا² و جاهدوا³ فی سبیل الله باموالهم⁴ و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون»⁵.

«کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند⁶ در راه خدا با مالشان ثروتشان و جانشان آنان مقام بزرگی نزد خدا دارند و به درستی که آنان از رستگارانند».

با درود بر پیامبران الهی و درود بر امامان شیعه و درود بر نایب برحق امام زمان (عج) امام خمینی روح خدا. با سلام بر شهیدان و ملت شهیدپرور ایران، چند جمله‌ای را به‌عنوان وصیت به شما برادران و خواهران دینی می‌گویم: این حقیر مقلد روح‌الله هستم و به فرمان او و برای رضای خدا [ست] که عازم جبهه شدم و امیدوارم⁷ که توانسته باشم تکلیف شرعی خود را در این راه بزرگ برای اسلام عزیز به نحو احسن انجام داده باشم. برادران و خواهران، اسلام امروز در خطر است و فقط جان‌بازی رزمندگان بی‌باک اسلام و پیروان حسین (7) است که می‌تواند اسلام را حفظ کند. بنابراین ما را چه باک از شهادت در این راه بزرگ. وقتی که پیامبران و امامان ما برای پیاده شدن احکام اسلام به شهادت رسیدند و چون ما پیرو راه انبیاییم⁸. پس برای ما و امثال ماها شهادت بزرگ‌ترین افتخار است. مردم شهیدپرور و قهرمان دست از یاری امام برندارید که یاری امام یاری امام حسین (7) است

1- در اصل وصیت «آمنو».

2- در اصل وصیت «هاجرو».

3- در اصل وصیت «جاهدو».

4- در اصل وصیت «به اموالهم».

5- توبه/ 20.

6- در اصل وصیت «نبودند».

7- در اصل وصیت برخی حروف کلمه امیدوارم افتاده است.

8- در اصل وصیت «انبیائیم».

و اطاعت نکردن او اطاعت از یزید است پس از امام اطاعت کنید که اگر اطاعت نکنید مورد عذاب الهی که عذابی بس عظیم است قرار خواهید گرفت. پدرم و مادر و همسر و فامیل‌های عزیزم ناراحت نباشید که من در این راه که راهی جز راه اسلام نیست شهید شده‌ام زیرا زندگی جاودانه و سعادت‌مند چیزی نیست جز شهادت در راه خدا و شما ندای قرآن را سر دهید که «انا لله و انا الیه راجعون»¹ که همه ما خواهیم رفت پس چه بهتر که در مسیر رفتن شهادت را برگزینیم که شهادت بهترین و جاودانه‌ترین زندگی سعادت‌مندان است. در ضمن قابل تذکر است که بعد از من سرپرست و قیم خانواده‌ام پدرم خواهد بود.

«والسلام»

به امید روزی که پرچم خونین اسلام در سرتاسر جهان به اهتزاز² درآید

61/7/24

محمدتقی حیدری

1- بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «احتزاز».

بسم الله الرحمن الرحيم
بیتام خداوند بخشنده مهربان
الذین آمنوا و هاجروا و باهروا و فی سبیل الله اموالهم و انفسهم اعظم درجه عند اللہ و اولئک

صفت و وصیت نامه نیراده محمد تقی حیدری

هم الفاتحه

کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و جانی نبودند در راه خدا یا با لسان در درستان و درستان
آن مقام بزرگی نزد خدا دارند و بدرستی آنانی از سستی کار خنده

با وجود بر بیایم آن الهی عدد و در املین شیعه و در و در نا شب حق امام زمان (عج) تمام حقی

خدا بسلام بر سیدان و علما شهید بود و برای این، خند جلای را با عنوان و وصیت بنام نیراده

و خولهران نیست که ایم این حقیر مقلد روح القدس بود فرسان بود برای رضای خدای علامه حبه و سیدم


ما دوام که تکیه است بسم تکلیف بر می دهد و در این راه بزرگ برای اسلام بر می خیزم و حسن انجام ده

بسم برادران و خواهران اسلام امروز در خطر است و عطا بماند و رزندگان بر بانی اسلام

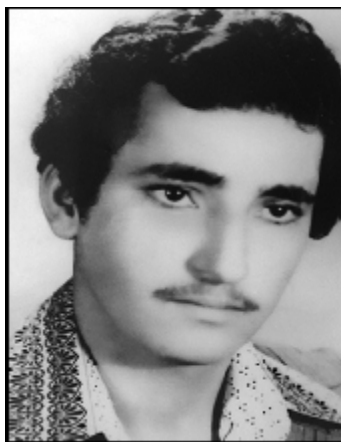
و پیروان حسین است که می تواند اسلام را حفظ کند بنا بر این من را چه با که از شهدا است در راه حسین علیه السلام
و عتق و پیروان و اسامی برای پیاده شدن احکام اسلام در بهادت رسیدن همچون سایر روحانیان است

برای ما مثال به یادش حالت بزرگترین اعتماد است مردم شنیدند برور چشمه زان دست از داری اسلام
 برودن آید که یاری اسلام با روی اسلام حسین اعجاز است با طاعت مکتوب در اوطاع تحت نظر مرید است پس از امام امامت
 کیست اگر امامت کشید مورد عذاب الهی که عذای پس عظیم است ترازو اخیر گشت پدرم جفا بود همسر
 در غایتها و غریبم شریعتی است که من در این راه که راهی جز راه اسلام نیست و شهید شده ام و نیز از دوستی
 خودمان و سعادت همه چیز نیست جز شهادت در راه خدا و شما انداز قرآن را سرده یک کلاه الله ان الله اعلم
 که هفت ماه اولیم بخت پس چه بیشتر که در مسیر رفتن شهادت را برکنیم که شهادت بیشتر است و جاد است
 زنده گزین سعادت زنده است در سخن خانی که گویند است که بعد از من کسی نیست که قیم خا براده ام پریم

خواهد بود (والسلام) به امید روزی که دریم خودین اسلام در سرتا سر جهان

باجه از تقاضای
 ۲۴ ۷۷۱


نام: محمدرضا
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: حسن
نام مادر: بی بی نسا
تاریخ تولد: بیست و چهارم آبان 1339
محل تولد: روستای دستجرد از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و پنجم فروردین 1362
محل شهادت: شرفانی عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ در حق امام دعا کنید.
- ۱ آرزو داشتیم به شهادت برسیم.
- ۱ خواهرم پس از شهادت من صبر انقلابی داشته باشید.
- ۱ برادرم از تو می خواهم که راه امام را که راه الله است، ادامه دهی.

محمدرضا حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بزرگ پاسدار خون شهیدان

وصیت‌نامه یک سرباز محمدرضا حیدری. وصیت به پدر و مادر بزرگووارم امیدوارم که مرا ببخشید و در حق امام دعا کنید در حق من دعا کنید که خداوند مرا ببخشد و تو ای همسر مهربانم دوستت دارم برای همیشه تو یک وظیفه‌ای داری یادگار آینده من را یعنی فرزندمان که توی راه است او را خوب تربیت کنید و در راه الله تربیت¹ شود. در آخر از همگی شما خداحافظی می‌کنم و امیدوارم که مرا ببخشید² و تو ای برادر مهربانم [تو] در سنگر مدرسه راه مرا ادامه دهی از تو می‌خواهم در حق امام دعا کن و در حق من هم دعا کن که به آرزویی³ که داشتم برسم یعنی شهادت. دوستت دارم برای همیشه. [و] از تو می‌خواهم که شب‌های جمعه به سر خاکم بیا و از خدا طلب آمرزش بخواه تا مرا ببخشد و در آخر از تو می‌خواهم که راه امام را که راه الله است، ادامه دهی و روح مرا شاد کنی و مهم‌تر از همه در حق امام دعا کن. روز و شب صبح و شام در سر نمازها.

و در آخر آخرین خداحافظی را می‌کنم خدا یار [و] نگهدارتان باد. و از پدر و مادر می‌خواهم که مرا ببخشند و اما شما خواهران عزیزم می‌دانم که سخت می‌گذرد به شما. ولی صبر انقلابی داشته باشید. در آخر از همه شما می‌خواهم که در عزای من گریه نکنید.

خداحافظ

رضا 62/1/21

1- در اصل وصیت «تربت».

2- در اصل وصیت «ببخشد».

3- در اصل وصیت «آرزوی».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 بِ نَآمِ خُدَاوندِ بَزرگِ پادشاهِ خَوَالِ کَیْدِ اَل

وصیت نامدیک سر باز میرزا رضا حیدر در وصیت بی پر رومار در بزرگوار

امید وارم که مرا ببخشید و در حق امام را کینه در حق من دعائیند که

خداوند مرا ببخشید و تو را همسر و من را هم دوست دارم بر این مسمی

تو یک و طبعه دارم با و کنار کینه من را بعضی فرزندان که کول

راه است او را خوب تربیت کینه و در راه علی است تربیت

بود در آن روزها که ما ضابطان فتنه هستیم و امیدوارم که مرا

ببخشید و تو را برادر مهر با من تو در کنگر میرزا سر راه مرا ارامه من از

تو من خواهم در حق امام را کین و در حق من هم دعائین که بر آن روز

که در آنم تبریک بعضی نهادت دوست دارم بر این مسمی

در آخر آفرین خدا حافظ را امر کنم خدا یا زنده ارتان بار

و از پدر ما در می خوانم که هر انبختی و اما شایعاً امر این عزیزم

می دانم که سنت هر کس در دنیا و بی عیب انقدری داشته باشد

در آخر از همه شایعاً خوانم که در عمر این عزیزم

خدا حافظ رضا ۱۲۱، ۱۲۲

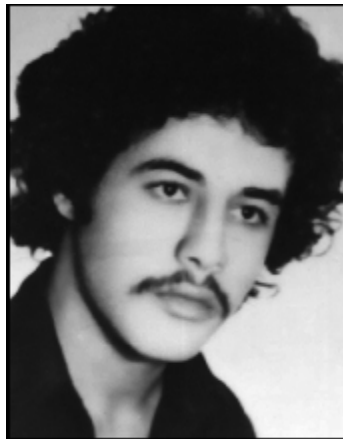
بچه و از تو می خوانم که سبحان جمیع بگویم بیا و از خدا

طلب آرزوی بخوان تا مرا بخشند و در آخر از تو می خوانم

راه امام و راه الله است اما هر دو روح می باشد این

و ضمیر از همه روح امام کمالی روز و شب صبح و شب در هر جا

نام: یحیی
نام خانوادگی: حیدری
نام پدر: مهدی
نام مادر: عصمت
تاریخ تولد: هشتم فروردین 1338
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: سی ام مهر 1358
محل شهادت: محور پیرانشهر - سردشت
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ من در لباس مقدس سربازی تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهم کرد.
- ۱ من امانتی از سوی خدا نزد شما هستم.
- ۱ امام علی (7) می‌فرماید: «بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید.»
- ۱ به خدا سوگند خدا را حس می‌کنم و می‌روم به سویش

یحیی حیدری

بسم الله الرحمن الرحيم

خطاب به پدر و مادر، آری به خدایی¹ که من و تو را آفرید سوگند که خدا را حس می‌کنم و می‌روم به‌سویش خداوند به شما دو وظیفه داده و شما هر طوری که آن دو وظیفه را انجام دهید، خداوند شما را امتحان می‌کند.

1- امانتی به شما می‌دهد شما باید آن امانت را بزرگ کنید و راه الله را به آن پیامزید و آن را تحویل جامعه دهید تا قدمی استوار برای اسلام بردارد که الحمدالله پیروز و سربلند شدید و من در لباس مقدس سربازی تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهم کرد علیه ظلم و دومین آزمایش این است: اگر من لیاقت شهادت داشتم و شهید شدم [و] شما در موقع پس دادن امانت ناراحت نشوید، به خدا نزدیک شده‌اید و در این آزمایش هم پیروز شده‌اید.

خطاب به دوستان و هم‌زمان.

امیرمؤمنان علی (7) می‌فرماید: «خود را از تن دادن به پستی برکنار دار اگرچه تو را به مقصود برساند زیرا هیچ‌گاه سرمایه‌ای را که در این راه از کف می‌دهی به چیزی جبران نتوانی کرد و بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید»².

«والسلام»

یحیی حیدری

1- در اصل وصیت «خدائی».

2- عبارتی که شهید بدان اشاره کرده ترجمه‌ای آزاد از فرازی از نامه حضرت علی (7) است به فرزندشان حضرت امام حسن (7) «وَ اَكْرَمَ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دُنْيَا وَ اِنْ سَأَلْتَهُ اِلَى الرَّغَائِبِ فَانْكَ لَنْ تَعْتَاظَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَ لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرًّا»، نامه 31، نهج‌البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، ص 304.



بتجلی

قسمتی از وصیت‌نامه شهید یحیی حیدری
درجه سر باز تاریخ شهادت ۵۹/۷/۳ محل شهادت پیرانشهر

(خطاب به پدر و مادر، آری بخدائی که من و تو را آفرید سوگند که خدا را حس میکنم
و میروم بسویش خداوند به‌شماره و تلیقه داده شه‌ا هر تنوری که آن دو وظیفه را انجام
دهید، خداوند شما را امتحان می‌کند.

۱- ایمانی به شما میدهد شما باید آن امانت را بزرگی کنید و راه ... را به آن پیام‌زبان
و آنرا تحویل جامعه دهید تا قدمی استوار برای اسلام بر دارد که الحمدلله... پیروز و
سر بلند شدید و من در لباس مقدس سر باری تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهم کرد
علیه ظالم و دومیین آزمايش این است: اگر من ثبات شهادت داشتم و دهید شدم و شما در
موقع پس دادن امانت ناراحت نشوید، بخدا از دیک شده آید و در این آزمايش هم پیروز شده‌اید.
خطاب به دوستان و هم‌زمان.

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید خود را ازین دادن به پستی برکنار دار اگر چه تو را به
متصور برساند زیرا هیچگاه سرمایه‌ای را که در این راه از کف میدهی به چیزی جبران
نوانی، کرد و بنده دیگری می‌باش که خدا تو را آزاد آفرید.

والسلام: یحیی حیدری

واحد فرهنگی بنیاد عقیدت‌الانقلاب اسلامی همدان

نام: علی
نام خانوادگی: حیدری پور
نام پدر: مختار
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: 1338/6/24
محل تولد: مهدیشهر
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: 1365/2/31
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای مهدیشهر



عبارت های کلیدی

- ا با شرکت خود در نماز جمعه و جماعت مساجد این سنگر اصلی اسلام را پر کنید.
- ا از شما می خواهم پیرو خط امام باشید.
- ا من راهی جبهه شدم تا با خون ناقابل خود درخت اسلام را آبیاری نمایم.
- ا جبهه به ما نیاز ندارد ما هستیم که به جبهه نیاز داریم.
- ا برادران عضو بسیج عاشقانه در بسیج شرکت کنند.
- ا اگر نسبت به انقلاب بی توجه باشید، فردای قیامت در مقابل خون شهدا مسئولید.

علی حیدری پور¹

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بماء اتيهم الله من فضله و يستبشرون بالذين لم يلحقوا² بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يحزنون»³.

با سلام و درود بر امام عصر (عج) منجی عالم بشریت و انتقام گیرنده خون شهیدان و درود بر امام امت رهبر مستضعفین جهان و سلام و درود بر رزمندگان کفر ستیز اسلام در جبهه‌های نور علیه ظلمت و درود بر روان پاک شهیدان راه آزادی از کربلای حسین (7) تا کربلاهای ایران.

اینجانب بنا بر وظیفه شرعی و الهی خود عازم جبهه نبرد حق علیه باطل شدم تا به ندای امام خود لبیک گفته باشم و بتوانم با نثار خون ناقابل خود درخت تنومند اسلام را آبیاری نمایم چرا که این درخت برای اینکه زنده بماند احتیاج به خون دارد و از آنجا که تمامی ابرقدرت‌های شرق و غرب و کشورهای وابسته آنها دست در دست هم داده و به کشور اسلامی ما حمله ور می‌شوند و هر روز برای ما توطئه‌ای جدید می‌چینند یک روز کودتا یک روز حاکم کردن خطوط انحرافی بر کشور و روز دیگر با راه انداختن جنگ تحمیلی بر علیه این ملت مظلوم و ستم‌دیده لذا من احساس کردم⁴ که در این موقعیت به جبهه بروم و اسلحه برادران شهیدمان را بر دوش گرفته و بر کفار بعثی بتازم تا دین خودم را نسبت به این انقلاب و اسلام عزیز ادا کنم.

برادران عزیز حزب الهی از شما عاجزانه درخواست می‌کنم که موقعیت انقلاب اسلامی مان را درک کنید و لحظه‌ای⁵ بیندیشید و مسئولیت خطیر خود را متوجه باشید اگر

1- در بالای وصیت تاریخ 62/12/1 آمده است.

2- در اصل وصیت «یلحقو».

3- آل عمران / 169-170.

4- در اصل وصیت «کرده».

5- در اصل وصیت «لحظه».

خدای نکرده نسبت به انقلاب بی توجه باشید و پاسدار خوبی برای انقلاب نباشید فردای قیامت در مقابل خون شهدا مسئولید.

عزیزان من از شما ملتسمانه می خواهم که پیرو خط امام باشید و در مقابل خطوط انحرافی دیگر که احیاناً دشمنان به خاطر تفرقه بین امت اسلامی مطرح می کنند قاطعانه ایستادگی کنید که خدای نکرده دشمنان ضربه ای به خط امام نزنند. امام را تنها نگذارید [در مراسم مذهبی مانند نماز جمعه و جماعت و دعای کمیل و غیره شرکت کنید تا با این کار خود از لحاظ روحی و معنوی کامل گردید]¹. با شرکت خود در نماز جمعه و جماعت مساجد این سنگر اصلی اسلام را پر کنید و نگذارید این سنگر خالی بماند.

دانش آموزان عزیز شما امید امام هستید شما امید اسلام هستید وظیفه بزرگ شما این است که در سنگر مدرسه با خواندن درس و فرا گرفتن تخصص مشت محکمی بر دهان ابرقدرت ها بزنید اگر نسبت به درس خود بی توجه باشید در آینده ما متخصص و دکتر و مهندس نداریم و باید برای رفع این نیاز خود رو به شرق یا غرب بیاوریم که این خود باعث وابستگی ما می گردد اگر می خواهید کشور اسلامی شما به طرف بیگانه دست گدایی دراز نکند پس در خواندن درس [...] ² باشید.

و اما سفارشی به برادران عضو انجمن اسلامی اعم از معلم و دانش آموز دوستان من، شما که عضو انجمن اسلامی هستید، همین کلمه انجمن اسلامی برای شما مسئولیت می آورد. شما مسئولید که اولاً خودتان را با اسلام منطبق³ کنید و سپس محیط خود را اسلامی کنید از فعالیت در انجمن اسلامی غافل نشوید که صلاح دنیا و آخرت شما در آن است.

برادران همکار تقاضای من از شما این است که چون شما با انسان سروکار دارید و با مغز نوجوانان و جوانان کار دارید لذا مسئولیت شما بسیار سنگین است از آنجا که امام می فرماید ما می رویم تا در مسلخ عشق و ایثار با خدای خود وارد معامله شویم و در مقابل

1- قسمتی که داخل کروشه گذاشته شده در اصل وصیت خط خورده است.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «تطبیق».

بهای جانی که از خود اوست و اگر هر دم اراده کند می‌توان انسان را از آن بی‌نصیب کند بهشت و حیات زندگی جاوید را به معاوضه بگذاریم و او خود خونبها و دیه ما گردد. پروردگارا تو خود شاهد باش که من به عهد خود وفا کرده و بنا بر مسئولیت شرعی و الهی که داشتم راهی جبهه نور علیه ظلمت شدم تا به ندای امام امت که نایب امام زمان توست لبیک بگویم و با خون ناقابل خود توانسته باشم درخت تنومند سلامت را آبیاری نمایم.

ای یکتای بی‌همتا ای که بر احوال بندگان بینا و بصیر هستی تو خود می‌دانی که امروز تمامی ابرقدرت‌های شرق و غرب و کشورهای وابسته آنها دست در دست هم داده‌اند و به کشور اسلامی ما حمله‌ور می‌شوند و هر روز برای ما توطئه می‌چینند بر این ملت مظلوم و ستمدیده جنگ را تحمیل کرده‌اند پس من برای یاری دین تو از شهر و دیار خود هجرت نموده‌ام و راهی جبهه گردیدم تا سلاح¹ برادران شهید خود را بر دوش بگیرم و بر دشمنان دین تو یورش آورم. ای خدا تو خود شاهد باش بر اساس مسئولیتی که حس می‌کنم، به‌سوی تو می‌شتابم. بار خدایا ما را از صراط مستقیم دور مگردان و [در] حرکتیمان، جهادمان و تلاشمان [را] اخلاص عنایت فرما و نیت ما را از هر گونه شرک پنهان و آشکار پاکیزه دار.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام بر ارواح پاک و مطهر شهدا که با ریختن خون خود درس ایثار و جهاد و از خود گذشتگی را به ما آموختند.

اینجانب علی حیدری‌پور با آگاهی و شناخت کاملی که از دین اسلام و انقلاب اسلامی [را] داشتم برای دفاع از اسلام و دستاوردهای انقلاب خونبارمان به امر امام امت راهی جبهه شدم تا اسلحه بر زمین مانده سایر شهدا را برداشته باشم. وصیت‌نامه اصلی من در

1- در اصل وصیت «سلاح».

منزل می باشد که در دوره های قبل نوشته بودم با گذاشتن تاریخ 65/2/29 جای تاریخ نوشته شده در وصیت آن را جهت رساندن پیام خون خود به سایر جوانان و امت حزب الله برگزیده ام. لذا این چند کلمه را هم تذکراً عرض می کنم.

تمام برادران باید بدانند که جبهه هیچ وقت به من و شما احتیاج ندارد این ما هستیم که به جبهه احتیاج داریم چرا که در اثر گناه و غفلت ایمانمان سست می شود باید برای تقویت آن به طرف جبهه برویم. من از کلیه برادرانی که در پشت جبهه هستند استدعا دارم که این نعمت الهی (جبهه) را فراموش نکنند.

مقداری دین و قرض بر گردن دارم که در ذیل می نویسم امید است به آن عمل شود. صندوق قرض الحسنه 18,000 تومان، جبهه جنگ 2,500 تومان، حاج آقا سید علی [...] ¹ 4,000 تومان یا کمی بیشتر، بسیج (پایگاه مقاومت علی بن ابی طالب) بابت پول اورکت 9,000 تومان، تانکرسازی مهدی شهر نرسیده به عباسقلی در [...] ² 500 تومان، علی استعلامی (خیاطی رضوی) پول لباس ³ مقداری که ایشان می دانند.

یک دستگاه موتورسیکلت دارم که آن را فروخته جهت پرداخت قرض و بقیه پول را هم از بانک و از حقوقم بردازید. مقداری لوازم دارم که استفاده کنید و کتاب هایی که دارم هرچقدر از آن را برادرانم احتیاج دارند بردارند بقیه را به کتابخانه زیارت هدیه نموده ام. بعد از شهادتم همسر من صاحب اختیار است می تواند هر تصمیمی برای خودش بگیرد. از پدر و مادر و برادر و خواهر و سایر دوستان و آشنایان می خواهم که مرا حلال نمایند مخصوصاً پدر و مادر که فرزند خوبی برایشان نبوده ام.

از برادرانی که عضو بسیج هستند می خواهم که عاشقانه در بسیج فعالیت کنند کسانی هم که عضو بسیج نیستند از آنها عاجزانه به عنوان یک برادر کوچک می خواهم که در بسیج ثبت نام کنند تا با این کار روح شهیدان را شاد نمایند. هر کس از من طلبی دارد به

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «پو لباس».

خانواده‌ام¹ مراجعه نماید و دریافت دارد. چون فردای قیامت جواب دادن سخت است. از همه دوستان می‌خواهم که مرا حلال نمایند مخصوصاً دانش‌آموزان عزیزی که با من بودند اگر در این مدت با آنان تند برخورد کردم معذرت می‌خواهم.

بنده حقییر خدا

علی حیدری پور

65/2/29

(۳)

دانش آموزان عزیزم! امید امام هستند که امید اسلام هستند
 و طبعاً بزرگ شما این است که در سطر مدرسه با خواندن
 درس و ~~و~~ فرا گرفتن تخصص مثبت حکمی بردارند
 این قدر که بزمند اگر نیست به درس خودی توجه باشند
 هر دو آینه ما متخصص و دیگر دهنده ندریم و باید برای
 جمع این دنیا ر خود رو به شرق نامزد کنیم که این ~~خوب~~
 و استقری ما می خورد اگر می خواهیم گفتار استدی می نامه طرف
 سخنان دست گذاریم در از ~~کلمه~~ چینی در فو انون درش ~~باید~~
 باشند

اما سفارشی می برادران محضوا سخن اسلام می اعم از معلم و دانش
 دوستی من شکسته محضوا سخن اسلام می هستند همین نامه این
 سلامی برای که مسئولیت می آورد که مسئولیت که اولاً خود را
 را با اسلام تطبیق کنید و سپس محیط خود را اسلامی کنند از بعد
 با سخن اسلام می تا فعل شود که منقطع دنیا و آخرت ~~تعداد~~ آرا
 است

برادران! هر که ~~مفاد~~ ~~من~~ که این است که چون ~~سما~~
 با انسان سروکار داریم و ~~مفاد~~ نوجوانان و جوانان که کار داریم
 لذا مسئولیت ~~سما~~ ~~سنگین~~ است از آنجا که امام فرمایند

من در این راه شرف عشق و ایثار را تمام خود را در معاهده نمودم
 و در مقابل جای جانی که از خود اوست و اگر مردم را آرزو شده می تواند
 ایان را از آن بی نصیب کند نیست وصیت زنده می گویم
 به معارضه بگذارم و او خود را خوشبهاوردیه ماکر در
 می رود که از تو خود شاهد شد که غلبه کند خود و ماکر در
 و بنا بر مسئولیت شرعی و الهی که داشته ام راهی جبهه نور علیه
 ظلمت ~~خودم~~ ~~مستم~~ تسلیم ندارم اما مست که سبب تمام
 بر من توست لیک بگویم و با خون ناقابل خود توانسته
 به تمام درخت تنومند سلامت را آید با تمام
 ای نیای بی همتا ای که با احوال ننگانت بیسایه بصر هستی
 تو خودی دانی که لعل و زکامی از قدر کبر شرف و عزت
 و کتوفه و وابسته آید دست در دست هم داده اند و بر کوه
 اسلامی با چله و در می نوبند و هر روز بر ار با تو طعم می چشند
~~و این است~~ ~~بر این است~~ ~~و این است~~ ~~و این است~~ ~~و این است~~
 را تحمل کرده اند پس من بر این راهی دین تو از شرف و در خود
 همت بخورده ام ~~و این است~~ و راهی جبهه کردم تمام سلاح
 برادران شهید خود را بر او شکر کردم و بر دشمنان دین تو
 یورش آوردم ای خدا تو خود شاهد شدی بر اساس مسئولیت

که حسن می گفتم ۵ بعد تو می شناسم بار خدا ما را الزم
صفتیم دور محمدان و قرنتان، جادین و تدشون افلا من
عنا بیا مز ما و نیت ما را ۱۲ هر گونه شرک بیوان و اشک
با کتبه در

2



مرکز اسناد و کتابخانه ملی

صیغه مستند استند دارم که این نعمت الهی (یعنی)
را فراموشی نکنند.

مقدور دین و قرآن برگردن دارم که هر دین
می نویسم امید است بر آن عمل مکنند

مستند و قریح الحسنة
تنبهت شد
۱۸۰۰ / ۱۹۰۰
۲۸۰۰ / ۳۰۰۰

حاج آقا زین العابدین
بی بی زینب و سید علی بن ابی طالب
۴۰۰۰ تومان و کتب دیگر

۹۰۰۰ تومان
کتاب ساری ساری شهر زینبیه به عیال در شیراز

۸۰۰۰ تومان
مجلس استعلاهی (ضیاعی رهبری) یونیسکو سفلی که
ایچ ان ص دانند

یک دستگاه موزون سیلکنت دارم که آنرا فروخته بخت
برداشت قرص و بقیه پول را ماریا تک و از مقوم برادر
مقدور لوازم دارم که استغاثه کنید و آن با می که دارم
مقدور از آنرا برادرانم امیکه دارند برادر نه بقیه را



ن

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

بسم الله الرحمن الرحیم
بیتنا جانانه زلیخه هوسگون ام
بفرزند خودم همسر من صدیق و صمیمی است و تو نیز مرصی بیجا
و خردمند و پخته د.

از من و مادر و برادر و خواهر و سایر دوستان و آشنایان
من خواهم که مرا عملی که منع کرده است بپذیرد و مادر که فرزند
خود را بیگانه نبودم.

از برادرانی که بمنو بیخ هستند من خواهم که به شکرانه
سبع فعالیت کنند که چشم که کند بیخ بسته روز آنگاه
با مزانه بعنوان یک برادر کوچک و خواهر کوچک بیخ
سخت نام کنند با اینکه روح شهیدان را بشناسد و در خانه
م من از من طلبی دارد به عنوان ام مرا چه بگیرد و در بخت
و آرزوی من فرزندان قیامت خواهد دادن کنت است
و در دوستی من خواهم که مرا عملی که منع کرده است بپذیرد
من نیز که نه با من بودند اگر در این مدت با آن تنم بر نور

کردم سفر است من خواهم

شده سفره عاصی
محمد
۱۴۰۲/۰۵/۰۵

نام: سیدعلی
نام خانوادگی: خاتمی
نام پدر: سید حسن
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: دوم دی 1340
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: نوزدهم خرداد 1363
محل شهادت: حلبچه عراق
نحوه شهادت: سانحه رانندگی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا ما باید ادامه دهنده راه شهیدان باشیم.
- ا با باز شدن راه کربلا و قدس زمینه صدور انقلاب فراهم می گردد.
- ا اسلام دین انسان ساز است.
- ا الان اسلام امانتی است در دست ما.
- ا علمای تشیع هزار سال زحمت کشیدند تا اسلام به دست ما رسید.
- ا با ریختن خون هر شهید پایه های این انقلاب محکم تر می شود.
- ا باید مطیع امر خدا و ولایت امر بود.
- ا تا وقتی روحانیت در رأس مسائل است مانع بزرگی است برای تمام مستکبران.

سیدعلی خاتمی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون وعداً عليه حقاً في التوراة و الانجيل و القرآن و من اوفى بعهده من الله فاستبشروا¹ ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم»².

با سلام و درود به پیشگاه مقدس امام زمان (عج) تنها منجی عالم بشریت و نایب برحقش امام امت، خمینی بت شکن رهبر مسلمین جهان و با سلام به تمامی شهدای اسلام از شهدای بدر و أحد تا شهدای کربلای حسین و از شهدای کربلا تا شهدای کربلاهای ایران و با سلام به امت شهیدپرور ایران.

اکنون که بار دیگر راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل می شوم، احساس مسئولیت بسیار سنگینی می کنم. مسئولیتی که شهدای اسلام و انقلاب بر دوش ما گذاشتند. ما در اوایل انقلاب به آن صورت کنونی مسئولیت نداشتیم، ولی هر روز که می گذرد و با هر خونی که در راه اسلام بر زمین می ریزد و با پیوستن هر شهیدی به خیل کاروان شهدا مسئولیت ما بیشتر می شود اگر در ابتدا فقط می خواستیم جوابگوی شهدای اوایل انقلاب باشیم اکنون باید جوابگوی تمامی شهدای اسلام و جنگ تحمیلی در روز محشر باشیم چون آنان به وظیفه اسلامی خود عمل کردند و برای حفظ اسلام و مکتب اسلامی پا در میدان نبرد گذاشتند و بعد از شهادتشان بار رسالت و مسئولیتشان را به دوش ما گذاردند و حالا ما باید ادامه دهندگان راه آنان باشیم و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنیم، یا در این راه به خیل کاروان شهدا بپیوندیم و یا با سعی و تلاش و استقامت، انقلاب و جنگ را به آن هدف اسلامیش که همانا صدور انقلاب است به وسیله باز شدن راه کربلا و قدس³ برسانیم،

1- در اصل وصیت «فاستبشرو».

2- توبه/ 111.

3- ر.ک. تعلیقات.

زیرا با صدور [انقلاب است]¹ که اسلام گسترش پیدا می‌کند و دست جنایتکاران از مملکت‌های اسلامی کوتاه می‌شود و اسلام به سوی جهانی شدن پیش می‌رود و زمینه برای ظهور آقا امام زمان (عج) مساعد می‌شود تا جهان را به سوی خداوند هدایت می‌کند و ما در این راه باید ثابت کنیم که سرباز امام زمان هستیم. و همچون جد بزرگوارمان حضرت اباعبدالله حسین (7) همه هستی خود را فدای اسلام می‌کنیم تا اسلام و احکامش باقی بماند و این را هم باید بدانیم که خداوند متعال که دین اسلام را در آن دوران جاهلیت برای هدایت همه انسان‌ها فرو فرستاد و در طول چهارده قرن آن را حفظ کرده است او دین خودش را حفظ می‌کند و قادر است یک لحظه تمام کفار و دشمنان اسلام را از بین ببرد و دین خودش را حاکم بر جهان کند. او می‌تواند به وسیله آن پرنده‌گانی که بر فیل سواران² که قصد خراب کردن خانه خدا را داشتند فرو فرستد³ و آنان را در یک چشم برهم زدن از بین ببرد. تمام کفار را از بین ببرد. ولی نه، خداوند می‌خواهد ما را به مرحله آزمایش بگذارد، تا افراد باتقوی و مخلص خود را از دیگر بندگان جدا کند. ما هم اکنون در امتحان و آزمایش بزرگی قرار داریم و خداوند فرد فرد ما را به وسیله این انقلاب و جنگ امتحان می‌کند. هم اکنون اسلام این دین انسان‌ساز که علمای تشیع هزار و چهار صد سال زحمت طاقت فرسا کشیدند و در راه حفظ اسلام و احکام تشیع مجاهدت‌ها کردند و بسیاری از آنان با زجر و شکنجه به شهادت رسیدند، تا اسلام را به دست ما رسانده‌اند و الان اسلام امانتی است در دست ما. باید تا آنجا که توان داریم احکام آن را در هر کجای جهان که می‌توانیم پیاده کنیم و زحمات آنان را به ثمر برسانیم و کفار هم از این می‌ترسند. کفر جهانی به سرکردگی آمریکا و شوروی که اینچنین تمام قدرتش را به کار گرفته‌اند و به وسیله یادیشان گاهی در کردستان، گاهی به وسیله کودتا، گاهی به وسیله منافقین و گاهی با حمله نظامی در طبس⁴ و سرانجام به وسیله عامل سرسپرده‌اش صدام کافر، اینچنین به

1- در اصل وصیت «انقلاب است» افتادگی دارد.

2- فرازی از وصایای شهید اشاره دارد به حمله مشرکان فیل سوار به خانه خدا. مرغانی بر فراز آنان به پرواز درآمدند و با ریختن «بایبل». سنگ‌ریزه‌ها، فیل سواران را شکست دادند. این داستان در سوره «فیل» در قرآن کریم آمده است.

3- در اصل وصیت «فرستاد».

4- ر.ک. تعلیقات.

اسلام و انقلاب حمله می‌کند و از هیچ جنایتی روی گردان نیست. می‌داند که اگر این انقلاب با حاکمیت اسلام باقی بماند، تمام جهان را فرا خواهد گرفت و تمامی منافعشان را در خطر خواهد انداخت و تمام مستضعفین را از شر آنان نجات خواهد داد و ظالمی بر این جهان باقی نخواهد گذاشت و از آنجا که خداوند تعالی اراده کرده است مستضعفین را بر مستکبرین غالب کند و احکامش را در سراسر جهان پیاده کند این ملت را وسیله‌ای قرار داده است تا بدین وسیله آنها را آزمایش و امتحان کند و عده‌ای از این امتحان خوب بیرون آمدند و تمامی هستی‌شان از مال و جان را بر کف اخلاص گذاشته و دو دستی تقدیم اسلام می‌کند و اینها در روز محشر در پیشگاه خداوند روسفید هستند و من روی سخنم با آن عده‌ای است که هنوز با گذشت چهار سال از این انقلاب پرشکوه که تحولات عظیمی را در سراسر جهان به وجود آورده است و با دیدن این همه معجزه و امدادهای غیبی از ابتدای انقلاب و مخصوصاً در جنگ تحمیلی هنوز در خواب خرگوشی به سر می‌برند، و نور ایمان بر دلشان نتابیده است این را به‌عنوان یک بنده حقیر خدا به آنها بگویم که همه این جهان آفرینش برای ما بندگان ضعیف امتحانی بیش نیست و این انقلاب با همان عظمت و با همان شدت در مقابل مستکبران به راه خود ادامه می‌دهد و هیچ قدرتی به حول و قوه الهی، نمی‌تواند در مقابل آن بایستد و هرکس در مقابل این انقلاب بایستد هلاک می‌شود و از بین می‌رود چون که این انقلاب پشتوانه‌اش خداوند عالمیان است نه یک قدرت مادی و هزارها شهید هم از صدر اسلام تاکنون آن را تضمین کرده است و با ریختن خون هر شهیدی پایه‌های این انقلاب محکم‌تر می‌شود، تا به دست صاحبش امام زمان (عج) برسد. پس ای کسانی که هنوز این انقلاب را درک نکرده‌اید و در خط انقلاب نبوده‌اید¹، از خواب خرگوشی بیدار شوید کمی پیش خود بنشینید و فکر کنید و از گذشتگان عبرت بگیرید چشم‌هایتان را باز کنید و به صفوف متحد این ملت به رهبری امام برگردید و به این انقلاب خدمت کنید که هنوز هم دیر نشده است اگر بر آمال و خیالاتتان پا گذاشتید و به اسلام فقهاتی² روی آوردید سعادت و سرافرازی دنیا و آخرت در انتظار

1- در اصل وصیت «نبوده‌اند».

2- ر.ک. تعلیقات.

شماست وگرنه به آن دچار می‌شوید که نه دنیا دارید و نه آخرت. و باز بگویم به آن کسانی که در خط انقلاب و رهبر نیستند بدانند که این مملکت صاحبش امام زمان(عج) است. سرزمینی است که جای پای شهدای اسلام در قدم به قدمتان مشاهده می‌شود پس هرکس حال و هوای دیگری دارد بداند که اینجا و در این مملکت جایی ندارد و وای بر اینها که آتش دنیوی و اخروی را برای خود خریده‌اند.

و سخنی دارم با آن برادرانی که در راه اسلام و شهدا قدم گذاشته‌اند و یا بعد از ما می‌گذارند به آنها بگویم این راهی که انتخاب کرده‌اید راه عشق به الله و عشق به اسلام و امام است باید که در این راه عشق ورزید و سر از پا نشاخت باید که در این راه شیوه مردان خدا را استقامت و صبر و شکیبایی و ایثارگری و از جان گذشتگی را پیش روی خود قرار داد و باید مطیع امر خدا و ولایت امر بود در پشت سر روحانیت مبارز و متعهد در خط امام حرکت کرد باید از آنان سرمشق گرفت و نباید ذره‌ای از آنان جدا شد که اسلام را اینها در طول هزار و چهارصد سال حفظ کردند و نگه داشتند و به دست ما رسانده‌اند و تا وقتی که آنها در رأس کار هستند اسلام آسیبی نمی‌بیند و دشمنان هم بر این جای حساس انگشت می‌گذارند و همیشه سعی دارند که آنان را لکه‌دار کنند تا بدین وسیله آنان را از صحنه خارج کنند بعد به آن اهداف شومش برسد و تا وقتی که روحانیت در رأس مسائل است، مانع بزرگی است برای تمام مستکبران و اتکاء محکمی است برای تمام مردم، تا انشاءالله انقلاب به آن هدف اسلامی‌اش¹ برسد و زمینه برای ظهور آقایان آماده شود و از برادران پاسدارم که من هرگز لیاقت آن را نداشتم، یکی از آنان باشم می‌خواهم که روحیه معنوی [را] در سپاه بیشتر کنند و گردان کربلا را که شهدای بسیاری از آن برخاسته است [را] به هر صورت که می‌توانند تقویت کنند.

و از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا حلال کنند و مرا ببخشند شما برای من زحمت‌های بسیار کشیدید و من حتی ذره‌ای از آن را نتوانستم جبران کنم انشاءالله خداوند به شما اجر دهد و خداوند از شما قبول کند و هیچ ناراحت نباشید که شما فرزندان را در راه اسلام دادید و برای من بسیار طلب استغفار کنید، تا خداوند گناهان ما را بیامرزد و از برادرانم

1- در اصل وصیت «اسلامیش».

می‌خواهم که تا آنجایی می‌توانند به جبهه بروند تا انشاءالله جنگ به پیروزی نهایی برسد و در آخر از همه دوستان و آشنایانی که مرا می‌شناسند می‌خواهم که اگر بدی و اشتباهی از من دیده‌اند، به خوبی خودشان ببخشند و برای ما دعا کنند.

«والسلام»

سیدعلی خاتمی

25 ذیحجه 1403 مطابق با 62/7/11

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

«ان تنصروا الله ینصرکم و یشبث اقدامکم»¹.

«ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفأ کانهم بنیان مرصوص»².

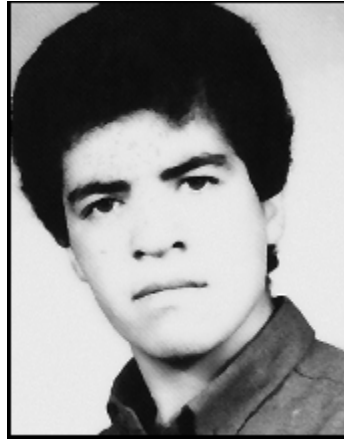
1- محمد/7.

2- صف/4.



(۳)

برینست که سید مرتضی است از راه ایران که سینه معتبر خدایا آن کرم (عزیزانی) در آن روز که در شهر ایستادند
 هر که بر تاراج از آن روز که از انقلاب است با هم گفت و چون شدت در میان جنگین نیز از آن روز که در شهر ایستادند
 بعمل و تو که آنی بر آن روز که در میان آن است و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 هر روز همین انقلاب است و هر که در میان آن است با هم گفت و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت
 از هر راهی که آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 این نیست و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت
 سزاوار است که از خواب بیدار شود و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 سزاوار است که از خواب بیدار شود و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 است اگر با آن و با آن است با هم گفت و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 در انتظار چیست و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت
 خط انقلاب و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت
 سزاوار است که از خواب بیدار شود و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 با این ندارد و راه با آن که آن است و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 و سستی لازم است با آن است و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 این است با آن است و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 خودت را در این راه و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 حرکت کرد و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن
 سال و هر که در میان آن انقلاب است با هم گفت و هر که در میان آن



نام: محمد
نام خانوادگی: خادمی
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: دوم فروردین 1347
محل تولد: روستای صالح آباد از توابع شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم بهمن 1364
محل شهادت: اروند رود
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ا پدرجان پس از شهادت من استوار باش، چرا که حق پیروز است.
- ا پدرجان فقط پیرو امام باش.
- ا پدرجان به آمریکا و شوروی و دیگر ابرقدرت‌ها بگو حزب الله می میرد، سازش نمی پذیرد.
- ا خواهران عزیزم حجاب شما از خون شهیدان مؤثرتر می باشد.
- ا خواهران سعی کنید زینب وار رسالت مرا بر دوش بکشید.
- ا بر دوش (عهده) شماس که جبهه‌ها را پر کنید.
- ا قدر امام را بدانید.
- ا قدر انقلاب اسلامی را بدانید.

محمد خادمی

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تحسبن الذين قتلوا¹ في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»².

کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نپندارید بلکه زندگانی هستند که نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند.

یا رب بنگر که در نوایم همه	سرگرم عزای شهدایم ³ همه
با دادن جان خویش اعلان کنیم	عاشق به شهید کربلایم ⁴ همه

به نام خداوند قادر و قهار جبار و عادل بخشنده و مهربان و به نام نامی حضرت محمد (6) خاتم پیامبران و به نام مهدی موعود (عج) و به نام بنیان‌گذار⁵ جمهوری اسلامی ایران امام خمینی.

وصیت‌نامه خود را ابتدا با چند کلامی با پدر عزیزم شروع می‌کنم. پدرجان می‌دانم که شهادت من برای تو خیلی سنگین است ولی همین بس برای تو ارزشمند است که پیش روی حسین (7) آن سالار شهیدان رو سفیدی که به نظر من بزرگ‌ترین سعادت است. پدرجان چاره‌ای نداشتی، مگر می‌شود به ندای⁶ خمینی که همان ندای جدش حسین (7) که فرمود «هل من ناصر ینصرنی»⁷ لبیک نگویم، راستی که جواب فاطمه زهرا (3) را چه می‌توانستم بدهم. تو باید افتخار بکنی که توانستی امانتی را که خدا به دستت سپرده بود، همان‌گونه که رضایش بود تحویل و تقدیم نمایی. افتخار کن پدرم، چرا که مشیت محکمی

1- در اصل وصیت «قتلوا».

2- آل عمران/ 169.

3- در اصل وصیت «شهدائیم».

4- در اصل وصیت «کربلایم».

5- در اصل وصیت «بنیان‌گزار».

6- در اصل وصیت «بندای».

7- ر.ک. تعلیقات.

بر دهن ضد خمینی‌ها است و هرچه محکم‌تر این مشیت را بزنی و استوار باش. چرا که «حق پیروز است و باطل سرنگون این وعده الهی است و خلاف‌پذیر نیست» و بدان و آگاه باش که به گفته علی (7) امام اول ما شیعیان «دنیا بهشت کافران و جهنم مؤمنین است»¹ و در آخرت برعکس اینها چرا که ما دنیا را فدای آخرتی کنیم و سعادت‌مند هستیم. پدرجان فقط² پیرو امام که خلاصه‌ای از روحانیون است باش و به حرف ضد روحانیون اصلاً گوش نده «چرا که ایشان وسوسه‌گرند و در واقع یاران شیطان هستند» و به امام بگو ای امام عزیز رحمت‌الله [این] که³ چیزی نبود خود و خانواده‌ام را فدا می‌کنم که این شعار همه حزب‌الله است و به صدام آن نوکر آمریکا و شوروی⁴ و دیگر ابرقدرت‌ها بگو حزب‌الله می‌میرد سازش نمی‌پذیرد و تو خود بهتر می‌دانی که حسین (7) عزیز فرزند فاطمه زهرا (3) با یزید جد صدام بیعت نکرد و در کربلای عراق درخت اسلام را آبیاری نمود و ما نیز در کربلا [در جنگ] با فرزند خلف یزید خون خود را فدای اسلام نمودیم و چه افتخار بزرگی شما هستید که باید در خط حسین (7) با یزیدیان بجنگید.

پدرجان مبادا بگذاری که برای من کسی گریه کند برای اینکه دشمنان خوشحال می‌شوند پس شما این مسئله را جشن بگیرد تا دشمنان بیشتر آزرده شوند پدرجان مرا ببخش که نتوانستم حق فرزندی را به‌جای آورم چرا که من آن زمان آگاه نبودم و من شرمنده‌ات هستم تو خیلی بزرگواری برای من شکر خدا را کن که خدا اجر شهید را به تو عطا بفرماید. پدرجان حسن را من خیلی دوست دارم نمی‌خواهم که او مثل بعضی‌ها باشد و هرچه می‌توانی او را تربیت کن که بهتر از من برای اسلام عزیز خدمتگزاری کند و من از او درخواست می‌کنم که مطیع امر پدر باشد.

و اما خواهران عزیزم از شما می‌خواهم که همیشه این حرف من را در گوش حفظ و در ذهن بسپارید و آن حفظ حجاب است که این مسئله از خون شهیدان و برادران در

1- ترجمه این حدیث است: الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر، كنوز الحقائق، ص 64.

2- در اصل وصیت «همه».

3- در اصل وصیت «رحمت‌الله که».

4- در اصل وصیت «شوری».

جامعه مؤثرتر می باشد و من آرزوی سعادت برای شما دارم و در ضمن خواهرانم مبدا در فراق¹ من بی تابی کنید و اگر گریه می کنید به خاطر حسین (7) و یارانش باشد چون من به راهی رفتم که جز راه حسین (7) و یارانش راهی دگر نیست سعی کنید زینب وار رسالت مرا بر دوش بکشید و به منافقین² و کوردلان بگویید «مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد»³ مبدا با فغان و زاری دشمنان کوردل و منافقین را شاد نماید.

و اما چند کلامی به امت شهیدپرور روستای کلاته خنج همشهریان عزیزم من در بین شما کارهای خلافی را ممکن است انجام داده باشم، از همه شما درخواست می کنم که مرا به بزرگی خودتان ببخشید و در ضمن مبدا بعد از اینکه بعضی از اقوام و بعضی از خویشان و نزدیکان شما کسی به شهادت رسید، خودتان را ببازید. نه، استوار و پابرجا و شجاع استقامت کنید و اگر جبهه نیاز به نیروی بیشتری داشت، بر دوش همه شماست که جبهه ها را پر کنید و به ندای امام عزیزمان لبیک بگویید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

65/9/7

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار
در پایان بنده یک ماه روزه نگرفته ام از شما درخواست به عمل می آید که این را ادا⁴ کنید.

1- در اصل وصیت «فراغ».

2- رک. تعلیقات.

3- عبارت شهید متأثر از این سخنان حضرت امام خمینی است. «شکست در نهضتی که برای خدا باشد نیست.

مسلمین صدر اسلام می گفتند اگر بکشیم بهشت است و اگر کشته شویم بهشت است. شما هم همین طور هستید» (تبیان، ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی، ص 54).

4- در اصل وصیت «دا».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام رب عالمیان به نام امید دل‌های شکسته و بی‌حجاب درگاه الهی با سلام به محضر اقدس الهی که این دل‌ها با تمسک به منبع عظیم الهی در شب‌های عملیات و سختی‌ها بر این سختی‌ها چیره می‌شوند خداوندی که مبدأ و مقصد تمام عالم است.

و با سلام به محضر اولین رسول و آخرین رسول پیامبر اکرم محمد (6) و اولین امام مظلوم آقا علی (7) که درد دل‌هایش را بعد از زهرا (3) آن مادر مطهر به چاه می‌گفت.

و با سلام به محضر آقا امام زمان (عج) که در شب‌ها به سنگر سربازانش سرکشی می‌کند و دست نوازش بر سرشان می‌کشد و در هنگام شهادت با مادرش بر بالین سرشان می‌نشیند و دست نوازشش را بر سرشان می‌کشد.

و با سلام به رزمنده¹ عزیز این عزیزانی که قدم جای پای امام زمان (عج) بگذارند مقامش کم نیست عزیزان رزمنده شما باید خودتان را در راستای کربلا ببینید حال کسی که این‌گونه باشد باید کمتر از یاران امام حسین (7) نباشد.

عزیزان پشت جبهه شما نیز مظهر امید مردم هستید تقاضا دارم بیايید² جبهه‌ها را پر کنید. همان‌گونه که تا اکنون پر کرده‌اید. همچنین این پیام که به روی خون شهیدان به دستمان رسید که قدر امام را بدانید قدر انقلاب اسلامی را بدانید.

و تو ای مادرم باید در مقابل سختی‌ها مقاومت کنی و گریه برای من نکنی تا دل دشمن خوشحال شود و تو ای خواهرم باید زینب‌وار در صحنه باشی و مقاومت کنی و با حجاب خود نشان بدهی که تو خواهر شهید هستی.

و تو ای برادرم باید در هنگام شهید شدن من سلاح را برگیری و بر قلب دشمنان بزنی تا دشمنان اسلام و تو آن را نابود کنی و در آخر از تمام قومان و خویشان که ذکر نامشان

1- در اصل وصیت «رزمند».

2- در اصل وصیت «بیايید».

ممکن نیست حلالیت طلبیده و چشم امیدم به دعا‌های شماست.
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

64/11/18

محمد خادمی

التماس دعا

گردان موسی بن جعفر

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجبیم که آسودگی ما عدم ماست¹

در صورتی که به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید. در هر محلی که
مادرم رضایت داد دفن کنید.

1- شعر از علامه اقبال لاهوری است.

منصوبه

بمقام آیت الله العظمیٰ آقا سید محمد باقر موسوی خراسانی مد ظله العالی

مجلس عالی تعلیم و تربیت و تحقیقات اسلامی

مجلس عالی تعلیم و تربیت و تحقیقات اسلامی

والمعلم علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۸ شهریور ۱۳۶۷

عبدالله خاکی

التکریم

نازنده به اتم اکرام التکریم

هجرتم اکسود علی ما عظم ما است

بسم الله الرحمن الرحیم

کسر آن : ...

واحد : ...

تاریخ : ...

شماره : ...

در صورتیکه به قیاس شهادت ناقل شد به خط دهن خود را بنویسد

دعوتی از امامت رضایت داد و در کتب

واحد نصابی نیز مشتمل بر ۲۱ امام رضا (ع)



نام: حسن
نام خانوادگی: خادمیان
نام پدر: غفار
نام مادر: عذرا
تاریخ تولد: چهارم مرداد 1341
محل تولد: تهران
تحصیلات: پایان ابتدایی
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: ششم آذر 1369
محل شهادت: -
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای وامرزان از توابع دامغان



عبارت‌های کلیدی

- ا پدرجان در معرض امتحان بزرگ الهی هستی، امام را فراموش نکنی.
- ا من «با شهادت» به آرزویم رسیدم.
- ا انسانی که به فیض شهادت می‌رسد تمام گناهانش پاک می‌شود.
- ا نمازتان را فراموش نکنید.
- ا مادرم شادی شما در شهادت من مشیت محکمی است بر دهان کوردلان و دنیاپرستان.

حسن خادمیان

بسم الله الرحمن الرحيم

پدر بزرگوaram از تو می‌خواهم مرا ببخشی از خدا برایم طلب آمرزش کنی و اگر نافرمانی تو را نمودم و کاری انجام دادم که ناراحتت کردم مرا ببخش، پدرجان بر فراق¹ من صبور و شکیبیا باش و در معرض امتحان بزرگ هستی امام را فراموش نکنی چون در معرض امتحان خدا قرار گرفتی سعی کن با اتکال به خدای منان از این امتحان سربلند بیرون آیی، پدرجان رهبر عزیزمان را در همه حال حمایت کنید از او پشتیبانی نمایید با حرف با کارت و با عمل او را از دعای خیر فراموش مکن.

مادر مهربان من این وصیت‌نامه را قبل از اینکه به شهادت برسم نوشته‌ام و امیدوارم با پیروزی کامل و یا جزئی، به خدا و اسلام و قرآن جان بی‌ارزشم را به الله آفریننده خود تسلیم نمایم امیدوارم برای شما فرزند نیکو و صالح بوده باشم. از شما می‌خواهم پس از شهادتم هیچ‌گونه گریه و زاری نکنی بلکه خوشحال باشید زیرا من پیروز شدم و به آرزویم رسیدم و اگر شما گریان و ناراحت باشی دشمنان خدا و مخالفان رهبر عزیزمان خوشحال خواهند شد پس همیشه شاد باشید شادی تو است [که] مشت محکمی بر دهان کوردلان و دنیاپرستان. مادر جان هر موقع به یاد من افتادی و خواستی گریه کنی در آن لحظه به یاد کربلای حسین (7) و مظلومیت حسین (7) گریه کن که برای برجای ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان و مستضعفان جهان از زیر سلطه ظلم جنگید جان و عزیزانش را با کمال اخلاص تقدیم حق تعالی نمودند. علی‌اکبر² و قاسم³ و ابوالفضل (7) برای [و] یاری رهبرشان شهید شدند من که بیشتر از آن بزرگواران نیستم بلکه یک بنده گناهکار بیش نبودم و سال‌ها عبادت و اطاعت از خدا می‌کردم شاید نمی‌توانستم تمام گناهانم را

1- در اصل وصیت «فراق».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

جبران کنم ولی انسانی که به فیض شهادت می‌رسد تمام گناهانش پاک می‌شود. من از شما می‌خواهم که اصلاً نمازتان را فراموش نکنی.

برادر شما هم راه مرا ادامه دهید و سعی کن کمبود من را برای پدر و مادر جبران کنی و برای من ناراحتی نداشته باشید و از تو می‌خواهم همین‌طور بر عقیده خود استوار و سروپا گوش به فرمان رهبرمان باش و از او که نایب برحق امام زمان (عج) است و کلام او که کلام خدا است اطاعت و پیروی کنید.

خندان می‌میرم و خوشحالم که توانستم دین خود را یاری کنم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

بسم الله الرحمن الرحیم

مراج

از تو میخواهم مرا ببخشی از خدا کتب آمرزش کنسی و اگر تاخرمانی تو را نمودم و کارگزارانم
 دادم که ناراحتت کردم مرا ببخشی و بفرمان هر فراخ من صبور و شکیبا باش و در معوض امتحان بپذیرگ
 هستی امام را فراموش نکنی چون تو معوض امتحان خدا قرار گرفتی سعی کن با اکتال به خدای مبادار
 این امتحان سر بلند و بیرون آئی و پدر جان و جبر عزیمان این همه حال حمایت کنی از او بختیانی نماید
 با حرف با کارت و با عمل او را از دعای صبر فراموش کن .

مادر مهربان من

این بوییت نامه را خیل از اینکه به شماست برسم نوشته ام و امیدوارم با پیروزی کامل و با جزئی
 خدا و اسلام و قرآن جان بی از زحم را به الله آفریننده خود تسلیم نماید امیدوارم برای شما فرزندان
 نیکو و صالح بوده باشم از شما می خواهم برای شما دعا کنید هر چه می توانید و زاری نکنی بلکه خود حال یاد
 زیرا من بیروز خدم و به آرزوی بخدم و اگر از شما و ناراحتیانی دشمنان خدا و مخالفان رهبر عزیز
 خودتان بخواهند شد بر همیشه خاد یا بعد مادی توانست که مدت محکمی بر دهان کورده ان و دنیا پرستان
 مگر چون هر مویج به یاد من افتادی و خواستی گریه کنی فر آن لاله به یاد کربلای حسین و مطلوبی
 حسین گریه کن که برای بر جای ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان و مستضعفان جهان از زیر ستمانه ناله
 جنگید جان و عزیزان را با کمال اظفر تقسیم حق تعالی نمودند . علی اکبر و فاطمه و امیرالمؤمنین برای
 و باری رحمان به عهد عذرت من که بیشتر از آن بزرگواران نعمتم بلکه بکنده گناهکار بچی نبودم و
 سالها عبادت و اطاعت از خدا میکردم . باید بگویم تمام گناهانم را چه بران کنم ولی انما نیکه
 قیامت بخواست برسد تمام گناهانم پاک میگرد من از خدا میخواهم که املا نمازتان را فراموش نکنی
 بسرا در مقام راه مرا ادامه میدهد و سعی کن کسب خود مبدو برای پدر و مادر جبرأت کنی و برای من
 حقیقتی ندانته یا بعد و از تو میخواهم همین داور بر عقیده خود استوار و سربو با گوی فرمان رهبر
 مای باختر از او که نایب بر من امام زمان استکمالی و که کلام خدا است اطاعت و پیروی کنی .

خدا جان مهربان و درخشانم که توانستم دین خود را با بی گناهی کنم .

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

نام: حسن
نام خانوادگی: خادمیان
نام پدر: بشیر
نام مادر: گوهر
تاریخ تولد: بیست و هشتم تیر 1342
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: پنجم فروردین 1361
محل شهادت: دشت عباس
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا پدرم شهادت نهایت آرزوی من بوده.
- ا همه کارهایتان و قدم‌هایتان و کلامتان برای رضای خدا باشد.
- ا پشتیبان ولایت فقیه و روحانیت باشید.
- ا امام را دعا کنید.
- ا دعای فرج امام زمان (عج) را زیاد بخوانید.

حسن خادمیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«و لا تقولوا¹ لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون²»³.

«نگویید به آنان که در راه خداوند کشته شدند مردگان بلکه زندگانند ولیکن شما آنان را در نمی‌یابید».

دروود بر پیامبر و عترت طاهرینش و امام زمان (عج) و نایب او خمینی کبیر سلام بر امت همیشه در صحنه و شهیدپرور اسلام بر تمام شهیدان از شهدای بدر⁴ و احد⁵ و کربلا تا شهدای انقلاب اسلامی ایران حال که این بدن‌ها آفریده شد و بعد می‌میرد پس چه بهتر که این مرگ در راه خدا باشد. پدرم و برادران و خواهرانم امیدوارم که در شهادتم ناراحت نباشید. چون راهی را که انتخاب کردم با قلبی پر از عشق به الله و دوست‌دار انقلاب اسلامی و امام بوده شهادت نهایت آرزوی من بوده. پدرم وقتی خبر شهادتم را به شما می‌دهند خدا را شکر کنید توکل به خدا کنید. خدمت برادران و خواهران حزب‌اللهی و مسلمانم سلام می‌رسانم. برادران و خواهران گرامی همه کارهایتان و قدم‌هایتان و کلامتان برای رضای خدا باشد پشتیبان ولایت فقیه [و] روحانیت مبارز باشید که اینان منادیان اسلام هستند. دعای فرج امام زمان (عج) را زیاد بخوانید. امام را دعا کنید. در آخر در تشییع جنازه‌ام حاج آقا نعیم‌آبادی درباره فلسفه شهادت سخنرانی نماید. از همه دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم. 24 روز روزه از سال گذشته مانده چون در جبهه بودم و یک سال نماز بدهکار هستم.

مرا در دامغان کنار قبور شهدا دفن کنند.

«والسلام»

حسن خادمیان

¹- در اصل وصیت «لا تقولوا».

²- بقره/ 154.

³- در اصل وصیت «153».

⁴- ر.ک. تعلیقات.

⁵- ر.ک. تعلیقات.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 مَن مِّنْکُمْ مَاتَ وَهُوَ حَسْبُ حَاجَاتِکُمْ
 وَاللَّحِقَ لَوْ لَمْ یَمُتْ مِنْ سَبَلِ سَابِقِکُمْ لَمَّا تَمَّتْ لَکُمْ اَلْکِفَیَّةُ وَرَوَّیَ سَعْدَانُ مِنْ مَمْنُونِ بِنْتِ اَبِی
 کَثِیْفَةَ اَنَّهَا کَلَّمَتْ رِیْضَةَ فَذَرَتْهَا کَسْبَتْ شَرَّ نَمُوذِکُمْ کَانَ عَلَیْکُمْ زَنْدِکُمْ بَعْدَ وَلِیْکُمْ مَسْأَلَتَا نَکْرُودِ نَمُوذِکُمْ بِسْمِ
 ۱۳۳۲

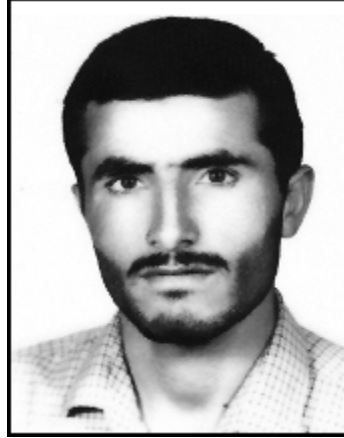
دروغ بر بیامرد شرمت ظاهر میشد و سزا ازین اهلیم و غایب از زمین کبریا سزا بر است ایستاده در صحنه و همیشه پروردگارم
 تمام میماند که منهای سرد اعدا در کلمات منهای انقلاب اسلامی ایران خاک که این بدنها از رویه شده و بعضی میرد
 پس هم بخت در این سرگد سزاهم از سزا بدیدم و برادران و خواهرانم ایس و از آن که چه شد که بد است مایه چون راهی بود که
 انتخاب کردم باقی بر از منکر به الله و در دست دارا انقلاب اسلامی و امام بود که مدت مناسبت آرزوی من بوده
 پدرم وقتی خدمت تمام را به من می دهند فرار شده اند که به خدا کشیدند دست و پا کرد و روز آخر تمام حرد . الهی رسیدم

سهای رسم با حردان خدایان گرامی که با تین و وقت به تیان و کدره تان برای روی من خدایان شدت میان و از این صح
 رود نیست چه زربانیه که لینان مندیان اسلام استند . در پی فرج انکار اولی با نواز در خواستید با یک رادی کشید
 سآخر در شصت و نه ماه ۱۳۰۰ هجری قمری در بره نلننه شاد است منتهای من و بر از خدایان و آرزویان

حداکثرت من طلبم ۱۳۰۰ روز در راه از سال که شده مانده چون در بیبه بودم در یک سال از آن که من شده
 برادر دافغان کن در مینر ته ادرن کشند . در اسناد



نام: حسن
نام خانوادگی: خادمیان
نام پدر: صفرعلی
نام مادر: سیما
تاریخ تولد: سوم خرداد 1342
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و سوم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ من براساس وظیفه شرعی و آزادسازی کربلای باصفای ابی عبدالله به جبهه آمده‌ام.
- ۱ شما امت قهرمان را به اتحاد و وحدت دعوت می‌کنم.
- ۱ از شما می‌خواهم از روحانیت خط امام و یاران باوفای امام حمایت کنید.
- ۱ شکر خدای را به جای آورید از اینکه شیعه متولد شده‌اید.
- ۱ واجب است دین اسلام را یاری کنید.
- ۱ بسیجی‌های قهرمان سعی کنید مانند صحابه رسول اکرم (ﷺ) باشید.
- ۱ برادران در امور خیریه (بر یکدیگر) سبقت بگیرید.
- ۱ سعی کنید فقر را در جامعه خود ریشه‌کن کنید.

حسن خادمیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«يا ايها الذين آمنوا هل ادلكم على تجارة تنجيكم من عذاب اليم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون في سبيل الله باموالكم و انفسكم ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون»¹.

«ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی که شما را از عذاب دردناک نجات بخشد دلالت کنم آن تجارت این است که به خدا و رسول او ایمان آرید و جهاد کنید در راه خدا با دل و جان این کار از هر کاری بهتر است برای شما اگر دانا باشید».

شکر خداوند بزرگ ما را آفرید و توفیق به بنده حقیر داد که مرا به دیار عاشقان رهنمون ساخت تا بتوانم در این برهه حساس از زمان بر علیه کافران بجنگم. سلام و درود بر انبیاء عظام و اولیاء کرام بالاخص مرجع عالیقدر عالم تشیع امام خمینی که ما جوانان از نور حضرت مهدی (عج) و [بر] نایب برحق او که چراغ هدایت می‌باشد و مانند کوهی استوار و محکم ایستاده است و [سلام]² بر خانواده شهدایی که³ با خون فرزندان خود از اسلام پاسداری کردند و اما بنده خدا⁴ و رسولان و ملائکه را شاهد می‌گیرم که هدف و مقصودم از اینکه به جبهه‌ها آمدم فقط و فقط برای رضای خدای بزرگ و لیبیک گفتن به ندای ملکوتی امام بزرگوارمان و براساس وظیفه شرعی خودم و در انتها برای آزاد سازی کربلای باصفای ابی‌عبدالله (7) می‌باشد و افتخار هم می‌کنم که به جبهه آمدم و خداوند توفیق شهادت به حق از غسل شیرین‌تر است و همچون در نزد قاسم⁵ بن حسن (7) «احلی من غسل»⁶ بود زیرا شهیدان ما درس شهادت را از قاسم بن حسن (7) گرفتند و

1- صف/10-11.

2- از سیاق جمله‌ها باید واژه افتاده کلمه «سلام» باشد.

3- در اصل وصیت «شهدائیکه».

4- در اصل وصیت «خد».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- تعبیر «احلی من غسل» به معنی شیرین‌تر از غسل از جمله تعبیری است که یاران امام حسین (7) در پاسخ سؤال آن حضرت در روز عاشورا می‌دادند که اماما برای ما شهادت «از غسل شیرین‌تر است». مولای متقیان علی (7) هم در نهج‌البلاغه شهادت در راه خدا را «شیرین‌تر از غسل» توصیف کرده است..

ما اگر به زندگی امامان (7) خودمان نگاه کنیم همه آنها به غیر یکی از آنها [که] در پرده غیبت کبری به سر می‌برد. بقیه همه شهد شیرین شهادت را نوشیده‌اند. اما بر حکم وظیفه چند کلامی نه به عنوان پیام، بلکه به عنوان نامه به عرض شما می‌رسانم. شما امت قهرمان را به اتحاد و وحدت دعوت می‌کنم، که این سرمایه اتحاد و وحدت شما ملت قهرمان، دشمن داخلی و خارجی را به زبونی کشیده است. از شما می‌خواهم از روحانیت خط امام این یاران باوفای امام حمایت کنید. چون که ما هرچه داریم از اولیاء خدا در هر زمانی بوده است و در زمان شما ملت قهرمان و شهیدپرور هم از روحانیون خط امام و «پیامبر زمان»¹ از وجود شریف این اسوه² تقوی داریم. اما جوانان و برادران عزیز ندای ملکوتی رهبرتان را لبیک بگویید، که زمان حسین (7) تکرار شده است. مگر امام حسین (7) ندا نداد که «هل من ناصر»³ جدش را بر امت خود تمام نکرد. اما دیدید که اندکی پیش او را یاری نکردند. آیا مگر امروز نایب برحق امام زمان (سلام‌الله‌علیه) ندا نمی‌دهد که «جبهه رفتن از اهم واجبات است» پس برادران مهربان واجب است دین اسلام را یاری کنید و شکر خدای به‌جای آورید از اینکه شیعه متولد شده‌اید و در این سرزمین هستید. از شما می‌خواهم نعمت‌های خدا را شکرگزاری کنید. آیا اگر در کشورهای دیگر [متولد] می‌شدید معلوم بود جز کدام⁴ دین و مذهب باشید⁵. دیگر آنکه شکر نعمت رهبر را به‌جای آورید. ما در غفلت هستیم خداوند خیلی به بندگانش⁶ لطف کرده مثلاً در مقابل جفا بخشش می‌کند و در مقابل خطای پوشش عطا می‌کند. برادران در امور خیریه سبقت بگیرید و سعی کنید فقر را در جامعه خود ریشه‌کن کنید. در نهضت سوادآموزی شرکت کنید. چون شما ملت ایمان دارید و اگر علم هم در کنارش باشد، آن وقت برای اسلام بهتر می‌توانید خدمت کنید. در آخر هم پیامی به برادران بسیجی هرچند که خود [را] کمتر از آن می‌دانم که پیامی بفرستم،

1- منظور از پیامبر زمان حضرت امام خمینی است.

2- در اصل وصیت «سفه».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «کلام».

5- در اصل وصیت «باشد».

6- در اصل وصیت «بنده‌گانش».

اما من باب یادآوری می‌گویم: بسیجی‌های قهرمان سعی کنید مانند صحابه رسول اکرم (6) باشید که از پیامبر تا زمان علی (7) و از او تا [...] ¹ امام حسین (7) بود. قبل از آن که وصیت خود [را] بگویم لازم دیدم که از پدر و مادر بزرگوار و مهربانم با آنهمه ² مشقات و سختی‌های روزگار که داشتند ³ به بهترین وجه وظیفه شرعی و الهی خود را همانا تربیت صحیح و اسلامی فرزند می‌باشد ⁴ تشکر می‌کنم و تو ای پدر بزرگوار و مادر قهرمان، امیدوارم از این بنده عاصی ⁵ راضی بوده باشید، زیرا اینجانب اعتراف می‌کنم که در طول مدت عمر خود نتوانستم به حق حق فرزندی را به جای آورم و اما پدر و مادرم ما فرزندان امانتی هستیم ⁶ نزد شما. فکر نکنید صاحب اصلی من شما هستید صاحب اصلی من پروردگار است. شما امانت‌دار او هستید صاحب امانت هر وقت خواسته باشد امانتش را می‌برد بدون درنگ آن را باید تحویل بدهید و اما برادرانم آن که موقعیت خود را دریابید که بهترین زمان است که بتوانیم ⁷ رضایت خداوند منان و امام زمان (عجله تعالی الشریف) و نایب برحقش را فراهم کنیم. ای برادرانم سعی کنید از دنیا بپرهیزید چون منزلگاه است نه قرارگاه ابدی. شما برای خدا با جان مال و زبان جهاد کنید تا انشاءالله در نزد خدا و رسول او حضرت محمد ابن عبدالله (6) سرافراز باشیم و اما اگر بنده برادر بدی بوده‌ام و نتوانستم حق شما را به جای آورم مرا ببخشید.

و اما شما خواهرانم سعی کنید پیرو زینب کبری (3) باشید که زینب‌گونه ⁸ ادامه‌دهنده راه برادرش و شما سعی کنید قهرمانی و مقاومت و صبر و عفت او را در نزد خود پرورش دهید که رضایت خداوند در همین است. بنده اگر چیزی گفتم من باب تذکر بود و گرنه

1- در اصل وصیت جاافتادگی دارد.

2- در اصل وصیت «آنها».

3- در اصل وصیت «نداشتند».

4- در اصل وصیت «من باشد».

5- در اصل وصیت «معاصی».

6- در اصل وصیت «هستم».

7- در اصل وصیت «بتوانم».

8- در اصل وصیت «گونه».

شما خود وظیفه‌شناس و آگاه هستید و اما وظیفه می‌دانم از زحمتهای شما کمال تشکر [را] می‌کنم انشاءالله در نزد خداوند بدون پاداش نخواهد بود و اما پدر بزرگوارم و سرور محترم سلام علیکم، در اینجا می‌خواهم بگویم بعد از خداوند متعال شما پدر و مادر به من نزدیک‌تر هستید. گویا شما پاره‌تنم هستید و من از وجود شما هستم در اینجا شما را وصی خود قرار می‌دهم پدرجان این بنده حقیر یک ماه روزه بدهکار هستم بدهید بگیرند نماز و روزه‌ام را¹ هم همان یک ماه روزه و یک سال نماز کافی است و اگر بدهی‌ای دارم به صاحب آن بدهید و [...] ²دیگر درباره وسایل شخصی خود شما می‌دانید ولی اگر در امور خیریه بدهید بهتر است. پدرجان برایم از مردم قهرمان شهیدپرور وامرزان آمرزش [...] ³بطلبید. در اینجا می‌گویم⁴ این بنده حقیر نسبت⁵ به هیچ برادری نارضایتی ندارم. از همه شما ملت خداجوی وامرزان راضی هستم و اگر هم دهی خوبی نبوده‌ام و یا موجب ناراحتی کسی بوده‌ام مرا ببخشید.

خداحافظ - خداحافظ - خداحافظ

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حسن خادمیان

1- در اصل وصیت «راه».

2- در اصل وصیت واژه‌ای افتاده است.

3- در اصل وصیت واژه‌ای افتاده است.

4- در اصل وصیت «می‌گوئیم».

5- در اصل وصیت «نسبت».

و امر است خود تمام نکول ما دیدید که ما کنی یمن او را یاری نکولند آیا مکر و مویز تا می برحق امام زمان سلام الله علیهما
 فدائش در حق که همیشه روشن از امام و اوجیات است هم بر او زمان مهربان واجب است دین اسلام را یاری کنید و شکر
 خدا را بجای آورید؛ زیرا که شیعه تولید شده و بدو را این سر زمین مستقیم از شما میخوانم ندیشی ای خدا را بگریز
 کز کار می کنید آیا اگر در کشور های دیگر می شدی و بدو بیرون از کلام دین رفته حبس باشد دیگر آنکه شکر تعدد بر غیر
 را بجای آورید ما در وقت مستقیم خداوند شایسته اند که تا کلام لاهوت کرد مثلا در مقابل جفا بخند غریبند و در
 شایسته ای پوشش عداوتند بخواهد در او را موعظه خیریه صفت بگوید و مدعی کنید تقوی در او را موعود ریشه کن کنید
 در زینت سواد آموزی در شرت کنید چون عداوت ایمان در او را در کفر هم در کنار فریاد آن و اختیار اسلام
 ستر می تواند خدمت کنید در آخر هم جانی بجز در آن بسوی سر چند کفایت کفر از آن پیدا نمی باشد جانی بفرست
 این ماب پاد آوری میگویم بسجدهای مهربان مدعی کنید مانند سجایه رسول اکرم باشد کما بیاسر ای رسول
 (از: و از اوقات امام حسن (ع) بود قبل از آنکه موعود بیاید)

ازم دیدم که آنقدر روماد بزرگوارو مهربانم با آنجا مشاقت و سختیهای روزگارند اشکند به بهترین وجه و حیفه
 شری و الهی خود را همانا شریعت صحیح و اسلامی فرزند من باشد شکر میکنم چوای پدر بزرگوار و ما در قبر ما امید
 دارم از این بند ماضی راضی بودم باشی زیرا اینجاست انبیا عزرا میبند که در وصول مد شهر خود نتوانستم بحق
 نوزت و باجی آورویا باید روزی درم ما فرزند انبیا استی عیسی نزد شما فکر کنید با احیای من شما هستید صاحب
 دینی من ضرورت کار است عدا امانت و از او مستقیم صاحب امانت هر وقت خواسته باشد اما تقوی را میبرد بدون درنگ
 آنرا باید تحول بد هید و ما بر آن رانم آنکه بوقت خود را در بیاید که بهترین زمان است که می توانم رضایت خدا و شکرمان
 و امام زمان (عج) شریف و شایب برحق را فراموش کنی ای بروت را ندی یعنی کنید از نیایه پرهیزید چون مثلا ما سینه
 نوار کلاه اندی هم برای خدا با جان مان و بیان جهان شید تا نشانه الله در نزد خدا رسول او حضرت محمد
 از عید الفطر^{۱۳۸۰} فراز باشم اما اگر بعد صراحت دیدم مام و نتوانستم حق شما را بجای آورم بر این بخشید *

بنا شما عداوت من می شد بیرون خبیثی با آنکه کسب ما از آمدن هند و را میواد ریز و عداوت من کتیب تبریزی و
 مقام و عیب و ریخت او را در نزد خود پروریزد امید که رضایت خداوند در همین است بندگان اگر چیزی که گشتم با بخت کس
 بود و کز نشما خود و طایفه شما موافقه هستم و اما در ضیقه من دانم از زحمت های شما مثال شکر من شما نشانه الله در نزد

خدا اوتد بد و ما پاد اثر نخواهد بود و ما باید بزرگوارم و سرو سخنم سلام عینکم در اینجا میخوانم میگویم بعد از
 خدا اوتد شمال شما پاد روماد من نزد بگوشه گجا نشما یا منم همیشه درین روز و خود شما هم در اینجا نماز را
 و من خود ترا صد هم پاد و جاتین بند معجزین و نشما روزی پاد خدا در دستم بد هید بگردد نماز و روزی ابراهیم همان
 نشما روز و یک سال نماز تا می استوار گردید چیزی از من به صاحب آن بد هید و دیگر در بار میمان شخصی
 بود شمایی و آنچه ولی اگر در موعظه خیریه بد هید بهتراستید رجحان بر امام از مردم مهربان شهید پیروز روز مرزا آملی
 سلیمان در اینجا من گویم این بند و حقیر نهیستند همین برادری تا و شایسته ندا در امام زهرا سلام الله علیها جوی
 با سزان راضی هستم و اگر هم در می خوبی نبود نام و ما میوجب تارا حشی کسی بود ما هر بار که خدا حافظ خدا
 حافظ خدا حافظ و بیایه بلیکم و رحمة للعالمین

نور فرزند خدیجه کبری و انبیا و امامان
 حسن خادمیان

نام: غلامعلی
نام خانوادگی: خادمیان
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: هنده خانم
تاریخ تولد: یازدهم آذر 1343
محل تولد: روستای وامرزان از توابع شهرستان
دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هجدهم اسفند 1362
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله و ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا قرآن بیان کننده، ارائه کننده و تدوین کننده نظامات و حکومت‌های دنیا باید باشد.
- ا ای بندگان حکومت فقط از آن خداست.
- ا درود بر تمامی روحانیون و بزرگان پیرو خط سرخ ولایت فقیه.
- ا عوامل پیروزی 1- ایمان به خدا، اسلام و قرآن و اهل بیت 2- رهبری امام 3- وحدت ملت.
- ا همه باید فدای اسلام شویم.
- ا برای آزادی قدس و دیگر سرزمین‌های اسلامی دعا کنید.
- ا برای فرج آقا امام زمان دعا کنید.
- ا خدای ناکرده بر سر دولت و مسئولین منت نگذارید و نگوئید ما شهید دادیم.
- ا راه ما راه حسین (7) است.
- ا اسلام درختی است که با خون ما آبیاری می‌شود.

غلامعلی خادمیان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خالق هستی، یاور محرومان یار ستمدیدگان دشمن مستکبران و خالق جهان ستایش خداوندی را سزاست که اول هستی است قبل از همه هستی‌ها، و آخر هستی است بعد از همه آخرها قبل از آنکه هستی باشد او بود و بعد از اینکه هستی نباشد او زنده و پاینده است. شکر خدای را که ما را از بندگان شکرگزار خویش قرار داد و ما را از جهالت و گمراهی نجات داد و قرآن را به وسیله بنده پاکش محمد بن عبدالله (6) به میان ما آورد تا دستورات و احکامش را جزء برنامه زندگی خود قرار دهیم. این کتاب آسمانی که پس از 1400 سال گویی تازه نازل شده به ما امر می‌کند و فرمان می‌دهد که فقط بنده خدا باشیم و جز او کسی را نپرستیم. آدم باشیم و تحت ضوابط الهی زندگی کنیم. شرافت، شهامت، شجاعت، ایثار، شهادت، عشق به لقاءالله و تمام فراهای دیگر که از حلقوم مبارک پیامبر عظیم‌الشأن بیرون آمده و در ابتدا یاران انگشت‌شماری را به دور خود جمع کرد. از مردان علی ابن ابیطالب (7) و از زنان حضرت خدیجه ام‌المؤمنین (3) اولین کسانی بودند که به خدا و رسولش ایمان آوردند و اینها بودند که از جان و مالشان گذشتند و به خدا پیوستند

آری قرآن بیان‌کننده، ارائه‌کننده و تدوین‌کننده نظامات و حکومت‌های دنیا باید باشد، بهترین برنامه مکتبی را به ما ارائه می‌کند امر به نماز و روزه و دیگر عبادات می‌کند امر به جهاد می‌کند و کلام خدا را به گوش جهانیان می‌رساند که ای بندگان حکومت فقط از آن خداست و اوست که اراده کرده که مردمان صالح و نیکوکار خلیفه و جانشین او در روی زمین خواهند بود و زمین از آن صالحان و مجاهدان فی سبیل الله می‌باشد، درود ما بر تمامی انبیاء و اولیاء از آدم (7) تا خاتم (6) و از خاتم (6) تا شهدای عاشورای حسین (7) و از آنجا تا شهدای انقلاب اسلامی، شهدای 15 خرداد²، شهدای 19 دی³

1- در اصل وصیت «علی بن».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

و 13 آبان¹ - 22 بهمن² و 17 شهریور³ و دیگر شهدایی که در ایام الله به لقاءالله پیوستند و زنجیر اسارت را گسستند و بالاخره درود بر شهدای جنگ تحمیلی کفار بعثی - صهیونیستی عراق این سرسپرده ابرقدرت‌های جنایتکار علیه انقلاب اسلامی. سلام ما بر شهدای محراب⁴ مدنی⁵ - دستغیب⁶ - اشرفی⁷ - صدوقی⁸ و دیگر شهدا خصوصاً بهشتی مظلوم⁹، شهدای گرانقدری که هر کدامشان ستونی بودند برای استحکام انقلاب اسلامی و یاوران امام بزرگوارمان. سلام ما بر 14 معصوم خصوصاً پیامبر، منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و نایب برحقش امام خمینی و سلام بر امید امت و امام حضرت آیت‌الله العظمی منتظری¹⁰ و تمامی روحانیون و بزرگان پیرو خط سرخ ولایت فقیه و بالاخره سلام گرم ما بر مردم شجاع و با ایمان و فداکار و از جان گذشته که با ایثارها [و] از خود و فرزندان و خانه و مال و کاشانه و زندگی خود گذشته و همه چیز خود را فدای اسلام نموده‌اند. درود و رحمت خدا و رسولش (6) بر شما مردم پاک ایران اسلامی باد که پس از 1400 سال روی اسلام را سفید کردید و با فریادهای کوبنده خاطرات صدر اسلام را زنده کردید، شما پدران و مادران عزیزی که ما را تربیت کردید و تحویل این جامعه انسانی دادید در قلبتان عشق به خدا و رسول (6) و حضرت علی (7) و فاطمه زهرا (3) و دیگر معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) خصوصاً حضرت اباعبدالله الحسین (7) موج می‌زند آن زمانی [....]¹¹ در شکم شما بودیم شیریه جانان با عشق

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ر.ک. تعلیقات.

9- ر.ک. تعلیقات.

10- ر.ک. تعلیقات.

11- خوانا نیست.

حسین (7) و یارانش توان می‌گرفت و سلول‌ها و اندام‌های [شما] در منابر و مساجد فریاد حسین حسین سر می‌داد و ما در میان جانتان رشد کردیم و به این دنیا آمدیم. دنیایی که ظاهرش زیبا و فریبنده اما باطنش یک کلاس درس بزرگ از پیروزی‌ها، شکست‌ها، ناکامی‌ها، شکنجه‌ها، تبعیدها، کشتارهای دسته جمعی از مسلمین، زندان‌ها که در حق بندگان خدا در طول تاریخ می‌باشد. آری به این دنیا آمدیم و در مجالس عزاداری در حالی شیر خوردیم که به عشق امام حسین (7) و زینب (3) و امام سجاد (7) مادرهایمان گریه کردند و به ما شیر دادند اشک چشم با شیر مخلوط شد و غذای جانمان شد و برای همین است که الان می‌گوییم جنگ، جنگ تا پیروزی این شعار همان شعار امام حسین (7) در روز عاشورا است که فرمود «هیئات من الذله»¹ هرگز زیر بار زور یزید نمی‌روم کشته می‌شویم ولی تن به ذلت نمی‌دهیم، نسل جوان، و آیندگان² بدانند که ما ملت ایران تحت لوای اسلام و با دست خالی با تمامی ابرقدرت‌ها جنگیدیم و تمامی فرمول‌های نظامی و حکومتی و سیاسی را به هم زدیم و ای کسانی که در ایران زندگی می‌کنید یا هر کجای دنیا هستید و این وصیت‌نامه را می‌خوانید با دقت نظر کنید به ایران. ملت مسلمان ایران تحت 3 عامل به پیروزی رسید، 1- ایمان و اعتقاد به خدا و اسلام و قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت که از زمان قدیم مردم ما با ایمان بودند 2- رهبری پیامبرگونه امام خمینی که 15 سال رنج دوری از وطن و تبعید و زندان را کشیده و خدا می‌داند که چقدر زحمت کشید زبان ما از شمارش تمامی زحمات امام قاصر است 3- وحدت ملت ما با اتحاد و وحدت یعنی همهٔ مردم یک مشت شدند و چنان بر فرق طاغوت‌های زمان کوبیدند که هنوز عده‌ای از این طاغوت‌ها در حال دست و پا زدن هستند. آری اگر این 3 عامل حفظ شوند، ما هرگز شکست نخواهیم خورد. ایمان و رهبری و وحدت اگر از هم جدا شوند، ما شکست می‌خوریم. انشاءالله که هر روز این 3 عامل

1- تعبیری است از آن امام حسین (7) وقتی فرستاده یزید بن معاویه از امام حسین (7) می‌خواهد که با یزید بیعت کند، امام در قسمتی از سخنان صریح و حماسی‌اش می‌فرماید: مرا بین شمشیر و ذلت مخیر کرده است و «هیئات من الذله» محال است برای ما تسلیم و ذلت و خواری (حسین بن علی (7) امام شهدا، مرضیه محمدزاده، ص 488).

2- در اصل وصیت «آینده‌گان».

محکم‌تر خواهد شد. از اختلافات خانوادگی و از خبرچینی بپرهیزید و با یکدیگر مهربان باشید [...]»¹ یک وظیفه دینی و الهی و اجرای فرمان ولی فقیه (امام امت خمینی بت‌شکن) و برای مبارزه با ظلم و ستم و برای برقراری پرچم لا اله الا الله بر سرتاسر دنیا عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل گردیدم و ابتدا با پدر و مادر عزیزم که زحمت زیادی برای من کشیدند صحبت می‌کنم. مادر عزیزم تو در حق ما خیلی زحمت کشیدی زبان من از تشکر کردن کوتاه و کوچک است. اجر و مزد تو نزد خدا و فاطمه زهرا (3) و رسول اکرم (6) می‌باشد. «بهشت زیر پای مادران است»² مادر از شنیدن خبر شهادت من زیاد ناراحت نشو افتخار کن که فرزندی در راه اسلام و قرآن شهید شده. راه ما همان راه امام حسین (7) و زینب (3) است. دعا کن اسلام زنده باشد همه ما باید فدای قرآن و اسلام شویم و انشاءالله هرچه زودتر راه کربلا باز می‌شود و به اتفاق تمامی خانواده شهدا و رزمندگان به زیات امام حسین (7) تشریف می‌برید و برای آزادی قدس³ و دیگر سرزمین‌های اسلامی که در دست کفار است دعا می‌کنید و اما پدر گرامی در طول زندگی کاری برایتان انجام ندادم که لااقل قدری به شما خدمت کرده باشم. امیدوارم که از من راضی باشید و بدی‌های مرا با خوبی‌های خود جبران کنید. من از شما التماس دعا دارم که فقط به فکر اسلام باشید و برای فرج آقا امام زمان دعا کنید و امام امت را هم فراموش نکنید. از کلیه برادران و خواهران و بستگان و دوستان و آشنایان و همسایگان انتظار دارم که اگر بدی به آنها کردم از من راضی باشند و پیرو اسلام باشند و از شهید دادن و شهید شدن نترسند و خدای نکرده نگویند که چرا فلانی و فلانی شهید شدند شهید یعنی شاهد و ناظر، شهید یعنی زنده و بالاخره شهید یعنی یک امانت خدایی⁴ و ما نباید به کار خدا دخالت کنیم. همه ما باید فدای اسلام شویم. امروز اسلام مظلوم واقع شده. چشم تمام مسلمین دنیا و مستضعفین به ایران اسلامی دوخته شده، ابرقدرت‌ها به وحشت افتاده‌اند،

1- خوانا نیست.

2- ترجمه این حدیث نبوی است «الجنة تحت اقدام الامهات»، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (6)، ترجمه ابوالقاسم پاینده).

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «خدائی».

نباید در راه خدمت کوتاهی کنیم [...] ¹ مرگ بر او [یا] یادتان نرود ضمناً یک قطعه زمین که 600 متر می‌باشد در صورت شهادت من به دولت اسلامی واگذار کنید و یک تخته قالی که آن‌هم اگر انشاءالله راه کربلا باز شد در حرم آقا اباعبدالله الحسین فرش کنید. ضمناً برای مراسم عزاداری و کفن و دفن من از پول‌های خودم خرج کنید و از سپاه و بنیاد شهید کمک بگیرید، ضمناً لباس‌های فرم و نظامی و اورکت و پوتین هرچه دارم به سپاه تحویل دهید. فقط از همگی دوستان و آشنایان و پدر و مادر خواهش می‌کنم خدای ناکرده بر سر دولت و مسئولین جمهوری اسلامی مَت نگذارند و نگویند که ما شهید دادیم اگر کسی از من بدهی داشت به او بپردازید و مرا حلال کنید. در خاتمه از کلیه آشنایان و کسانی که توانایی دارند که با دشمن بجنگند می‌خواهم که اسلحه ما را بر زمین مگذارند و راه ما را ادامه دهند. اسلام درختی است که با خون ما آبیاری می‌شود. مگذارید که این درخت خشک شود. ضمناً شرکت در انتخابات را نیز فراموش نفرمایید فعالانه شرکت کنید و به پیروان امام خمینی رأی دهید. پدر جان برای من 3 سال نماز و روزه هم بگیرید و فراموش نکنید.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار ²

1- خوانا نیست.

2- در بالای صفحه 3 اصل وصیت‌نامه نوشته شده: امام را دعا کنید و رزمندگان اسلام دعا کنید.

۱۳۴۲

وصیت نامه: منم خالق هستی، یاد و نامم در دلان - ارمنه اولاد منم، مستقیم منم خلق منم

بسم الله الرحمن الرحیم

است. منم آیتش خدایه دل را منم است. اول منی ذی از هر منی جا، و آخر منی است بندار هر آموما

قبل از آنکه منی باشد او مرد ربه او آنکه منی باشد او زنده و با بنده منم است، شکو خوار را - ما را از بنده منم

شکو خوار منم هموار داد و ما را از طاقت و قوای منم است. داد و قرآن را هر سیه منم، آیتش محمد صلی الله

عبارت ما آورد تا و منم است. اعطاس را خود بر ما... ز منم خود قوار دهم ایمنه کتابه آیتش که پس از

بیمار ما آورد تا و منم است. اعطاس را خود بر ما... ز منم خود قوار دهم ایمنه کتابه آیتش که پس از

آدم آیتش رحمت فرستاد الهی ز منم بگیم و شرافت - آیتش و شرافت ما را - آیتش و شرافت ما را - آیتش و شرافت ما را

و نام فرار ما را بگیم که از منم ما را - آیتش و شرافت ما را - آیتش و شرافت ما را - آیتش و شرافت ما را

را بعد روح جمع و دانه را علی بن ابیطالب و از زبانی منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

رسولش ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

ارائه منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

در راه منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

فقط از منی منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

خدا خدا بود. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

خاتم منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

شمال ۱۹ دی ۱۳۴۲ - ۲۴ منم و ۱۷ شهریور ۱۳۴۲ - ۲۴ منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

را منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

علیه الله با همه سلام با برتر است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است. منم ایمنه اولاد منم است

سلام با برکت اختصاص حضرت ^{بنا بر} امام علی علیه السلام و علم شیخ زین العابدین علیه السلام (ع) و ایضا در حقیقت

امام زین العابدین و سلام بر ایدامت و امام حضرت آیت الله العظمی مستظرف علی و غلبه بره جانیون و سزایان

ببر و خط سبز و ولایت نقیب و با کافره سلام بر امام سرورم شیخ و باطلین و دعا مار و از زبان ^ع حضرت

با ایتار و از خرد و روانه خانه و علی و کذا گفته بر نفس خود گفته و هر چیز خود را بخل امامم بوده است

در ده و رحمت خدا و بر پیشانی برده شود محمد پاک ایران اسلام با کفر پس از یک اصلاح و اعلام

راستگو گردید و با غم و حال بر بندگی خلوات همه اسلام را زنده کرده و شایع رای و صادر کزیر که

با اثر نبوت خود و تحریف این جامع انسان دادید و بخلت حق به خدا و رسول و حضرت علی و

فاخره و (س) و شیخ مسعودی سلام الله علیهم اجمعین حضرت ابابکر علیه السلام الحسین موح برزندگی نهانی

مکتوبه حکیم ^ع شیخ زین العابدین علیه السلام حسی و غیر اشراف و انوار حضرت و مستوفی و ^ع مستوفی

در شایر و حاجد نزل فی حسی حسی سرمد او و سایر پهلوان طغیان بر سر گردیم و با بر دنیا آیدیم

و دنیا را که ظاهری زیبا و غریبند اما با طش و کلام بر من نوبت از سر بر بندگی است

تا کاس ما رستگار با تعبید ما - کشتار مکر دست بر من از سبب زنا ما در حق تان خدا و کفر با یمن

بیل سو آید که بر ابرایه آیدیم و در مجلس بر ائمه در حالی شیر خودیم که عقی الم صبر و

زینبیا و امام جواد مار را با جان کرده بود و با شکر دادند ^ع کشف چشم بنشیند محمول شود

خدا را جانان شود و بر او ^ع است که الان شما را ^ع جلد ^ع است تا پیر و فرز

این ستاره یان تبار (حسین) در روزنامه است که در ده هیبت است من انزل هر تو بر با روح

بیدیمی روح کفر بر تویم و در تنه زقت می دیدیم سنی جوان را کینه همان بودند که ما ملت ایران

تحت لوای اسلام و دست خالی با کاس ابر تو را ^ع تقدیم زان فرود ملک نظامی و کوشش میامس را بهم

امام رادعالمیدر زمین پاک اسلامه والکبیر

۴

شرفیم و لکن کسانیکه در این زمین زنده اند باید هر کس که در این زمین است و در این وقت است و در این وقت است

تقریباً در این وقت است که در این زمین است و در این وقت است و در این وقت است

قرآن و احکام است و در این وقت است که در این زمین است و در این وقت است

زکات ۱۵ سال زنده ماند از طرفی و قبیله و زبان را شنیده و خط خواند و چه در وقت است که در این وقت است

شاهان و حاکمان است و در این وقت است که در این زمین است و در این وقت است

مشت مستخدمه چنان بر شوق طاعت و نماز را کرده که در این وقت است که در این وقت است

در حال دست و پا زدن هستند آبرو آبرو این ۴ عامل حفظ کرده و ما هرگز شکست نخواهیم خورد

اینها در بدین دو حد است که از هم جداست و در این وقت است که در این وقت است

~~از جنابین~~

والله و اجلا قرآن را در نقد (امام است قرآن است کعبه) و در این وقت است که در این وقت است

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علیه و آله و سلم و در این وقت است که در این وقت است

بر کعبه و عقیقه است که در این وقت است که در این وقت است

کونتم و کونتم است و در این وقت است که در این وقت است

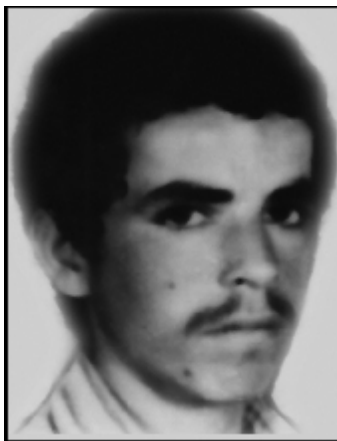
این طریقی است که در این وقت است که در این وقت است

در کعبه اسلام و در این وقت است که در این وقت است

نموده است هر طریقی که در این وقت است که در این وقت است

این طریقی است که در این وقت است که در این وقت است

نام: محمدمهدی
نام خانوادگی: خادمیان
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: هنده خانم
تاریخ تولد: دهم فروردین 1347
محل تولد: روستای وامرزان از توابع شهرستان
دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم فروردین 1365
محل شهادت: خندق عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا همیشه پیرو خط امام باشید و مطیع امر او.
- ا امیدوارم بر هوای نفس خود پیروز شوید.
- ا نگذارید جای من در جبهه خالی باشد.
- ا امام را دعا کنید.
- ا راه مرا ادامه دهید.

محمدمهدی خادمیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الذين قالو ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون»¹.

«آنانکه گفتند خدای ما فقط الله است بر این آرمان مقدس خود پافشاری کردند فرشتگان بر آنان فرود آیند که نترسید و غمگین مباشید و شما را به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».

اینجانب² محمدمهدی خادمیان که تمام وجودم برای خداوند و در راه خداست وصیت خود را شروع می‌کنم به نام الله و با سلام و درود³ بر امام زمان و نایب برحقش امام خمینی این بت‌شکن تاریخ و با سلام بر شهیدان از صدر اسلام تا کربلای حسین (7) و از کربلای حسین (7) تا شهیدان به خون غلطان⁴ 17 شهریور⁵ و 15 خرداد⁶ و 22 بهمن⁷ و شهیدان [72 تن] مجلس شورای اسلامی ایران و با سلام بر شهیدان جبهه‌های⁸ کردستان و جنوب و با سلام بر شهیدان سقوط هواپیمایی ایران که موجب [کشته شدن] 42 تن از بهترین یاران امام گشت. من بنده حقیر چند کلمه سخن می‌گویم. برحسب⁹ تکلیف اینجانب اعتقاد قلبی به وحدانیت خدا و یگانگی وی و اعتقاد به فرستادگان خدا که همان پیامبران و ائمه اطهار (7) [هستند]¹⁰ و اعتقاد و علاقه دیگری که به همین ولایت فقیه

1- فصلت/ 30.

2- در اصل وصیت «این جانب».

3- در اصل وصیت «دورد».

4- در اصل وصیت «قتان».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «جبهه‌ها».

9- در اصل وصیت «هسب».

10- در اصل وصیت «است».

دارم که بی‌شک ادامه‌دهنده همان راه انبیاء و ائمه اطهار است دارم. خدایا تو را صد¹ هزار مرتبه شکر که بنده [خویش] که سرتا پا وجودم در اختیار تو است شکر می‌کنم خداوندا ای خالق هستی من ای معبود من ای کسی که آتشی را که در درونم مشتعل شده بود و لحظه به لحظه زبانه می‌کشید تا اینکه² به‌سوی تو آمدم و این آتش را خاموش نمودی هم‌اینک عزم خویش را در پای وجودم استوار نموده که بار دیگر به جبهه نبرد حق علیه باطل روان شدم و تنها تو در پیش دیدگان من مجسم هستی طلب مغفرت می‌نمایم باشد که با پیکری مطهر و آرایش معنوی به ملاقات تو بشتابم. خداوندا از تو می‌خواهم که وقتی شهادت نصیب³ من گردید⁴ مرا با بدن سالم به آن دنیا نبرید زیرا خجالت می‌کشم از پیامبر (6) و علی (7) و فاطمه (3) و حسن (7) و حسین (7) چونکه بینم علی اکبر حسین (7) با فرق شکافته در صف محشر حاضر گشت ولی من با بدن سالم. خدایا از تو می‌خواهم که مرا با تیر و ترکش دشمن سوراخ سوراخ یا تکه‌تکه یا که با فرق شکافته به آن دنیا ببر تا که از پیامبر (6) و علی (7) و فاطمه (3) و حسن (7) و حسین (7) خجالت نکشم⁵ بلکه سرافراز باشم می‌روم که تا خون خود را در راه اسلام بریزم چونکه اسلام به خون ما نیازمند است و با ریختن خون ما است که آرمان‌های⁶ توحیدی تحقق می‌یابد و پرچمی [که] به خون آغشته شده لا اله الا الله را در نقاط عالم به احتراز درمی‌آوریم و قلب امام زمان (عج) را راضی و خشنود می‌گردانیم.» و اما پیامی که برای مردم شهیدپرور ایران و خصوصاً مردم دامغان و روستای خود دارم این است که از رهبر چون امام خمینی پیروی کرده و حضور خویش را در صحنه حتی برای یک لحظه خالی ننمایید⁷ و به‌طور کلی مطیع او و امر امام باشید تا اینکه مسئولیت عظیمی که بر شما

1- در اصل وصیت «صدا».

2- در اصل وصیت «اینک».

3- در اصل وصیت «نسیب».

4- در اصل وصیت «گردانید».

5- در اصل وصیت «مکشم».

6- در اصل وصیت «آرمان‌ها».

7- در اصل وصیت «نمایید».

محول شده است به انجام رسانید تا خداوند مَنان و امام زمان (عج) را از خود راضی و خشنود بگردانیم. و اما سلام بر تو ای پدر و مادر که زحمات زیادی برای من کشیدی و می‌بخشید که نتوانستم برای شما کاری انجام دهم. پدر و مادر از مرگ من نگران نباشید چونکه این راه را خودم انتخاب کردم و امیدوارم که خدا به شما در این دنیا صبر و استقامت دهد و در آن دنیا با پیامبر (6) و حسین (7) مشهور گرداند و اما سلام بر شما برادرانم و خواهرانم امیدوارم که همیشه پیرو خط امام باشید و همیشه مطیع امر او باشید و امیدوارم که بر هوای نفس خود پیروز شوید تا که شیطان بر شما غلبه نکند و امیدوارم شما برادران راه مرا ادامه دهید و نگذارید¹ جای من در جبهه خالی بماند. و اما شما قومان و خویشان امیدوارم که پیرو خط امام باشید و امیدوارم که ببخشید اگر به شما اذیت کردم و اما شما همسایگان امیدوارم که ببخشید که در طول این سن خود به شما اذیت یا بی‌ادبی کردم و هر کسی از شما پول یا چیزی² از من می‌خواستید از پدرم بگیریید.

«وسلام»

پدرجان برای³ خرجی ختم و کفن از پولی که در بانک دارم استفاده کنید.

«وسلام»

پدرجان 2 ماه برای من روزه بگیریید و یک سال هم نماز بخوانید.

امام را دعا کنید. برای آزادی اسیران هم دعا کنید. برای شفای مجروحین هم دعا کنید

Ase

محمدمهدی خادمیان

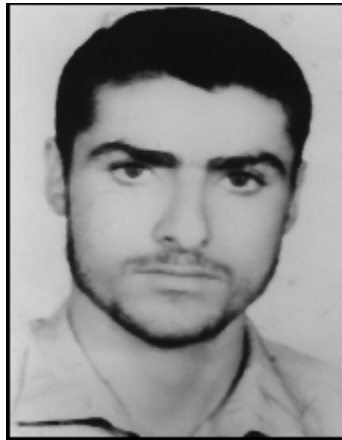
65/1/18

1- در اصل وصیت «نگزارید».

2- در اصل وصیت «چیز».

3- در اصل وصیت «بر».

نام: رمضانعلی
نام خانوادگی: خارکش
نام پدر: رجبعلی
نام مادر: معصومه
تاریخ تولد: نوزدهم آذر 1348
محل تولد: شهر کلاته خبیج از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هفدهم بهمن 1366
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا برای ادای تکلیف و انجام وظیفه و به فرمان امام به جبهه آمدم.
- ا این مردم باعث سربلندی و سرافرازی اسلام شدند.
- ا برادرانم در خط امام باشند.
- ا برادرانم راه شهدا را ادامه دهند.
- ا خواهرانم با حفظ حجاب به جنگ با فتنه و بی‌بند و باری بروند.
- ا جای شهدا را در جبهه‌ها خالی نگذارید.
- ا جنگ را تا سرنگونی و غلبه حق بر باطل ادامه دهید.

رمضانعلی خارکش

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجناب رمضانعلی خارکش فرزند رجبعلی متولد 1348 شماره 15 صادره از کلاته خبیج با اعتقاد به اینکه خدایی به جز¹ الله خالق جهان نیست و محمد (6) فرستاده اوست و علی (7) و یازده فرزندش امامان شیعیان و جانشینان رسول خدا هستند و با درود بر ارواح مطهر شهدای اسلام از صدر اسلام تا زمان حاضر و سلام بر آخرین پیشوای معصوم حضرت حجت ابن حسن العسکری (عج) و درود بر نایب برحقش امام یعنی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی بزرگ مرجع تقلید شیعیان و رهبر عظیم الشأن دنیای اسلام در زمان حاضر به اطلاع شما خانواده محترم می‌رسانم که برای ادای تکلیف و انجام وظیفه و به فرمان امام امت به جبهه آمدم و آمدن به جبهه نبرد علیه باطل برای من یک سعادت بزرگ محسوب می‌شود آمدم تا به ندای فرزند حسین (7) سید اولاد² پیغمبر روح الله خمینی امام عزیز لبیک بگویم چرا که ندایی را که امروز سر³ داده همان ندایی است که حضرت اباعبدالله الحسین (7) در روز عاشورا سر داد که «هل من ناصر ینصرنی»⁴ و اگر آن روز امام معصوم امام سوم شیعیان لبیک‌گوی کمی [کمی] داشت اما امروز مردم مسلمان ما همه لبیک‌گوی ندای حسینی‌اند و پیرو امام خمینی‌اند. خوشا به حال این مردم که وفاداری خویش را به اسلام و قرآن و ائمه اطهار و روحانیت⁵ متعهد نشان دادند آفرین بر این مردم که گوش به فرمان خمینی کبیر رسوایی⁶ و بیچارگی و ذلت و خواری دشمنان دین خدا را امضا کرده‌اند و باعث سربلندی و سرافرازی اسلام شدند خدا موفقشان بدارد. پدر و مادر عزیزم می‌دانم آن‌گونه [که] وظیفه داشتم در حق شما وظیفه‌ام را انجام ندادم و

1- در اصل وصیت «حزب».

2- در اصل وصیت «ولا».

3- در اصل وصیت «میر».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «روحانیونیت».

6- در اصل وصیت «رسوایی».

شرمنده هستم اگر بدی از من دیده‌اید مرا ببخشید و از خداوند بخواهید مرا ببخشد اگر توفیق شهادت را خدا به من داد افتخار کنید و شکر خدا را کنید و به جای من برای امام حسین (7) آن شهید مظلوم تاریخ و اصحاب و یارانش که مظلومانه در کربلا شهید شدند گریه کنید و اگر خواستید روضه بخوانید روزه قاسم ابن الحسن را بخوانید تا نام حسین (7) و یارانش برای همیشه زنده بماند و ما هم برای زنده ماندن نام ائمه و برای زنده ماندن اسلام و قرآن خون می‌دهیم آنها خون دادند و دین را زنده کردند و به دست ما رساندند و ما باید با خون خودمان درخت دین را آب دهیم تا سربلند و سرافراز بماند از برادرانم تقاضا دارم که در خط امام باشند و راه شهدا را ادامه دهند و اسلحه ما را از زمین برداشته با دشمنان اسلام بجنگند و از خواهرانم می‌خواهم که با حفظ حجاب و عفت و پاکی خودشان به جنگ با فتنه و بی‌بند و باری بروند و نگذارند منافقین پلید و افراد فاسد و بی‌غیرت جامعه را خراب کنند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

«والسلام»

رمضانعلی خارکش

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

به نام الله پاسدار خون شهدا و به نام یاری دهنده روح‌الله و هدایت کننده جنرال‌الله به‌سوی سبیل‌الله.

اینجانب رمضانعلی خارکش فرزند رجبعلی ساکن روستای کلاته‌خیج می‌باشم و هدف من از آمدن به جبهه اطاعت از فرمان امام و ادای تکلیف الهی بوده است و آن چیزی که باعث شد به جبهه بیایم احساس مسئولیت شرعی بوده و اینکه نگذاریم دین خدا تنها بماند و دین خدا را یاری کنیم. از آنجا که وظیفه شرعی خود دانستم به‌سوی جبهه شتافتم و اگر لایق آن بودم که در راه خدا شهید شوم به این شهادت افتخار می‌کنم و اما پیام من به امت

حزب‌الله این است که اولاً در مرحله نخست امام را تنها نگذارید و از ولایت فقیه یعنی مقام رهبری و قائم‌مقام رهبری حضرت آیت‌الله منتظری¹ پیروی کنید². اینطور نباشد که خدایی ناکرده قضیه خوارج در صدر اسلام تکرار شود که اگر اینطور شد نباید امیدوار باشیم که رستگار شویم و از امت شهیدپرور به‌خصوص امت شهیدپرور کلاته‌خیج می‌خواهم که به دستورات اسلام تا جایی که در توان دارند عمل کنند. جای شهدا را در جبهه‌ها خالی نگذارند، همیشه از حق پشتیبانی کنند. با هم اخوت بیشتری داشته باشند و جنگ را تا سرنگونی و غلبه حق بر باطل ادامه بدهند.

و اما پیام من به خانواده‌ام، این است که صبر پیشه خود سازند و بدانند که در نزد خدا اجر و مزدی والا دارند و بدانند که چیزی را از دست ندادند بلکه خیلی چیزها در آخرت به دست خواهند آورد.

از پدرم تشکر می‌کنم که مرا بزرگ کرد و برایم زحمت کشید و به‌عنوان هدیه‌ای به پیشگاه خداوند تقدیم کرد امیدوارم مرا حلال کند. و نیز از مادرم که به من شیر داد و برایم زحمت کشید تا مرا تقدیم پروردگار بنماید تشکر می‌کنم و از برادرانم می‌خواهم آنطور باشند که خداوند می‌خواهد و رضای خدا در آن است و از همه اقوام می‌خواهم که در تشیع جنازه‌ام فعال باشند و مراسم تمامی شهدا را گرم نگهدارند و با هم مهربانی زیاده‌تری داشته باشند.

و در آخر از امت حزب‌الله و وطن می‌خواهم که مرا ببخشند و اگر از من بدی دیده‌اند مرا حلال نمایند و باز هم تأکید می‌کنم قدر امام امت را بدانند.

من ماه مبارک رمضان [...] است³ که به‌علت بودن در جبهه نتوانسته‌ام روزه‌های خود را بگیرم و بدهکار هستم و نماز هم یک ماه بدهکار هستم. من به کسی بدهکاری ندارم و از کسی بگیرم هم نیستم و اگر جنازه من به دستتان رسید مرا در مزار شهداء کلاته‌خیج دفن

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «کنند».

3- خوانا نیست.

کنید¹ و مراسم عزاداری مرا به دلخواه پدرم برگزار کنید. وصی من پدرم می‌باشد. مرا حلال
نمایید² و برای شادی ارواح تمامی شهدا صلوات بفرستید.

الاحقر رمضانعلی خارکش

مورخ 65/2/27 هـ- ش مطابق با هفتم رمضان المعظم 1406 هـ- ق

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

1- در اصل وصیت «کنند».

2- در اصل وصیت «نمایید».

بسمه تعالی

وصیتنامه

محل الحاق عکس

این وصیت نامهها انسان را می لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

برادر بزرگوار توصیه می شود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

- ۱- هدف از آمدن به جبهه
- ۲- پیام

۳- رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مادر و طرف دیون، واحسانی که بشکود، داشته رخصه نماز و غیره و روز و زمان و خیرات و صدقات سنت به مال و دین و ...

اینهاست و شما سعی در اکران آن در صورت و محیط خود کنید. ۱۳۶۸ هجری قمری

کلا تخرج با اعتقاد اینک خدا را می پرستد و هر چه از حق او میسر آید
 امر کند و بر وی زود فرزندش **ایمان** را جانفشانی و در خدا مستنود دارد
 مطهر همای اسلام از عمر اسلام تا زمان حاضر و سلام بر اکابر و پیشوایان معصوم حضرت
 محمد بن حسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف و در ذلالت و حقن امام
 معین حضرت آیت الله العظمی امام فرزند شریف حج تقلید **ایمان** و رفیق غلام
 دنیا و اسلام در زمان حاضر به اطلاع شما خانواده معترض من رسام که برای
 تکلیف و انجام وظیفه و فرمان امام اجتناب بجبهه که مردم و کسب حرام نیست
 علی با مال **ایمان** برای من یک معاد است بزرگ **ایمان** که بزرگ
 فرزندی حسین علی السلام سید اولاد و معبر روح اندک خنی امام غزالی است

تعاون مصلحه چهار (هراسان)

تستایید از پشت ورقه استفاده نمائید
 تذکره: نقاشی وصیت نامه را داخل پاکت گلخانه و تمویل تعاون نپ، لنگر و دهی

نگذارند، همیشه از حق بیستیاان کنند. بهم افرت بیشتر داشته باشه و جنگ راهی کشوری و
 علیه حق بره ادا می دهند.

و کتابی من به خانرا تمام، این است که صبر پیشه فرمایند و بدانند که نزد خدا اجر و پاداشی والا
 دارند و بدانند که چیزی را از دست نماندند بلکه خیلی چیزها در آخرت بر دست خواهند آورد.

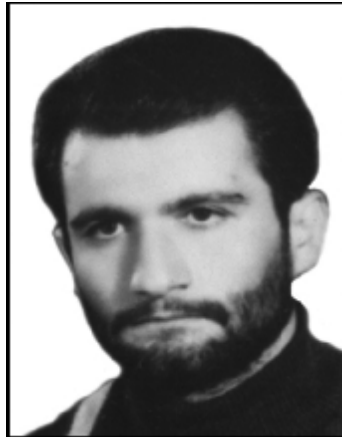
از پدرم تشکر می کنم که مرا بزرگ کرد و برایم زحمت کشید و بمنان هدیه ای به پیشه خداوند تقدیم کرد
 اسیر دارم مواحلل کند. و نیز از مادرم که به من شیر داد و برایم زحمت کشید تا مرا تقدیم پروردگار
 بنمایند تشکر می کنم و از برادرانم می فراهم آنطور باشند که خداوند می خواهد و رضای خود را آن است
 و از همه اقدام می فراهم که در تشییع خانرا مشاغل باشند و مراسم تاسی و تسلی را اگر می بگذارند و بهم هر چه بزرگی
 داشتند باشند.

و در آخر است فریاد وطن می فراهم که مرا ببخشند و اگر از من بری دیده اند مواحلل نمایند و
 باز هم تا کبدمی کنم قدرانام است را بدانند.

من به سوگواران علی ایضا که به علت بزرگی و صیبه نترانتم ام بوده اند و در این بگرم و بیهکار هستم
 و نماز هم یک ماه بر من خوانده است. من بگرم بیهکاری دارم و از کسی بگرم نیستم و اگر خداوند من بر ستانی
 رسیده مرا در منزلت کلمات صبیح دفن کنند و مراسم عزاداری مرا به دلتوا بپوشم بپوشان کنند. و من می پندم
 می باشد. مواحلل بنامید و مرا در اراج نام شهید از صلوات بفرستید. *لا احقر رمضان علی فاکن*
 مورخ ۲۷/۲/۶۵ هجری قمری مطابق با ۱۴۰۶ هجری قمری

خان جوانی تا آنکه در بهر غمگینان کردار

نام: احمد رضا
نام خانوادگی: خالصی
نام پدر: سید علی اکبر
نام مادر: اقدس
تاریخ تولد: چهارم دی 1340
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و چهارم اسفند 1362
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا همیشه در راه تداوم این انقلاب اسلامی کوشا باشید.
- ا همیشه یار و یاور این امام بزرگوار باشید.
- ا قدر این نعمت را (امام) که خدا بر همه ما ارزانی داشت، بدانیم.
- ا شما باید اسلام را یاری کنید.
- ا شهدا انسان‌هایی پاکند که کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به هدف یافته‌اید.
- ا پشتیبانی خود را در هر زمان از ولایت فقیه ادامه دهید.
- ا ولی فقیه قلب تپنده امت اسلام است.

احمدرضا خالصی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياهم عند ربهم يرزقون»¹.
 «مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام فراوان بر منجی عالم بشریت ولی عصر امام زمان (عج) و با سلام بر نایب برحقش بت شکن تاریخ پیر جماران امام خمینی و با درود بر ارواح پاک و مطهر شهیدان. سخنم را آغاز می‌کنم آری شهادت آرزوی مردان خدایی² است و مرگ در بستر برایشان ننگ است چرا که هر لحظه از زندگی‌شان سرسخت‌تر [و]³ به مراتب با ارزش‌تر از سال‌های زندگانی کسانی است که زندگی را چیزی جز روزمرگی‌ها⁴ نمی‌دانند آنها بدون هدف از صبح تا شب از این طرف به آن طرف می‌دوند و در شروع هر روز باز مسیر قبلی خود را طی می‌کنند و در مسیر دایره‌وار به دور خود می‌گردند و در آخر عمر نیز به همان نقطه‌ای می‌رسند که در آغاز بودند اما شهید کسی است که این حصار را در هم می‌شکند و راهی برای خروج از آن می‌یابد راهی که او را به حق تعالی می‌رساند او انسانی است که روزمرگی⁵ را در کنار نهاده [در] جست‌وجوی ارزش والاتر حیات می‌کند چرا که می‌داند زندگی یعنی تلاش در راه هدفی مقدس او می‌داند که انسان جزء⁶ کوچکی از عالم هستی است جزء کوچکی است که در برابر آفریننده‌اش به هیچ می‌ماند شهید می‌داند که زندگی یک شروع بی‌هدف و یک پایان ناخواسته است و آمدن ما به این دنیا هدفی دارد زندگی چیزی فراتر از مادیات است

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «خدائی».

3- در اصل وصیت «از».

4- در اصل وصیت «روزمرگی».

5- در اصل وصیت «روزمرگی».

6- در اصل وصیت «جزوء».

زندگی دنیایی باید نردبانی باشد برای رسیدن به سعادت واقعی برای رسیدن به خدا و هدفی که مقدس است که می‌تواند راهنمای انسان باشد و طریق صحیح را به او بنمایاند ما جزء بسیار کوچکی هستیم که آفریننده‌ای دارد و بزرگوارتر از همه مهربان‌ترین مهربان‌ها و بخشنده‌ترین قدرتی که اوج خوبی‌هاست ستایش‌ها را سزاوار است. او که فرمان زندگی می‌دهد ما را به این دنیا می‌آورد و آنگاه نظاره‌گر همه اعمالمان می‌شود و مسیری را که طی می‌کنیم، می‌نگرد. گاه برخی از انسان‌ها به بیراهه کشیده می‌شوند و به هدف نمی‌رسند، برخی راه‌های طولانی را در پیش می‌گیرند و با زحمت به مقصد می‌رسند، و برخی که راه صحیح را یافته‌اند در صراط مستقیم او پیش می‌روند و با یاری خدا به هدف هم می‌رسند. شهدا این انسان‌های پاکی که کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به هدف یافته‌اند، دست یاری خدا را در همه جا احساس می‌کنند. چرا که خداوند همواره یار و یاور بندگان مؤمن است. آنها که برای خدا راه می‌روند، برای خدا می‌خورند، برای خدا تلاش می‌کنند و برای خدا همه کارهایشان را شروع و اتمام می‌رسانند و همانا که آنان عشق خدا را در دل می‌پروراند.

بار الهی، خدایا ما را هم در زمره این افراد قرار بده. خدایا تو را شکر می‌کنم، به‌خاطر این نعمت بیداری چشم‌دل و بصیرت که به من عطا کردی و نگذاشتی که با کوردلی و با این چشم دنیابین در بستر بمیرم. خدایا مرا ببخش و بیامرز. خدایا در رحمتت را به روی همه بگشا. خدایا باز هم روی به درگاه تو آورده و می‌آورم. با همه گناهان، با همه معصیت‌ها و با همه عصیان‌ها و سرکشی‌های من، باز هم دست به دامن تو می‌شویم و از تو کمک می‌خواهیم. چرا که در رحمت توبه تو، به روی بندگان باز است. خدایا مرا ببخش و بیامرز. پروردگارا من خیلی کوچک‌تر از آنم که بخواهم برای عزیزانم صحبت و وصیت و نصیحتی کنم.

عزیزان من تمام چیزهایی را که باید گفت گفته شده. تمام چیزها را خدا گفته، همه راه را به ما نشان داده. همه اتمام حجت‌ها را بسته. همه شهیدان ما تمام چیزهایی را که می‌بایست بگویند گفته‌اند.

عزیزان من همیشه در راه تداوم این انقلاب اسلامی کوشا باشید. همیشه یار و یاور این امام بزرگوار باشید. او که واقعاً یک نعمت الهی است او را تنها نگذارید. باید قدر این

نعمت را که خدا بر همه ما ارزانی داشت بدانیم. ای امت اسلام باید بدانید که ایران، که ملت مسلمان، تنها با عراق در جنگ نیست. بلکه اسلام همیشه با کفر، همیشه با ظالمان در جنگ و ستیز است. چه اکنون با تمام ابرقدرت‌های جهانی و چه با دشمنان بعث. پس شما باید همیشه اسلام را یاری کنید. رویارویی با کفر و دشمنان اسلام و این مردم مبارز و مسلمان، همیشه مطیع امر رهبر باشید و پشتیبانی خود را در هر زمان از ولایت فقیه و روحانیون مبارز اسلام ادامه دهید. چرا که اینان راهنمایانی هستند برای شما، برای همه و عصر حاضر پشتیبان ولی فقیه [امر]، فرزند پاک رسول الله، خمینی روح‌الله، نایب برحق حضرت مهدی (عج) باشید. چرا که این ولی فقیه قلب تپنده امت اسلام است. در خط این امام عزیز حرکت کنید. او را الگو و سرمشق خود قرار دهید. و به همه این دشمنان و منافقان و ابرقدران بفهمانید که پیر جماران تنها نیست و پشتیبان دارد. عزیزان من محکم و استوار باشید و هرگز از صحنه خارج نشوید. یک لحظه خدا را فراموش نکنید، چرا که [...] ¹ مصیبت‌ها به بار می‌آورد. همیشه به یاد او باشید. همیشه با فکر او و به یاد او همه کارها را انجام دهید. این جنگ اصلی را هرگز فراموش نکنید. این جبهه بزرگ درونی را فراموش نکنید. این جهاد اکبر این نفس‌کشی را هیچ‌وقت فراموش نکنید. چراکه اگر در آن جبهه پیروز شوید، همیشه در همه جبهه‌ها پیروزید. عزیزان من در قبال خون این شهدا، در قبال خدای خود مسئولید. همه مسئولیم. نکنند که یک لحظه‌ای فراموش کنیم. نسل‌های آینده را شما از هم‌اکنون می‌سازید. این بچه‌های کوچک و معصوم، اینان فردا بزرگ می‌شوند، اینان آینده‌سازانند. برایشان الگو باشید، تا همین‌طور که اسلام را از بدو تولد تاکنون برایمان حفظ کرده‌اند، شما هم حفظ کنید و آنان ادامه‌دهنده راه شهیدان باشند.

عزیزان من، از همه شما طلب حلالیت و بخشش می‌کنم. همه کسانی که با من طرف صحبت یا بدخلقی داشتند، همه برادران، همه کسانی که مرا می‌شناسند، مرا ببخشند و حلالم کنند. عزیزان من، این رزمندگان که در جبهه‌ها می‌جنگند، اینان به‌خاطر نه پولی، نه مالی، نه هیچ‌گاه و مقامی، به‌خاطر هیچ چیز دنیایی نمی‌جنگند. اینان فقط به‌خاطر خدا و به عشق او می‌روند و در راهش جهاد می‌کنند. چراکه می‌دانند مسئولند و باید این راه را

1- در اصل وصیت جای خالی است.

بروند. ای آنانی که هنوز هم بیدار نشده‌اید. شما که هنوز چشم دنیابیتان باز است و چشم دل و بصیرتتان کور، بیدار شوید. تا دیر نشده است به خود آید که هدف چیز دیگری است. هدف این دنیا نیست، فقط در این دنیا زیستن نیست. زیستن در این دنیا هم هدفی دارد. قلباً فکر خدا را بکنید. ببینید آیا وجداناً فقط این روندی است که شما کورچشمان پیش گرفته‌اید. بیایید تا دیر نشده است [به] درگاه خدا توبه کنید. از تمام اعمالتان [...] رو به درگاهش برید و راه و روشی را که باید طی کنید بروید. اینقدر دل به این دنیا نبندید. این دنیا هیچ ارزشی ندارد که شما تمام اصالت خودتان را^۲، آن انسان [بودنش] را، که خدا انسانی شما را آفرید، فدای این دنیا کنید. انسان بودنتان را حفظ کنید. بترسید که هر لحظه مرگتان فرا رسد و با همین حال از دنیا بروید. بترسید از دولت خدا، بترسید از آتش جهنمش و از این گمراهی به درآید و راه راست را پیشه کنید. برادران همه مسئولیم، همه‌مان مدیونیم. مدیون خدا. برادران من از شما عذر می‌خواهم من فقط به خاطر خدا رفتم به جبهه. فقط به خاطر او رفتم به جهاد. چرا که وظیفه‌ام بود. از پدر و مادرم، از همه فامیل، از همه خویشاوندانم می‌خواهم که مرا ببخشند.

پدرجان، می‌دانم که برایتان سخت است، اما سختی این دنیایی است. بیایید به فکر آخرت هم باشید. آنانی که می‌روند و در جبهه‌ها می‌جنگند و شهید می‌شوند، لحظه‌ای کوتاه‌ترین زمانی، حتی به فکر این دنیا نیستند. آنان راهشان را پیدا کردند، آنان فهمیده‌اند که باید کدام هدف را دنبال کنند. مادرجان، مادر عزیزم، می‌دانم که چه زحمت‌ها برایم کشیدی. می‌دانم که چه سختی‌هایی کشیده‌ای من اینها را خودم می‌دانم و خدا هم آگاه است. اما باز هم صبور باش، بردبار باش و شکیب باش. نکند خدای نکرده به خاطر من زیاد دل شکسته گردی. به خاطر من گریه نکن. فقط همیشه به فکر این باش که من امانتی بودم به دست تو. مادر مرا کی آفرید. مرا کی به دست تو داد. آن خدا و معبود یکتا. این امانت را تو خوب امانتداری کردی و به صاحب اصلی‌اش برگرداندی. خوشحال باش و افتخار کن مادر. افتخار کن چرا که پیش فاطمه و زینب (3) سرشکسته نیستی. افتخار کن که پیش

1- در اصل وصیت جای خالی است.

2- در اصل وصیت «خودتانرا».

آنان روسیاه نیستی. تمام سختی‌هایی که کشیده‌ای، اجرش را خدا [به شما]¹ می‌دهد. حتماً هم تلافی آن را خدا در آن دنیا برایتان خواهد کرد. این صحنه، این زمین، این زمین امتحان است. دنیا دنیای امتحان است. و شاید خدا هم تو را به این وسیله امتحان کرده. و چقدر هم خوب امتحانت را پس دادی مادر. چه سختی‌ها و رنج‌ها که کشیدی و چه مهم‌تر که آخر هم دینت را ادا کردی. مادر جان نکند که به خاطر من گریه کنی، می‌دانم مشکل است. فرزند را بزرگ کردن، بیست سال زحمت کشیدن از بدو تولد، شب زنده‌داری‌هایی [که] به خاطرش کردن، چه سختی‌ها و مشقت‌ها که همه می‌دانند، آری مشکل است. ولی همه مسلمانیم و آگاهیم. یک لحظه هم فکر علی اکبرها² باش. فکر علی اصغرها³ باش. فکر حسین (7) و زینب فاطمه (3) باش. ببین که به آن مشکلی نیست. هر وقت که می‌خواهی گریه کنی، هر زمانی که من به یاد تو آمدم، می‌دانم که مشکل است. ولی قبل از اینکه فقط به خاطر من گریه کنی، بلافاصله فکر حسین (7) را بیار. خاطر حسین بن علی (7)، خاطر علی اکبرش. فقط خاطر آنها را بیار در نظرت. بعد به خاطرشان گریه کن. خوشا به حالت مادر جان که آن دنیا، که در آن دنیا روسیاه نیستی. این دنیا تمام می‌شود مرگ فرا می‌رسد و همه را می‌خواند، هر کس به نوبتش. فکر آن دنیا باید بود، که اصلاً محدود نیست. برای همیشه. برای همیشه تا ابد باید در آنجا باشیم.

برادرانم، خواهرانم، پدر، مادر، از همه‌تان می‌خواهم که مرا ببخشید. مرا حلالم کنید. مادر جان، شیرت را حلالم کن. می‌دانم مادر جان تو آرزو داشتی که در این دنیا مرا داماد کنی. تو گفتی که امیدم، تو گفتی که امیدم الان به این است که تو را در حجله‌گاه عروسی بینم. مادر جان تو می‌خواستی، تو می‌خواستی همسری را نصیب من کنی که بهترین همسرها باشد. می‌خواستی در زندگی خوشبخت باشم. اما خوشحال باش. خوشحال باش که آن عشق اصلی خودم را پیدا کردم. بهترین عشق‌ها، عشق خدا خیلی خوب است. بهترین بهترین‌هاست. مادر جان سنگر را حجله خودم کردم و به عروسی و خواستگاری او رفتم، عشق خدا. و خوشحال باش که به این آرزوی خودت هم رسیدی مادر. بردبار و

1- در اصل وصیت «بتان».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

شکیبا باش و نکند که ناراحت باشی از دستم که من پیش این شهدا خجل باشم. طوری محکم و استوار و صبور باشید که دشمنان کوچک‌ترین سوءاستفاده‌ای از شما نکنند. دشمنان اسلام، چرا که فقط به ضرر اسلام است و انقلاب. بگذار این کوردلان، این دشمنان خدا و دینش هرچه می‌خواهند بگویند. صبور باشید که مشت محکمی باشد تو دهان تمام این، همهٔ یاوه‌گویان و ...

مادر جان، پدر جان. دعا کنید برایم و از خدا طلب بخشش و عفو برایم بنمایید. بار دیگر از شما می‌خواهم مرا حلال کنید و از همهٔ دوستان و آشنایان برای من حلالیت بطلبید. [از شما]¹ عذر می‌خواهم به‌خاطر اینکه نتوانستم برایتان فرزند خوبی باشم ولی خوشحال باشید که پیش خدا سربلندید.

در پایان باز هم [از شما]² می‌خواهم که امام را فراموش نکنید. دعا به جان امام کنید و قدر این نعمت را بدانید و از او سرمشق بگیرید. خدایا، خدایا این امام بزرگوار را تا انقلاب مهدی‌ات³، حتی کنار مهدی‌ات⁴ او را نگه دار.

در پایان عزیزان من اگر وصیت‌نامه‌ام به دست شما نرسید از روی همین نوار هم می‌توانید قسمتی از وصیتم را بخوانید.

«والسلام⁵ علیکم و رحمة الله و برکاته

بنده فقیر خدا

احمدرضا خالصی

1- در اصل وصیت «زتان».

2- در اصل وصیت «زتان».

3- در اصل وصیت «مهدیت».

4- در اصل وصیت «مهدیت».

5- در اصل وصیت «السلام».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم...»¹.

با درود و سلام بیکران به تمام شهدای اسلام از بدر تا کربلا و از کربلای حسین (7) تا کربلای خمینی و با درود و سلام بیکران بر امام امت و امت شهیدپرور ایران و با درود و سلام خالصانه بر شما مادر و پدرم که با صبر و استقامت خود به این حقیر اجازه جهاد [...] ² شهادت و عزت را دادید. ما گناهکاران درگاه خداوند ما سربازان خمینی ما جانبازان خمینی آگاهانه و با بصیرت کامل این راه را انتخاب کردیم و [...] ³ و به ندای «هل من ناصر ینصرنی»⁴ امامان لیبیک گفته و عاشقانه آغوش خود را برای استقبال از شهادت گشودیم چرا که عزت و شرف اسلام و آن امانت الهی را که از شهدای بدر و احد و کربلا گرفته بودیم تنها با جهاد و مجاهده در راه خداست که به مقصد نهایی خود که همان انقلاب حضرت بقیه‌الله اعظم (عج) است می‌رسد پس ای اهل دنیا و ای امت مسلمان بدانید که هجرت [...] ⁵ و ما با جهاد سلاح و شهادت سعادت ماست که حقیقتاً رستگاری دو عالم که زیر سایه شمشیرها در سنگرها پدید می‌آید. به راستی چرا باید تمامی امام‌ها بیایند شهید شوند چرا باید کوتاه‌ترین راه به قرب به خداوند شهادت باشد. آری تمام اینها برای ما درسی از اسلام است که ای فرزندان محمد (6) با کافران و منافقان بستیزید تا رستگار شوید، خدایا چگونه من حقیر ذلیل به درگاه تو شکر این نعمت را کنم که با شهادت خود در راه آزادی کربلای حسین (6)، توانستم اندکی از دین خود را به اسلام و امام عزیز ادا کنم و چه عزتی بالاتر از این. مادر جان و پدر جان بدانید که اگر من به جبهه نمی‌آمدم و مثل سابق زندگی می‌کردم حتماً در آتش جهنم می‌سوختم اما با قدم گذاشتن در راه خدا و

1- توبه/111.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- خوانا نیست.

شهادت در راه او حداقل امیدی هست که هر سه بتوانیم در بهشت رضوان خداوندی تا ابد در پیشگاه ائمه (7) باشیم و حال [...]»¹ برای این مسئله را به خودتان وامی‌گذارم مادرم تو را به خدا قسمتان می‌دهم که پس از شهادتم غم و غصه زیاد نخورید و گریه نکنید و بدانید که شهید هرگز نخواهد مُرد، تو را به خدا طوری باشید که گویی فرزندان در نزد شماست و با صبر و استقامت کاری کنید تا من روسفید گردم.

مهدی جان شرم و حیا از کثرت گناهان و معصیت‌هایم، مانع است که خود از خدا بخواهم، پس تو از او بخواه که گناهانم را ببخشد.

مادر و پدرم و برادران و خواهرانم در مقابلتان شرمندهم، چرا که نتوانستم دین خود را ادا کنم و برایتان فرزند خوبی باشم. امیدوارم که مرا در مقابل نافرمانی‌هایم و در مقابل آزار و اذیت‌هایم و خطاهایم ببخشید.

در پایان قسمت آخر دعای صباح حضرت علی (7) «الی قلبی محجوب و نفسی معیوب و»².

خداوندا، نافرمانی تو را بسیار کردم، گناه و اشتباه بی‌اندازه نمودم اما خدایا به تو امید دارم، خداوندا توبه مرا پذیرا باش و مرا از رحمت فراوانت بی‌نصیب مفرما، خداوندا تو مرا از امیدم ناامیدم مفرما و دعاهايم را به کرم‌ت مستجاب فرما. شما ای شهیدان که به درگاه خداوند آبرو دارید شما که خداوند عاشقتان شده و ندایتان را شنیده و دعایتان را مستجاب نموده و به درگاه خویش خوانده است، شما نیز دست مرا بگیرید و مرا را نیز نزد خدا شفاعت کنید چرا که خودم آبرویی ندارم که از او طلب و درخواستی کنم.

1- خوانا نیست.

2- فراز پایانی دعای «صبح».

توسعه
و احتراف خداوندی

صفت علم شریف
از زبان خود

صفت نامه

ستایش را مزاوار است. او که فرمانی زندگی بر همه دارا بر این دنیا می آورد

و آنگاه نگاه ملاحظه استعانت می شود و مسیری را که طی می کنیم. می نگرد. گاه بر می آید
استان را به بیچاره کشیده می شوند و به حوض نمی رسند، برین راهی حلالی را در پیش
می گیرند و با زحمت به مقصد می رسند، و برین که راه صحیح را یافته اند در عراط مستقیم
او پیش می روند و با یاری خدا به حوض می رسند. تنها این انسانهای پاک است
راه را برای رسیدن به هدف یافته اند، دست یاری خدا را در صراط احسان می گشته چرا که
خداوند همیشه یار و یاور بندگانش است. آنجا که برای خدا راه می روند، برای
خدا می خورند، برای خدا تلاش می کنند و برای خدا همه کارها بتال را شروع و اتمام
در رسانند و صفا که آنان مشتاق خدا را در دل می پروراندند

بار الهی، خدایا ما را هم روز حشر با این افراد قرار بده. خدایا تو را شکر می کنم، به طاعتی نعمت
بیلاری چشم دل و بصیرت که به من عطا کردی و نگذاشتی که با کورگی و با این چشم دنیا
بینم و در دستم بچشم. خدایا مرا بخش و با عزت. خدایا در رحمت راه روی همه بگشا.
خدایا با رحم روی برگزیده تو آورده و می آورم. با همه گناهان. با همه معصیتها و با همه
عصیانها و سرکشایی من، با زحم دست بردار من تو می شوم و از تو کمک می خواهم. چرا که
به رحمت خود تو، بروی بندگانت بار است. خدایا مرا بخش و با عزت پروردگارا
من عیبی که بگفته اندم که خواهم برای عزیزانم محبت و وصیت نصیبی کنم.

عزیزان من تمام چیزهایی را که باید گفته گفته شده. تمام چیزهایی را خدا گفته، همه
راه را به ما نشان داده. همه اتمام حجتها را بسته. همه شهیدانی که تمام چیزهایی

شهادت
«احمد رضا خالصی»

وصیت نامه شهید
«دربار محمد شاد»

را که می‌بایست بگویند گفته اند.

عزیزان من همیشه در راه دفاع این انقلاب اسلامی کوشا باشید. همیشه یار و
یار این احام بزرگوار باشید. او که واقعا یک نعمت الهی است او را تنها نگذارید
باید قدر این نعمت را که خدا بر همه ما ارزانی داشت بدانیم. این امت اسلام
باید بداند که ایران که ملت مسلمان تنها با عراق در جنگ نیست. بلکه اسلام
همیشه با کفر، همیشه با ظالمان در جنگ و ستیز است. چه اکنون با تمام
ایر قدرتمندی جهان روبرو با دشمنان بعث. پس شما باید همیشه اسلام را یاری
کنید و در یاری بی کفر و دشمنان اسلام. و ای مردم مبارز و مسلمانان
همیشه مطیع امر رهبر باشید و پشتیبان خود را در هر زمان از ولایت فقیر و
رومانیون مبارز اسلام ادامه دهید. چرا که ایشان را خداوند حق تعالی شفا، برای همه
و عصر حاضر پشتیبان ولی فقیران و فرزندان پاک رسول الله، یعنی روح الله،
نایب روح عصمت مهدی باشید. چرا که این ولی عقیده قلبی پیونده امت اسلام
است. در خط این احام عزیز حرکت کنید. او را الگو و سرمشق خود قرار دهید.
و بر همه این دشمنان و منافقان و ایرتقداران بفرمایید که بیچاران تنها

شیر
از راه وندادالعی

ویندازشیر
از راه وندادالعی

نیست و پشیمان دارد. عزیزان من، محکم و استوار با شیر و هرگز از صحنه
خارج نشوید. یک لحظه غداران را فراموش نکنید. چرا که همیشه با فکر او بسیار از همه کارها را انجام دهید. این جنگ اصلی را
هرگز فراموش نکنید. این جبهه بزرگ ترویج و ترویج فراموش نکنید. این جواد اکبر این تشریح
کشی را هیچ وقت فراموش نکنید. بلکه اگر در آن جبهه بیرون شوید، همیشه در جبهه ما
بمانید. عزیزان من در قبال خون این شهید و در قبال خدای خود مسئولید. هر
مسئولیم. نگذارید که یک لحظه از غرور فراموش کنیم. نشاید آینه را شامی هم اکنون می سازد.
این چشمهای کوچک و معصوم. اینان فریاد بزرگی می شنود. اینان آینه سازانند.
بلایان اگر با شیر و ناخبران طوطی که اسلام را از بد تو توله تا کنون میرا بیان حفظ کرده اند
شما هم حفظ کنید و آنان از همه در حد راه شهیدان باشند.
عزیزان من، از همه شما طلب غلالتین و محبتش می کنم. همه کسانی که با من طرف
صحبت یا بد خلقی داشتند، همه برادران. همه کسانی که مرا می شناسند، مرا ببخشند
و علامت کنند. عزیزان من، این روز جنگ است که در جبهه ها می جنگند. اینان در خاطر
نمی پویند نه حالی و نه هیچ جاه و مقامی و نه خاطر هیچ چیز دنیا می جنگند. اینان
فقط به خاطر خدا و به عشق او می روند و در راهش جواد می کنند. زیرا که می دانند مسئولیت

تصدیق
احمد رضا طالبی

تصدیق
از زبان خود نویسنده

و با دیدن راه را بر روند. ای آنانی که هنوز خم بیدار نشده اید. شما که هنوز
 چشم دنیا بینتان باز است و چشم دل و بصیرتتان کور. بیدار شوید. تا دیر نشده
 است بر خود آید که حرف چیز دیگری است. حرف این دنیا نیست. فقط در این
 دنیا زیستن نیست. زیستن در این دنیا خم خود را در. قلبا فکر خدا را بکنید.
 ببینید آیا عیادتنا فقط این روی است که شما کور چشمان پیش گرفته اید. بیا بید
 تا بیدار شده است نگاه خدا نویسنده. از تمام انسانان رو به درگاه حق
 بروید و راه و روشی را که باید طی کنید بروید. اینقدر دل به این دنیا نندازید. این دنیا
 هیچ ارزشی ندارد که شما تمام احوالات خود تا آنرا. آن انسان بودنش را که خدا انسان
 شما را آفریده برای این دنیا کنید. انسان بودنتان را غافل کنید. بیشتر سید که در غفلت
 حرکتان غافلند و با همین غفلت از دنیا بروید. بیشتر سید از غفلت خط و بیشتر سید از آنست
 جهشش و از این گمراهی برآمده و راه راست را پیشتر کنید. برادران همه مستقیم
 همه مان همه مستقیم. عدویون خط. برادران من از شما مودعی غافل من فقط به خاطر
 خدا رفتیم به همه. فقط به خاطر او رفتیم به جلال. چرا که وظیفه ما بودیم از پدر و مادرم از
 همه نامیل از همه غویب و ندانم من خودم که مرا بخشند.

برادران من دلم که برایتان سخت است. اما سختی این دنیا ای است. بیا بیدار شوید

حکم

شهر شهید احمد رضا خالصی

روزنامه شهید روزگار خرد نسیم

آرزوی هم باشید. آثاری که می‌بود و در جهدها می‌بماند و شهید می‌شوند. انعام‌های
 کوتاهترین زمانی، حتی به فکر این دنیا نمی‌مانند. آنان را حستان را پیدا کردند، آنان
 غمخیزه اند که باید که آن حرف را دنبال کنند. ما در جهان، ما در زمین، ما در عالم که چه چیزها را
 کشیدیم می‌دانم که چه سختی‌های کشیده‌ای من اینها را فرود می‌آیم و خطا هم آگاه است. اما
 با زحم صبوری‌اش بر دین و استقامت با ش. نکند خدای نکرده به خاطر من دین شکسته
 گری. به خاطر من گریه نکن. فقط همیشه به فکر این باش که من امانتی بودم به دست
 تو. ما در حال کی آفرید. مرا کی به دست تو داد. آن خدا و معبود یکتا. این امانت
 را تو ضایع اما تنظیری کردی و به صاحب اصلی‌اش برگرداندی. خوشحال باش و افتخار
 کن ما در افتخار کنی چون که پیش عالم و ربیب سر شکسته نیستی. افتخار کنی که
 پیش آنان رستگار نیستی. تمام سختی‌هایی که کشیده‌ای
 خدا بشارت می‌دهد. حتماً هم تلافی آنرا خدا در آن دنیا برایتان خواهد کرد. این صحنه این
 زمین، زمین استخوان است. دنیا دنیای استخوان است. و ما باید خدا هم تو را به این
 وسیله امانت کرد. و چه مردم غرب استخوان را پس داری ما در چه سختی‌ها و
 رنج‌ها که کشیدی و چه همسرت که آخر هم دینت را از تو گری. ما در جهان نکند که
 به خاطر من گریه کنی. می‌دانم مشکل است. فرزند را بزرگ کردن، بیست سال رحمت

شهادت
احمد رضا طالبی

وصیت نامه
از زبان نوزاد شهید

کشیدم از بیوه تولد، شب زنده داریایی که با طارش کردن چه سختیها و
مشقته که همه می دانند آری مشکل است. ولی همه مسلمات و اولا حیم. یک لحظه
حم نکر علی اکبرها باش. نکر علی امیرها باش. فکر حسین و زینب ناظم باش.
بسیه که با آن مشکلی نیست. هر وقت که می خواهی گریه کنی. هر زمانی که من بیدار تو
آمم. می دانم که مشکل است. ولی قبل از اینکه فقط به الطر من گریه کنی. بلا نامله
نکر حسین را بیار. طار حسین بر علی. خدا طر علی اکبرش. فقط طار آقا را بیار در
ظرت. بهر حال طارشان گریه کن. خوشا به حالت مادر جان. که آن دنیا که در آن
دنیا وسایه نیستی. این دنیا تمام می شود هرگز فرامی رسد و همه را می خوانند. هر کس به
نوبتش. فکر آن دنیا باید بود. که اصلاً می رود نیست. برای همیشه. برای همیشه
تا ابد باید در آنجا باشیم.

پدرم. خواجه حاتم. پدر. مادر. ادرحمدتان می خواهم که مرا بپوشید. مرا احلام
کنید. مادر جان. نسبت را احلام کنی. می دانم مادر جان تو آرزو داشتی که کسی
این دنیا را احلام کنی. تو گفتی که احیم. تو گفتی که احیم الان به این است که تو را

شهر
2 احمد درویش نالسی

دولت شاه شریف
وزیران خود نصیب

در مجلس گاه غم می بینیم . ما در حال تو می خوانستی ، تو می خوانستی حمدری
 را نصیب من کنی که بهترین همسرها باشد . می خوانستی در زندگی خوشبخت باشم .
 اما خوشحال باش . خوشحال باشی که آن عشق اصلی خود را پیدا کنی . بهترین عشقها
 عشق خدا خیلی خوب است . بهترین بهترین حس است . ما در حال برنگردن را خیلی خوب
 کنم و بر موی و خواستگاری بودم . عشق خدا . و خوشحال باش که به این آرزوی
 خودت هم بریدی مادر . بز باروشکیا باش و نکته که ناراحت باشی از دم که من
 پیش این شهرها خیلی باشم . طوری محکم و استوار و عبور باشی که دشمنان گویند
 سوره استخوانی از شما نکتند . دشمنان اسامی بود که فقط به منور اسلام است
 مانند لایب . بگذار این کوردلان با این دشمنان خدا در پیش هر چه می خواهند
 بگویند . عبور باشی که دشمن محکم باشد تو در حال نام این همه
 این یادگاران و
 ما در حال . پدر جان . دعا کنید برایم و از خدا طلب بخشش و غم برایم بخوابید . بار
 دیگر از شما می خواهم مرا ملاک کنید و از همه دشمنان و دشمنان برای من
 ملاکین بطلبید . از نام و عهد می خواهم . خاطر اینکه شما نسیم آفرین خوبی باشم

شهادت
1 احمد رضا خالقی

وصیت نامه شهید
1 احمد رضا خالقی

پس خورشید ما باشید که پیش خدا سر بلندید.

در پایان باز هم از تان می خواهم که احکام را فراموش نکنید. دعا به جان احکام کنید

و قدر این نعمت را بدانید ما را و سرتشنگ بگیری. خدایا خدا یا این احکام بزرگوار

را تا انتهای مهیت، حق کنار مهیت او را نگه دار.

در پایان عزیزان من اگر وصیت نامه ام به دست شما رسید از روی حسین فراموش

می توانید قسمتی از وصیتم را بخوانید.

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

بنده فقیر خدا
احمد رضا خالقی

صل

در این ایام که همه را به راه خدا می خوانند و بیست و نه ساله است و حال خود را
بسیار بد می داند و می خواهد که در راه خدا بمیرد و در میان شما
که بیس از شما هم نمی رانم زود بخوابید و در راه خدا بمیرد
نخواهد کرد و تا راه خدا نماند که می خواهد که در راه خدا بمیرد
و با صبر و استقامت کار کند تا آنکه کشته شود.

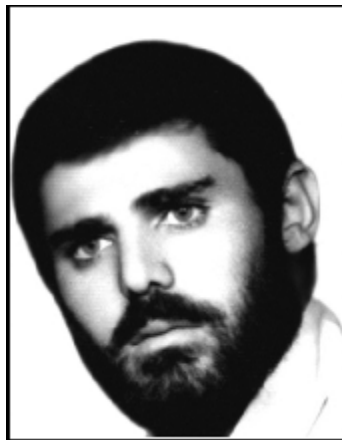
مهر جان... شرم و حیا از لذت گناهان و معصیتهاست، مانع است که
خود از خدا بخواهم، پس تو از او بخواه که گناهانم را ببخشد.

با درود بر من و سایر بندگان در میان شما که سزاوار است
در راه خود را بگذرد و برایتان نرزد خوبی باشم. امید دارم که مرا در مقابل
نافرمانیهایم و در مقابل آزار و اذیتهایم و خطاهایم ببخشد.

بن و ولایت نامه بنده تنظیم شود. (قرآنیان حضرت آفرغای صاحب
حضرت علی (ع) الهامی خود)

خداوند! نامزدان مرا بسیار کردم، گناه و اشتباه بماند از خودم اما خدا را
به تو امید دارم، خواهی که تو مرا بپذیری یا نه مرا از رحمت خداوند
بی نصیب مفریبا، خداوند! تو مرا از بندم ناامید مفریبا و دعاهایم را
بهر گریه مستجاب فرما. (شای نبودن که بدخواه خداوند آبرودار
شود که خواهد عاشقان بنده و فدایان در سینه و فدایان را مستجاب نمود و بخواهد
فوتی خواهد است و شایسته است که بر او را شای زود خدا شفاعت کند چرا که خودم
آبروی ندارم که از او طلب در خواستی کنم.)

نام: غلامرضا
نام خانوادگی: خالصی
نام پدر: قربان
نام مادر: طوبا
تاریخ تولد: یازدهم دی 1337
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: فوق دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نوزدهم اسفند 1362
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ من هم حاضر شدم قطرات خونم را برای آبیاری اسلام فدا نمایم.
- ۱ انسان فانی است پس چه بهتر که در میدان رزم کشته شود.
- ۱ ای روح خدا امیدوارم توانسته باشم در این لحظه‌های حساس که اسلام در خطر می‌باشد، به ندای «هل من ناصر ینصرنی» تو لبیک گفته باشم.

غلامرضا خالصی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

عاشقان کربلای حسین به پیش

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین «از کربلا»

«رینا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنو بریکم فامنا ربنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفر عنا
سیناتنا و توفنا مع الابرار»¹.

پروردگارا ما نیازمند بخشش و عفو و رحمت تو هستیم و به انتظار آمرزش و رحمت چشم دوخته‌ایم و از گناهان و سیئات خویش که موجب خسران و نابودی ما می‌گردد به درگاهت پوزش می‌طلبیم. بار خدایا آنچه را که ما انتظار آن را داریم مرگ با عزت و شرف و افتخار است و پیوستن با ابرار و نیاکان روزگار است ما نمیریم و با اولیاء تو محشور گردیم.

قبل از سخنان امام لحظه‌های عمر من فدای رهبر من که همان مکتب من می‌باشد. ای روح خدا امیدوارم توانسته باشم در این لحظه‌های حساس که اسلام در خطر می‌باشد به ندای «هل من ناصر ینصرنی»² تو لبیک گفته باشم.

(ما راضی به جنگ نبودیم و نیستیم ولیکن اگر کسی تعدی کند دهان او را خرد خواهیم کرد)

(جنگ جنگ است و عزت و شرف ما در گرو این جنگ است) امام خمینی

با سلام و درود فراوان به یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و نایب برحقش پیر جماران کسی که اسلام مرده را زنده کرد و با درود فراوان بر کسانی که با ایثار خون خود این نهال نوپای اسلام را آبیاری کردند³ و برای امت شهیدپرور ایران و سمنان

1- آل عمران/ 193.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «کرد».

که من هم حاضر شدم قطرات خونم را برای آبیاری اسلام فدا نمایم. آری برای سومین بار وصیت‌نامه را تکمیل می‌کنم. اینجانب با آگاهی کامل که از شهادت دارم برای دفاع از اسلام و حیثیت انقلاب و دفاع از مملکت اسلامی به فرمان بزرگ رهبر مسلمانان¹ جهان و تنها مرجع تقلیدم و حضرت امام خمینی به جبهه حق علیه باطل شتافتم و بازهم آرزوی شهادت را ندارم ولی تنها آرزویی که دارم امیدوارم که پیش پدر و مادرم داماد شوم بلکه بالاخره انسان فانی است پس چه بهتر که در میدان رزم کشته شود و نگذارد این آبر جنایتکاران شرق و غرب و نوکرانشان [...]»²

همچون عمومی خود سر پست بمانید تا بتوانید انتقام مرا از این بعثی‌ها بگیرید و تو ای خواهر عزیز تو هم این چنین باش فقط به فکر این باش که فرزندان خوب تحویل جامعه اسلامی بدهی.³

در پایان از تمام اقوام خود رضایت [را] طلبیده و التماس دعا دارم همانطوری که گفتم تنها آرزویی که دارم خودم را فدای امام خمینی نمایم و پیش پدر و مادرم داماد شوم. التماس دعا دارم.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

1362/12/9 انرژی اتمی

غلامرضا خالصی

امام را دعا کنید

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد»⁴.

«بعضی مردمانند که از جان خود در راه رضای خدا می‌گذرند و خدا دوستدار چنین

1- در اصل وصیت «مُسَلِّمًا».

2- چند سطر از وصیت‌نامه افتاده است.

3- در اصل وصیت «بده».

4- بقره / 207.

بندگان است».

«اگر ما برای مقصد اسلامی، برای مقصدی که انبیاء خودشان را به آب و آتش زدند، اولیاء عظام خودشان را به کشتن دادند، علماء بزرگ اسلام را به خاطر آن آتش زدند، سر بریدند، حبس کردند، تبعید کردند، حبس‌های طولانی کردند، اگر چنانچه برای این مقصد بزرگ بترسیم دین نداریم، دیندار هم برای اینکه خرقة از این عالم خاکی کند می‌ترسد؟ اما اگر به ماوراء این عالم اعتقاد داشته باشیم باید شکر کنیم که در راه خدا کشته شویم و به صف شهدا ملحق گردیم»¹.

«ما هیچ خوفی از شهادت نداریم، آن باید بترسد که غیر از این عالم جایی² ندارد»³.

آقای ما فرمود:

«والله لا بن ابی طالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه»⁴.

«سوگند به خدا مرگ برای پسر ایطالب مانوس‌تر از حالت طفل به پستان مادرش

می‌باشد».

ایشان این را فرمودند ما البته نمی‌توانیم چنین ادعایی بکنیم لکن ما شیعه او هستیم⁵.

«از سخنان امام خمینی»

«سوگند به آن کسی که جانم در قبضه قدرت اوست شهدا با جلال و عظمت و نورانیتی در قیامت وارد می‌شوند⁶ که اگر انبیاء از مقابل آنها سواره بگذرند به احترام آنها پیاده می‌شوند». امام علی (7)

1- صحیفه امام، ج 1، ص 293.

2- در اصل وصیت «جائی».

3- صحیفه امام، ج 15، ص 20.

4- فرازی است از خطبه 5 نهج‌البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی.

5- امام خمینی عبارت حضرت علی (7) را در صفحه 293 جلد 1 صحیفه بیان کرده‌اند.

6- در اصل وصیت «می‌شود».

پایه شصت و نهم غلامرضا خالصی

عن الناس من بیشتر من نفسه ابتغاه عروقاته واسمه رؤوف بالعباد بقوه ۶۷

عنه سرورانند که از جان خود در راه جانم خدا می گذارند و خدا دوستدار چنین بندگان است.

اگر ما بر سر مقصد اسلام، بر سر مقصدی که انبیاء خدا شده اند و آیه آیه کتاب و آیتش نروند، اولیای عظام خودشان را به کشتن

دادند، علماء بزرگ اسلام را - حافظ قرآن کشته کردند، سر بریدند، حبس کردند، تبعید کردند، حبس های طولانی کردند، اگر

چنانچه سر این مقصد بزرگ - بر سر دین نایم، دنیا را هم بر سر اینکه خدایان این عالم جانم کند سر می رسد اما اگر

به ما وارد این عالم استعدا داشته باشیم باور می کنیم که در راه خدا کشته بشویم، و بعضی شهیدان عالمی می شویم.

مصلح حضور پر شهادت نایم آن باور می رسد که غیر از این عالم جانم ندارد آسمان ما فرمود:

واسمه لابن عمر اللاب اسمن بالهدى من الطفل بقدره

سنگد - خدا مرکز عالم، پسر ابطلاب - حضور شرار حالت طفل به بیگانان ما در پیش من داشته ایشان اینها فرمودند

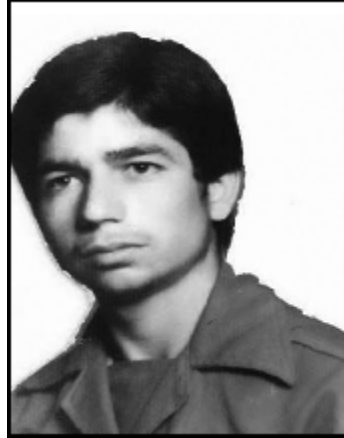
والله نمن نایم چنین اعدای کنیم الاکن ما شئنا او همتیم

ماز سمنان امام حسین

سنگدیم آن کسی که خاتم رقیبند قدرت است شهید باجهان و عظمت دور از زمین در قیامت وارد می شود که

اگر انبیاء از مقابل آنها سواره گذارند به اجتناب آنها بیاید سرشود امام عالم

نام: محمدحسن
نام خانوادگی: خالصی
نام پدر: کریم
نام مادر: نسا
تاریخ تولد: بیست و سوم دی 1342
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هفدهم مرداد 1362
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیی زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا خدا را فراموش نکنید.
- ا به قرآن زیاد توجه کنید.
- ا بر شما باد نماز.
- ا تا آنجا که می توانید نماز شب به جا آورید.
- ا امام را دعا کنید.
- ا تقوی را پیشه خود سازید.
- ا دعا زیاد بخوانید.

محمدحسن خالصی

بسم الله الرحمن الرحيم

«والذین آمنوا و هاجروا¹ و جاهدوا فی سبیل الله و الذین آووا و نصرؤا اولئک هم المؤمنون حقاً لهم مغفرة و رزق کریم»².

و آنهایی که ایمان آوردند و هجرت کردند و جنگ کردند در راه خدا و آنهایی که جای دادند مهاجرین را و یاری کردند ایشان را آن گروه مؤمنین حقیقی هستند و از برای ایشان است آمرزش و روزی نیک و فراوان.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با درود و سلام بر امام و شهیدان و سپاس خداوند را که توفیق به بنده گناهکارش داد که به جهاد بر علیه کفر رود تا با دادن خون و جان خود قلم عفو بر گناهانش بکشد ای خداوند متعال شکرگزارم³ از تو که به من توفیق خدمت در راهت⁴ را به من دادی هرچند خدمتی بزرگی نمی توانم بکنم ولی خوب...

مهدی جان مولی جان در زندگی ام⁵ از آن وقتی که تو را شناختم یک عمر صدایت زدم. اما لیاقت دیدارت را نیافتم اما ناامید نیستم. بدین امید گام در راه می گذارم که در آخرین لحظه مرگم جمال دل آرایت را ببینم و چه خوش است که ولو یک لحظه انسان معشوق خود را ببیند. امیدوارم که خداوند از گناهانم بگذرد و مهدی صاحب الزمان از ما راضی باشد. برادران و خواهران عزیز امت شهیدپرور از شما می خواهم خدا را فراموش نکنید به قرآن زیاد توجه کنید راضی نشوید که روز قیامت، قرآن در حضور خدا از ما شکایت کند هر روز و شب لااقل چند آیه از قرآن بخوانید.

1- در اصل وصیت «هاجرو».

2- انفال/ 74.

3- در اصل وصیت «شکرگزارم».

4- در اصل وصیت «راهیت».

5- در اصل وصیت «زندگیم».

بر شما باد نماز تا آنجایی که می‌توانید نماز شب به‌جا آورید¹ رابطه خود را با خدا قطع نکنید و هیچ‌گاه ناامید نباشید. هیئت‌های امام حسین (7) و مجالس روضه را پر رونق کنید که ما هرچه داریم از اینها داریم. مساجد را خالی و غریب نگذارید دعا زیاد² بخوانید امام را دعا کنید و تقوا را پیشه خود کنید.

پدر و مادر عزیز و خواهران و برادران گرامی امیدوارم که من را ببخشید که در زندگی شما را تنها گذاشتم چون اسلام احتیاج به خون دارد تا رشد کند در زندگی خدا را فراموش نکنید پدر و مادر عزیز همه زحماتی شبانه‌روزی را که برای بزرگ کردن من کشیده‌اید و چه سختی‌هایی را تحمل کردید که از کودکی به جوان بیست ساله رساندید ولی در زندگی فرزندی به آن صورت مطیع شما نبودم امیدوارم که مرا ببخشید.

پدر و مادر عزیزم می‌دانید که خداوند با توجه به آیه زیر می‌فرماید «و اعلموا³ انما اموالکم و اولادکم فتنه و ان الله عنده اجرا عظیم»⁴ بدانید جز این نیست که مال‌ها و اولادهای⁵ شما مایه آزمایش و امتحان شماسست تا معلوم شود که به آنها دل بسته‌اید یا نه و البته کسانی که در راه خدا [با] مال و جان خود را در راه خدا فدا کنند نزد خدای خویش اجر بزرگی دارند. شما مورد آزمایش و امتحان پروردگار هستید و نکند اگر فرزند کوچک، این هدیه ناقابل را در راه اسلام فدا کردید ناراحت شوید چون ما از خدا هستیم و به‌سوی او بازمی‌گردیم⁶ و باید شما دیگر فرزندان‌تان را هم در راه اسلام بدهید و این برهه⁷ از زمان اسلام احتیاج به سرباز دارد و باید رفت و جان داد خون داد تا اسلام پیروز شود امیدوارم که از این امتحان الهی قبول شوید اجر بزرگی برای شما در آخرت. و برادر و خواهرم که در طول زندگی با هم بودیم اگر اذیتان کردم مرا ببخشید و همچنین از کلیه دوستان و

1- در اصل وصیت «بجا آورید».

2- در اصل وصیت «زیاد».

3- در اصل وصیت «اعملوا».

4- انفال/ 28.

5- در اصل وصیت «ولادها».

6- اشاره به آیه «انا لله و انا الیه راجعون»، بقره/ 156.

7- در اصل وصیت «بره».

همسایگان و خویشان طلب بخشش می‌کنم. در آخر از امت مسلمان می‌خواهم که وحدت خود را حفظ کنند امام را تنها نگذارید تقوا را پیشه خود کنید و اما در آخر چند کلمه درباره‌ی خواهران ای خواهران عزیز از شما می‌خواهم حجاب اسلامی خود را حفظ کنید که حجاب شما سنگر ماست نگذارید این کوردلان از بی‌حجابی شما سوءاستفاده کنند. خواهرم¹ یک چادر بر سر کردن با یک روسری سنگینی ندارد گرچه سنگینی داشته باشد اما در پیش خداوند خود اجر عظیم دارد خواهر با حجاب خود دشمن را ضربه محکمی زنید که دیگر از جای خود بلند نشود به امید پیروزی و فتح قدس² عزیز. پدر و مادر عزیزم از شما می‌خواهم برای من چند ماهی روزه و نماز پول بدهید که بگیرند و مقداری در راه خدا به فقرا بدهید. در بین شهدا من را دفن کنید.

«من الله توفیق و من اتبع الهدی³»

فرزند و برادر حقیر شما محمدحسن خالصی

باشد خون من پس‌کرایه⁴ برای زیارت کربلا برای پدر و مادر من و امت مسلمان ایران باشد.

1- در اصل وصیت «هرم».

2- رک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «من اطیع الهدی».

4- تعبیر «پس‌کرایه» از اصطلاحات بومی است. معمولاً وقتی مسافری عازم سفر به‌خصوص سفرهای زیارتی است، هنگام حرکت به او مبلغی هدیه می‌کنند که در سفر به یادشان باشند. از این تعبیر به «سر‌راهی» هم یاد می‌کنند.

۱۳۳

بدرماند عزیزم از شام فراخ برای من چند ماهی ریزه و زغال بپول به همی که سبک و زینو مشتمل از دلو و قلاب مشتمل بر دو پسته

من الله الموفق

موبین سرگردان زاد من کسپور

وین الطلیح الیوم

فرزند در راه عشق من محمد

باشو جون من پس برای بهار زیاده است که در لابری بدر و کسپور به دست من سلطان الیوم

نام: محمدرضا
نام خانوادگی: خالصی
نام پدر: کریم
نام مادر: نسا
تاریخ تولد: بیست و هشتم دی 1338
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هفتم شهریور 1367
محل شهادت: اسلام آباد غرب
نحوه شهادت: اصابت گلوله آرپی جی
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا دلیرمردان خطه ولایت همت کنید و سلاح شهدا را برگزید.
- ا امروز صحنه کربلا دوباره تکرار شده است.
- ا اگر امروز حسین زمان را یاری نکنید، در دنیا و آخرت مورد خشم و غضب الهی خواهید بود.
- ا ای بسیجی های غیور به جبهه ها هجوم برید.
- ا مدیون امام و خون شهدا نباشید.
- ا ای خواهر بر حفظ حجاب و عفت و وقارت همت کن.
- ا شما را به تقوی سفارش می کنم.
- ا به امید روزی که راه کربلا باز شود.

محمدرضا خالصی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

«يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي»².
«ای نفس مطمئن و دل آرام امروز به حضور پروردگاری باز آی که تو خشنود و او راضی از تو شده باز آی در صف بندگان خاص».

ای خدای بزرگ، ای قادر بی همتا، یکتا آفریدگار دو جهان ای که کریمی و رحیمی و قادری و عالمی، ای که بود و نبود ما از آن توست. منت بنما بر این بنده گناهکار روسیاه. نظری از روی لطف کن بر من که گناه زیاد کرده‌ام. کمرم از شدت گناه و معصیت خم گشته از همه جا بریده‌ام نالان و سرگردانم. فقط روزنه امیدم تویی³ از تو ناامید نیستم و می‌دانم سرانجام جواب ناله‌های دردمند مرا می‌دهی و صدای العفو مرا می‌شنوی و از سر لطف و بزرگی‌ات⁴ مرا ناامید نخواهی کرد و اکنون که در میان بندگان مخلص درگاهت، این عزیزان بسیج و غیوران ایثارگر هستم، حتماً از سر لطف آنها بر من هم نظری خواهی افکند. ای خدا به جبهه آمده‌ام به خاطر رضای تو و یاری و کمک به اسلام و به حسین زمان باشد که مورد قبول واقع شود و این حرکت ناقابل من پذیرفته شود و بعد از بخشش از گناه‌ها و خطایا مرا هم در راه خودت به فوز عظیم⁵ شهادت نائل بگردان. باشد که سرخی خونم بر کارنامه سیاه اعمالم فایق آید و خدمتی باشد در راه اسلام و قرآن که در دوران عمرم جز⁶ معصیت [و] گناه کاری برای اسلام انجام نداده‌ام.

1- شهید در بالای وصیت‌نامه نوشته: وصیت‌نامه سرباز حقیر اسلام و عبد خدا محمدرضا خالصی فرزند کریم 63/1/10

2- فجر / 28.

3- در اصل وصیت «تویی».

4- در اصل وصیت «بزرگیت».

5- در اصل وصیت «عظم».

6- در اصل وصیت «جزء».

و اما شما امت شهیدپرور، ای دلیر مردان خطّه ولایت برخیزید و همت کنید و سلاح از کف فتاده شهدا گلگون کفن را برگزید. و لباس رزم پوشیده عزم را جزم کرده راهی صحنه نبرد شوید که امروز صحنه کربلا [و] دوباره کربلا تکرار شده. مبدا از قافله عقب مانیم که فردا بسیار دیر است و اگر امروز حسین زمان را یاری نکنید در دنیا و آخرت مورد خشم و غضب الهی خواهید بود و شهدا بر شما نخواهند بخشید.

و شما خانواده معظم شهدا در این امتحان الهی مقاوم و استوار باشید که استواری و پایداری شما، استواری و پایداری انقلاب و اسلام است و مقاومت و ایثارگری شما باعث حسرت و ناامیدی دشمنان خدا [می‌شود] و شما بسیجی‌های غیور و شجاع «و ای شیران روز و زاهدان شب»¹ همت را دو چندان کنید و به جبهه‌ها هجوم برید و با یک ضربه کاری کار صدام و صدامیان را به پایان رسانید و دل امام زمان (عج) و نایب برحقش و خانواده شهدا و امت حزب‌الله را شاد کنید.

و شما ای پاسداران ای عزیزانی که امام می‌گوید² «ای کاش من هم یک پاسدار بودم»³. پس بنگر امام در حَقّت چه‌ها گفته و این سخن چه مسئولیت سنگینی بر دوش شما نهاده و هرآنچه لیاقت این سخن است انجام دهید و مدیون⁴ امام و خون شهدا نباشید. و اما شما رزمندگان سنگر دانشگاه و مدرسه همت کنید و [در] سنگر مدارس [را] همچون سنگر جبهه‌ها همیشه پیشتاز و سربلند باشید و باعث آبرو و حیثیت برای انقلاب و اسلام باشید نه باعث تضعیف.

و اما شما مسئولین که امور امت حزب‌الله در دست شماست و شریان خون شهدا در دست شماست، مبدا این خون‌ها را با کارهایی که در شأن یک مسئول در جمهوری

1- تعبیر ترجمه‌ای از سخنان علی (7) است که در توصیف متقین می‌فرماید «آنان زاهدان شب و شیران روزند»، نهج‌البلاغه، خطبه متقین، ترجمه سیدجعفر شهیدی.

2- در اصل وصیت «می‌گوند».

3- از تعابیر بسیار مشهور امام در توصیف و جایگاه پاسداران است. (صحیفه امام، ج 15، ص 496).

4- در اصل وصیت «مدعیون».

اسلامی نیست به هدر دهید¹. و باعث دلسردی مردم و به خصوص خانواده شهدا شوید که در پیشگاه شهدا همیشه [شرمنده]² خواهید بود.

و اما تو ای خواهر بر حفظ حجاب و عفت و وقارت همت کن که فاطمه زهرا (3) الگو و اسوه شماسست که مبدا با کارهای ناپسند حاصل خون شهدا را هدر دهی و یک مشت آدم‌های عوضی از خدا بی‌خبر را از خود راضی کنی.

و اما شما ای پدر و مادر عزیزم. می‌دانم در طول زندگی شما را زیاد اذیت و آزار کرده‌ام و در زندگی جز دردسر کاری برای شما انجام نداده‌ام از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و از خدا برایم طلب مغفرت کنید و در شهادت داداش حسن هم ناراحت نباشید و بر شهادتم صابر باشید و صبر پیشه کنید که خدا با صابری است «و ان الله مع الصابرين»³ و اگر خدا شهادت را نصیبم کرد، هیچ ناراحت نباشید که امانت خدا را به او باز گردانیده و گریه کنید بر شهید که باعث تداوم انقلاب است ولی به هیچ‌وجه بی‌تابی نکنید که باعث شود دشمنان شاد شوند.

و اما همسر فداکارم می‌دانم در مدت زندگانی زیاد با تو نبودم و بیشتر اوقات دور از تو بودم و تو بر این مشکلات صبر کرد[ه] و انشاءالله همانند سرورت فاطمه زهرا (3) و زینب کبری (3) استوار خواهی ماند و بر شهادتم غمگین مباش که انشاءالله اجر عظیمی از طرف خدا در دنیا و آخرت در انتظار توست و در تربیت مرضیه کوشش کنید که انشاءالله در آینده خدمتگزاری برای اسلام باشد.

و اما در پایان شما را به تقوا سفارش می‌کنم. از کلیه کسانی که بر گردنم حقی دارند می‌خواهم که مرا ببخشند و از خدا برایم طلب مغفرت و بخشش کنند و در ضمن هر جایی مجلسی گرفته می‌شود اعلام شود اگر کسی بر من حقی دارد، اگر قابل پرداخت است به او پرداخت [شود] وگرنه بر من ببخشد که انشاءالله خدا بر همه ما رحمتش را نازل گرداند و همچنین پول‌هایی که از مردم قرض کرده‌ام به صاحبانش برگردانید که اسامی آنها

1- در اصل وصیت «دهد».

2- افتادگی دارد. به سیاق کلام باید «شرمنده یا شرمسار» باشد.

3- انفال/ 46.

در دفترچه در خانه موجود است و [در مورد] اموال طبق موازین شرعی عمل شود. به امید آن روزی که راه کربلا باز شود و قدس¹ عزیز هم از چنگال صهیونیست‌های خون‌آشام خارج شود و به امید آن روز که همه امت ما سربازان و یاران حضرت امام مهدی (عج) باشند که قیام به قسط می‌کند.

«والسلام»

سرباز حقیر اسلام و خدمتگزار اسلام

محمد رضا خالصی

63/1/10

ص ۱۴

موضوع

والدش است شهید پیران دلیر مدلم ختم ولایت بر جزیره رحمت کند و صلوات ازین فتاده
شده اهل کوه کفر را از کوه و باجم ندم بزنند و عزم دارند که از کوه راقی کینه نبردند و کوه را
کس که با او در راه کفر کند از راه صلوات از قاعه عقیب ایمان کوه بیجا در آید و دار
انروز حسین بران را در کفنه حدیثی تا فرشت صورت غم و غصه ای حرکت دهد و شهدا
صورت خود اهدا نمایند

در خانه از سفر شهدا در این اشعار الهی سلام داشته اند این که اشوارم و با بر این سواد است
و با یاران انقلاب در اسلام است و شاد است و ایثارگر شایسته سعادت و ناصیب دست خدا

عبدالله بیچاره غمناک و در این بنده از روز اول صلوات حضرت را در جوار کینه در پی هان
همچون بر بنده کینه خندم مکن که در اسلام و عهد تنگم با یاران از رسیدن و در ۱۸۰۰ هزارم در کفنه خردی
و خانه که گدا و است خراب است - رات دلید

در شام با یاران این که از بنیادی که امام سکونت این کامت من کیم بنده در بدم که در اسلام
در حقیقت چه غمناک است و این سخن چه سستیست شکستن حدیثی تا لاده و در بار کفنه
این سخن است ایام دهید و معذرت بر امام و حوض بنده تا فرستاد

و آنکه تا در زندان است که در آنجا در حدیث کفنه حدیثی تا در این حدیثی که در اسلام

حدیثی حدیثی از حدیثی با شیه و با شیه آید در حدیثی طایر انقلاب و اسلام را در اسلام
با شیه حدیثی

کرمه صالح

صحت

و اما در این باره شایسته تقاضای رسیدگی از سوی شما فائده بردارم و خواهی داشت که در این خصوص اقدامات لازم را در این باره
 برای تکلیف سفیرت در وقتش بکنید و در صورتی که در این خصوص اقدامات لازم را در این باره
 بر من متوجه دارید اگر قابل برداشت است نام اینهاست و در صورتی که در این باره
 خبر آورده ما در همین باره نیز اقدامات لازم را در این باره
 در گزارشی که از سوی شما آمده در مورد اینهاست و در این باره
 عملی کرده و به امید آن روزی که ما که با ما بوده و در این باره
 در این باره اقدام خارج کرده و به امید آن روزی که ما که با ما بوده و در این باره
 مورد شکر است که نتایج آن در وقتش معلوم خواهد بود.

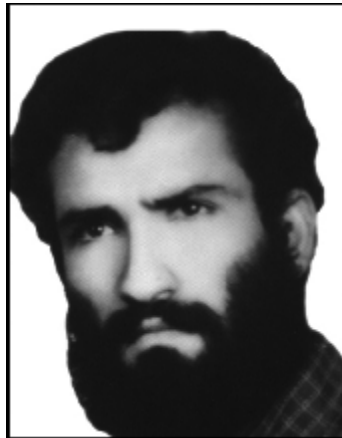
بیمار حیدر اسلام و فرزندان
 اسلام و فرزندان
 ۱۳۸۰
 محمد رضا حاجتی

تقدیر و بزرگوار است

ایمان
 نشان

۱۳۸۰

نام: ابوالقاسم
نام خانوادگی: خالصی دوست
نام پدر: علی محمد
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: پنجم بهمن 1336
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هشتم آبان 1362
محل شهادت: پنجوین عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ روحانیت را در هیچ مسأله‌ای تنها نگذارید.
- ۱ خواهرم زینب‌وار کوله‌بار مصیبت را به دوش بکشید.
- ۱ همگی در خط سرخ اسلام و پیرو ولایت فقیه باشید.
- ۱ خوشحالم که در رکاب امام زمان (عج) و نایب برحق او امام خمینی بجنگم.
- ۱ اگر شهادت نصیبم شد، به آن شهادت افتخار می‌کنم.
- ۱ شب اول شهادتم برایم دعای توسل برقرار کنید.

ابوالقاسم خالصی دوست

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

با درود فراوان به امام امت پیر جماران پدر مستضعفان خمینی کبیر و با درود به تمامی رزمندگان سلحشوران ایران و با سلام و درود به تمام شهدای ایران زمین با سلام درود به شما خانواده محترم وصیت خود را با سخنان امام امت شروع می‌کنم «جنگ جنگ است عزت و شرف ما در گرو جنگ است»¹.

امیدوارم این وصیت‌نامه برای شما همسر جان و خانواده یک وصیت نباشد بلکه یک نصیحت باشد. به نام خدا که از اویم برای اویم. هستیم برای اوست. رفتنم برای اوست و «بازگشتم به سوی اوست». اما ستاره‌های آسمان سرخ شهادت شهاب‌وار جوشن شب را دریدند و تا فتح کامل دروازه‌های صبح رکاب زدند و به لقاءالله پیوستند و همچنان در سراشیبی و فراز تاریخ زندگی ملل مختلف به لقاءالله می‌پیوندند و در این میان زحمت‌کشان واقعی برای خلق بیشتر هدف انسان بوده‌اند. مخصوصاً روحانیونی که همیشه پرچمدار مبارزه بر علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی بوده‌اند روحانیونی که در تاریخ چندین ساله اخیر در همه نهضت‌های اسلامی پیشتاز مبارزه بوده‌اند² ولی من به‌عنوان یک حزب‌اللهی که اگر لیاقت آن را داشته باشم از شما ملت مسلمان و برادران و خواهران و پدر و مادر خویش می‌خواهم که روحانیت را در هیچ مسئله‌ای تنها نگذارند با جان و مال و دل از آنها حمایت کنید.

و مادر جان در آخرین لحظه پیام من و یا خواسته عمیق من این است که چون کوه استوار و ثابت قدم باش و همچنین به خواهر عزیزم ثابت قدم باش چون هدفمان³ بسی بالاتر از اینهاست که در راه آن به این چنین حوادث کوچکی توجهی شود [مثل] زینب‌وار

1- این تعبیر از سخنان امام خمینی است. صحیفه امام خمینی، ج 19.

2- در اصل وصیت «بوده است».

3- در اصل وصیت «هدف‌مان».

کوله بار مصیبت را به دوش بکشید و رسالت شهیدان خود را به هر کوی و برزن بانگ بزید و به جهانیان برسانید.

و شما پدر و برادران ثابت قدم و استوار به پیش بروید و گمان نبرید که شهیدان مرده اند [ولی] شاهد هستند و از برادران و خواهر خویش می‌خواهم صبر داشته باشید و امیدوارم که همگی در خط سرخ اسلام و پیرو ولایت فقیه باشید و در شهادتم گریه نکنند که نشانه سستی و ضعف که دشمن شادکن باشد و شاد باشید که من با عروس زیبای شهادت ازدواج کرده‌ام و به آرزوی خویش که آرزوی امامان و پیغمبران و برادر عزیز و پسرعموی¹ عزیزم بوده رسیده‌ام و امیدوارم که خداوند این قربانیان از خانواده ما قبول کند و من می‌خواهم در این دنیای کثیف که هر لحظه خون برادران پاک باز و رزمندگان اسلام و روحانیان مبارز که به دست مزدوران آمریکا یعنی منافقین و فرصت‌طلبان و مزدوران خارجی مانند صدام یزید² و غیره بر زمین می‌ریزد به خاطر این است که به صدای حسین زمان خود لبیک گفته‌اند.

برادران البته عمری از من گذشت و من هنوز اندر خم یک کوچه بودم زیرا که خداوند بزرگ نعمت‌هایی که به ما داده سپاسگزاری نکرده‌ام و شرمندهم³ بیشتر از همه از نعمت بزرگ که خداوند به ما داد امام امت خمینی کبیر این پیر مسلمانان جهان بوده است که نتوانستم از نزدیک ایشان را زیارت کنم و توفیق نیافتم آنطوری که باید در گفتارش تفکر کنم افسوس که با او هم‌عصر بودم که از ولایتش آنطوری که می‌خواستم از ایشان بهره بجویم و از فرامینش بیندیشم تا راه را بیابم، البته با این حال امروز عازم جبهه جنگ هستم و هیچ‌گونه وحشت و نگرانی در وجودم احساس نمی‌کنم بلکه خیلی خوشحالم که تا این اندازه آگاهی پیدا کرده‌ام که در رکاب امام زمان (عج) و نایب برحق او امام خمینی بجنم.

1- در اصل وصیت «عمو».

2- در اصل وصیت «یزد».

3- در اصل وصیت «شرمندام».

من این شهادت و یا مرگ را مثل عسلی می‌دانم که مادر در کام فرزندش می‌ریزد و فرزند احساس گوارا¹ می‌کند و می‌داند که مادر وجودش را می‌خواهد و من هم همین‌طور می‌دانم چون اطاعت از امام امت و این وظیفه شرعی هر مسلمان است که با جان و دل بپذیرند.²

اکنون که من عازم جبهه هستم آرزوی شهادت را ندارم چون می‌خواهم ایتقدر مبارزه کنم تا قصاص³ خون تمام برادران و رزمندگان و هم‌زمانم و تمام شهیدان از بهشتی⁴ گرفته تا یاران او رجایی⁵ و باهنر⁶ و دیگر عزیزان را بگیرم اگر آن موقع شهادت نصیبم شد با کمال میل حاضرم و تردیدی ندارم و به آن شهادت افتخار می‌کنم.

[از]⁷ پدر و مادر و خواهر و برادرانم می‌خواهم که بعد از شهادتم چشمهایم را باز بگذارند که چون منافقین و کوردلان بدانند که من با چشم باز این راه را انتخاب کرده‌ام و از این دنیا می‌روم و بعد دست‌هایم را باز بگذارند که کوردلان بدانند که من با دست خالی و با قلبی پر از مهر و ایمان از این دنیا رفته‌ام از شما می‌خواهم که هر موقع⁸ خبر شهادتم را برای شما آوردند همان شب دعای توسل برقرار⁹ کنید که شاید با این دعای توسل در شب اول فشار قبر کمتر شود.

و سلام پدرجان و مادرجان و برادران و خواهر عزیزم در اواخر از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید چون در زندگی خیلی شما را رنجاندم و شما را ناراحت کردم مخصوصاً پدر و مادر شما برای من خیلی زحمت کشیده‌اید امیدوارم خداوند به شما اجر و پاداش

1- در اصل وصیت «گوارا».

2- در اصل وصیت «بپذیرند».

3- در اصل وصیت «قصاص».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- در اصل وصیت «به».

8- در اصل وصیت «مواقع».

9- در اصل وصیت «بقرار».

بدهد و خداوند از شما راضی باشد و شما هم از من راضی باشید. و همچنین رزمندگان¹.

«والسلام»²

«والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر»³.

عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران

ابوالقاسم خالصی

دعای همیشگی شما خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

1- شهید پس از آیه قرآن که در پایان وصیت نامه ذکر کرده است نوشته «و همچنین رزمندگان اسلام» اما سیاق عبارت چنین است که باید قبل از کلمه «والسلام» قرار گیرد.

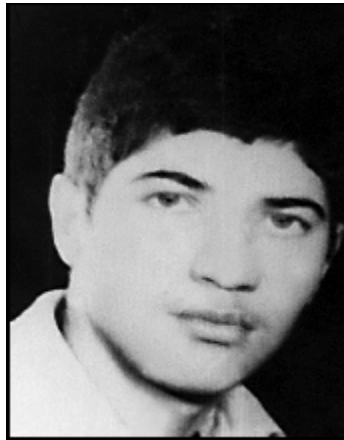
2- در اصل وصیت «وسلام».

3- والعصر / 1-3.

و بی من بخوان یک عرب الهی که در لایق است که از آنکه با هم از شاکت سندان در برادران
 و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
 و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
 که چون که استوار است و ثابت است و با آن و در میان و در میان و در میان و در میان
 مان بسی با آن از اینها است که در آن است و اینچنین حوادث که می بود و در میان و در میان
 و اگر اول با محبت را بدوش بنشیند و در آن است که آن خود را سرکاری در میان و در میان
 نیز بنشیند و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
 نیز که که بنشیند آن برده اند و بی شاهد هستند و از برادران و خواهر و خواهر و خواهر
 ساخته و امیدوارند که در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
 که نشاند سستی و ضعف که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است

۴
 میباشد از دواج کرده ام و دیگر چیزی خوشتر از آن که در روزی از سیرت و سیرت عزیزم
 بوده که به سلام و اسیرانم که در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 نیست که در حفظ خون مردان پاک که در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 من در دوران آسیرگی معین و معین در وقت مملکت و در دوران خادمی ساخته سلام بر روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند
 ز من میزد و ما را این است که در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 بر او سال را التماس میگردانم که در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 بفرماید که بر ما در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 تمام است چنین گریه من بر مسلمانان جهان بوده است که در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 آن طور که من میگویم از جانب منبره میگویم و از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 امروز غلامی بود که در جنگ عظیم و عظیمه و حضرت زکریا در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~
 که در این از راه آگاهی میگردانم که در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند ~~و در روزی از زبان آن خاندان وارث ما قبول کند~~

نام: محمدعلی
نام خانوادگی: خالقی
نام پدر: محمدرضا
نام مادر: معصومه
تاریخ تولد: یکم دی 1344
محل تولد: روستای قلعه‌نو خرقان از توابع
شهرستان شاهرود
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اسفند 1361
محل شهادت: پاسگاه زید عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا بدانید پیروزی از آن ماست.
- ا ما آرزوی شهادت داریم.
- ا ای مادر و پدر مانند کوه استوار باشید.
- ا برادران ادامه‌دهنده راه شهیدان انقلاب باشید.
- ا ای خواهر مانند زینب ادامه‌دهنده راه شهیدان باش.
- ا مقلد امام باشید.
- ا امام را دعا کنید.

محمدعلی خالقی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ربنا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين»².

پروردگارا ای رب العالمین یا³ غیاث المستغیثین⁴ و ای حبیب القلوب الصادقین⁵.

پس از سپاس و حمد خداوند سبحان⁶ و عظیم و با درود به رسول اکرم پیامبر گرامی اسلام (6) و ائمه اطهار (7) و بالاخص حضرت مهدی (عج) و نایب برحقش امام امت خمینی بت شکن و با درود بر شهیدان، که راه خدا و اسلام و راه حق را رفته اند و با عرض سلام به پدر و مادر و خواهر و برادرانم و تمام آشنایان و همشهریانم به نام خدا و به نام شهیدان راه اسلام و میهن اسلامی ما، این چند جمله اجمالی از زندگانی مرا می خوانید و یا می شنوید.

به خدای واحد بدانید پیروزی از آن ماست ما در جبهه حق علیه باطل می جنگیم، ما از اسلام دفاع می کنیم. اما دشمن به خاک ما تجاوز می کند ما ایمانمان همچون چراغی پیش ما راهنما می باشد. اما دشمن در تاریکی و به سوی تاریکی می رود، ما آرزوی شهادت داریم. اما دشمن از شهادت می ترسد. من محمدعلی خالقی متولد 1345⁷ که از توابع شاهرود (قلعه نو خرقان) هستم و چه زیباست که من با قلب کوچک خود اعلاترین ارزش ها را گرفتم و این نیست مگر لطف خداوند و عنایت او نسبت به بنده اش، خداوند مرا از این همه لطف [بی فراق] دور مگردان و شهادت را نصیب کن و من وصیتی ندارم ولی یک مشت درد و رنج دارم که بر این صفحه کاغذ می خواهم همچون تیری بر قلب سیاه دلانی

1- در اصل وصیت «علیتنا».

2- بقره/ 250.

3- در اصل وصیت «ما».

4- در اصل وصیت «المستغیثین».

5- فرازی است از دعای کمیل. ترجمه: «ای یاری رسان یاری خواهان و ای عزیز دل های صادقین»، مفاتیح الجنان.

6- در اصل وصیت «سبحان».

7- در اعلام تاریخ تولد شهید 1344 آمده است.

که این آزادی را حس نکرده‌اند و بر سر اموال این دنیا، ملتی و جهانی را به نیستی و نابودی می‌کشاند فرود آورم، خداوندا تو شاهد بودی من شهد آزادی را با گذراندن تمام سختی خویش ارج نهادم و با تمام دردها و رنج‌ها که بعد از انقلاب بر این امت همیشه در صحنه وارد شد شاهد بودم و حال به جبهه می‌روم تا شاید خداوند متعال یاری کند و این بنده سرتا پا گناه را اگر بپذیرد سعادت بزرگ و اگر هم نپذیرد به لطف و عنایت اوست - تو ای امام که از تمامی قرن‌ها سختی و رنج کشیدی¹ از دست این نابخردان همه هیچ [...] ² لحظه لحظه این زندگی پرشور، همچون نوح، عیسی، موسی و محمد (6) گذشت ولی تو ای امام و ای عصاره تاریخ با حرکت اسلام را در تاریخ جدید شروع کردی و آزادی جهان را تضمین کردی ولی ای امام کیست که این رنج‌ها و دردهای تو را درک کند و کیست که دریابد لحظه کوتاهی این حرکت به هر عنوان خیانتی به تاریخ انسانیت و کلیه انسان‌های حاضر و آینده می‌باشد. ای امام درد تو و رنج تو را می‌دانم چه کسانی با جان می‌خرند [...] ³.

و ای مادر و پدر مانند کوه استوار باش و هرگز ناراحت مباش از فرزند خود که امانتی بود در دست تو و در راه اسلام و خدا و قرآن، قربانی کردی. پدرجان و مادرجان هرگاه به فکر من افتادید⁴ به یاد علی اکبر⁵ حسین (7) بیفتید و حالت آنها در نظر بگیر تا ناراحت⁶ نشوی و شما ای برادران ادامه‌دهنده راه شهیدان انقلاب باشید و تو ای خواهر مانند زینب (3) ادامه‌دهنده راه شهیدان باش و بعد از این مهمترین کار تو اینست [که] حجاب اسلامی داشته باشی و حجاب را که همان اسلحه توست بر زمین نگذار و اگر خواستند حجابت را به زور بگیرند حتی اگر شده جان خود را بده و ای مادر و پدر می‌دانم که نتوانستم خوبی‌های شما و زحمت‌هایی را که کشیدید جبران کنم و امیدوارم که شما مرا

1- در اصل وصیت واژه مخدوش است اما به سیاق سخن باید «کشیدی» باشد.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت چند کلمه افتادگی دارد.

4- در اصل وصیت «فتاد».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «ماراحت».

ببخشید و از من راضی باشید و به خدا قسم راهی را که می‌روم راه حسین (7) سرور آزادگان است و آن را انتخاب کردم و به آرزوی دیرینه‌ام رسیدم و از شما می‌خواهم که مقلد امام باشید و راه شهیدان و راه امام را ادامه دهید، امام را دعا کنید.

محمدعلی خالقی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

«والسلام»

بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا انفرغ علينا نصيرا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين
 پروردگارا ای رب العالمین ما غیاث المستغیثین وای حبیب القلوب
 الصادقین

از سیام و حمد خداوند سبحان و عظیم و باد رود به رسول اکرم پیامبر
 کرامی اسلام و ائمه اطهار و ابوالخیر حضرت مهدی (عج) و نائب
 برحقش امام امت خمینی بت شکن و باد رود بر شهیدان ، که راه خدا
 و اسلام و راه حق را رفته اند و با عزت و سلام به پدر و مادر و خواهر و برادر را
 و تمام آشنایان و همشهریانم بنام خدا و بنام شهیدان راه اسلام -
 و مبین اسلامی ما این چند جمله اجمالی از زندگانی مرا میخوانیستند
 و یا میشنوید به خدا و واحد بدانید پیروزی از آن ماست ما در جهه
 حق علیه باطل میجنگیم ، ما از اسلام دفاع میکنیم اما دشمن بخساک ما
 تجاوز میکند ما ایمانمان همچون چراغی پیش ما را شعله میبشد اما دشمن
 در تاریکی و سوی تاریکی میرود ، ما آرزوی شهادت داریم اما دشمن
 از شهادت میترسد من محمد علی خالقی متولد ۱۳۴۵ که از توابع
 مهاباد (قلعه نو خرقان) هستم و به زیباست که من با قلب کوچک خود
 اعلا ترین ارزشها را گزینم و این نیست مگر لطف خداوند و عنایت او
 نسبت به بنده اش ، خداوند مرا از این همه لطف بی فراق و دور گردان
 و شهادت را نصیب کن و من وصیتی ندارم ولی بیک مشت درد ورنج
 دارم که بر این صفحه کاغذ میخوانم همچون تیری بر قلب

سیاه دلانی که این آزادی را حین نکرده اند و بر سراموال این دنیا ملتی وجهانی رابه نیستی و نابودی نکشاند ^{روزگاری} خداوند توفیقه بودی من شهید آزادی را بیاگذرانند تما سختی همیشه ارج نهادم و با تمام درد ها ورنجها که بعد از انقلاب بر این است همیشه در صحنه وارد شدم شاهد بودم و حال به حبهه میروم تا شاید خداوند متعال یاری کند و این بنده سرتاپا گناه را اگر بسزیرد سعادت بی بزرگ و اگر هم نپذیرد بلطاف و عنایت اوست -
 توای امام که از تمامی قرنهای سختی ورنج کشیدستی از دست این نابخردان همد هیبت لحظه لحظه این زندگی پر شور همچون نوح، عیسی، موسی و محمد (ص) گذشت ولی توای امام وای عصاره تاریخ با حرکت اسلام را در تاریخ جدید شروع کردی و آزادی جهان را تسخیر کردی ولی ای امام کیست که این رنجها و دردهای ترا درک کند و کیست که در یابد لحظه کوتاهی این حرکت به هر عنوان خیانتی به تاریخ انمانیت و کلیه انمانهای حاضر و آئینده میباشد ای امام درد تو ورنج ترا میدانم چه کسانی با جان می خردند ... و ای مادر و پسر مانند کوه استوار باش و هرگز ناراحت مباش از فرزند خود که امانتی بود در دست تو و در راه اسلام و خدا و قرآن قربانی کردی پدر جان و مادر جان هرگاه به فکر من افتاد بیاد علی اکبر حسین بیفتید و حال است انهاد رنظری بگیر تا ما را تحت نشوی و شمای برادران ادامه

دهنده راه شهیدان انقلاب باشید و توای خواهرمانند زینب
 ادا راه دهنده راه شهیدان باش و بعد از این مهترین
 کار تو اینست حجاب اسلامی داشته باشی و حجاب را که
 همان اسلحه توست بر زمین نگذار و اگر خواستند حجابت را
 به زور بگیرند حتی اگر شده جان خود را بده و ای مادر رویدر
 میدانم که نتوانستم خوبیهای شما و زحمت هائی را که کشیدید
 جبران کنم و امید دارم که شما مرا ببخشید و از من راضی باشید
 و بخدا قسم راهی را که میروم راه حسین (ع) سرور آزادگان
 است و انرا انتخاب کردم و به آرزوی دیرینه ام رسیدم
 و از شما میخواهم که مقلد امام باشید و راه شهیدان و راه
 امام را ادا کنید و امید امام را در عا کنید ، محمد علی خالقی
 خدا خداها تا انقلاب مهدی خصی را نگهدار

« والسلام »

واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی شاهرود

نام: احمد
نام خانوادگی: خالقیان
نام پدر: عبدالخالق
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: دوم اسفند 1341
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یکم اسفند 1360
محل شهادت: تنگه چزابه
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا اگر در کربلای حسین نبودم تا یاری اش کنم در کربلای ایران هستم.
- ا دست از یاری امام نکشید.
- ا با کسانی که قصد تضعیف روحانیت را دارند قاطعانه برخورد کنند.
- ا مادرم خوش باش که پسرت را در راه خدا دادی.

احمد خالقیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیلة و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون»¹.
 «ای اهل ایمان از خدا بترسید و (به وسیله ایمان و پیروی از اولیاء حق) به خدا توسل
 جوئید² و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید».

به نام خدا با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب، بت شکن زمان و سلام بر تمام شهیدان
 راه خدا و سلام بر مادر مهربانم. مادر تنها خواهشی که دارم، اگر خداوند شهادت را نصیب
 کرد، بر سر قبرم اشک نریزی بلکه خوشحال باش که پسرت را در راه خدا داده‌ای و این
 در نزد خداوند ارزش دارد، بار خدایا تو خود بهتر از هر کس می دانی چه چیزی باعث
 آمدنم به اینجا شده، آن هنگامی که حسین (7) فریاد می زند، «هل من ناصر ینصرنی»³ آیا
 می توانم بنشینم و فریاد حسین (7) را لیبیک نگوییم⁴. نه من اگر در کربلای حسین (7)
 نبودم تا یاریش کنم در کربلای ایران هستم و فریاد امام عزیزمان را لیبیک می گویم⁵ و این
 خود نعمتی بزرگ است که خداوند عطا فرموده تا در سپاه اسلام بجنگم⁶ و اگر شده با
 خونم قدمی در راه اسلام بردارم این کار را خواهم کرد، چه خداوند جهاد کنندگان در
 راهش را دوست می دارد. در آخر از امت مسلمان می خواهم که دست از یاری امام نکشند
 و با کسانی که قصد تضعیف روحانیت را دارند قاطعانه برخورد کنند.

«والسلام علیکم»

60/9/4

احمد خالقیان

1- مائده / 35.

2- در اصل وصیت «جوئید».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «نگوئیم».

5- در اصل وصیت «می گوئیم».

6- در اصل وصیت «بجنگم».

وَمِنْهُمْ سَائِرُ قَائِمَاتٍ

((بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ))

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ))

در اعلای ایمان از خدا بترسید و (بوسیلهٔ ایمان) میروید (ازاد بیاموز) خدا
تو را جویید و در راه او جهاد کنید تا استقلال بشوید (۱۰)

بنام خدا با درود و سلام به رهبر لیدر انقلاب ثبت بشوید زمان و سلام بر

تمام شهیدان راه خدا و سلام بر پدر و همسرانم صادر تنها خواهی که دارم و الحمد

خداوند شهادت را تقییم کرده، بر سر قدم اشک نریزی بلکه خوشحال باش

که پیوسته راه خدا را همانا و این در نزد خداوند ارزش دارد، بار خدایا

توفیق بهتر از هر کس میدانی چه چیزی باعث آمدنم به اینجا شده، آن

منجای من حسین (ع) فریاد من است، (و هَلْ مِنْ نَّاصِرٍ يُنصِرُونِي) آری

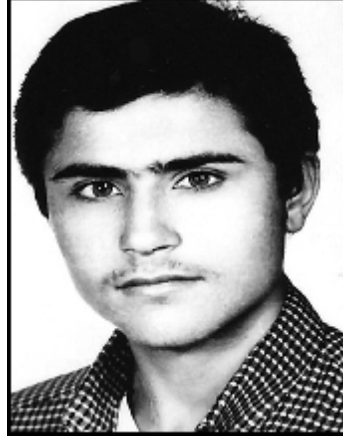
می توانم بپسینم و فریاد حسین را بپسینم و نه من اگر در کربلا می

حسین نبودم تا یارش گنم در کربلا ای ایران هستم و فریاد امام عزیزان

وَاللَّيْلُ مَا كَفَّرْنَا مِنْ رَأْسِنَا خُودِ بِنَيْبِي بِيْرْتَبِ اِسْتِ كِهْ خُدَاوَنْدَ عَطَا مَعْرُوضَه مَأَا
 دَرِ سِيَاهِ اِسْلَامِ بِيْجَنَمِ وَاللَّيْلُ مَا كَفَّرْنَا مِنْ رَأْسِنَا خُودِ بِنَيْبِي بِيْرْتَبِ اِسْتِ كِهْ خُدَاوَنْدَ عَطَا مَعْرُوضَه مَأَا
 دَرِ سِيَاهِ اِسْلَامِ بِيْجَنَمِ وَاللَّيْلُ مَا كَفَّرْنَا مِنْ رَأْسِنَا خُودِ بِنَيْبِي بِيْرْتَبِ اِسْتِ كِهْ خُدَاوَنْدَ عَطَا مَعْرُوضَه مَأَا
 دَرِ سِيَاهِ اِسْلَامِ بِيْجَنَمِ وَاللَّيْلُ مَا كَفَّرْنَا مِنْ رَأْسِنَا خُودِ بِنَيْبِي بِيْرْتَبِ اِسْتِ كِهْ خُدَاوَنْدَ عَطَا مَعْرُوضَه مَأَا
 دَرِ سِيَاهِ اِسْلَامِ بِيْجَنَمِ وَاللَّيْلُ مَا كَفَّرْنَا مِنْ رَأْسِنَا خُودِ بِنَيْبِي بِيْرْتَبِ اِسْتِ كِهْ خُدَاوَنْدَ عَطَا مَعْرُوضَه مَأَا

وَاللَّيْلُ مَا كَفَّرْنَا مِنْ رَأْسِنَا خُودِ بِنَيْبِي بِيْرْتَبِ اِسْتِ كِهْ خُدَاوَنْدَ عَطَا مَعْرُوضَه مَأَا
 دَرِ سِيَاهِ اِسْلَامِ بِيْجَنَمِ وَاللَّيْلُ مَا كَفَّرْنَا مِنْ رَأْسِنَا خُودِ بِنَيْبِي بِيْرْتَبِ اِسْتِ كِهْ خُدَاوَنْدَ عَطَا مَعْرُوضَه مَأَا

نام: حسن
نام خانوادگی: خان بیکیان
نام پدر: رمضانعلی
نام مادر: ساره
تاریخ تولد: دوازدهم مهر 1344
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سیزدهم تیر 1361
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا ما تمام هدفمان رسیدن به خدا و کوششمان پیاده کردن احکام خدا در جامعه است.
- ا ما هر چه داریم از قرآن داریم.
- ا همیشه به یاد خدا باشید.
- ا همیشه تقوی و صبر و استقامت را پیشه خود کنید.
- ا وحدت را حفظ کنید.
- ا پیرو قرآن و عترت باشید.

حسن خان بیکیان

بسم الله الرحمن الرحيم

«و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال و النساء و الولدان...»¹.
 «چرا در راه خدا و در راه آن مردم بیچاره از مردها و زنها و بچه‌هایی که در تحت شکنجه قرار گرفته‌اند نمی‌جنگید».

سلام بر مهدی (عج) یگانه عدالت‌گستر جهانی و این منجی بشریت و سلام و درود بر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام بر رزمندگان اسلام و سلام بر شهیدان و سلام بر خانواده شهیدان اسلام و سلام بر امت حزب‌الله همیشه در صحنه و سلام بر بندگان شایسته خدا. من کوچک‌تر از آن هستم که برای امت حزب‌الله پیام بدهم چون حزب‌الله به معنی حزب خداست و حزب خدا هم به کسانی اطلاق می‌شود که پیرو کتاب خدا و پیغمبر خدا باشند و بخواهند که احکام خدا را در جامعه پیاده کنند و ما هم تمام هدفمان رسیدن به خدا و کوششمان پیاده کردن احکام خدا در جامعه است تنها پیام ما همان پیام قرآن و وحی الهی است و ما هرچه که داریم از قرآن داریم بنابراین چند نکته‌ای را که در قرآن آمده است من ذکر می‌کنم به این امید که سودمند واقع شود. همیشه به یاد خدا باشید و خدا را زیاد یاد کنید² و تقوی و صبر و استقامت را پیشه خود کنید و وحدت بیتان را حفظ کنید و مادران و خواهران حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند باز هم عرض می‌کنم که به فرموده رسول اکرم پیرو قرآن و عترت باشید ولی فقیه جانشین عترت است و ولی فقیه حاضر امام خمینی است که انشاءالله خداوند برای حفظ اسلام تا انقلاب مهدی (عج) برای ما حفظ کند. آمین یا رب العالمین

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار
 برای حفظ اسلام از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای

حسن خان بیکیان 61/4/2

1- نساء/ 75.

2- در قرآن آیات متعددی به ذکر خدا اختصاص دارد از آنجمله است:

«واذکر ربک کثیراً»، آل عمران/ 41 یا «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً»، احزاب/ 41.



بیتابی

وصیت نامه شهید حسن خان بیکیان

عضو بسیج تاریخ شهادت: ۱۳/۴/۶۱ محل شهادت: شابعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا لَكُمْ لَأَتَّاقِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ... نساء آیه ۷۴
چرا در راه خدا و در راه آن مردم بیچاره از مردهای زنها و بچه‌هایی که در تحت شکنجه
قرار گرفته‌اند نمی‌جنگید.

سلام بر مهدی (عج) یگانه عدالت گستر جهانی و این منجی بشریت و سلام و درود به رهبر
انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام بر رزمندگان اسلام و سلام بر شهیدان و سلام بر خانواده
شهیدان اسلام و سلام بر امت حزب الله... همیشه در صحنه و سلام بر بندگان شایسته خدا من
کو چقدر از آن هستیم که بر ای امت حزب الله... پیام بدهم چون حزب الله... به معنی حزب خداست
و حزب خدا هم به کسانی اطلاق میشود که پیر و کتاب خدا و پیغمبر خدا باشند و یخو اهند که
احکام خدا را در جامعه پیاده کنند و ما هم تمام هدیه‌مان رسیدن بخدا و گوشمان پیاده کردن
احکام خدا در جامعه است تنها پیام ما همان پیام قرآن و وحی الهی است و ما هر چه که در ایم از
قرآن داریم بنا بر این چند نکته ای را که در قرآن آمده است من ذکر می کنم باین امید
که سوره مندی واقع شود همیشه بیا خدا باشید و خدا را از یاد نکنید و تقوی و صبر و استقامت
را بدین خود کنید و وحدت بینتان را حفظ کنید و مادران و خواهران حجاب اسلامی را کمند
رعایت کنند باز هم عرض می کنم که بشر مودار رسول اکرم پیر و قرآن و عزت باشید و ای فقیه
جانشین عترت است و ولی فقیه حاضر امام خمینی است که انشاء...

خداوند بر ای حفظ اسلام تا انقلاب مهدی (عج) بر ای ما حفظش کند.

آمین یا رب العالمین و السلام علیکم ورحمت الله و بركاته

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

برای حفظ اسلام از عمر ما بکاه و بر عمر او پیشرا

حسن خان بیکیان

۱۳/۴/۶۱

واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی دامغان

نام: حسن
نام خانوادگی: خانعلی
نام پدر: اکبر
نام مادر: نسا
تاریخ تولد: یکم مهر 1344
محل تولد: شهر مجن از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سرباز ارتش
تاریخ شهادت: بیست و دوم تیر 1364
محل شهادت: بانه
نحوه شهادت: سانحه رانندگی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ راهی که من رفته ام راه اسلام و قرآن است.
- ۱ همیشه پیرو ولایت فقیه باشید.
- ۱ در مرگم بی تابى نکنید.
- ۱ راهی که ولایت در آن هست راه پیامبر اکرم (6) است.

حسن خانعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله و انا اليه راجعون»¹.

به نام خداوندی که ما را آفرید و درود و سلام به پیامبر اسلام و درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب و سلام به خانواده شهدا و سلام بر شهیدان به خون خفته‌ای که با ایثار جان خویش درخت اسلام را آبیاری نموده و سلام بر معلولین و مجروحین در ضمن رزمندگان اسلام از جمله ارتش و سپاهی و بسیجی.

سلام بر پدر و مادر عزیز و گرامیم این وصیت‌نامه پسر شما حسن خانعلی باشد که از فرسخ‌ها راه دور برای شما می‌نویسم. پدرجان از موقعی که شما را شناختم موقعی بود که تمام زحمات شما را جلوی چشم می‌دیدم و مثل یک پدری که پسرش را خیلی دوست دارد زحمت می‌کشیدی. از این همه زحماتی که برایم کشیدی خیلی خیلی ممنونم و فقط می‌توانم از خدا بخواهم که به شما اجر بسیار عنایت کند و مادرجان شما هم برای بزرگ کردن من و فرستادن من به جبهه حق علیه باطل خیلی خیلی زحمت کشیدی، از شما هم خیلی ممنونم و خداوند متعال هم به شما اجر فراوان دهد.

به خواهران و برادران سلام فراوان می‌رسانم و امیدوارم که در مرگم بی‌تابی ننموده و بدانید راهی که من رفته‌ام راه اسلام و قرآن است و خدا خواست که در این راه به فیض شهادت نایل آیم و از تمام امت مسلمان می‌خواهم که همیشه پیرو راه ولایت فقیه باشند و بدانند که راهی که در آن هستند راه پیامبر اکرم (6) است و از تمام دوستان و آشنایان می‌خواهم که هرگونه بدی از این بنده روسیاه عاصی و گناهکار دیده‌اید² به‌خاطر خدا مرا حلال کنید و نماز و روزه قضای زیادی دارم، از خانواده‌ام می‌خواهم که از طرف من

1- بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «دیده‌ای».

به‌جای بیاورند و از مادرم می‌خواهم که در مرگم بی‌تابی و گریه و زاری نکند که دشمنان شاد شوند و در ضمن روحم در آن دنیا شاد باشد و محل دفن من در مُجَن باشد.

امام را دعا کنید

به امید پیروزی حق علیه باطل

«والسلام»

حسن خانعلی

در مورخه 63/12/20

بسمه تعالی

و وصیت نامه سوز و غمناک حسن خانعلی

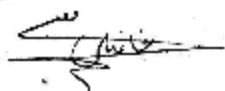
انا لله وانا الیه راجعون

نیام منوادی که سارا آمد و در درددل و سلام به پیام اسلام و درود سلام بر پیکر کبیر المصطفی
 و سلام بر خانواده نبی و در سلام بر شیوه ان به خون خفتگی که با ایشان جان زخمش درخت
 اسلام را آبیاری نموده و سلام بر علولین و مجروحین در زمین زینندگان اسلام از جمله ارتشی
 و سپاه و بیستی و سلام بر پدر و مادر عزیز گرامیم این وصیت نامه سرتما حسن خانعلی
 باشد که از فرسودگی راه دور برای شما می نویسم بدرجان از وصیت که شما را شناختم بر می
 بود که تمام زحمت شما را جلوی چشم می دیدم و محل یک پدیده که سیرش را خیلی دوست دارد
 زحمت من که می بود از این همه زحمتی که برای کسی خیلی خیلی مغرورم فقط می توانم از خدا
 شوالکم نه به شما اجر بسیار عنایت کند و مادر جان شما هم برای بزرگ کردن من و فرستادن من به جمع
 هر علیه با اهل خیلی خیلی زحمت کشیدی از شما هم خیلی ممنونم و خدا را بوق تعالی هم بستاند
 نراوان دهنده خرافان و برادران سلام فراوان می رسانم و امیدوارم که در مرکز شما می نمود و
 بد اینده ای که من زنده ام راه اسلام و قرآن است و خوا خواست که در این راه به فیض شهادت
 ایل آبر و از تمام است نظیر آن می خواهم که همیشه پیروزان ولایت قیام باشد و بداند که راه

که در آن مستند را به بیایر ارس (رس) است و از تمام دوستان و آشنایان ما خواهیم که مگر نه
بدی از این نبوده روسیه ما می و گناهکار دیده ای بخاطر خدا را جلالت کنید و نماز و روزه و قضای
زیادی داریم از خانوانه ام ما خواهیم که از طرف من بیای درند و از ما درم ما خواهیم که در مگر گشتی
و گریه و زاری نکنند که دشمنان شاد شوند و در همین روح پر آن دنیا شاد باشد و محل دهن من در زمین

باشد والسلام امام را دعا کنید به امید پیروزی حق علیه باطل

در ورغنه ۶۲/۱۲/۲۰



نام: حجت الله
نام خانوادگی: خانلرخانی
نام پدر: علی
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: دوم مهر 1340
محل تولد: روستای قائم آباد خانلر از توابع
شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم تیر 1361
محل شهادت: بصره عراق
نحوه شهادت: -
مزار: تاکنون اثری از پیکرش به دست نیامده



عبارت های کلیدی

- ۱ هرگز امام خود را تنها نگذارید.
- ۱ پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز (ادامه دهید).
- ۱ با کمک مادی و معنوی به جبهه روحیه رزمندگان را شاد کنید.
- ۱ همیشه دعاگوی امام امت باشید.
- ۱ با خدمت به خدا برای آخرت خود توشه کسب نمایید.
- ۱ به منافقین خود فروخته، مزدوران آمریکایی هیچ گونه فرصتی ندهید.

حجت‌الله خانلرخانی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»¹.
 «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید»² بلکه آنها زنده هستند و شما توجه ندارید و در نزد خدای خود روزی می‌خورند و از انعام و نعمات خداوند برخوردار هستند».
 اکنون که من در سال چهارم درس می‌خوانم نسبت به مسئولیت و وظیفه‌ای که در خود احساس می‌کنم لازم و ضروری می‌دانم که در جبهه حق علیه کفر شرکت کنم و هر فرد متعهد باید این وظیفه و احساس خطیر را انجام دهد و پیمان وفای خود را نسبت به امام امت استوار نگه دارید و [مبادا] هرگز امام خود را تنها نگذارید و به درستی که حسین زمان خود را یاری کنید و همان شعاری که سر می‌دهیم «ما اهل کوفه نیستیم امام را تنها بگذاریم»³ و از تمام امت مسلمان و شهیدپرور ایران می‌خواهم که پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز [اعلام کنید] که در تمام زمان نسبت به احساس و وظیفه شرعی خود جلوی مستکبران را گرفته و قد علم⁴ کرده‌اند و هیچ‌گونه فرصتی به منافقین خودفروخته مزدوران امریکایی ندهند و از مسئولین به‌عنوان یک نفر متعهد که انشاءالله دانشگاه و دانشسراها را از متفکر که بتوانند چرخ‌های مملکت اسلامی خود را به حرکت درآورند و به امید روزی که تمام مستضعفان جهان بر مستکبران غالب گشته و مشیت محکمی بر دهان آنان بزنند.
 و از امت شهیدپرور می‌خواهم که با کمک‌های خود به جبهه‌ها چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی روحیه برادران رزمنده را شاد نگه دارند و پیروزی را از خدای تعالی مسئلت⁵ داشته باشند.

«والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

1- آل‌عمران / 169.

2- در اصل وصیت «نگوئید».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «الم».

5- در اصل وصیت «مسعلت».

6- در اصل وصیت «برحمة».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون»¹.

«كل نفس ذائقة الموت»².

«كل من عليها فان»³.

«بدان که مرگ حیات‌بخش است مرگ آخر زندگی نیست بلکه تبدیل صورت زندگی آمیخته به بلا به زندگی طیبه و حُزن است».

با درود به بزرگ رهبر کبیر انقلاب این نایب برحق امام زمان (عج) این ابراهیم بت‌شکن زمان و ابرمرد تاریخ که با مشت خود لرزه بر اندام ابر جنایتکاران شرق و غرب و منافقان داخلی و خارجی می‌اندازد⁴ و با سلام به تمامی رزمندگان راستین که در [هر] نقطه‌ای وجود دارند پشتیبان اسلام و امام امت خود خمینی بت‌شکن هستند.

اکنون می‌خواستم با خانواده خود و با امت همیشه در صحنه خود این شخص حقیر چند کلمه‌ای صحبت از طریق نامه نمایم و از تمام برادران می‌خواهم که من در طول زندگی آنچه به یاد می‌آورم فکر نمی‌کنم چنان خوبی کرده باشم [در] که در مدنظر [وجود داشته] باشد و از همه دوستان و آشنایان می‌خواهم که مرا عفو نمایند⁵ تا در پیش خدای خود خشنود و جزء سربازان او قرار گیرم و از این امت می‌خواهم که راه⁶ اسلام را تا آخرین قطره خون خود ادامه دهند و این نهال آزادی را با قطره‌های خونشان آبیاری نمایند. و همچنین تقاضای من از این امت و برادران این است که مبدا امام خود را در صحنه تنها بگذارند که باید همانند حسین زمان شعار را سر دهیم که «ما اهل کوفه⁷ نیستیم حسین

1- اعراف/ 34.

2- آل عمران/ 185.

3- الرحمن/ 26.

4- در اصل وصیت «میاندازد».

5- در اصل وصیت «نمایم».

6- در اصل وصیت «را».

7- ر.ک. تعلیقات.

تنها بگذاریم» و در آخر کلام خود از پدر و مادر و خانواده خود می‌خواهم که مرا عفو و بخشش نمایند.

البته من هرچه فکر می‌کردم در پیش خود، فکر نمی‌کردم که خدا این چنین شایستگی و سعادت را نصیب نماید و فکر نمی‌کردم که خدا توجهی¹ هم به من دارد حالا که مرا جزء بندگان باشعور خود حساب نموده که اکنون به این مقام رسیدم از پدر و مادر خود می‌خواهم که همچنان شکر خدا را به جای آورند و همیشه² دعاگوی امام امت باشند. البته من خدمت ارزنده‌ای نسبت به انقلاب انجام نداده‌ام و امیدوارم که برادرانم راه حق را ادامه دهند با خدمت به خدا بتوانند برای آخرت خود توشه‌ای کسب نمایند.

و از مادرم می‌خواهم که همان‌طور که در حال کفن دوختن برای من است لباس رزم را بر تن دیگر برادرانم بپوشد که امانتی که خدا نزد آنها گذاشته به پیشگاه باعظمت او هدیه نمایند.

«والسلام³ علیکم و رحمة⁴ الله و برکاته»

علیه خصم رزمیدند و رفتند

خوشا آنان که با فرمان رهبر

بساط کفر برچیدند و رفتند

خوشا آنان که با شوق حسینی

من طلبنی وجدنی⁵: هر که طلب کند مرا می‌یابد مرا
و من وجدنی عرفنی: و هر که مرا یافت می‌شناسد مرا
و من عرفنی احبنی: و هر که مرا شناخت دوستم می‌دارد
و من احبنی عشقنی: و هر که مرا دوست دارد عاشقم می‌شود
و من عشقنی عشقته: و هر که عاشقم شود عاشقش می‌شوم

1- در اصل وصیت «توجه‌ای».

2- در اصل وصیت «همیشه».

3- در اصل وصیت «السلام».

4- در اصل وصیت «برحمة».

5- ر.ک. تعلیقات. ذیل «من طلبنی».

و من عشقته قتلته: و هرکس عاشقش شوم او را می‌کشم
و من قتلته فعلی دیته: پس هرکس را بکشم بر من است خونبهای¹ او
و من علی دیته فانا دیته: و هرکس که [بر] من باشد دیه او، من خونبهایش² هستم

1- در اصل وصیت «خونبای».

2- در اصل وصیت «خونبای».

شکر و محبت است و خدای تعالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ لِيَلْمَنَ لِي مَا يَسْتَأْذِنُ بَعْدَ إِذِ انبَسَخْتُ مِنَ الْكَلْبِ

فَلْيَلْمَنِي فَإِنَّهُ لَيَنْبَسِخُ وَجْهِي إِلَى اللَّهِ

وَيَلْمَنِي لَوْلَا إِذْ يَبْعَثُ عَلَيَّ جَنَّتِي لَعَلِّي أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَبْلٍ مِنْ بَنَانٍ

طَبَقًا مَوْجِدًا لِي

یا خدا... به بزرگ رهبر این انقلاب این نامی بر حق آمده (ع) این روایع نقل کرده و این روایت در دست

خود من در کتابم این حدیث را از شیخ مفید و غریب و مناقب و داخلی و خارجی و جازان و... و باسلام الله تعالی در میان

دستین هر دو قطع است و خود داران پشت این اسلام و امام است خود همین است مکن عتد

الدول می فرستیم با خاندان خود ما است... در صورت خود هر این... حق هر چه از این است در طریق نامان

و ارتقا و اید این می فرستیم که من در طریق زندگی آنچه یاد می آید هم هر کس که خدای تعالی در در مدد کار خود دارد آنه باشد

و آنچه دوست دارد بکشد... می فرستیم که عاقلان را می تازد و همین در این قدر مشهور و عزیز است از این او تر است و این است

می فرستیم که در این راه... می فرستیم که در این راه... می فرستیم که در این راه... می فرستیم که در این راه...

و همین... می فرستیم که در این راه... می فرستیم که در این راه... می فرستیم که در این راه...



صفا را در دست... که با هر کس که... می فرستیم که در این راه...

و در آخر کتاب... می فرستیم که در این راه... می فرستیم که در این راه...

کتابها... می فرستیم که در این راه... می فرستیم که در این راه...

نام: غلامرضا
نام خانوادگی: خان محمدی
نام پدر: محمدعلی
نام مادر: کبرا
تاریخ تولد: بیستم فروردین 1346
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیستم بهمن 1361
محل شهادت: فکه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بهشت زهراى تهران



عبارت های کلیدی

- ۱ پروردگارا تو می دانی که به خاطر تو به جبهه آمدم.
- ۱ راه ما راه رهبر آزادگان حسین ابن علی (7) است.
- ۱ برادران عزیز همچون ابوالفضل (7) باشید که تا آخرین نفس حسین (7) را تنها نگذاشت.
- ۱ همیشه پیرو خط ولایت فقیه باشید.
- ۱ سروران گرامی در هر کاری و هر عملی به یاد و برای خدا باشید.
- ۱ همیشه امام این پیر جماران را دعا کنید.
- ۱ یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنید.

غلامرضا خان محمدی*

بسم الله الرحمن الرحيم

«والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر»¹.

«قسم به عصر که همه انسان‌ها در زیان [...]»² مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند و در کارها شکیبا بودن».

«قل ان كان ابواکم و ابناءکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب اليکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یأتی الله بامرہ و الله لا یهدی القوم الفاسقین»³.

«ای رسول ما بگو امت را که ای مردم اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود را و اموالی که جمع آورده‌اید و مال‌التجاره که از کسادی آن بی‌مناکید و منازل که به آن دلخوش داشته‌اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می‌دارید منتظر باشید تا امر نافذ جاری گردد و خدا فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد».

فرمود امام حسین (7)

«اگر دین محمد (6) جز با کشتن من استوار نمی‌گردد پس ای شمشیرها مرا در آغوش بگیرید»⁴. بار خدایا حمد و سپاس به درگاہت که به من فرصت دادی تا اسلام را بشناسم و تا در جهل و نادانی از دنیا نروم. بار خدایا پروردگارا تو می‌دانی که به خاطر تو به جبهه

* در حاشیه وصیت‌نامه شهید با خطی دیگر «شرح حالات» شهید را نوشته‌اند. در پایان وصیت‌نامه هم از سوی روابط عمومی مسجد فاطمیه و انجمن اسلامی و بسیج بیعت‌نامه‌ای کوتاه اضافه شده است.

1- والعصر/ 1-3.

2- خوانا نیست.

3- توبه/ 24.

4- تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان كان دین محمد لم يستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی» را به صراحت به حضرت امام حسین (7) منسوب بدانند. در موسوعه کلمات الامام حسین (7) و در کتاب دایرةالمعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (1235-1305ق) فرزند حاج محمد حویزی حائری آل

تا در جهل و نادانی از دنیا نروم. بار خدایا پروردگارا تو می‌دانی که به‌خاطر تو به جبهه آمدم و به‌خاطر نابودی دشمنان اسلام و مسلمین به جبهه‌ها پا گذاشتم ولی خداوندا از تو عاجزانه تقاضا دارم که مرا یاری کنی تا بر هوای نفس خود در همه زمانه غلبه کنم بار خدایا مرا ببخش¹ از اینکه نتوانستم دستوراتت را به‌خوبی بیاموزم و انجام دهم بارالها² مرا ببخش از اینکه خوب در خط ولایت فقیه نبودم و مرا ببخش از اینکه انقلاب اسلامی با این عظمت و بزرگی و رهبری با آن بزرگی به ما عطا کردی و ما قدر آن را ندانستیم و بارالها³ مرا ببخش از اینکه حق مجروحین و شهدا را و خانواده آنها را به‌خوبی ادا⁴ نکردم و بار خدایا پروردگارا مرا ببخش از اینکه نماز را کوچک شماردم.

با سلام به پیشگاه ولی عصر (عج) و منجی بشریت و با سلام [و] درود بر نایب برحقش خمینی بت‌شکن با درود به روان پاک شهیدان راه خدا و سلام بر جانبازان⁵ و شهیدان همیشه شاهد انقلاب.

پدر و مادر عزیزم از اینکه بزرگم کردید و روانه جبهه‌های حق علیه باطل نمودید خدا را شکر و پدر و مادر عزیزم امیدوارم که مرا ببخشید و حلالم کنید و اگر خواستید برایم [من] گریه کنید به یاد صحرای کربلا و برای حسین (7) و قاسم⁶ و علی‌اصغر⁷ آن طفل شش‌ماه حسین (7) گریه کنید و طوری گریه کنید که دشمنان اسلام و قرآن شاد نشوند و

ابی‌الحب از اعظام خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شعری به نام الحائریات است قصیده معروفی دارد که زبان حال ابی‌عبدالله‌الحسین (7) دارد که چنین است.

اعطیت ربی موقفاً لا یتتهی
 الا بقتلی فاصعدی و ذریتی
 ان کان دین محمد لم یستقم
 الا بقتلی یا سیوف خذینی

«دائرة‌المعارف تشیع، ج 1، ص 137 با اندک ویرایش»

- 1- در اصل وصیت «به‌بخش».
- 2- در اصل وصیت «بارالهی».
- 3- در اصل وصیت «بارالهی».
- 4- در اصل وصیت «اعدا».
- 5- در اصل وصیت «جان‌بازان».
- 6- ر.ک. تعلیقات.
- 7- ر.ک. تعلیقات.

باید بدانید¹ و بگویید و آیندگان² بدانند که این راه را [من] از رهبر آزادگان حسین ابن علی (7) آموختم و بدانید که راه مستقیم همین راه است و شهدا نهضت آن را بُردن و نیز همین راه است و شهدا نهضت آن را بُردن و نیز همیشه امام را دعا کنید که هر چه داریم از برکت امام عزیزمان است و همچنین از مال دنیا مقداری مال دارم که 500 تومان آن را خمس بدهید و بقیه را اگر به کارتان آمد از آن استفاده کنید و در غیر این صورت به دولت جمهوری اسلامی واگذار کنید و همچنین نیز مقدار 230 تومان این بیشتر که در دفترچه بانک نوشته شده است از راه [...] است³ آن نیز به جنگ‌زدگان بدهید. برادران عزیزم امیدوارم که این حقیر گناهکار را حلال کنید و امیدوارم همچون ابوالفضل⁴ باشید که تا آخرین نفس حسین (7) را تنها نگذاشت و شما هم همیشه ادامه‌دهنده راه شهیدان باشید و اسلحه آنها را زمین نگذارید و پیرو خط ولایت فقیه باشید و مواظب اعمال و رفتار خود باشید که از خط ولایت فقیه خارج نشوید. خواهر عزیزم امیدوارم که این حقیر را حلال کنی و امیدوارم که همچون زینب کبری (3) بعد از شهادت برادرش، چه کرد شما دنباله‌رو خط زینب (3) باشید. دوستان و برادران بچه‌های محله عزیزم امیدوارم هر چه بدی از این حقیر گناهکار دیدید به بزرگی خودتان حلال کنید چون خداوند از حق ناس نمی‌گذرد و برادران و سروران گرامی چند یادآوری به شما می‌کنم.

همیشه مواظب اعمال و رفتار خویش باشید و در هر کاری و هر عملی را که انجام می‌دهید با یاد و برای خدا باشد و همیشه در زندگی خود از ائمه سرمشق بگیرید و یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنید که اگر در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر نباشد، آن جامعه رو به زیان و فساد و تباهی می‌رود و حافظی برای انقلاب اسلامی و پیرو خط ولایت فقیه باشید و همیشه امام این پیر جماران را دعا کنید که هر چه داریم از برکت این بزرگوار است.

1- در اصل وصیت «بدونید».

2- در اصل وصیت «آینده‌گان».

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «بالفضل».

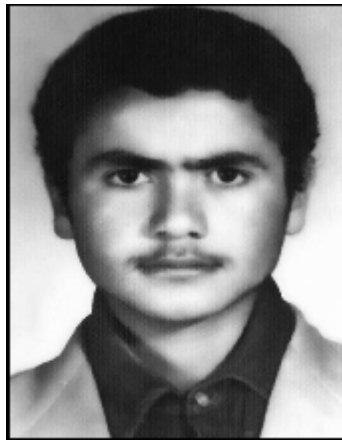
به امید پیروزی حق علیه باطل و برافراشته شدن پرچم الله اکبر بر تمام بُلندی‌های جهان.
خدایا، خدایا ستارگان (شهدا) که رفتن تو خورشید (خمینی) را نگهدار.

«والسلام علیکم»

وصیت‌نامه شهید غلامرضا خان محمدی

1361/11/18

نام: محمدرضا
نام خانوادگی: خان محمدی
نام پدر: زین العابدین
نام مادر: نرجس خاتون
تاریخ تولد: هفدهم خرداد 1337
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: جهاد
تاریخ شهادت: بیست و دوم تیر 1360
محل شهادت: اهواز
نحوه شهادت: اصابت موشک
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا مردم به هوش باشید.
- ا خط فقط خط مستقیم همان خط الله، پیغمبران و امامان و خط نایب امام زمانمان امام خمینی مجری قانون الهی است.
- ا نجات پیدا کردن از چنگ شیطان آسان نیست.
- ا شهادت و شهادت را سرلوحه خود قرار بدهیم.
- ا خدایا به من رحم کن که محتاجم فقط به تو.

محمدرضا خان محمدی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

«هو الله احد»²

درود فراوان به رهبر انقلاب اسلامی ایران نایب امام زمان حضرت آیت الله روح الله الموسوی الخمینی (درود بر شهیدان - درود بر ملت رزمنده ایران) مرگ بر منافقین - مرگ بر کفار - مردم به هوش باشید - بیدار باشید - مطالعه دقیق و بررسی در امور و مسائلی که زمان پیغمبر (6) و حضرت علی و امامان (7) اتفاق افتاد به یاد داشته و هوشیار در زندگی باشید.

خط فقط خط مستقیم که همان خط الله - پیغمبران - امامان - و خط نایب امام زمان امام خمینی (ولایت فقیه) مجری قانون الهی (ماوراء مهم بودن آن ولایت فقیه بر روی زمین است) به هوش باشید امت رزمنده اسلام. قدر بدانید و هوشیار باشید که مبدا به عذاب الهی گرفتار شوید و نجات پیدا کردن از چنگ شیطان آسان نیست. به دوستان اسلام سلام رسانده و موفقیت آنها را از خداوند بزرگ خواستارم.

- 1- مبلغ 3000 تومان آقای سیدعباس شاهچراغی عضو جهاد از اینجانب بابت پول باقی مانده ژیان می خواهد و به وسیله مادرم پرداخت شود. از پولی که به دستش دادم.
- 2- مبلغ 100 تومان بابت چند کتاب که از کتابخانه³ ملی گرفته بودم به بیت المال و یا کتابخانه پرداخت نمایم⁴ در موقع پیدا نشدن آن در زرین آباد توی چادر کارگران محترم قنات و 3 ریال که آنها از من می خواستند بدهید.

1- ذیل وصیت شهید، فردی که متعهد نشده است دو سال نماز و دو ماه روزه قضای شهید را بجای آورد رسید داده و امضا کرده است.

2- اخلاص / 1.

3- در اصل وصیت «کتابخانه».

4- در اصل وصیت «نمائید».

- 3- به گردن بودن 4 ماه روزه¹ یعنی برای 4 سال.
- 4- 2 سال نماز واجب [ی] که اگر ترک شده که گویا برای اطمینان کامل خوانده شود.
- 5- 85 تومان پولی که به آقای نصرتی انبار دادم اگر به صادقی نداده بدهد.
- 6- یک بشکه 220 لیتری در کلاته است که برای جهاد بوده که دست ابوالقاسم که با جهاد همکاری دارد می‌داند و برگرداند.
- برادر محمود فکور یک عدد اهم‌تر نیز از اینجانب می‌خواهد اگر در خانه پیدا نشد پولش را به او بدهید (از ایشان بپرسید چقدر خریدند و به مقدار ارزشش به او پول بدهید) متشکرم.
- 7- یک ساچمه لاستیکی پیکور و 3 عدد آچار ریز و یک بوشن با مغزی شکسته که پیدا و به انبار جهاد تحویل داده شود و در [صورت] پیدا نشدن آن مبلغ 250 تومان به حساب جهاد واریز شود.
- 8- در خاتمه حلال کردن و گذشت نسبت به اینجانب از طرف پدر و مادر گرامی و عزیز و خواهر و برادر و ننه‌جان پدری و مادری و کلیه دوستان و فامیل [ان] [را] خواستارم.

به امید رحمت خداوند

عشق به آفریدگار جهانیان - شهادت و شهامت را سرلوحه خود قرار بدیم² تا راه³ رحمت‌های خداوند [را] ببیماید⁴. در خاتمه گناهی به گردن اجرا کننده این وصیت نیست. مجدداً خدمت پدر و مادر گرامی و غیره سلام می‌رسانم و از گناهان من درگذرند. ناراحت نباشید پدر و مادر گرامی و عزیز جای من انشاءالله که خوب است. با خواست خدا. از خدا بخواهید که از گناهان ما درگذرد. و عمل خود که خدا از ما بگذرد و به رحمت خود بیوندد.

1- در اصل وصیت «روز».

2- در اصل وصیت «بدیم».

3- در اصل وصیت «در».

4- در اصل وصیت «بیمائید».

خدایا مرا از گناهان بی شمار از غضب خودت محفوظ بدار و به من رحم کن که
محتاجم فقط به تو.

«والسلام»

1359/12/14

خداحافظ همگی شماها

۷- یک ساجه لاستیک بیکروسیل خود آچار زبر و یک یون باغزی شکسته که پیرا و پینار
جماد ثویل داده شود در پیوسته آن مبلغ ۲۵۰ تومان به عیال جماد و اینتر کرده
۸- در خانه خندان که در وقت نسبت بر این باب از طرف پیر و مادر گرامی میزند
و خواهر و برادر و ننه جان پیری و مادری و کلیه کوسان و فامیلان خواهانم.

به امید رحمت خداوند
عشق به آخر کار جهانیان سکادت و کلمات را سر لوده خود قرار بدیم

تاییدت های خود را بر پیرا میثه در خانه گناه بگردن اجرا کنه این عاقبت نیست.

بجد و اخلاص پیر و مادر گرامی و ننه والسلام

سلام بر سینه و انگه امان در گذرند

۱۴۴۱/۱۲/۲۹

ناراحت نباشید پیر و مادر گرامی و

عزیزان ما ان شاء الله که خوب است.

با خوارت خدا از خود انخواهی که از گناهان ما در گذرد.

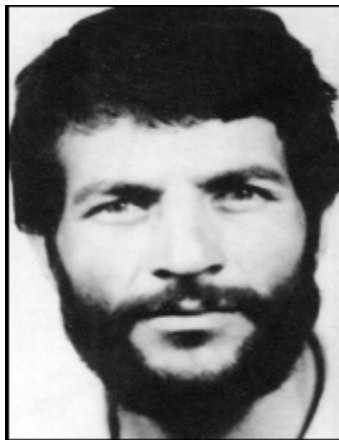
عزیز خود و به رحمت خود پیوندد.

که خدا را با بد کرد.

خدا را از گناهان بسیار از غضب خود محفوظ
نمودند و به من رحم کن که مقدم فقط به تو

حجت در سال نماز و نماز و ...
بنا بر کرامت همه رتبه ها و ...
دانشگاه ...
صورت ...

نام: محمدعلی
نام خانوادگی: ختیال
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: ماه سلطان
تاریخ تولد: یکم شهریور 1333
محل تولد: شهر کلاته خبیج از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هشتم آذر 1360
محل شهادت: بستان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ همیشه گوش به فرمان امام باشید.
- ۱ از خط امام و ولایت فقیه خارج نشوید.

محمدعلی ختیال

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا، خدایی که انسان‌ها را آفرید و راه هدایت را به آنها نشان داد و شکر خدا را که ما را هم به نور هدایت هدایت‌مان کرد و ما را نعمتی نصیب کرد که در راه او جهاد کنیم و انشاءالله شهید شویم و به فیض شهادت برسیم.

ای پدرم ای پدر عزیزم که مرا مشوق و راهنما بودی امیدوارم که مرا حلال نمایی و اگر بدی در زمان جوانیم و یا این دوران کردم که باعث ناراحتی شما شدم به بزرگواری خودتان ببخشید مادرم مادر عزیزم تو هم از آن همه زحمت‌هایی که دادم ببخش و حلالم کن تا اعمالم مورد قبول پروردگارم قرار گیرد. همسر گرامی و خوبم از تو می‌خواهم که برایم گریه نکنی اگر در چند سال زندگی در بعضی از موارد به تو تندی کرده‌ام مرا ببخش خدا از تو راضی باشد چون من از تو راضی هستم امیدوارم که فرزندانم را خوب تربیت کنی و آنها را با قرآن آشنا گردانی شما همیشه گوش به فرمان امام باشید و از خط امام و ولایت فقیه خارج نشوید خداوند اسلام و مسلمین را نصرت عنایت بفرماید.

«والسلام علیکم و رحمة الله»

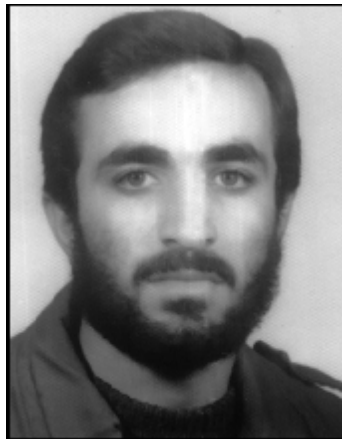
فرزند کوچک شما محمدعلی ختیال

اسم کتاب ۷۲۹

بسم خداوندی که آن نور را آفرید بر راه هدایت راه آنجا نشاند و در دل من
خدا را که ما را هم به نور هدایت هدایت کرد و ما را فتنی نصیب نکرد که در راه
آن کس است ما را ستمند شدم و بی نصیب شد دست برسم

با همه مردم ای بی زغریزم که بر اسلوق و رانها بودی (امیدوارم که مرا احلال بپایی
و اگر بی دروغی میباشی و ما را بی دروغی کردم که بابت کار اعمی میباشی بی زغریزم
منه ای بی چشمه ما هم ما در عزیزم مردم از آن همه زحمتی که دارم ببخش و سلام
کن تا اعلام مورد قبول پروردگارم قرار گیرد و منسوخ کنی و در حق ما را
مخوامند بر این امر که گفتم اگر در چند سال زنده می دروغی از ما بودی که مندی که ۵۵م را ببخشی
صورت از خود را فریاد از خود من از خود را فریاد من امیدوارم که بی ضرر زنده امرا خود به تربیت
شیرود و ما را ما را آشنایان شما همیشه که من به فرزانه تمام با این کار
ن ۱۱۱م و ولایت فقیه را در دست خود خداوند اسلام و صلوات بر او و آله و صحبه اجمعین
و سلام بر خاندان نبوت است

نام: محمدرضا
نام خانوادگی: خدابنده‌لو
نام پدر: علی اصغر
نام مادر: صدیقه
تاریخ تولد: یکم فروردین 1342
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم خرداد 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا سد محکم در مقابل دشمنان اسلام به خصوص منافقین باشید.
- ا جهاد را در راه خدا فراموش نکنید.
- ا پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیب‌پذیر نباشید.
- ا حمایت کنید از روحانیت این سنگرداران اسلام.
- ا حامی و پشتیبان باشید پاسداران جان‌برکف را.
- ا احترام به مادر هر گناهی را می‌بخشد.

محمد رضا خدابنده‌لو

بسم الله الرحمن الرحيم

«اطيعوا¹ الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم»².

اکنون که استکبار جهانی به سرکردگی امریکا این بار [که] با ماسک صدام به میدان نبرد اسلام آمده است وظیفه دینی و شرعی خود دیدم که به یاری اسلام برخیزم و با عشق و علاقه به جبهه جنگ آدمم و اگر که به لطف خداوند شهادت نصیب³ من شد از بازماندگان خود می‌خواهم که صبر و استقامت و بردباری پیشه خودکنند. پدر و مادر گرامی از شما می‌خواهم که هیچ وقت شما از برای من ناراحت نباشید و شما باید [یک] پشتیان⁴ عظیم انقلاب و جمهوری اسلامی باشید. یک سد محکم در مقابل دشمنان اسلام به‌خصوص منافقین باشید. اگر والدین عزیز من سعادت من را می‌خواهید باید دعا کنید که مرگ من در راه خدا باشد. چون مرگ در راه خدا ارزش دارد.

برتری و کرامت انسان در سه چیز است 1- علم 2- جهاد در راه خدا 3- تقوا.

از برادران خود می‌خواهم که فراگیری علم را ادامه دهند. امت مسلمان جهاد در راه خدا را فراموش نکنید که شرف اسلام در گرو⁵ این جنگ بستگی دارد.

«اوصیکم بتقوی⁶ الله و نظم امرکم»⁷. «وصیت می‌کنم شما را در کارهای خود تقوا پیشه کنید».

«ان اکرمکم عندالله اتقیکم»⁸ «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست»⁹.

1- در اصل وصیت «اطيعوا».

2- نساء/ 59.

3- در اصل وصیت «نسیب».

4- در اصل وصیت «پشتیان».

5- در اصل وصیت «گروه».

6- در اصل وصیت «بتقوا».

7- عبارت از سخنان حضرت علی (7) است.

8- در اصل وصیت «تاکم».

9- در اصل وصیت معنای آیه فصیح نیست.

«یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرين»¹. «ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت کنید و به ذکر خدا و نماز توسل جوئید² که خدا با صابران است».

درود بر ولی فقیه امام خمینی - این پرچمدار خونین حسین (7) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و اطاعت کنید از اولی الامر³.

هر که نشناخت امام خویش را مرده است به زمان جاهلیت⁴.
اولی الامر منظور از امامان پاک راستین اسلام است که به حضرت بقیه‌الله ختم می‌شود و در زمان غیبت آن حضرت باید [اطاعت] از نواب عام که همان فقهای در دین هستند اطاعت کنیم. ای مسلمانان «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیب‌پذیر نباشید»⁵ و اسلام بر پنج پایه استوار است نماز، روزه، حج، جهاد و ولایت که از همه مهمتر ولایت می‌باشد⁶ (امام محمدباقر (7)).

ولایت فقیه استمرار حرکت انبیاء است⁷. ای مسلمانان حمایت کنید از روحانیت⁸ این سنگرداران اسلام و حامی⁹ و پشتیبان باشید، این پاسداران جان بر کف را، که با خون خود در داخل و خارج از اسلام دفاع می‌نمایند.

1- بقره/45.

2- در اصل وصیت «جوئید».

3- عبارت شهید ترجمه بخشی از آیه 59 سوره نساء است. «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم».

4- امام صادق (7): «من مات و لیس له امام فمیثته جاهلیة» (انکافی، ج 1، ص 377، باب انه من عرف امامه)
5- این تعبیر شهید مشابه سخنی است که امام در حمایت از ولایت فقیه فرموده‌اند: «اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد» (صحیفه امام، ج 10، ص 58).

6- اصول کافی، ج 2، ص 49. ترجمه حدیث چنین است: امام باقر فرمودند: «خدای عزوجل پنج چیز را بر بندگان واجب ساخت و آنها چهار چیز را گرفتند و یکی را رها کردند. نماز، زکوة، روزه، حج و ولایت.

7- صحیفه امام، ج 10، ص 308.

8- در اصل وصیت «رحانیت».

9- در اصل وصیت «حمایت».

[وصیت خصوصی]

پدر و مادر گرامی¹ ببخشید که اگر قدر و احترام شما را بیشتر از این که در توان² من بود نگاهداری کنم.

مادر من از من راضی و خشنود³ باشید که احترام به پدر و مادر خیلی ثواب دارد. که رسول خدا (6) می‌فرماید: «احترام به مادر هر گناهی را می‌بخشد»⁴. افسوس که دیگر دستم از دنیا کوتاه است و نمی‌توانم به پدر و مادر و برادرانم و بستگانم و دوستانم و هر کسی که حقی به گردن من دارد احترام و نسبت به آنها ادای⁵ حق آنها را بنمایم فقط عاجزانه می‌خواهم که هر کسی که حقی به گردن من دارد از حق خود در گذرد مرا عفو⁶ کند که خداوند حکیم داناست.

پدر گرامی یک خواهشی دارم که اگر امکان دارد یکی از برادران من را پاسدار اسلام نمایید، که پاسداری یکی از اهداف من بوده است.

درود بر امام خمینی

خدانگهدار همه شما

سلام بر پاسدارن قهرمان اسلام

محمد رضا خدا بنده لو

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

به نام خدا

امشب حالت دیگری دارم. از شوق وصال حق قرار [و] آرام ندارم. ذکرم یاد و نام خداست. شادی من از این افزون شده که ما مثال جامعه‌ای واحده در یک صف واحده با

1- واژه «گرامی» افتاده است اما از سیاق کلام و سرکش‌های حرف گاف مشخص است.

2- از واژه «توان»، توا باقی مانده اما از سیاق عبارت مشخص است که کلمه «توان» بوده است.

3- در اصل وصیت «خوشنود».

4-

5- در اصل وصیت «اهدای».

6- در اصل وصیت «عفو».

سپاه ادغام شده‌ایم و در یک روح و یک پیکر شده‌ایم. من هم بدون نام و نشان و با لباس بدون آرم مثل قطره‌ای وارد دریا شده‌ام. دریای بیکران بسیج سپاه پاسداران، این جان برکفان قرآن و اسلام. اگر من لیاقت شهادت را داشتم که شهادت لیاقت و کفایت می‌خواهد. از پدر گرامی و مادر عزیزم می‌خواهم که اولاً مرا حلال کنند اگرچه من فرزندی لایق برای آنها نبوده‌ام. معذرت می‌خواهم از نظر اینکه هدیه‌ای ناقابل (قطره‌ای از دریا) به درگاه خداوند [هدیه] نموده‌اند خوشحال باشند. مادر انشاءالله که نزد زهراء مرضیه (3) روسپید باشید. تو هم هم‌چون [مانند] مادر شهدا هدیه‌ای در راه اسلام تقدیم کرده‌اید. دیگر برادران را در راه اسلام تربیت کنید. اگر خواستند در راه من گام بردارند در سپاه پاسداران این سنگربانان انقلاب خونین¹ به فعالیت پردازند. پدر و مادر گرامی برای من یک ماه روزه و یک سال هم نماز قضای من را ادا² کنید. صبر و بردباری در راه خدا [را] پیشه خود سازید.

«والسلام»

محمدرضا خدابنده‌لو

1- در اصل وصیت «خونین انقلاب».

2- در اصل وصیت «یک سال هم نماز برای من قضاء کنید».

(1)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أُولَى الْأَمْرِ بِشَيْئٍ

و وصیت نامه شریف فدا بنده

آنکس که از کفر جمعی به سرگردان آمدند ایثار گویا سوره
صدرا به منبر آن نبرد با اسلام آمده است

و هفتم دینی در توحید خود دین که به به بار اسلام در خویش
و با عشق و علاقه بر حمله جناب آمدیم و امر به به

لفظ فداوند شهادت نسیب من شد از ناز و ناله
خود می خواهم که صبر و استقامت پیدا کردیم

پس در هر گریه ای از شما می خواهم که هیچ وقت که از بر من گذشتند
و شما باید همیشه در نظام و شعور اسلام باشید

که فتنه محکم بفرستد بل و فتنان اسلام جبهه صاف خفتن
از والدین عزیز من سعادتی می آید خواهیم این دعا کنیم که سر
من جزو راه فدا باشد هر چه چون من در راه فدا از شما وارد

(۷)

برتری و کرامت انسان در سه چیز است

۱- علم ۲- جهاد ۳- فدا ۴- تقوا

اگر در این خود می‌خواهیم که فراگیریم علم را ادامه دهیم.

است سلمان بود و در راه فدا را فراموش نکند که شرف اسلام در گرده این جنگ بستن دارد.

(أَوْعَيْتُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ يٰۤأَعْمٰی (امرکم) . وصیت می‌کنم شما
فراگیر بر خود تقوا بیست کنید
(ان آتوکم عنده الله التاکم)

به رفق که برتری شما در نزد خدا تقوا بیگان است.

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ
ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر متانید و در کارهای خود متصل و متصل که در این است

دیور سر ولی فقیر امام حسین

ای پسر چندان خوشی حسین

ای کسانی که ایمان آورده اید ای عت نشینان خدا را ای عت نشینان
خدا را و ای عت نشینان اولی الامر.

شکره و شفاخت امام ^(علیه السلام) را سرور است به نیکان جاهلیت
اولی الامر منظر از آسمان پاک زانکه اسلام است
که به حضرت نقیة الله ^(علیه السلام) و خود و خدیوین ^(علیه السلام) انجیبت

آن محضرت بایم الامت از نواب عام که همان حقوق دردی
هستند ای عت نشینان. ای مسلمانان یمنین ولایت فقیران ^(علیه السلام)

تا آنکه سبب بزرگتر جسم و اسلام بود چنانچه بایم استوار است
نماز - روزه - حج - جاد - ولایت که از همه مستتر ولایت ^(علیه السلام) است

ولایت فقیه استمرار حرکت انبیاء است. اگر مسلمانان
حمایت کنیم از روحانیت ای سنگرداران اسلام

و حمایت و پشتیبانی با جسم ای پادشاهان جان برکفیل
که با خون خود خود را داخل و خارج از اسلام
درمان می نماید.

بیانم خادوی

امشب حلت دیگری دارم. از حقوق وصال حق قنبر آرام می‌تارم. ذکرم یاد و نامم خداست.

شادان من از این اخذون شده که ما شکی جاسعه ای واحد
درین صفت واحد با سیه از نام شده ایم در کینه روح و

بفکر شده ایم. من هم بدی نام و نشانی بدی می‌بودی آرام می‌شدی
قطره ای دارد درین شده ایم. درین می‌کوشم. بسج سیه پاملران

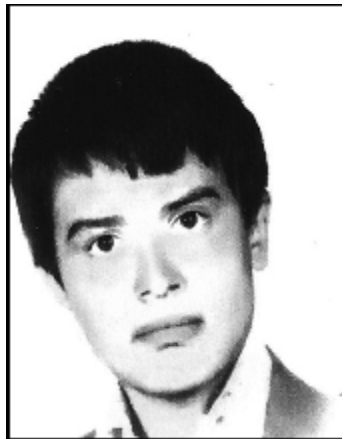
ام جاک برکتان قرآن و اسلام. اگر من کینت سعادت و ادا شده که
شود دست کینت و کینت می‌خواهد. از دیدن گرامی و سوره عزیزم می‌فولم

که اولاً سرعلاک کنند اگر چه صوم غزنی لایق برای آنرا نبوده ایم معذرت می‌فرماید
از نظر اینکه همه می‌بایست ثاقابی اقله کردیم) بد در هر گناه خداوند نبوده اند

فرضی جای باشند. سوره انشای الله که نزد زهرا و مرثیه رویدید با چشمه برهم
همچونک مانند سوره شهادت عید ای. در زوار اسلام. تقدیم کرده اند.
دیگر در دوران را در راه اسلام قربیت کنیم اگر خواسته حراره می‌توانیم براریم
طریقه یا سهران به سنگر بانان خونیه انقلاب به فعالیت می‌توانیم در اثر

پس از این من همیشه بهروزه یک سال هم نماز بر این من قطعاً کنیم.
همیشه بهروزه در راه. خدا همیشه خوب تریم
و اعلام خود را بکنیم.

نام: محمدرضا
نام خانوادگی: خداپنده‌لو
نام پدر: محمدابراهیم
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: بیست و ششم شهریور 1340
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: هفدهم مهر 1361
محل شهادت: دهلران
نحوه شهادت: -
مزار: اثری از پیکر وی به دست نیامد



عبارت‌های کلیدی

- ا همیشه عمل کردن به قرآن را سرلوحه کارهایتان قرار دهید.
- ا خودتان را در حضور خدا بدانید.
- ا همچون امام در مقابل ظالمان داخلی و خارجی استوار و مقاوم باشید.
- ا فقط پشت سر امام و روحانیت مبارز و افراد مورد تأیید امام و روحانیت باشید.
- ا همیشه گوش به فرمان امام خمینی باشید.
- ا قسم به خدایی که تمام ما را آفرید که تا آخرین قطره خون خود سنگرم را رها نخواهم کرد.

محمد رضا خدابنده‌لو

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر تمام شهدا و خانواده‌هایشان سلام بر شهدای زنده انقلاب که چون کوه مقاوم در مقابل دردی که روز و شب دارند در بیمارستان‌ها به سر می‌برند و هر دقیقه اجر عظیمی پروردگارشان به آنها عطا می‌کند. درود بر شهیدان کربلای حسین (7) سلام بر یاران باوفای حسین (7) سلام بر امام امت و ابراهیم زمان و حسین زمان خمینی، حامی مسلمین و مستضعفان جهان درود بر یاران باوفای امام خمینی درود بر تمام شهیدان گلگون کفن کربلای ایران سلام به عاشورای حسین (7) سلام بر سنگرهای پر خون مرزهای ایران که توسط مزدوران بیگانه و جیره‌خواران شرق و غرب که دستشان از آستین صدام خائن به در آمده است. مرگ بر منافقان¹ که می‌خواهند این انقلاب نونهال را ناتوان سازند. امیدوارم که همیشه عمل کردن به قرآن را سرلوحه کارهایتان قرار دهید و خودتان را در حضور خدا بدانید و زینب‌وار (3) در مقابل سختی‌ها بایستید و همچون امام در مقابل ظالمان داخلی و خارجی استوار و مقاوم باشید و سلام گرم من بر پدر و مادر عزیزم پدر و مادر حال فرصتی پیش آمده که به یاری خداوند به جبهه‌های حق علیه باطل بروم و از یاران حسین (7) باشم زیرا سیدالشهدا نیز برای احیاء دین قیام کرد و ما هم به فرمان رهبر عزیزمان برای احیاء دین قیام می‌کنیم اگر می‌خواهید که یاد شهیدان زنده بماند فقط پشت سر امام و روحانیت مبارز و افراد مورد تأیید امام و روحانیت باشید و به برادران دینی خود وصیت می‌کنم شماها وارث اسلحه از دست افتاده شهیدان هستید وصیت می‌کنم که هرگز تا آخرین قطره خون خود با دشمنان اسلام سرسازش نگیرید و همیشه گوش به فرمان امام خمینی باشید و در از بین بردن دشمن درون کوشش کنید که جهاد اکبر² مقدمه

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در کتب عرفانی و اخلاقی شیعه به نقل از رسول اکرم (6) جهاد و قتال را جهاد اصغر دانسته و جهاد با نفس را جهاد اکبر می‌دانند.

جهاد اصغر¹ و وابسته به آن است و دیگر اینکه کسی خیال نکند مرا به زور به جنگ فرستادند من با میل و ایمان خودم رفتم تا به دشمنان اسلام بفهمانم که اسلام سازش‌پذیر نیست به همان خدایی که تمام ما را آفرید قسم که تا آخرین قطره خون خود سنگرم را رها نکرده و مبارزه خواهم کرد و در خاتمه وصیت می‌کنم که اگر جنازه من به دست شما رسید آن را در فردوس رضا در کنار دیگر شهیدان دفن کنید.

به امید دیدار در دنیای دیگر

«والسلام»

محمدرضا خدابنده‌لو

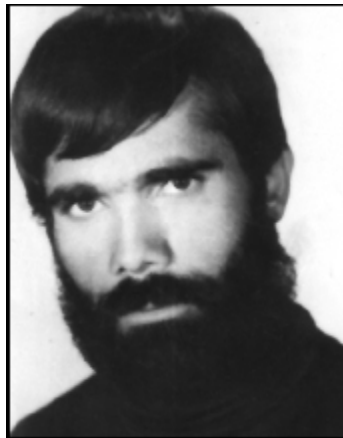
61/9/17

1- در کتب عرفانی و اخلاقی شیعه به نقل از رسول اکرم (ﷺ) جهاد و قتال را جهاد اصغر دانسته و جهاد با نفس را جهاد اکبر می‌دانند.

فصل: در وصف من گفتم که همدگر تا آنکه از من کعبه خوانده شود. با دشمنان اسلام سزای بجز
 دگرگیری و فریب نداشتی. بفرمانت انجام بپذیرد و دوازده مرتبه برود تا دشمنان زده شود که شمشیر
 کشید که جز از آنکه بر منده چو از اجزای او بماند. به آنکه دستش و دیگر اینها کشید و بگذارد
 به زور به جنگ در ستم انداختن ازین بیولجام خودم در منم. تا در دستهای اسلام بفرمانم که
 اسلام سازم و مزای نیست. به مخالف جنگی که تا من نیامده که فرید قسم که تا آنکه منم قطره
 خون خود منم را رها نکرده و سلطه خوانده بودی. و دشمنان و عیبت منم که اگر عینان
 منم دست منم کشید. تا آنکه منم بر منم و آنکه در دست منم از منم کشید.

به انچه دیدم از دشمنان منم کشید
 مهر رضا خدابنده لو
 1385

نام: محمدجعفر
نام خانوادگی: خدادادیان
نام پدر: ابوالقاسم
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: یکم بهمن 1331
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: هفتم اسفند 1364
محل شهادت: بیمارستان بقایی اهواز
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ همسر من به کمک هموطنانمان در مرزها شتافتیم تا بلکه بتوانم به انقلاب اسلامی کمکی کرده باشم.
- ۱ همسرم همانطور که بارها گفتم مردانه بجنگ، به خدمت سربازی رفتم برای جنگیدن.
- ۱ هر دفعه که به مأموریت می رفتم آرزوی شهادت می کردم و آخر به آرزوی خود رسیدم.

محمدجعفر خدادادیان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

ضمن عرض سلام به خانواده عزیزم چون من عازم جبهه‌های نبرد حق بر باطل هستم این وصیت‌نامه را در حالی که صحیح¹ و سالم هستم برای شما می‌نویسم² امیدوارم که بعد از شهادتم بدان عمل کنید (انشاءالله)³.

همسر عزیزم صغراجان همان‌طور که بارها به من می‌گفتی که مردانه بجنگ و از مردن ترس نداشته باش و من هم به همین امید بودم یعنی اگر ترس داشتم مانند خیلی از هم‌قطارانم از خدمت مقدس سربازی فرار می‌کردم. ولی از آنجا که من یک ایرانی هستم و دیدم که چطور مزدوران⁴ عراقی به مرزهای ما حمله کرده و به زنان و دختران مردم بی‌دفاع ما که در اصل همان خواهر و مادرهای خودمان هستند وحشیانه‌ترین⁵ عمل را در مورد آنها انجام دادند به کمک آنها شتافتم تا بلکه بتوانم کمکی به آنها و در اصل کمکی به انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی کرده باشم پس از مردن ترس نداشتم و هر دفعه که به مأموریت می‌رفتم آرزوی شهادت می‌کردم و آخر به آرزوی خود رسیدم. صغراجان چند مورد هست که آن را برایتان بازگو می‌کنم.

1- بعد از مرگم اختیار زندگی دست خودت است اگر توانستی بدون شوهر پاک زندگی کنی که چه⁶ بهتر، ولی اگر نتوانستی بدون مردی به‌عنوان شوهر زندگی کنی، بعد از 4 ماه و ده روز از مرگم با هر کی که دوست داری می‌توانی ازدواج کنی.

2- در مورد پسر علی. اولاً با مردی شوهر کن که قبول کند علی را پهلوی خودتان نگه

1- در اصل وصیت «سعی».

2- در اصل وصیت «مینوانیسم».

3- در اصل وصیت «یشالله».

4- در اصل وصیت «مزدیوران».

5- در اصل وصیت «وهشیانه‌ترین».

6- در اصل وصیت «یا».

دارد و از آن نگهداری کند ولی اگر شوهر کردی و شوهرت قبول نکرد که علی نزد شما باشد علی را به مادرم بسیار و از مادرم می‌خواهم که در مورد تعلیم و تربیت او کوشا باشد.

3- در مورد حقوق و مزایا، من نمی‌دانم که بعد از شهادتم حقوقم چقدر است ولی هرچه هست یک‌هشتم آن را به مادرم و بقیه آن را مال همسرم¹ صغرا و پسر علی می‌باشد.

4- در مورد خانه و آن مقدار وسایلی که دارم تماماً مال همسر و فرزندم است.

5- صغراجان از تو می‌خواهم که علی را فردی خوب و سالم به اجتماع تحویل دهی و خدا نکرده تو به راه خودت [نروی] و او را همچنان تنها رها کنی. هرچه می‌توانی او را پیش خودت نگه‌دار² و از او نگهداری³ کن. اگر فرزندی بعد از مرگم در رحم از تو داشتم. اگر پسر بود اسم او را رضا و اگر دختر بود هر اسمی که تو دوست داشتی روی آن بگذار.

6- با این وصیت‌نامه از همه شما خداحافظی می‌کنم مخصوصاً از مادرم، همسرم، فرزندم، برادرانم⁴ حسن و حسین و خواهرم، زن برادرم، پدرزن، مادرزن، زن‌عمو، پسرعموها، دخترعمو، دایی و زن‌دایی، پسردایی‌ها، دختردایی‌ها، برادرهای خانم، زن‌برادرها، باجناق‌ها با خانواده، و به‌طور کلی از همه و هر⁵ که مرا می‌شناسند و سلام علیکی⁶ داشتم و امیدوارم که هرچه خوبی و بدی از من دیده‌اند مرا عفو کنید تا بتوانم در آن دنیا راحت باشم.

7- اگر من شهید شدم مرا در قبرستان شاهرود و در کنار دیگر شهیدان دفن کنید. و این خط شعر را حتماً روی سنگ قبرم بنویسید.

کز گردش ایام چه آمد به سر من
نشکفته فرو ریخت همه بال و پر من

ای مادر غم‌دیده نداری خبر از من
من تازه جوان بودم اندر چمن حسن

در پایان از تمام خانواده خود می‌خواهم که بر سر مزارم گریه زیاد نکنید. صغراجان

1- در اصل وصیت «همسر».

2- در اصل وصیت «نگدار».

3- در اصل وصیت «نگداری».

4- در اصل وصیت «برادرم».

5- در اصل وصیت «از همه و».

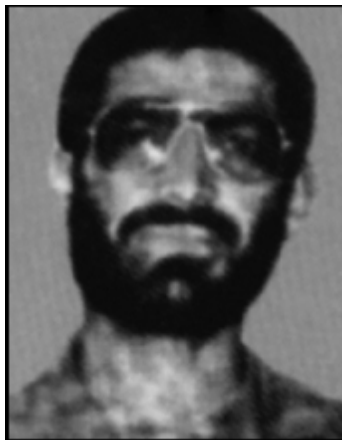
6- در اصل وصیت «عکی».

امیدوارم که شما را در بهشت موعود دوباره زیارت کنم. در ضمن این وصیت‌نامه را در 2 برگ می‌نویسم یک برگ دست خودم و یک برگ آن را داخل جیب بغل کت راه‌راه دامادیم می‌گذارم.

محمدجعفر خدادادیان

1360/7/26

نام: علیرضا
نام خانوادگی: خدای
نام پدر: محمدرضا
نام مادر: عنبرالسلطان
تاریخ تولد: یکم بهمن 1336
محل تولد: شهرستان کردکو
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سیزدهم اسفند 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان گرگان



عبارت‌های کلیدی

- ۱ ما از جانب خدا مأموریت داریم در این برهه با مشکلات موجود مقاومت کنیم.
- ۱ به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین (7) لبیک بگویید.
- ۱ با جان و دل به سخنان رهبر گوش دهید و بدان عمل نمایید.
- ۱ خدایا به جبهه می‌آیم، مرا در این سفر راهنما باش و در معراجی سرخ پیکرم را در خون شناور ساز.
- ۱ زهی خیال باطل که نور حق خاموش شدنی نیست.
- ۱ ای امت حزب‌الله خداوند هر قومی را به یک وسیله آزمایش می‌کند.
- ۱ وسیله آزمایش ما این انقلاب و جنگ و مسائل آن است.
- ۱ نکند که نعوذ بالله، امام عزیزمان را تنها بگذاریم.

علیرضا خدای

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران باید یقین پیدا کنند که تجاوز دشمنان اسلام به خاطر خاک ایران نیست بلکه به خاطر از میان برداشتن انقلاب قرآنی می‌باشد، و دشمن یقین پیدا کرده بود که اگر انقلاب اسلامی در ایران استقرار پیدا کند الگویی برای دیگر مسلمین خواهد شد و منافع آنان را در معرض خطر می‌اندازد و همین هم شد.

ما از جانب خدا مأموریت داریم در این برهه با همه مشکلات موجود مقاومت کنیم تا سربلندی اسلام را بر بام کاخ‌های سرخ¹ و سیاه² برافراشته کنیم. به ندای «هل من ناصر ینصرنی»³ امام حسین (7) لبیک بگوئید.⁴ با جان و دل به سخنان رهبر گوش دهید و بدان عمل نمایید.⁵

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«لا تحسبن الذين قتلوا⁶ في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»⁷.

به نام خداوند بزرگ و مهربان که حمد ثناء مخصوص اوست شهادت می‌دهم که نیست خدایی⁸ و آفریننده‌ای جز خدای یکتا و شهادت می‌دهم که حضرت محمد (6) خاتم انبیاء فرستاده و رسول خداست و حضرت علی (7) امیرالمؤمنین جانشین برحق پیامبر

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «ینصرونی»، ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «بگوئید».

5- در اصل وصیت «نمائید».

6- در اصل وصیت «قتلوا».

7- ال عمران/ 169.

8- در اصل وصیت «خدائی».

است. حمد و سپاس خدایی¹ را سزاست که آفریننده ارض و سماء است. پناهگاه ستمدیدگان و مستضعفان و دشمن ظالمان و مستکبران، خدایی که می‌میراند و حیات می‌دهد. خدایی که پناهندگان درگاهش را ناامید برنمی‌گرداند. خدایی که گناهان مرا می‌بخشد و می‌آمرزد و به خانواده‌ام صبر و ایمان به برادران و خواهرم وفاداری به انقلاب و امام و به همسر و فرزندان عزیز و دل‌بندم مصطفی و مجتبی استقامت و رسالت خونم را می‌دهد و به امت حزب‌الله شور حسینی و تداوم انقلاب اسلامی را می‌دهد.

با سلام و درود بر حضرت مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه شریف یگانه منجی عالم بشریت و دادگستر جهان و با درود و سلام بر امید مستضعفان نایب² برحق امام زمان خمینی بت‌شکن و با درود و سلام بر تمامی شهدای صدر اسلام تاکنون و تمام خانواده‌های معظم شهدا و معلولین و اسرا این شاهدان همیشه تاریخ و با درود و سلام بر تمامی امت حزب‌الله و پدر و مادر مرحومم و همسر و برادران و خواهرم که با ایثارگری‌ها و تقویت روحیه مرا در این امر خطیر و سرنوشت‌ساز یاریم کردند.

خدا اینک که عزم سفر کرده‌ام و می‌آیم تا در جمع خداجویان عاشق، زاهدان شب و شیران روز حضور یابم، گام‌هایم را استواری ببخش و قلب و روحم را با یادت آرام کن. خدایا به جبهه می‌آیم، مرا در این سفر راهنما باش و در معراجی سرخ پیکرم را در خون شناور ساز.

آری ای امت حزب‌الله بار دیگر نور حق در این گوشه جهان در این سرزمین خون و قیام ایران درخشیدن نموده و باعث جنب‌وجوش مردم مستضعف گردیده و زمینه قیام آقا امام زمان (عج) آماده گشته، ولی باطل می‌خواهد که این نور حق [...] از قبیل جنگ، محاصره اقتصادی، فشار و اختلاف و دیگر فتنه‌ها خاموش کند زهی خیال باطل که نور حق خاموش شدنی نیست، که امت حزب‌الله با ایثار و فداکاری و با رهبری قاطع و امام‌گونه رهبر انقلاب، ابراهیم زمان، خمینی بت‌شکن از این امتحان الهی سرفراز بیرون آمده و این انقلاب را به صاحب اصلی‌اش، با عرض ادب تحویل می‌دهند.

1- در اصل وصیت «خدائی».

2- در اصل وصیت «نائب».

3- خوانا نیست.

آری بار دیگر ندای «هل من ناصرأ ی نصرنی» امام حسین (7) از کربلای ایران بلند است که حبیب بن¹ مظاهرها، حنظله‌ها² و علی اکبر³ها و علی اصغر⁴ها را طلب می‌کند. که مرحبا به شما امت حزب‌الله که به این ندا پاسخ مثبت دادید که ای امت حزب‌الله خداوند هر قومی را به یک وسیله آزمایش می‌کند که به قول شهید بهشتی⁵ «بهشت را به بها می‌دهند نه به بهانه»⁶ که وسیله آزمایش ما این انقلاب و جنگ و مسائل آن است، که نکند از این آزمایش الهی سرافراز و موفق بیرون نیاییم⁷ و نکند که نعوذبالله، امام عزیزمان را تنها بگذاریم، که به عذاب الهی دچار شویم. همان‌طوری که خداوند برای اقوام گذشته پیامبران و امامانی جهت راهنمایی⁸ و نجات فرستاد که آنها را تکذیب کرده و اطاعت نکردند که به عذاب الهی دچار و همگی به هلاکت رسیدند که انشاءالله ما از آن قوم نیستیم و نخواهیم بود. انشاءالله

ما در ره عشق نقض پیمان نکنیم چون جان طلبد دریغ از جان نکنیم
دنیا اگر از یزید لبریز شود ما پشت به سالار شهیدان نکنیم

از همه بستگان و خواهران و برادران التماس دعا دارم و حالیت می‌طلبم. خداحافظ همگی شما.

وصیت کننده علیرضا خدای

1365/10/23

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- عبارت شهید بهشتی «بهشت را به بها می‌دهند نه به بهانه» گویا متأثر از این حدیث و سخن رسول اکرم (6) باشد: «حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ، وَ حَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ» (نهج الفصاحه، حدیث 1378، ص 384).

7- در اصل وصیت «نیائیم».

8- در اصل وصیت «راهنمایی».

مرکز اسناد ایثارگران شهادت‌نامه ارشد علمیرضا خدا

ملت شریف ایران باید یقین پیدا کنند که تجاوز دشمنان سلام نجابر
خاک ایران نیست بلکه نجابر از میان برداشتن انقلاب قرآنی می‌باشد و دشمن یقین
پیدا کرده بود که اگر انقلاب اسلامی در ایران استقرار پیدا کند
انگلیزی برای دیگر سیلین خواهد شد و منافع آنان را در معرض خطر می‌اندازد و همین شد

ما از جانب خدا ما مورثیت داریم.

در این بجهت همیشه شکلات موجود و مقادیرت کنیم تا سر طنبدی اسلام

بر بام کاخ های سُرخ و سیاه برافراشته کنیم.

برندای جسل من ناصر نصرونی ایام حسین لبیک بگوئید.

با جان و دل بنحمان رهبر کوشش دهید و بدن عمل نمایید.

چو ز قلم از قلم حنیف ، همراهی استقلالی ، مدار و اشتغاف بودی تشنه ما خاموشی نه زهی خدای
 باطلی نه حق خاموشی شدی نیست که است حزب ادم با ایثار و معاداری و با بر صحن تا طمع و انکار کون
 مرگ از مندا ایثارگران
 رسد انقلاب و ابراهیم زیا خیزی بت شکن از این اتمام این سرافراز بیرون آمده از این انقلاب را به حسب
 ایستادن با موش لب قبول می دهنده .

آری بار صبر ندای ، مل سنا و سورا نصیری ، اما همین لذت کو بلا ای را بفرست که جیب بن ظاهر ما ، خنقلد ما
 و علی کبریا و علی امیرما را طلب کردند ، که در جواب ما آمد حزب الله که به این ندا پاسخ جیب زدیم که ای است
 حزب ادم خاوند مرتوی را یک رسیدی از یاریش که نه ، به توبه شهید بپستی بهشت را به با ما دهنده به ما با نه که
 رسیدی از یاری ما این انقلاب جنگ و صاف ای است که گفته از این آری ای این سرفراز و سوسن بیرون زدیم و گفته که
 خود با الله اما عزیزنا را از ما بگذریم که به عذاب این رسیدیم شوم ها نظیری که خاوند برای اتمام نه است پائین و
 انامی جیب را معافی و بیات فرستاد که آنرا را تقویب کرده و اوست کلوزده که به عذاب این رسیدیم و معنی به دهکست

رسیدند که اشک الله ما از آن تویم نشسته و غمناکیم بوز اشک الله
 مادر ره عشق نقص و میان تکلیف
 چوک جان ایست و در رخ از ما زینیم

دنیا اثر از یزید بهرین شود
 با شیتایه سالار بهرینیم

از همه بستن و فراموشی و برادر انتقام دارم و جلالت می طلبم خدا حافظ می سما

رسید گفته علیه منا خدا اس
 ۱۳۷۳، ۱۰، ۱۴۶۵

نام: محمود
نام خانوادگی: خدای
نام پدر: نصرالله
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: شانزدهم آبان 1344
محل تولد: شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم آبان 1361
محل شهادت: عین خوش
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا افتخار جاویدان برایتان اطاعت از ولایت فقیه است.
- ا هیچ‌گاه امام را تنها نگذارید.
- ا مگذارید جبهه‌ها خالی بماند.
- ا هیچ‌گاه از آمریکای جنایتکار غافل مباشید.
- ا تنها دعایتان این باشد. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.
- ا همواره در جهت اسلام گام بردارید.

محمود خدای

بسم الله الرحمن الرحيم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا¹ الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتظرو ما بدلوا تبديلاً»².

«برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه خدا شهید شدند و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند»³.

با سلام و درود بیکران به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی که برای نابودی ظلم و ستم از میان توده‌های مردم برخاست⁴ و با سلام به امید امت و امام آیت‌الله منتظری⁵ سپاس بیکران، مهربان خدای خالق را که شناخت معرفت خویش به من آموخت سپس عشق به راه خود را در دلم نشانید و شکر نعمت بزرگ رهبر را که خداوند جهت راهنماییم⁶ به صراط مستقیم و حقیقت عطا نمودم.

سلام به همشهریان⁷ شهیدپرورم. سلام گرمی که از میان دود و آتش سلام گرمی که از میان غرش توپ و تانک. سلام گرم از میان قلب‌های پاک و صاف و صادق و جان برکف نهاده جوانان و رزمندگان.

همشهریان عزیزم وصیت من به شما این است که تنها راهی که می‌تواند برایتان افتخار جاویدان به‌جای گذارد اطاعت از ولایت فقیه است از فرمان امام اطاعت کنید و هیچ‌گاه او را تنها مگذارید و به جبهه‌ها بروید و مگذارید جبهه‌ها خالی بماند جبهه‌های به وسعت

1- در اصل وصیت «عاهدوا».

2- احزاب/ 23.

3- در اصل وصیت «نداد».

4- در اصل وصیت «خواست».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «راهنماییم».

7- در اصل وصیت «همشهریان».

تاریخ و به عظمت زمان همیشه و جاوید. همیشه و همه جا نوجوانان مایه امید و قوت دل و پیران مایه شکوه و سرچشمه عزت و افتخار بوده‌اند آری به جبهه‌ها بروید و نگذارید که جبهه خالی بماند و هیچ‌گاه از آمریکای جنایتکار غافل باشید وصیتم به پدر و مادر و برادر و خواهرم اینست که برایم هیچ گریه نکنند زیرا از گریه شما دشمنان ما این روباه صفتان این منافقین¹ جنایتکار را خوشحال می‌کند و دیگر آنکه برادرانم را بگذارند که به جبهه بروند تا راه شهدا را دنبال کنند و همیشه امام را دعا کنند. به امید پیروزی حق علیه باطل خدا یار و یاور ستمدیدگان.

محمود خدای

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله و انا اليه راجعون»²

به نام خداوند آن درهم کوبنده ستمگران. پدرجان و مادر جان این فرزند عزیز و دل‌بند شما قصد دارد به جبهه حق علیه باطل برود اکنون که آمریکای جنایتکار و به گفته امامان³ این تنها امید مستضعفان که از آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ یاد می‌کند و این جنایتکار تاریخ از هر فرصتی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران دریغ نمی‌کند من وظیفه خود دانستم که در جبهه حق علیه باطل شرکت نمایم و وظیفه‌ای را که نسبت به این انقلاب اسلامی دارم ذره‌ای از آن را از گردنم ادا کرده باشم. و تنها سخنی که به ملت ایران به‌خصوص همشهریان عزیزم دارم از آنها این است که تنها دعایشان این باشد که خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار و همچنین از آنها این را می‌خواهم که همواره در جهت اسلام گام بردارند و خواهش من از پدر و مادرم این است که وقتی من شهید شدم برای من گریه نکنند زیرا از گریه شما منافقان خوشحال می‌شوند و می‌گویند این سزای

1- ر.ک. تعلیقات.

2- بقره/156.

3- در اصل وصیت «امامان».

جبهه رفتن است و من از پدر و مادرم می‌خواهم که من 18 روز روزه نگرفته‌ام روزه مرا بگیرند و نمازهای قضای من را بخوانند.

«والسلام»

وصیت‌نامه محمود خدایمی

محمد ظریف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ
 مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا
 برخی از آن مؤمنان بزرگ سردانی هستند که به عهد و پیمانشان که با خدا
 بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه خدا شهید
 شدند و برخی به انتظار صیقل مشاقت مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر نداد
 با سلام و درود بن کران را به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی که برای نابودی ظلم
 و تم از میان نوددهای مردم برخواست و با سلام به امید است و امام است...
 مشتاقان سیاسی بیکران و سهران خدای خالق را که شاکت معرفت خویش
 به سبب معرفت پس مشتاق به راه خود را دردم نشانی و شکر نعمت بزرگ رهبر
 را که خداوند جهت را انما یم به صراط مستقیم و حقیقت عطا نمودم
 سلام به همیشه بان سید پرورم. سلام گرمی که از میان دود و آتش سلام

گریه که از میان منورش نود پنهانک، سد ام کرم از میان قلبهای پاک و صاف
 و صادق و جان رکن نهاده جوانان و رزمندگان و
 همسران به عزیزان وصیت من به شما این است که شما را کسی که می تواند بر این
 افتخار و جادید این بجای گذارد اما مت از ولایت فقیه است از قره ان
 امام امامت علی و هیتاده او را شما مکنه آرید و به حیره ها پروید و مکنه آرید
 چیره ها فانی برانه حیره های به وسعت تاریخ و به عظمت زمان همیشه و
 جاوید همیشه همه جان و جوانان ما به امید و قوت عدل و بران ما به سلوه
 و سر صیره عزت و افتخار بوده اند اگر می به حیره ها پروید و مکنه آرید که
 خالی با نه و هیتاده از اگر یکای جنابیکار و غافل با سید وصیت پروید و ما در و
 برادر و خواهرم اینک که بر این هیچ گریه نکلند زیرا از گریه شما دشمنان ما

ایمہ رو باہ صفتانہ اینہ سنا فقیہہ ہنا بکرا را خوشمالی سنہ ودیتر آنا
برادرانہ را بکرا نیکہ چہ بیرونہ تا رامشہ را را دینال کشر و عیشہ اما
دعا اثرہ امیہ پیروزی حق علیہ بالفل خدا یارو یاور مستور ہیکان

سید خدای

درینا مکتوب هرگز نمی رود - بسم الله الرحمن الرحیم (۱۳۵۷ و ۱۳۵۸) الیوم یومنا
 به ما خدا دهنده خدا در هم تو بنده مستمرا آن به زبان دعا در حق این همه روز منبر میزبان
 شایسته خدا در به همه حق علیه با ظلم و جور و کفر و کجاست کجاست کار و بخت و کس
 این تنه ای به سینه سخنان که از آن کجا به عنوان شیطان بزرگت یا آن که می بین
 جنایت کار تا سرخ از خون تو برای ظهور می زدن به جمهوری اسلامی ایران در رخ
 نگر کنه این وظیفه خود دانستم که در حقیقت حق علیه با کمال شکرست برایم و در نتیجه ای را که
 نسبت به این انقلاب اسلامی دارم ذره ای از آنرا از کمر بردار کرده باشم
 تنها سفتی که به بدست ایران به خصوص حضرت علی بن عزیرم دارم از آن زمان است
 که تنها دعایشان ایام با شکوه خدایه خدایه انقلاب سرور ز محضی را نگهدار
 و همچنین از آن زمان را می خوانم که صد باره در جهت اسلام تمام برادران و خواهران من
 از به رو ما در این است که در حق من شکر می کنم برای من که گریه نداشتن زیرا از گریه

شما با فقدان خود خدای من شوند و من گویم ایام عزای من در حق من است کوسن از
 به رفو دارم خطایش من خوانم که من ۱۸ روز روزه نگرفتم ام روز که مرا بگیرند و از کجا
 تنگ من را بخوانند از اسلام وصیت نامه محمود در خدای



محمود

نام: محمدعلی
نام خانوادگی: خداوردی
نام پدر: شیرعلی
نام مادر: هاله
تاریخ تولد: یکم فروردین 1317
محل تولد: روستای ابر از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: بی سواد
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهاردهم تیر 1363
محل شهادت: بانه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای روستای علی آباد شهرستان
زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ می روم تا ادامه دهنده راه شهیدان باشم.
- ۱ می روم تا از قافله سالار حسین (7) جا نمانم.
- ۱ فریب منافقین از خدا بی خبر را نخورید.
- ۱ ما می رویم تا به دشمن صهیونیستی بفهمانیم که ما از کشته شدن هراسی نداریم.

محمدعلی خداوردی

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بی‌پایان به امام زمان (عج) و نایب برحقش خمینی عزیز و با سلام به همگی شهدای اسلام و امت اسلامی ایران اینجانب محمدعلی خداوردی فرزند شیرعلی که لطف خداوند شامل حال اینجانب شد و راهی جبهه نور علیه ظلمت شدم خواستم چند موضوعی را در رابطه با وصیت خود به اطلاع برسانم.

یک: در مورد کفن و دفن هرچه مخارج گرفت از ثروت خودم برداشت نمایید¹.
 دو: تمام ثروت خودم تعلق² به خودم دارد لذا همسر سلیمه گرگانی را وکیل وصی خود می‌دانم که در هر مورد خواست به مصرف برساند. سه: شخصی حق ندارد به اموال اینجانب نظر داشته باشد جز همسر. چهار: سه دختر به نام زهرا و سمیه و مژگان را فرزندان تنی اینجانب هستند به همسر سپردم و مانند فرزندان خودش به یک دیده نگاه کند. پنج: مبلغ بیست هزار تومان پول نقد دارم که آن هم تعلق دارد به همسر سلیمه گرگانی توضیح که مبلغ 10,000 ده هزار تومان در بانک صادرات می‌باشد و ده هزار تومان هم به حسین کاظمی قرض داده‌ام.

در ضمن فرزندان ناتنی سه پسر به نام‌های نقی قاسمی و عبدالرضا و حسن می‌باشد که اصلاً با فرزندان تنی خودم هیچ فرق نمی‌کنند. از رونوشت وصیت خط یک برگ داخل پرونده محمدعلی خداوردی نزد سپاه می‌باشد.

محمدعلی خداوردی

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- در اصل وصیت «متعلق».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم رب الشهداء

به نام او که خدای شهیدان است

با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و با سلام و درود بر سالار شهیدان حسین بن علی (7) سلام به شهیدان گلگون کفن ایران و با سلام و درود به معلولین و مجروحین جنگ تحمیلی و با سلام به خانواده‌های شهدا.

با سلام و درود بر آنانکه در وجه به وجه جبهه‌ای به طول بیش از هزار کیلومتر برای پاسداری از انقلاب اسلامی و دفاع از خاک میهن خون پاکشان بر تخته سنگ‌های غرب و در بیابان‌های گرم جنوب ریخته شد.

و در حالی که صدها امید و آرزو بر دل داشته‌اند و به عشق الله و به عشق انجام وظیفه و به عشق اطاعت از امام دیده‌نازنین خویش را فرو بستند و با سلام بر شهیدان که پیکر پاکشان هرگز به سوی زادگاهشان حمل نشد و بر دوش یاران و نزدیکانشان قرار نگرفت.

اینک که چندین سال است که از جنگ تحمیلی با دشمن صهیونیستی می‌گذرد می‌روم تا به ندای امام امت لبیک گفته و ادامه دهنده راه شهیدان باشم می‌رویم تا از قافله سالار حسین (7) جا نمانم¹ و به دشمن صهیونیستی بفهمانیم که ما از کشته شدن هراسی نداریم حال که می‌روم خواه با پیروزی خواه با بدنی معلول و خواه با بدنی به خون آغشته برگردم هر سه برای من مقدس است و از هیچ کدام هراسی ندارم فریب این منافقین² از خدا بی‌خبر را نخورید که می‌خواهند بین شما و اسلام جدایی³ ایجاد کنند. پس ای مردم شهیدپرور، متحد شوید⁴ و این منافقین و دیگر ابر قدرت‌ها را از بین ببرید خانم عزیزم مبدا از شهید شدن من ناراحت شوید زیرا ما جانمان را در راه خدا و دفاع از اسلام و خاک میهن اسلامی و دفاع از خون شهیدان فدا نموده‌ایم پس جای هیچ ناراحتی نیست از تمام

1- در اصل وصیت «نمام».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «جدائی».

4- در اصل وصیت «شود».

فامیل‌ها و اهل محل می‌خواهم که اگر بدی از من دیده‌اند مرا ببخشند زیرا انسان جایزالخطاست و من هم می‌دانم که کم و بیش خطا کرده‌ام.

همسر عزیزم اگر من شهید شدم فرزندان مرا به خوبی نگهداری کنی و به آنها [را] بگویند ادامه دهنده راه پدرشان باشند. پسر بزرگم تقی جان رضا جان حسن جان مژگان عزیزم، زهرا جان و مادر گرامی‌ام¹ و همسر عزیزم همه شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

محمدعلی خداوردی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع و مکتب نامه محمد علی خداوردی
محل نگارش در روز دین یاری به امام زمان و نهایت بر بعضی مکتب خیز

و با اعلام به هگی شهران اسلام و است اسطاس ایران این جانب محمد علی
خداوردی فرزندان شیر علی بد لطف خداوند شامل حال این جانب شود
راهی جبهه نور علیه ظلمت شوم خدامتم خیر معنوی در رابطه با مسو
خود به اطلاع برسانم یک در مورد کفن و دفن هر چه محتاج گرفت از
نزدت خودم برداشت نمایند و تمام ثروت خودم ضلعی به خدمت داد
نذا همسر سلیمه کرگن را اولی و صبی خود می دانم که در هر مورد خواست
به صورت برساند به هیچ شخص حق ندارد به اموال این جانب نظر داشته
باشد جز همسر چهار دفعه دختر با تمام زهر او ظاهره ^{سپه و سرنگان} فرزندان
تنها این جانب هستم و همسر سپردم و مانند فرزندان خودش به سبک



مریدان ^{مقدس} کتبه پنج مبلغ بیست هزار تومان پول نقد دارم که آن
 تعلق دارد به همسر سلیمان کرگازم که مبلغ ^{توضیح} ده هزار تومان در بانک ^{مادریات} باقی مانده
 هزار تومان هم به حسینقا کافلی فرزند دادگام در ضمن فرزند زان نائین سپهر
 به نامهای نسی ناسمی و عبدالرضا و حسن من باشد که اولاً با فرزند زان نسی فرود
 هیچ فرز من کتبه و در نوشت وصیت خدا یکتیمیرک داخل پیونده
 همی خودم خودم را نزد سیاه من باشد محمد کریم او



خبر بد سالی است که از عیند تمیز با دشمن صبر و بیستی خود می روم باه فدای
مرا سلام تا تمام کسب گشته و ادامه دهند و سلام بر سریدان با منم به روم تا از خانه به آثار

عین (ع) جانام و دشمن صبر و بیستی نصیبا ندم که ما از گشته شد هر آنی غار دهان
که می روم خواه با پیروزی خواه با بدی مه تون و خواه با بدی بغیر از خانه برگردم هر سه برای من و تو
است تا از هیچ کلام هر آنی تا ارم فریب این منافقین از خدا بی غیر را خنجر زده می خواهند
نیما با سلام بجای ایچا گفته بین ای مردم بشوید بهر مرتبه که در این منافقین و دیگر ابر و قبا
لا از دست پیرو خاتم مزیزم ما با از شهید شدن من تا ارامت شوید زیرا ما با خان را در راه فدای

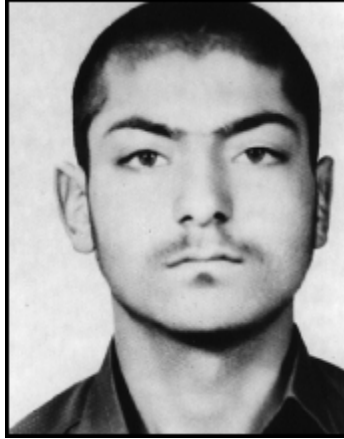
دفاع از اسلام و خاک میهن اسلامی و دفاع از حقوق شهروندان خدا ایوب ما هم پس جانم به فدای
نیست از تمام ظالمها و تمام اهل مصلحت و مصلحت که اگر دعای من دیده اند مرا ببخشند و بر انسان

باین نظامت و محرم دانم که کم و بیش خطا کرده ام
حسرت مزیزم اگر من شهید شوم فرزندان مرا به فریب ظالمها و اهل مصلحت و مصلحت دیده اند مرا ببخشند
با شکر و سپاس از حق تعالی رضایان خونهای من را مزیزم و رضایان و مادر مرا هم و همه مزیزم

مه شکر بخندند برگردم با سلام به پیروزی و سلام بر اختر جهانی

وصیت نامه
محمد علی خدیو

نام: نوروزعلی
نام خانوادگی: خداوردی
نام پدر: سلیمان
نام مادر: ام البنین
تاریخ تولد: یکم تیر 1347
محل تولد: روستای ابر از توابع شهرستان شاهرود
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: پانزدهم شهریور 1367
محل شهادت: زاهدان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا شهادت افتخاری است که نصیب هرکس نمی شود.
- ا برای باز شدن راه کربلا شهید می شوم.
- ا شهادت نهایت آرزوی من است.
- ا برادر و خواهرم هیچ وقت و به هیچ عنوان فریب اشخاص روبه صفت را نخورید.
- ا با آگاهی کامل جلو شایعات را بگیرید.
- ا بشتابید به جبهه های نور علیه ظلمت.
- ا هرچه می توانید همکاری و وحدت داشته باشید که منافقین سوءاستفاده نکنند.

نوروزعلی خداوردی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشاینده مهربان

این وصیت‌نامه را با سلام فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی شروع می‌کنم. به دلیل اینکه او بود که چگونه زیستن و باز چگونه مردن را به من و دیگران آموخت.

سلام بر پدر و مادر مهربانم و سلام بر برادر و خواهرانم. ای والدین من، هیچ‌گاه من دلم نمی‌خواهد شما برای من گریه کنید چون روح من آزرده می‌شود و روح منافقین¹ و دشمنان ما شاد می‌گردد. قبل از هر چیز کلمه‌ای با پدرم صحبت می‌کنم. پدرجان می‌دانم که از دست دادن فرزند خیلی سخت است، اما خودت می‌دانی که من شهید شده‌ام و شهیدان همیشه زنده‌اند و می‌دانم تو پدر مهربان و دلیر ما در مقابل دشمنان، مبارز حاضر هستی که تمام خانواده خود را در راه اسلام یعنی خدا بدهی و خوشا به حال تو پدر که اجر ثواب تو بیشتر از یک شهید است. من اولین فرزند تو هستم که تو مرا در راه خدا همچون ابراهیم که اسماعیل را قربانی کرد، داده‌ای و تو پدر امتحانت را در پیشگاه خداوند متعال داده و انشاءالله که قبول است. پدرجان دلم می‌خواهد که دست‌هایت را به طرف خداوند بلند کنی و بگویی²: خدایا این فرزندان من را یکی یکی پس از دیگری قبول کن و اینها را گاه با شهیدان صدر اسلام محشور گردان.

مادرم می‌دانم که داغ فرزند به خصوص که این داغ اولین پسر است که شهید می‌شود و خیلی سخت است من حتم دارم که مادر من زنی شجاع است همچون مادرشان فاطمه زهرا (3) که فرزندان خود را در راه اسلام یکی پس از دیگری می‌دهد و خود هم در مقابل دشمن ایستادگی می‌کند و جاودانه می‌شود. به خدا پناه می‌بریم و هرچه که می‌خواهد همان است زنده ماندن و مردن و شهید شدن هر کدام یک حکمتی است که حساب و کتابش در دست خداوند است و بس.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «بگوئی».

مادر جان خود تو از من بهتر می‌دانی که شهادت افتخاری است که نصیب هر کس نمی‌شود و امیدوارم مادر جان برای من گریه نکنی و فقط برای رزمندگان اسلام دعا کنی و شیر خود را حلالم کنی. خداحافظ مادر.

برادران و خواهرانم شما که اسوه¹ من هستید دلم می‌خواهد با شهادت من درسی را از مکتب اسلام آموخته باشید و آنقدر در آن پیش بروید تا مرز شهادت و با دشمنان ستیز کنید. و پیرو حسین (7) باشید تا به یاران حسین (7) پیوندید همچون من که چنین افتخاری نصیبم شده است گرچه همه شما می‌دانستید و فقط من باب تذکر می‌باشد.

برادر و خواهرانم برای باز شدن راه کربلا شهید می‌شوم تا شما بتوانید قبر 6 گوشه آقا امام حسین (7) را زیارت کنید و هر وقت شما به زیارت امام حسین (7) رفتید بگویید² که ما را جزء یاران خود قبول کند تا شاید با دعاهای شما عزیزان، خداوند از بار گناهان ما بکاهد و ما را جاودانه سازد.

من به دنبال شهید علی‌رضا و علی‌اصغر و مفقودالجسدها می‌روم و برای سپردن من به خاک [پیکر مرا] در کنار شهید علیرضا و علی‌اصغر دفن نمایید³. از خدا مسئلت می‌جویم که در راه او به خوبی بجنگم و کشته شوم و بتوانم در حین جان دادن جمله علی (7) که فرمود «فزت و رب‌الکعبه» را بر زبان جاری کنم که شهادت بزرگ‌ترین آرزوی من است. والدین عزیز امیدوارم که [اگر] در طول عمر نافرمانی کرده‌ام مرا عفو کنید و از خداوند نیز بخواهید که مرا مورد عفو و بخشش قرار دهد چون گفته‌اند که دعای پدر و مادر در حق فرزند اجابت می‌شود. اگر شهید شدم این شهادت را به شما تبریک می‌گویم چون شهادت نهایت آرزوی من است.

برادر و خواهرم هیچ‌وقت و به هیچ عنوان فریب اشخاص روبه‌صفت را نخورید و در مقابل این خودفروختگان داخلی با تمام قدرت بایستید و توطئه‌هایشان را در نطفه خفه

1- در اصل وصیت «استوره».

2- در اصل وصیت «بگوئید».

3- در اصل وصیت «نمایید».

کنید. جلوی شایعات را با آگاهی [کامل] بگیرید و وحدت خود را از دست ندهید و به سخنان امام امت رهبر کبیر انقلاب گوش فرا دهید.

و در آخر چند نکته با مردم در میان می‌گذارم. ای مردم روستای ابر هرچه می‌توانید همکاری و وحدت داشته باشید که منافقین سوءاستفاده نکنند و پایگاه را محکم‌تر [...] ¹ بگیرید تا افراد خودفروخته نتوانند دست و پا کنند و بشتابید به جبهه‌های نور علیه ظلمت و مجلس من را گرم‌تر بگیرید و افراد دورو و افرادی که پیرو خط امام و انبیاء نیستند نباید زیر جنازه من بیایند.

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایمی وطنم ²

نوروزعلی خداوردی

1- خوانا نیست.

2- شعر از غزلیات شمس اثر مولوی است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مکتب اسناد و کتابخانه ملی

این وصیت نامه را با سلام فرادادم و همه تفسیر اشکاب اسلامی -
ناما یعنی شرحی است . به دلیل اینکه او بود که چگونه زیستن
و چگونه مردن را به من و دیگران آموخت .

سلام بر پدر مادر هر یک از شما و سلام بر پدر و خواهران
ای والدین من هیچ کس از من دلم نمی خواهد جدا ای من گریه کنی
چون روح من آزرده می شود . و روح منافقین در دشتها
سازدی کردد بی از هر چیز که ای : مردم هستی من - پدر جان من دانم
که از دست دادن فرزند یعنی کشت است اما خوردتی دانی که من
تعمیر شده ام و تعمیران هم روزی از روی دانه تو میروم
و دلیران در مقابل دشمنان مبارز و حاضر هستی که تمام



فرزندان خود را در راه اسلام یعنی خدا بر روی خوشای جان تو
 بذر که اجر تو ای نوبیتر از لب شکر است . من اولاد فرزندان تو
 هستم که تو سر در راه خدا همشون ابراهیم که اسماعیل را قربانی کرد
 داده ای و تو پیرانانیت را در پی ماه خدایه متعال داده اید و اید
 که قبول است . پدرها دلم می خواهم که در نهایت راه طریقت
 خدایه بستاند و بگوئی خدا ما این فرزندان من را پی من از
 دلبری قبول کن و ایضا اللهم صل علی محمد و آل محمد
 ساد می دانم که داغ فرزندان غمزه ای که این داغ اولاد من میراست
 که نمیدی شود و جانی است است من حتم دارم که مادر من زنی
 متابع است و میوه نامت نامم زحمه ای که فرزندان خود را در
 راه اسلام پی من از دلبری دهد و خود هم در مقابل دشمن ایستاد



3

و با خداوندی بود. به خدا بیا ه هی بزم و هر چه که می خواهد ها است
زنده سازن و مردن و همدرد هر دو ام بیا حکمتن است که صاحب و
کتابی در دست خداوند است و این.

مادر جان خود قواز من بهترین دانی که شهادت استخاری است که نصیب هر
کس فی ثرزد و امید دارم مادر جان دای من که بقی و فقط برای زنده
اسلام دعالق و نعو خود را اعلام کنی. خدا حافظ مادر

وادر راه خواهر اشقما که استوره من هستی دلم می خواهم با شهادت من درسی
طازتت اسلام که بر خسته با سید و انقدر در آن بین بروید اما سر شهادت
و داد نعمان سیر سید ربیع و حین رع، با سید کا به بار احسن رع، بیرون
همین دچین انتقاری نصیب شده است در همه گمانی دانستید و فقط
من باب بزرگ بیاد



⑤

مَراد دهر جو هست از کج دعای پروردگار در حق فرزند اجلت
و تو هم آرزویید مردم این نهادت را بهما تبرکات تو ایام مهر نهادت بخند
آرزوی من است

باز در خواهرم جمع دست و پا جمع عنوان فریب انجمن رو به صفت را به کمال مکتوب خور
در مقابل این خود فروختگان داخلی با تمام قدرت بایستید و توطئه ها
کرد نظم فتنه را بشناسید . کسی خبری سنجید را با آ آ ماهی ل کسید
در حدت خود را از دست ندهید و به شما امام است رهبر تبیین است که گوش
ترا دهید

به آخر ضیعت بایستد در سینه تو ای مردم روستای ای هر چه می توانید
هزارای در حدت دانستم با سید که من این سو و استاده نلند و یا با ه را گفت
ای بزرگواران از خود فروخته فتوانند دست با کتد و بتابید



(4)

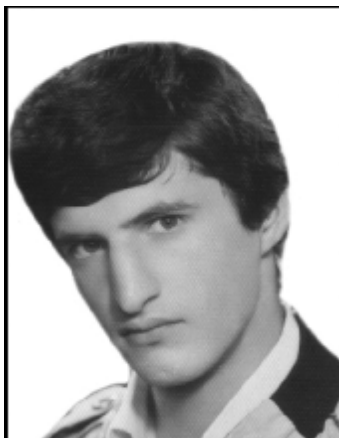
مکتوبات و اسناد شهدا و ایثارگران
مکتوبات و اسناد شهدا و ایثارگران

دور و ازادی که پیر و خط امام داد انبیا نیستند بنا بر زوی مجازة

من بلیا میز .

از بی آسوده ام آسوده می بود به کسی می روم آفرینای وطنم .

نام: حسنعلی
نام خانوادگی: خدایان
نام پدر: رحمت الله
نام مادر: مولود
تاریخ تولد: بیست و پنجم شهریور 1340
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم بهمن 1361
محل شهادت: فکه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای بهشت زهرا تهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ توطئه‌های داخلی و خارجی، کودتاها، ترورها و اغتشاشات منافقین هیچ تأثیری در ثبات جمهوری اسلامی نگذاشت.
- ۱ مردم در برابر توطئه‌ها و دسیسه‌های طاغوت ایستادگی کردند و می‌کنند.
- ۱ امام خمینی به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین لبیک گفت و عالم را از خواب غفلت بیدار کرد.
- ۱ خدایا اگر لیاقت شهادت را در این بنده می‌دانی روزی اش کن.
- ۱ برای رزمندگان اسلام دعا کنید.

حسنعلی خدایان

بسم الله الرحمن الرحيم

و بسم الله رب الشهداء و الصديقين

«ان الله اشترى من المؤمنين و انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيله الله فيقتلون و يقتلون وعدا عليه حقا»¹.

به نام خداوند بخشاینده مهربان و به نام پروردگار شهیدان و راست‌گویان «به‌درستی که خدا جان و مال مؤمنین را به بهای بهشت خریداری کرد آنهایی که در راه خدا جهاد می‌کنند و دشمنان دین را به قتل می‌رسانند و یا خود شهید می‌شوند این وعده قطعی است خدا را و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده است». با سلام و درود بیکران بر امام امت خمینی کبیر رهبر مستضعفان و با درود به ارواح پاک شهدای اسلام از صدر تا کربلای ایران و با امید پیروزی و نصرت قطعی رزمندگان اسلام. اینجانب حسنعلی خدائیان فرزند رحمت‌الله به شماره شناسنامه 592 صادره از سمنان متولد سال 1340 ساکن تهران: مهرآباد جنوبی 20 متری شمال پادگان جنب کلانتری 16 پلاک 84 وصیت‌نامه خود را بدین شرح آغاز می‌کنم.

اسرائیل باید از بین برود.² (امام خمینی)

در پاسخ به ندای (هل من ناصر ینصرنی)³ امام حسین (7) فرزند رشید و برحقش بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و امید مستضعفین جهان و نور چشم خداپرستان عالم خمینی کبیر به پا خاست و لیبکی گفت که عالم را از خواب غفلت بیدار و دگرگون ساخت و همان‌طوری که از امام صادق (7) روایت است که «مردی عمامه مشکی از قم به پا خواهد خاست»⁴ و علیه ظلم و بیداد قیام خواهد کرد و اطرافیان وی همچون ذره‌های فولاد

1- توبه/ 111.

2- عبارت بخشی از سخنان امام خمینی است «یکی از مسائل مهم ما این بود که اسرائیل باید از بین برود». صحیفه امام، جلد 15، ص 130-131.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «خواست».

به هم چسبیده و صف زده‌اند» (ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص)¹.

جوانان ما و امت دلاور اسلام از محمدحسین فهمیده² 12 ساله که «نارنجک به کمر خود بسته و خود را به زیر تانک دشمن می‌اندازد»³ تا حبیب بن مظاهر⁴ آن پیر دلاور با جانبازی و رشادت در راه خدا این آیه را نوید می‌دهند.

«و نريد ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»⁵.
«کدام ارتش و کدام کشور از چه نیرویی خیال مقابله با این ملت و دین و ایمانش را دارد زهی خیال باطل».

آمریکا با آن عظمت پوشالی و مادی «هیچ غلطی نتوانست بکند»⁶. ارتش مزدور و کاملاً مجهز و وابسته به شرق و غرب عراق که فتح سه روزه تهران را در سر می‌پروراند از خواب غفلت بیدار شد، تمام توطئه‌های داخلی و خارجی، کودتاها، ترورها، انفجارها، و اغتشاشات منافقین⁷ هیچ تأثیری در ثبات جمهوری اسلامی نگذاشت بلکه با پایداری و ثبوت آن [و] تحکیم وحدت را بیشتر کرد.

بکشید ما را ملت ما بیدارتر می‌شود

آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.⁸ (امام خمینی)

1- صف / 4.

2- امام خمینی درباره شهید محمدحسین فهمیده این عبارت را دارد: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صد تا زبان و قلم ما بزرگ‌تر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید». تبیان، دفتر 25، «دفاع مقدس در اندیشه امام»، ص 2-181.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات. (محمدحسین فهمیده).

5- قصص / 5.

6- بخشی از سخنان حضرت امام خمینی است، تبیان، دفتر سی‌ویکم، «استکبار جهانی و شیطان بزرگ»، ص 190.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- صحیفه امام، ج 7، ص 183.

چرا، به‌خاطر اینکه دست خدا بالای سر این امت و رزمندگان و امامش بود و به‌خاطر اینکه قاطعیت رهبری وحدت کلمه است همچون سدی پولادین در مقابل تمام توطئه‌ها و دسیسه‌های طاغوت ایستادگی¹ کرد و می‌کند.

خدایا همان‌طوری که خودت در سوره توبه آیه 111² وعده داده‌ای که خدا جان و مال مؤمنین را به بهای بهشت خریداری خواهد کرد شاید که خداوند رحمان و رحیم از گناهان این بنده رو سیئه درگذرد و از اعمال بدی که تا به حال روا داشته‌ام بگذرد و همچون سگی رو سیئه به درگاه خود خواند [و] نظر لطف و عنایتی به این گناهکار شرمسار بکند تا دلی که از راه گناه بازگشته و به درگاهش روی آورده شاد شود و امیدی تازه در روح و روانش بدمد او را استجابت کن.

خدایا هرکه نداند خودم و تو می‌دانیم که چه‌ها کرده‌ام و چه کارها که باید می‌کرده‌ام، نکرده‌ام. خودت بارها فرموده‌ای که من رحمن و رحیم هستم و با غسل توبه به درگاه من باز آید اکنون اگر لیاقت شهادت را در این بنده گناهکار می‌بینی روزی‌اش ده (اللهم رزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک).

به امید اینکه از گناهانم چشم‌پوشی و اعمال بدم را به کرم و بزرگواریت و به رحمانیتت گذشت کنی و به امید سلامتی کلیه رهروانت³ به جنگ با اسرائیل غاصب و ارتش بعث عراق⁴ ویرانگر و دشمن درجه یک اسلام و قرآن و خدا می‌روم که شاید یک قطره‌ای از ثوابم در مقابل دریایی⁵ از گناهانم باشد (انا لله و انا الیه راجعون)⁶.

اگر خدای متعال توفیق شهادت در راهش را نصیبم کرد، تو ای مادر و پدر عزیز و گرامی و ای کسانی که در مجلس من شرکت می‌کنید شما را به خدا قسم می‌دهم که اشک

1- در اصل وصیت «ایستاده‌گی».

2- در اصل وصیت «آیه 110».

3- در اصل وصیت «رحروانت».

4- ر.ک. تعلیقات. ذیل «حزب بعث عراق».

5- در اصل وصیت «دریائی».

6- بقره/ 156.

حسرت برایم نریزید، بلکه خوشحال از اینکه جوانی گمراه خدایش را یافته و به سوی او
پر می‌کشد، برایم مراسم ساده‌ای در کمال اسلامیت و حفظ خط امام برقرار کنید.
خداحافظ شما باشد
برای رزمندگان اسلام دعا کنید

خداییان 61/3/25¹

خداییان 61/10/6

1- ذیل وصیت‌نامه شهید دو تاریخ قید شده است. احتمالاً همین وصیت را در تاریخ 61/10/6 یعنی حدود 7 ماه بعد بازخوانی و با قید تاریخ دوم تأیید کرده است..

چو آنکه ما و امست و زاده بر سر ایام و نوز عمر و عمر بن محمد ^ع ایستاده فاسر کجاست بو کسر خود
بیشتر و هلوه و او به نوز بر عادت است و این من اولی و استا حبیب من مظهر است و نوز دلاوری جانان
وز شاه است و در راه خط این آیه را نوز در من دهنده

(و نوز در ایام نوز علی الذین استقمون الماربعین و علیهم السلام و بیستم الماربعین)
کودام ارشش و کلام کسور و زجه نوز بر خیالی شایسته جانان است و درین در ایامش در دره
بمن خدای جانان

بکسر خط با استی عظمت پر شالی و ملای و جهم غلطی نوز استا کدنه ارشش و نوز در جملای
و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
بیدار کسور استام نوز کدنه در راه جانانی و خاری کدنه دناها است و نوز استا به مشرق و مغرب است
جانانین جهم تا شیری نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
و حکیم و محبت و نوز کدنه نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است (و نوز استا به مشرق و مغرب است)

چو آنکه خط کدنه دست خط بالار بر این استا و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
شایسته نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است

نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است
نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است

نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است و نوز استا به مشرق و مغرب است

خداوند را در سجده های و دعای من در رحمت و باطن تو پویا و صدام من با تو که تیر خط
تو که در روز قیامت شهادت و طاعت شکر گناه کار من و این روز من خدا (اللهم رزقنا
توفیق العفو و مغفرت)

پس بعد از این روز که من چشم پریشانی و احوال بد من را به کرم و بزرگواریت و مهربانیت
تو شکر کن و امید دارم که کفایت هر روزی با جنت با انوار لیل طاعت تو و تو را شکر و شکر
بوجود آید و سلام و توفیق از بر خدایم در تمام این روزها در تمام این روزها
باشد خداوند با تو (انا لله و بهما المصداق عمری)

بگو هر گاه من در روز شهادت در راه حق و با نصیبم کردم تو می آید و بدید و بخوانی و مرا می
بوی که من در روز شهادت من شکر است که کفایت هر روزی با جنت با انوار لیل طاعت تو و تو را شکر و شکر
بوجود آید و سلام و توفیق از بر خدایم در تمام این روزها در تمام این روزها
باشد خداوند با تو (انا لله و بهما المصداق عمری)

خداوند را شکر باشد

تاریخ: ۱۳۵۷

محل: ...



...
...

تعلیقات

- **ابوذر:** ابوذر غفاری از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را بزدند و او کوچک‌ترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی‌داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربنده. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول‌الله نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزهت چون عیسی بن مریم است علیه السلام. عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد.
- **اسلام فقهاتی:** تعبیر اسلام فقهاتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به‌خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی - اقتصادی و... به نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه دراز مدت از مبانی اصلی دوری شدند و به نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقهاتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقهاتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقهاتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام تمام حرف‌ها و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی در برابر اسلام امریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید (صحیفه امام، دوره 22 جلدی).
- **اشرفی اصفهانی، عطاءالله:** آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی نماینده امام (ره) در کرمانشاه و امام جمعه این شهر (پنجمین شهید محراب) به دست عوامل گروهک منافقین به شهادت رسید. ایشان در مبارزات مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی تظاهرات مردم کرمانشاه را رهبری می‌کرد و بارها به دست ساواک دستگیر و زندانی شدند.
- **ام وهب:** همسر عبدالله بن حباب کلبی یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمر سعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند، پس

از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکنند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج 17، ص 17).

• **ام‌البین:** همسر علی بن ابی طالب است. دختر عامریه از خاندان آل وعید که در روز عاشورا چهار فرزند ایشان به نامهای (عبدالله، جعفر، عثمان و عباس) یکی پس از دیگری در رکاب امام حسین (7) شجاعانه جنگیدند تا شهید شدند.

• **ان کان دین محمد:** تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی با سوف و خذینی» را به صراحت به حضرت امام حسین (7) بدانند. در موسوعه کلمات الامام الحسین (7) و در کتاب دایرةالمعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (1305-1335ق) فرزند حاج محمد حونری حائری آل ابی‌الحب. از اعظام خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شعری به نام الحائریات است قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین (7) دارد که چنین است:

اعطیت ربی موثقاً لا یتهدی الا بقتلی فاصعدی و ذریتی
ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یاسیوف خذینی

• **انجمن حجتیه:** تشکیلاتی که هدف اصلی آن، دفاع از اسلام در مقابل بهائیت و تلاش برای «فراهم کردن زمینه ظهور امام عصر» است. این انجمن ر سال 1332 به رهبری یک روحانی شیعه به نام شیخ محمود حلبی تأسیس شد. حلبی این گروه را در سال 1362 تعطیل کرد. اعتقادات انجمن حجتیه خوانشی از عقاید شیعه امامیه با مکتب فقهی غیرسیاسی و جنبه موعودگرایانه قوی است. انجمن حجتیه به شدت مخالف تشکیل حکومت اسلامی و دخالت عالمان دینی در سیاست بود. آنها با تسمک به روایت «رایت» (پرچم)؛ «هر پرچمی که قبل از قیام قائم برپا داشته شود، صاحبش طاغوت است، غیر از خدای عزوجل پرستیده می‌شود». این سازمان در دوران غیبت امام عصر، قایل به تقیه بوده، معتقد بودند که «مبارزه» نابخردانه و ماجراجویانه، هدر دادن نیروهاست. آنان در عصر غیبت یکی از مسئولیت‌ها و وظایف یک انسان مسلمان را «انتظار» می‌دانند. امام خمینی در منشور روحانیت آنها را چنین معرفی کرده است: «... دیروز حجتیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند! ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند!».

• **انسان‌سازی:** تعبیر «انسان‌سازی» را حضرت امام خمینی برای قرآن و اسلام بارها و به مناسبت‌های گوناگون به کار برده است از آن جمله‌اند: «اسلام مکتب انسانی‌سازی است» (صحیفه امام، ج 3، ص 237). اسلام یک مکتبی است که برای انسان‌سازی آمده. (صحیفه امام، ج 4، ص 8) قرآن کتاب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ج 5، ص 326). ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند. از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. (صحیفه امام، ج 6، ص 278) رزمندگان تحت تأثیر سخنان امام این تعابیر را قلمی کرده‌اند که «جبهه‌ها کارخانه انسان‌سازی است».

- **باهنر، محمدجواد:** (1312-1360ش) در سال 1312 در کرمان متولد شد و در سال 1342 در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشته الهیات نیز حائز درجه دکترا شود. شهید باهنر در سال 1327 به علت سخنرانی علیه رژیم اسرائیل دستگیر شد و از سال 1341 فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید باهنر به شهادت رسید.
- **بیت المقدس:** «قدس» نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم (6) از آنجا آغاز شده است و به‌عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال 445 قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.
- **حبیب بن مظاهر:** از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی (7) بود و در جنگ جمل و صفین و نهروان کنار امام علی (7) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین (7) نامه نوشت و هنگامی که مسلم بن عقیل، نماینده امام به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم بن عوسجه در کوفه برای امام حسین (7) بیعت می‌گرفت و در واقعه عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید.
- **حربن یزید ریاحی:** سردار طلیعه سپاه عبیدالله بن زیاد بود. روز عاشورا به ناگهان به سپاه ابوعبدالله حسین بن علی (7) پیوست در رکاب او به یوم الطف شهادت یافت او را اول قتیل روز عاشورا به کربلا می‌دانند بعدها حُر به عنوان نماد آزادگی مشهور شد. یقیناً وجود فطرت پاک حُر در تغییر موضع او و خروج از صف باطل و پیوستن به صف حق بسیار مهم بوده است. «دهخدا».
- **حزب بعث عراق:** (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال 1347 (1968م) که منجر به حکومت درازمدت حزب بعث شد بر سر قدرت آمد. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجسته حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل دست آمریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرتها به قصد تجربه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو کشور جای پای آمریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد. و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام سیلی خورد که هرگز از جایش برنخاست. این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است از هر دو جریان شاخص شرق و غرب. «مصحح».
- **حزب توده:** این حزب در مهرماه 1320 تأسیس شد. در ابتدا به جهتی که چندین نفر از افسران ارتش شاه به عضویت این حزب درآمده بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند و به مجازات‌های حتی اعدام رسیدند. در طول حیات دچار انشعاب‌هایی شد. از قوی‌ترین تشکیلات سیاسی ایران بود که متکی

بر خط و مشی سیاسی - سوسیالیستی بود. شدیداً وابسته به مشی سیاسی حزب کمونیست شوروی بودند و به تصورشان رسیدن به جامعه‌ای مانند شوروی سوسیالیستی تنها راه نجات ایران بود. با وجودی که به ظاهر خودشان را با نظام جمهوری اسلامی همراه می‌دانستند، اما هرگز نمی‌توانستند به لحاظ مشی سیاسی - عقیدتی با حکومتی که متکی بر اسلام و توحید بود همراه باشند. برخی از سران تئوریسین این حزب به جهت مخالفت با نظام اسلامی دستگیر و پس از تبیین جایگاه نظام، نسبت به عملکرد خود احساس شرمساری و حتی ندامت کردند، تا آنجا که احسان طبری به‌عنوان مغز متفکر تئوریسین شاخص این حزب از راه‌های رفته این حزب در طول تاریخ ایران به «کج‌راهه» یاد کرد. به‌علت موضع‌گیری‌های مخالف اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شده است.

• **حزب جمهوری اسلامی:** مهمترین تشکل مسلمانان انقلابی با محوریت روحانیت محسوب می‌گردد و در 29 اسفند سال 1357 اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گزاران آن روحانیونی چون آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی و دکتر محمدجواد باهنر بودند. علاوه بر هیأت مؤسس، آقایان حسن آیت، اسداله بادامچیان، عبدالله جاسبی، میرحسین موسوی، مهدی کروبی، حبیب‌اله عسگر اولادی، سیدمحمود کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی بودند. با انفجار دفتر حزب، در 7 تیر 1360 تعدادی از اعضای اصلی آن شهید شدند. پس از آن فاجعه در 8 شهریور هم دکتر باهنر شهید شد. از آن زمان بود که عملاً حزب تعطیل شد. دبیرکل کنونی حزب پس از شهید بهشتی و شهید باهنر حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است. این حزب در دوران کوتاه حیات و فعالیت خود در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب نقش شایان توجهی را ایفا می‌کرد و در مراکز استان‌ها دارای دفتر نمایندگی بود. تشکل‌های سیاسی چپ و ملی‌گرا حزب جمهوری اسلامی را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب سیاسی خود تا قبل از تعطیلی آن محسوب می‌کردند.

• **حسینی بهشتی، سیدمحمد:** (1307-1357ش) در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشته الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکتری ادامه دهد، شهید دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

• **حسینی جماران:** این حسینیه توسط سید ابراهیم جمارانی در دهکده‌ای به نام جماران وقف شده است. در سال 1355 توسط اهالی دهکده بازسازی شد. تولیت این حسینیه با حجة‌الاسلام امام جمارانی بود. از سال 1358 در اختیار حضرت امام خمینی قرار گرفت. این حسینیه محل دیدارها، ملاقات‌ها، سخنرانی‌ها و مراسمی بود که مردم با امام داشتند. پس از استقرار امام در این حسینیه بود که وجهه و شهرت جهانی یافت، حتی برخی از شعرا به تناسب سکونت امام از امام به «پیر جماران» یاد می‌کردند.

- **حضرت علی اصغر:** فرزند شیرخوار امام حسین (7) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی تاب شده بود. امام حسین (7) وقتی تمام یاران را از دست داد خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حمله تیری به سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی اصغر (7) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی اصغر را باب الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می نامند. «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی»
- **حضرت علی اکبر:** فرزند ابی عبدالله الحسین (7) بود و در سال 43 قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش چهره، زیبا و خوش زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم (6) بود. علی اکبر (7) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین (7) فعالانه به مبارزه می پرداخت. وی نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمر بن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مره بن مقلد عبیدی بر فرق مبارکش ضربه ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی 19 سال و برخی 25 سال نوشته اند.
- **حضرت قاسم:** قاسم (7) فرزند امام حسن (7) در واقعه عاشورا از امام حسین (7) اذن میدان گرفت. به قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمر بن نفیل اسدی به شهادت رسید.
- **خامنه ای، آیت الله سیدعلی:** از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسی - مبارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به عنوان یکی از مبارزان شاخص خطه خراسان فعالیت های چشمگیری داشت. بارها از سوی رژیم پهلوی بازداشت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. در مسئولیت های مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعالانه در جبهه های جنگ، ترور توسط منافقین در 1360، رئیس جمهوری اسلامی پس از شهادت شهید رجائی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و سرانجام در 14 خرداد 1368 پس از رحلت حضرت امام خمینی توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مسلمان ایران را عهده دار شد.
- **خوارج (مارقین):** نام فرقه ای است از مسلمانان که بعد از جنگ صفین و مسئله حکمیت به مخالفت خلیفه وقت برخاستند. به علی (7) اعتراض کردند که چرا به حکمیت گردن نهاده ای و فرقه ای شدند و به مخالفت علی (7) پرداختند. روزبه روز به شمار آنان افزوده شد. یکبار در حزورا گرد آمدند، با علی (7) جنگیدند و شکست سختی از حضرت علی (7) خوردند. در دوره بنی امیه قدرت بسیار به دست آوردند. به دو قسمت شدند قسمتی در عراق و فارس و کرمان تسلط پیدا کردند و دسته ای در جزیره العرب. این فرقه در عهد امویان یکی از مشکلات بزرگ دولت اسلامی بودند. در نهروان هم بین آنها و حضرت علی (7) جنگ افتاد و سرانجام شکست خوردند. در

آخر یکی از خوارج نهروان به نام عبدالرحمن ابن ملجم، علی (7) را در مسجد کوفه در حین نماز به شهادت رساند. (دهخدا، با تلخیص).

• **دستغیب، عبدالحسین:** (1292-1360 ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب در خانواده اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن 12 سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامه نماز جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلای وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال 1321 دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال 1342، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال 1356 مدتی در خانه خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعه شیراز و ریاست حوزه علمیه فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه 1360 به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوء قصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.

• **دمکرات:** این تشکیلات تحت عنوان «حزب دمکرات کردستان ایران» فعالیت داشته است. مأموریت اصلی این حزب از آغاز تأسیس، فعالیت خودمختاری برای کردستان بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جریان‌هایی بود که آرامش را از کردستان سلب می‌کرد، وابستگی‌های شدید آن به سایر قدرت‌ها موجب شد که با نظام جمهوری اسلامی ایران به تقابل پردازد. از آنجا که حضور قدرتمند و با تدبیر و کارایی خاص نظام در کردستان فلسفه وجودی حزب را از بین برد و نبود پایگاه مردمی او را به انحلال کشیده است. بارها با نیروهای مردمی و مسلح درگیر شده اینک در ایران فاقد پایگاه است و بیشتر در عراق مستقر است. «مصحح».

• **رجایی، محمدعلی:** (1312-1360 ش) در شهرستان قزوین متولد شد، تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامه ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال 1338 وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشته ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال 1359 سمت نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست منافقین کوردل به شهادت رسید.

• **روز 13 آبان:** 13 آبان‌ماه از روزهای فراموش نشدنی در تاریخ معاصر ایران است. پیوند رویدادهای این روز به گونه‌ای است که به خوبی می‌توان از خلال آن تولدی دیگر را یافت. ریختن به بیت حضرت امام خمینی در قم و تبعید ایشان از ایران، حمله به تظاهرات دانشجویان و به خاک و خون کشیدن آنها و بالاخره در نهایت نیز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در این روز روی داد تا برگ دیگری از تاریخ ایران رقم بخورد. آنچه که از خلال این رویدادها به چشم می‌خورد کهنه نشدن آن

است و زندگی‌ای که دوباره از کنار این نعمت همیشگی نصیب مردم ایران شد. 13 آبان نشان داد که هنوز دانشجویان و دانش‌آموزان در تمام امور پیشقدم هستند.

• **روز 15 خرداد 1342:** کفن‌پوشان ورامین در لیبیک به ندای انقلاب حضرت امام به‌سوی تهران حرکت کردند و نیروهای امنیتی و مسلح شاه بسیاری از آنان را شهید کردند. پانزده سال بعد از آن، خون شهیدان به ثمر نشست و امام با افتخار از تبعید بازگشت و در 22 بهمن 1357 انقلاب به پیروزی رسید.

• **روز 17 شهریور:** در 17 شهریور 1357 جمعیت عظیمی از مردم مومن و انقلابی تهران حکومت نظامی ران نادیده گرفتند و با از جان گذشتگی در میدان ژاله (شهدا) تجمع کرده و مزدوران رژیم شاه آنها را به گلوله بستند و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را به خاک و خون کشیدند. بدین ترتیب این روز به نام جمعه خونین یا جمعه سیاه در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد براساس شواهد و قراین تاریخی در آن روز رژیم سفاک پهلوی از مزدوران رژیم صهیونیستی جهت کشتار مردم مومن استفاده کردند.

• **روز 22 بهمن:** پس از اعلان حکومت نظامی، حضرت امام خمینی (ره) اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز دولتی و نظامی و انتظامی ادامه دادند و تقریباً تمام این مراکز با اندک درگیری و مقاومت، تسخیر شد و به دست مردم افتاد. این درگیری‌ها در روز بعد نیز به شدت ادامه یافت و در این روز هزاران زن و مرد و پیر و جوان، هر یک به اندازه توان خود برای سرنگونی نهایی رژیم ظلم و جور، کوشش کردند. آنها با سنگربندی در خیابان‌ها، سینه سپر کردن در برابر تانک‌ها و با فداکاری و جانفشانی، انقلاب را به پیروزی رساندند. نه فقط در تهران، بلکه در تمامی شهرهای ایران، درگیری مردم با بقایای رژیم شاه جریان داشت. هنگامی که خبر حرکت نیروهای نظامی از شهرهای مختلف ایران به سمت تهران برای سرکوب قیام مردم پخش شد، مردم شهرهای مسیر به درگیری با نیروهای نظامی پرداختند و با بستن راه، مانع حرکت آنها به سمت تهران شدند. برخی از فرماندهان رده بالای ارتش در این درگیری‌ها به دست مردم کشته شدند تا سرانجام، ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. سرانجام روز سرنوشت فرا رسید و در 22 بهمن 1357، نظام پوسیده ستمشاهی فرو ریخت و ریشه‌های فاسد دودمان سپاه پهلوی از این کشور اسلامی، کنده شده. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام 2500 ساله شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.

• **شهدای محراب:** حضرت علی (7) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی (7) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربه مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی (7) فرمود: «فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی (7) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.

- **صدام حسین:** رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا از طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و به تصور باطلش ایران پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.
- **صدوقی، شیخ محمد:** در سال 1327 در یزد متولد شد. حدود سی سال در حوزه علمیه اصفهان و قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت، شهید صدوقی در مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) حضور فعالی داشت و در مبارزات مردم یزد همواره به‌عنوان اولین نفر پیشگام بود، در 31 مرداد سال 1358 از سوی امام خمینی به‌عنوان امام جمعه یزد و نماینده ولی فقیه منصوب شد. از تألیفات ایشان می‌توان به شرحی بر «مختصر النافع» محقق اول و «حاشیه بر مدارک» اشاره کرد. در آخرین نماز جمعه‌ای که اقامه کرد در 11 تیر 1361 بعد از اقامه نماز جمعه فرد منافقی با در آغوش کشیدن ایشان و رها کردن ضامن نارنجک وی را به شهادت رساند.
- **عباس بن علی بن ایطالب (7):** فرزند حضرت علی (7) از ام‌البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر، عبدالله و عثمان نوبت به حماسه‌آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه‌اش از امام حسین (7) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی که با حضرت امام حسین (7) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیان آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن‌که قطره‌ای آب بنوشد. به‌سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیان او را به شهادت رساندند. عباس به‌خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی‌هاشم» شهرت داشت. «حسین بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»
- **عملیات کربلای 5:** این عملیات در تاریخ 65/10/19 با رمز یا زهرا (8) در محور شلمچه و شرق بصره آغاز شد. از عملکرد پشتیبانی و مهندسی رزمی بسیار عظیم گسترده‌ای برخوردار بود. مناطق مهم آزاد شده در نتیجه این عملیات عبارتند از: جزایر بوارین، فیاض، ام‌الطویل، ده‌ها روستا و تصرف دریاچه بویان و بخشی از کانال ماهیگیری 14 کیلومتر پیشروی به طرف بصره و آزادسازی 150 کیلومترمربع از مناطق اشغالی، آزادسازی پاسگاه‌های بویان شلمچه، کوت‌سوادی و خین.
- **عملیات والفجر 3:** این عملیات با رمز «یا فاطمة الزهرا» در تاریخ 1362/5/7 ساعت 23/15 دقیقه در منطقه عملیاتی مهران آغاز شد. هدف عملیات تصرف و تأمین ارتفاعات «زالوآب» 343 و نمه کلان بوی کوچک و بزرگ بود. علاوه بر مناطق مورد نظر پاسگاه‌های ایران فرح‌آباد، رضاآباد، پاسگاه‌های عراقی زالوآب و دراجی و سد رودخانه کنجانجم و آزادسازی چندین روستای منطقه و خارج نمودن بخش وسیعی از جاده مهران، دهلران از کنترل دشمن خارج شد. واحد پشتیبانی و مهندسی مرزی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات نقش مهمی داشت.
- **غزوه احد:** یکی از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام (6) بود که در دامنه کوه احد در 4 کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری بین مشرکان قریش و سپاه اسلام رخ داد. در این

جنگ دندان رسول خدا شکست، 74 تن از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مجروح شدند. این جنگ به دلیل غفلت محافظان تنگه احد با شکست مسلمانان مواجه شد.

- **غزوة بدر:** به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم (6) است اشاره دارد. که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با 313 تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی (7) بر دوش داشت. از سوی دیگر سپاه ابوسفیان وقتی از حرکت مسلمانان آگاه شد با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی 950 نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند. ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی (7) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت به طوری که گفته می‌شود 36 تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ 14 تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد 1، سیره ابن هشام، معجم البلدان، ج 1، تاریخ طبری، ج 2).

- **فهمیده، محمدحسین:** نوجوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعده‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهای اولیه برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه 1359 اتفاق افتاد به‌عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجیه قم می‌باشند در زمان جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشتند که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.

- **قاسطین:** لقب آن دسته از اهل صفین که در صف معاویه بودند. امیرالمؤمنین علی (7) می‌فرماید: «مرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین». و این لقبی است که گویند رسول خدا به آنان داده است. در یکی از روایات است که پیغمبر (6) علی (7) را فرمود: تو پس از من با قاسطین و ناکثین و مارقین جنگ خواهی کرد. (نهج‌البلاغه، شرح ابی‌الحدید چاپ بیروت).

- **قیام 19 دی:** قیام 19 دی ماه 1356 سرآغاز مرحله نوبینی از انقلاب اسلامی می‌باشد که طی آن نخستین تظاهرات گسترده مردم مسلمان ایران بعد از قیام 15 خرداد 1342 علیه رژیم طاغوت در شهر قم برپا شد. این قیام به علت درج مقاله‌ای توهین‌آمیز در یکی از روزنامه‌های عصر تهران آغاز شد. روحانیون و مردم با گردهمایی در مسجد اعظم قم، آشکارا سرنگونی حکومت پهلوی را خواستار شدند و همین امر سرآغاز اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران شد و عاقبت در بهمن‌ماه 1357 به پیروزی منتهی گشت.

- **کاخ سفید:** اقامتگاه رسمی و محل کار رئیس جمهور آمریکا در واشینگتن دی.سی

- **کاخ‌های کرملین:** محل استقرار روسای جمهور کشور شوروی است. سال‌ها به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان مرسوم به جناح «کمونیستی و چپ» در سیطره بر برخی از کشورهای دنیا در همین مرکز تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. در واقع نماد قدرت شوروی در برابر آمریکا می‌بود که از طریق کاخ سفید مدیریت می‌شد.
- **کارتز، جیمی:** سی‌ونهمین رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا بود، از سال 1977-1981 در این سمت بود. از جناح حزب دمکرات از مهمترین مسائل دوره ریاست جمهوری او، پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران و کودتای نافرجام طبس را می‌توان نام برد.
- **کودتای طبس:** دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در 13 آبان‌ماه 1358 سفارت آمریکا را که در واقع محل و مرکز توطئه و جاسوس بود اشغال کردند. آمریکا برای آزادی جواساس‌ها برنامه‌ریزی‌ای را در نظر گرفت. از جمله «دلتافورس» و عملیات «ایگل کل» به نیمه عقاب را می‌توان نام برد. عملیات را با 132 نفر نیرو در 1359/2/5 رد صحرای طبس شروع کردند. با همکاری بنی‌صدر و تعطیلی حوزه‌های راهداری هوایی ایران نیروهای آمریکایی ابتدا با 6 دستگاه هلی‌کوپتر را در طبس فرود آمدند. از آنجا که خداوند همواره انقلاب اسلامی را مورد لطف قرار داده است یکی از هلی‌کوپترها در حین برخاستن به هواپیمای سی - 130 مستقر در محل برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد. جیمی‌کارتز رئیس جمهوری وقت آمریکا عملیات را مستقیماً تحت نظر داشت. شهید محمد منتظر قائم فرمانده خبیر و شجاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیرو خود را به محل فرود نیروهای آمریکا می‌رساند تا از مدارک و اسناد موجود و همراه آمریکایی‌ها استفاده کند. پس از انفجار و آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپترها از سوی کاخ سفید اعلامیه توقف و عملاً شکست عملیات و کودتای طبس اعلام شد. بنی‌صدر که در موضع فرماندهی کل قوا بود دستور داد تا هلی‌کوپترهای به‌جای مانده آمریکایی‌ها را بمباران کنند. بسیاری از اسناد محرمانه در این خیانت آشکار بنی‌صدر در آتش سوخت و محمد منتظر قائم که از هلی‌کوپترها پس از فرار آمریکایی‌ها حفاظت می‌کرد به شهادت رسید. متأسفانه از قبل بنی‌صدر جریانی ناسالم را در نیروی هوایی به‌خصوص نیروهای بازمانده از رژیم شاه سازماندهی کرده بود. علاوه بر ازبین رفتن اسناد مهم و شهادت محمد منتظر قائم پنج فروند هلی‌کوپتر مدرن و پیشرفته نیز می‌توانست غنیمتی ارزشمند و تاریخی برای ایران باشد. شکست کودتا سند مبرهنی بر دخالت و رسوایی آمریکا در ایران و در برابر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.
- **مدنی، سیداسدالله:** در سال 1293 هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزه علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور 1360 پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.

- **مردم کوفه:** از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.
- **مسجد الاقصی:** در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود (7) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال 585 میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجد الاقصی در قرآن مجید آیه اول از سوره اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام (6) آمده است: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلأ من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال 1969 میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.
- **مطهری، مرتضی:** (1298-1357 ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزه علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال 1331 بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال 1342 بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پاننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در 11 اردیبهشت 1358 به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.
- **من طلبنی وجدنی و...:** در هیچ‌کدام از کتب روایی حدیث یا عبارتی دقیقاً مثل این عبارت که به‌خصوص در سال‌های دفاع مقدس به «حدیث قدسی» مشهور بود یافت نشد. در وسائل‌الشیعه حدیثی شبیه به این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی اجبته و من سألنی اعطیته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیه و من عرفنی خیرته و من احبنی ابتلیته و من احبته قتلته و من قتلته فعلی دینه و من علی دینه فأننا دینه» (ج 18، ص 419).
- **منافقین:** در سال 1344 با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد 1360 علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.

- **منتظری، حسین‌علی:** در 1357 از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در 1368 به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقه رزمندگان و مردم بودند.
- **ناکثین:** لقبی است که امیرالمؤمنین علی (7) به اهل واقعه جمل می‌دهد. کسانی که در مدینه با علی این ابیطالب (7) بیعت کردند و در بصره عهد خود را شکستند و به جنگ با وی برخاستند.
- **نورمفیدی، آیت‌الله سیدکاظم:** در سال 1319 در خانواده‌ای متدین و اصیل در گرگان دیده به جهان گشود. در 12 سالگی به حوزه علمیه گرگان وارد شد. در سال 1335 عازم مشهد مقدس شد و نزد اساتید بزرگی همچون ادیب نیشابوری دوم به تحصیل علم مشغول شد. در سال 1337 به حوزه علمیه قم رفت و سطوح عالی را نزد اساتید بزرگی همچون حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی گذراند. وی از همان اوان ورود به حوزه علمیه قم شیفته شخصیت والای حضرت امام خمینی (ره) گردید و پس از اتمام سطوح عالی مدتی در درس امام رحمت‌الله حاضر شد و مبلغ مرجعیت امام بود. پس از تبعید امام در درس حضرات آیات محقق داماد، اراکی گلپایگانی و شیخ مرتضی حائری، میرزا هاشم آملی شرکت کرد. در اوایل سال 1358 با حکم شخص امام به‌عنوان امام جمعه و نماینده آن حضرت در این منطقه منصوب گردید. این حکم در سال 1361 بار دیگر با حوزه اختیارات وسیع‌تری مورد تأکید قرار گرفت. در سال 1360 از سوی منافقین کوردل مورد سوءقصد قرار گرفت. پس از رحلت جانگزار رهبر کبیر انقلاب بار دیگر به حکم مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به سمت نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه گرگان منصوب شد.
- **هابیل:** فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سرانندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)
- **هفت تیر (سرچشمه):** دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر 1360 به‌وسیله بمب منفجر گردید و بیش از 72 تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی - که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت - به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هل من ناصر ینصرنی:** عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین (7)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یدب عن حرم الرسول» (ص 506) ترجمه: آیا دلرحمی هست که بر آل رسول

مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول (6) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول (3)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول (6) دفاع کند؟